جمال الصالحین

فارسی

حسن بن عبد الرزاق الاهیجانی

سنه ۱۱۱۰

نسخ معرب و نستعلیق

ص ۳۲۶

جمال الصالحین

فارسی
حسن بن عبد الرزاق الاهیجانی

سنه ۱۱۱۰
نسخ معرب و نستعلیق
ص ۳۳۱

رب ن کثت علیهم افضل الصلوة واکمل السلام ما تبلج النهار بالتنویر
وتجنح اللیل بالظلام اما بعد چنین گوید احوج عباد الله الی فضل ربه حسن مولف
بن عبد الرزاق جعلهما الله من التوابین والمتطهرین وجعلهما من عباده الصالحین که
این مجموعه ایست موسوم بکحال الصالحین در بیان فضایل وآداب واعمال ومحاسن نام کتاب
اخلاق وافعال که مؤمن را در اکثر اوقات واحوال ملاحظه ومراعات آن باید نمود
واز مواظبت آن غافل نباید شد بتوفیق الله تعالی وعونه نوشته می شود برای
جمعی از مؤمنان که زبان عربی ندانند واستنباط آثار از کتب اخبار نتوانند تا
انشاء الله از فضایل آن محروم نمانند وهمه آنها از اصول احادیث واخبار وکتب
آداب وآثار اهل بیت اطهار صلوات الله علیهم اجمعین صلوات باقیات الی
یوم الدین انتخاب می شود وبجهت اینکه موجب بسیاری فواید بی ثونت
تطویل کلام بزواید عتب نشود ودر اکثر مواضع تصریح بلفظ وروایت بمثال
آن ننموده اکتفا بترجمه آن می شود واین مطالب انشاء الله در مقدمه و دوازده

باب و خاتمه بیان شود و تفصیل آن برین وجه است **مقدمه** در ذکر احادیث
و اخبار و نکات و اسرار چند که بر سبیل اجمال باعث ترغیب بطاعت و فضایل
اعمال و موجب کراهت معاصی و رذایل افعال گردد **باب اول** در فضل عقل
و علم و مکارم اخلاق و صفات و رذایل مناهی و معاصی و دوای ذنوب
و سیئات و این مجموع انشاء الله در چهارده فصل بیان شود **فصل اول**
در فضایل عقل و علم **فصل دویم** در صفات مؤمن بر سبیل اجمال **فصل سیم**
در مکارم اخلاق و صفات **فصل چهارم** در بر والدین **فصل پنجم** در صله رحم
فصل ششم در حق جوار **فصل هفتم** در الفت و محبت و زیارت مؤمنان **فصل هشتم**
در آداب ملاقات و مجالست **فصل نهم** در سکوت و کلام **فصل دهم** در اکرام
و توقیر مؤمن **فصل یازدهم** در سرور مؤمنان و قضای حاجت ایشان **فصل دوازدهم**
در رذایل معاصی و مناهی بر سبیل اجمال **فصل سیزدهم** در رذایل بعضی معاصی و
مناهی بر سبیل تفصیل **فصل چهاردهم** در دوای معاصی و سیئات **باب دویم** در

تنزیف بدن و جامه از کثافت و اخباث ظاهری و تطهیر جسد و دل از کدورات
و احداث باطنی و این مجموع انشاء الله در ده فصل بیان شود **فصل اول**
در فضیلت نظافت **فصل دویم** در آداب حمام رفتن و آنچه در آن جا باید
بجای آوردن **فصل سیم** در فضیلت شارب گرفتن و ناخن چیدن و آداب آن
فصل چهارم در فضایل خضاب و آنچه متعلق است بآن از آداب **فصل پنجم**
در فضایل موی شانه کردن و آداب آن **فصل ششم** در فضایل سرمه کشیدن و
آئینه گرفتن و آداب آن **فصل هفتم** در بیان قضای حاجت و آداب آن
فصل هشتم در فضایل مسواک کردن و آداب آن **فصل نهم** در فضایل
وضو و غسل و آداب آن **فصل دهم** در فضایل بوی خوش و آداب آن **باب سیم**
در فضایل نماز و متعلقات آن و ذکر بعضی ادعیه مخصوصه بساعات و فضایل قرآن
و این مجموع انشاء الله در پانزده فصل بیان شود **فصل اول** در فضایل نمازهای
فریضه یومیه و ذکر جماعت و فضایل این سنت سنیه **فصل دویم** در ذکر نوافل

یومیه و ذکر فضایل این سنت سنیه ۲ فصل سیم در اوقات نمازها و فضایل
آن و احکام متعلق بآن ۳ فصل چهارم در فضایل مسجد و آداب متعلق بآن ۴ فصل پنجم
در کیفیت توجه بنماز و فضایل اذان و اقامه و احکام متعلق بآن ۵ فصل ششم
در کیفیت اشتغال بنماز و آداب آن ۶ فصل هفتم در اشاره باسرار مقدمات و
اعمال نماز و ذکر بقیه آداب و افعال آن ۷ فصل هشتم در فضایل تعقیب و کیفیت آن
۸ فصل نهم در فضایل اذکار ساعات شبانه روز و اوراد صبح و شام و ذکر
فضایل شبانه روز جمعه و ادعیه مخصوص بآن در میان لیالی و ایام ۹ فصل دهم
در نوافل یومیه بر سبیل تفصیل و بیان ذکر و آداب و ادعیه متعلق بآن ۱۰ فصل یازدهم
در ذکر بعضی افعال که در اثنای نماز توان کرد ۱۱ فصل دوازدهم در آداب جماعت
۱۲ فصل سیزدهم در احکام سهو و شک و عروض بعضی حوادث در نماز ۱۳ فصل چهاردهم
در ذکر بعضی دیگر از نمازهای مفروضه و مندوبه ۱۴ فصل پانزدهم در فضایل قرآن و آداب
تلاوت آن باب چهارم در فضایل ذکر و دعا و احکام متعلق بآنها و این مجموع ان شاء الله

در ده فصل

در ده فصل بیان شود ۱ فصل اول در فضایل ذکر ۲ فصل دویم در فضایل
بعضی اذکار مخصوصه ۳ فصل سیم در فضایل ذکر اهل بیت علیه السلم و صلوات
بر ایشان و بعضی امور مناسب آن صلوات الله علیهم اجمعین ۴ فصل چهارم
در فضایل دعا و بعضی امور متعلق بآن ۵ فصل پنجم در اسباب اجابت دعا
و بعضی احکام متعلق بآن ۶ فصل ششم در ذکر جمعی که دعاشان مستجاب شود
و بعضی که دعاشان مستجاب نشود ۷ فصل هفتم در فضایل دعا برای مؤمنان
۸ فصل هشتم در ذکر بعضی ادعیه و وسایل حاجات ۹ فصل نهم در تعویذ و حرز
از مخاوف و مکاره ۱۰ فصل دهم در بعضی ادعیه متبرکه ماثوره باب پنجم در آداب
عادات و مجاری احوال و سایر جزئیات تا مصالح افعال باین مجموع ان شاء الله در
دوازده فصل بیان شود ۱ فصل اول در انواع لباس و آداب پوشیدن آن ۲
فصل دویم در قدر طعام خوردن و آداب متعلق بآن ۳ فصل سیم در آداب
طعام خوردن و آداب متعلق بآن ۴ فصل چهارم در فضایل بعضی انواع ماکولات ۵

فصل پنجم درفضایل اب وانچه متعلق است بان ازاداب ۶ فصل ششم درفضایل
ضیافت کردن واحکام متعلق بان ۷ فصل هفتم دراداب مسکن واحکام متعلق بان
۸ فصل هشتم دروظایف شب واداب خواب وبیداری ۹ فصل نهم دراداب
بیرون رفتن ازخانه وراه رفتن وسوار شدن وفضایل دواب وحقوق ایشان
۱۰ فصل دهم درفضایل واداب مکاسبات ومعاملات ۱۱ فصل یازدهم درفضایل
مرض وعیادت مریض ومعالجات امراض ۱۲ فصل دوازدهم درسایر جزئیات عادات
باب ششم درحقوق اموال ورعایت احوال عیال واین مجموع انشاء الله در ده
فصل پایان شود ۱ فصل اول درجود وبخل ۲ فصل دویم درفضایل زکوه وعقوبت
منع ان ۳ فصل سیم درصله اهل بیت طاهرین وذریت طیبین واتباع ایشان
ازمومنین سلام الله علیهم اجمعین ۴ فصل چهارم درفضایل معروف واحسان
۵ فصل پنجم درفضایل صدقه ۶ فصل ششم درمذمت سوال وردسایل ۷
فصل هفتم دررعایت حال عیال ۸ فصل هشتم دراحسان مومن باطعام وجامه ۹ فصل نهم

درفضایل

درفضایل قرض دادن واحکام متعلق بان ۱۰ فصل دهم درسایر وجوه خیر وبر
باب هفتم درفضایل روزه واحکام متعلق بان ازاداب وفضل اعتکاف ومتعلقات
ان ازاداب وثواب واین مجموع انشاء الله درده فصل پایان شود ۱ فصل اول
درفضایل مطلق روزه ۲ فصل دویم درفضایل روزه ماه رجب ۳ فصل سیم درفضایل
روزه ماه شعبان ۴ فصل چهارم درفضایل روزه ماه مبارک رمضان ۵ فصل پنجم
دراداب صایم ۶ فصل ششم درسجود ۷ فصل هفتم درافطار ۸ فصل هشتم درتفطیر صایم
۹ فصل نهم درفضایل افطار کردن برای سرور مومن ۱۰ فصل دهم دراعتکاف باب هشتم
دراعمال شهور واعوام ولیالی وایام ومقصود ازین باب انشاء الله دردوازده فصل پایان شود
۱ فصل اول دراعمال روز نوروز وفضایل آن ۲ فصل دویم درفضایل هر ماهی که
اختصاص بماهی ندارد ۳ فصل سیم دراعمال ماه محرم الحرام ۴ فصل چهارم دراعمال ماه
صفر ۵ فصل پنجم دراعمال ماه ربیع الاول ۶ فصل ششم دراعمال ماه رجب المرجب
۷ فصل هفتم دراعمال شهر شعبان المعظم ۸ فصل هشتم دراعمال ماه مبارک رمضان ۹

فصل نهم در اعمال شبانه روز عید فطر ۱۰ فصل دهم در اعمال شهر ذی القعدة
الحرام ۱۱ فصل یازدهم در اعمال شهر ذی الحجة الحرام ۱۲ فصل دوازدهم در ذکر حدیثی در فضایل
شهور و اعوام و لیالی و ایام بر سبیل اجمال باب نهم در تزویج و احکام متعلق بآن و
مقصود ازین باب ان شاء الله در دوازده فصل پایان شود ۱ فصل اول در فضایل
تزویج و کراهت عزوبت ۲ فصل دویم در فضایل متعه و سریه ۳ فصل سیم
در اختیار زوجه و صفات زنان ۴ فصل چهارم در اوقات تزویج و آداب آن
۵ فصل پنجم در آداب زفاف ۶ فصل ششم در ثواب مباشرت و آداب و اوقات
آن ۷ فصل هفتم در طلب فرزند ۸ فصل هشتم در فضایل حمل و ولادت و احکام
متعلق بآن ۹ فصل نهم در آداب تولد طفل و نام گذاشتن و عقیقه و ختنه کردن ۱۰
فصل دهم در فضایل اولاد و تربیت ایشان ۱۱ فصل یازدهم در حقوق زوجین بر یکدیگر
۱۲ فصل دوازدهم در بعضی نوادر مناسب این باب باب دهم در آداب سفر و احکام
متعلق بآن و این مجموع ان شاء الله در ده فصل پایان شود ۱ فصل اول در بعضی مقدمات

سفر

سفر ۲ فصل دویم در اختیار ساعات برای سفر ۳ فصل سیم در تحصیل رفیق
و تهیه اسباب و بعضی مناسبات این باب ۴ فصل چهارم در افتتاح سفر
بدعا و صدقه ۵ فصل پنجم در وداع و مفارقت ۶ فصل ششم در آداب
سوار شدن و راه رفتن ۷ فصل هفتم در آداب متعلق بمنزل ۸ فصل هشتم
در آداب سفر دریا ۹ فصل نهم در مکارم اخلاق و آداب رفاقت در سفر
۱۰ فصل دهم در رجوع از سفر ۱۱ باب یازدهم در فضایل حج و عمره و زیارت و مقصود
ازین باب در ده فصل پایان شود ۱ فصل اول در فضایل حج و عمره و زیارات
۲ فصل دویم در زیارت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم ۳ فصل سیم در زیارت
سایر اهل بیت صلوات الله علیهم بر سبیل اجمال ۴ فصل چهارم در زیارت حضرت
امیر المؤمنین صلوات الله علیه ۵ فصل پنجم در زیارت حضرت امام حسین
صلوات الله علیه ۶ فصل ششم در زیارت حضرت امام رضا علیه السلم ۷ فصل هفتم
در آداب و کیفیت زیارت اهل بیت طاهرین صلوات الله علیهم ۸ فصل هشتم در نیابت

وشراکت در حج وعمره وزیارت ۹ **فصل نهم** در فضایل اماکن مقدسه که در ان
حدود واقع است ۱۰ **فصل دهم** در فضایل زیارت ذریت طیبین وصلحای مؤمنین
۱۲ **باب دوازدهم** در احکام متعلق باموات وزیارت قبور مؤمنان بعد از وفات
واین مجموع است ان شاء الله در ده فصل پایان شود ۱ **فصل اول** در وصیت وصحیفه
شهادت ۲ **فصل دویم** در آداب حالت احتضار وفضایل بعضی اوقات
واحوال که وفات در ان اتفاق افتد ۳ **فصل سیم** در تجهیز میت ۴ **فصل چهارم**
در شنیدن خبر وفات ودیدن جنازه وتشییع وتربیع آن ۵ **فصل پنجم** در نماز
میت ۶ **فصل ششم** در مکان قبر وآداب دفن ۷ **فصل هفتم** در ثواب وآداب
مصیبت وعزا ۸ **فصل هشتم** در ثواب وآداب تعزیه واکرام یتیم ۹ **فصل نهم**
در هدیه برای میت واعمالی که باو نفع رساند ۱۰ **فصل دهم** در زیارت قبور **خاتمه**
در مواعظ ونصایح فواید متفرقه **مقدمه** در ذکر احادیث واخبار ونکات واسرار چند که
بر سبیل اجمال باعث رغبت وفضایل اعمال که موجب کراهت معاصی ورذایل افعال

گردد **بدانکه** در احادیث اهل بیت طاهرین صلوات الله علیهم ثابت ومحقق
گشته که خدای تعالی ایمان را بر اعضای انسان قسمت نموده وبهر عضوی جزئی
از ان احسان فرموده مثلا بر دل واجب گردانیده یقین کردن واعتقاد کردن
بانکه خدای تعالی منزه است از انکه اورا شریک ونظیر وشبیه ووزیر باشد
یا احدیرا در مملکت سلطنت او دخلی وتصرفی وتدبیری وتکلفی تواند بود بی اراده
او ومقدس از انست که عیب وعار وقصور وانکسار بذروه جناب جلال او گذار
تواند نمود وغنی تر از انکه احتیاج وافتقار بمعاونت اغیار پیرامن عظمت وجبروت
او گردد ورفیع تر از انکه مکان وزمان وحرکت وانتقال وتغیر احوال نزدیک حوالی
کبریاء او شود وقوی تر از انکه ظلم وزور وعجز وفتور بجوار قدرت او از دور توهم
عبور نماید واعتقاد نمودن بانکه حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه وآله خاتم النبیین وسید المرسلین
وافضل اولین واخرین است وهرچه گفته از حلال وحرام ومدایح ومذام همه را از جانب
خدا گفته وهمه حق وصدقست وبانکه اهل بیت طاهرین او علیهم السلام اوصیای او وخلفای

خدا او اعلام رشاد و ائمه هدا نیده و بعد از او افضل جمیع اهل عالم و اشرف کافه نوع
بنی آدم اند و ایشان وسیله فیض و رحمت و واسطه فضل و نعمت خدا اینند
در دنیا و آخرت و هر کس اهانت انکار ایشان کرده و غصب حق ایشان نموده
و هر کس اعانت ان کرده و راضی بان بوده کافر و ملعون و منافق و مطعون است
و واجب است بغض او و برائت از او و نیز بر دل واجب است کردانیده راضی بودن
و تسلیم نمودن بهرچه خدای تعالی و پیغمبر و خلفای او صلی الله علیهم کفته و کرده و
و خواسته اند و بر زبان واجب کردانیده اقرار کردن و اعتراف نمودن بهرچه دل
بان اعتقاد کرده و همچنین بر چشم و کوش و دست و پا و هر یک از اعضا امری
چند حرام کرده و از ان نهی فرموده که مجمل تفصیل انها انشاء الله در تضاعیف
این مجموعه بیان شود و نیز اخبار بسیار از ائمه اطهار علیهم السلم روایت شده که
صفات حسنه را علامات اسلام و ایمان و صفات ذمیمه را بعضی علامت نفاق
و بعضی علامت کفر و بعضی علامت ضلال شمرده اند و هم از ایشان علیهم السلام

مرویست که

مرویست که ایمان سه قسمت تام و ناقص و زاید ایمان تام انست که از جمیع محرمات و
معاصی اجتناب نماید و جمیع محرمات فرائض و واجبات را بعمل آورد بکیفیتی که هیچ معصیتی
از و صادر نشود و هیچ فریضه ترک نکردد و ایمان ناقص انکه بعضی معاصی بصدور اید یا بعضی
از واجبات ترک شود و بقدر انکه واجبات کمتر و معاصی بیشتر باشد نقصان ایمان بیشتر
بود و ایمان زاید انکه زیاده بر واجبات مستحبات و مندوبات نیز صادر شود و زیاده
بر محرمات مکروهات و مذمومات نیز صادر نشود و هر قدر مستحبات بیشتر و مکروهات
کمتر ایمان زیاده تر باشد و هم از ایشان صلوات الله علیهم مرویست که چون کسی
مرتکب معصیتی شود و یا ترک فریضه نماید و آنرا حلال نداند از ایمان بیرون رود و اسم
مومن بر او صادق نیز بیرون رود و کافر باشد یا نباشد و هم از ایشان علیهم السلم اخبار
بسیار آمده که اگر کسی ترک فریضه نماید که در ان لذتی و شهوتی نبود مانند ترک
نماز کافر شود زیرا که سبب ترک در اینصورت بغیر استخفاف و بی حرمتی بان فریضه
چیزی دیگر نباشد و هر کس استخفاف بفریضه نماید کافر باشد و از امام همام محمد بن

علی الباقر علیهما السلم مرویست که فرمود ای جابر آیا بس است کسی را که دعوی
تشیع مایکند و تشیع را بر خود می بندد همینکه بگوید من دوستدار اهل بیتم والله
که شیعه ما نیست مگر کسی که از معصیت خدا پرهیز کند و اطاعت خدای نماید و این
جماعت را نتوان شناخت مگر بتواضع و خشوع و امانت خدای عز و جل و بیاد
داشتن خدای در مجاری احوال و سوانح اعمال و نماز گذارند و روزه گیرند و اطاعت
والدین نمایند و رضای ایشان جویند و تعهد احوال همسایگان و فقرا و مساکین و
قرض داران و ایتام نمایند و اعانت ایشان کنند و دین ایشان ادا نمایند و حاجت
ایشان برآرند و راستگوی باشند و تلاوت قران نمایند و زبان از مردمان باز
دارند مگر بخیر و امین قبیله خود باشند پس جابر گفت یابن رسول الله بایصفات کسیکه
میفرمائی درین روزگار نمی شناسیم پس آنحضرت فرمود ای جابر خیالهای بیفایده
مکن و راههای بی منفعت مرو آیا بس است همینکه کسی گوید علی را دوست میدارم و
تولی باو می نمایم و حال آنکه اطاعت او نکند و فرمان او نبرد پس اگر گوید رسول الله را

دوست

دوست میدارم و حال آنکه رسول الله صلی الله علیه و اله بهتر از علی بود و پی روی او
نکند و طریقه او نه پیماید و عمل بسنت او ننماید محبت او آنکس را هیچ سود ندهد پس
از خدای پرهیزید و اطاعت خدای نمائید تا بکرامت فضل و ثواب او فایز شوید
میان خدا و هیچکس از بندگانش خویشی و قرابتی نیست که اعتماد بران کند و توسل
بان جوید دوست ترین مردمان نزد خدای آنانند که پرهیزگارتر باشند و عمل بطاعت
او بیشتر نمایند ای جابر والله که نزدیکی بخدا حاصل نشود مگر بطاعت او و برات کسی از
آتش با ما نیست و کسی را بر خدای حجتی نه هرکس مطیع خداست دوست ماست و هرکس
عاصی خدا باشد دشمن ماو هیچکس را بدوستی ما دسترس نیست مگر بطاعت خدا و فرمان
بری او و ورع از معصیت خدا و نافرمانی او و از امام جعفر بن محمد الصادق علیهما السلم
مرویست که فرمود ما اصل هر خیریم و فرع ماست هر نیکوئی و از انجمله است توحید
خدای عز و جل نماز و روزه و خشم فروبردن و عفو نمودن از کسی که بدی باو کرده باشد
و ترحم بر فقرا و تعهد احوال همسایگان و اقرار نمودن برای هر صاحب فضلی بحقی بفضل

٩

او و دشمنان ما مانند اصل هر شری و فرع ایشانند هر قبیحی و از انجمله است دروغ
گوئی و بخیلی و سخن چینی و ارتکاب فواحش و معاصی ظاهر و پنهانی و زنا و دزدی
و هر چه مانند این باشد از قبایح و مناهی پس کسیکه دعوی محبت و ولایت ما کند
و متعلق بفروع اعدای ما باشد در دعوی خویش کاذب باشد پس از مجموع این احادیث
و اخبار و مانند این روایات بسیار که ذکر ان همه در حوصله این مقدمه نگنجد واضح
و محقق و ظاهر و مبین است که هر کسی بقدر انکه ورع و طاعت و تقوی و طهارتش
بیشتر باشد درجه اش با ایشان نزدیکتر بود و هر کس بقدر انکه معصیت و فجور و رذالت
و شر و رش بیشتر از ایشان دورتر و بیگانه تر و بدشمنان ایشان مناسبتش بیشتر و
مرتبه اش نزدیکتر بود پس چون روز قیامت عدل الهی خیر و شر و خبیث و طیب را از
یکدیگر جدا کند و ممیز فرماید نعوذ بالله و بفضله اگر رحمت الهی و شفقت نامتناهی مانند
و امامدگان را همراهی ننماید هر فرعی باصل خود ملحق گردد و لا عصمة الا بالله و صلی الله
علی محمد واله الطاهرین و لعن الله علی اعدائهم اجمعین و جعلنا معهم و لا فرق بیننا و بینهم

بفضله ومنه

باب اول

در فضایل عقل و علم و مکارم اخلاق و صفات و رذایل معاصی
و مناهی و دوای ذنوب و سیئات و این مجموع ان شاء الله در چهارده فصل بیان شود

فصل اول

در فضایل عقل و علم از اهل بیت حکمت و نبوت صلوات الله مرویست
که افضل عطایا و اشرف مواهب الهی عقل است اگر عقل نبودی دین تمام نشدی
و اوامر و نواهی که مدار ثواب و عقاب و فضایل و کمالات و ارتفاع درجات و درجات
عالیات و منازل سامی و مراتب گرامی و کرامات نامتناهی و قرب و جنات الهی است
تحقق نگشتی جبرئیل برسالت عقل و دین و حیا را نزد آدم آورد و گفت هر کدام را
خواهی اختیار کن عقل را اختیار کرد پس جبرئیل بدین و حیا گفت شما براه خود بروید
گفتند خدای تعالی ما را رخصت مفارقت عقل نداده هر جا عقل است ما ملازم باشیم
هر کرا عقل منیع تر مرتبه رفیع تر چون یکعمل را مثل نماز و روزه و غیر ان چند کس کنند
با انکه عمل یکیست فضل و ثواب بقدر تفاوت عقول متفاوت باشد عابدی مدتها در
جزیره عبادت میکرد فرشته را نظر براو افتاده از کثرت عبادت او تعجب نموده از جناب

الهی خواست که منزلت و ثوابش را ببیند چون باو نمودند در برابر ان عبادت
قلیل پنداشت پس خطاب رسید که نزول نموده عقلش را امتحان نمای پس او
آمده صحبت آغاز نموده گفت خوب جائی و خوش مکانی داری عابد گفت بلی کاش
خدارا الاغی بودی تا درین جزیره رعایت کردمی و آب و علف بدین لطافت ضایع
نگشتی چون ملک این مکالمه دید از باب کنایه باو گفت مگر خدا خر نیست پس رجوع
نموده خدای تعالی باو وحی نموده فرمود بقدر عقلش ثوابش دهم و کسی را بکثرت
عبادت ستایش می نمودند امام علیه السلام فرموده عقلش چونست گفتند اندکی
نیست فرمود از ان عبادت نیز انقدر بهره نیست و امثال این احادیث و اخبار بسیار است
و از حضرت امام علیه السلام پرسیدند که عقل کدام است فرمود انکه در امور دین امین
و در کار عقبی بینا باشد و بان اکتساب جنان و اجتناب از نیران حاصل شود گفتند
پس انچه معویه داشت چه بود فرمود مکر و شیطنت بود و هم از ایشان علیهم السلام مرویست
که طلب علم فرض است بر هر مسلم و عالمی که مردم از علمش منتفع شوند بهتر از هفتاد هزار عابد

در فضل علم

باشد تا ابتدای عرش و هر کس در ترک معصیت صبر کند برای او نهصد درجه بلند کند که تا بین
هر دو درجه از اطراف زمین تا منتهای عرش باشد و بهشت محفوف بمکاره
و صبر و دوزخ محفوف بلذات و شهوات هر کس بر مکاره صبر کند داخل بهشت
شود و هر کس پیروی شهوات نماید لایق دوزخ بود و چون مومن داخل قبر
شود نماز در دست راستش ایستد و زکات در دست چپ و بر سرش سایه
کند و صبر در کناری ایستاده گوید شما در جواب منکر و نکیر اعانت صاحب
خود کنید اگر عاجز آیید من او را دریابم و هر کس صبر کند و تقضای خدای تعالی
در نفع و ضرر و خیر و شر رضا دهد و غیر از رضا و تسلیم چیزی بخاطرش خطور
نکند خدای تعالی برای او بغیر خیر راضی نشود و هیچ چیز از خدا نخواهد الا انکه
مستجاب شود خدای تعالی برای عباد خود نخواهد مگر خیر اگر یکی را بانواع
بلا مبتلا سازد خیرش دران باشد و اگر دیگری را پادشاه مشرق و مغرب
گرداند مصلحتش دران بوده خدای تعالی فرموده که هر کس بقضای من رضا

دهد و بر بلای من صبر کند و بنعمای من شکر گذارد و در نزد من از جملهٔ صدیقین
باشد و هر کس بقضای خدا راضی و بقضا صابر و نگذرد اجر او عظیم بود و اگر بقضا
راضی نشود و قضا خود بگذرد و اجرش باطل شود و فرموده هر کس از همه خلایق قطع
امید کند و طمع برگیرد و توکل و اعتماد بر من کند و پناه بمن آورد و درین امر نیتش
صادق باشد اگر تمام سموات و ارض و اهل آن در صدد کید و مکر و ضرر او باشند
من او را از ایشان حفظ کنم و هیچ ضرر باو نرسد و اگر اعتماد بخلق کند و تکیه بر ایشان
نماید اسباب رحمت خود را از و قطع کنم و هر چه بر سرش آید پروا نکنم و حضرت
صادق علیه السلام فرموده هر کس خواهد هیچ چیز از خدا سؤال نکند مگر آنکه عطا فرماید
باید قطع امید از همه کس نماید و امید بغیر از خدا ندارد و چون خدای تعالی
دلش را درین صادق یابد هر چه سؤال کند عطا فرماید و معنی توکل نه اینست که
کسی ترک سعی کسب و کار رها کند که چنین کسی اگر دعا کند مستجاب نشود چنانکه
ان شاء الله بیاید بلکه اینست که مکاسب و معاملات و هر چه مقدور باشد در طریقه

حلال

حلال میکرده باشد اما اعتماد بر آنها و بر هیچ چیز نکند بغیر از خدای تعالی و غیر
او هیچ چیز و هیچکس را کارساز نداند و سعی معاملات و غیر آن را همه واسطه و وسیله
روزی داند که خدای تعالی برای صلاح حال و نظام خلق مقدر فرموده تا هر کس
حکم و رضای او را در آن رعایت کند و بامر او عمل نماید مستحق فضل و ثواب و نعیم
بی حساب شود و هر کس مخالفت آن کند و متابع نفس و هوا و اطاعت شیطان
کند و بحلال اکتفا ننموده بحرام رغبت نماید مستوجب زجر و عقاب گردد و حضرت
امام علیه السلام بکسی گفت همیشه دعا کن که خدای تعالی ترا از جملهٔ معارین نگرداند
و از حد تقصیر بیرون نیاورد آنکس گفت معارین کیانند فرمود آنها اند که ایمان مدتی
پیش ایشان عاریت بعد از آن سلب شود و آنها معنی خروج از حد تقصیر چیست فرمود آنکه
که هر چند عبادت بیشتر کنی خود را در آن مقصر دانی که حق عبادت و کس نتواند ادا کند
و خدای تعالی فرموده که تکیه بر عبادت و عمل مکنید که اگر کسی تمام عمر در عبادت
من کند و لحظهٔ فارغ نباشد او هنوز مقصر باشد و حق بندگی من بجای نیاورده

باشد که اعتماد بر رحمت من کنید و امید بفضل من دارید و بحسن ظن با من
معامله نمائید که من پیش ظن بندگان خودم هر بنده بمن گمان دارند و از من امید
داشته باشند و آنقدر امید برحمت خدا باید داشت که اگر با گناه ثقلین بمحشر
آئی بر تو رحم نماید و آنقدر نیز خوف از عقوبتش باید داشت که اگر با حسنات
ثقلین آئی قبول نفرماید و در دل مؤمن دو سطر از نور نوشته یکی خوف و یکی
رجا که اگر با هم سنجیده شود هیچکدام بقدر ذره زیادتی نکند و بحضرت امام
جعفر صادق علیه السلام گفتند که جمعی از موالی شما معاصی میکنند و میگویند ما امید
برحمت خدا داریم فرمود که دروغ میگویند نه موالی ما اند و نه رجا دارند هر که امید
بچیزی باشد طالب آن بود و هر که را خوف از چیزی باشد از آن بگریزد و فرمودند
که شیعه ما نیست مگر کسی که طاعت خدا کند و از معصیت اجتناب نماید حضرت
پیغمبر روزی فرمود که بنی عبد المطلب میگویند که محمد از ماست هر جا او باشد
ما نیز باشیم و ندانند که اولیای من نیستند مگر متقیان از شما خواه [illegible]

آن

آن بیرون آمده ام چون روز قیامت شما دنیا را و دیگران آخرت را بر دوش
نهاده و بار کرده بیایید شما را نشناسم و خویشی شما سود ندهد و حضرت امیر المؤمنین
صلوات الله علیه و آله روزی خطبه خوانده فرمود ای مردمان و الله که من یک درهم
در مال شما نقصان نکنم عقیل برادر آنحضرت برخواسته گفت تو مرا و سیاه
حبشی را برابر میدهی فرمود که خاموش باش چه امتیاز تو از سیاه حبشی مگر بکثرت
تقوی بیشتر در جهت رفعت از حضرت امام جعفر صادق ع سوال کردند از
تفسیر آیه وَقَدِمْنَا إِلَىٰ مَا عَمِلُوا مِنْ عَمَلٍ فَجَعَلْنَاهُ هَبَاءً مَنْثُورًا یعنی روز قیامت
متوجه اعمال ایشان شویم و چون غبار بر باد دهیم فرمود که والله که ایشان جمعی اند
که اعمال و عبادتشان در نیکویی بکمال رسیده اما چون نوعی از معصیت ایشان را و
بر خیزد و او اجتناب نه نمایند پس اعمال ایشان سود ندارد و از ایشان علیهم السلام
مرویست که از ما نیست کسی که هر روز محاسبه نفس خود نکند و ملاحظه اعمال
خود ننماید و نه بیند که چه کرده و چه میکند و در قیامت پنجاه موقف برای

حساب متعذر است که هر کدام مقام هزار سال است و هر کس در دنیا محاسبه خود
کند بعد از آن از مواقف حساب قیامت خلاص باشد و هر چند بیشتر تغافل کند زیاده
دران روز برای حساب بیشتر توقفش باید پس محاسبه خود کنید پیش از آنکه
برای حساب توقف نمایید و معنی محاسبه نفس آنست که چنانکه با شریک و تجار
در هر دانگ دنیا معامله میکنی حساب هر ساعت و هر دقیقه عمر خود طلب نمایی
و هر لحظه ملاحظه کنی اگر طاعت و خیر کرده باشی باید خدا را شکر کنی و توفیق زیادتی
طلب نمایی و اگر در باطل و معصیت گذشته خود را بران توبیخ و عتاب کنی
و استغفار نمایی و در صدد تلافی و تدارک او باشی و نگذاری که تیری
در سر رشته دیوان عمر ثابت شود یا حقی از ان فوت شود و هر کاری که
بکنی و تأمل کن اگر نفع آخرت یا دنیا باشد بشرطی که با آخرت مضرت نکند متوجه
او شوی و اگر با آخرت مضرت کند بلکه همین که نفع نکند از ان بگذری و عمر را
مشغول آن نسازی که چون شغل بی منفعت است اگرچه در و عذاب نباشد همین

مضرت

مضرت او این بود که مانع خیر و منفعت شود که روز قیامت هیچکس از حسرت
و ندامت خالی نباشد خوبان از حسرت آنکه چرا بیشتر نکرده و بدان از حسرت آنکه چرا
بد کرده اند مگر کسی که بفضل توفیق الهی ضبط ساعات عمر عزیز کرده اند و آنرا از
صرف در باطل و بیفایده محافظت نموده در طاعت و عبادت خدا گذرانیده
باشند پس خود را از اشتغال این امور باید فارغ سازی و مشغول عبادت و طاعت
گردی و مجملا هرچه رضای خدا در ان میبینی بکنی و خود را از باطل و بیفایده ای
طاعت و عبادت خدا فارغ گردانند و او را مانع هر کاری دانند خدای تعالی
دلش را از خوف خود لبریز یعنی از خلق مملو گرداند و متکفل حوایج و مطالب او
شود و در کارها او را بدیگری نگذارد و هر کس را برای طلب باطل و شغل بیحاصل
ترک عبادت و طاعت کند و آنرا مانع این داند خدای تعالی دلش را مشغول
دنیا و محبت آن گرداند و او را از کفالت رحمت خود بخود واگذارد
و نعوذ بالله چون کسی را خدای تعالی بغیر خود واگذارد از جمیع خیرات و کرامات

بی‌نصیب شود و اگر در آن بماند عاقبت در دوزخ مخلد گردد و مرویست که حضرت
یونس را بقدر یک چشم زدن وا گذاشت طعمهٔ ماهی گشت و نیت عبادت هر کاری
که کنی باید از ریا و غرضهای باطل دنیا برای خدا و رضای او و توقع رحمت و ثواب او
خالص گردانی که جزای هر عمل بمقتضای نیت آن باشد و اگر نیت خیر و حق باشد
اطاعت خدا بود و جزایش خیر و رضای خدا باشد و اگر نیت شر و باطل باشد طاعت
شیطان و جزایش مثل آن بود و هر کس عمل برای خدا کند اجر و ثوابش بر خداست
و اگر برای غیر خدا کند خدای تعالی او را با آنکه عمل برایش کرده واگذارد و از
فضل و رحمت خود محروم گرداند حضرت پیغمبر ص فرمود زمانی بیاید که مردم
عبادت و طاعت را برای اغراض دنیا کنند پس خدای تعالی ایشان را بعقوبت
و بلا مبتلا گرداند و هر چند مثل غریق دست و پا زنند تضرع و دعا کنند مستجاب
نشود و مرویست که نگاه داشتن عمل مشکل ترست از عمل کردن و چون کسی عمل
صالحی مثل تصدق و صلهٔ رحم و غیر آن پنهانی برای خدا کند ثوابش پنهانی نویسند

یعنی

یعنی هفتاد مرتبه مضاعف نویسند و اگر بعد از آن ذکر آن کند محو کنند و علانیه
یعنی یک مرتبه نویسند و چون مرتبه دیگر مذکور سازد محو کنند و ریا نویسند و هر که کار
خود را از برای خدا کند و کارهای خود را برای او خالص گرداند خدا هم برای او
باشد و او را برای خود خالص گرداند و دلش را از معرفت و حکمت لبریز گرداند و چون
اراده عمل خیر کند باید در آن تعجیل نماید که نمیدانی که بعد از این چه رو دهد و هر کار خیر
که در آن تاخیر شود شیطان را در آن فرصتی باشد که شاید حیله سازد و مانع آن شود
و بسا باشد که بنده دو رکعت نماز کند یا یک روز روزه گیرد یا تصدق کند
و مجملا عملی صالحی کند و خدا را از آن خوش آید و بسبب آن همه گناهان آن را بیامرزد
و گوید بعد از این هرگز بر تو گناه ننویسم و اگر عملی غیر خیر بخاطر رسد ترک کن
و از آن احتراز نمای که شیطان کام خود گیرد و بسا باشد که بنده عملی کند
که خدای تعالی از آن بد آید و فرماید بعزت و جلال خود دم که بعد از این هرگز
ترا نیامرزم و خدای تعالی فرموده که هر بنده که تمرا لمعصیت که اطاعت

من کند و رضای من جوید من او را بدیگری نگذارم و رضای او جویم و هر بنده
که مرا معصیت کند و مخالفت رضای من نماید او را بخود وا گذارم و پروا
نکنم هر جا که هلاک شود و حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرموده که ای بندگان
بمحبت و ولایت ما فریفته مشوید و اطاعت خدا کنید و بدانید که میان ما و خدا قرابتی
نیست ما را بر خدا حجتی نیست و تقرب خدای حاصل نشود مگر بطاعت او پس هر که
مطیع خدا باشد ولایت ما او را نافع بود و هر کس معصیت خدا کند ولایت او را سود
ندهد کسی از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام پرسید که از شما حدیثی روایت کنند که هر کس شیعه ما باشد
هر چه خواهد کند فرمود بلی چنین است گفت اگر چه زنا و دزدی و شرب خمر کند گفت اِنّا لِلّٰه
وَاِنّا اِلَیْهِ راجِعُونَ مردم انصاف ندارند ما خود بطاعت و عبادت امید نجات و بهشت
داریم چون دیگران از جهت معصیت و هیچ کس بی طاعت بمحض محبت ما نجات یابند بلکه معنی
این حدیث آنست که هر کس مومن باشد اعمال خیر خواه بسیار کند و خواه کم کند که داخل بهشت
شود و نیز فرموده خدای تعالی ابا دارد از آنکه جمعی دعوی محبت و ولایت ما کنند و در اعمال خلاف

ایشان

مگر بقدر ضرورت و از آن کمتر به است تا آنکه دست از حرام باز دارد و هر که بقدر عمل از رحمت
نا امید شود و با هر کس بقدر عمل و رجا معامله نمایند و هر کس از خدای تعالی بقلیلی از اعمال راضی
گردد و هر کس را جاه و دولت بسیار باید عبادت و اعمال بسیار باید و فرموده که شیعیان خالص ما را
در زمان دولت باطل هر چند بمشرق و مغرب روند میگردد زیاده از قوتی نصیب نباشد و هر چند کسی را
ایمان زیاده تر معیشت تنگ تر اگر تمام دنیا در پیش خدا اعتبار داشتی بکسی میداد شربت
آبی بکافر نمی چشانید فقرای مومنان چهل خریف پیشتر از اغنیای ایشان در ریاض بهشت در
صحبت و نعمت باشند و اغنیا در موقف گرفتار حساب باشند و مروی است که یک خریف
هزار عالم است و یک عالم هزار سال و از بعضی از ایشان علیهم السلام مروی است که دو مومن را باهم
بحساب آورند یکی فقیر و دیگری غنی فقیر گوید خدایا تو میدانی که نصیبی بمن ندادی که عدل یا جور
کرده باشم و نه مالی دادی که جود یا بخل ورزیده باشم فرماید راست میگوی دست از وی بدارید
پس خلاص گشته داخل بهشت شود و غنی مشغول حساب گردد و آنقدر توقف کند که از
عرق چهل شتر سیراب توانند شد پس چون داخل بهشت شود رفیق فقیرش او را پرسد

گوید این همه چرا دیر کردی گوید بحساب گرفتار بودم خدای تعالی بهر یک عمل مرا می‌بخشید تا
بکرمش حتی آنکه آخر همه را بخشید و رحمت فرمود که نجات یافتم و فرمودست که روز قیامت فضل
و درجات فقرا مشاهده شود و هر کس آرزو کند که کاشکی در دنیا زیاده از قوتی نبودی و هم
از ایشان علیهم السلام مرویست که فقر امانتست از خدا پیش بنده تا هر کس آن را پنهان دارد مثل اجر
صایم و قایم داشته باشد و هر کس اظهار آن بجا آورد پیش مخالفین و ظالمین کند شکایت از خدا پیش او کرده باشد
و اگر مومن اظهار کند که فقر در قضای حاجتش باشد و نکند چنان است که گویا در آشته باشد روز
قیامت خدای تعالی از کسی از دوستی عذرخواهی کند بفقرای مومن گوید بعزت و جلال
خودم که من در دنیا شما را از روی حقارت فقیر نکردم بلکه برای فضل و ثواب و درجات
بهشت کردم امروز ببینید که چون تلافی آن کنم هر یک از [illegible] آنکه از ابتدای
دنیا تا انقضای آن اهل دنیا داده ام عطا فرمایم و هر کس در دنیا بشما مهربانی و احسان کرده
دستش را گرفته بهترین جای بهشت ببرید و هم از ایشان علیهم السلام مرویست که کامل ترین
مومنان در ایمان کسیست که خلقش بهتر باشد و بعد از فرایض هیچ عملی بهتر از خلق خوب نیست و حضرت

خلق

خلق خوش درجهٔ صایم قایم را و اجر مجاهد را دارد و اکثر امت داخل بهشت شوند بتقوی و حسن
خلق و حسن خلق خطیه را گداخته میکند چنانکه آفتاب یخ را و حسن خلق موجب درازی عمر و معموری بلاد
باشد و چهار صفت است که در هر کس باشد اسلامش کامل است و از گناه خالص گردد اگر چه سراپا گناه باشد
و خدا از او راضی باشد آنکه بوعده وفا کند و راست گوی باشد و از قبایح در پیش خدا و مردم حیا کند و با اهل
خود و با مردم خوش خلق باشد و بدخلق عمل را فاسد کند چنانکه سرکه عسل را و هیچ جرعه پیش خدا دوستر از
دو جرعه نباشد یکی جرعه خشمی که بحلم رد کنی و دیگری جرعه مصیبتی که بصبر دفع نمایی و هیچ کس خشم
فرو نخورد مگر آنکه خدای تعالی در دنیا و آخرت عزتش افزاید و چون قادر بر انتقام
باشد و خشم فرو برد خدای تعالی اجر شهیدی باو عطا فرماید و در روز قیامت دلش را
از امن و امان و رضا مملو سازد و هر کس غضب خود را حفظ کند خدای تعالی عذاب روز قیامت
از او برگیرد و عیوبش را بپوشاند و خدای تعالی در مناجات بحضرت موسی پیغمبر علیه السلام
فرمود که در حال غضب مرا یاد کن تا من نیز در حال غضب ترا یاد کنم و غضب کلید
هر شریست ایمان را فاسد کند چنانکه سرکه عسل را و چون کسی خشم نماید ملک

با او گوئید هرچه گفتی خود لایق آنی و بوده باشد که جز این سزا نباشی و بان دیگر که صبر و حلم ورزد و
گویند که زود باشد که کینه‌ها بآتش آمیزیده شود و اگر حلم خود را تمام کنی و تو نیز فضل او صفات همت
کنی و دشمنان جهال را هیچ مکافات بهتر ازین نباشد که ایشان معصیت کنند و تو صبر و طاعت نمائی
و بهتر ازین اخلاق در دنیا و آخرت آنست که چون کسی بر تو ظلم کند تو عفو کنی و اگر از تو قطع کنی
و دوری کند تو وصل و نزدیکی کنی و اگر ترا از خیر و نعمتی محروم سازد و بخل کند تو جود و عطا
و اگر با تو بدی کند تو نیکی احسان فرمائی و چون با این صفات آراسته باشی خدای تعالی عزت ترا
زیاده کند و خصلتی که در هر کس نباشد عمل و طاعتش تمام نبود ورعی که او را از معصیت باز
دارد و خلقی که با مردم مدارا کند و علمی که جهل جاهلان را دفع نماید و مدارا با مردم نصف
ایمان است و ملایمت با ایشان نصف زندگانی و هر کس را ملایمت نصیب گشت ایمان نصیب گشت
و هیچکس را ملایمت نصیب نباشد مگر آنکه زینتش باشد و هیچ ازان محروم نگردد مگر آنکه عار آن
و ننگش بود و جمعی را که ملایمت نصیب نشده در ورای ایشان وسیع نشود و چون از وی نصیب باشد
خیر از آن بی نصیب باشد و چون دو کس با هم مصاحبت کنند آنکه مدارا و ملایمتش بیشتر بود اجرش

عظیم

عظیم تر بود و مروی است که اگر ملایمت خلقی میبود که دیده میشد هیچ خلقی احسن از و نمیبود و هر کس را
درشتی نصیبش شود ایمان از و محجوب گردد و اگر درشتی مخلوقی میبود که دیده میشد هیچ چیز از و
قبیح تر نبودی و هر کس برای خدای تعالی تواضع کند خدای تعالی او را بلند گرداند و هر کس متکبر باشد
او را پست گرداند و نزدیکترین مردم بخدا متواضعانند و دورترین متکبران پرسیدند که حد
تواضع چیست امام علیه السلام فرمود که درجات بسیار است از آنجمله آنکه کسی قدر خود شناسد
و زیاده از مرتبه خود توقع نکند و با مردم چنان کند که میخواهد با او چنان کنند و چون با او
بد کنند به نیکی دفع کند و خشم فرو برد و عفو کننده باشد و مروی است از حضرت که تواضع آنست
که در مجلس پائین تر از مرتبه خود بنشینی و هر کس برسی سلام کنی و ترک خصومت کنی اگر چه
حق با تو باشد و نخواهی که ترا مدح و ثنا کنند نقل است که روزی حضرت امام رضا علیه السلام
طعام طلبید و ملازمان و غلامان را از سیاه و سفید را جمع فرموده با هم بر یک خوان نشستند کسی
گفت کاش [illegible] برای ایشان طعام جدا کنند فرمودند خدا یکیست و دین یکیست و پدر و مادر
یکی و جزای هر کس بقدر عمل او باشد حضرت امام علیه السلام فرمود که کیست که چهار صفت از آن

ضامن شود تا من برای او چهار خانه در بهشت ضامن شوم عطا کند و از فقر ترسد و افشای
سلام کند در عالم و ترک خصومت کند اگرچه حق با او باشد و از انصاف نگذرد و هر که انصاف باشد
و با فقرا در مواسات کند بتحقیق مؤمن باشد و خدای تعالی عزیزش گرداند و نیز فرموده
که سید اعمال خصلت است انصاف و مواسات و ذکر خدا در همه حال سبحان الله والحمد
لله ولا اله الا الله والله اکبر بلکه در همه احوال و افعال خدا را یاد آرد
و اگر رضای خدا در آن باشد کند و اگر نه از آن بگذرد و هر کس منصف باشد عیب مردم
نکند در چیزی تا اول او را از خود سلب نکند و کسی را در شیوه‌ای تقدیم و تاخیر نکند تا رضای
خدا در آن نداند نکند آن کس در سایهٔ عرش خدا باشد روزی که هیچکس را پناه نبود و کسی نزد دیگر
مردم بد نخواهد در روز قیامت کسی که در حال غضب بی اختیار نشود تا بر زیردست ظلم کند
و کسی که چون در معامله میان دو کس داخل شود به یک طرف میل نکند که در معامله و منازعه
از انصاف و حق نگذرد و خدا بهشت است که داخل آن نشود مگر سه کس یکی آنکه بر نفس
خود حکم حق کند و هر کس ایمان بخدا و روز آخرت دارد باید که بوعده وفا کند که وعده

مؤمن نذر است که هیچ کفاره ندارد که وفا به آن و هر کس خلف وعده کند اول با خدا خلف کرده
و متعرض سخط او گشته باشد و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است که کسی امانت را
خلاف کند و امانت جلب رزق باشد و خیانت جلب فقر نماید و حضرت امام زین العابدین
فرموده که اگر قاتل پدرم شمشیری که آنحضرت را بدان شهید کرده بمن امانت سپارد و آنرا از او
گیرم و حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرموده که اگر قاتل علی ابن ابی طالب علیه الصلوات و السلام
با من مشورت کند و خیر خواهد و شمشیر بمن امانت دهد من قبول کرده باشم و آنرا ادای امانتش
کنم و چهارم عقبه است که در هر مؤمن باشد خدای تعالی او را در اعلا علیین در بالاترین غرفهای
شرف و کرامت ساکن گرداند و مروت است که کسی که یتیم را در پناه خود در آورد و او را بزرگ
پرورده باشد و ضعفا را رحم کند و اعانت محتاج ایشان نماید و والدین را نفقه دهد و بایشان
ملاطفت و ملایمت نماید و خدمتی که بدو رجوع نمایند فرمان برداری نماید

فصل چهارم

در حقوق والدین و دوستی است از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که حقوق والدین و صله رحم سکرات موت را
آسان گرداند و زیادتی روزی باشد و حقوق والدین در روز قیامت فرزند خود را

بر او نوشته داخل بهشت کند روزی جوانی بخدمت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم
آمده گفت جوانم و توانایم و شوق جهاد دارم فرمود که جهاد کن که اگر کشته شوی و نزد
بهشت شده باشی و اگر بمیری اجر و ثواب تو بر خدا باشد و از گناهان پاک گردی همچنان
که از مادر متولد گشته بودی پس گفت یا رسول الله والدین من با من انس دارند و نمیخواهند در
پیش ایشان باشم فرمود باش که یک شب انس ایشان با تو بهتر است از یکسال جهاد در راه خدا و
آنحضرت صلعم را همشیره بود رضاعی روزی بخدمت آنحضرت آمد چون او را دید شکفته شد و لحاف خود را
انداخت تا او بر آن نشست پس متوجه او گشته ملاطفت و شکفتگی میفرمود و چون او برفت برادرش
آمد آنحضرت آن مهربانی با و نفرمود از سبب او سوال کردند فرمود که آن زن رعایت حقوق
والدین بیشتر از نیک وی میکرد کسی بخدمت امام جعفر صادق علیه السلام عرض داشت که پدرم بسیار
پیر شده و چون بقضای حاجت و غسل میرود مرا او را بر دوش گیرد فرمود که اگر توانی
خود متباشر این خدمت باش که فردای قیامت برای تو سپری باشد از آتش دوزخ و دیگری
از آنحضرت سوال کرد که والدین من مخالف مذهب اند با ایشان چون کنم فرمود که نیکی کن

بخانه

شد که همه ایشان هلاک شدند پس بخدمت آنحضرت رفته حکایت واقعه نمود حضرت فرمود
که جزای آنست که با تو سلوک کردند حالا رفتی که زنده شوند و همان سلوک کرده باشند
گفت بلی آمدند و نیز مرویست که هیچ گامی برداشته نشود دوستتر پیش خدا از دو گام
نیست یکی گامی که در راه خدا آراسته و دیگر گامی که در صله رحم رود که بجا آورد

فصل هشتم در

حق جوار و همسایگان مرویست از اهل بیت طاهرین علیه السلام که زیانست کسی که همسایگی را
خوب نکند نیکی کردن با همسایه عمر را زیاد کند و رزق می‌افزاید و سبب معموری دنیا باشد
و هر کس آزار نکند و حرمت او را بدهد که همسایه را نرنجاند و مهمان را گرامی دارد و چون تکلم کند خیر کند
یا ساکت باشد و هر کس همسایه را نرنجاند و نیازارد خدای تعالی روز قیامت عثرات و خطاهای
او را عفو فرماید حضرت پیغمبر فرمود که جبرئیل آنقدر مرا بهمسایه وصیت کرد که گمان کردم
مگر او را وارث من خواهد کرد و نیز فرمود که ایمان بمن ندارد کسی که شب بخوابد و همسایه‌اش
گرسنه باشد و در روز قیامت خدای تعالی نظر نکند باهل قریه که در میان ایشان خانه گرسنه
باشد و حضرت یعقوب ع مناجات نمود و گفت خداوندا بر من رحم نمیکنی چشمم را گرفتی

و دو پسرم را بگردی مخدای تعالی فرمود که اگر پسران تو مرده بودند برای تو زنده میکردم اما تو یاد
نمی آوری فلان روز گوسفندی ذبح کردی و بریان نمودی و تناول کردی و فلان همسایه ات صایم بود
با و نبخشیدی بعد از این هر شام و چاشت منادی حضرت یعقوب علیه السلام تا یک فرسنگ راه ندا
میکرد که هر کس گرسنه باشد بخانهٔ یعقوب بیاید حضرت امام موسی فرمود که از خوبی همسایگی
همین نیست که همسایه را آزار نکنی بلکه تحمل آزار ایشان کنی و هر کس یک وجب زمین با همسایه
خیانت کند خدای تعالی آنرا تا زمین هفتم طوق ساخته در روز قیامت طوق گردنش
کند و هر کس همسایه را برنجاند بوی بهشت بر وی حرام شود و هر کس در مایحتاج خانه با همسایه
مضایقه کند خدای تعالی فضل و خیر خود را روز قیامت از و منع کند و او را بخود وا گذارد
و هیچ عذر او را قبول نکند مگر آنکه همسایه چیزی که بعاریت میگیرد ضایع کند در این وقت توان
از و منع کرد **فصل هفتم** در الفت و محبت و زیارت مؤمنان مرویست از اهل بیت
طاهرین علیهم السلام که ای مؤمنان با یکدیگر الفت و محبت کنید که خیر نیست در کسی که الفت
نکند و با او الفت نکنند و جمعی که از برای خدا با هم الفت و دوستی کنند روز قیامت در زیر

از زبرجد

از زبرجد منبرها در سایهٔ عرش از جانب راست منبرها نشینند و روی ایشان
از آفتاب روشن تر باشد و هر کس محبت او از برای خدا باشد از جملهٔ اصفیای خدا باشد
روزی حضرت پیغمبر صلعم از اصحاب پرسید که محکم ترین عروه های ایمان کدامست بعضی
گفتند نماز و بعضی گفتند روزه و بعضی گفتند زکوة و بعضی گفتند حج و بعضی گفتند جهاد فرمود
هر یک از اینها افضل بسیار است اما آنچه که پرسیدم نیست آن محبت بعضی برای خدا و تقی
و تولا با اولیا خدا و تبرا از اعدای ایشان و چون دو مؤمن با هم ملاقات کنند و یکدیگر را محبتش
بیشتر قدر او عظیم تر بود و هر یک از ایشان علیهم السلام فرمودند که ای مؤمنان با هم الفت کنید
و یکدیگر را زیارت کنید و ذکر خدای تعالی و فضایل ما یاد کنید و با حادیث ما صحبت دارید که
موجب حیات دین و دل شماست و هیچ چیز دل ابلیس و جنود او را آنقدر زجر نکند که زیارت
مؤمنان چون مؤمنان با هم بیشتر با هم اجتماع نمایند آن عدد ملائکه با ایشان حاضر شوند
پس اگر دعا کنند آمین گویند و اگر از برای شری استعاذه کنند دعا کنند و اگر حاجتی
مسئلت نمایند شفیع باشند و چون مؤمن برای خدا از برای غرض دنیا بر آید

زیارت مؤمنی از خانه بیرون آید و حق حرمت او بشناسد بهر گامی که بردارد خدای تعالی
برای او حسنه نویسد و سیئه محو فرماید و درجه بلند گرداند و هفتاد هزار ملک بر او موکل
گرداند تا بخانه خود در آید جهت او ندا کنند که پاک و پاکیزه باشید و گویند خوش باشی و خوش باشد ترا
بهشت و چون در خانه مؤمن در آید درهای آسمان برای او گشوده گردد و چون ملاقات
و مصافحه و معانقه کنند خدای تعالی متوجه ایشان شود و بایشان بر ملائکه مباهات فرماید
و گوید ای ملائکه ببینید این دو بنده مرا که از برای من با هم چون محبت میکنند و لازم شد
بر من که بعد از این ایشان را بآتش عذاب نکنم و چون بخانه داخل شوند فرماید که ای بنده من
تعظیم حق و متابعت سنت پیغمبر من کردی اگر سؤال کنی عطا فرمایم و اگر دعا کنی اجابت کنم
و اگر ساکت باشی خود ابتدا کنم و چون مراجعت کند بعدد هر نفس که کشیده و گامی که
بر داشته و کلمه که گفته ملائکه او را متابعت نمایند و تا آن روز از سال آینده از بلاهای
دنیا و آخرت محافظت نمائیم و اگر در این سال بمیرد از حساب فارغ باشد و چون داخل
خانه خود شود خدای تعالی فرماید که ای بنده من بهمین که تعظیم من کردی بهشت را

بر تو واجب گردانیدم و ترا شفیع بندگان خود کردم و اگر آنکس نیز حق او چنین بشناسد
برای او نیز مثل این اجر ثابت شود و خدای تعالی را بهشتی است که هیچکس داخل آن نشود مگر سه کس
یکی آنکه از خود انصاف دهد و کسی که زیارت برادر مؤمن کند برای خدا و کسی که برادر مؤمن را
در خیر بر خود اختیار کند و زیارت یک مؤمن برای خدا بهتر است از آنکه ده بنده
مؤمن آزاد کند حضرت امام جعفر صادق علیه السلام از کسی پرسید که میان شما و بصره چند
روز راه است گفت اگر از دریا باد موافق باشد پنج روز و از خشکی هشت روز فرمود که چه
نزدیک بوده که برادران مؤمن یکدیگر را ببینید و عهدها تازه کنید که روز قیامت هر کس را
گواهی در کار است که شهادت بر وی پیش دهند و اگر مؤمن قصد زیارت یا برای حاجتی بخانه کسی رود
و او در خانه باشد و اذن ندهد در لعنت خدا باشند تا آنوقت که با هم ملاقات کنند و هر که میان
خود و مؤمن حجاب و مانعی گذارد خدای تعالی میان او و بهشت هفتاد هزار باره نصب کند
که میان هر دو باره هزار ساله راه باشد حضرت امام محمد باقر ع فرمود که شیطان میان
مؤمنان نزاع و فساد کند پس خدای تعالی رحمت بر کسی کند که میان دو دوست ما الفت

دهد و اصلاح کند و حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که میان دو دوست که
اصلاح کنم دوستتر دارم که دو دینار طلا تصدق کنم و فرمود که دو کس از هم رنجش و مفارقت
و هجرت نکنند و گاه که باشد که هر دو مستوجب لعنت شوند کسی گفت جعلنی الله فداک تا آید
یکی مظلوم باشد باید گفت که تقصیر را بخود نسبت دهد و عذر خواهی کند و نگذارد که مهاجرت
واقع شود و هر هفته دو روز نوبت است که اعمال عباد را بر خدای تعالی عرض نمایند چون
میان دو کس رنجش و عداوت باشد اعمال ایشان را نگذارند که بالا برند تا وقتی که صلح کنند و
چون دو کس از هم سه روز هجرت کنند و با هم صلح نکنند ولایت و اسلام در میان ایشان
منقطع شوند و در روایت دیگر آمده که هر کس بیشتر از سه روز هجرت کند مستوجب عذاب
شود و هر کدام سبقت صلح بیشتر کند بهشت و را واجب شود و هر کس در صلح میان
مرد و زن سعی کند اجر هزار شهید یابد و هر گامی که بر دارد و کلمه که گوید یک ساعت عبادت
یکساله نویسند با روزه روزها و قیام شبها فصل ششم در آداب ملاقات و مجالست
مروی است از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که شما تواضع با مردم بر نیابید بشکفتگی

با هم ملاقات کنند صفت است که هر کس یکی از این صفت در او باشد بهشت و را
واجب کردانند طلاقت وجه و انصاف و جود در پریشانی و نیز فرموده است از اصطناع معروف
و حسن خلق موجب دخول بهشت و محبت خدا و بخل و عیوب موجب دخول نار و دوری از خدا است و اول
سلام است و هر که کسی پیش از سلام حرف زند جواب او مگویید و چون دو کس بهم رسند سلام
کنند میان ایشان هفتاد حسنه قسمت شود و شصت و نه حسنه از آنکه ابتدا بسلام کند و یکی از آنکه جواب
گوید و اگر کسی یکی از مسلمین سلام کند چنان است که بنده آزاد کند و سنت است افشای
سلام یعنی بهر کس رسد سلام کند اگر چه ظالم باشد چه سلام حد الظالمان رسد و بخیل ترین مردم
کسیست که در سلام بخیلی کند مردوکتر کسیها که مردم در خوانند جواب است نماز کنند و باز مردم
بملایمت گفتگو کنند و فتنهای سلام کنند تا سلامت داخل بهشت شوید و هر کس در سلام غنی را
بر فقیر امتیاز دهد موجب غضب خدا باشد و سلام را بلند باید گفت تا بشنوند و نگویند که سلام
کردم و جواب نگفتی که شاید نشنوانیده باشی و چون جواب گویند بلند گویند تا نگویند که جواب
سلام نگفتی و هر کس سلام علیک گوید ده حسنه باشد و اگر رحمة الله نیز اضافه کند بیست حسنه باشد

واگر برکاته نیز اضافه کند حسن است و مرویست که سلام و عاطسه و دعای که کسی اکند بصیغه
جمع گویند اگرچه یک کس باشد که با هر کس جمعی از ملائکه باشند و چون بر ملائکه سلام کنند ایشان
جواب گویند و کسی که بر ملک و سلام کند از عذاب خدای بسلامت باشد و سلام السلام علیکم
ورحمة الله وافا کلم الله گویند و آداب آنست که سواره بر پیاده و بسته بر ایستاده سوار روا و سوار
برالاغ سوار بر ایستاده بر نشسته و صغیر بر کبیر و قلیل بر کثیر سلام کنند و چند کس سلام ناکرده
گرد شرابخوار و صاحب شطرنج و نرد و مجاهر بفسق و مخنث و شاعری که زنان عفیفه را
هجو کند و ربا خوار و کسی که مشغول قضای حاجت باشد و زنان و کسی که در نماز باشد و یا در حمام
باشند و چون سلام یا تحیتی دیگر کند مستحب است که تلافی آن احسن از آن باشد اقلش آنکه همان
قدر تلافی کند و چون کسی سلام علیک گوید احسن آنست که ورحمة الله اضافه کند و اگر آن گفته باشد
برکاته نیز اضافه کند و اگر آن نیز گفته باشد همین نیز تمام گوید و در روایت آمده که در حضور
وعلیک تنها توان اکتفا نمود تا زیاده ازین مخالف سنت است مرویست که کسی بحضرت
امیرالمؤمنین ع را سلام کرد و بعض الفاظ را افزود حضرت آنرا نهی فرمود و اگر از کسی سلام

برسا

برساند جواب گوید وعلیک السلام و السلام علیک السلام نیز مجزی بود و مرویست که جواب
کتابت نیز مثل جواب سلام واجب است و بعضی سلام و جواب اینست که تو ابتدا بسلام کنی
و با خدای تعالی عهد کردم که غیبت تو نکنم و عیب تو نگویم و چون دو مؤمن با هم ملاقات
کنند و مصافحه نمایند گناهان هر دو بریزد مثل برگ از درخت و خدای تعالی با ایشان
نظر کند تا آنکه از هم جدا شوند و صد رحمت بر ایشان فرستد نود و نه از آن باشد که محبتش
بیشتر باشد و آنکه محبتش بیشتر کند اجرش از آن دیگر بیشتر باشد و صد سلام و بر مصافحه اول
بر ملاقات است از هر علتی اگر چنانچه مؤمنان در میان باغی بوده باشند اگر بروید درختی
چند کام از هم جدا شوند باز چون یکدیگر را ببینند سلام کنند و مرویست که چون دو مؤمن
معانقه کنند رحمت ایشان را فرو گیرد و چون در پس هم توقف کنند و خشنودی غرض
دنیوی در میان ایشان نباشد ملکی ندا کند که گناهان شما آمرزیده شد اعمال از سر گیرید
و چون شروع در گفتگوی کنند ملائکه حفظ با هم گویند بیائید کنار رویم شاید ایشان را
با هم سری باشد و اگر خویشان و مؤمنان یکدیگر را بوسه کنند باید که روی هم را ببوسند

و بوسه بر زنان نشاید مگر زوجه و طفل صغیر و دست بوسیدن نشاید مگر پیغمبر و وصی او و در
روایت دیگر آمده که دست بوسیدن کسی را چنان است که نماز بواسطه او کرده یعنی بندگی او کرده
باشند و هر کس در مجلس مکانی کم از رتبه و شرف خود راضی شود خدای تعالی و ملائکه بر او صلوات
فرستند تا وقتی که برخیزد و مرویست که چون بخانه کسی روید هر جا اکرام کند قبول
کنید مگر بالا نشستن در روایت دیگر آمده که هر جا صاحب خانه گوید بنشینید که عیوب
خانه خود را بهتر میداند و تفاوت میان این دو حدیث والله اعلم ثم الراسخون
فی العلم این توان کرد که اگر معلوم باشد که غرض صاحب خانه محض تکلف است قبول نباید
کرد و اگر نه اطاعت باید کرد چنانکه لفظ اکرام و عیوب مشعر است بر آن و بهترین مجالس
آنست که روی بقبله باشد و مرویست که حضرت پیغمبر بسه هیات می‌نشستند یکی دو زانو
دوم آنکه ساقها را از زمین برداشته و دستها را از پیش ساق گذرانیده بر ساعد گیرد سیم
آنکه یکپای بر پای دیگر گذارد و احادیث وارد شده که بعضی از اهل بیت طاهرین باین
هیئات نشسته بودند کسی گفت باین وضع نشستن مکروهست فرمودند که این قول از یهود است

که یهود

که میگویند که خدای تعالی چون از خلق سموات و ارض فارغ شد چنین نشست که استراحت
کند من برای ملالت چنین نشسته‌ام و خدای تعالی را ملالت نمی‌باشد و مرویست که حضرت پیغمبر
هرگز مربع ننشسته‌اند و خدای تعالی مربع نشستن و اشتروار دو زانو و مرویست که اگر با یهودی
نشینید هم‌نشینی او را نکو کنید و چون کسی داخل مسجد شود تعظیم کنید و جای او
گشایید که تعظیم در مجلس برکت است و در وقت رفتن تعظیم کنید مثل عجم و در آستان
میان هر دو کس نشستن بتعداد یک ذرع فاصله باید گذاشت که گرما آزار کند و هر گاه در
میان حرف مؤمن در آید چنان است که روی او را خراشیده باشد و هر کس در وقت
نشستن بگوید بسم الله الرحمن الرحیم و صلی الله علی محمد و آله خدای تعالی ملکی موکل
گرداند که در آن مجلس او را از غیبت کردن حفظ کند و اگر وقت برخواستن بگوید بر اهل
مجلس ملکی موکل فرماید که ایشان را از غیبت منع فرماید و هر کس وقت برخواستن از اهل
مجلس بگوید سُبحانَ رَبِّکَ رَبِّ العِزَّةِ عَمّا یَصِفُونَ وَسَلامٌ عَلَی
المُرسَلِینَ وَالحَمدُ لِلّهِ رَبِّ العالَمِینَ کفاره آن مجلس شده باشد و بعد

هر مسلمین و جنبنده باشد و خدای تعالی بهترین کلیدها تو اش اکیل کند

فصل نهم در سکوت و کلام مرویست از اهل بیت طاهرین که سکوت بابیست از ابواب
حکمت و جلب محبت کند و دلیل هر خیر است و شیعیان ما همه لال باشند و کسی حقیقت
ایمان نشناسد تا زبان را نگاه ندارد و نجات مومن در حفظ زبان است و زبان
کلید هر خیر و شر است پس باید زبان مهر کنید همچنانکه زر و مال را مهر میکنید و مومن تا ساکت است
محسن نوشته میشود و چون تکلم کند محسن باشد یا مسیئی و هر کس کلام را از جمله اعمال خود
نشمرد در اعمالش خطا بسیار باشد و عذابش مهیا باشد و هر کس کلام خود را از جمله
اعمال نشمارد تکلم نکند مگر آنچه نافع باشد و حضرت امیر المومنین علیه الصلوة و السلام
بمردی گذشت که حرفهای لغوی و بیفایده میگفت فرمود که ای مرد چه میگویی ملکین
می نویسند و بر خدا تعالی عرض میکنند ترک بیهوده گویی کن و سخنی گوی که در آن
منفعتی باشد و ثمر دارد از آنکه چون نامه اعمال تو عرض شود بر خدا این سخنان در آن
نوشته باشد و حضرت پیغمبر بکسی گفت که میخواهی ترا چیزی تعلیم کنم که بآن داخل

بهشت

بهشت شوی گفت بلی فرمود که سخاوت پیشه کن گفت شاید محتاج باشم فرمود
که مظلوم را نصرت کن گفت شاید عاجز تر باشم فرمود که زبانرا بند کن الا از خیر
فرمود نمیخواهی که یکی از این صفات در تو باشد که ترا به بهشت برد و حضرت رسول
فرمود خدای تعالی عذاب زبانرا عذابی کند که هیچ عضو را نکند چه بسا باشد که کلمه از زبان
بیرون آید که در مشرق و مغرب پهن شود و خونها بآن ریخته شود و فرجهای حرام بحرمت
کرده شود و سخن گفتن بحق بهتر است از سکوت در باطل و هر کس زبانش راستگو باشد عملش پاکیزه
شود و مرویست که بنماز و روزه و طول رکوع و سجود مردم فریفته مشوید که بسا باشد که آن
عادتی باشد که ترکش موجب وحشت باشد بلکه بقدر عقل و صدق کلام و ادای امانتش نظر
کنید مرویست که بسا باشد که بنده آنقدر راست گوید که خدای تعالی او را از جمله
صدیقان نویسند و بسا باشد که بنده آنقدر دروغ گوید که از جمله کذابین نوشته
شود و هیچ بنده کذاب ایمانرا در نیابد تا دروغ را ترک کند و کذب ایمانرا
برطرف کند و خدای تعالی بر هر شری قفلی زده و کلید همه آنها را شراب کرده و کذب

بدترست از شراب و روز قیامت از هر کذب سؤال کنند مگر سه کذب یکی آنکه در معرکه جهاد
با خصم گوید دوم آنکه برای اصلاح در میان دو کس گفته شود سیم آنکه کسی با اهل خود وعده
کند و اراده کردن آن نداشته باشد و چون کسی گوید و نداند که خدا فلانی را نیامرزد
خدای تعالی فرماید کیست که از جانب من قسم میخورد که او را نیامرزم و او را آمرزیدم
و عمل او را باطل کردم و اگر کسی لعنت کنند یا شهادت بر کسی دهند اگر چنان باشد
راست گفته باشند و اگر نه بگوینده آن برگردد و اگر مؤمن را فحش گوید خدا برکت
از رزقش بگیرد و نظر رحمت از آنکس بدارد و اگر در روی مؤمن طعن کنند به بدترین
وجهی بمیرد و سزای او آن باشد که هرگز بخیر باز نگردد و بهشت حرام است بر فحاش
و بی حیا چنانکه پروا نکند از هر چه گوید و با او گویند و مرویست که چنان کسی اگر تو
تفتیش کنی ولد الزنا باشد یا شیطان در شرکت او شریک باشد و خدای تعالی
دشمن دارد فحاش سخت گو را و بدترین مردم کسیست که از ترس زبانش اکرامش کنند
و مجالستش را ناخوش دارند و هر کس از زبانش ترسند جای او دوزخ باشد و بدترین

مردم

مردم کسیست که طعام خود تنها خورد و عطایش را منع کند و مملوکش را بسیار زند و بدتر از او
کسیست که مردم از خیرش امید و از شرش ایمن نباشند و بدتر از او فحاش کسی که چون کسی پیش او مذکور
شود لعن کند و اگر او در پیش مردم مذکور شود لعنش کنند و حضرت صادق را دوستی بود که
هرگز از خدمتش مفارقت نمی نمود روزی در خدمت آنحضرت براهی میرفت غلامی همراه داشت
چند مرتبه نگاه کرد او را ندید مرتبه دیگر نگاه کرد آمده بود گفت یا ابن الفاعله کجا بودی
پس حضرت دست از روی مبارک کشید و فرمود سبحان الله که مادرش را دشنام میدهی
تو خود تورع می نمودی معلوم شد که ورعی نداشته گفت جعلت فداک مادرش مشرکست
فرمود ندانستی که هر قومی در میان خود نکاحی دارند که خود را از زنا باز دارند دور
شو از من او دیگر او را در خدمت حضرت ندیدیم تا از دنیا رفت و خدای تعالی
دوست دارد مزاح را که فحش در آن نباشد و مزاح از حسن خلق است و سبب سرور مؤمنان
شود و کثرت مزاح یا آنکه متضمن کذب یا فحش یا استهزا او مجملا متضمن قبیح و باطل باشد
وقار و آبروی و نور ایمان را ببرد و موجب استخفاف و ذلت باشد و سبب بغض

دکینه شود و کاه باشد که کسی کله گوید که مردم انجنداند بقدر پهن زمین و آسمان او را
از بهشت دور کردانند و در دوزخ افکنند و حضرت پیغمبر فرمود وای بر کسی که دروغ گوید
تا مردم را بخنداند و بعد از آن سه مرتبه فرمود که وای بر او و بلد از دو چنانکه آب یکمرا آب
رو را ببرد و در روایت دیگر فرمود که هر کس بسیار خنده کند باید هر از عقلش کم شود
و حضرت امام جعفر صادق فرمود که بسا کسی که خنده او بیش بسیار باشد و در روز قیامت
گریه اش بسیار باشد و بسا کسی که از بیم گناهان گریه اش بسیار بود و در بهشت خنده
و سرورش بسیار باشد و فرمود که ای صاحب عملهای رسوا شرم دار بدار از خندهای
دندان نمای و ای بسیار کرده شبهات ایمن مباش از کمین حادثات

فصل دهم در اکرام و توقیر مومن مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که هر کس
مومن را اکرام کند اول خدا را اکرام کرده باشد و روی شیطان را خراشیده باشد و هر کس
بر روی مومنی تبسم کند بر این حسنه ثبت شود و اگر کشادگی از دو دیش بردارد
ده حسنه ثبت شود و اگر مومنی بگوید مرحبا خدای تعالی تا روز قیامت برای او

عبادت

عبادت رحمت نویسد و اگر با او بخوبی ملاطفت کند از خدام جنت با او عطا فرماید و اگر
کلمه گوید که موجب شگفتگی مومن باشد در سایه رحمت خدا باشد و اگر از راه مومن خار یا کثافتی
بردارد اجر قرائت چهار صد آیه از قرآن در یابد که هر حرف از آن ده حسنه است و اگر مومن را
بمجلس یا متکا یا طعام یا جامه یا سلام یا غیر آن ملاطفت و اکرام کند بهشت آنجا در آید که مکافات
او کند پس خدای تعالی فرماید که پس نعمتهای تر از اهل دنیا حرام کردم مگر نبی یا وصی و چون
روز قیامت شود فرماید که امروز اولیای مرا مکافات کن پس حور و غلمان از بهشت بیرون
آیند و در دست طبقهای پر از نعمت گوناگون بر سرهای او و روپوشهای لولو و جواهر
پوشیده و چون بهشت و نعمتهای او را بیند عقلشان پرواز کند و چون جهنم را
ببیند از هول او نتوانند دست را از کردیش ای جانب عرش ندا آید که بخورید که هر کس
طعام بهشت بخورد دوزخ بر وی حرام شود پس دست را از کرده تناول کنند
و هر کس جمعی از مومنان را خدمت کند بآن عدد از خدام جنت با او عطا فرمایند و خادم
مومنان در طاعت خدا ارجش را در قبر بگذارند مگر قبض خدای تعالی بهد و آنجا باشد تا روز

قیامت ایمن باشد و هر کس مؤمن محاسن سفید را تعظیم کند از فزع روز قیامت
ایمن گردد و اگر با او استخفاف کند خدای تعالی کسی را بر او مسلط گرداند که با او استخفاف
کند و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که از امت کسی که کبیر را توقیر و صغیر را رحم
نکند و هر کس مؤمن فقیر یا غیر فقیر را تحقیر کند خدای تعالی او را دشمن دارد و تحقیر کند تا از آنچه
کرده برگردد و تلافی کند و هر کس مؤمن فقیر را بسبب فقرش تحقیر کند خدای تعالی
روز قیامت او را در میان خلق رسوا کند فصل یازدهم در سرور مؤمنان و قضای حاجت
ایشان مرویست از اهل بیت علیهم السلام که هیچ کس عبادت خدا نکند بچیزی که افضل از سرور
مؤمن و ادای دین او کند یا گرسنه اش را سیر کند یا غم او برد هر چند عظیم باشد و هر کس
مؤمنی را مسرور گردانیده باشد خدای تعالی روز قیامت او را مسرور کند و خدا
و پیغمبر خدا و ائمه هدی صلوات الله علیهم اجمعین را مسرور گردانیده باشد و همچنین اگر مؤمن را
آزار کرده باشد ایشان را آزار کرده و مسرور گردانیدن مؤمن هزار هزار حسنه است
خدای تعالی در مناجات بحضرت موسی ع فرمود که هر کس مؤمنی را مسرور کند

بهشت

بهشت او را واجب شود و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که دل مؤمن
عرش خداست و هر کس دل مؤمنی را خوش کند خدای تعالی فرشته خلق کند که هزار بدن
داشته باشد و در هر بدنی هزار سر و در هر سری هزار روی و در هر دهنی هزار زبان و بهزار
لغت برای آن کس خدای تعالی را تسبیح کنند و استغفار نمایند تا روز قیامت و نقل است
که مؤمنی در مملکت جباری بود و از جور و ظلم او گریخته بدیار اهل شرک رفت مشرکی او را
بخانه برد و مهمانی کرد و چون از دنیا رفت حق تعالی فرمود اگر تو مشرک نمی بودی
ترا در بهشت جا میدادم اما بهشت بر مشرکان حرام است پس آتش را امر فرمود که او را
بترساند اما نسوزاند و هر صبح و شام روزیش را می فرستند راوی گوید پرسیدم که روزیش از
از بهشت آید حضرت امام علیه السلام فرمود از هر جا که خدا خواهد و هر کس دفع
ضرر آتشی از مؤمن کند بهشت او را واجب شود و هر کس غمی و تنگی از مؤمن
بردارد خدای تعالی هفتاد و دو رحمت برایش بنویسد یکی را در دنیا تعجیل کند که
معیشتش را بآن اصلاح نماید و هفتاد و یکی برای اهوال روز قیامت ذخیره فرماید و روز

قیامت مطمئن خاطر محشور گردد و هر کس عورت و عیب مؤمنی را بپوشد خدای تعالی هفتاد
عیب او را در دنیا و آخرت بپوشد و هر کس قضای حاجت مؤمنی کند خدای تعالی در روز
قیامت هزار حاجتش را بر آورد که اول آنها این باشد که او را و اقربا و آشنایان و دوستان
او را به بهشت برد و اگر آشنایی نباشند قضای حاجت مؤمن بهتر است از آنکه ده بنده
آزاد کند و هزار اسب در راه خدا بجهاد فرستد و افضل است از بیست حج که در هر حج
هزار درهم صرف کند و در روایت دیگر آمده که یک طواف کعبه شش هزار حسنه است
و شش هزار سیئه محو شود و شش هزار درجه بلند گردد و شش هزار حاجتش را بر آورده شود
و منعت در بهشت بر رویش گشاده شود و هر کس حاجت مؤمنی را برسد و قادر بر قضای
آن نباشد و از این جهت دلگیر شود خدای تعالی بسبب آن دلگیری او را بهشت عطا فرماید
و هر کس سعی در حاجت مؤمنی کند او را هزار هزار حسنه نوشته شود و که در آن میان
اقربا و همسایگان و اخوان و آشنایانش آمرزیده شوند و بهر گامی که در حاجت مؤمنی
بردارد حسنه نوشته شود و درجه بلند گردد و چون آن حاجت مؤمن را برآورد

ثواب یک حج و یک عمره و دو ماه روزه و اعتکاف در مسجد الحرام داشته باشد
و اگر بر نیاید ثواب یک حج و یک عمره داشته باشد روزی حضرت امام حسن علیه السلام
در اعتکاف بود مردی آمد و از کسی شکایت کرد و التماس کرد که در باره من با او
گفتگو کن حضرت برخواستند و از آن شد مردی گفت یا ابن رسول الله مگر فراموش
کردی که اعتکاف داری فرمودند فراموش نکردم اما کسی که سعی در حاجت
مؤمنی کند چنان است که نه هزار سال عبادت کرده که روزها روزه داشته باشد
و شبها بیدار بر خواسته باشد و هر کس اعانت مؤمنی کند خدای تعالی هفتاد و سه غم
از او بر گیرد یکی در دنیا و هفتاد و دو در قیامت که هر کس بحال خود درمانده باشد
و هر کس دست عاجزی گرفته بخانه یا مسجد یا حاجتی دیگر ببرد بهر گامی که بردارد و بگذارد
عتق رقبه نوشته شود و ملائکه بر او صلوات فرستند و هر کس حاجت عاجزی را
کفایت کند خدای تعالی او را برات از نفاق و از آتش عطا فرماید و هفتاد هزار
حاجتش را بر آورد و مستغرق رحمت گردانند تا از آن کار فارغ شود و هر کس

قادر بر قضای حاجت مؤمن باشد و نکند خدای تعالی در قبر ماری عظیم بر و مسلط
گرداند که او را میگزیده تا روز قیامت و بعد از آن اگر خواهد او را بخشد و اگر نه
عذابش کند و در روایتی دیگر آمده که هر کس حاجت مؤمنی را از خود یا از دیگری منع کند
و قادر بر آن باشد روز قیامت روسیاه و ازرق چشم و دستها بر گردن بسته
محشور گردد و پس چون او را ببینند گویند اینست که با خدا و رسول خدا خیانت کرده
پس او را در آتش افکنند و هر کس قادر بر اعانت مؤمن باشد و نکند مبتلا باعانت
دشمنان خدا شود و در روز قیامت معذب باشد و هر کس را خانه باشد و از
مؤمن محتاج مضایقه کند خدای تعالی فرماید که ای ملائکه ببینید که بنده من در خانه
باشندهٔ من بخل ورزیده بعزت و جلال خودم که هرگز در بهشت مسکن نکند فصل
دوازدهم در رذایل معاصی و مناهی بر سبیل اجمال مرویست از اهل بیت عصمت
و طهارت صلوات الله علیهم اجمعین که هر کس در امر خدا استخفاف و بی اعتنایی
کند خدای تعالی روز قیامت با او استخفاف کند و خدای تعالی در هر دل نوری

آفریده

آفریده چون کسی گناهی کند ظلمتی در دلش بهم رسد و اگر توبه کند آن ظلمت زایل شود
و بهمان نور عود کند و اگر همچنان بمعصیت اصرار کرده باشد بر سر آن ظلمت زیاده شود
تا آن نور را بپوشاند و تمام دل سیاه و ظلمانی گردد و چون نعوذ بالله که چنین شود
هرگز اصلاح نپذیرد و بنجات نیاید و بسا باشد که بنده گناهی کند که خدای تعالی
فرماید که بعزت و جلال خودم که بعد از این هرگز ترا نیامرزم و بسیار باشد که روز
قیامت بنده را بیک گناه صد سال حبس کنند و اهل و عیال و دوستان خود را بیند
که در روضات بهشت مشغول نعمت باشند و هر کس ترک فریضه و یا ارتکاب
کبیره کند اطاعت شیطان کرده باشد و با او در جهنم باشد و هر کس حکم حلال و حرام را سبب
داند و رای محبت و شهوت دنیا مخالفت آن کند مستوجب غضب الهی گردد و با یهود
و نصاری در یک درجه باشد و خانه که در آن معصیت کنند لازمست بر خدای تعالی
که آن را خراب کند و موجب حسرت و ندامت گردند و زبان بسیار بدبختان بر باد
و بلا و وبا در آن خانه پیدا شود و بسا باشد که بنده دعا کند خدای تعالی تقدیر

واجابت آن فرماید پس بنده چون معصیتی کند خدای تعالی فرماید که بنده من متعرض غضب من
گشت و مستوجب حرمان شد محرومش کنید و قضای حاجتش نکنید و اگر معاصی او شایع شود و از
اخیار دعا کند مستجاب نشود و هر بلیه و کدورت و مشقتی که باو رسد عقوبت گناهانش
باشد حتی اگر خاری در پا رود و یا رگی در بدن جهد تا آنکه گناهان او را خدای تعالی بفضل
و کرم خود عفو کند مگر اولیاء الله که بلاهای ایشان برای زیادتی ثواب و درجات است و چون
خدای تعالی بفضل و کرم خود عفو کند بنده خود را اراده خیر داشته باشد هر گناهی
که کند در عقب آن او را بعقوبت و بلیه خبردار نماید تا توبه و استغفار نماید و گناهش را
بیامرزد و اگر ببنده اراده عذاب داشته باشد او را استدراج کند یعنی نعمتهای
پی در پی نوازش نماید تا درجه درجه و مرتبه مرتبه گناهش زیاده شود و مغرور گردد
و استغفار و توبه را فراموش کند کسی بحضرت صادق معروض داشت که چند مرتبه از خدای تعالی
مسئلتی نمودم و همیشه دعایم مستجاب می‌شد و می‌ترسم استدراج باشد فرمود که والله
که اگر حمد و شکر کنی استدراج نباشد فرمود که والله که اگر حمد و شکر کنی استدراج نبود

وچون

وچون خدای تعالی با بنده نظر داشته باشد عقوبات گناهانش در دنیا یا در
سکرات مرگ یا در قبر و عالم برزخ بحسب تفاوت تا روز قیامت که باو رسد از گناهان پاک
باشد حتی آنکه غم و هم و کدورت و اندوه که او را رسد یا خوابی بیند که از آن غمگین شود
گناهانش را بیامرزد و اگر با کسی نظر غضب داشته باشد حسناتی که کرده باشد
در دنیا نعمت و صحت و غیر آن از نیکی مکافات فرماید و عقوبات گناهش بقیامت
افتد و بسا باشد که مؤمن گناه عظیم کند که مستوجب عقوبت دنیا و آخرت
شود و خدای تعالی برای مصلحت او عقوبت آخرت او را نیز در دنیا کند و گاه باشد
که در دنیا بقدر مصایب و بلایا نموده باشد و چون عبادت و طاعتش را بیند کثرت ۲
بر او رحم فرموده مصایب و بلایا را بعد از آنکه مقرر شده رفع فرماید و ثواب آن
بلایا را ذخیره روز قیامت کند و هیچ گناه را سهل و حقیر نباید شمرد و مثل آنکه گوید
گناه بکنم و بعد از آن استغفار خواهم کرد یا گوید که کاش [illegible] بنده را
یا کاشکی همه گناهان من مثل این می‌بود یا غیر آن که گناه حقیر انگاشته شود

آمرزیده نشود و هیچ طاعتی قبول نکرده و اگر کسی که اصرار بر معصیت کند و بر صغیره
که بر آن اصرار کند کبیره شود و خدای تعالی بر هر بنده چهل پرده از رحمت پوشیده
که کسی بر گناهان و عیوبش اطلاع نیابد و چون چهل کبیره کند پردها همه بر داشته شود
پس خدای تعالی ملائکه را فرماید که به بالهای خود او را بپوشید و اگر همان معاصی و گناه
و قبایح میکرده باشد تا حدی که فعل قبیح کند و آن را احسن داند و توقع مدح داشته باشد
فرماید تا ملائکه بالهای خود را از او بر دارند و بعد از آن شروع در بغض و عداوت اهل
بیت کند و گناه سه قسم است یکی آنکه البته آمرزیده شود و آن گناهیست که خدا
در دنیا عقوبت آن کرده باشد و کریمتر از آنست که یک گناه را دو مرتبه
عقوبت کند پس در آخرت او را بیامرزد دوم مظالم عباد اگر کسی ظلم دیگری
بر کسی کند یا حیوانات خدا را بی شاخ کله زند خدای تعالی البته انتقام آن بکشد
سیم گناهی که از آن توبه کند و ترسان باشد و امید عفو و مغفرت داشته باشد
حضرت امام علیه السلام فرمود ما نیز مثل خود نسبت بوی میترسیم و امید مغفرت داریم و با اهل

معاصی در مجلس ایشان که قادر بر دفع ایشان نباشد نباید نشست که مبادا غضب
و عذاب بر ایشان نازل شود و او نیز در آن میان فرو گیرد حضرت امام علیه السلام یکی
از اصحاب خود فرمود ترا در پیش فلان دیدم اینجا چه میکنی گفت او خالوی منست فرمود
او معصیت خدا میکند با باید که ترک او کنی و پیش او نروی یا پیش ما آیی و ترک او نمایی گفت
هر گاه هر چه او کند من او کنم چه ضرر دارد فرمود که نمی ترسی بر او غضب نازل شود
و ترا هم با او بگیرد نمیدانی که مردی از اصحاب حضرت موسی که پدرش از قوم فرعون
بود و چون فرعونیان بحضرت موسی رسیدند آن مرد ایستاد که پدر خود را موعظه
نموده پیش موسی برد و چون بدریا رسیدند همه را آب فرو گرفت و غرق شدند
حتی آنکه خدای تعالی جبرئیل را در سوراخش عذاب کند که چرا از محلّه اهل معاصی بیرون
نمی رود فصل سیزدهم در رذایل بعضی معاصی و مناهی بر سبیل تفصیل مرویست از اهل
بیت طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین که هر کس را آخرت [illegible] ی تر شود اگر اختیار
آخرت کند خدا از و راضی شود و سیئات و اعمالش را بیامرزد و اگر اختیار دنیا کند

هیچ حسنه او را نباشد که حجاب او از آتش شود و اول چیزی که سبب معصیت شود
شش چیز است حب دنیا و حب ریاست و حب طعام و حب خواب و حب راحت
و حب زنان و گرگ درنده در گله بی راعی آنقدر ضرر نکند که محبت دنیا و جاه و شرف بر دین کی
دنیا در دین مؤمن و ملعونست کسی که ریاست دنیا کند و هر کس اراده نیز آن کند و هر کس آن را
بخاطر گذراند و هر چه از دنیا کسی را زیادت بر قدر کفاف باشد ملعونست حضرت
عیسی ع بقریه گذشت که همه اهل آن قریه مرده بودند و دواب و طیور ایشان هلاک گشته
بودند و دفن نکرده افتاده بودند بر بالای بلندی بر آمد و ایشان را آواز کرد یکی
از ایشان جواب گفت فرمود که افعال شما چه بود که چنین مبتلا شدید گفت اطاعت
اهل معاصی و حب دنیا و طول امل و خوف قلیل و غفلت از خدا و مشغول لهو و لعب فرمود
عاقبت شما چون شد گفت در عین عافیت و نعمت بودیم ناگاه خود را در هاویه
دیدیم فرمود هاویه چیست گفت کوههای آتش که بر بالای ما افروخته شد و هر چند نعره
میکشیدیم که یکبار دیگر ما را بدنیا برگردانید تا زهد ورزیم میگویند دروغ میگویید فرمود که چرا

دیگری

و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام مرویست که وقتی آدم علیه السلم رحلت فرمود
ابلیس و قابیل بسوی آدم شماتت نمودند و باهم اسباب لهو و لعب اختراع کردند و بعد از ان
فرمود که هر چه مثل این چیزها باشد که مردم از ان متلذذ شوند مثل آن بود و در خانه کسی
که طبل و زنبور و بربط نواز باشد شیطانی قفندر نام بر وی مسلط کرد که هر عضو خود را بر عضو او
گذارد و دور و بد مد و بعد از ان غیرت و حیا از وی زایل گردد و تا حدی که زنانش
زنا کنند و پروا نکند و نواختن عود و امثال آن نفاق در دل رویاند چنانکه آب
گیاه را اما حدیث دیگر روایت شده که نکاح را علانیه کنید و در ان دف بزنید و شنیدن
لهو و غنا نیز نفاق رویاند چنانکه آب گیاه را و اهل این مجالس از صحبت ایمن نباشند
و دعا ایشان هرگز مستجاب نشود و خدای تعالی بر ایشان نظر نکند و فرشته داخل
آن خانه نشود و غنا از جمله چیزهاست که خدای تعالی فرموده که بر اهل آن عذاب
معین مهیاست و در بهشت درختیست که خدای تعالی باد را امر کند که آن را حرکت
دهد نغمه که هیچ گوش مثل آن نشنیده باشد ترنم شود از برای جمعی که در دنیا

منزه باشند از غنا و کسی که از آن اجتناب نکرده باشد از شنیدن آن محروم باشند
و نیز مرویست که کنیزکان مغنیه ملعونند و ملعونست کسی که از کسب ایشان بخورد و بهای ایشان
حرام و شراء ایشان حرام و تعلیمشان کفر و شنیدن از ایشان نفاق و قیمتشان سحت
و حضرت امام محمد باقر ع فرموده که گوش بهر کس کنی عبادت او کرده باشی پس اگر حق
گوید و از خدا گوید عبادت خدا و اگر باطل گوید و از شیطان گوید عبادت شیطان کرده باشی
و احادیث بسیار نیز در مدح صوت حسن و ترتیل قرآن بصوت خوش و رخصت ترنم وارد شده
مثل آنکه خوب نیست صوت حسن و هیچ پیغمبری مبعوث نشده مگر بصوت خوش و مثل آنکه
ائمه علیهم السلم از همه ناس خوش آوازتر بوده و اگر امام ذرّه‌ای از صوت حسن خود اظهار کند
احدی تاب نمی آورد و حضرت سجاد علیه السلم چون تلاوت قرآن میفرمودند
مترددین از حسن صوتش بیهوش می افتادند و مثل آنکه قرآن بحزن نازل شده بحزن
تلاوت کنید و در قرائت قرآن ترجیع صوت کنید که خدای تعالی دوست میدارد
صوت حسن را که ترجیع کنند و حضرت پیغمبر ص فرمود که قرآن را بالحان عرب بخوانید

و بالحان

و بالحان اهل فسوق و کبایر مخوانید و بعد از من جمعی بیایند که قرآن را بترجیع غنا
و نوحه ترجیع کنند و دلهای ایشان و جمعی که از ایشان خوش آید برگشته است و کسی
از حضرت سجاد علیه السلم سوال نمود و از جاریه خوش آواز خریدن فرمودند قصوری
ندارد و اگر بجهری تو را بیاد بهشت اندازد و غیر از اخبار بسیار روایت شده است
که باکی نیست در کسب مغنیه که در عروسیها باشد مادام که مردان
بر او وارد نشوند پس مجموع این احادیث معلوم است که نغمه دو قسم است
یکی مذموم و حرام که غناست و توعیدات و عقوبات بر آن واقع شده و دوم ممدوح
و حلال که مدایح و رخصت در شان آن آمده اما در تحقیق معیار حلال و حرام آن
مختلف گفته اند اما آنچه این حقیر از قرآن مجید و از مجموع احادیث مستفاد نموده در این باب
استنباط نموده اینست که معیار حل و حرمت حق و باطل است اعنی هر نغمه و صوت
و تصنع و تطرف که سبب دوری و غفلت است از خدا و محبت دنیا و هیجان
شهوات و لذات نفسانی و هوی و آرزوهای باطل و خیالهای فاسد و مجملا سبب باطلی

باشد مذموم و حرام است و هر چند تا رقت قلب و انکسار چشم و دل سردی
از دنیا و شهوات و شوق آخرت و باعبادت شود مطالب است و مجملا سبب خفی باشد
ممدوح و حلال است چنانکه بعضی از احادیث مذکوره مثل امر بتلاوت قرآن بحزن
و پهلو کشتن مردم از صوت امام علیه السلام و امر بالحان عرب و منع از الحان
اهل فسوق و باو آوردن تعبّت و حرمت کسب مغنیه در عرایس و ظواهر آیات قرآن و سنت
اخبار بسیار نیز غیر آنها مشعر است بر آن از آنجمله تعبیر از غنا حرام بلفظ لهو
و لعب و قول زور و کره در قرآن مجید و احادیث بسیار واقع شده و از آنجمله
اخبار است که از ائمه اطهار علیهم السلام سوال کرده‌اند از غنا فرموده‌اند در روز قیامت
که حق تعالی حق و باطل را از هم جدا کند غنا در کدام طرف باشد سائل گفت
در طرف باطل فرموده‌اند خود محاکمه نمودی و از آنجمله که کسی از امام علیه السلام
از غنا سوال نموده فرموده شما تقیا می کرام باشید شما را با باطل چه کار است
والله اعلم ثم الراسخون فی العلم چون این جمله دانستی بدانکه آنچه در غنا

کفته

گفته شد در بیان نتوان گفت چنانکه بعضی ناقصان توهم میکنند زیرا که اصل بیان و نور مطلقا
و نهی مبین حرام است و هیچ یک از انواع آن از خصوصیت بخلاف آن و از خوش کن سلا
و مطلقا حرمت ثابت نیست بلکه در اصل آن حلال و حرام هر دو هست چنانکه احادیث
مذکوره هر یک بحثی در آن پس فرق میان حلال و حرام بانچه گفته شد توان نمود لیکن باید
دانست که صوتی که اصلش حلال است گاهی بالعرض حرام شود مثل آنکه مقرون بلهو و ساز
باشد و نظایر آن طعام حرامست که اصلش حلال است و بالعرض حرمت ماخذ حرام
گشته و ایضا بدانکه معیار شناختن صوت حلال و حرام آن نیست که در اکثر طبایع
اول مرتبه تهیج حقی یا باطل کند گاهی در بعضی طبایع یا بسبب عادت و ریاضت
خلاف آن باشد چنانکه معیار خوبی و بدی در طعوم و روایح آن نیست که اکثر طبایع را
اول مرتبه خوش آید یا بد آید و اگر گاهی بعضی طبایع را بسبیل ندرت یا بعد از
عادت از طعمی یا رایحه خوش آید یا بد آید معتبر نباشد الحمد لله رب العالمین چون
زنا شایع شود و صوت فجاءة و اوجاع غریبه که قبل از این در میان ایشان نبوده

شایع شود و زانی را خدای تعالی کشتن عقوبت کند سه در دنیا که بفقر مبتلا شود
و نور از رویش برود و اجلش نزدیک گردد و آن سه که در آخرت غضب خدای تعالی
و سختی حساب و خلود در آتش و نیز مرویست که سیصد هزار در از جهنم در گورش
گشوده شود و در عذاب باشد تا روز قیامت و بعد از آن بدوزخش برند و چون
روز قیامت شود زانیان محشور شوند بوی در غایت عفونت از فرج ایشان بیرون آید
که همه اهل محشر از بوی او متاذی شوند و همه اهل محشر ایشان را لعن کنند و هر کس با زن
نامحرم تکلم نماید بهر کلمه که گوید هزار سال در دوزخ محبوس گردد و اگر زن
برغبت خود اطاعت کند هرچه در میان ایشان گذرد گناهش مثل گناه مرد باشد
و اگر مجبور باشد گناه او نیز بر مرد باشد و هر کس چشم از نگاه حرام پر کند خدای تعالی
آن چشم را از آتش پر کند و هر کس با زن نامحرم در آویزد او را با شیطان در زنجیر آتش
کند پس در آتش اندازند و هر کس از زنان مردم عفیف باشد مردم نیز از زنان
او عفیف باشند بهر نحوی که با مردم معامله کنی با تو چنان معامله کنند حضرت پیغمبر

فرمودند

فرمودند که با فلان طایفه تزویج کنید که مردان ایشان عفیف باشند و زنان ایشان نیز عفیف
باشند و با فلان طایفه تزویج مکنید که مردان ایشان عفیف نیستند و زنان ایشان نیز خائن اند
و هر کس نظر بر زن نامحرمی افکند و چشم از او بگرداند و بسوی چشم نزده باشد که خدای تعالی
او را ایمانی عطا فرماید و حور العین و بهشت برای او تزویج کند و هر کس لواطه کند با زنی
حرام یا با مردی هیچ فریضه و نافله از و مقبول نگردد و از عفونت رایحه آن اهل محشر
متاذی شوند و کافر باشد و بر استبرق و حریر بهشت نه نشیند کسی که با او لواطه
کند و هر کس کسی را بکشد عمدا چنان است که جمیع مردم را کشته است و جزای او جهنم
باشد و خدای مقتول را از همه گناهان پاک کند و همه بر قاتل بنویسد و بدترین کس نزد
خدای تعالی کسی است که کسی را بناحق بکشد و بزند و اگر اهل سموات و ارضین در کشتن
مسلمانی شریک باشند و بآن راضی باشند خدای تعالی همه را سرازیر در دوزخ
افکند و هر کس بکلمه اعانت قتل مسلمین کند روز قیامت مقتول از و مطالبه نماید
و هر کس با مؤمنی در حاجتش رفاقت کند و خیر آنرا ملاحظه نکند با خدا و رسول خدا و ائمه اطهار

صلوات الله علیهم خیانت کرده باشد و هر کس میانجی کاری برای مومنان شود و از آن
منافع کند خدای تعالی او را ضایع کند و هر کس والی و امیر جمعی شود و اگر چه ده کس باشند و میان
ایشان عدل نکند روز قیامت دست و پایش را بسته بمحشرش آورند و هر والی که از رعیت
و حوایج ایشان را پنهان کند خدای تعالی روز قیامت از وی و از حوایجش اعراض کند
و اگر در کار رسانیدن ارشان هدیه بگیرد خیانت کرده باشد و اگر در حکم حق میان ایشان
رشوه بگیرد مشرک باشد و اول کسی که داخل جهنم شود پادشاه و حاکمیست که رعیت بار
عدالت نکند و صاحب مالی که حق مال خود را ادا نکند و فقیری که فاجر باشد و هر کس
بر کسی ظلم کند خدای تعالی او را بران ظلم در نفس یا مال یا والد یا ولدش مواخذه نماید
و ظلم در دنیا ظلمات است و در آخرت بر صراط پلیست که هیچکس با مظلمه از آن نتواند گذشت
و هر کس مال کسی بظلم و غصب بگیرد خدای تعالی هیچ طاعت و حسنه از او قبول نکند
تا آنکه توبه کند و آن مال را پس دهد و هر کس که ظالمی را در ظلم نصرت نماید خدای تعالی
ظالمی را بر او مسلط گرداند و دعایش مستجاب نشود و هر که ظالمی را اعانت کند در

گناهش

گناهش شریک باشد و مثل آن ظالم بود و خدای تعالی در زمان پادشاه جباری به پیغمبری
وحی فرمود که باین پادشاه بگوی که من ترا پادشاه نکردم که خون مردم بریزی
و مال ایشان را بگیری بلکه ترا پادشاه کردم و ملک بتو دادم که بداد مظلومان رسی و من
از مظلمهٔ ایشان نخواهم گذشت اگرچه کافر باشند و هر حاکم یا سلطانی که بر رعیت ظلم
کند در دوزخ با هامان باشد و هر حاکم که صباح برخیزد و ظلم کسی در نظر نداشته باشد
خدای تعالی گناهان آن روزش را بیامرزد و هر کس با مخالفین و ظالمین مصاحبت
و ملازمت نماید از خدای تعالی دور شود و هر چند با ایشان نزدیکتر از خدا دورتر
باشد و خدای تعالی ورع را از دلش بیرون برد و حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
فرمود که حقست بر خدای تعالی که شما را در آخرت با کسی رفیق گرداند که در دنیا
زندگانی با او کرده باشید و کسی از آن حضرت پرسید که شیعیان شما گاهی از برای ایشان
کارها مثل بنای عمارت و باغبانی برای مخالفین میکنند فرمود که اگر تمام مدینه را
بمن دهند برای ایشان گرهی نزنم و نقطهٔ قلمی ننویسم که اعوان ظالمین روز قیامت

در سراپرده‌های آتشین باشند تا وقتی که خدای تعالی میان عباد حکم کند و هر کس صاحب
سلطنتی را طمع مدح کند در جهنم قرین او باشد و هر کس صاحب سلطنتی تا مخالفین
دین را طمع تنزل کند خدای تعالی او را ذلیل گرداند و برکات زر و سیم و آنکه از آن مال خراجات
که بکند قبول نکند اما از ایشان علیه السلام روایات آمده که اگر از مخالفین و اهل جور مالی بکسی
رسد پس آنکه او و ران تنزل کند حلال باشد و در روایت دیگر آمده که مالی از ایشان بهر نحوی
بدست آید خمس آن را بفقرای شیعه دهید و تتمه بر شما حلال باشد و کسی بخدمت امام محمد باقر
عرض کرد که مدتی در دیوان مخالفین حکومت کرده‌ام کفاره داشته باشد فرمود که نه
تا حق هر کس را بصاحبش نرسانی آمرزیده نشوی و کسی بحضرت امام جعفر صادق ع عرض نمود
که من در دیوان بنی امیه مدتی نویسنده بودم و مال بسیار از آن بدستم افتاد و چشم
از ما حذرش پوشیده‌ام فرمود که اگر ایشان نویسنده و خدم نیابند کسی ریاست
نتوانند یافت و حق ما را غصب نکنند گفت از آنچه کردم مخرجی داشته باشم فرمود که
آنچه بگوییم میکنی گفت بلی فرمود هرچه در عمل تحصیل کرده هر کرا میشناسی حقش را بده و آنکس را

نمی

نمی شناسی از برای ایشان تصدق کن من برای تو ضامن بهشت میشوم پس آن مرد رفت و چنان
کرد و چنان کرد حتی لباسی که در بر داشت بیرون کرد و بمردم داد و دوستانش
در میان خود قوت و لباس تعیین کردند و اندک وقتی بعد از آن بیمار شد یکی از اصحاب
آنحضرت میگوید که بعیادتش رفتم چشم باز کرد و گفت ای فلان که آنحضرت بوعده خود
وفا کرد و پس بخدمت آنحضرت رفتم همینکه مرا دید فرمود ای فلان که بوعده فلان
وفا کردیم و هم از ایشان علیهم السلام روایات آمده که اگر کسی بولایت مخالفین
و ظالمین مبتلا شود کفاره آن اینست که قضای حوائج مؤمنین و رفع ظلم
از ایشان و نفع با ایشان رساند تا حشر او برابر شیعه باشد و چون ترک امر معروف
و نهی منکر کند خدای تعالی با ایشان محاربه کند و حضرت امیرالمؤمنین ع فرموده
تمام اعمال بر و جهاد در راه خدا در پیش امر معروف و نهی منکر مثل آبیست که کسی
بر روی دریای عظیمی تف کند و افضل آن کلمه حقیست که در پیش حاکم جابر بگوید
و چون کیل و وزن نقصان کنند بفقر و قحط و جور سلطان مبتلا شوند و چون

منع زکوة کنند زمین منع خیرات و برکات خود و نسل و زرع و ثمار و معادن کند و چون
قطع ارحام کنند اموال ایشان بدست اشرار منتقل شود و هرکس حرص حیوانی بسیار دارد
روز قیامت خدای تعالی عذابش فرماید که در آن بصورت مرغ مبدل شوند و فرقی
که در میان بایدار و غیر آن شهوت اعتقاد و حدت معلوم نیست و هرکس غضب بر او
مستولی شود ربقه اسلام از او منخلع بود و با اعراب جاهلیت محشور شود و می‌باید
که غضب خود را فرو خورد و هرکس نگاه دارد غضب مومن کند و او را بترساند خدای تعالی
بغضب خود او را بترساند و هر که نکند نه کرد دشمن باشد و اهل بهشت نشود و متکبران
روز قیامت بصورت مور محشور شوند و در زیر پای اهل محشر پامال شوند تا خدای تعالی
از حساب خلایق فارغ شود و در جهنم موضعیست که متکبران که سقر نام است
از شدت حرارت شکایت کرد و اذن خواست که نفسی در کشید از نفس او تمام
جهنم سوخت و بغی و حسد صاحب خود را بکشند تا در جهنم ابلیس مجنون شد کفت که
وحسد در میان ایشان نگنجید که برابر تا نترک و هیچ خیر ربغی زیادتی بر خیر نمی کند مگر

انکلم

که خدای تعالی ابلیس کرد و حسد ایمان را بسوزاند چنانکه آتش هیمه را و هرکس بقدر ذره‌ای حسد
در دل داشته باشد با کفار جاهل محشور شود و هرکس معصیت کند ایمان از او دور شود و آفت حسب افتخار است
روزی کسی در خدمت حضرت امام محمد باقر علیه السلام گفت که فلانی صاحب حسب عالی است در
قوم خود از آن و غیر آن فرمود که حسب ما متقی خدای تعالی ایمان بلند کرده بنده
هرکس مومن باشد و مغرور ذلیل کرده است بنده هرکه کافر باشد و هیچکس را بر کسی فضل نیست مگر به تقوی
و هرکس با مردم دو زبان معاشرت کند روز قیامت او را دو زبان از آتش باشد و
حضرت امیرالمومنین صلوات الله علیه و آله فرمود اگر نه مکر و خدعه در جهنم می بود من
از همه کس مکارتر می بودم و مردم را همین عیب اکثر آدمی گرد عیوب مردم میدید
و از عیوب خود چشم پوشد و عیب کند دیگری را بر صفتی که خود ترک آن نتواند کرد و
و همنشین را بی سبب بیازارد و بدترین صفات بنو آنست که عیوب و خطاهای مومن را حفظ کند
که تا روز غضب آن را نشر و تعییرش کند و هرکس در پی عیوب مسلمین باشد خدای تعالی در پی
عیوب او باشد تا رسوایش کند و حضرت پیغمبر فرمود که جمیع عیوب بسیار رواشد چون

از عیوب مردم خاموش بودند خدای تعالی مردم را از عیوب ایشان خاموش کرد تا اگر مردم
عیب از ایشان دیدن مردم نمودند و جمعی دیگر که عیب جوی باشند عیب جوی مردم کردند
خدای تعالی چندان عیب از ایشان اظهار فرمود که بر زبانها مردم افتادند تا از دنیا
رفتند و هر کس که معصیتی از کسی افشا کند چنان است که خود آن را کرده باشد و هر کس که مومنی را
بر عیبی سرزنش کند از دنیا نرود تا خود را بدان عیب مبتلا بیند و خدای تعالی او را در دنیا
و آخرت سرزنش کند از دنیا نرود تا خود را مرویست که مومن از نور عظمت
و جلال خدا مخلوق گشته هر کس بر وی طعن و رد کند بر خدا کرده و شریک شیطان
باشد مرویست که اگر کسی غیر مومن را لعن کند بدترین وجهی بمیرد و هر کس از مومن چیزی
روایت کند که باعث خفت او باشد نرود تا آن خفت باو رسد خدای تعالی او را
از ولایت خود بیرون کند و بولایت شیطان افکند و شیطان نیز قبولش نکند و هر کس در
مصیبت مومن شماتت کند از دنیا نرود تا بآن مبتلا شود و هر کس مومنی را غیبت کند
چنان است که گوشت او را خورده باشد و در روز قیامت از دهنش بوی آید

بدتر از بوی مردار و اهل محشر از آن متاذی شوند و از جمله آنان باشند که خدای تعالی
فرموده جمعی که میخواهند معصیت در میان مومنان شایع شود بعذاب الیم معذب باشند
و هر کس غیبت مومنی را بشنود و قادر بر منع او باشد و نکند خدای تعالی در دنیا
و آخرت ذلیلش کند و اعانتش نکند و گناهش مضاعف و مرتبه مثل کسی باشد که غیبت کرده باشد
اگر اعانتش کند و غیبت را از او دفع کند خدای تعالی هزار نوع بدی در دنیا و آخرت
از او دفع کند و از آتش آزادش نماید و غیبت آنست که صفتی در او باشد و او خود پنهان
دارد که مردم ندانند و ذکر کند و اگر خود پنهان ندارد غیبت نباشد و اگر آن
صفت در او نباشد بهتان باشد و هر کس مومنی یا مومنه را بهتان کند روز قیامت بر تلی
از آتش نگاهش دارند آنقدر که از گناه پاک شود و بهشت حرام است بر کسی که عیب
مومنان گوید و سخن چینی کند تا میان ایشان فتنه افکند چهار کس را بجهنم برند و از حمیم جهنم
بیاشامند که اهل جهنم از ناله و فغان ایشان زاری کنند و گویند اینان چه کسانند
که ما را با این همه عذاب آزار کنند پس ایشان گویند آنکه در تابوت آتش آویخته

نیست که سوال مردم و رکردنش بود و ادا نکرده و اراده ادا کردن هم نداشته
و آنکه رود هایش که آخته در روان گشته از بول اجتناب و مبالات نکرده و آنکه چرک
و خون از دهنش و نشست سخن مردم گفته و فتنه انگیخته است و آنکه گوشت خود را میخورد
عیب مردم و نمامی میکرد و هر کس با مؤمنان بدگمان باشد ایمان در دلش بگدازد
مثل نمک در آب و هر کس مؤمنی را از حاکم بترساند و از آن حاکم ضرری باو رسد آخر ایش
جهنم باشد و اگر ضرری رسد با فرعون و آل فرعون در جهنم باشد و اگر تازیانه بر مؤمنی
زند خدای تعالی تازیانه از آتش بر وزند و اگر بیانچه زند روز قیامت اعضایش
از هم جدا گشته غل بر دستهایش گذاشته محشور شود تا بجهنم رود مگر آنکه توبه کند
و هر کس تازیانه یا چوبی در دست گیرد و پیش حاکم جابر بایستد خدای تعالی آنرا ازدها
کند که طولش هفتاد زراع باشد و روز قیامت برو مسلط گرداند و خدای تعالی
فرموده هر کس متعرض قسمها دروغ شود از رحمت خدایی بی نصیب شود و هیچکس را
نرسد که قسم بغیر خدای تعالی خورد و قسم بخدای تعالی نیز برای امر مطلب سهل کرچ

راست

راست باشد قسم نباید خورد و که موجب استخفاف و عظمت آن جناب است
تعالی عز و جل و هر کس حق مؤمنی را حبس کند بی عذری خدای تعالی رزق خود را
بر وی تنگ گرداند و هر یک روز که تأخیر کند مثل وزر عشاری بر و نویسند و روز
قیامت پانصد سال او را بر پای دارند تا رودها از عرقش روان شود و منادی ندا کند
که اینست ظالمی که حق مؤمن را حبس کرده پس چهل روز توبیخش کنند پس بآتش امر کنند
و هر کس نیت ادای دین نداشته باشد مثل دزد و حرامی بود و همچنین کسی که ترک
زکوة کند و کسی که مهر زنان ببرد و کسی که نیت ادای دین خود داشته باشد
دو ملک از جانب خدای تعالی برو موکل شود که محافظتش و اعانتش کنند و اگر نیت
او در ادای دین کوتاهی کند ملکین نیز بقدر آن در اعانتش کوتاهی کنند و چون کسی در راه
خدا جهاد کند و کشته شود قطره اول که از خونش بریزد کفاره همه گناهانش
باشد مگر دین که کفاره ندارد مگر ادای آن یا آنکه صاحب حق حلال کند یا کسی بعهده
خود گیرد و صاحب حق راضی بآن شود و هر صاحب دینی که دین خود را بدهد و اب

وماهی دریا بر وی صلوات فرستند و اگر آن از وی بر گردد و حال آنکه قادر باشد بر ستاندن
روزگار حق او را حبس کند ظلمی بر وی کرده باشد و رضای طلبکار نیست که اگر متعذر باشد
حقش را ادا کند و اگر متعذر نباشد بملایمت و همواری عذر خواهی کند
و هر کس را اجیر دارد اجرتش ظلم کند بوی بهشت بر وی حرام شود و هر کس اجیر را از نماز
جمعه منع کند گناهش بر وی باشد و اگر مانعش نشود در ثواب آن شریک باشد و در روا دادن
اجرت تعجیل باید نمود و تا اجرهٔ او را مشخص نکند او را بکار نفرماید و اگر چنانچه او را بدهد
هنوز عرقش خشک نشده باشد ثواب یابد و پیش از آنکه اجرتش را مقاطعه کنند
کار نباید فرمود و هر چند گوید هر چه بدهید راضیم و مضایقه ندارم و تاکید بلیغ در این
وارد شده و هر کس شهادت ناحق دهد با منافقین در درک الاسفل جهنم
باشد زبان آویخته و هر کس کتمان شهادت کند خدای تعالی در میان اهل محشر گوشتش را
بخوراند و زبان خود را مخاییده باشد تا بجهنم رود و خوردن گل مورث حکمت
و تهییج سودا کند و قوت ساق و قدم ببرد و از عبادات اگر پیش از این بگیرد و هر چه در قوت بود

بسبب

بسبب ضعف نقصان یابد تا آن جانب عذاب کند و هر کس معصیت خالق در اطاعت
مخلوق کند و رضای او جوید از دین خدا بیرون رود و خدای تعالی چنان کند که هر کس
مدحش میکرد مذمتش کند و مؤمن گناه کند بهتر از آن است که بعبادت خود عجب ورزد
کند و اگر چنین بودی خدای تعالی هرگز مؤمن را بگناه مبتلا نکردی و حضرت امام
فرمود که عابد و فاسقی با هم بمسجد رفتند و چون بیرون آمدند عابد فاسق و فاسق
صدیق بود زیرا که عابد بعبادت خود مغرور و متعجب بود و فاسق از معصیت خود ترسان
و پشیمان و استغفار میکرد و نیز فرمود که عالمی از عابدی پرسید که عبادت تو
چونست گفت کسی مثل منی سوال عبادت کند من چندین سال است که عبادت
میکنم پرسید گریهات چونست گفت اشک از چشمم روانست عالم گفت اگر
خندان و ترسان بودی بهتر از آن بود که گریان و مشعوف باشی که چون کسی بعمل
خود مشعوف باشد و از خود راضی باشد هیچ عمل او مقبول نشود و این بود و دیگر بعضی
معاصی در زوال آن و بعضی نیز در فضول آن تقصیر کرده است و بعضی نیز در مباحث خود

را انشاء الله تعالی بیامرزد [illegible] جمیعها **فصل چهاردهم** در دوای
معاصی و سیئات مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که هر علتی را دوائیست و دوای
ذنوب استغفار است و استغفار بهترین دعاست گناهان را بریزد مثل برگ از درخت
هر کس استغفار بسیار کند نامه عملش نورانی و درخشان بالا برند خوشا کسی که روز
قیامت در نامه عملش در پای هر گناه استغفاری باشد کسی بحضرت امام محمد باقر ع
عرض نمود که مرا چیزی تعلیم فرمای که چون آن را عمل کنم در دنیا و آخرت با شما باشم
سوره مبارکه انا انزلنا بسیار بخوان و لب را باستغفار تر دار و نیز از ایشان
علیهم السلام مرویست که هیچ شفیعی بهتر از توبه نیست که کسی از گناه توبه کند چنان است
که گناه نکرده باشد و کسی که توبه نصوح کند یعنی بعد از توبه بگناه خود رجوع نکند و اگر
از خطای صادر شود باز توبه کند و بر گناه مصر نباشد خدای تعالی او را دوست دارد
و برحمت خود بپوشد و گناهش را از یاد ملکین ببرد و از اعضایش و بمکانی که گناه
کرده امر فرماید تا گناهانش را پوشیده دارند تا روز قیامت هیچ چیز شهادت بر گناه

او

او ندهد و اگر بر گناه مصر باشد و ترک نکند و استغفار میکرده باشد چنان است که بخدای
استهزا کرده و خدای تعالی به نعمت توبه کند که عطا فرموده که اگر یکی از آنها را به
اهل آسمان و زمین عطا فرمودی همه نجات می‌یافتند یکی آنکه ایشان را دوست دارد
و هر کس را خدای تعالی دوست دارد عذاب نکند دویم آنکه ملائکه و حمله عرش را فرماید
که برای ایشان استغفار کنند و دعای ایشان را البته اجابت فرماید سیم آنکه وعده
فرموده که سیئات ایشان را بحسنات مبدل فرمایم و چهارم از ایشان علیهم السلام مرویست
که هر کس را گناهی شد و توبه نمود و بعضی ایام یاد آورد و از ملائکه کاتبین شرم کند
و آن گناه را ترک کند گناهش آمرزیده شود و اگر چه مثل جن و انس گناه داشته باشد
و هر کس معصیتی کند و در دل از خدای تعالی بترسد و بداند که خدای تعالی قادر است
بر عقوبت گناهش او را بیامرزد پیش از آنکه استغفار کند و چون مؤمن گناه کند
آن را فراموش نکند اگر چه بعد از بیست سال باشد یاد آورد و استغفار کند
آمرزیده شود و چون کافر گناه کند پروا از آن نکند و فراموش کند حضرت صادق ع

فرموده که گاه باشد خدای تعالی بنده را بگناه به بهشت برد کسی پرسید که
یا حضرت چون شود که گناه موجب بهشت باشد فرمود که گناه کند و پشیمان
شود و همیشه ترسان باشد و با خود دشمن شود و خود را عتاب کند و توبیخ کند پس
خدای تعالی بر او رحم کند و به بهشت برد و هم از ایشان علیهم السلام مرویست
که هر خیری کیلی و وزنی دارد مگر گریه که یک قطره اشک دریاهای آتش را فرو نشاند
و اگر کسی از امتی گریه کند خدای تعالی بگریه او بر آن امت رحم فرماید و اگر از اشک
چشم پر شود غبار مذلت بر آن رو ننشیند و اگر روان شود خدای تعالی
بدن تنش را بر آتش دوزخ حرام شود و بهر یک قطره اشک کوه احد اجر کرامت
فرماید و بهر قطره در بهشت چشمه آبی عطا فرماید که در اطراف او قصرها و
شهرها باشد که هیچ چشم ندیده و هیچ گوش نشنیده باشد و بخاطر هیچ
احدی نگذشته باشد و هیچ قطره پیش خدا دوستتر از دو قطره نیست قطره
خونی که در راه خدا بریزد و قطره اشکی که در شب تاریک از چشم از ترس خدا

بچکد

بچکد و هر چشمی روز قیامت گریان باشد مگر چشم چشمی که از ترس خدا گریسته باشد
و چشمی که در طاعت او بیخوابی کشیده باشد و چشمی که از حرام پوشیده باشد و جمعی که
از ترس خدا بگریند مقامشان در رفیع علا باشد و هیچکس با ایشان شریک نباشد و حضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم بحضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه فرمود که یا علی چند
چیز را وصیت میکنم محافظت نمای و از آنجمله فرمود که از ترس خدای اگر بسیار
گریه کن که بهر قطره هزار خانه در بهشت خدا عطا فرماید و هم از ایشان صلوات الله علیهم
اجمعین مرویست که اگر کسی شبانروزی چهل کبیره از و صادر شود و چون
پشیمان شود و بگوید أَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ الَّذِي لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ
بَدِيعُ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ وَأَسْأَلُهُ
أَنْ يُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ يَتُوبَ عَلَيَّ همه گناهانش
آمرزیده شود و خیری نیست از کسی که هر روز زیاده از چهل کبیره کند و اگر کسی
هر روز صد مرتبه استغفر الله بگوید هفتصد گناهش آمرزیده شود و کسی که هر روز

زیاده از عقد گناه کند خبری در رو نبود و نیز مرویست که هر که بگوید استغفر
اللّه الذی لا اله الا هو الحی القیوم و اتوب الیه گناهان او آمرزیده
شود اگرچه فرار از زحف نموده باشد یعنی از جهاد گریخته باشد که از اعظم کبایر است
و نیز مرویست که هر کس بگوید اللهم اغفر لی انه لا یغفر الذنوب الا
انت خدای تعالی فرماید ای ملائکه بنده من میداند که گناهش را غیر از من کسی نیامرزد
گواه باشید که او را آمرزیدم و کسی در خدمت رسول الله از بسیاری گناه شکایت
کرد فرمود که سجده بسیار کن که سجده گناه را بریزد چنانکه باد برگ درخت را
و در روایت دیگر آمده است که بیک سجده خطیه محو شود و درجه بلند گردد و مرویست
که کسی در حضور حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه گفت استغفر الله حضرت
فرمود مادرت بر تو بگرید هیچ میدانی که معنی استغفار کدام است استغفار شش
شرط دارد اول آنکه از کرده پشیمان باشی دوم آنکه عزم داشته باشی که
دیگر این کار نکنی سیم آنکه حقوق مردم را ادا نمایی تا هیچکس را در پیش تو مظلمه نباشد

چهارم

چهارم آنکه هر فریضه که در آن تقصیر نموده باشی تلافی کنی پنجم آنکه گوشتی که از
حرام در بدنت رسته بغم و اندوه بگدازی تا پوست بر استخوان چسپیده
و در میان گوشت تازه بروید ششم آنکه بدن را الم و مشقت طاعت بچشانی چنانکه
لذت و حرص معصیت چشانیده و چون باین شرایط عمل کنی استغفار کرده باشی
و باید دانست که اگر گناه حق الناس باشد استغفار و توبه تنها کافی نباشد
چنانکه چند حدیث باین معنی در فصل سابق گذشت که فرمودند اموال مردم بگذارد
مگر آنکه هر کس را شناسی حقش را بدهی و اگر نشناسی از جانب او تصدق کن
و نیز کسی از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام پرسید که اگر کسی با جاریه دیگری
زنا کند توبه اش چیست فرمود آنکه دیگر این عمل نکند و از صاحب جاریه معذرت
خواهد و التماس کند که او را حلال کند گفت اگر حلال نکند چون باشد فرمود
که زانی و خاین باشد گفت پس بجهنم خواهد رفت فرمود که شفاعت پیغمبر
و شفاعت ما بهمه گناهان شما وفا کند اما تکیه بر شفاعت ما نکنید که چون کسی این عمل

کند و الله که تا علم و عذاب و هول جهنم نه بیند شفاعت او را در نیابد و امثال
این احادیث بسیار روایت شده و نیز مرویست که اگر کسی تلافی ظلمی که کرده نتواند نمود
و برای مظلوم توبه و استغفار و طلب آمرزش کند کفارهٔ آن باشد و اگر کسی را غیبت
کرده باشد هر مرتبه که بخاطر رسد برای او استغفار کند و کفارهٔ آن باشد و حضرت امیر المؤمنین
صلوات الله علیه فرمود که بسا کسی باشد که طلب توبه کند و سستش بآن رسیده است
که ترک گناه کند و از پیمان توبه فارغ باشد وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ
الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ **باب دویم** در تنظیف بدن و جامه از کثافات و پاک
کردن و از اخباث ظاهری و تطهیر جسد و دل از کدورت و احداث باطنی و این
مجموع انشاء الله تعالی در ده فصل بیان شود **فصل اول** در فضیلت نظافت از حضرت
امیر المؤمنین صلوات الله علیه مرویست که فرمود که پاک کنید بدن و جامه را
از بوهای بد که خدای تعالی دشمن دارد کثافت و بوی بد را و نیز فرموده
که شستن جامه دلگیری می‌برد و جامه را برای نماز پاک میکند و از اهل بیت طاهرین

صلوات الله

صلوات الله علیهم اجمعین مرویست که پاک کردن جامه و بدن از کثافات از جملهٔ
اخلاق انبیاست **فصل دویم** در آداب حمام رفتن و آنچه در آنجا بجای
باید آوردن از اهل بیت طاهرین علیهم السلام مرویست که چون داخل حمام شوی
پای چپ پیش گذار و بسم الله بگوی و بگوی اَعُوذُ بِاللهِ مِنَ الرِّجْسِ النَّجِسِ
الْخَبِيثِ الْمُخْبِثِ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ و هر کاری که در حمام یا غیر حمام کنی از
نشستن و برخواستن و غیر آن هرچه باشد بسم الله بگوی تا از شر شیطان
ایمن شوی و در وقت غروب آفتاب و میان نماز شام و خفتن بحمام نباید رفت
که شیاطین درین وقت متفرق باشند و چون خواهی جامه بیرون کنی بگو
اَللّٰهُمَّ انْزِعْ عَنِّي رِبْقَةَ النِّفَاقِ وَثَبِّتْنِي عَلَى الْإِيمَانِ و باید که
لنگ بندند تا عورت پوشیده شود و از حضرت رسالت پناه محمدی صلعم مرویست که
هر که ایمان بخدا و روز قیامت دارد باید که بی لنگ داخل حمام نشود و از حضرت
امیر المؤمنین صلوات الله روایت شده که چون برهنه شوید عورت خود را

بپوشند تا شیطان نظر نکند و طمع نماید و چون بخانهٔ اول حمام رود بگوید اللّهمّ
إنّی أعوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ نَفْسِی وَأَسْتَعِیذُ بِكَ مِنْ أَذَاهُ و چون بخانهٔ دوم
حمام رود بگوید اللّهُمَّ أَذْهِبْ عَنِّی الرِّجْسَ النَّجِسَ وَطَهِّرْ لِی جَسَدِی
وَقَلْبِی و قدری آب گرم بر سر ریزد و قدری نیز بر پا ریزد و اگر تواند جرعهٔ بنوشد
که مثانه را پاک سازد و طراوت جمال بیفزاید و الم از بدن ببرد و درین خانه اندکی
توقف کند و چون بخانهٔ سیم رود بگوید نَعُوذُ بِاللهِ مِنَ النَّارِ وَنَسْأَلُهُ
الْجَنَّةَ و تا هنگامی که در حمام باشی نگر همین بگوی و در حمام آب سرد منوش که
معده را فاسد گرداند و سفال بر بدن نمالد که پیسی می آورد و بر پا نمالد که مورث
جذام باشد و فوطه بر رو نمالد که آب روی را می برد و گل مصر بر سر نمالد که بی غیرتی آورد
کند و در حوضی که مظنهٔ آمدن مخالفین مذهب و بی نمازان و امثال ایشان باشد
نرود که باعث جذام شود و در حمام شانه در موی نزند که موی تنک شود و بدن را
بکیسه و مانند آن پاک کند و یکروز در میان بدن را فرا کند و هر روز رفتن مورث سل شود

وبی فوطه قرآن نخوانند اما اگر عورت پوشیده باشد قصوری ندارد و بی فوطه با آب
در نیاید که در آب ملائکه باشند و چون خواهد بحمام رود اندکی چیزی تناول کند که صفرا
و حرارت غلبه نکند اما شکم پر نباشد که مزاج بدن ضعیف شود و گاه باشد که بهم هلاکت
باشد و نظر بر عورت مسلمانان نکند و فوطه نگشاید که مردم عورت او را ببینند که هر دو
ملعون شوند و هر کس نظر بر عورت مؤمنی کند هفتاد هزار ملک لعنتش کنند و فرزند
باید بحمام نرود که مبادا عورت او را ببیند و در حمام مسواک نکند که دندان
ضعیف و بی قوت شود و مستحب است نوره نهادن و تاکید بسیار در آن واقع
شده اول شیطان را دور کند و آفات و امراض دفع کند و بدن را از کثافات
و چرک و بوی بد پاک شود و از جملهٔ اخلاق انبیاست علیهم السلام و سنّت است
که هر دو هفته نوره بکار برند و یکهفته سر را نیز روایات بسیار وارد شده است
و اگر میسّر نشود و زر ندارد و تواند آهسته باشد قرض کند که ادای آن قرض بر خدای
تعالی است و زیاده از یک هفته ترک نوره نباید کرد که فضل و ثواب بسیار کم

شود تا آنکه گویا نماز نکرده باشد و در روایتی شده که هر کس ایمان بخدا و روز قیامت
دارد موی زهار را پیشتر از یک هفته نگذارد و در روایتی دیگر آمده که هر کس ایمان بخدا
و روز قیامت دارد باید زیاده از چهل روز موی زهار را نگذارد و زنان زیاده
از بیست روز نگذارند و زیر بغل را تراشند و اگر نوره گذارد افضل باشد و کندن موی
چشم را ضعیف کند و موی بغل را دراز نکنید که شیطان در آن پنهان
میشود و چون خواهد نوره بکار برد اول انگشت بردارد و ببوید و بر سر بینی گذارد
و بگوید اَللّٰهُمَّ ارْحَمْ سُلَیْمَانَ بْنَ دَاوُدَ عَلَیْهِ السَّلَامُ کَمَا
اَمَرَنَا بِالنُّورَةِ تا بدن را نوره زند و چون نوره گذارد و بگوید اَللّٰهُمَّ طَیِّبْ مَا
طَهُرَ مِنِّی وَطَهِّرْ مَا طَابَ مِنِّی وَ اَبْدِلْنِی شَعْرًا لَا یَعْصِیکَ اَللّٰهُمَّ
اِنِّی تَطَهَّرْتُ ابْتِغَاءَ سُنَّةِ الْمُرْسَلِینَ وَ ابْتِغَاءَ رِضْوَانِکَ وَ
مَغْفِرَتِکَ فَحَرِّمْ شَعْرِی وَ بَشَرِی عَلَی النَّارِ وَ طَهِّرْ خَلْقِی وَ
طَیِّبْ خُلْقِی وَ زَکِّ عَمَلِی وَ اجْعَلْنِی مِمَّنْ [illegible] عَلَی الْحَنِیفِیَّةِ

الحنفیة

السَّمْحَةِ مِلَّةِ اِبْرَاهِیمَ خَلِیلِکَ وَ دِینِ مُحَمَّدٍ صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ
وَآلِهِ وَسَلَّمَ حَبِیبِکَ وَ رَسُولِکَ عَامِلًا بِشَرَایِعِکَ تَابِعًا لِسُنَّةِ
نَبِیِّکَ آخِذًا بِهِ مُتَأَدِّبًا بِحُسْنِ تَأْدِیبِکَ وَ تَأْدِیبِ اَوْلِیَائِکَ
الَّذِینَ غَذَوْتَهُمْ بِاَدَبِکَ وَ زَرَعْتَ الْحِکْمَةَ فِی صُدُورِهِمْ
وَجَعَلْتَهُمْ مَعَادِنَ لِحِکْمَتِکَ صَلَوَاتُکَ عَلَیْهِمْ و چون این دعا بخواند
پاک گرداند خدای تعالی او را در دنیا از کدورتها و عیبها و گناهها و بدل کند
موی او را بموی که در آن موی گناه نکند و بعدد هر موی که در بدن او باشد
فرشته بیافریند که خدا را تسبیح کنند تا روز قیامت و ثواب آن همه از آن کس باشد
و هر یک تسبیح ملائکه برابر است با هزار تسبیح اهل زمین و تا مدتی که نوره در بدن او
باشد بسیار گوید لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللهِ که بدن نشوید و در روز
چهارشنبه نوره نگذارد که روز نحس است بیم برص باشد و در روز جمعه نیز
حدیث آمده که نوره گذاشتن موجب پیسی شود اما حدیث دیگر آمده که روز

جمعه نوره طهور است و کدام طهور از نوره بهتر خواهد بود و حدیث دیگر آمده
که بعد از نوره حنا بر بدن بمالد که دفع مضرت او کند و چون نوره در بدن
باشد نباید نشستن که علت فتق بهم رسد و بعد از نوره تمام بدن را از سر تا پا حنا
بمالد و ابتدا از سر نماید که حنا بعد از نوره دفع پریشانی و دیوانگی و پیسی و جذام
کند و بوی عرق ببرد و دفع علت اکله نماید و اکله بفتح الف زخمی که در هر عضوی
که حادث شود و گوشت آن عضو را بخورد و بکسر الف خاریدن بدن را گویند و امام
داند که درین مقام کدام مراد باشد و مستحب است در هر هفته سر تراشیدن و موی را
از بیخ باید گرفت که حرکت شهوتش کم شود و گردن قوی گردد و نور چشم را جلا دهد
و جمال را بیفزاید و ابتدا از پیش سر از جانب راست نماید و بگوید بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ
وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ اَللّٰهُمَّ اَعْطِنِي
بِكُلِّ شَعْرَةٍ نُوراً يَوْمَ الْقِيٰمَةِ و چون فارغ شود بگوید اَللّٰهُمَّ
زَيِّنِّي بِالتَّقْوَى وَجَنِّبْنِي الرَّدٰى و هر هفته با خطمی سر بشوید که امانست

از فقر

از پیسی و دیوانگی و دفع پریشانی کند و روزی زیاد شود و کثافت پاک کند
و مرویست که هر کس در روز جمعه شارب بگیرد و ناخن بچیند و سر را بخطمی بشوید
چنان است که بنده آزاد کرده باشد و هر که سدر بر سر بشوید گرد دلگیری ببرد
و روزی بیفزاید و خدای تعالی هفتاد روز وسوسه شیطان را از وی دور کند و هر کس
هفتاد روز وسوسه شیطان از او دور شود گناه نکند و هر کس گناه نکند به بهشت
رود و چون از حمام بیرون آید آب سرد بر پای ریزد که کوفت و ماندگی را از بدن
بیرون کند و سر را بپوشد خواه زمستان باشد و خواه تابستان که امانست از درد
و چون جامه بپوشد بگوید اَللّٰهُمَّ اَلْبِسْنِي التَّقْوَى وَجَنِّبْنِي الرَّدٰى و اول پیراهن
بپوشد و چون زیر جامه بپوشد بگوید اَللّٰهُمَّ اسْتُرْ عَوْرَتِي وَاَعِفَّ
فَرْجِي وَلَا تَجْعَلْ لِلشَّيْطَانِ فِي ذٰلِكَ نَصِيباً وَلَا لَهُ اِلَى ذٰلِكَ
وُصُولاً فَيَصْنَعَ فِي الْمَكَائِدَ وَيُهَيِّجَنِي لِارْتِكَابِ مَحَارِمِكَ
و ایستاده زیر جامه نپوشد که موجب غم باشد و رو بقبله و رو بآدم نپوشد

وچون عمامه بر سر نهد یا انگشتری در دست کند بگوید اَللّٰهُمَّ سَوِّمْنِی بِسِیمَاءِ
الْاِیمَانِ وَتَوِّجْنِی بِتَاجِ الْکَرَامَةِ وَقَلِّدْنِی حَبْلَ الْاِسْلَامِ وَلَا تَخْلَعْ
نُورِ رِبْقَةَ الْاِیمَانِ مِنْ عُنُقِی وچون کسی از حمام بیرون آمده باشد
تحیت کنی بگوی طَهُرَ مَا طَابَ مِنْكَ وَطَابَ مَا طَهُرَ مِنْكَ و اگر کسی
ترا تحیت بگوی اَنْعَمَ اللّٰهُ بَالَكَ وَاَصْلَحَ حَالَكَ

فصل سیم در فضیلت
شارب گرفتن و ناخن چیدن و آداب آن که منقول است از اهل بیت طهارت علیهم السلام
که هر جمعه شارب گرفتن و ناخن چیدن امانست از دیوانگی و پیسی و خوره و دفع پریشانی
و روزی بیفزاید و تا جمعه دیگر پاکیزه باشد و اگر ناخن دراز باشد بدم کار دستانند
روایت شده که شخصی بحضرت جعفر صادق ع گفت مردم روایت میکنند که بعد از نماز صبح
برجای نماز نشستن تا طلوع آفتاب بهتر است برای زیادتی روزی از مسافرت
و تجارت نمودن فرمود ناخن و شارب گرفتن در هر جمعه بهتر از این است و روایت
که چند روز وحی بر حضرت رسالت پناه نمی آمد اصحاب سبب او پرسیدند فرمود

که وحی چون از من محبوس نشود و حال آنکه شما ناخن نمی گیرید و بندهای انگشتان
از کثافت پاک نمیکنید روایت شده که پنهان ترین جاها که شیطان دران
پنهان شود و آدمی را وسوسه کند زیر ناخنهاست و ناخن دراز فراموشی آورد و از
حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم مرویست که هر کس شارب نگیرد از ما نباشد و
دراز نگذارید که شیطان در وی پنهان شود و ناخن و شارب گرفتن در روز دوشنبه و پنجشنبه
امانست از درد دندان و درد چشم و ناخن چیدن در روز جمعه امانست از ریش شدن
پشت ناخنها و در روز پنجشنبه از درد چشم ایمن باشد اگر در روز پنجشنبه ناخن بگیرد
یک ناخن برای روز جمعه بگذارد و خدای تعالی پریشانی از و رفع نماید و در روایت آمده
که روز شنبه ناخن بچینید و چهارشنبه بحمام روید و پنجشنبه حجامت کنید و جمعه
بوی خوش بکار برید کسی پرسید از حضرت امام جعفر صادق ع که مردم میگویند
که ناخن و شارب غیر روز جمعه نباید گرفت فرمود سبحان الله هر روز که دراز
شود بگیرند جمعه باشد یا روز دیگر و مردان ناخن را از بیخ بگیرند و زنان اندکی بگذارند

روایت شده که برای زینت این بهتر است و هر کس روز جمعه ناخن و شارب
بگیرد و بگوید بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ وَعَلٰى سُنَّةِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
صَلَوَاتُ اللّٰهِ عَلَيْهِمْ هر ریزهٔ ناخن و موی که جدا شود چنان است که بندهٔ
آزاد کرده باشد و هیچ بیماری نکشد مگر بیماری که در و موت است و تقدیر شده باشد
و هر کس روز چهارشنبه ناخن بگیرد و ابتدا از انگشت کوچک راست نماید و اختتام
با نگشت کوچک چپ نماید چشمش درد نکشد از حضرت پیغمبر مرویست که در ناخن
چیدن ابتدا از انگشت سبابه راست کند و بعد از آن انگشت میان و همچنین تا انگشت
کوچک و بعد از آن انگشت کوچک چپ و پهلوی او و همچنین به ترتیب تا ختم
انگشت بزرگ راست شود و از حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه مرویست
که اول انگشت کوچک راست بعد از آن انگشت میان و بعد از آن انگشت بزرگ و بعد از آن
میان و بعد از آن کوچک و بعد از آن سبابه و بعد از آن پهلوی کوچک و سنت است
شارب بسیار گرفتن تا آنکه برابر لب شود و ریش را بسیار نگرفتن مرویست که

مجوسان

مجوسان شارب را رها کنند و ریش را بسیار بگیرند شما بر عکس آن کنید که با ایشان
شبیه نشوید و آنکه مشهور است استحباب یک قبضه است و اصل این در حدیث معلوم
نیست بلکه در حدیث همین قدر است که زیاده از قبضه نباشد که زیادی در آتش
باشد و موی سفید از ریش کندن مکروه است روایت شده که موی سفید در اسلام
نور است در روز قیامت و گرفتن موی بینی جمال را بیفزاید و نباید کندن که چشم را
ضعیف کند و مستحب است دفن کردن موی و ناخن و خون را هر جا که باشد
در خاک کند **فصل چهارم** در آداب خضاب و آنچه بدو متعلق است آن از دا
از اهل بیت طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین مرویست که یک درهم که صرف
خضاب شود افضل است از هزار درهم که در راه خدا صرف شود و چهارده خصلت
در خضاب است بوی دماغ را ببرد و پردهٔ چشم را جلا دهد و دماغ را ملایم کند
و بوی دهن خوش کند و گوشت بن دندان را سخت کند و بیماری و لاغری را
ببرد و وسوسهٔ شیطان کم کند و ملائکه خوشنود شوند و مؤمنان از خوش آید

وکافر از غمناک کند و زینت بیفزاید و بوی خوش کند و امان از عذاب
قبر بود و سوال منکر و نکیر از ایشان شرم دارند و در روایتی دیگر آمده که آب روی
بیفزاید و باه را قوت دهد و فرزند را نیکو کند و خضاب کردن ریش بحنا
نور است در اسلام و بسیاری نور اسلام و ایمان موجب رغبت دشمنان و محبت
زنان باشد و مستحب است که زنان سر را خضاب نمایند و حیض بسته را گشاید
و دست ایشان باید از حنا خالی نباشد و اگرچه همین بمالیدن تنها باشد خواه
شوهر داشته باشد و خواه نداشته باشد و اگر دارد برای زینت است و اگر
نداشته باشد یا پیر باشد بنابر آنکه دست ایشان شبیه بدست مردان نباشد اما
استحباب خضاب دست بر مردان چنانکه مشهور است از احادیث معلوم نیست
بلکه از بعضی احادیث استشمام کراهت آن میشود چنانکه از حدیث مذکور و حدیث
دیگر روایت شده که مردی دست خود را خضاب کرده بخدمت یکی از ائمه طاهرین
علیهم السلام رفت حضرت فرمود که اگر خدای تعالی دست ترا این رنگ خلق

میکرد ترا خوش میکرد و می آمد گفت نه فرمود پس آن چه عیب داشت گر چنین
کردی و بسیار خضاب کردن مذموم است اما بمالیدن حنا نیم رنگ باکی نیست
و شیطان آدمی دوست نمی باید

فصل پنجم

در فضایل موی شانه کردن و آداب
آن از اهل بیت طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین مرویست که موی را پاکیزه نگاه
دارید و در وقت نماز مستحب است که شانه کند که دندان را محکم کند و بسیار شانه
کردن غم ببرد و روزی بیفزاید و قوت مباشرت زیاده کند و شانه استخوان
را شانه کردن تب ببرد و سر را بآن شانه کردن موی سر را برویاند و کرم دماغ
ببرد و نشسته شانه کند قوت دل باشد و ایستاده ضعف دل آورد و شانه کردن
بعد از هر وضو پریشانی را ببرد و چون سر و ریش شانه کند شانه بر سینه فرود
آورد و دلگیری و تب را ببرد و چون هفتاد مرتبه شانه بر ریش زند و یک یک
بشمارد چهل روز شیطان نزدیک نیاید و شانه را بدست راست گیرد و بگوید
اَللّٰهُمَّ سَرِّحْ عَنِّی الْهُمُومَ وَالْغُمُومَ وَوَحْشَةَ الصُّدُورِ

و من وسوسة الشیطان و سورهٔ الم نشرح لک و قل هو الله بخواند و چون فارغ
شود بگوید سبحان من زین الرجال باللحی و النساء بالذوائب

فصل ششم در فضایل سرمه کشیدن و آینه گرفتن و آداب آن از ائمهٔ
طاهرین علیهم السلام مرویست که سرمه کشیدن و آینه گرفتن در روز زینت است
و در شب چشم را نافع بود و در وقت خواب اشک از زوال آب چشم
و دهن را خوشبو کند و نفعش تا چهل روز بماند و هر که ایمان بخدا و بروز قیامت
دارد سرمه بکشد و سرمهٔ سنگ چشم جلا دهد و موی مژگان برویاند و بوی
دهد و اعانت طول سجود نماید و دهن خوشبوی کند و قوت باه بیفزاید
و چشمی که ضعیف باشد در وقت خواب هفت میل سرمه بکشد چهار میل در
چشم راست و سه میل در چشم چپ و چون سرمه کشد بسم الله بگوید و این دعا
بخواند اللهم انی اسئلک بحق محمد و آل محمد ان تصلی
علی محمد و آل محمد و ان تجعل النور فی بصری و البصیرة

عالج خدای تعالی برای او حسنات ثبت فرماید و سیئات محو کند و عالج را باید دانست که
ربک الحی نهایت است باب ششم در فضایل نماز و متعلقات آن و ذکر بعضی ادعیهٔ مخصوصه
لباسات و فضایل قرآن و این مجموع انشاء الله تعالی در پانزده فصل بیان میشود
در فضایل نمازهای فریضهٔ یومیه و ذکر جماعت و فضایل آن بدانکه از اهل بیت
طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین مرویست که بعد از معرفت هیچ عملی و عبادتی
بهتر از نماز نیست و چون مومن مشغول نماز شود خدای تعالی متوجه جانب او شود و از
اطراف آسمان تا اطراف زمین رحمت بر او نازل شود و اطراف او را از پیش قدمش تا اطراف
آسمان ملائکه فرو گیرند و ملکی ندا کند و گوید ای بندهٔ مومن که مشغول نماز گشته اگر دانی
که کیست که متوجه تو شده و با که در گفتگویی هرگز از اینجا بجای دیگر نروی و یک نماز
بهتر است از هزار حج و هر حجی بهتر است از تمام دنیا و هر چه در دست از نعمتها و راحتها و نماز
در میان عبادتها مانند ستون خیمه است که اگر محکم و بر جا باشد ریسمانها و طنابها و میخها
همه برقرار و خیمه بر پای باشد هر چند کهنه و زبون باشند و اگر ستون بر پای

نباشد و قصور و شکستگی یابد و خیمه از هم بریزد و قرار نگیرد و هر چند پاکیزه و نو باشد و هر
مؤمن که نماز فریضه را بجای آورد و بعد و مخالفان شبیه ملائکه در پشت سر او نماز کنند
و برای او دعا کنند تا از نماز فارغ شود و خدای تعالی را فرشته ایست که هر وقت
نماز از خدای تعالی برات بگیرد و بر اهل نماز کند کان پس چون وقت صبح شود و مؤمنان
برخیزند و وضو سازند و نماز صبح گذارند از خدا برات ایشان را بگیرد و در آن برات
نوشته است که منم خدای پاینده ای بندگان من شما در پناه من آیید و شما را در
حفظ و حمایت خود دارم و وا نگذارم و گناهان شما را بیامرزم تا وقت ظهر و چون
وقت ظهر شود و برخیزند و وضو سازند و نماز ظهر گذارند برات ایشان را بگیرد بمضمون
که منم خدای تعالی توانا ای بندگان من سیئات شما را آمرزیدم و بدل بحسنات
نمودم و شما را در دار جلال خود جای دادم و چون وقت نماز عصر رسد و وضو
کنند و نماز عصر کنند برات ایشان بمضمون باشد که منم خدای بزرگوار ای بندگان
من جسد شما را بر آتش دوزخ حرام کردم و شما را در مسکن نیکان جای گیر گردانیدم

و نم

و شرنه را از شما دور نمودم و چون وقت نماز شام رسد و وضو کنند و نماز شام گذارند
برات ایشان بمضمون گیرد که منم خدای جبار بزرگ متعال ای بندگان و فرشتگان
از پیش شما راضی آمدند خوشا بر من که شما را ایمنی گردانم در روز قیامت آرزوهای
شما را بشما رسانم و چون وقت نماز خفتن در آید و وضو سازند و نماز خفتن گذارند برات
بمضمون گیرد که منم خدای که معبود غیر من نیست و پروردگار سوای من نه ای بندگان
من در خانهای خود وضو کردید و بخانه من آمدید و مشغول ذکر من شدید و حق مرا شناختید
و فرایض من بجای آوردید ای ملک تو و سایر ملائکه همه گواه باشید که من از ایشان
راضی شدم و هر مؤمن که نماز فریضه را بجای آورد و بعد از آن دعا او مستجاب باشد و هر وقت
نماز فرشته ندا کند و گوید ای مردمان برخیزید و بنماز بشتابید و آتشهای که از گناهان
بر دوش خود افروخته اید باب طاعت فرو نشانید و چون پنج وقت نماز را گذارد
از گناهان پاک شود و هر کس پنج وقت نماز را در وقت خود گذارد و محافظت شروط
و ارکان او نماید نمازش او روشن و نورانی به آسمان برند و آن نماز او را دعا کند و گوید

من

همچنانکه تو مرا محافظت ننمودی و ضایع گردانیدی خدای تعالی ترا محافظت نکند و
ضایع گرداند و اگر ضایع و بی وقت گذارد و حدود و ارکان او را ضایع کرداند و محافظت
آن نکند سیاه و ظلمانی بر گردد و گوید مرا ضایع کردی خدای تعالی ترا ضایع کرداند
و هر کس استخفاف نماز کند و حدود و ارکان آنرا ضایع کرداند از حوض کوثر بی نصیب
و از شفاعت اهل بیت علیهم السلم محروم باشد و حضرت پیغمبر صلعم روزی در مسجد بود و مردی
آمد و نمازی بشتاب کرد و در رکوع و سجود آن بیتانی کرد حضرت فرمود که این مرد مانند
کلاغ دانه میچینید و اگر بدین نماز بمیرد بدین من نیست و هر کس نماز را از وقتی تا وقتی
وگذشته بگذارد خدای تعالی گوید ای ملائکه ببینید که این بنده بمن گمان برد که حاجتهای
او در دست دیگریست غیر از من که با این شتاب عبادت میکند نمیداند که حاجتش را
غیر من کسی نتواند بر آورد و هر کس عمدا ترک نماز کند کافر باشد و تمام اسلام از و
بی زار شود و افضل همه نمازها نماز جمعه است و بر همه مسلمین واجب است مگر بر مریض
و مملوک و مسافر و زنان و اطفال نا بالغ و در بعضی روایات زیاده برین چهار کس دیگر

مذکورست

مذکورست اعمی و مجنون و پیر عاجز و کسی که منزلش زیاده از دو فرسخ راه باشد و
حضرت پیغمبر صلعم فرمود که خدای تعالی نماز جمعه را بر شما فرض گردانیده پس هر که آنرا
از روی انکار یا استخفاف ترک کند و امام عادل داشته باشد در ایام حیات
یا بعد از وفات من خدای تعالی جمعیتش را پریشان کند و احوالش را انتظام ندهد و کارهایش را
مبارک نگرداند و نماز و روزه و زکوة و حج و هیچ کار خیر او مقبول نباشد تا آنکه
توبه کند و هر کس جمعه را پی در پی نماز را ترک کند بی علتی خدای تعالی دلش را بخاتم نفاق
مهر کند و روز جمعه ملائکه مقربان از آسمان نزول نمایند با قلمهای طلا و لوحهای نقره و
بر در مسجدها بر کرسیهای نور نشینند و نام جماعتی را که بنماز جمعه حاضر شده اند
نویسند به ترتیب که هر کس پیشتر بمسجد آمده پیشتر نویسند و کسی که آخر آید از عقب نویسند
و در روز جمعه بهشت را آیین بندند و زینت کنند برای جمعی که بنماز جمعه روند و هر کس زودتر
رود زودتر داخل بهشت گردد و هر کس بنماز جمعه رود از گناهان پاک شود و هر قدمی
که بنماز جمعه حرکت کند خدای تعالی جسدش را بر آتش دوزخ حرام کند و کسی در خدمت

حضرت پیغمبر صلعم شکایت کرد و گفت چند مرتبه تهیهٔ حج کردم مقدر نشد فرمود
که نماز جمعه بگذار که حج مساکین است و هم از آنحضرت صلعم مرویست که هر کس غسل جمعه کند
و صباح زود بنماز جمعه رود و نزدیک امام بنشیند و خاموش باشد و حرف نزند
و بهر گامی که بردارد و بگذارد اجر عبادت یکساله یابد که همه روزها روزه باشد و همه شبها
عبادت کند و اگر نماز جمعه بگذارد بسبب رغبت و محبتش با آن ثواب صد نماز جمعه مقیم
با وعظ فرماید و کسی که وضو نیکو بسازد و نزدیک امام بنشیند و گوش بخطبه دارد و خاموش
باشد و از آن روز جمعه تا جمعهٔ دیگر و سه روز زیاده بر آن گناه ننویسند و خدای تعالی
دو کفل ثواب باو بدهد و اگر کسی دور بنشیند و خاموش باشد و گوش کند یک کفل
ثواب بدهد و اگر نزدیک بنشیند و حرف زند و گوش نکند دو کفل وزر داشته باشد
و اگر کسی گوید خاموش باش حرف زده باشد و هر کس حرف زند نماز جمعه اش
قبول نباشد و اما آنکه مشهور شده که ظهور امام معصوم ع شرطست در اقامت جمعه و سبب
حرمان کافهٔ اهل اسلام گشته از فضایل این فریضهٔ عظمی توهمیست که از تقیهٔ شیعیان

در زمان غلبهٔ جور و طغیان ارباب نفاق و عدوان ناشی شده و در حدیث و قرآن
بهیچ وجه اصل ندارد چه که در قرآن و حدیث همه جا امر فرموده اند و هیچکس را تغیر نه
کس مذکور نشد با آنکه محل تقیه باشد رخصت ترک نداده اند و در احادیث امام عادل
وارد شده همچنانکه در نماز جمعه نیز وارد گشته و سنت و تاکید است نماز را بجماعت
گذاردن یک رکعت نماز با جماعت گذاردن بهتر است از بیست و چهار رکعت که
بی جماعت باشد و هر رکعت بهتر است از چهل سال عبادت و هر کس بمسجد رود
برای آنکه نماز جماعت گذارد و بهر گامی که بردارد ده نعمت و ده هزار حسنه برای او ثبت نمایند
و ده نعمت و ده هزار سیئه از و محو شود و اگر درین حالت بمیرد خدای تعالی هفتاد هزار فرشته
بر وی موکل گرداند که او را در قبر عبادت کنند و بشارت دهند و با او مونست نمایند و برای
او استغفار کنند تا آنکه از قبر بیرون آید و هر که نماز صبح و خفتن را بجماعت بگذارد در
امان خدا باشد پس هر که بر وی ظلم کند بر خدا ظلم کرده باشد و هر کس او را حقیر شمارد
خدا را حقیر شمرده و هر کس نماز صبح را بجماعت بگذارد و در جامع قیامت نامش را

و ذکر خدا کند تا طلوع آفتاب ثواب او در جنت فردوس هفتاد درجه باشد که میان
هر دو درجه مقدار مسافت باشد که اسب دونده در هفتاد سال طی کند و اگر نماز ظهر
بجماعت بگذارد در جنات العدن او را پنجاه درجه باشد که مابین هر دو درجه پنجاه
ساله راه اسب دونده راهوار باشد و اگر نماز عصر بجماعت بگذارد اجر آن داشته باشد
که هشتاد بنده آزاد کرده باشد از اولاد اسمعیل پیغمبر علیه السلام آزاد کند که همه صاحب خانه
و اهل عیال باشند و اگر نماز شام بجماعت بگذارد ثواب یک حج و یک عمره مقبول داشته باشد
و اگر نماز خفتن بجماعت بگذارد همچنان باشد که در لیلة القدر عبادت کرده
و هر کس نماز مغرب و عشا و صبح را در مسجد بگذارد و بجماعت چنان است که این شب را
احیا داشته باشد و بهترین صفوف صف اول است و بهترین مواضع آن آنکه
با امام نزدیکتر بود و نماز در صف اول مثل جهاد است در راه خدا و کسی که محافظت
صف اول و تکبیر اول نماید بحیثیتی که آزار مؤمن نکند ثواب مؤذنان داشته باشد
در دنیا و آخرت و ثواب مؤذنان انشاء الله تعالی بعد ازین بیاید و فضل جماعت

است

است و مصحف بر جانب چپ مثل فضل جماعت است بانفراد **فصل دوم** در ذکر نوافل
یومیه و فضایل این سنت نیز از اهل بیت طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین ثابت است که خدای تعالی
شرم دارد که از عبادت بنده کاملتر از آن قبول نماید باین سبب حضرت پیغمبر در
شبانروزی سی و چهار رکعت نماز سنت کرده اند که دو برابر فرایض یومیه است تا اگر در
فرایض سهو و نقصانی باشد خدای تعالی از نوافل درست کرده و ترک آن بی
ضرورت و عذری معصیت باشد همچنانکه ترک فریضه کفر است و نماز شب کفاره گناهان
روز و صحت بدن باشد و موجب سعت رزق است و شرف و عزت مؤمن است
در دنیا و آخرت و هر کس عمل نماز شب ختم کرد از اهل بهشت باشد و نماز شب
موجب رضای خداست و چشم را جلا دهد و رو را نورانی گرداند و هر کس عشر شبی عبادت کند
برای رضای خدا باشد ثواب خدای تعالی گوید ای ملائکه حسنات بنویسید برای این بنده
مومن بعدد هر دانه و برگی و درختی و گیاهی و هر چه در زمین روید در شب و هر کس
تسبیح عبادت کند خدای تعالی دعای او را اجابت فرماید و روز قیامت نامه اش را

بدست راستش دهند و اگر ثمن شبی عبادت کند خدای تعالی اجر شهید که در راه خدا
صبر بر مشقتها و تعبها نموده و در نیت صادق خالص جهاد کرده باشد باو عطا فرماید و او را
شفیع اهل بیت خود گرداند و اگر سبع شبی عبادت کند روز قیامت چون از قبر بیرون
آید روی او مثل ماه شب چهارده باشد و همراه مؤمنان که ایمن اند از اهوال آن روز از صراط بگذرد
و اگر سدس شبی عبادت کند از جمله توبه کنندگان نوشته شود و گناهان گذشته اش همه
آمرزیده شود و اگر خمس شبی عبادت کند با حضرت ابراهیم خلیل علی نبینا و علیه السلام
در بهشت همدوشی کند و اگر ربع شبی عبادت کند در اول صف فایز باشد و چون باد
تند از صراط بگذرد و بی حساب داخل بهشت شود و اگر ثلث شبی عبادت کند هیچ فرشته
نماند مگر آنکه رشک برد بر منزلت او و از هر در بهشت که خواهد داخل بهشت شود
و اگر نصف شبی عبادت کند هفتاد هزار برابر تمام روی زمین طلا برابر ثواب او شود
و افضل از آن باشد که هفتاد بنده از اولاد اسمعیل آزاد کرده شود و اگر دو ثلث شبی
عبادت کند بعدد ریگ بیابان عالج ثواب باو دهند که کوچکترین آن این باشد

که از گناهان پاک شود و اگر یک شب تمام عبادت کند آنقدر ثواب باو دهند
که کمترین آن باشد که از گناهان پاک شود همچنان روزی که از مادر متولد شده و بعد
هر خیری که خدای تعالی آفریده جهت او برای او نویسند و درجات بلند کنند و کینه و حسد
از دلش بیرون رود و قبرش نورانی باشد و از عذاب قبر ایمن باشد و از آتش دوزخ
خلاص بود و در زمره مؤمنین مبعوث شود و خدای تعالی فرماید ای ملائکه ببینید
این بنده مرا که شب در رضای من احیا داشته و او را در جنت فردوس جا دهید
و در آن جنت هزار شهر باو دهند که در آن شهرها هرچه دل خواهد و چشم از دیدن
او خوش آید و آنچه بخاطر هیچکس نگذشته باشد مهیا باشد و انهار سوای کرامت و مزید
که برای او مهیا گشته و خانه که در آن نماز شب گذارد برای ملائکه آسمان درخشان باشد
همچنانکه ستارگان برای اهل زمین و هر کس شب برخیزد و وضوی کامل بسازد و به نیت
صادق و دل سلیم و بدن خاشع و چشم گریان نماز گذارد و هم صف ملائکه در
سرا و نماز گذارند که یکطرف آن صف در مشرق باشد و طرف دیگر در مغرب باشد و عدد

ایشان کسی نماند بغیر از خدای تعالی و چون از نماز فارغ شود و بعد و آن ملائکه در جو او
بلند شود و کسی که نماز شب بر خیزد و خواب بر او غلبه کند نوعی که بر دست و چپ افتد و
تفحص شنید آید خدای تعالی امر فرماید که درهای آسمان بگشایند پس گوید ای ملائکه ببینید
این بنده مرا که بدین مشقت عبادت من میکند و عبادتی که بر او فرض نکرده ام میکند
بامید آنکه گناهانش را بیامرزم یا تجدید توبه اش کنم یا بر روزیش افزایم گواه باشید که
همه را باو عطا فرمودم و هر کس بعد از نماز شام خفتید و تعقیب بخواند و با کسی سخن نگوید
تا آنکه دو رکعت نافله را بگذارد آن نافله را برای او در علیین ثبت نمایند و اگر چهار رکعت
بگذارد ثواب دو حج برای او بنویسند و اگر نافله فوت شود قضای آن باید کرد که
خدای تعالی را خوش آید و مباهات بآن بنده و فرماید ای ملائکه ببینید بنده
مرا که عبادتی را که بر او فرض نکرده ام قضای آن میکند گواه باشید که گناهانش آمرزیدم
و اگر کسی را خواب غلبه کند و بر نافله شب بیدار نشود و چون نوافل را قضا کند و اهتمام
بقضای آن داشته باشد خدای تعالی بعد از این او را بیدار کند و عدد نوافل یومیه

ی و چهار

سی و چهار رکعت است دو رکعت نافله صبح و هشت رکعت از ظهر و هشت رکعت عصر
و این هجده رکعت نافله بیشتر از فریضه می باید گذارده شود و چهار رکعت نافله
شام و دو رکعت نشسته وتیره خفتن است که یک رکعت ایستاده حساب شود و ایستاده
افضل باشد و اگر ایستاده گذارند همان دو رکعت گذارند و این پنج رکعت بعد از
فریضه گذارده شود و هشت رکعت نافله شب است و سه رکعت وتر که دو رکعت آن شفع
و یک رکعت را ایضا وتر گویند و شانزده رکعت نافله ظهر و عصر در سفر ساقط است اما سایر نوافل
در سفر و حضر همیشه بحال خود باشد و نوافل را در اثنای راه سواره و پیاده توان گذارد
اگر چه ضرورتی نباشد و در رکوع و سجود را ایما کند و ایمای سجود پستتر از رکوع باشد
و نشسته نیز از روی اختیار توان گذارد و اگر خواهد فضیلت ایستاده یابد قرائت را نشسته
کند و چون بآخر سوره رسد بر خیزد و سوره را ایستاده تمام کند پس رکوع کند همان فضل
ایستاده داشته باشد **فصل سیم** در اوقات نمازها و فضایل آن و احکام
متعلق بآن از اهل بیت طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین مرویست که هر نمازی را دو وقت

و وقت اول افضل است از وقت دوم آنقدر که آخرت افضل است از دنیا و بهتر است
از برای مؤمن از فرزند و مالش و اول وقت رضای خداست و آخر آن وقت عفو او
و عفو نباشد مگر از گناهی یعنی کسی که از اول وقت بی عذری تأخیر کند و گناهی کرده باشد
پس اگر در آخر وقت بگذارد آن گناه عفو شود و هیچکس را رخصت نیست که بی ضرورتی
تأخیر نماز کند که موجب غضب الهی باشد و کار خیر هر چند زودتر کرده شود خدا را
خوش آید و در وقت هر نماز درهای آسمانها گشوده میشود تا اعمال بندگان را بالا برند
و حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند میخواهم که عمل کسی پیش از عمل من بالا رود
و نامه دیگری پیش از نامه من ثبت شود و در وقت ظهر درهای آسمان گشوده و دعا
مستجاب شود پس خوشا حال کسی که در آن وقت از وی عمل صالح بالا برند و اول طلوع
صبح وقتیست که ملائکه شب به آسمان روند و ملائکه روز بزمین آیند پس کسی که نماز
صبح را در آن وقت بگذارد هر دو طایفه ملائکه شاهد باشند و آن نماز را دو مرتبه
ثبت نمایند و هر کس تأخیر نماز صبح کند تا آنکه ستارها نمایند ملعون باشد و هر کس تأخیر

نماز عصر کند تا آنکه آفتاب زرد یا غروب کند در بهشت بی نور باشد یعنی اهل و مال
نداشته باشد و هر کس نماز شام را تأخیر کند بگمان فضیلت تا ستاره بسیار شود و دست بهم دهد
اهل بیت طاهرین از وی بیزار شوند و هر کس که نخوابد و نماز خفتن را تأخیر کند تا آنکه نصف شب شود ملکی که
موکل است نفرین کند و گوید خواب نصیب چشمت نشود و چون بیدار شود باید که نماز را
قضا کند و آن روز را روزه بدارد بعقوبت این عمل اما بیان وقتها آنکه وقت اول نماز
صبح از طلوع صبح صادق است تا آنکه روشنی صبح در آسمان پهن شود و وقت دومش
تا طلوع آفتاب است و وقت اول نماز ظهر از زوال آفتاب است تا آنکه سایه دو قدم زیاده
شود و وقت دومش تا آنکه بقدر چهار رکعت نماز از آفتاب بماند و وقت اول عصر بعد از
قدر چهار رکعت از اول زوال است تا سایه چهار قدم زیاده شود و اگر تا شش قدم تأخیر
کند تضییع نماز کرده باشد و وقت دومش تا غروب آفتاب و وقت اول نماز شام از غروب
آفتاب است تا آنکه سرخی شفق مغرب زایل شود و اگر از غروب آفتاب اندکی تأخیر کند تا آنکه
سرخی مشرق زایل شود افضل باشد و وقت دومش آنکه تا آنکه ربع شب بگذرد و تا ثلث

شب و نصف شب نیز روایات وارد شده و وقت اول خفتن از زوال سرخی
مغرب است تا ثلث شب و وقت دوم تا نصف شب و هر چند نماز ها باول وقت
نزدیکتر باشد بهتر است و وقت نوافل شب از نصف شب است تا طلوع صبح صادق و هر چند
بسحر نزدیکتر باشد افضل است و نافله صبح بعد از نماز شب است تا آنکه سرخی صبح نمایان
شود و نوافل ظهر از اول زوال تا آنکه سایه دو قدم زیاده شود و نوافل عصر بعد از
فریضه ظهر تا آنکه چهار قدم سایه زیاده شود و نوافل شام تا آنکه سرخی مغرب زایل
شود و در روز جمعه چهار رکعت نماز بر نوافل ظهر و عصر بیفزایند و مجموع بیست رکعت را
پیش از ظهر بکند باین ترتیب که چون آفتاب پهن شود شش رکعت بگذارد و چون بلند
شود نزدیک بوقت چاشت شش رکعت بگذارد و چون نزدیک ظهر شود شش رکعت
و وقت زوال دو رکعت و اگر همه را پی در پی بگذارد مجزی بود و هر یک را از نوافل
ظهر و عصر که رکعتی وقت خود نگذارده باشد تقدیم آنها نیز روا بود و بگذارد و اگر
وقت بگذرد و اگر وقت نماز شب تنگ شده باشد و صبح بسیار نزدیک باشد اول

نماز

نماز شفع و وتر بکند الا پس اگر نشود صبح طلوع نکرده نماز شب را تمام کند و اگر طلوع کرده
نماز نافله صبح را بکند الا و نماز شب را بعد از فریضه قضا کند و اگر چهار رکعت از نماز شب کرده
باشد که صبح طلوع کند بقیه نماز را زود زود تمام کند و افضل آنست که نافله صبح را بگذارد
و تتمه را قضا کند تا وا نیز از وقت نگذرد و اما شناختن وقت ظهر و عصر و نوافل آن
چنان است که چوبی راست بر زمین هموار نصب نمایند و مقدار چوب که از زمین مرتفع است
بر روی زمین هفت قسمت نمایند و هر قسمتی را یک قدم گویند و آفتاب چون طلوع کند سایه
چیزها در کمال درازی باشد و هر چند آفتاب بلندتر شود کم شود تا وقت ظهر بحدی رسد که از آن
کمتر نشود و آن حد را نشان کنند همینکه از آن حد بیشتر شروع بزیادتی کند اول ظهر باشد پس آنچه
زیاده شود بقدر دو قدم چون رسد وقت اول ظهر و نافله گذشته باشد و شاید اول ظهر که نهایت
حد کوتاهی بود و خط حائل شد **فصل چهارم** در آداب نماز در مسجد و غیر آن و فضایل مسجد
و ما و آداب آن از اهل بیت طاهرین منقول است که یک نماز در مسجد جامع برابر است با صد نماز و در
مسجد محله برابر است با بیست و پنج نماز و در مسجد بازار دوازده نماز است و چون کسی بمسجد رود در هر موضعی

قدم نهد از مکر بر دار آنکه آن موضع تا زمین هفتم برای او تسبیح کنند و کسی که در خانه خود وضو بگیرد و
بمسجد رود از گناهان پاک شود و زیارت خدا کرده باشد و حقست بر مزور که اکرام زایر نماید و بهترین کار در مسجد
ترک و نماز خدا تعالی می آیند تا تعقیب و عظا فرماید یا برادر مومنی یا علم تازه یا آیه محکمه یا کلمه که
او را براه راست دارد یا کشتن یا رحمت تازه که پیش از آن نبوده باشد یا آنکه او را از مهلکه نجات دهد یا ترک
گناهی کند از ترس خدا یا از شرم و حیا و بهترین خانها مساجد است و بهترین اهل مساجد آنان اند
که پیشتر داخل شوند و پیشتر بیرون آیند و هر وقت که هر کس آواز اذان و مسجد بشنود و نماز نکند
و بیرون آورده و منافق باشند مگر آنکه اراده رجوع بمسجد داشته باشد و بهترین مساجد برای زنان
خانهای ایشان است و پسینه خانه افضل است از صحن خانه و پایین خانه بهتر است از ایوان خانه
و ایوان خانه افضل است از صحن خانه و صحن خانه بهتر است از بام خانه و چون مرد متوجه مسجد شود و
و از خانه بیرون آید بگوید بسم الله الذی خلقنی فهو یهدین والذی هو
یطعمنی و یسقین و اذا مرضت فهو یشفین والذی یمیتنی ثم یحیین
والذی اطمع ان یغفر لی خطیئتی یوم الدین رب هب لی حکما والحقنی

بالصالحین

بالصالحین واجعل لی لسان صدق فی الآخرین واجعلنی من ورثة
جنة النعیم واغفر لابی چون این بگوید خدای تعالی او را با تمام و حق هدایت کند
و از طعمه و شراب بهشت سیر گرداند و کفاره گناهانش باشد و خدای تعالی موتش را مثل موت شهدا
و حیاتش را مثل حیات سعدا گرداند و هر خطیئه که کرده باشد بیامرزد و اگر چه بیشتر از کف دریا
باشد و حکمت و علم با وعظ فرماید و بصالحان گذشته و آینده اش ملحق گرداند و او را از جمله
ساکنان جنات گرداند و منازل کریم در جنت نعیم با و کرامت فرماید و گناهان پدر و مادرش را
بیامرزد و چون خواهد داخل مسجد شود کفش را ملاحظه کند که نجاستی نداشته باشد
و پای راست پیش گذارد و بگوید بسم الله و بالله و الی الله و خیر الاسماء کلها ومن الله
لله توکلت علی الله لا حول ولا قوة الا بالله اللهم صل علی محمد
وآل محمد وافتح لی ابواب رحمتک وتوبتک واغلق عنی ابواب
معصیتک واجعلنی من زوارک وعمار مساجدک وممن یناجیک
فی اللیل والنهار ومن الذین هم فی صلواتهم خاشعون وادحر عنی

الشیطان الرجیم وجنود ابلیس اجمعین و چون داخل مسجد شود بگوید اشهد
ان لا اله الا الله وحده لا شریک له والله اکبر کبیرا والحمد
لله کثیرا وسبحان الله بکرة واصیلا ولا حول ولا قوة الا بالله
العلی العظیم وصلی الله علی سیدنا محمد وآله برابرست با حج مقبول
واگر آلوده سیر و تره باشد بی طهارت داخل نشود و در مسجد شعر نباید خواند واگر کسی در
مسجد شعر بخواند در وقت شنیدن او را بگویند فض الله فاک یعنی خدای تعالی دهنت را بشکند
وآب دهن در مسجد افکندن خطیئت است و کفاره آن آنست که دفن کنند هر که برای
تعظیم مسجد آب دهن فرو برد خدای تعالی برای او حسنه ثبت نماید و سیئه محو
نماید و قوت بدنش بیفزاید و هیچ کوفت و علتی نرسد مگر آنکه او را ازایل کرد و اندر روز
قیامت خوشحال و خندان مبعوث شود و نامه عملش را بدست راست دهند و حرفی باطل
و گفتگوی دنیا نکند که مسجد جای عبادت است و جستجوی گم شده نکند مرو بیند کسی که با او
بگویند لا رد الله علیک یعنی خدای تعالی گم شده ات را بتو نرساند و آواز بلند نکند و

اطفال

اطفال و دیوانگان و بیع و شرا در مسجد نکنند واگر کسی در مسجد تجارت کند او را بگویند لا
اربح الله تجارتک یعنی خدای تعالی تجارت ترا سود ندهد و هر کس در مسجد
چراغ روشن کند تا روشنی آن باقی باشد حمله عرش و ملائکه برای او استغفار کنند و هر کس
مسجد را جاروب کند ثواب آن دارد که بنده آزاد کند واگر بقدر ذره که در چشم
کشند خاک و کثافت بیرون برد خدای تعالی دو کفل از رحمت باو دهد واگر روز پنجشنبه
و شب جمعه جاروب کند بقدر سرمه که در چشم کشند خاک و به بیرون برد گناهانش
آمرزیده شود و چون خواهد از مسجد بیرون آید بر در مسجد بایستد و بگوید اللهم
دعوتنی فاجبت دعوتک وصلیت مکتوبتک وانتشرت فی ارضک
کما امرتنی فاسألک من فضلک العمل بطاعتک واجتناب
سخطک والکفاف من الرزق برحمتک و در محل بیرون آمدن پای چپ را
پیش گذارد و بسم الله بگوید و صلوات بر پیغمبر و اهل بیتش صلی الله علیهم اجمعین فرستد و بگوید
اللهم اغفر لی وافتح لی ابواب فضلک **فصل پنجم** در کیفیت توجه بنماز و فضائل اذان

واقامت و احکام متعلق بآن از اهل بیت طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین مرویست که
چون بر تهجد نماز برخیزی بگوی الحمد لله نور السموات والارض و من
فیهن انت الحق و ان امرک الحق و قولک الحق و لقاءک الحق
والجنة حق والنار حق والساعة حق اللهم لک اسلمت
وبک امنت وعلیک توکلت والیک انبت وبک خاصمت و
الیک حاکمت فاغفر لی ما قدمت وما اخرت وما اسررت وما
اعلنت انت الهی لا اله الا انت و چون برخیزی و خواهی مشغول نماز شوی
بگوی اللهم انی اقدم الیک محمدا صلی الله علیه واله بین
یدی حاجتی و اتوجه به الیک فاجعلنی به وجیها عندک فی
الدنیا والاخرة ومن المقربین واجعل صلواتی به مقبولة
وذنبی به مغفورة ودعائی به مستجابا انک انت الغفور الرحیم
واگر از برای نماز شب برخیزی اللهم انی اتوجه الیک بنبیک نبی الرحمة

واله

واله واقدمهم بین یدی حوائجی فاجعلنی بهم وجیها فی الدنیا والاخرة
ومن المقربین اللهم ارحمنی بهم ولا تعذبنی واهدنی بهم ولا
تضلنی بهم وارزقنی بهم ولا تحرمنی بهم واقض لی حوائجی
للدنیا والاخرة انک علی کل شیء قدیر و چون روی بقبله کنی بگوی
اللهم الیک توجهت ومرضاتک طلبت وثوابک ابتغیت و
[illegible] وعلیک توکلت اللهم صل علی محمد وال محمد و
افتح مسامع قلبی لذکرک وثبتنی علی دینک ودین نبیک ولا تزغ
قلبی بعد اذ هدیتنی وهب لی من لدنک رحمة انک انت الوهاب
و چون خواهی که شروع در نماز کنی بر آغاز فریضه اذان و اقامت بگوی و اگر کسی اذان و اقامت
هر دو بگوید دو صف از ملائکه در پس پشت او نماز کنند و اگر اقامت تنها بگوید یک صف
و در هر صفی از مشرق تا مغرب باشد و موذنی که برای خدا اذان بگوید برای آخرت
بی ریا در روز قیامت در بهشت بر بالای تلی مشک بوده باشد و در میان اذان

و اقامت اجر شهیدی داشته باشم که در راه خدا در خون خود غلطیده باشد خدای تعالی
بود هد کسی گفت یا رسول الله مردم در اذان پیش دستی میکنند و فرصت نمیدهند حضرت رسول
فرمودند که زمانی بیاید که اذان گفتن را از روی تمسخر بضعفا واگذارند و گوشت ایشان را خدای تعالی
بر آتش دوزخ حرام کرده است و کسی که برای خدا اذان گوید خدای تعالی ثواب چهل هزار شهید
و چهل هزار صدیق با و عطا فرماید و چهل هزار کس از گناهکاران را بشفاعت او به بهشت برد و چون
اشهد ان لا اله الا الله گوید [illegible] و هزار فرشته برای او دعا کنند [illegible]
و در روز قیامت در سایه عرش خدا باشد تا حساب مردم تمام شود و چون گوید اشهد
ان محمدا رسول الله چهل هزار فرشته ثواب او را بنویسند و اگر یکسال در شهری از شهرهای
اسلام اذان گوید گناهانش همه آمرزیده شود و اگرچه مثل کوه احد باشد و بهشت او را
واجب شود و اذان را تأنی و بلند باید گفت که آواز او بهر خشک و تری برسد برای
او شهادت دهند و هر قدر بلند شود آنقدر گناهانش آمرزیده شود و هر کس با او نماز
گذارد در ثوابش شریک بود و بعد هر کس که باواز او نماز گذارد برای او حسنه ثبت

شود

شود و خدای تعالی بادی را باذان موکل گردانیده که آواز او را باسمان برد و چون ملائکه
بشنوند گویند این آواز امت محمد است که توحید خدا میکنند پس برای ایشان استغفار
کنند تا آنکه از نماز فارغ شوند و اگر در خانه اذان بلند گویند که شیطان بگریزد و برای
اطفال نیکو باشد که صدای اذان و تسبیح اسلام همیشه بشنوند و بیماری و پریشانی زایل
گردد راوی گوید که من و اهل بیت من همیشه بیمار بودند و گاه می بود که هیچکس نمیماند
که خدمت کند تا این حدیث را شنیدم و بآن عمل نمودم و بیماری و کوفت از خانه من
زایل شد و دیگری از بیماری و بی فرزندی بخدمت حضرت امام ثامن ضامن امام رضا
صلوات الله علیه شکایت کرد فرمود که در خانه خود اذان بلند بگوی چنین کرد بیماریش
زایل گشت و اولادش بسیار شدند و اقامت را آهسته تر و روان تر گویند و هر جا
که نام حضرت پیغمبر صلعم گویند گوینده و شنونده صلوات بفرستند و اذان را نشسته
و سواره و در راه و بی طهارت و بغیر قبله اگر در گفتن شهادتین رو بقبله باشد توان
گفت اما اقامت را بشرایط و هیأت نماز بگویند و اگرچه در اثنای اذان و اقامت حرف

موذن جایز نیست اما ترکش افضل است بتخصیص در اثنای اقامت و چون قد قامت الصلوة
گفته شود و احادیث وارد گشته که حرف زدن حرام است بر موذن و سایر جماعت همه
مگر آنکه برای امامت کسی گویند پیش بایست و بعضی از علما تجویز حرف زدن برای امر خیر
که داخل نماز باشد نیز نموده اند و اگر حرف زند اقامت را اعاده کند و اگر چیزی از اذان
و اقامت را فراموش کند باز رجوع نماید و از آن کلمه بگوید تا آخر و اگر داخل نماز شود
و بخاطرش رسد که اقامت نگفته صلوات بپیغمبر بفرستد و اقامت گفته نماز کند و اگر
هنوز شروع در قرائت نکرده باشد و در روایتی دیگر وارد گشته که اگر رکوع نکرده
باشد رجوع نماید و اذان و اقامت بگوید و در میان اذان و اقامت آنقدر تاکید
ندارد اما افضل آنست که بگویند و میان اذان و اقامت بلحظه فاصله کند اقلش اینکه نفسی
بکشد یا الحمد لله یا سبحان الله بگوید یا بنشیند یا سجده کند و اگر بنشیند بگوید اللّهمّ
اجْعَلْ قَلْبِی بَارًّا وَ رِزْقِی دَارًّا وَ عَیْشِی قَارًّا وَ عَمَلِی سَارًّا وَ لِسَانِی
مُقِرًّا مُعْتَرِفًا بِذُنُوبِی وَ اجْعَلْ لِی عِنْدَ قَبْرِ نَبِیِّكَ صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ

وآله

وَ آلِهِ مُسْتَقَرًّا وَ قَرَارًا و اگر سجده کند بگوید لا اِلهَ اِلّا اَنْتَ رَبِّی
سَجَدْتُ لَكَ خَاضِعًا خَاشِعًا ذَلِیلًا فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ
مُحَمَّدٍ وَ اغْفِرْ لِی وَ ارْحَمْنِی وَ تُبْ عَلَیَّ اِنَّكَ اَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِیمُ
خدای تعالی گناهان او را بیامرزد و اگر میان اذان و اقامت شام بنشیند چنان باشد
که در راه خدا در خون خود غلطیده باشد و در ظهر و عصر شش رکعت نافله را پیش از اذان
بگذارد و دو رکعت را میان اذان و اقامت و اگر در جماعتی باشد که موذن اذان گوید
جماعت همه بنشینند و چون قد قامت الصلوة گوید همه برخیزند و بایستند و چون موذن
اذان گوید کسی که بشنود هرچه موذن گوید آهسته بگوید در اذانش یاد شود و چون
موذن شهادتین گوید شنونده بگوید از روی تصدیق و اقرار وَ اَنَا اَشْهَدُ اَنْ
لَا اِلهَ اِلَّا اللهُ وَ اَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللهِ اَكْتَفِی بِهَا عَمَّنْ اَبَی
وَ جَحَدَ وَ اُعِینُ بِهَا مَنْ اَقَرَّ وَ شَهِدَ بعدد هرکس که شهادت داده باشد
و ایمان آورده و بعدد هرکس انکار نموده و ایمان نیاورده اجر و ثواب داشته باشد

و در روایت آمده که چون موذن حی علی الصلوة گوید شنونده نیز گوید و چون اذان صبح
و شام شنود و گوید اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسئَلُکَ بِاِقبالِ نَهارِکَ وَاِدبارِ
لَیلِکَ وَحُضورِ صَلَواتِکَ وَاَصواتِ دُعائِکَ وَتَسبیحِ مَلائِکَتِکَ
اَن تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَن تَتوبَ عَلَیَّ اِنَّکَ اَنتَ التَّوّابُ
الرَّحیمُ و در شام بجای باقبال نهارک و ادبار لیلک گوید باقبال لیلک و ادبار نهارک
اگر او این را نماید دران شب بمیرد تایب و شهید باشد در کیفیت اشتغال
بنماز و آداب آن از اهل بیت طاهرین صلی الله علیه وآله وسلم مرویست که هر کس پیش از آنکه بمهم
داخل نماز شود گوید اَللّٰهُمَّ اِنّی اَتَوَجَّهُ اِلَیکَ بِمُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاُقَدِّمُ
بَینَ یَدَی صَلَواتی وَاَتَقَرَّبُ بِهِم اِلَیکَ فَاجعَلنی بِهِم وَجیهاً
فِی الدُّنیا وَالآخِرَةِ وَمِنَ المُقَرَّبینَ مَنَنتَ عَلَیَّ بِمَعرِفَتِهِم فَاختِم لی
بِطاعَتِهِم وَمَعرِفَتِهِم وَوِلایَتِهِم فَاِنَّهَا السَّعادَةُ اختِم لی بِها اِنَّکَ
عَلی کُلِّ شَیءٍ قَدیرٌ و بعد از نماز گوید اَللّٰهُمَّ اجعَلنی مَعَ مُحَمَّدٍ

وال

وَآلِ مُحَمَّدٍ فی کُلِّ عافِیَةٍ وَبَلاءٍ تا آخر دعا که در فصل تعقیب انشاء الله تعالی
بیاید با محمد و آل محمد باشد صلی الله علیهم و افتتاح نماز بیک تکبیر واجبست و بسه تکبیر
افضل و به پنج افضل ازان و بهفت افضل از همه و یکی ازین جمله تکبیر احرامست و باقی مستحب
و بعد از تکبیر سیم گوید اَللّٰهُمَّ اَنتَ المَلِکُ الحَقُّ المُبینُ لا اِلٰهَ اِلّا اَنتَ
سُبحانَکَ وَبِحَمدِکَ عَمِلتُ سوءً وَظَلَمتُ نَفسی فَاغفِر لی ذُنوبی اِنَّهُ
لا یَغفِرُ الذُّنوبَ اِلّا اَنتَ و بعد از تکبیر پنجم گوید لَبَّیکَ وَسَعدَیکَ وَ
الخَیرُ فی یَدَیکَ وَالشَّرُّ لَیسَ اِلَیکَ وَالمَهدِیُّ مَن هَدَیتَ عَبدُکَ
وَابنُ عَبدَیکَ بَینَ یَدَیکَ مِنکَ وَبِکَ وَلَکَ وَاِلَیکَ لا مَلجَأَ وَ
لا مَنجا وَلا مَفَرَّ مِنکَ اِلّا اِلَیکَ تَبارَکتَ وَتَعالَیتَ سُبحانَکَ وَ
حَنانَیکَ سُبحانَکَ رَبَّنا وَرَبَّ البَیتِ الحَرامِ و هر کس پیش از تکبیر احرام بگوید
یا مُحسِنُ قَد اَتاکَ المُسیءُ وَقَد اَمَرتَ المُحسِنَ اَن یَتَجاوَزَ عَنِ المُسیءِ
وَاَنتَ المُحسِنُ وَاَنَا المُسیءُ فَبِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ

وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتَجَاوَزْ عَنْ قَبِيحِ مَا لَا تَعْلَمُ مِنِّي خدای تعالی بملائکه گوید
گواه باشید که گناهانش را عفو فرمودم و هر کس را حقی یا مظلمه در دست است از و راضی نمودم
پس اگر تکبیر مفتتح را قصد احرام کند این دعا را پیش از آن بگوید و بعد از تکبیر مفتتح بگوید و
جَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضَ عَلَىٰ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ
وَدِينِ مُحَمَّدٍ وَمِنْهَاجِ عَلِيٍّ وَالْائْتِمَامِ بِالْأَئِمَّةِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ
الصَّلٰوةُ وَالسَّلَامُ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ حَنِيفًا مُسْلِمًا وَمَا أَنَا
مِنَ الْمُشْرِكِينَ إِنَّ صَلٰوتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ
لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذٰلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ اللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي مِنَ
الْمُسْلِمِينَ و در حال ایستادن و رکوع کردن پاها را از هم گشاید بقدر سه انگشت تا یک
وجب و زنان در هر دو حال بهم نزدیک گذارند تا فاصله نباشد و بعد از آن از شیطان
رجیم پناه بخدای برده بگوید أَعُوذُ بِاللّٰهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ
الرَّجِيمِ و بعد از الحمد و سوره در دو رکعت هر نماز بخواند و افضل آنست که در رکعت

اول از نماز عصر و مغرب سوره های کوتاه بخوانند مثل اذا جاء و الهیکم التکاثر و در نماز ظهر
و خفتن سوره های متوسط مثل سوره و الشمس و سبح اسم و در نماز صبح ازین درازتر مثل
سوره عم یتساءلون و هل اتیک حدیث الغاشیة و هل اتی علی الانسان و در رکعت دویم
قل هو الله احد زیرا که بعد از آن قنوت خوانده میشود و دعا بعد از خواندن قل هو الله
مستجاب است و در نماز شام و صبح روز جمعه سوره جمعه و قل هو الله و در نماز خفتن سوره
جمعه و سبح اسم و در نماز جمعه یا ظهر بخوانند آن سوره جمعه و منافقین و در نماز عصر آن جمعه و قل هو الله
و مرویست که هر سوره که برای فضل و ثوابش خواهند بخوانند و اگر بجای آن انا انزلناه
و قل هو الله بخوانند همان ثواب داشته باشد با ثواب این دو سوره اما در نماز جمعه و ظهر آن
سوره جمعه و منافقین باید خواند که افضلست و بعضی از مشایخ رحمهم الله واجب دانسته اند و اگر
پنج نماز را بگذارد و در هیچ قل هو الله احد نخواند فرشته ندا کند و گوید ای بنده خدا تو
از جمله نماز کنندگان نیستی و مردان باید در دو رکعت اول از نماز شام و خفتن و نماز صبح را
بلند قراءت نمایند و همچنین نماز جمعه و دو رکعت اول ظهر جمعه را اگر چه منفرد باشند

رکعتها و نماز بار آهسته و اگر عمداً نماز جهری را اخفات یا اخفاتی را جهر کند باطل باشد
اعاده باید کرد و حد آهستگی آنست که خود بشنود و اگر آهسته تر از آن بود مجزی نبود
و حد بلندی آنکه بسیار بلند و آواز کشیده نباشد بلکه حد وسط باشد و چون نمازهای
جهری را بلند بخوانند آنقدر که آوازش برسد آتش دوزخ از او دور شود و بر صراط بگذرند
و در روز قیامت مسرور و خوشحال باشد تا آنکه داخل بهشت شود و بعد از تمام شدن
الحمد و همچنین بعد از سوره بقدر آنکه نفس توان کشید ساکت شود و چون از قراءت
فارغ شود ایستاده تکبیر گوید و رکوع کند و دستها را بر زانو گذارد و انگشتان را بگشاید
بنوعی که زانو را در میان گیرد و زانو را بعقب میل دهد و پشت را آنقدر خم کند که اگر قطره
آبی در پشتش بریزند قرار گیرد و بطرفی حرکت نکند و گردن را دراز کند و سر راست بگیرد
و بالها را از هم بگشاید و اعضا را بر یکدیگر تکیه نکند و زنان دستها را بالاتر از زانو بگذارند
تا بسیار خم نشوند و اعضای ایشان بهم جمع باشد و سه مرتبه یا یکی بگوید سُبحانَ
رَبِّیَ العَظِیمِ وَبِحَمْدِهِ و اگر تسبیح رکوع و سجود را یکمرتبه گوید یک ثلث نماز او

باشد

باشد و اگر دو مرتبه گوید دو ثلث و اگر هیچ نگوید هیچ نماز نکرده باشد و پنج مرتبه فضیلت است
و هفت مرتبه افضل تر از آن و هر چند بیشتر گویند افضل بود و مرویست که هر که رکوع را
تمام کند از وحشت قبر ایمن باشد و چون سر از رکوع بردارد درست بایستد که هر کس
بعد از رکوع پشت راست نکند نماز نکرده باشد و ایستاده بگوید سَمِعَ اللهُ لِمَن
حَمِدَه اَلْحَمْدُ لِلّهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ اَهْلِ الْجُودِ وَالْجَبَرُوتِ وَالْكِبْرِیَاءِ
وَالْعَظَمَةِ لِلّهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ پس همچنان ایستاده تکبیر گوید و چون سرازیر
بسجود رود هر دو دست را پیشتر از زانو بر زمین گذارد چنانکه برابر دو زانو
باشد و انگشتان را بهم چسبیده برابر قبله باشد و ساعدها را از زمین بردارد و بالها را بگشاید
چنانکه هیچ عضوی بر عضوی دیگر تکیه نکند و زنان اول بنشینند و زانو را پیشتر از دست بر زمین
گذارند و بعد از آن سجده کنند و اعضا را مجتمع دارند و ساعدها را بر زمین بخوابانند
و سجده بر هفت عضو باید کرد پیشانی و دو کف دست و دو زانو و دو انگشت مهین پاها
و سر بینی و هفت اول واجب و آخر سنت است و مرویست که هر کس بینی را بر جزی

که پیشانی بگذارد و نگذارد نماز مجزی نباشد و مستحب است که کف دستها را بر چیزی
گذاشتن که سجده بر آن صحیح باشد تا روز قیامت غل بر آن نگذارند و در سجده سه مرتبه
یا پنج مرتبه یا هفت مرتبه یا بیشتر سُبْحَانَ رَبِّیَ الْأَعْلَی وَبِحَمْدِهِ بگوید و کسی
که سجده را طول دهد ابلیس فریاد کند و گوید وای وای او اطاعت کرد و من معصیت نمودم
و او سجده کرد و من سرکشی کردم و مستحب است سجده بر تربت حضرت امام حسین
صلوات الله علیه باشد که در میان شده و خدای تعالی حجابها را بشکافد و تا زمین
هفتم را نورانی کند و چون سر از سجده بردارد و پشت راست کند و بر جانب چپ
بنشیند چنانکه هر دو پا از جانب راست بیرون آرد و پشت پای راست بر کف پای چپ
گذارد و نشسته تکبیر بگوید پس بگوید أَسْتَغْفِرُ اللهَ رَبِّی وَأَتُوبُ إِلَیْهِ پس همچنان
نشسته تکبیر بگوید و سجده دیگر بهمان دستور بکند و چون سر بردارد تکبیر بگوید و بنشیند
پس رکعت دیگر برخیزد و از سجده راست برپای نخیزد که آن بدعت جبابره است و در وقت
برخاستن هر دو کف دست بر زمین گذارد و بگوید بِحَوْلِ اللهِ وَقُوَّتِهِ أَقُومُ

واقعد

وَأَقْعُدُ و اگر خواهد بگوید اللَّهُمَّ رَبِّی بِحَوْلِكَ وَقُوَّتِكَ أَقُومُ وَأَقْعُدُ
و اگر خواهد وَأَرْكَعُ وَأَسْجُدُ نیز زیاده کند و چون از قرائت رکعت دوم فارغ شود
تکبیر بگوید و دستها برداشته قنوت بخواند و هر ذکر و دعای که خواهد بخواند مجزی
بود و اقلش آنکه سه مرتبه سبحان الله بگوید و هر چند طول بیشتر دهد روز قیامت راحتش
بیشتر بود و افضل از نمازها آنست که قنوتش بیشتر و طولانی‌تر باشد و از جمله ذکرهای قنوت
کلمات فرج فضل بسیار دارد و آن کلمات اینست لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ الْحَلِیمُ
الْکَرِیمُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ الْعَلِیُّ الْعَظِیمُ سُبْحَانَ اللهِ رَبِّ السَّمَاوَاتِ
السَّبْعِ وَرَبِّ الْأَرَضِینَ السَّبْعِ وَمَا فِیهِنَّ وَمَا بَیْنَهُنَّ وَرَبِّ
الْعَرْشِ الْعَظِیمِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ و بعد از آن صلوات بر پیغمبر
و اهل بیتش بفرستد و حاجات اخروی و مطالب دنیوی و رحمت و مغفرت برای خود
و دیگران بخواهد و از جمله ادعیه ماثوره که متضمن همه اینها باشد اینست اللَّهُمَّ
إِنِّی أَسْأَلُكَ لِی وَلِوَالِدَیَّ وَلِوُلْدِی وَأَهْلِ بَیْتِی وَإِخْوَانِیَ الْمُؤْمِنِینَ

فيك اليقين والعفو والمعافاة والرحمة والمغفرة والعافية
في الدنيا والآخرة و در نماز صبح اين قنوت مستحب است خواندن اللهم
من كان اصبح وله ثقة او رجاء غيرك فانت ثقتي ورجائي يا اجود
من سئل ويا ارحم من استرحم ارحم ضعفي ومسكنتي وقلة
حيلتي وامنن علي بالجنة وفك رقبتي من النار وعافني في نفسي
وفي جميع اموري برحمتك يا ارحم الراحمين و در نماز جمعه دو قنوت
بخوانند و در ركعت اول پيش از ركوع و در ركعت دوم بعد از ركوع در قنوت اول
كلمات فرج را بخوانند و بعد از آن بگويد اللهم صل على محمد وآل
محمد كما هديتنا به اللهم صل على محمد وآل محمد كما اكرمتنا
به اللهم اجعلنا ممن اخترته لدينك وخلقته لجنتك اللهم
لا تزغ قلوبنا بعد اذ هديتنا وهب لنا من لدنك رحمة انك انت
الوهاب و در قنوت دوم بگويد اللهم تم نورك فهديت فلك

الحمد

الحمد ربنا وبسطت يدك فاعطيت فلك الحمد ربنا وعظم
حلمك فعفوت فلك الحمد ربنا وجهك اكرم الوجوه وجهتك
خير الجهات وعطيتك افضل العطيات واهناها تطاع
ربنا فتشكر وتعصى ربنا فتغفر لمن شئت تجيب المضطر وتكشف
الضر وتشفي السقيم وتنجي من الكرب العظيم لا يجزي بآلائك
احد ولا يحصي نعمائك قول قائل اللهم اليك رفعت الابصار
ونقلت الاقدام ومدت الاعناق اليك ورفعت الايدي وا
دعيت بالالسن واليك سرهم ونجويهم في الاعمال ربنا اغفر
لنا وارحمنا وافتح بيننا وبين قومنا بالحق وانت خير الفاتحين
اللهم انا نشكو اليك غيبة نبينا وشدة الزمان علينا و
وقوع الفتن بنا وتظاهر الاعداء علينا وكثرة عدونا وقلة
عددنا فافرج ذلك يا رب بفتح منك تعجله ونصر منك تعزه

وَاِمَامٍ عَدْلٍ نُظْهِرُهُ اِلٰهَ الْحَقِّ رَبَّ الْعَالَمِیْنَ و از امام همام علی بن
موسی الرضا صلوات الله علیه وسلم مرویست که از کسی پرسیدند که در نماز جمعه قنوت
میخوانی گفت آنچه مردم میخوانند میخوانم حضرت فرمود این قنوت بخوان اَللّٰهُمَّ
اَصْلِحْ عَبْدَكَ وَخَلِیْفَتَكَ بِمَا اَصْلَحْتَ بِهِ اَنْبِیَاۤئَكَ وَرُسُلَكَ
وَحُفَّهُ بِمَلٰۤئِكَتِكَ وَاَیِّدْهُ بِرُوْحِ الْقُدُسِ مِنْ عِنْدِكَ وَ
اَسْلُكْهُ مِنْ بَیْنِ یَدَیْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ رَصَدًا یَحْفَظُوْنَهُ مِنْ كُلِّ
سُوْۤءٍ وَاَبْدِلْهُ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِ اَمْنًا یَعْبُدُكَ لَا یُشْرِكُ بِكَ شَیْئًا
وَلَا تَجْعَلْ لِاَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ عَلٰی وَلِیِّكَ سُلْطَانًا وَاْذَنْ لَهُ فِی
جِهَادِ عَدُوِّكَ وَعَدُوِّهِ وَاجْعَلْنَا مِنْ اَنْصَارِهِ اِنَّكَ عَلٰی
كُلِّ شَیْءٍ قَدِیْرٌ و بعضی از مشایخ رحمهم الله نقل کرده اند که در قنوت دستها
برابر روی بگیرید چنانکه کف دستان برابر قبله و بهم چسپیده باشد و چون از قنوت
فارغ شود تکبیر رکوع بگوید و بعد از ان سجود و باقی که قبل ازین مذکور شد بجا آورد

بنشیند

بنشیند و تشهد بخواند بدین طریق که بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَخَیْرُ
الْاَسْمَاۤءِ كُلُّهَا لِلّٰهِ اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِیْكَ
لَهُ وَاَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُوْلُهُ اَرْسَلَهُ بِالْحَقِّ بَشِیْرًا وَنَذِیْرًا
بَیْنَ یَدَیِ السَّاعَةِ اَشْهَدُ اَنَّ رَبِّیْ نِعْمَ الرَّبُّ وَاَنَّ مُحَمَّدًا نِعْمَ
الرَّسُوْلُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَتَقَبَّلْ شَفَاعَتَهُ وَا
رْفَعْ دَرَجَتَهُ و بعد از ان دو بار یا سه بار الحمد لله بگوید و چون خواهد برخیزد
کف دستها بر زمین گذارد و بگوید بِحَوْلِكَ وَقُوَّتِكَ اَقُوْمُ وَاَقْعُدُ یا بگوید
بِحَوْلِ اللّٰهِ وَقُوَّتِهِ اَقُوْمُ وَاَقْعُدُ و در رکعت سیم و چهارم احادیث بسیار وارد
شده که تسبیحات اربعه و الحمد هر دو رواست هر کدام را خواهد بخواند اما از حضرت صاحب الزمان
صلوات الله علیه مرویست که قرائت الحمد درین دو رکعت تسبیح را نسخ کرد مگر برای امام
یا برای کسی که بسیار سهو کند پس بنابرین حدیث احتیاط نیست که بی ضرورت تسبیح بخواند
و چون خواهد سلام بگوید چنین گوید اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ اَیُّهَا النَّبِیُّ وَرَحْمَةُ

الله و برکاته السلام علی انبیاء الله و رسله السلام علی
جبرئیل و میکائیل و الملائکة المقربین السلام علی
محمد بن عبد الله خاتم النبیین لا نبی بعده السلام علی
الائمة الهادین المهدیین السلام علینا و علی عباد الله
الصالحین و سلام که نماز بآن تمام شود سلام آخرست خواه امام باشد خواه
ماموم و خواه منفرد و باین سلام حضرات ائمه طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین را
قصد باید کرد و سلامهای دیگر مستحبست و اگر امام باشد بعد از سلام نماز خطاب
بمؤمنان کند و بگوید السلام علیکم و رحمة الله و برکاته و
ماموم بعد از سلام نماز دو سلام بگوید یکی جهت جواب امام و اگر در جانب چپش
کسی باشد باین سلام او را نیز قصد کند و یکی بجانب چپ کرد و آنجا کسی باشد و اگر
نباشد این سلام در کار نباشد **فصل هفتم** در اشاره باسرار مقدمات و اعمال نماز
و ذکر قدری از ثواب آن و افعال آن از ائمه طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین مرویست

که بهترین

که بهترین جامها و زینت ترین لباسها که مؤمنان لباس تقوی و پرهیزکاریست از
هر چه خدای تعالی حرام گردانیده و آنرا مکروه داشته و لباس ظاهری نعمتیست که ارزانی فرموده
تا عورات بدن و اعضا و عیوب و قبایح آن بآن پوشیده شود و مستور گردد و توبه
و تقوی کرامتیست که بجان فرموده تا گناهان باطن و مساوی اخلاق و هوسهای فاسد
و آرزوهای باطل بآن پنهان گردد و مخفی ماند پس چون عورات و عیوب ظاهر را
از خلق پوشیده داری و پیش کس اظهار آن نیاری شرم دار از آنکه امراض و ذنوب
باطن را در پیش خدای تعالی جلوه دهی و از آن هیچ آزرم نداری مستراح را از آنجهت مستراح
گفته اند که بدن در آنجا از ثقل نجاسات راحت یابد و از کدورت کثافات استراحت
نماید پس چون مؤمن بیند که لطیف ترین نعمتهای دنیا و لذیذ ترین لذتهای آن
باین زودی عاقبتش چه میشود باید عبرت از آن گیرد و دست از جمع کردن آن باز
دارد و دل از تشویش آن فارغ سازد تا بجمعیت خاطر تواند مشغول عبادت خدای تعالی
نماید و تحصیل سعادت باقی نماید چه حالتست که شکم را از نجاسات آن خالی کنی و بدن را

از گرانی آن راحت دهی و دل را از وسواس آن لبریز سازی و از تشویش و اندیشه آن
نپردازی و خدای تعالی آب را طهور گردانیده تا فضلات و نجاسات آن شوی
و از گلدورت احداث و کثافات تنزه یابی و جدول توبه و استغفار جاری ساخته تا نجاست
ذنوب و سیئات آن تطهیر دهی و از شناعت آثام و خطیئات و ارهی هیچ مندیشی
که تا ملا از نجاسات ظاهر نکنی و دست و رو در وضو نشوی قابل آن نشوی که روی و بدن
بقبله گردانی و با عضای طاهر داخل مسجد شوی و بر سجاده نشینی و زبان و دهان تسبیح و مناجات
نمانی پس از نجاسات باطن نانموده خاطر از حدث محبت باطل نشسته و نشوی نداده و نیت را
برای خدا خالص نگردانیده چگونه لایق آن باشی که رو و دل سوی خدا کنی و بر بساط
قرب و کرامت تکیه نمائی و در حضرت غنی تحیات اسرار سرائی و بمسواک دندانها را
از کثافت آثار طعام خلال و دهان را از کراهت بوی آن صفا دهی چگونه جوارح را از
نجاست عصیان و مخالفت خدا و دل را از اطاعت شیطان و محبت دنیا بتضرع و خشوع
و انابت و خضوع طهارت ندهی و چون متوجه قبله شوی و بر پای ایستی روی از جمیع

چیزها

چیزها بگردانی و روی دل از وسوسه دنیا بگردانی و ایستادن موقف عرض اعمال
و هویدا گشتن خفیات اسرار یاد کنی و چون اذان نماز شنوی از بلای روز قیامت یاد
آوری و چون روی بقبله کنی روی دل از هر چه غیر خداست باز آوری و چون بر پای
ایستی از روی کمال خضوع و خشوع بایست و هر چه غیر خداست چنان پندار که نیست
در خدمت خدای ایستاده و با حضرت او در مکالمه و دانائیست که بر ظاهر و نهانی دانا
و توانائیست که هر چه بخاطر گذرانی تواند پادشاهیست که آسمان و زمین در وسعت مملکت
او ذره ایست و هر چه در دو جهان باشد از بحار خزاین او قطره و در خدمت او چنان
بایست که ضعیف ترین بنده در خدمت عظیم ترین پادشاه ایستاده باشد و اگر
سرش بخارد نخارد و اگر دلش درد آید نگرید و کاهل و خواب آلوده و سنگین نماز
برنخیزد که این جمله از صفات منافقانست و با ریش و دست بازی مکن و انگشت از
درمیان مگذار که این همه در نماز نقصان است و دست بر سینه مگذار که این عمل گروه
مجوسان است و خمیازه با ذن و اعضا مکن که از جمله اعمال شیطان است و اگر کسی در

نماز گشت بکند بیش از نماز همان باشد و چون تکبیر گویی بزرگی و عظمت خدا را یاد
آور و هر چه غیر اوست در پیش بزرگی وی ذلیل و خوار شمار که اگر دل با دیگری داری و تکبیر را
بزرگتر شماری خدای تعالی گوید ای دروغگوی مرا مغرور به زبان الله اکبر میگویی و دل اندر دیگری
میدهی بعزت و جلال خود هم که از شیرینی ذکر خویش محروم کنم و از نزدیکی جناب
خود دور و از لذت مناجات بی‌نصیب و مهجور گردانم و در نماز دستها را برابر و بند ان
وانگشتانها بهم چسپیده باشد و سر و گردن و کمر راست باید و نظر طرف میل مکن و بجز ی
تکیه مکن و زنان باید دستهای خود را بسینه چسپانند تا بر پستانها متصل شود و بلندی پستانها نماید
و در اثنای نماز آب دهن و دماغ میفکن و هر کس برای تعظیم خدا در نماز فرو برد
خدای تعالی او را تا وقت ممات صحت بدن کرامت فرماید و با بار ابرار هم مکناد از
کرمش و پس نباشد و بی ضرورت چیزی بر دهن منهد که نقصان نماز است و نظر از موضع
سجده بر مدار و باطراف التفات مکن که هر کس در نماز باطراف نگاه کند خدای تعالی
فرماید که ای بنده من کجا نگاه میکنی و کرا میطلبی آیا خدای غیر من میخواهی یا جوادی اثواب

سوای

سوای من میجویی که منم اکرم الاکرمین و منم اجود الاجودین و منم بهترین مطعمین
منم که آنقدر ثواب میدهم ترا که هیچکس قدر آن نداند روی بجانب من کن که من کرمند
شود ارحم و ملائکه من روی تو دارند پس اگر روی بگردانند و متوجه نماز شود گناه آنچه
کرده باشد زایل شود و اگر بار التفات بطرفی نماید خدای تعالی همان کلمه فرماید
و همچنین تا چهار مرتبه و مرتبه چهارم خدای تعالی روی از وی بگردانند و ملائکه روی
بگردانند و فرماید ای بنده من واگذاشتم ترا بانچه میخواهی و در روایتی دیگر آمده
که مرتبه سیم خدای تعالی روی بگرداند و بعد از آن هرگز با و نظر نکند نعوذ بالله
من ذلک و در نماز دل با خدا دار و خیال غیر در آن نماز بخاطر میار که دو رکعت نماز
با تفکر بهتر است از قیام یک شب و هر کس دو رکعت نماز گذارد و بداند چه میگوید میان او
و خدا هیچ گناهی نماند مگر اینکه آمرزیده شود و هر قدر از نماز که دل با آن باشد حساب شود
و هر چه از آن غافل شود در هم پیچیده و برو زده بر رویش زنند و در رکوع چشم بسوی پشت
پا نظر در میان هر دو پای باید بود و باز کردن انگشتان در رکوع سنت است که گردن را

بندگی خدا کشم عمر از طاعت او نه پیچم اگر چون نگرون مرا برخند و هیچ بنده رکوعی
تحیت نکرده مگر آنکه اینکه خدای تعالی او را بنوازد و به نور خویش مزین گرداند و در سایه
کبریای خود و پناه حفظ خویش داده و خلعت اصفیا در وی پوشانیده و رکوع ادب است و طاعت و سجود
قربت و عزت است و کسی که ادب ضایع کند لایق قرب نباشد و سر بسجده گذاشتن
معنیش آن است که خدایا اصل من خاک ذلیل است که هر کسی پا بر آن گذارد و چون سر بردارد
یعنی مرا از این خاک آفریده و از خاک برداشته و چون سجده دوم کند یعنی
بار دیگر مرا بگردانی و با خاک یکسان گردانی و چون سر بردارد یعنی مرا بار دیگر از خاک
زنده سازی و مرویست که والله که زیان نکرده کسی که سجود و تحیت کرده اگر چه در تمام
عمر یک بار باشد و سود نبرده کسی که حق آن را ضایع نموده و مانند فرمایند کان غافل
از رحمت ساجدان باشند و خلوت نموده هرگز از خدا او دور نشود و کسی که در سجود بکلی
دست از خود بردارد و خود را یکبارگی بخدا بسپارد و هرگز بخدا نزدیک نگردد
کسی که حرمت سجود ضایع کند و در آن حال دل بغیر خدا دهد عارفی گفته رکوع و سجود را

بندگی است

بندگی است و در سجود و بعد از آن و تشهد ذکر آن و در قنوت بخوانی ادب آن رعایت کنی
و بدانکه چه میگویی و با که در گفتگویی تا بشنود هر چه بزبان رانی ببیند هر چه در دل گذرانی
پس نیک احتیاط کن تا آنچه مطلب خیر و نجات باشد و زبان در دعایی و با دل در غیر خدایی و بدانکه از غافل
دل غافل مستجاب نگردد و چون تشهد خوانی اقرار به پادشاهی و یگانگی خدا بکنی و اعتراف به رسالت
و نبوت پیغمبر او نمایی و عهد بندگی و طاعت خود تجدید سازی و چون صلوات بر پیغمبر و آل پاکش
فرستی التماس شفیع خود گردانی پس جایی که بزبان اقرار بکنی دل را نیز با زبان موافق
دار و از آنچه میگویی غفلت مدار تا مانند فریبندگان باطنت تکذیب ظاهر نماید و در مقام
ذکر حدیثی دیگر کنم که مشتمل است بر فضایل افعال نماز با آداب و اسرار آن مرویست از حضرت
امام همام حسن بن علی العسکری از آبای کرام خود از حضرت پیغمبر صلعم فرمود که چون بنده
مؤمن متوجه مصلی خود شود تا نماز گذارد خدای تعالی گوید ای ملائکه ببینید این بنده
مرا که از همه خلایق بریده و بامید رحمت و شفقت من رو بنیاز من آورده گواه باشید
که او را رحمت و کرامت خویش مخصوص گردانیدم و چون دست بردارد و الله

اکبر گوید فرماید به بینید چون تنزیه و بیزاری مینماید از نسبت شریک و شبیه و نظیر برای
من چنانکه اعدای من نسبت میکنند و مرا از آن بزرگ و منزه میدارد گواه باشید که
او را از آثار گناهان پاک ساختم و در مملکت بزرگی خود بزرگ گردانیدم و از عقوبات
عذاب جهنم نجات دادم و چون الحمد و سورهٔ دیگر بخواند گوید به بینید بندهٔ مرا چون
از قرائت کلام من لذت میابد گواه باشید که روز قیامت باو گوییم که بخوان در
بهشت کلام مرا و بالا رو بر درجات جنان پس بعدد هر حرفی که خوانده درجهٔ از طلا
و درجهٔ از نقره و درجهٔ از لولو و درجهٔ از گوهر و درجهٔ از زبرجد و درجهٔ از زمرد و بلند
و درجهٔ از نور رب العزة بالا رود و چون رکوع کند فرماید که به بینید که چون تواضع
میکند در پیش جلال و عظمت من گواه باشید که او را در دیار جلال و کبریایی خود بزرگ
گردانم و چون سر از رکوع بر دارد فرماید که به بینید که چون بر اعدای من ترفع میکند
همچنانکه برای من تواضع مینماید و در خدمت من راست می ایستد گواه باشید که عاقبتش را
بهترین عاقبتها گردانم و در بهشت خویش ماوای او عطا فرمایم و چون سجده نماید

فرماید

فرماید به بینید که چون تواضع میکند و میگوید اگرچه در دنیا کمین و جلیلم اما چون
حق عظمت تو بر من ظاهر شود حقیر و ذلیلم گواه باشید که او را بحق بلند گردانم و باطل را
باو دفع گردانم و چون سر از سجدهٔ اول بر دارد فرماید هم به بینید که چه میگوید که
چنانکه در پیش عظمت تو تواضع نمودیم و در حضرت خدمت بر آستان بندگی بحقارت و
ذلت سر بر داشتیم و در مقام ظاهر عبارتی از نسخهای این حدیث افتاده است و گویا این
مضمون باشد که او را عزیز گردانیدم و برحمت خویش اختصاص دهم و چون سجدهٔ دویم
کند فرماید به بینید بندهٔ مرا چون تواضع من عود نموده گواه باشید که رحمت خود را
بر او اعاده فرمایم و چون برای رکعت دیگر از جای برخیزد فرماید که ای ملائکه به بینید
چون برخواست بجا زاو را از ذلت بر دارم و بعزت بلند گردانم و هر رکعت که ادا کند
خدای تعالی همچنان فرماید تا آنکه تشهد نشیند خدای تعالی فرماید ای ملائکه به بینید
بندهٔ من خدمت و عبادت مرا بجا آورد اکنون نشسته و مرا ثنا میگوید و بر پیغمبر من
صلوات میفرستد من نیز در ملکوت سموات و ارض او را ثنا گوییم و بر روح او در میان

ارواح صلوات فرستم و چون بر امیر المؤمنین در نماز صلوات فرستند فرماید
من بر تو صلوات فرستم همچنانکه تو بر او صلوات فرستادی و او را شفیع تو گردانم
همچنانکه تو او را شفیع خود ساختی و چون سلام نماز دهد خدای تعالی و ملائکه بر او سلام
کنند در روایتی دیگر آمده که سلام بعد از هر نماز امانتست یعنی هر کس فرمان بخضوع و خشوع
بجای آورد امانت او را از بلای دنیا و عذاب آخرت و مخفی نماند که مراد از صلوات
بر امیر المؤمنین صلوات الله علیه اینست که بعد از صلوات بر پیغمبر و آل او صلوات نیز بفرستد
زیرا که آل او امیر المؤمنین ع و فاطمه و یازده امام دیگر اند صلی الله علیهم اجمعین و احادیث
دیگر نیز وارد شده که سلمان فارسی و سایر شیعیان نیز از جمله آل آنحضرت اند و در صلوات
بر ایشان شیعیان را نیز باید قصد نمود فصل ششم در فضایل تعقیب و کیفیت آن
از اهل بیت طاهرین علیهم السلام مرویست که هر کس بعد از نماز فریضه تا وقت نماز
دیگر تعقیب بخواند مهمان خدای باشد و حقست بر خدای تعالی که مهمان خود را گرامی
فرماید و تعقیب خواندن بعد از هر نماز صبح تا طلوع آفتاب در وسعت رزق بهتر است

خدای تعالی ... [illegible]

از مسافرت

از مسافرت و تجارت نمودن بلکه احادیث دیگر آمده که نه جزو رزق در تجارت
و یکجزو در غیر آن و تعقیب خواندن بعد از نماز فریضه افضل است از نافله گذاردن
و ظاهر امراد از این نافله غیر نوافل یومیه باشد و هر کس بعد از نماز صبح بر جای نماز بنشیند
و تا طلوع [illegible] خدای تعالی او را از آتش دوزخ مستور گرداند و گناهان
گذشته و آینده اش آمرزیده شود و چنان باشد که زیارت حضرت پیغمبر ص کرده باشد
و اگر آنقدر بنشیند که آفتاب بلند شود و دو رکعت نماز یا چهار رکعت نماز بگذارد
گناهان گذشته اش آمرزیده شود و ثواب حجی داشته باشد و اگر بعد از نماز شام
تعقیب بخواند و حرف نزند تا آنکه دو رکعت نماز نافله بگذارد آن نافله را در اعلا علیین
ثبت نمایند و اگر چهار رکعت نماز بگذارد حج مقبولی برای او ثبت کنند و فضل تعقیب
بعد از نماز فریضه بر تعقیب بعد از نافله مثل فضل فریضه است بر نافله و در وقت تعقیب
روی بقبله باشد و حرف نزند و هر چه نماز ضرر کند نیز بتعقیب ضرر کند مگر آنکه ضرر در
و حرکتی روی دهد پس لازم کرد باوضو باشد در تعقیب باشد این بود بیان فضایل تعقیب

بر سبیل اجمال و آداب آن اما تفصیل و کیفیت آن چنان است که مرویست از اهل بیت
طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین که هر کس بعد از سلام نماز دست بر دارد سه مرتبه
الله اکبر بگوید لا اله الا الله وحده وانجز وعده ونصر عبده و
اعز جنده وهزم الاحزاب وحده فله الملک وله الحمد یحیی
ویمیت وهو علی کل شیء قدیر شکری که واجب بر وی بسبب توفیق اتمام
اسلام وجنود بجای آورده باشد و هر کس بعد از نماز فریضه تسبیح حضرت فاطمه زهرا
صلوات الله علیها بگوید و بعد از آن یکمرتبه لا اله الا الله بگوید گناهانش همه آمرزیده
شود و در روایت دیگر آمده که پیشتر از آنکه پا از وضعی که در نماز نشسته گرداند
تسبیح بگوید و بعد از هر نماز بهر روز گفتن این تسبیح بهتر است از آنکه هر روز هزار رکعت
نماز گذارد و هر کس این تسبیح بر خود لازم گرداند هرگز شقی نگردد و مرویست که اگر
ذکری بهتر از این تسبیح میبود پیغمبر بآن حضرت فاطمه عطا میفرمود و مستحب است
که تسبیح از خاک مقدس مطهر منور حضرت امام حسین علیه السلام باشد که در حدیث است شیعیان

واگر

واگر با ذکر گردانند بعد هر دانه چهل حسنه نوشته باشد و اگر غافل و بیکار بگرداند
هر دانه بیست حسنه نوشته باشد و اگر در اثنای ذکر ذکر را فراموش کند و همان
تسبیح بگرداند باشد ثواب آن ذکر را نوشته باشد و در روایت دیگر آمده که اگر
با تسبیحی از آن تربت مبارک استغفار کند هر استغفار بی هفتاد مرتبه مضاعف شود و اگر
در دست گیرد و تسبیح نکند هر دانه هفت مرتبه و در روایت دیگر آمده که هر کس با خود تربت
تسبیح کند چهار صد حسنه برایش بنویسند و چهار صد سیئه محو کنند و چهار صد
درجه بلند گردانند و چهار صد حاجتش را بر آورند و نیز مرویست که هر کس با این تربت
مطهر تسبیحات اربعه بگوید بهر یکی شش هزار حسنه ثبت کنند و آنقدر سیئه محو
کنند و درجه بلند گردانند و آنقدر شفاعت عطا فرمایند و مرویست که شیعیان ما
از چند چیز مستغنی نباشند حصیری که جای نماز باشد و انگشتری و مسواکی و تسبیحی از
خاک قبر امام حسین علیه السلام که سی و سه دانه داشته باشد و در روایت دیگر آمده
سی و چهار دانه وارد شده و احتمال دارد که با دانه مؤذن مراد باشد و هر کس پیشتر

ازانکه بیمار او ضعیفی گشته بکرد اندر سه مرتبه بگوید اَسْتَغْفِرُ اللهَ الَّذِي
لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ ذُو الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ وَاَتُوبُ
اِلَيْهِ خدای تعالی گناهان او را بیامرزد اگرچه مثل کف دریا باشد و اگر مثل ریگ
زانو را از وضع خود تغییر دهد ده مرتبه بگوید اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَحْدَهُ
لَا شَرِيكَ لَهُ اِلٰهًا وَاحِدًا اَحَدًا صَمَدًا لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً
وَلَا وَلَدًا چهل هزار هزار حسنه برای او ثبت شود و چهل هزار هزار سیئه محو
کرده شود و چنان باشد که دوازده مرتبه ختم قرآن نموده باشد و اگر بعد از هر نماز بگوید
اَعُوذُ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَعِزَّتِكَ الَّتِي لَا تُرَامُ وَقُدْرَتِكَ الَّتِي
لَا يَمْتَنِعُ مِنْهَا شَيْءٌ مِنْ شَرِّ الدُّنْيَا وَعَذَابِ الْآخِرَةِ وَمِنْ شَرِّ الْاَوْجَاعِ
كُلِّهَا وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ خدای تعالی
خیر دنیا و آخرت برای او جمع نماید و اگر اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ وَشَهِدَ اللهُ اَنَّهُ لَا اِلٰهَ
اِلَّا هُوَ تا سَرِيعُ الْحِسَابِ و آیة الکرسی و قُلِ اللّٰهُمَّ مَالِكَ الْمُلْكِ تا بِغَيْرِ

حِسَابٍ بخواند خدای تعالی گوید بعزت و جلال خود قسم که هر روز بچشم نهان
خود هفتاد مرتبه او را بنظر آورم و هر روز هفتاد حاجت او را برآورم و او را از هر قدر
کن که او را در قبول آماده بیم و در روایت دیگر آمده و هر روز هفتاد حاجتش را برآورم که کمترین
آنها مغفرت گناهان باشد و در حظیرهٔ قدس خویش جایش دهم و بر دشمنان نصرتش دهم
و از شیطان سلامتش دارم و هیچ چیز مانع بهشت رفتنش نباشد مگر موت یعنی اگر بمیرد
بهشت مقدر می بود و همچنانکه بهشت بهشتش می سازم و در روایت دیگر آمده و که هر کس بعد از
نماز فریضه آیة الکرسی بخواند از فرج خود تا سجده بر او لازم باشد و هیچ چیز مانع بهشت رفتن
او نباشد مگر موت و هیچ کس مواظبت بر آن نکند مگر صدیقی و عابدی و هر کس ایمان بخدا
و روز قیامت دارد ترک خواندن قل هو الله احد بعد از نماز فریضه نکند که خدای تعالی
خیر دنیا و آخرت برای او جمع فرماید و گناهان او و والدین و برادران و خواهران
او را بیامرزد و هر کس بعد از نماز فریضه دوازده مرتبه قل هو الله احد بخواند و بعد از

الطاهر الطهر المبارك واسئلك باسمك العظيم وسلطانك
القديم ان تصلي على محمد وال محمد يا واهب العطايا
يا مطلق الاسارى يا فكاك الرقاب من النار اسئلك
ان تصلي على محمد وال محمد وان تعتق رقبتي من النار و
ان تخرجني من الدنيا سالما وتدخلني الجنة امنا و
ان تجعل دعائي اوله فلاحا واوسطه نجاحا واخره
صلاحا انك انت علام الغيوب وچون از دنیا بیرون رود از گناه
خالص بشد مثل طلای بیغش و بحکم او بر مظلمه باشد و بعد از هر نماز فریضه این دعا
بخواند اللهم اني اسئلك ببرك القديم ورأفتك بعبادك
وشفقتك بصنعتك المحكمة وقدرتك بسرك الجميل صل
على محمد وال محمد واحي قلوبنا بذكرك واجعل ذنوبنا مغفورة

بذكرك معمورة ونفوسنا بطاعتك مسرورة وعقولنا على توحيدك
مجبورة وارواحنا على دينك مفطورة وجوارحنا على خدمتك
مقهورة واسمائنا في خواصك مشهورة وحوائجنا لديك
ميسورة وارزاقنا من خزائنك مدرورة انت الله لا اله الا
انت لقد فاز من والاك وسعد من ناجاك وعز من ناداك
وظفر من رجاك وغنم من قصدك وربح من تاجرك ورضا
هر کس بگوید يا من لا يشغله سمع عن سمع يا من لا يغلطه السائلون
يا من لا يبرمه الحاح الملحين اذقني برد عفوك وحلاوة رحمتك
گناهانش همه آمرزیده شود اگرچه بعدد ستارهٔ آسمان و قطرات باران و خاک زمین
و ریگ بیابان باشد و هر کس بعد از هر نماز فریضه بگوید اجير نفسي ومالي وولدي
واهلي وداري وكل ما هو مني بالله الواحد الاحد الصمد
الذي لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفوا احد واجير نفسي

ومالی وولدی وکل ما هو منّی برب الفلق من شر ما خلق
تا آخر سوره وبرب الناس تا آخر سوره وبالله الذی لا اله الا هو الحی
القیوم تا آخر آیت الکرسی و خانه و مال و اولادش از آفات محفوظ گردد و نیز
بعد از نماز فریضه بگوید رضیت بالله ربّا وبمحمد نبیّا وبالاسلام
دینا وبالقرآن کتابا وبعلیّ اماما والحسن والحسین وعلیّ
ومحمد وجعفر وموسی وعلیّ ومحمد وعلیّ والحسن و
محمد ائمة اللهم ولیّک محمد بن الحسن فاحفظه من
بین یدیه ومن خلفه وعن یمینه وعن شماله ومن
فوقه ومن تحته وامدد له فی عمره واجعله القائم بامرک
والمنتصر لدینک وارِه ما یحب وتقرّ به عینه فی نفسه وذریّته
وفی اهله وماله وفی شیعته وفی عدوّه وارهم منه ما یحذرون
وارِه فیهم ما یحب وتقرّ به عینه واشف به صدورنا و

صدور

صدور قوم مؤمنین و هر کس پیش از آنکه داخل نماز شود بگوید اللهم
انّی اتوجّه الیک بمحمد وآل محمد فی کل تا آخر دعا که در فضل
کیفیت شتغال نماز گذشت و بعد از نماز بگوید اللهم اجعلنی مع محمد
وآل محمد فی کل عافیة وبلاء واجعلنی مع محمد
وآل محمد فی کل مثوی ومنقلب اللهم اجعل محیای
محیاهم ومماتی مماتهم واجعلنی معهم فی المواطن کلها
ولا تفرّق بینی وبینهم انّک علی کل شیء قدیر بمحمد وآل محمد
صلی الله علیه وعلیهم باشد و هر کس بعد از هر فریضه بگوید رضیت بالله ربّا
وبمحمد نبیّا وبالاسلام دینا وبالقرآن کتابا وبالکعبة قبلة
وبعلیّ ولیّا واماما وبالحسن والحسین وعلیّ ومحمد وجعفر
وموسی وعلیّ ومحمد وعلیّ والحسن والحجة القائم الخلف
صلوات الله علیهم ائمة اللهم انّی رضیت بهم ائمة فارضنی

لهم انك على كل شيء قدير با ایمان از دنیا بیرون رود و اگر بعد از
هر نماز بگوید اللهم اهدلی من عندك وافض علی من فضلك و
انشر علی من رحمتك وانزل علی من برکاتك روز قیامت
در بهشت بر وی گشوده شود تا از هر در که خواهد داخل بهشت شود و حضرت صادق صلوات الله
علیه فرمود از جمله حقوق ما بر دوستان و شیعیان ما این است که چون از نماز واجب فارغ
شوند بر نخیزند تا این دعا بخوانند اللهم انی اسئلك باسمك العظیم و بحقك
العظیم العظیم ان تصلی علی محمد وال محمد الطاهرین وان
تصلی علیهم صلوة تامة دائمة وان تدخل علی محمد وال محمد
واولیائهم حیث کانوا واین کانوا فی سهل او جبل او فی بر او بحر
من برکة دعائی ما تقر به عیونهم احفظ یا مولای الغائبین
منهم واردهم الی اهالیهم سالمین ونفس عن المهمومین و
فرج عن المکروبین المغمومین واکس العارین واشبع الجائعین

وارو الظامئین واقض دین الغارمین وزوج العازبین و
اشف المرضی وادخل علی الاموات ما تقر به عیونهم وانصر المظلومین
من اولیاء آل محمد علیهم السلام واطف نائرة المخالفین
اللهم وضاعف لعنتك وباسك ونكالك وعذابك علی
الذین كفروا انعمتك وخونوا رسولك واتهموا نبیك وبایناه وحلوا
عقده فی وصیه ونبذوا عهده فی خلیفته من بعده وادعوا
مقامه وغیروا احكامه وبدلوا سنته وقلبوا دینه وصغروا قدر
حججك وبدءوا بظلمهم وطرقوا طریق الغدر علیهم والخلاف عن
هم والقتل لهم وارهاج الحروب علیهم ومنع خلیفتك
من سد الثلم وتقویم العوج وتثقیف الاود وامضاء الاحكام
واظهار دین الاسلام واقامة حدود القرآن والعنهما وابنیهما
وكل من مال میلهم وحذا حذوهم وسلك طریقهم و

تصدّ بِبُغضِهِم لَعنًا لا یَخطُرُ بِبالٍ وَ یَستَعیذُ مِنهُ اَهلُ النّارِ
اللّهُمَّ العَن مَن دانَ بِقَولِهِم وَ اتَّبَعَ اَمرَهُم وَ عادَ اِلی وِلایَتِهِم
وَ شَكَّ فی كُفرِهِم مِنَ الاَوَّلینَ وَ الآخِرینَ و هم از آنحضرت صلوات الله علیه
مرویست که از جمله حقوق ما بر شیعیان ماست که بعد از فریضه دست بر زنخ بگیرند و
سه مرتبه بگویند یا ربّ محمّدٍ عَجِّل فَرَجَ آلِ مُحَمَّدٍ یا ربّ محمّدٍ احفظ
غَیبةَ مُحَمَّدٍ یا ربّ محمّدٍ اِنتَقِم لِابنَةِ مُحَمَّدٍ مؤلف این مجموعه گوید همچنان
که از قرآن مبین و احادیث اهل بیت طاهرین علیهم السلام معلوم است و هیچ شکی در آن نیست
اینست که این دعا و هر دعائی که مضمون این باشد یعنی مشتمل باشد بر ولایت اهل بیت
طاهرین علیهم السلم و دعای ایشان و شیعیان و برائت و لعنت بر اعدا و غاصبان حق
ایشان افضل است که از همه ادعیه و اذکار و جمله از جمیع اعمال و افعال زیرا
که ایمان تمام می‌شود و اگر نعوذ بالله درین قصوری باشد هیچ عبادتی مقبول درگاه
نشود و نهد و مرویست که حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه بعد از فرض

[illegible]
[illegible]
و مرویست که چون از فریضه فارغ شوی [illegible] بهای نرود و تمر و ت
[illegible] آنچه ملائکه است که هزار هزار سر دارد و در هر سری هزار هزار دهن و در هر دهن
هزار هزار زبان و بهر زبان هزار نوع خدا را تسبیح کنند و تقی از جناب الهی سوال نمود
که آیا کسی است که بتواند که تسبیح مثل ما بکند [illegible] از جناب الهی جواب رسید که در زمین
[illegible] است که تسبیح بهتر است از تسبیح شما و [illegible] در آن شده یافته
و [illegible] او بهر روز [illegible] بعد از نماز [illegible] تسبیح بگوید سبحان
اللهِ كُلَّما سَبَّحَ اللهَ شَیءٌ وَ كَما یُحِبُّ اللهُ اَن یُسَبَّحَ وَ
كَما هُوَ اَهلُهُ وَ كَما یَنبَغی لِكَرَمِ وَجهِهِ وَ عِزِّ جَلالِه
وَ الحَمدُ لِلّهِ كُلَّما حَمِدَ اللهَ شَیءٌ وَ كَما یُحِبُّ اللهُ
اَن یُحمَدَ وَ كَما هُوَ اَهلُهُ وَ كَما یَنبَغی لِكَ

وجهه وعز جلاله ولا اله الا الله كلما هلل الله شيء
وكما يحب الله ان يهلل وكما هو اهله وكما
ينبغي لكرم وجهه وعز جلاله والله اكبر كلما كبر الله
شيء وكما يحب الله ان يكبر وكما هو اهله و
كما ينبغي لكرم وجهه وعز جلاله سبحان الله و
الحمد لله ولا اله الا الله والله اكبر على كل نعمة انعم
بها علي وعلى كل احد من خلقه ممن كان او يكون
الى يوم القيمة اللهم اني اسئلك ان تصلي على محمد وال
محمد واسئلك خير ما ارجوا وخير ما لا ارجوا واعوذ بك
من شر ما لا احذر ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم
وكسى بعد از نماز عصر سي مرتبه بگويد سبحان الله والحمد لله ولا اله
الا الله والله اكبر از سوختن وغرق شدن وخراب ماندن وخوردن

جانوران

جانوران درنده و مردن بوجهي بد و ناخوش و گيتي كه در ان روز نازل شود ايمن
باشد و مرويست كه مسافر اين تسبيح بعد از نماز فريضه كه قصر ميكند سي مرتبه بخواند نمازش
تمام شود و هر كس بعد از نماز صبح و شام پيش از آنكه حرف زند و پاي را از وضعي كه نشسته است
تغير دهد صد مرتبه بگويد بسم الله الرحمن الرحيم لا حول ولا قوة الا بالله العلي
العظيم صد نوع بلا ازو دفع شود كه سهل ترين آن برص و جذام و شيطان و سلطان
باشد و اگر هفتاد مرتبه بگويد هفتاد نوع بلا دفع شود كه سهل ترين آن جنون و جذام و برص
باشد و اگر شقي باشد از ديوان اشقيا محو گردد و در زمره سعدا ثبت گردد و اگر بعد از نماز
صبح صد مرتبه بگويد باسم اعظم نزديكتر شود از سياهي چشم بسفيدي آن و اسم اعظم
دران داخل باشد و اگر بعد از نماز صبح و شام پيش از آنكه حرف زند با كسي هر بار اگر داند بگويد
ان الله وملائكته يصلون على النبي يا ايها الذين امنوا
صلوا عليه وسلموا تسليما اللهم صل على محمد وذريته
خداي تعالى صد حاجت او برآورد هفتاد در دنيا و سي در آخرت و اگر بعد از

صبح و شام گوید اللّهم انّی اسئلک بحقّ محمّد و آل محمّد علیک
صلّ علی محمّد و آل محمّد و اجعل النّور فی بصری و البصیرة
فی دینی و الیقین فی قلبی و الاخلاص فی عملی و السّلامة فی نفسی و
العافیة فی بدنی و السّعة فی رزقی و الشّکر لک ابداً ما ابقیتنی
از درد چشم ایمن باشد و خیر دنیا و آخرت برای او جمع شود و اگر بعد از نماز صبح و ظهر
گوید اللّهم اجعل صلواتک و صلوات ملائکتک و رسلک
علی محمّد و آل محمّد یکساله گناه بر او ننویسند و اگر بعد از این دو نماز گوید
اللّهم صلّ علی محمّد و آل محمّد و عجّل فرجهم از دنیا نرود تا بخدمت
حضرت صاحب الزمان صلوات الله علیه برسد و اگر بعد از نماز صبح پیش از آنکه با کسی حرف
زند گوید ربّ صلّ علی محمّد و اهل بیته خدای تعالی روی او را از آتش
دوزخ نگاه دارد و اگر بعد از نماز صبح ده مرتبه گوید سبحان الله العظیم و
بحمده لا حول و لا قوّة الّا بالله العلیّ العظیم از کوری و دیوانگی و جذام

و پریشانی

و پریشانی و ضعف پیری ایمن گردد و اگر بعد از نماز صبح این دعا بخوانند هر حاجتی که خواهد
بر آورده شود و خدای تعالی کفایت مهمّش فرماید بسم الله و صلّی الله علی محمّد
و آله و افوّض امری الی الله انّ الله بصیر بالعباد فوقیه الله سیّئات
ما مکروا لا اله الّا انت سبحانک انّی کنت من الظّالمین فاستجبنا
له و نجّیناه من الغمّ و کذلک ننجی المؤمنین حسبنا الله و نعم الوکیل
فانقلبوا بنعمة من الله و فضل لم یمسسهم سوء ما شاء الله لا حول
و لا قوّة الّا بالله العلیّ العظیم ما شاء الله لا ما شاء النّاس ما شاء
الله و ان کره النّاس حسبی الرّبّ من المربوبین حسبی الخالق من
المخلوقین حسبی الرّازق من المرزوقین حسبی الّذی لم یزل
حسبی حسبی من کان مذ کنت حسبی حسبی الله لا اله الّا هو علیه
توکّلت و هو ربّ العرش العظیم و هر کس هر روز بعد از نماز عصر گوید استغفر
الله الّذی لا اله الّا هو الحیّ القیّوم الرّحمن الرّحیم ذو الجلال

والاکرام واسئله ان یتوب علی توبة عبد ذلیل خاضع فقیر
بائس مسکین مستجیر لا یملک لنفسه نفعا ولا ضرا ولا حیوة ولا
موتا ولا نشورا خدای تعالی مکین فرماید تا همه گناهان او و اگر چه باشد در آتش
بسوزانند و هر کس بعد از نماز عصر هفتاد بار استغفار کند مغفرت گناهش در آن روز آمرزیده
شود و اگر او را اینقدر گناه نباشد از گناه پدر و والدینش آمرزیده شود و اگر ایشان را
نباشد از گناه برادر و خواهر و اقوام و اقارب او آمرزیده شود و هر کس بعد از نماز عصر ده مرتبه
سوره مبارکه انا انزلناه فی لیلة القدر را بخواند بعد هر کس که نماز عصر گذارده برای او حسنه
ثبت نماید و در روایت دیگر آمده که مثل اعمال همه خلایق برای او ثبت نماید و در روایت دیگر
و آیه سوره بقره آمن الرسول بما انزل تا آخر سوره بخواند که خدای تعالی از گنجهای بهشت
آفریده و فرستاده و دو هزار سال پیش از آنکه خلایق را بیافریند بدست خود نوشته
و هر کس بعد از نماز خفتن بخواند مجزی باشد او را از قیام لیل و هر کس در جمعه بعد از نماز صبح
پیش از آنکه حرف زند بگوید اللهم ما قلت فی جمعتی هذه من قول او

حلفت

حلفت فیها من حلف او نذرت فیها من نذر فمشیتک بین
یدی ذلک کله فما شئت منه ان یکون کان
وما لم تشاء منه لم یکن اللهم اغفر لی وتجاوز عنی اللهم
من صلیت علیه فصلاتی علیه ومن لعنته فلعنتی علیه کفاره
گناهانی باشد که در آن هفته کرده باشد و هر کس بعد از عصر روز جمعه هفت مرتبه بگوید
اللهم صل علی محمد وآل محمد الاوصیاء المرضیین
بافضل صلواتک وبارک علیهم بافضل برکاتک والسلام
علیه وعلیهم ورحمة الله وبرکاته خدای تعالی برای او صد هزار
حسنه ثبت نماید و صد هزار سیئه محو فرماید و صد هزار درجه بلند گرداند و صد هزار
حاجتش را بر آورد و بعد هر کس که نماز عصر گذارده او را حسنه باشد و اعمالش در آن روز
مقبول گردد و چون روز قیامت بیاید هر دو چشمش نورانی و درخشان باشد و چون از نماز
و تعقیبات آن فارغ شوند سنت مؤکد و لازم است سجده شکر کردن که نماز بان تمام

شود و موجب خوشنودی خدای تعالی باشد و ملائکه را از آن خوش آید و خدای تعالی
حجاب از میان او و ملائکه بردارد و گوید ببینید بندهٔ مرا که عبادت من بجای آورده
اکنون سجده میکند مرا شکر از آنکه توفیقش داده ام پس جزای وی چه باشد ملائکه گویند رحمت
باید دیگر چه گویند بهشت فرماید دیگر چه گویند کفایت مهماتش و همچنین خدای تعالی
سوال کند و ملائکه جواب گویند تا آنکه هیچ چیز نماند مگر آنکه گفته شود و باز سوال فرماید ملائکه
گویند که خدایا پس از این علم ما و فا نکند پس خدای تعالی فرماید که شکر او کنم چنانکه شکر
من کرد ... بفضل خویش روی با وکنم و جمال خود با و نمایم و نیز مرویست که خدای تعالی
بحضرت موسی علی نبینا و آله و علیه السلم وحی فرمود و گفت میدانی بچه سبب تر امناجات
و کلام خود اختیار نمودم گفت خدایا نمیدانم وحی فرمود که همه بندگان خود را تجسس
کردم و امتحان فرمودم هیچکس متواضع تر از تو نیافتم و ذلیل نفس تر از تو نیافتم زیرا که
چون نماز گذاری هر دو روی خود را بر خاک نهی و سجدهٔ شکر کنی و سجدهٔ شکر را چنین کند
که هر دو ساعد و سینه و شکم ملاحق زمین باشد و در سجدهٔ اول صد مرتبه بگوید الحمد

لله شکرا و هر ده مرتبه یکبار بگوید شکرا للمجیب و چون مرتبه تمام شود
بگوید یا ذا المن الذی لا ینقطع ابدا و لا یحصیه نعمه غیره احدا
و یا ذا المعروف الذی لا ینفد ابدا یا کریم یا کریم یا کریم و هر حاجتی
که خواهد طلبد بعد از آن بگوید لک الحمد ان اطعتک و لک الحجة ان
عصیتک لا صنع لی و لا لغیری فی احسان منک الی فی حال
الحسنة یا کریم یا کریم صل علی محمد و اهل بیته و صل لجمیع
ما سالتک من فی مشارق الارض و مغاربها من المومنین و
المومنات و ابدا بهم و ثن بی برحمتک و چون روی راست بر زمین گذارد
بگوید اللهم لا تسلبنی ما انعمت به علی من ولایتک و ولایة محمد
و آل محمد علیهم السلام پس روی چپ بر زمین گذارد و همین بگوید پس بار
دیگر سجده کند و صد مرتبه بگوید شکرا شکرا طریقه دیگر آنکه در سجدهٔ اول بگوید اسئلک
بحق حبیبک محمد صلواتک علیه و آله الا بدلت سیئاتی

حسنات ومحاسبتي حساباً يسيراً و چون روی دست راست بر زمین گذارد بگوید
اسئلك بحق حبيبك محمد صلواتك عليه وآله الا كفيتني مؤنة
الدنيا وكل هول دون الجنة و چون روی چپ بر زمین گذارد بگوید
اسئلك بحق حبيبك محمد صلواتك عليه وآله لما غفرت لي
الكثير من الذنوب والقليل وقبلت من عملي اليسير و چون
مرتبه دیگر سجده کند بگوید اسئلك بحق حبيبك محمد صلواتك عليه
وآله لما ادخلتني الجنة وجعلتني من سكانها ولما نجيتني من
سفعات النار برحمتك و اول سجده شکر است که سه مرتبه بگوید شکراً لله
شکراً لله شکراً لله و چون سر از سجود بر دارد سه مرتبه بگوید بسم الله الذي
لا اله الا هو عالم الغيب والشهادة الرحمن الرحيم اللهم اذهب
عني الهم والحزن و هر مرتبه دست بر موضع سجده بمالد و بر جانب چپ روی
بمالد پس بر رو بمالد تا جانب راست که هم و حزن را زایل کند و چون از نماز بر خیزد

بگوید

بگوید سبحان ربك رب العزة عما يصفون وسلام على المرسلين
والحمد لله رب العالمين که هر کس آخر کلامش این بود خدای تعالی بپسترین
کیلها او را ثواب بی حد و عدد دهد و بهر مسلمینی او را حسنه ثبت شود **فصل نهم** در فضایل
اذکار ساعات شبانه روز و اوراد صبح و شام و ذکر فضایل شبانه روز جمعه و ادعیه مخصوص
بآن در میان لیالی و ایام از اهل بیت طاهرین صلی الله علیهم اجمعین مرویست که هیچ روز نیست بر بنی
آدم وارد نشود مگر آنکه گوید ای آدمی زاد من روز تازه ام و شاهد اعمال توام لیس
ها من با توام هر چه گویی خیر گوی و هر چه کنی خیر کن تا روز قیامت شاهد تو باشم و چون
از تو جدا شوم دیگر ترا بمن دسترس نباشد و هم از ایشان علیهم السلام مرویست که شیطان
لعنه الله هر روز از طلوع صبح تا طلوع آفتاب و از غروب آفتاب تا ذهاب شفق مغرب جنود
و اتباع خود را در زمین منتشر سازد برای اضلال مردمان پس در این دو وقت ذکر خدا بسیار کنید
و خود و کودکان خود را در آنحد از پناه دهید و استعاذه طلبید تا از کید و شر شیاطین محافظت
فرمایید که این دو ساعت غفلت اند و هم از ایشان علیهم السلام مرویست که خدای تعالی

یکساعت بعد از صبح و یکساعت بعد از عصر ذکر می کنید تا مهمات کار و مهمات شما تمام و نیز
فرموده اند که چون آفتاب زرد شود ذکر خدا کنید و اگر با جمعی باشید که شما را مشغول سازند
از میان ایشان برخیزید و مشغول ذکر و دعا شوید و در وقت طلوع صبح بگویید الحمد لله
الذی فالق الاصباح سبحان رب المساء و رب الصباح اللهم صبح
آل محمد ببرکة و عافیة و سرور و قرة عین و رزق واسع
اللهم انک تنزل باللیل و النهار ما تشاء فانزل علی و علی اهل
بیتی من برکة السموات و الارض رزقا حلالا طیبا تغنینی
به عن جمیع خلقک و از جمله دعاء مخصوص صبح دعای عظیم الفضایل جسیم
العوائد شریف المضامین منسوب بحضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه اجمعین
اللهم یا من دلع لسان الصباح بنطق تبلجه و سرح قطع
اللیل المظلم بغیاهب تلجلجه و اتقن صنع الفلک الدوار
فی مقادیر تبرجه و شعشع ضیاء الشمس بنور تأججه یا من

دل علی ذاته بذاته و تنزه عن مجانسة مخلوقاته و جل
عن ملائمة کیفیاته یا من قرب من خواطر الظنون و بعد عن
ملاحظة العیون و علم بما کان قبل ان یکون
یا من ارقدنی فی مهاد امنه و امانه و ایقظنی الی ما منحنی
به من مننه و احسانه و کف اکف السوء عنی بیده و سلطانه
صل اللهم علی الدلیل الیک فی اللیل الالیل و المتمسک من اسبابک
بحبل الشرف الاطول و الناصع الحسب فی ذروة الکاهل الاعبل و الثابت
القدم علی زحالیفها فی الزمن الاول و علی آله الاخیار المصطفین
الابرار و افتح اللهم لنا مصاریع الصباح بمفاتیح الرحمة و الفلاح
اللهم و البسنی بافضل خلع الهدایة و الصلاح و اغرس اللهم لعظمتک
اللهم فی شرب جنانی ینابیع الخشوع و اجر لهیبتک من آماقی زفرات الدموع
و ادب نزق الخرق منی بازمة القنوع الهی ان لم تبتدئنی الرحمة منک

بحسن التوفيق فمن السالك بي اليك في واضح الطريق وان
اسلمتني اناتك لقائد الامل والمنى فمن المقيل عثراتي من كبوات
الهوى وان خذلني نصرك عند محاربة النفس والشيطان
فقد وكلني خذلانك الى حيث النصب والحرمان الهي اتراني ما
اتيتك من حيث الامال ام علقت باطراف حبالك الا انامل الو الا م
الا حين باعدتني ذنوبي من دار الوصال فبئس المطية التي
امتطت نفسي من هواها فواها لها لما سولت لها ظنونها و
مناها وتبا لها لجرأتها على سيدها ومولاها الهي قرعت
باب رحمتك بيد رجائي وهربت اليك لاجئا من فرط اهوائي
وعلقت باطراف حبالك انامل ولائي فاصفح اللهم عما كان جرمته
من زللي وخطائي واقلني من صرعة ردائي فانك سيدي و
مولائي ومعتمدي ورجائي منقلبي ومثوائي وانت غاية مناي

في منقلبي ومثواي الهي كيف تطرد مسكينا التجا اليك من الذنوب
هاربا ام كيف تخيب مسترشدا قصد الى جنابك ساعيا ام
كيف ترد ظمآنا ورد الى حياضك شاربا كلا وحياضك
مترعة في ضنك المحول وبابك مفتوح للطلب والوغول وانت غاية
المسؤول ونهاية المأمول الهي هذه ازمة نفسي عقلتها بعقال قد
مشيتك وهذه اعباء ذنوبي درأتها برحمتك وهذه الاهواء برأفتك و
المضلة وكلتها الى جناب لطفك فاجعل اللهم صباحي هذا وعفوك
نازلا علي بضياء الهدى وبالسلامة في الدين والدنيا ومسائي جنة
من كيد العدى ووقاية من مرديات الهوى انك على كل شيء
قدير وبالاجابة جدير اللهم مالك الملك قادر على ما تشاء
تؤتي الملك من تشاء وتنزع الملك ممن تشاء وتعز من تشاء
وتذل من تشاء بيدك الخير انك على كل شيء قدير تولج

الليل في النهار وتولج النهار في الليل وتخرج الحي من الميت
وتخرج الميت من الحي وترزق من تشاء بغير حساب اللهم وبحمدك
من ذا يعرف قدرك فلا يخافك ومن ذا يعلم ما انت فلا يهابك
الّفت بقدرتك الفرق وفلقت برحمتك الفلق وانرت بكرمك
دياجي الغسق وانهرت المياه من الصم الصياخيد عذبا واجاجا
وانزلت من المعصرات ماء ثجاجا وجعلت الشمس والقمر للبرية
سراجا وهاجا من غير ان تمارس فيما ابتدعت به لغوبا ولا علاجا
فيا من توحد بالعز والبقاء وقهر عباده بالموت والفناء صل
على محمد وآله الاتقياء واسمع ندائي واستجب دعائي وحقق
بفضلك املي ورجائي يا خير من دعي لكشف الضر والمأمول
في كل عسر ويسر بك انزلت حاجتي فلا تردني عن سني مواهبك
خائبا يا كريم يا كريم برحمتك يا ارحم الراحمين و

صلى

صلى الله على خير خلقه ومظهر لطفه محمد وآله اجمعين
وسلم تسليما كثيرا يا كريم يا كريم يا كريم ونيز اين دعا از صحيفهٔ كامله
هر صبح بخوانند كه فضيلت بسيار دارد و فوايد بسيار دارد والحمد لله الذي خلق
الليل والنهار بقدرته تا آخر ونيز هر صباح اين دعا بخوانند كه مرويست از
امامين همامين موسى بن جعفر الكاظم وعلى ابن موسى الرضا عليهما السلم بسم الله
الرحمن الرحيم اللهم ان ذنوبي وكثرتها قد اخلقت وجهي عندك و
حجبتني عن استيهال رحمتك وباعدتني عن استنجاز مغفرتك ولولا
تعلقي بآلائك وتمسكي بالرجاء لما وعدت امثالي من المسرفين و
اشباهي من الخاطئين بقولك يا عبادي الذين اسرفوا على انفسهم
لا تقنطوا من رحمة الله ان الله يغفر الذنوب جميعا انه هو
الغفور الرحيم وحذرت القانطين من رحمتك فقلت
ومن يقنط من رحمة ربه الا الضالون ثم ندبتنا برحمتك

الا دعائك فقلت ادعوني استجب لكم ان الذين يستكبرون
عن عبادتي سيدخلون جهنم داخرين لكان ذلك
الاياس علي مشتملا والقنوط من رحمتك بي ملتحقا الهي قد وعدت
المحسن ظنه بك ثوابا واوعدت المسيء ظنه بك عقابا
اللهم وقد امسك رمقي حسن الظن بك في عتق رقبتي
من النار وتغمد زللي واقالة عثرتي وقلت وقولك الحق الذي
لا خلف فيه ولا تبديل يوم ندعوا كل اناس بامامهم
ذلك اليوم النشور اذا نفخ في الصور وبعثرت القبور
اللهم اني اقر واشهد واعترف ولا اجحد واسر واظهر
واعلن وابطن بانك انت الله لا اله الا انت وحدك لا شريك
لك وان محمدا عبدك ورسولك وان عليا امير المؤمنين
وسيد الوصيين ووارث علم النبيين وقاتل المشركين وامام

المتقين

من باسمك

والمرسلين اللهم اني اسئلك بوجهك الكريم وبنور وجهك
المنير وملكك القديم يا حي يا قيوم اسئلك باسمك الذي
اشرقت به السموات والارضون وباسمك الذي يصلح به الاولون
والاخرون يا حيا حين لا حي يا محيي الموتى ومميت الاحياء يا حي
لا اله الا انت صل على محمد واله وعجل اللهم فرجهم اللهم
بلغ مولانا الامام الهادي المهدي الحجة القائم بامرك عن
جميع المؤمنين والمؤمنات في مشارق الارض ومغاربها و سهلها
وجبلها وبرها وبحرها وحيهم وميتهم وعني وعن والدي
واهلي واخواني وولدي من الصلوات والتحيات زنة عرشك
وعدد كلماتك وما احصاه كتابك واحاط به علمك اللهم
اني اجدد له في صبيحة يومي هذا وما عشت فيه من ايام
حيوتي عهدا وعقدا وبيعة له في عنقي ولا احول عنها

ازول ابدا اللهم اجعلني من انصاره واعوانه والذابين عنه
والمسارعين في حوائجه والممتثلين لاوامره ونواهيه والسابقين
الى ارادته والمجاهدين معه والمحامين عنه والمستشهدين
بين يديه اللهم فان حال بيني وبينه الموت الذي جعلته على
عبادك حتما مقضيا فاخرجني من قبري مؤتزرا كفني شاهرا
سيفي مجردا قناتي ملبيا دعوة الداعي في الحاضر والبادي
اللهم ارني الطلعة الرشيدة والغرة الحميدة واكحل
مرهي بنظرة مني اليه وعجل فرجه وسهل مخرجه واوسع
منهجه واسلكني محجته وانفذ امره واشدد ازره وقو
ظهره وطول عمره واعمر اللهم به بلادك واحي به عبادك
فانك قلت وقولك الحق ظهر الفساد في البر والبحر بما كسبت
ايدي الناس فاظهر اللهم لنا وليك وابن وليك وابن نبيك المسمى

باسم

باسم رسولك صلواتك عليه وآله في الدنيا والآخرة حتى
لا يظفر بشيء من الباطل الا مزقه ويحق الله به الحق ويحققه
اللهم واجعله مفزعا للمظلوم من عبادك وناصرا لمن لا يجد
له ناصرا غيرك ومجددا لما عطل من احكام كتابك ومشيدا
لما درس من اعلام دينك وسنن نبيك محمد صلى الله عليه وآله
واجعله اللهم ممن حصنته من باس المعتدين اللهم وسر
نبيك محمدا صلواتك عليه وآله برؤيته ومن تبعه على دعوته
وارحم استكانتنا من بعده اللهم اكشف هذه الغمة عن
هذه الامة بحضوره وعجل اللهم لنا ظهوره انهم يرونه بعيدا
ونريه قريبا برحمتك يا ارحم الراحمين وبعد از ان سه مرتبه دست بر ران
راست زند و بگوید العجل العجل العجل يا مولاي يا صاحب الزمان
الغوث الغوث صلوات الله عليك انا منتظر اليك حتى

ورده

یمکّننی الله من دولتک و سعادتک و یمنک و برکتک یا مولای
العجل العجل الساعة الساعة و بعد از آن بسیار بگوی یا صاحب
الزمان الامان الامان الغوث الغوث الغوث ادرکنی
بحقک و بحق آبائک الطیبین الطاهرین المعصومین المکرمین
و از اهل بیت طاهرین علیهم السلام مرویست که هر خیرات که همه پیغمبران از آدم تا حضرت
خاتم صلی الله علیه و آله و سلم از ایزد کریم برات گرفتند و آن اینست که هر صبح و شام بگویند
اللهم انی اسئلک ایمانا تباشر به قلبی و یقینا حتی اعلم انه
لا یصیبنی الا ما کتبت لی و رضاء بما قسمت لی و در بعضی روایات
این عبارت نیز زیاده آمده حتی لا احب تعجیل ما اخرت و لا تاخیر
ما عجلت یا حی یا قیوم برحمتک استغیث اصلح لی شانی کله
و لا تکلنی الی نفسی طرفة عین ابدا و صلی الله علی محمد
و آله و ششم آنکه در دو درمیان اهل خویش نشسته آسمان و دو چون به آسمان

دنیا رسد ملائکه گویند با خود چه داری گویند این کلمات که مؤمنی گفته پس ملائکه دعا
کنند و گویند خدای تعالی بر آن مؤمن رحمت کند و گناهانش را بیامرزد و همچنین به
آسمانی که رسد ملائکه آن آسمان همین دعا کنند تا آنکه به حاملان عرش رسند ایشان
نیز همین دعا کنند و گویند بر این کلمات انجزینه دار ان قول مؤمنان بسیار تا در دیوان
خزانه ثبت نمایند که این از کلمات خزینه است و هر کس هر صبح و شام و عصر سه مرتبه
بگوید اللهم صل علی محمد و آل محمد فی الاولین و صل علی
محمد و آل محمد فی الآخرین و صل علی محمد و آل محمد فی الملأ
الاعلی و صل علی محمد و آل محمد فی المرسلین اللهم اعط محمدا
الوسیلة و الفضیلة و الشرف و الرفعة و الدرجة الکبیرة اللهم
اعط محمدا الوسیلة انی آمنت بمحمد و لم اره فلا تحرمنی فی
القیمة رؤیته و ارزقنی صحبته و توفنی علی ملته و اسقنی من
حوضه مشربا رویا سائغا هنیئا لا اظماء بعده ابدا انک

علی کل شیء قدیر اللهم وکما امنت بمحمد ولم اره
فعرفنی فی الجنان وجهه اللهم بلغ روح محمد عنی تحیة
کثیرة وسلاما گناهانش فرو ریزد و خطایش محو گردد و سرورش دایم شود
و بر دشمنان ظفر یابد و اسباب خیرات برای او مهیا شود و آرزویش برآید و روزیش
برآید و روزیش وسیع گردد و در بهشت از رفقای محمد و آل محمد باشد و از حضرت
امام جعفر صادق ع مرویست که سنتی واجبست پیش از طلوع صبح و پیش از غروب
آفتاب ده مرتبه خواندن این تهلیل لا اله الا الله وحده لا شریک له
له الملک وله الحمد یحیی ویمیت وهو حی لا یموت بیده الخیر
وهو علی کل شیء قدیر و بعد از آن ده مرتبه این استعاذه گوید
اعوذ بالله السمیع العلیم من همزات الشیاطین واعوذ بالله
ان یحضرون ان الله هو السمیع العلیم و اگر فراموش کند قضا کند
همچنانکه نماز را قضا کنند و قضای نماز را میکنند و در روایت دیگر آمده که هر کس

این

این تهلیل را ده مرتبه پیش از طلوع و غروب آفتاب بخواند کفاره گناهان آن روزش
باشد و هر کس پیش از طلوع و غروب آفتاب صد مرتبه بگوید الله اکبر همچنانست که
صد بنده آزاد کند و هر کس صبح و شام سه مرتبه بگوید سبحان الله حین
تمسون وحین تصبحون وله الحمد فی السموات والارض و
عشیا وحین تظهرون در آن شبانه روز هیچ چیزی از و فوت نشود
و هیچ شری باو نرسد و هر کس هر صبح و شام چهار مرتبه بگوید الحمد لله رب
العالمین شکر آن شبانه روز را بجای آورده باشد و مرویست که کسی بابو درداء
گفت آتش افتاده و خانه ات سوخت گفت خانه من نسوخته و دیگری آمد و همین خبر آورد
و دیگری آمده و همین خبر آورد و هر سه همین جواب شنیدند چون معلوم شد خانهای
حوالی او سوخته بود و خانه او در میان سالم مانده و پرسیدند چون دانستی که خانه ات
نسوخته گفت از پیغمبر شنیدم که هر صبح و شام بگوید اللهم انت ربی لا اله
الا انت علیک توکلت وانت رب العرش العظیم لا حول

ولا قوة الا بالله العظيم ما شاء الله كان وما لم يشأ لم
يكن اعلم ان الله على كل شيء قدير قد احاط بكل
شيء علما اللهم اني اعوذ بك من شر نفسي ومن شر كل دابة
انت اخذ بناصيتها ان ربي على صراط مستقيم در ان شبانه روز
هیچ آفتی بوی نرسد و من از گفته بودم و نیز هر صبح و شام این دعا را بر خواند
اصبحت اللهم معتصما بذمامك المنيع الذي لا يحاول ولا
يطاول من شر كل غاشم وطارق من سائر من خلقت
وما خلقت من خلقك الصامت والناطق في جنة من كل
مخوف بلباس سابغة ولاء اهل بيت نبيك محمد صلواتك
عليه وعليهم السلام محتجبا من كل قاصد لي الى اذية بجدار
حصين الاخلاص في الاعتراف بحقهم والتمسك بحبلهم
موقنا بان الحق لهم ومعهم وفيهم وبهم اوالي من والوا
جانب

من جانبوا فصل على محمد وال محمد واعذني اللهم بهم
من شر كل ما اتقيه يا عظيم حجزت الاعادي عني ببديع
السموات والارض انا جعلنا في اعناقهم اغلالا فهي الى
الاذقان فهم مقمحون وجعلنا من بين ايديهم سدا ومن
خلفهم سدا فاغشيناهم فهم لا يبصرون و در وقت شام بجای
اصبحت امسيت گوید از همه مخاوف و مکاره ایمن باشد ان شاء الله تعالی و از حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام مرویست که اگر همه خیرها را ترک کنی این دعا را هر صبح و شام
ترک مکن اللهم اني اصبحت استغفرك في هذا الصباح وفي هذا
اليوم رحمتك وابرأ اليك من اهل لعنتك اللهم اني اصبحت
ابرأ اليك في هذا اليوم وفي هذا الصباح ممن نحن بين
ظهرانيهم من المشركين ومما كانوا يعبدون انهم كانوا
قوم سوء فاسقين اللهم اجعل ما انزلت من السماء الى

الارض في هذا الصباح وفي هذا اليوم بركة على او
ليائك وعقابا على اعدائك اللهم وال من والاك وعاد
من عاداك اللهم اختم لي بالامن والايمان كلما طلعت
شمس او غربت اللهم اغفر لي ولوالدي وارحمهما كما ربياني
صغيرا اللهم اغفر للمؤمنين والمؤمنات الاحياء منهم والاموات
انك تعلم متقلبهم ومثويهم اللهم احفظ امام المسلمين بحفظ
الايمان وانصره نصرا عزيزا وافتح له فتحا يسيرا قريبا واجعل
له ولنا من لدنك سلطانا نصيرا اللهم [illegible]
والفرق المختلفة على رسولك والائمة من بعده وشيعتهم و
اسئلك الزيادة من فضلك والاقرار بما جاء من عندك و
التسليم لامرك والمحافظة على ما امرت به لا ابتغي به بدلا ولا اشتري
به ثمنا قليلا اللهم اهدني من عندك فيمن هديت وقني شر

ما قضيت انك تقضي ولا يقضى عليك ولا يذل من واليت تباركت
وتعاليت سبحانك رب البيت تقبل مني دعائي وما تقربت به اليك
من خير فضاعفه لي اضعافا كثيرة وآتنا من لدنك اجرا
عظيما رب ما احسن ما ابليتني واعظم ما اعطيتني واطول ما
عافيتني واكثر ما سترت علي فلك الحمد يا الهي كثيرا طيبا مباركا
عليه ملاء السموات والارض وملاء ما شاء ربي وكما يحب ربي
ويرضى وكما ينبغي لوجه ربي ذي الجلال والاكرام
وچون این دعا را در وقت شام میخوانند در همه مواضع بجای اصبحت و امسیت وبجای
هذا الصباح و هذا المساء وبجای هذا الیوم و هذه اللیل وبجای طلعت شمس او غربت
غربت شمس و طلعت گویند و نیز در صبح و شام گویند الحمد لله الذي یفعل
ما يشاء ولا يفعل ما يشاء غيره الحمد لله كما يحب الله والحمد
لله كما هو اهله اللهم ادخلني في كل خير ادخلت

فیه محمّدا وآل محمّد واخرجنی من کلّ سوءٍ اخرجت منه محمّدا
وآل محمّد صلّی الله علی محمّد وآل محمّد و ایضا مرویست که حضرت
پیغمبر صلی الله علیه وآله چون آفتاب بر سر کوه دید که زرد شده گریه بر چشم مبارک گردش روان
شدی و گفتی امسی ظلمی مستجیرا بعفوك وامست ذنوبی مستجیرة بم
بمغفرتك وامسی خوفی مستجیرا بامانك وامسی ذلّی مستجیرا
بعزّك وامسی فقری مستجیرا بغناك وامسی وجهی الفانی البالی مستجیرا
بوجهك الدّائم الباقی اللّهمّ البسنی عافیتك وغشّنی برحمتك و
جلّلنی کرامتك وقنی شرّ خلقك من الجنّ والانس یا الله یا رحمن
یا رحیم و مرویست که در وقت ظهر گفتن این تسبیح محافظت نمای بجای آنکه چشم خود را
محافظت بکنی سبحان الله ولا اله الّا الله والحمد لله الّذی لم
یتّخذ ولدا ولم یکن له شریك فی الملك ولم یکن
له شریك فی ولیّ من الذّلّ وکبّره تکبیرا اما فضیلت شب روز

جمعه و آداب آن مرویست از اهل بیت طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین که
هیچ روز آفتاب طلوع نکند افضل از روز جمعه و سید روزهاست و خدای تعالی در
روز جمعه حسنات مضاعف کند و سیئات محو نماید و درجات بلند گرداند و دعوات
اجابت فرماید و بلیات دفع کند و حاجات عظیم برآورد و رحمت و فضل زیاده
گرداند و مجلس در این روز دعا کند و طلب مغفرت نماید که در محل قبول افتد و حال آنکه
حق و حرمت این روز نشناسد مگر آنکه برای خدای تعالی لازم باشد که او را از آتش دوزخ
آزاد گرداند پس اگر در روز جمعه یا شب آن بمیرد شهید باشد و از عذاب قبر و آتش
دوزخ ایمن باشد و هر قدر توانند در این روز طاعات و عبادات و سایر خیرات زیاده کنند که
ثواب حسنات مضاعف شده و ترک معاصی و مناهی و جمیع ملاهی نمایند که عقوبات سیئات
مضاعف گردد و بسا باشد که مومنی دعا کند و خدای تعالی تاخیر اجابت آن کند
تا روز جمعه برای فضیلت آن روز و شب جمعه نیز در فضل و شرف مثل روز است بدرستیکه خدای تعالی
هر شب جمعه از اول شب تا طلوع صبح از بالای عرش ندا فرماید و گوید ای بندگان مومن

که حاجتی داری برای آخرت یا دنیا طلب نمایی تا اجابت کنم و اگر گناهی کرده
استغفار نمایی تا قبول نمایم و اگر معاش تنگ باشد سؤال نمایی تا زیاده کنم و اگر بیمار
دعا کنی تا ترا شفا دهم و اگر محبوس و مغموم باشی استغاثه کنی تا نجات دهم و اگر
مظلوم باشی استعانت نمایی تا نصرت دهم و در تمام آخر هر شب و در شب جمعه از اول شب
تا طلوع صبح ملکی می‌فرستند تا از جانب خدا ندا کند و گوید هر کس را حاجتی باشد بخواهد
تا اجابت شود و اگر گناه کرده باشد توبه نماید تا قبول کرده شود ای طالبان خیر مشغول
شوید بخیر و ای طالبان شر ترک شر و زنا نمایید و چون صبح طلوع کند بمقام خود در ملکوت
سما رجوع نماید و مستحب است در روز جمعه تحفه به عیال و اطفال میوه و تحفه تازه که
در روزهای دیگر نبوده باشد آوردن تا در این روز شاد و خوشدل باشند و محبت ایشان
مر آن روز زیاده کرد و هر کس استخفاف حرمت این روز کند و حق آن را ضایع کرده
بر خدای تعالی لازم باشد که او را بجهنم برد مگر آنکه توبه کند و اگر در این روز یک
بیت شعر بخواند نصیبش از جمیع فضایل آن جمعه همان باشد و افضل اعمال در شب و روز جمعه

صلوات

صلوات فرستادن است بر پیغمبر و آلش صلی الله علیه و آله و سلم و چون عصر پنجشنبه
شود ملائکه از آسمان نازل شوند بعدد ذره‌ها با قلمهای طلا و لوحهای نقره تا شب کار ایشان
همین باشد که هر کس صلوات فرستد بنویسند و این ملائکه در روزهای دیگر نازل
نشوند و سنت است روز جمعه هزار مرتبه و سایر روزها صد مرتبه صلوات فرستند
و در روزهای دیگر غیر جمعه صد مرتبه صلوات فرستند و هر کس هر شب جمعه سوره
بنی اسرائیل بخواند از اصحاب حضرت صاحب الزمان صلوات الله علیه گردد و هر کس
شب جمعه یا روز جمعه بعد از عصر سوره کهف بخواند تا جمعه دیگر محفوظ باشد و اگر
هر شب جمعه بخواند در حکم شهید باشد و در زمره ایشان محشور شود و کفاره گناهان
او باشد از جمعه سابق تا این جمعه و هر کس شب جمعه یا هر شب عید فطر و اضحی ده مرتبه
گوید یا دائم الفضل علی البریة یا باسط الیدین العطیة یا صاحب
المواهب السنیة صل علی محمد و آله خیر الوری سجیة و
اغفر لنا یا ذا العلی فی هذه العشیة هزار هزار حسنه برای او ثبت

نماید و هزار هزار سیئه محو فرماید و هزار هزار درجه بلند گرداند و در روز قیامت
با ابراهیم خلیل علیه السلام در مجلس مرافقت نماید و روزهٔ این روز برابر است با ده روز
نورانی درخشان که بروزهای دنیا شبیه نباشد و در روز جمعه مستحب است زیارت
حضرت پیغمبر و اهل بیتش و چون خواهد زیارت کند غسل کند و جامهای پاکیزه بپوشد و
بصحرا بیرون رود و در روایت دیگر نیز بام خانه نیز آمده و چهار رکعت نماز بگذارد
پس رو بقبله بایستد و بگوید السَّلامُ عَلَیْکَ یا اَیُّهَا النَّبِیُّ وَرَحْمَةُ
اللهِ وَبَرَکاتُهُ السَّلامُ عَلَیْکَ یا اَیُّهَا النَّبِیُّ الْمُرْسَلُ وَالْوَصِیُّ
الْمُرْتَضی وَالسَّیِّدَةُ الْکُبْری وَالسَّیِّدَةُ الزَّهْرا وَالسِّبْطانِ الْمُنْتَجَبانِ
وَالْاَوْلادُ الْاَعْلامُ وَالْاُمَناءُ الْمُنْتَجَبُونَ جِئْتُ انْقِطاعاً اِلَیْکُمْ وَاِلی
آبائِکُمْ وَوَلَدِکُمُ الْخَلَفِ عَلی بَرَکَةِ الْحَقِّ فَقَلْبی لَکُمْ مُسَلِّمٌ وَنُصْرَتی
لَکُمْ مُعَدَّةٌ حَتّی یَحْکُمَ اللهُ لِدینِهِ فَمَعَکُمْ مَعَکُمْ لا مَعَ عَدُوِّکُمْ حتّی
اِنّی لَمِنَ الْقائِلینَ بِفَضْلِکُمْ مُقِرٌّ بِرَجْعَتِکُمْ لا اُنْکِرُ لِلّهِ قُدْرَةً

ولا

وَلا اَزْعَمُ اِلّا ما شاءَ اللهُ سُبْحانَ اللهِ ذِی الْمُلْکِ وَالْمَلَکُوتِ یُسَبِّحُ
اللهَ بِاَسْمائِهِ جَمیعُ خَلْقِهِ وَالسَّلامُ عَلی اَرْواحِکُمْ وَاَجْسادِکُمْ
وَالسَّلامُ عَلَیْکُمْ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَکاتُهُ و مستحب است روز جمعه
انواع تطهیر و تنظیف و تعطیر چنانکه در فصل دویم بیان شد و بهترین جاها که تعبد و
باشد پوشیدن با سکینه و وقار متوجه مسجد شدن و چون تحیه نماز کرده متوجه مسجد شود
بگوید اَللّهُمَّ مَنْ تَهَیَّأَ وَتَعَبَّأَ وَاَعَدَّ وَاسْتَعَدَّ لِوِفادَةٍ اِلی مَخْلُوقٍ
وَرَجاءَ رِفْدِهِ وَطَلَبَ نائِلِهِ وَجَوائِزِهِ وَفَواضِلِهِ فَاِلَیْکَ یا سَیِّدی
وِفادَتی وَتَهْیِئَتی وَتَعْبِئَتی وَاِعْدادی وَاسْتِعْدادی رَجاءَ رِفْدِکَ
وَجَوائِزِکَ وَنَوافِلِکَ وَعَفْوِکَ فَلا تُخَیِّبِ الْیَوْمَ رَجائی یا مَنْ لا یَخیبُ
عَلَیْهِ سائِلٌ وَلا یَنْقُصُهُ نائِلٌ فَاِنّی لَمْ آتِکَ الْیَوْمَ بِعَمَلٍ صالِحٍ
قَدَّمْتُهُ وَلا شَفاعَةِ مَخْلُوقٍ رَجَوْتُهُ وَلکِنْ اَتَیْتُکَ مُقِرّاً بِالظُّلْمِ
وَالْاِسائَةِ بِاَنْ لا حُجَّةَ لی وَلا عُذْرَ فَاَسْئَلُکَ یا رَبِّ اَنْ تُعْطِیَنی

ومسألتي وتقلبني برغبتي ولا تردني محجوبا ولا خائبا على عظيم
الجرم ان عدت عليهم بالرحمة فيا من رحمته واسعة وعفوه
عظيم يا عظيم يا عظيم يا عظيم ارجوك العظيم اسئلك يا عظيم
ان تغفر لي لا يرد غضبك الا حلمك ولا ينجي من سخطك الا
التضرع اليك فهب لي يا الهي فرجا بالقدرة التي بها تحيي ميت البلاد
ولا تهلكني غما حتى تستجيب لي وتعرفني الاجابة في دعائي واذقني
طعم العافية الى منتهى اجلي ولا تشمت بي عدوي ولا تسلطه
علي ولا تمكنه من عنقي الهي ان وضعتني فمن ذا الذي يرفعني
وان رفعتني فمن ذا الذي يضعني وان اهلكتني فمن ذا الذي يعرض
لك في عبدك او يسئلك عن امره وقد علمت يا الهي ليس في
حكمك ظلم ولا في نقمتك عجلة وانما يعجل من يخاف الفوت
وانما يحتاج الى الظلم الضعيف وقد تعاليت يا الهي عن ذلك

علوا

علوا كبيرا اللهم اني اعوذ بك فاعذني واستجير بك فاجرني
واسترزقك فارزقني واتوكل عليك فاكفني واستنصرك
على عدوي فانصرني واستعين بك فاعني واستغفرك يا الهي
فاغفر لي لا اله الا انت اللهم صل على محمد وال محمد و
ارزقني خير هذا اليوم الذي شرفته وعظمته واغسلني فيه من
جميع ذنوبي وخطاياي وزدني من فضلك انك انت الوهاب
و در روز جمعه دو ساعت که دعا در آن البته مستجاب شود یکی وقت زوال و دوم
آخر روز تا آنکه آفتاب غروب شود و مستحب است در ساعت آخر این روز خواندن دعای
سمات و مرویست از حضرت امام همام محمد بن علی الباقر علیهما السلم که این دعا
از علم مکنون و مخزون است پس برای حاجات و هلاک دشمنان بخوانید و با اطفال
و سفها و ظالمان و منافقان اظهار آن مکنید و اگر قسم یاد کنم که اسم اعظم درین دعا ست
راست گفته باشم و دعا اینست اللهم انی اسئلک باسمک العظیم

الاعظم الاعظم الاعز الاجل الاکرم الذی اذا دعیت
به علی مغالق ابواب السماء للفتح بالرحمة انفتحت واذا دعیت
به علی مضائق ابواب الارض للفرج انفرجت واذا دعیت به
علی العسر للیسر تیسرت واذا دعیت به علی الاموات للنشور
انتشرت واذا دعیت به علی کشف البأساء والضراء انکشفت
وبجلال وجهک الکریم اکرم الوجوه واعز الوجوه الذی عنت
له الوجوه وخضعت له الرقاب وخشعت له الاصوات
ووجلت له القلوب من مخافتک وبقوتک التی تمسک بها
السماء ان تقع علی الارض الا باذنک وتمسک السموات و
الارض ان تزولا ولئن زالتا ان امسکهما من احد من بعدک
وبمشیتک التی دان لها العالمون وبکلمتک التی خلقت بها
السموات والارض وبحکمتک التی صنعت بها العجائب و

خلقت

خلقت بها الظلمة وجعلتها لیلا وجعلت اللیل سکنا
وخلقت بها النور وجعلته نهارا وجعلت النهار نشورا مبصرا
وخلقت بها الشمس وجعلت الشمس ضیاء وخلقت بها القمر و
جعلت القمر نورا وخلقت بها الکواکب وجعلتها نجوما وبروجا
ومصابیح وزینة ورجوما وجعلت لها مشارق ومغارب وجعلت
لها مطالع ومجاری وجعلت لها فلکا ومسابح وقدرتها
فی السماء منازل فاحسنت تقدیرها وصورتها فاحسنت تصویرها
واحصیتها باسمائک احصاء ودبرتها بحکمتک تدبیرا فاحسنت
تدبیرها وسخرتها بسلطان اللیل وسلطان النهار وعرفت
بها والساعات عدد السنین والحساب وجعلت رؤیتها
لجمیع الناس مرءا واحدا واسئلک اللهم بمجدک الذی کلمت
به عبدک ورسولک موسی بن عمران علیه السلام فی المقدسین

فوق أخناس الكروبيين فوق غمائم النور فوق تابوت الشهادة
في عمود النار وفي طور سيناء وفي جبل حوريث في الواد المقدس
في البقعة المباركة من جانب الطور الأيمن من الشجرة
وفي أرض مصر بتسع آيات بينات ويوم فرقت لبني إسرائيل البحر
وفي المنبجسات التي صنعت بها العجائب في بحر سوف وعقدت
ماء البحر في قلب الغمر كالحجارة وجاوزت ببني إسرائيل البحر
وتمت كلمتك الحسنى عليهم بما صبروا وأورثتهم مشارق
الأرض ومغاربها التي باركت فيها للعالمين وأغرقت فرعون
وجنوده ومراكبه في اليم وباسمك العظيم الأعظم الأعظم
الأعز الأجل الأكرم وبمجدك الذي تجليت به لموسى
كليمك عليه السلام في طور سيناء ولإبراهيم خليلك عليه السلام
من قبل في مسجد الخيف ولإسحق صفيك عليه السلام

في بئر

في بئر شيع وليعقوب نبيك عليه السلام في بيت إيل وأوفيت
لإبراهيم عليه السلام بميثاقك ولإسحق عليه السلام بحلفك
وليعقوب عليه السلام بشهادتك وللمؤمنين بوعدك وللداعين
بأسمائك فأجبت وبمجدك الذي ظهر لموسى ابن عمران
عليه السلام على قبة الرمان وبآياتك الذي رفعت وبآياتك
التي وقعت على أرض مصر بمجد العزة والغلبة بآيات عزيزة
وبسلطان القوة وبعزة القدرة وبشأن الكلمة التامة
وبكلماتك التي تفضلت بها على أهل السموات والأرض
وأهل الدنيا والآخرة وبرحمتك التي مننت بها على جميع
خلقك وباستطاعتك التي أقمت بها على العالمين و
بنورك الذي قد خر من فزعه طور سيناء وبعلمك و
جلالك وكبريائك وعزتك وجبروتك التي لم تستقلها

الأرض وانخفضت لها السموات وانزجر لها العمق الأكبر
وركدت لها البحار والأنهار وخضعت لها الجبال وسكنت
لها الأرض بمناكبها واستسلمت لها الخلائق كلها وخفقت
لها الرياح في جريانها وخمدت لها النيران في أوطانها وبسلطانك
الذي عرفت لك به الغلبة دهر الدهور وحمدت به في السموات
والأرضين وبكلمتك كلمة الصدق التي غلبت كل شيء
وبنور وجهك الذي تجليت به للجبل فجعلته دكا وخر
موسى صعقا وبمجدك الذي ظهر على طور سيناء فكلمت به
عبدك ورسولك موسى ابن عمران عليه السلام وبطلعتك في
ساعير وظهورك في جبل فاران بربوات المقدسين وجنود الملائكة
الصافين وخشوع الملائكة المسبحين وببركاتك التي
باركت فيها على ابراهيم خليلك في أمة محمد صلواتك عليه

سبقت لأنبيائهم آدم وذريته بالخير واسئلك بكلماتك التي

واله وباركت لاسحق صفيك عليه السلم وباركت ليعقوب
اسرائيلك في أمة موسى عليه السلام وباركت لحبيبك
محمد صلواتك عليه وآله في عترته وذريته وامته
اللهم وكما غبنا عن ذلك ولم نشهده وآمنا به ولم نره
صدقا وعدلا أن تصلي على محمد وآل محمد وأن تبارك
على محمد وآل محمد وترحم على محمد وآل محمد كافضل
ما صليت وباركت وترحمت على ابراهيم وآل ابراهيم انك حميد
مجيد فعال لما تريد وأنت على كل شيء قدير شهيد
وبعد از ان بگويد اللهم اني أسئلك بحرمة هذا الدعاء وبما
فات منه من الأسماء وبما يشتمل عليه من التفسير والتدبير الذي
لا يحيط به إلا أنت أن تصلي على محمد وآل محمد وأن
تعجل فرجهم في عافية وتهلك أعداءهم في الدنيا والآخرة

وَاَنْ تَرْزُقَنَا بِهِمْ خَيْرَ مَا اَرْجُو وَخَيْرَ مَا لَا اَرْجُو وَتَصْرِفَ بِهِمْ
عَنَّا شَرَّ مَا اَحْذَرُ وَشَرَّ مَا لَا اَحْذَرُ اِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ
وَاَنْتَ اَكْرَمُ الْاَكْرَمِينَ **فصل دویم** در نوافل یومیه بر سبیل تفصیل و بیان ذکر
و آداب و ادعیه متعلقه آن مرویست از اهل بیت طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین
که افتتاح نوافل بهفت تکبیر و ادعیه آن در سه موضع باید نمود اول نوافل ظهر و اول نوافل
شب و دیگر رکعت وتر و در نوافل بعد از الحمد هر سوره که خواهد بخواند اما فضیلت
که در رکعت اول نوافل ظهر قل هو الله احد و در دویم قل یا ایها الکافرون بخواند و در
اول نوافل عصر اذا جاء نصر الله یا الهیکم التکاثر یا مثل آن سورهای کوتاه و در اول
نوافل مغرب قل هو الله و در دوم قل یا ایها الکافرون و در روایت دیگر آمده
در اول قل هو الله و در دوم یک تا انزلناه و در رکعت سیم اول سوره حدید
تا و هو علیم بذات الصدور و در چهارم آخر سوره حشر لو انزلنا هذا القرآن تا آخر و در
رکعت اول وتر سوره الملک یا سوره واقعه و در دوم قل هو الله و در اول نوافل

شب

شب قل هو الله و در دویم قل یا ایها الکافرون و در روایت آمده که هر کس در رکعت
اول نوافل شب در رکعتی سی مرتبه قل هو الله بخواند میان او و خدای تعالی هیچ گناهی نماند مگر
آمرزیده شود و در رکعتهای دیگر مستحبست خواندن سورهای طویل مثل کهف و یس
و مانند آن و اگر وقت فراخ باشد و اگر وقت تنگ باشد در همه قل هو الله کافیست و در
رکعت شفع معوذتین بخواند و در رکعت وتر قل هو الله و هر کس درین سه رکعت این سوره را
بخواند فرشته ندا کند که ای بنده مؤمن آمرزیده باد ترا که وتر تو مقبول گشت و در
روایات دیگر آمده که در هر سه رکعت قل هو الله بخواند تا در سه رکعت وتر ختم قرآن
شده باشد و قل هو الله احد ثلث قرآن است و در روایت دیگر آمده که حضرت امام رضا
در هر یک رکعت ازین سه رکعت سه مرتبه قل هو الله میخواندند و در رکعت سیم بعد از قل هو الله
یکمرتبه معوذتین میخواندهاند و در رکعت اول نافله صبح قل یا ایها الکافرون و در دوم
قل هو الله و مرویست که هر کس سوره اذا زلزلت در نوافل میخوانده باشد هرگز بزلزله
مبتلا نشود و بزلزله و صاعقه و هیچ آفتی نمیرد تا آنکه با اجل مقدر از دنیا برود و چون

وقت موتش برسد فرشته از پیش خدای تعالی بر بالینش نشیند و گوید ای
ملک الموت با ولی خدا ملایمت کن که مرا بسیار یاد میکرد و سوره اذا زلزلت بسیار
میخواند و سوره ذیر همین بکار نماید پس ملک الموت گوید من از جناب الهی مامورم
که اطاعت او کنم و تا اذن ندهد قبض روحش نکنم پس حجاب از پیش نظرش برداشته
شود و تا منازل خویش را در بهشت ملاحظه نماید پس از آن رضا دهد و قبض روحش با کمال
ملایمت کنند پس هفتاد هزار فرشته مشایعتش نمایند تا داخل بهشت شود و هر کس سوره
والعصر در نوافل بخواند رویش در روز قیامت نورانی باشد و شکفته و شادمان داخل
داخل بهشت شود و هر کس سوره انا اعطینا در فرایض و نوافل بخواند خدای تعالی
از کوثر بخوراندش آب و معاشرش در سایه طوبی در پیش حضرت پیغمبر باشد و فضایل
بعضی دیگر از سورهای قرآن در فرایض و نوافل انشاء الله تعالی بعد ازین گفته خواهد شد
و در همه نوافل اکتفا بالحمد تنها خالی مجزی بود و تخصیص اگر وقت تنگ باشد یا شغل
ضروری باشد اما تعقیبات از کار نوافل بیانش اینکه بعد از هر دو رکعت نافله

ظهر

ظهر گوید اَللّٰهُمَّ اِنّی ضَعیفٌ فَقَوِّنی فی رِضاکَ ضَعْفی وَخُذ اِلَی
الْخَیرِ بِناصِیَتی وَاجْعَلِ الْاِیمانَ مُنْتَهی رِضاکَ وَبارِکْ لی فیما
قَسَمْتَ لی وَبَلِّغْنی بِرَحْمَتِکَ کُلَّ الَّذی اَرْجُو مِنْکَ وَاجْعَلْ لی
وُدّاً وَسُرُوراً لِلْمُؤْمِنینَ وَعَهْداً عِنْدَکَ بِرَحْمَتِکَ یا اَرْحَمَ
الرّاحِمینَ و اگر در سجده آخر نوافل مغرب هر شب خصوص شب جمعه هفت مرتبه
گوید اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ بِوَجْهِکَ الْکَریمِ وَبِاسْمِکَ الْعَظیمِ
اَنْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ اَنْ تَغْفِرَ لِیَ الذَّنْبَ الْعَظیمَ
گناهش آمرزیده شود و بعد از هر دو رکعت نوافل شب گوید اَللّٰهُمَّ اِنّی
اَسْئَلُکَ وَلَمْ یُسْئَلْ مِثْلُکَ اَنْتَ مَوْضِعُ مَسْئَلَةِ السّائِلینَ وَمُنْتَهی
رَغْبَةِ الرّاغِبینَ اَدْعُوکَ وَلَمْ یُدْعَ مِثْلُکَ وَاَرْغَبُ اِلَیْکَ وَ
لَمْ یُرْغَبْ اِلی مِثْلِکَ اَنْتَ مُجیبُ دَعْوَةِ الْمُضْطَرّینَ وَاَرْحَمُ
الرّاحِمینَ وَاَسْئَلُکَ بِاَفْضَلِ الْمَسائِلِ وَاَنْجَحِها وَاَعْظَمِها یا اَللّٰهُ

يا رحمن يا رحيم وباسمائك الحسنى وامثالك العليا ونعمك
التي لا تحصى باكرم اسمائك عليك واحبها اليك واقربها
منك وسيلة واشرفها عندك منزلة واجزلها لديك ثوابا
واسرعها في الامور اجابة وباسمك المكنون الاكبر الاعز
الاجل الاكرم الذي تحبه وتهواه وترضى به عمن دعاك
فاستجبت له دعاءه وحق عليك لا تحرم سائلك ولا ترده و آن ۲
بكل اسم هو لك في التورية والانجيل والزبور والفرقان
العظيم وبكل اسم دعاك به حملة عرشك وملائكتك و
انبياؤك ورسلك واهل طاعتك من خلقك ان تصلي على
محمد وال محمد وان تعجل فرج وليك وابن وليك وتعجل
خزي اعدائك وتجعلنا من اصحابه وانصاره وترزقنا
به رجاءنا وتستجيب به دعاءنا وبعد از ركعت هشتم كويد اللهم اني

الهي

اسئلك بحق من عاذ بك ولجا الى عزك واستظل بفيئك واعتصم
بحبلك ولم يثق الا بك يا جزيل العطايا يا مطلق الاسارى يا من
يا من سمى نفسه من جوده وهابا ادعوك رغبا ورهبا وخوفا
وطمعا والحاحا والحافا وتضرعا وتملقا وقائما وقاعدا وراكعا
وساجدا وراكبا وماشيا وذاهبا وجائيا وفي كل حالاتي و
اسئلك ان تصلي على محمد وال محمد وان ترزقني من فضلك
خير ما سئلك سائل فاعذني برحمتك مما استعاذ منه عائذ
وبعد از ركعت نهم كويد الهي تعرض لك في هذه الليل المتعرضون و
قصدك فيه القاصدون وامل فضلك ومعروفك الطالبون
ولك في هذه الليل نفحات وجوائز وعطايا ومواهب تمن
بها على من تشاء من عبادك وتمنعها من لم تسبق له العناية منك
وها انا ذا عبدك الفقير اليك المؤمل فضلك ومعروفك فان

كنت يا مولاي تفضلت على احد من خلقك وعدت عليه
بعائدة من عطفك فصل على محمد وآل محمد الطيبين
الطاهرين الخيرين الفاضلين وجد علي بفضلك ومعروفك
وكرمك يا رب العالمين وصلى الله على محمد خاتم النبيين
وآله الطاهرين الذين اذهبت عنهم الرجس وتطهرهم
تطهيرا انك حميد مجيد اللهم اني ادعوك كما
امرتني فاستجب لي كما وعدتني انك لا تخلف الميعاد و در قنوت وتر
كويد لا اله الا الله الحليم الكريم لا اله الا الله العلي العظيم
سبحان الله رب السموات السبع ورب الارضين السبع وما
فيهن وما بينهن ورب العرش العظيم اللهم انت الله نور
السموات والارض وانت الله جمال السموات والارض وانت
الله عماد السموات والارض وانت الله قوام السموات والارض

رب السموات السبع ورب الارض

وانت

وانت الله صريخ المستصرخين وانت الله غياث المستغيثين و
انت الله المفرج عن المكروبين وانت الله المروح عن المغمومين
وانت الله مجيب دعوة المضطرين وانت الله اله العالمين
وانت الله الرحمن الرحيم وانت الله كاشف السوء وانت الله
بك تنزل كل حاجة يا الله ليس يرد غضبك الا حلمك ولا
ينجي من عذابك الا رحمتك ولا ينجي منك الا التضرع اليك
فهب لي من لدنك يا الهي رحمة تغنيني بها عن رحمة من سواك
بالقدرة التي بها احييت جميع ما في البلاد وبها تنشر ميت
العباد ولا تهلكني غما حتى تغفر لي وترحمني وتعرفني الا ستجابة
في دعائي وترزقني العافية الى منتهى اجلي واقلني عثرتي ولا
تشمت بي عدوي ولا تمكنه من رقبتي اللهم ان رفعتني
فمن ذا الذي يضعني وان وضعتني فمن ذا الذي يرفعني وان

اهلكتني فمن ذا الذي يحول بينك وبيني او يتعرض لك في شيء
من امري وقد علمت ان ليس في حلمك ظلم ولا في نقمتك عجلة
انما يعجل من يخاف الفوت وانما يحتاج الى الظلم الضعيف
وقد تعاليت عن ذلك يا الهي فلا تجعلني للبلاء غرضا ولنقمتك ولا نقمتك
نصبا ومهلني ونفسني واقلني عثرتي ولا تتبعني ببلاء على اثر
بلاء فقد ترى ضعفي وقلة حيلتي استعيذ بك الليلة
فاعذني واستجير بك من النار فاجرني واسئلك الجنة
فلا تحرمني و بعد از آن دستها را اندک بلند تر کند و بگوید وجهت و
جهي للذي فطر السموات والارض حنيفا مسلما وما انا
من المشركين ان صلواتي ونسكي ومحياي ومماتي لله رب
العالمين لا شريك له وبذلك امرت وانا من المسلمين
اللهم صل على محمد وال محمد وصل على ملائكتك

المقربين

المقربين واولي العزم من المرسلين والانبياء المنتجبين والائمة
الراشدين اولهم واخرهم اللهم عذب كفرة اهل الكتاب
وجميع المشركين ومن ضارعهم من المنافقين فانهم
يتقلبون في نعمتك ويجعلون الحمد لغيرك فتعاليت عما يقولون
وعما يصفون علوا كبيرا اللهم العن الرؤساء والقادة
والاتباع من الاولين والاخرين الذين صدوا عن سبيلك
اللهم انزل بهم باسك ونقمتك فانهم كذبوا على رسولك
وبدلوا نعمتك وافسدوا عبادك وحرفوا كتابك وغيروا
سنة نبيك اللهم العنهم واتباعهم واولياءهم واعوانهم
ومحبيهم واحشرهم واتباعهم الى جهنم زرقا اللهم صل
على محمد عبدك ورسولك بافضل صلواتك وعلى ائمة الهدى
الراشدين المهديين و بعد از آن بر چهل مومن از مومنان دعا کند بعد

بفارسی هرچه داند مجزی بود که بعد از دعای چهل مؤمن و دعا کردن برای خود مستجاب شود و بعد ازان دست چپ را همچنان بقنوت باز دارد و بدست راست تسبیح را شمرده
و هفتاد مرتبه بگوید استغفر الله واتوب الیه که هر کس یکسال در قنوت وتر
هفتاد استغفار مداومت نماید از جناب الهی مغفرت گناهش واجب شود و از
جمله مؤمنان باشد که خدای تعالی در قرآن مجید وصف نموده و فرموده و
المستغفرین بالاسحار و چون سر از رکوع بردارد ایستاده بگوید هذا
مقام من حسناته نعمة منک وسیئاته بعمله وذنبه عظیم و
شکره قلیل ولیس لذالک الا عفوک ورحمتک الهی طموح
الامال قد خابت الا لدیک ومعاکف الهمم قد تقطعت الا
علیک ومذاهب العقول قد سمت الا الیک فانت الرجاء والیک
الملتجا یا اکرم مقصود واجود مسئول هربت الیک بنفسی یا
ملجا الهاربین باثقال الذنوب احملها علی ظهری لا اجد لی

الیک

الیک شافعا سوای معرفتی انک اقرب من لجاء الیه المضطرون و
امل ما لدیه الراغبون یا من فتق العقول بمعرفته واطلق الالسن
وجعل ما امتن به علی خلقه کفاء لتادیة حقه صل علی محمد
وال محمد ولا تجعل للهموم علی عقلی سبیلا ولا للباطل علی عملی
دلیلا اللهم انک قلت فی محکم کتابک المنزل علی لسان نبیک
المرسل صلی الله علیه واله السلام کانوا قلیلا من اللیل ما
یهجعون وبالاسحارهم یستغفرون طال هجوعی وقل قیامی وهذا
السحر وانا استغفرک لذنوبی استغفار من لا یملک لنفسه نفعا
ولا ضرا ولا موتا ولا حیوة ولا نشورا و بعد ازان که سلام دهد بگوید
اناديك یا موجودا فی کل مکان لعلک تسمع ندائی فقد عظم
جرمی وقل حیائی مولای یا مولای ای الاهوال اتذکر وایها
انسی ولو لم یکن الا الموت لکفی کیف وما بعد الموت اعظم

واذهبي مولاي يا مولاي حتى متى والى متى اقول لك العتبى
مرة بعد اخرى ثم لا تجد عندي صدقا ولا وفاء فيا غوثاه
ثم واغوثاه بك يا الله من هوى قد غلبني ومن عدو قد استكلب
علي ومن دنيا قد تزينت لي ومن نفس امارة بالسوء الا ما رحم
ربي مولاي يا مولاي ان كنت رحمت مثلي فارحمني وان كنت قبلت
مثلي فاقبلني يا قابل السحرة اقبلني يا من لم ازل اتعرف منه الحسنى
يا من يغذيني بالنعم صباحا ومساء ارحمني يوم اتيك فردا
شاخصا اليك بصري مقلدا عملي قد تبرأ جميع الخلق مني نعم
ابي وامي ومن كان له كدي وسعيي فان لم ترحمني فمن يرحمني و
من يونس في القبر وحشتي ومن ينطق لساني اذا خلوت بعملي و
سالتني عما انت اعلم به مني فان قلت نعم فاين المهرب من
عدلك وان قلت لم افعل قلت الم اكن الشاهد عليك فعفوك

عفوك يا مولاي قبل ان تلبس الابدان سرابيل القطران عفوك
عفوك يا مولاي قبل ان تغل الايدي الى الاعناق يا ارحم الراحمين
وخير الغافرين و بعد از نماز صبح مستحب است که بر جانب راست روی تکیه
کند چنانکه میت در لحد میخوابد و دست راست زیر روی گذارد و تسبیح سورهٔ آل عمران
بخواند ان في خلق السموات والارض الى لا تخلف الميعاد بخواند پس
بگوید استمسكت بعروة الله الوثقى التي لا انفصام لها واعتصمت
بحبل الله المتين واعوذ بالله من شر فسقة العرب والعجم ومن
شر فسقة الجن والانس ربي الله ربي الله ربي الله آمنت بالله توكلت
على الله لا حول ولا قوة الا بالله ومن يتوكل على الله فهو حسبه
ان الله بالغ امره قد جعل الله لكل شيء قدرا حسبي الله و
نعم الوكيل اللهم من اصبح وله حاجة الى مخلوق فان حاجتي
ورغبتي اليك وحدك لا شريك لك الحمد لرب الصباح

الحمد لفالق الاصباح الحمد لناشر الارواح الحمد لقاسم
المعاش الحمد لقاسم لله جاعل اللیل سکنا والشمس والقمر
حسبانا ذلک تقدیر العزیز العلیم اللهم صل علی محمد وآل
محمد واجعل فی قلبی نورا فی بصری نورا وعلی لسانی نورا و
من بین یدی نورا ومن خلفی نورا وعن یمینی نورا وعن شمالی
نورا ومن فوقی نورا ومن تحتی نورا وعظم لی النور واجعلنی
نورا امشی به فی الناس امشی به فی النار ولا تحرمنی نورک یوم القاک
و هر کس بعد از نماز صبح صد مرتبه صلوات بر پیغمبر و آل او فرستد خدای تعالی روی او را
از حرارت آتش دوزخ نگاه دارد و اگر صد مرتبه گوید سبحان ربی العظیم و
بحمده استغفر الله واتوب الیه خانه در بهشت برایش بنا کند و اگر آیت
و یک قل هو الله احد بخواند خانه دیگر بنا کند و اگر چهل مرتبه بخواند گناهانش را خدای تعالی
بیامرزد و چون از مجموعه یازده رکعت نماز شب فارغ شود این دعا را از صحیفه کامله بخواند

نعم

اللهم یا ذا الملک المتأبد بالخلود والسلطان تا آخر دعا بخواند

فصل یازدهم در بعضی افعال که در اثنای نماز توان کرد مرویست از اهل بیت طاهرین
علیهم السلام که در اثنای نماز در هر مقامی که باشد هر دعا و مناجات با خدای تعالی و ذکر
خدای تعالی و ذکر حضرت پیغمبر باشد توان کرد و از نماز خارج نباشد و هر کس در
اثنای نماز در فعلی از افعال نمازش مثل رکوع و سجود و غیر آن گوید صلی الله علی
محمد وآل محمد آن فعل مضاعف نوشته شود و اگر در نماز ذکر آن حضرت
کند و صلوات فرستد ده حسنه نوشته شود و هیجده فرشته موکلند که
هر کس در اثنای نماز صلوات فرستد بجانب او بشتابند تا هر کدام را نصیب باشد و ثبت
کنند و هر حاجتی که در دنیا و آخرت توان خواست خصوصا در سجده که بنده در سجده نزدیکتر است
از جمیع احوال و گریه کردن در نماز از ترس خدای تعالی یا از شوق جنت و خوف نار از چشم
مؤمن است و افضل اعمال است اما باید ذکر احوال نماز را قطع کند و اگر در اثنای نماز
عطسه کند یا عطسه دیگری را بشنود حمد و صلوات فرستد و اگر کسی بر او سلام کند جواب

بگوید بهمان لفظ که او گفته سلام علیکم یا السلام علیک و آواز نکند بلکه اگر تواند
آهسته گوید و بجانب او اشاره بانگشت کند اما در روایت آمده که چون کسی در نماز
باشد بر او سلام نکنید **فصل دوازدهم** در آداب جماعت و آن دو قسم است یکی آنکه
متعلق است بامام علیه السلم و دوم آداب که متعلق است بماموم و چون امام بآداب
خود واقف است از آنکه درین مجموعه حاجت بذکر باشد اکتفا بذکر آداب ماموم
نموده گوئیم مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلم که اگر کسی نماز بانفراد کرده
باشد و بعد از ان جماعت رو دهد افضل آنست که اعاده کند که خدای تعالی هر کدام را
که بهتر دارد بفریضه و آن دیگر را بنافله حساب کند و اگر دو رکعت بانفراد گذارده
بود نیت نافله کند و سلام دهد پس نماز را بجماعت بگذارد و اگر یک رکعت گذارده
باشد نیت نافله نموده یکرکعت دیگر با آن ضم کند و سلام دهد و اگر ماموم یک مرد
باشد در پهلوی راست امام بایستد و اگر یک زن باشد در پس سر امام بایستد بجانب
راست و اگر یک مرد باشد و زن خواه یکی و خواه بیشتر مرد در پهلوی راست و زن

در عقب بایستد و اگر زیاده از یک مرد باشند همه در عقب بایستند ماموم در پهلوی امام
ایستاده باشد و در اثنای نماز دیگری برسد یا امام پیشتر رود و یا ماموم پستر آید
و اگر این مرد آخر بعد از رکوع رکعت آخر برسد نماز امام پیش رود و دو زن ماموم پس آید
بلکه انتظار کند در پس پشت امام بنشیند و چون امام سلام دهد برخواسته نماز خود را تمام
کند و میان امام و صف اول و همچنین میان هر دو صف فاصله زیاده از آنکه سجده توان
کرد نباشد مرویست که اگر فاصله بیشتر باشد آن امام برای ایشان امام نباشد و اهل
هر صف دوش بدوش بایستند و پیش و پس نباشند و در میان فرجه خالی نباشد تا شیاطین
در میان ایشان در نیاید و اگر در صف پیشتر موضعی باشد خالی پیشتر رود و آن موضع را
بگیرد و اگر چه در اثنای نماز باشد مرویست که هیچ گامی پیش خدا دوستتر از آن گامی نیست
که بر دارند تا صف خالی را پر کنند و در اثنای نماز از صف عقب نتوان رفت مگر آنکه جا
تنگی کند که درین وقت پیش و پس هر جا بقدر امکان کند تواند حرکت کرد و یک کس
تنها در صف نایستد مگر آنکه در صفوف جا نیابد که درین وقت تنها تواند ایستاد اما

چنان بایستند که محاذی امام باشد و اگر امام در زمین پست بایستد و مأمومین
در موضعی بلندتر مثل بام یا سکوئی بایستد جایز بود و اما عکس آن جایز نبود مگر آنکه
زمین سرازیر باشد که بعضی موضعش بقدر یک انگشت یا کمتر یا بیشتر پست‌تر باشد و
در این وقت جایز است که امام در موضع بلند بایستد و میان امام و مأموم اگر پرده
یا دیواری فاصله باشد نماز مأموم جایز نباشد مگر کسی که در برابر دری باشد اما
ستونهای که در مساجد میان صفوف واقع شود ضرر ندارد و چون امام قرائت
کند جایز نباشد مأموم را قرائت کردن و مروی است که اگر کسی با امامی که او را راضی
باشد اقتدا میکند قرائت نخواند چون بمیرد بر غیر فطرت اسلام محشور شود و لیکن
اگر نماز اخفاتی باشد مأموم برای خود ذکر کند و اگر جهری باشد و صدای امام
نشنود اگر چه همان همهمه را شنود و کلمات را تمیز نکند گوش کند و اگر جهری
باشد و صدای امام حتی همهمه‌اش نرسد افضل آنست که مأموم خود آهسته قرائت
کند و اگر اکتفا بقرائت امام نیز کند مجزی بود و سایر اذکار و افعال را خود بجا
آورد

آورد و باید در همه افعال قیام و قعود و رکوع و سجود تابع امام باشد و پیشتر نکند
و بیشتر نکند و پیشتر سر بر ندارد و مگر در تشهد که امام تشهد را طول دهد و مأموم را
ضرورتی باشد تواند که پیش از امام سلام دهد و برود و مأموم باید که ادعیه و اذکار را
آهسته گوید و صدای خود را بامام نرساند و چون امام از قرائت حمد فارغ شود
و همچنین چون بعد از رکوع سمع الله لمن حمده گوید و مأموم بگوید الحمد لله رب
العالمین و مأموم سمع الله لمن حمده نگوید و اگر مأموم در اثنای نماز با امام رسد تکبیر
احرام گوید و داخل نماز شود در هر جای نماز که باشد پس اگر امام را در رکوع دریابد
رکعت را حساب نماید و اگر بعد از رکوع امام در سجده یا تشهد داخل شود افضل با امام
بجا آورد و اگر چه سجده آخر یا تشهد آخر نماز باشد که فضل جماعت را با آن دریابد
اما آنرا رکعتی حساب نکند و آن زیادتی نمازش ضرر نکند و چون امام سلام دهد او
سلام نداده برخیزد و هر چه از نمازش مانده تمام کند و اگر سهو سلام دهد ضرر ندارد
برخیزد و نماز را تمام کند اگر چه بعد از سلام عمداً حرف هم زده باشد و چون

سلامش از روی سهو شده ضرر ندارد و بعد از نماز سجدهٔ سهو کند و اگر تکبیر رکوع
از امام نشنیده باشد احتیاط این است که در آن رکوع داخل نشود مگر چون امام
سر بر دارد و داخل شود و هرگاه امام تشهد خواند او نیز بخواند اگرچه موضع تشهد
خودش نباشد که تشهد برکت است اما در صورت برپا نشیند و درست ننشیند
و چون موضع تشهد خودش رسد نشسته تشهد بخواند و زود برخیزد تا با امام ملحق
شود و اگر در رکعت دوم امام رسد با امام قنوت بخواند و همین قنوت از قنوت
خودش مجزی بود و اگر رکعت سیم و چهارم اول و دویم او باشد پس اگر امام تسبیح گوید
او خود الحمد و سوره بخواند و اگر امام رکوع کند و فرصت سوره خواندن نشود همان الحمد
مجزی بود اما اگر امام قرائت کند و نماز جهری باشد او قرائت نکند و اگر اخفات
بود و چون قرائت امام نشنود خود قرائت کند و اگر کسی از دور رسد و بیند که
امام در رکوع است یا در رکوع میرود و ترسد که تا بصف رسیدن امام سر بردارد او در
هر جا که باشد رکوع کند و اگر خواهد سجود هم بکند و بعد از آن برخواسته بصف ملحق

شود

شود پس اگر ایستاده باشد بایستد و اگر نشسته باشد بنشیند و اگر خواهد همچنان رکوع
برود تا ملحق شود و اگر پیش از آنکه امام از رکوع یا سجود سر بردارد ماموم سر بردارد باز
سر بر دارد تا با امام برخیزد و اگر کسی با امام رکوع کند و بسبب کثرت و ازدحام سجود
نتواند کرد تا آنکه امام داخل رکعت دیگر شود درین رکعت با امام رکوع نکند و بنیت
رکعت اول سجود با امام کند که آن سجود با این سجود مجموع یک رکعت شود و اگر سجده
بنیت همین رکعت کرده باشد این سجده بهیچ رکعت حساب نشود مگر سجده
دیگر بنیت رکعت سابق کند تا آن تمام شود و اگر بسبب ازدحام رکوع نیز از و
فوت شود تنها رکوع و سجود کند و بعد از آن با امام ملحق شود و اگر در نماز جمعه یک رکعت را
با امام ملحق شود و دریابد چون امام سلام دهد یک رکعت دیگر تنها بگذارد و اگر بعد از
رکوع آخر با امام رسد چهار رکعت نماز ظهر گذارد **فصل سیزدهم** در احکام سهو و شک
و عروض بعض حوادث در نماز **و اما احکام شک سهو است** بدانکه احادیث اهل بیت
علیهم السلام و اقوال علمای کرام درین احکام اختلاف عظیم دارد و انشاء الله تعالی

آنچه باصول احادیث اهل بیت و با احتیاط اقرب باشد درین فصل بیان نماییم و پیش از
شروع در مطلب شرح این الفاظ نموده گوییم سهو آنست که یقین داند که چیزی را
زیاده و یا کم کرده و شک آنست که خاطر مردد باشد میان دو چیز یا بیشتر بحیثیتی
که هیچکدام را بر دیگری ترجیح تواند داد و ظن آنست که بعضی را رجحان دهد و گمانش بآن
بیشتر باشد و اما یقین نداند و ظن در جمیع احکامی که مذکور خواهد شد حکم یقین دارد
باین معنی که هر جا یقین داشته باشد چه باید کرد و اگر ظن داشته باشد همان
کند و چون اینجمله را دانستی بدانکه سهو و شک در نماز یا متعلق بعدد رکعات یا باجزای
نماز اما اگر در عدد رکعات باشد پس اگر یک رکعت یا بیشتر از نماز نقصان کند خواه نماز
دو رکعتی و سه رکعتی باشد خواه بیشتر اگر هنوز رو از قبله نگردانیده باشد آنچه نقصان
شده بجا آورد تا نمازش تمام شود و اگر چه فاصله بسیار شده باشد و اگر چه حرف زده
باشد یا حدثی کرده باشد اما اگر حرف زده باشد بعد از نماز سجده سهو کند و اگر حدث
کرده باشد وضو بسازد و اگر رو از قبله گردانیده باشد احتیاط نیست که نماز را اعاده

کند

کند و اگر یک رکعت یا بیشتر در نماز یقین داند که زیاده شده هر نماز که باشد پس اگر
در رکعت آخر پیش از سلام نشسته و تشهد خوانده باشد نمازش تمام بود و چیزی بر او لازم
نیست و این زیادتی اگر یک رکعت باشد اگر خواهد یک رکعت دیگر بآن ضم کند تا نافله
شود و اگر در آن رکعت تشهد نخوانده باشد بلکه یک رکعت زیادتی را با اصل نماز متصل کرده باشد
نماز را اعاده کند و اگر نداند تشهد خوانده یا نه بنشیند و تشهد و سلام بگوید و بعد از آن
دو رکعت نشسته بگذارد و بآن رکعت زاید اضافه کند تا نافله شود و همه این شقوق
در صورتیست که سهو بعد از تمام شدن رکعت زاید بخاطر رسد اما اگر در میان و سجده بخاطر
رسد و احتیاط آنست که بهمین تفصیل عمل نماید و اگر بعد از رکوع باشد یا پیش
از آن بخاطر رسد سلام دهد و احتیاط سجده سهو کند و اگر شک کند که نماز
کم یا زیاده باشد یا شک کند که تمام یا کم یا زیاده شده و هیچکدام را یقین نداند سلام
دهد و سجده سهو کند و اگر در نماز دو رکعتی خواه صبح و خواه جمعه و خواه نماز سفر و همچنین
در نماز شام و همچنین دو رکعت اول نماز چهار رکعتی شک کند بحیثیتی که یقین نداند

که دو رکعت تمام کذارد و افضل و اقرب باحتیاط آنست که نماز را اعاده کند اما اگر
در نماز چهار رکعتی دو رکعت تمام یقین داند و شک کند درمیان دو و سه یعنی که
رکعتی تمام شده نداند که دوم است یا سیم یا میان سه و چهار یا میان دو و چهار یا میان
دو و سه و چهار شک کند بنا بر اکثر گذارد و تا چهار رکعت تمام کند و سلام دهد
و بعد از ان اگر شک میان دو و سه یا میان دو و چهار باشد دو رکعت احتیاط ایستاده
بگذارد و اگر میان سه و چهار باشد دو رکعت نشسته و اگر میان دو و سه و چهار باشد
دو رکعت ایستاده و دو رکعت نشسته پس اگر نماز تمام باشد رکعتهای احتیاط نافله
حساب شود و اگر کم باشد برکعت احتیاط تمام شود و در رکعتهای احتیاط
همه تکبیر احرام بگوید و الحمد تنها بخواند و در هیچکدام ازین شقوق سجدهٔ سهو نباید
و اگر سهو و شک در افعال نماز باشد پس در هر فعل که سهو یا شک کند و محل آن فعل
نگذشته باشد آن فعل را بجا آورد و اگر بعد از ان بخاطر رسد که آن فعل را
کرده بوده است این زیادتی ضرر نکند و هیچ بر و نباشد و محل تکبیر احرام تا وقتیست

که شروع

که شروع در قرائت کند و محل قرائت و قنوت وقتی که برای رکوع دستها
بزانو رسد و اگر هنوز دست بزانو نرسیده باشد اگرچه خم شده باشد محل باقی بود
و محل رکوع تا آنکه برای سجود سر از بر شود و اگرچه سر بسجود نرسیده باشد و محل
سجود و تشهد در سهو تا آنکه در رکعت دیگر برکوع رود و اگرچه قرائت و قنوت
کرده باشد و در شک تا آنکه راست بایستد اگر شروع بقرائت نکرده باشد
و اگر محل فعل گذشته و شک کند اعتبار ندارد و همچنانکه هست نماز را تمام کند
و اگر بعد از ان چیزی بخاطر رسد حکم سهو دارد چنانکه بیان میشود اما اگر سهو
کرده باشد و بعد از گذشتن محل بخاطر رسد پس اگر سهو در نیت یا در تکبیر احرام
یا رکوع یا در دو سجده با هم در یک رکعت شده نماز را اعاده کند و اگر در قرائت حمد یا سوره
یا هر دو باشد و بعد از رکوع بخاطر رسد نماز صحیح بود و تلافی ندارد و اگر بعد از سوره
پیش از رکوع بخاطر رسد که حمد نخوانده بخواند و ظاهر آنست که بعد از ان سوره را اعاده
باید کرد و اگر کلمه یا آیه از سوره فراموش کند پس اگر خواهد همانچه خوانده اکتفا نماید

واگر خواهد آنرا که فراموش کرده در میان بگذارد و تتمه را تمام کند و اگر خواهد رجوع
بسورهٔ دیگر کند بهر تقدیر صحیح باشد و اگر قنوت را فراموش کند بعد از رکوع بخواند و آن
رکوع را اعاده نکند و اگر بعد از نماز بخاطر رسد و اگر چه از جای خود برخاسته باشد
هر جا که بخاطر رسد رو بقبله نموده قنوت بخواند و اگر در رکعتی یک سجده را تنها سهو کند
و محلش گذشته باشد آن سجده را قضا کند و اگر تشهد را سهو کند در رکعت دوم بعد از
نماز سجدهٔ سهو کند و ظاهر احادیث آنست که همین تشهدی که در سجده خوانده میشود
کافی باشد و محتاج بقضای تشهد دیگر نباشد اگر چه اکثر علما قضا را واجب دانسته‌اند
و اگر تشهد رکعت آخر را سهو کند در همان مکان اگر نزدیک باشد و اگر نه در مکانی که جا
باشد نشسته تشهد بخواند و در همه صورت سجدهٔ سهو باید کرد و اگر در اثنای نماز سهواً کلام
غیر ذکر و دعا گوید سجدهٔ سهو کند اما در سایر افعال نماز مثل ذکر رکوع و سجده و سلام
و غیر آن اگر سهو شود حکمی ندارد و نماز صحیح بود و در روایتی دیگر آمده که هر زیاده و
نقصانی که در نماز شود مثل نشستن و برخاستن و قرائت کردن و غیر آن سجدهٔ

سهو

سهو کند و این روایت اگر چه ضعیف است اما چون صحیح معارضی ندارد و اگر بآن
عمل نماید قصوری ندارد و اما آنکه در میان فقها مشهور گشته که زیادتی و نقصان
در رکن سهواً و عمداً مبطل نماز و موجب اعادهٔ آنست مستند آن از احادیث و اخبار اهل بیت
صلوات الله علیهم معلوم نیست بلکه حقیقت آن بر وجهی که موافق اخبار و رعایت احتیاط
نیکو باشد بتفصیل مذکور خواهد شد والله اعلم بالصواب و اگر مسافر نماز را عمداً تمام
کند پس اگر ندانسته که قصر واجبست نمازش صحیح بود و اگر دانسته باشد اعاده کند
خواه وقت باقی باشد و خواه نه و اگر سهواً تمام کند پس اگر وقت باشد اعاده کند
و اگر گذشته باشد صحیح باشد و در نوافل سهو و شک اعتبار ندارد و در آن سجدهٔ
سهو و رکعت احتیاط نباشد و همچنین کسی که شک بسیار کند التفات بآن نکند و اگر
شک کرده است در حساب نشد اگر چه وقت باقی باشد مروی است که شک از
شیطان است و شیطان خبیث است او را بخود راه مدهید و بوسوسهٔ خود را عادت مدهید
که هر چند بیشتر اطاعتش کنند بیشتر جرأت کند و وسوسه نماید و چون ببیند که مخالفتش

بشکنید و لطمش بشکنید و دست از شمار بدارد و کسی از انبیاء شکایت بحضرت رسول
شکایت نمود فرمود که چون داخل نماز شوی بانگشت شهادت دست راست ران
چپ را بفشار و بگو بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ تَوَکَّلْتُ عَلَی اللهِ اَعُوذُ بِاللهِ السَّمِیعِ
الْعَلِیمِ مِنَ الشَّیْطَانِ الرَّجِیمِ شیطان دور شود و از وسوسه او ایمن گردی ان شاء الله
و کسی دیگر بحضرت امام جعفر صادق علیه السلام شکایت کرد از سهو در نماز فرمود
که بعد از حمد قل هو الله و قل یا ایها الکافرون بخواند چنان کرد نجات یافت و کیفیت
سجده سهو نیست که دو سجده کند و در هر سجده بگوید بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ اَللّٰهُمَّ
صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ یا بگوید بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ اَلسَّلَامُ
عَلَیْکَ اَیُّهَا النَّبِیُّ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَکَاتُهُ بعد از هر دو سجده
تشهد خفیف بطریق بخواند اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَاَشْهَدُ اَنَّ
مُحَمَّدًا رَسُولُ اللهِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ و سلام دهد
و اگر امام باشد چون سر بسجده گذارد و چون سر بردارد تکبیر بگوید تا ماموم بداند

که سهو

که سهو کرده و وقت سجده سهو بعد از نماز است بفاصله پس از حرف زدن و اگر
فراموش شود هر گاه بخاطر رسد **و اما احکام حوادث نماز** اگر در اثنای نماز
حدثی سانح شود که وضو را باطل کند یا خون از دماغ یا عضوی دیگر آید یا قی آید پس
اگر پیش از آنکه عمدا حرف زند یا تمام بدن را از قبله بگرداند تواند وضو یا ازاله نجاست
کند و تتمه نماز هر چه مانده باشد تمام کند و اگر عمداً حرف زند یا رو از قبله تمام بدن
بگرداند نماز را از سر گیرد و اگر درین عرض سهوا حرف زند سجده سهو کند و از سر باید
گرفت و اگر خون کم باشد و جاری نباشد و محتاج شستن نباشد بلکه بخرقه یا چیزی
دیگر پاک کند و نماز را تمام کند والحمد لله **فصل چهاردهم** در ذکر بعضی دیگر از
نمازهای مفروضه و مندوبه اول نماز کسوف و خسوف و زلزله و آیات مثل بادهای
عظیم و ظلمتهای شدید و غیر آن که سبب خوف اکثر مردم شود و این نماز دو رکعت
است یک تشهد و سلام و در هر رکعت پنج رکوع و دو سجده و در هر دو رکوع یک قنوت
که در مجموع ده رکوع و پنج قنوت باشد و قرائت آن بدو وجه جایز است یکی آنکه

در هر رکعت یک الحمد بخواند و بعد از آن یک سوره را پنج حصه کند پس از هر رکوع یک حصه را
بخواند که در مجموع نماز دو الحمد و دو سوره خوانده شود وجه دوم آنکه پیش از هر رکوع
یک الحمد و یک سوره تمام بخواند که مجموع ده الحمد و ده سوره باشد و هر بار که برکوع رود
و هر بار که سر بر دارد تکبیر بگوید و بعد از رکوع تکبیر نباید گفت سمع الله لمن حمده نباید گفت
مگر در رکوع پنجم و دهم که بعد از این دو رکوع تکبیر نباید گفت و سمع الله لمن حمده باید گفت
و چون بسجود رود تکبیر بگوید و مستحب است این نماز را در زیر آسمان گذاردن که سقف
نداشته باشد و بجماعت گذاردن و طول دادن بقدر آنکه آیت منجلی شود و اگر زودتر
از نماز فارغ شود مستحب است اعاده کردن تا آنکه منجلی شود و مستحب است که قدر
رکوع و سجود و قرائت همه با هم مساوی باشند و در کسوف و خسوف اگر نماز نکرده باشد
تا آنکه قرص منجلی شود پس اگر تمام قرص گرفته باشد و خبر دار باشد و اگر در نماز
تقصیر کرده باشد کفاره آن غسل کند و نماز را قضا کند و اگر خبر نداشته باشد قضای
نماز کند و غسل نباید اما اگر بعضی قرص گرفته باشد و تقصیر کند نماز را قضا کند و اگر

خبر نداشته باشد قضا ندارد و اگر این نماز در وقت فریضه داخل شود پس اگر وقت
فضیلت فریضه تنگ نشده باشد اول این نماز را بگذارد و اگر در اثنای نماز باشد که
وقت فریضه تنگ شود آن نماز را قطع کند و فریضه را بگذارد و بعد از آن هر چه از آن
نماز مانده باشد تمام کند و از سر نباید گرفت و چون برای زلزله گذارد بعد از نماز
سجده کند و در سجده بگوید یا من یمسک السموات والارض ان تزولا
ولئن زالتا ان امسکهما من احد من بعده انه کان حلیما
غفورا یا من یمسک السماء ان تقع علی الارض الا باذنه امسک
عنا السوء انک علی کل شیء قدیر دوم نماز حضرت امیر المؤمنین صلوات الله
علیه و آله است هر کس این نماز را بگذارد از گناهان پاک شود چنانکه از مادر متولد شده است
و چون بخشش آورده شود و آن چهار رکعت است و در هر رکعت بعد از الحمد قل هو الله
احد پنجاه مرتبه بخواند و مستحب است تعقیب این نماز باین تسبیح که مرویست از آنحضرت
سبحان من لا تبید معالمه سبحان من لا تنقص خزائنه

مَنْ لا اِضْمِحْلالَ لِفَخْرِهِ سُبْحانَ مَنْ لا یَنْفَدُ ما عِنْدَهُ سُبْحانَ
مَنْ لا یُشارِکُهُ اَحَدٌ فی اَمْرِهِ سُبْحانَ مَنْ لا اِلهَ غَیْرُهُ
و این نماز را هر وقت خواهند توان کرد و فضل و ثواب شب یا روز جمعه یا
مبارک رمضان بیشتر است و حسنات مضاعف بوده باشد سیم نماز حضرت فاطمه صلوات الله
علیها السلم هر کس این نماز را بگذارد حق سبحانه و تعالی هیچ گناه نماند مگر آنکه آمرزیده
شود و آن دو رکعت است و در رکعت اول بعد از حمد صد مرتبه انا انزلناه بخواند
و در رکعت دوم بعد از حمد قل هو الله صد مرتبه بخوانند و بعد از نماز تسبیح آنحضرت را
بگویند مرویست از حضرت امام جعفر صادق علیه السلم یکی از شیعیان فرمود که
این را حفظ کن و از دوستان خود و از شیعیان تعلیم کن و این نماز را و نماز حضرت
امیر المؤمنین صلوات الله علیه را که این دو نماز افضل نمازهاست بعد از فرایض
چهارم نماز تسبیح و این نمازیست که حضرت پیغمبر صلعم بجعفر بن ابی طالب عطا فرموده
و فرمود اگر این نماز را هر روز یا هر شب یا هر دو روز یا هر هفته یا هر ماه یا هر سال

یا هر وقت

یا هر وقت که خواهی بگذاری هر گناهی که در میانه کرده باشی همه آمرزیده شود و هر کس این
نماز را بگذارد گناهانش همه آمرزیده شود و اگرچه مثل ریگ بیابان یا عالج یا مثل کف دریا باشد یا ده و دوازده
هزار حسنه برای او بنویسند که کمترین آنها مثل کوه احد باشد و آن چهار رکعت است بسلام و در رکعت
اول بعد از حمد اذا زلزلت بخواند و در رکعت دوم اذا جاء و در سیم انا انزلناه و در رکعت
چهارم قل هو الله بخواند و در روایتی دیگر در دوم والعادیات و در سیم اذا جاء وارد
شده است و در هر رکعت بعد از قرائت حمد و سوره پانزده مرتبه سُبْحانَ اللهِ
وَالْحَمْدُ لِلّهِ وَلا اِلهَ اِلَّا اللهُ وَاللهُ اَکْبَرُ بگوید و در رکوع و بعد از
رکوع ایستاده و در سجده و بعد از هر سجده نشسته ده مرتبه بگوید که در هر رکعت هفتاد و
پنج مرتبه و در تمام نماز سیصد مرتبه بوده باشد و اگر خواهد این نماز را بگذارد دو بدو قبل
شب یا روز حاجت شد و اگر دو رکعت بگذارده باشد که حاجتی یا حرکتی سانح شود در دو
و چون فارغ شود دو رکعت دیگر را بگذارد و اگر شتابی داشته باشد نماز را بی تسبیحات
بگذارد و تسبیحات بگذارد و تسبیحات را بعد از آن بگوید و مستحب است که در سجده آخر

این نماز بعد از تسبیحات گوید سبحان من لبس العز والوقار سبحان
من تعطف بالمجد وتکرم به سبحان من لا ینبغی التسبیح
الا له سبحان من احصی کل شیء علمه سبحان ذی المن
والنعم سبحان ذی القدرة والکرم سبحان ذی العزة
والفضل سبحان ذی القوة والطول اللهم انی اسئلک بمعاقد
العز من عرشک ومنتهی الرحمة من کتابک وباسمک الاعظم
وکلماتک التامات التی تمت صدقا وعدلا ان تصلی علی
محمد وآل محمد وان تفعل بی ما انت اهله وهر حاجتی که خواهد
بخواهد مستحب است بعد از این نماز خواندن این دعا سبحان من لبس العز و
تردی به سبحان من تعطف بالمجد وتکرم به سبحان
من لا ینبغی التسبیح الا له سبحان من احصی کل شیء بعلمه
وخلقه بقدرته سبحان ذی المن والنعم سبحان ذی القدرة

والکرم

والکرم اللهم انی اسئلک بمعاقد العز من عرشک ومنتهی
الرحمة من کتابک وباسمک الاعظم وکلماتک التامات التی
تمت صدقا وعدلا ان تصلی علی محمد وآل محمد وان تجمع
لی خیر الدنیا والآخرة بعد عمر طویل اللهم انت الحی القیوم العلی
العظیم الخالق الرازق المحیی الممیت المبدئ البدیع لک الکرم
ولک المجد ولک المن ولک الجود ولک الامر وحدک لا شریک
لک یا واحد یا احد یا صمد یا من لم یلد ولم یولد ولم
یکن له کفوا احد یا اهل التقوی ویا اهل المغفرة یا ارحم
الراحمین یا عفو یا غفور یا ودود یا شکور انت ابر بی
من ابی وامی ومن الناس اجمعین یا کریم یا جواد اللهم انی
صلیت هذه الصلوة ابتغاء مرضاتک وطلب نائلک و
معروفک ورجاء رفدک وجائزتک وعظیم عفوک و

قد تم غفرانك اللهم فصل على محمد وآل محمد وارفعها
لي في عليين وتقبلها مني واجعل نائلك وبمعروفك ورجاء
ما ارجو لنيلك وفكاك رقبتي من النار والفوز بالجنة وما
جمعت فيها من انواع النعيم ومن حسن الحور العين واجعل
جائزتي منك العتق من النار وغفران ذنوبي وذنوب والدي
وما ولدا وجميع اخواني واخواتي المؤمنين والمؤمنات والمسلمين
والمسلمات الاحياء منهم والاموات وان تستجيب دعائي وترحم
صرختي وندائي ولا تردني خائبا خاسرا واقلبني مفلحا منجحا
مرحوما مستجابا دعائي وترحم صرختي وندائي مغفورا لي
يا ارحم الراحمين يا عظيم يا عظيم يا عظيم قد عظم الذنب
من عبدك فليحسن العفو منك يا حسن التجاوز يا واسع المغفرة
يا باسط اليدين بالرحمة يا نفاحا بالخيرات يا معطي المسؤولات

يا فكاك

يا فكاك الرقاب من النار ان تصلي على محمد وآل محمد و
فك رغبتي واعطني سؤلي واستجب دعائي وارحم صرختي وتضرعي
وندائي واقض لي حوائجي كلها الديني والدنياي والاخرتي ما
ذكرتها وما لم اذكر واجعل لي في ذلك الخير ولا تردني
خائبا خاسرا واقلبني مفلحا منجحا مستجابا لي دعائي مغفورا لي
مرحوما يا ارحم الراحمين يا محمد يا ابا القاسم يا رسول الله
يا علي يا ابا الحسن يا امير المؤمنين انا عبدكما ومولاكما
غير مستنكف ولا مستكبر بل خاضع ذليل عبد مقر متمسك بحبلكما
معتصم من ذنوبي بولايتكما اتقرب الى الله تعالى بكما
واتوسل الى الله بكما واقدمكما بين يدي حوائجي الى الله عز
وجل فاشفعا لي في فكاك رقبتي من النار وغفران ذنوبي واجابة
دعائي اللهم فصل على محمد وآل محمد وتقبل دعائي

یا ارحم الراحمین پنجم نمازی که حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم باعرابی
عطا فرموده و فرمود که هر مؤمن و مؤمنه که روز جمعه این نماز بگذارد من از برای او
ضامن بهشت شوم و نخیزد از جای خود تا نخواسته باشد که گناهان او و والدین او
همه آمرزیده شود و آن ده رکعت است چون روز بلند شود اول دو رکعت بیک سلام گذارد
و در اول بعد از الحمد قل اعوذ برب الفلق هفت مرتبه و در رکعت دویم قل اعوذ برب
الناس هفت مرتبه و بعد از سلام هفت مرتبه آیة الکرسی بخواند و بعد از آن هشت رکعت
بدو سلام بهیات نماز ظهر و عصر و در هر رکعت بعد از الحمد اذا جاء یکمرتبه و قل هو الله
بیست و پنج مرتبه بخواند و چون از نماز فارغ شود هفتاد مرتبه بگوید سبحان الله
رب العرش الکریم ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم
ششم نماز غفیله و آن دو رکعت در ساعت غفلت میان نماز شام و خفتن مرویست
که در این ساعت دو رکعت نماز را ترک نکنید که مورث دار کرامت است در رکعت اول
بعد از الحمد این آیه بخواند وذا النون اذ ذهب مغاضبا فظن ان لن

نقدر

نقدر علیه فنادی فی الظلمات ان لا اله الا انت سبحانک انی
کنت من الظالمین فاستجبنا له ونجیناه من الغم وکذلک
ننجی المؤمنین و در رکعت دویم این آیه بخواند وعنده مفاتح الغیب
لا یعلمها الا هو ویعلم ما فی البر والبحر وما تسقط من ورقة
الا یعلمها ولا حبة فی ظلمات الارض ولا رطب ولا یابس الا
فی کتاب مبین و در قنوت بخواند اللهم انی اسئلک بمفاتح الغیب
التی لا یعلمها الا انت ان تصلی علی محمد وآل محمد وان
تجمع لی خیر الدنیا والآخرة و اگر خواهد بجای این قنوت بعد از صلوات
پیغمبر و آل او حاجت خواهد طلبید و بعد از آن گوید اللهم انت ولی نعمتی
والقادر علی طلبتی تعلم حاجتی فاسئلک بحق محمد واهل بیت
محمد صلوات الله علیهم لما قضیتها لی و هر چه خواهد سؤال کند مستجاب
شود هفتم نماز وصیت مرویست که حضرت پیغمبر فرمود که وصیت

تسلیم نماز ابدو رکعت نماز در میان شام و خفتن در رکعت اول بعد از حمد اذا زلزلت ده
مرتبه الهکم التکاثر و دوم قل هو الله احد پانزده مرتبه بخواند که هر کس این نماز را در سال یکمرتبه
بکند از جمله محسنین نوشته شود و اگر در ماهی یکمرتبه بکند از جمله متقین و اگر
در هفته یکمرتبه از جمله مصلین و اگر هر شب بگذارد در بهشت با من مزاحمت کند و بوی
آنجا محلی نماند بجز خدای تعالی بیستم هر کس در نماز شام و خفتن در هر شب جمعه
دو رکعت نماز بگذارد و در هر رکعت بعد از حمد آیه الکرسی یکبار و یا ایها الکافرون یک
و قل هو الله احد و معوذتین هر یک پنج مرتبه بخواند و بعد از نماز پانزده مرتبه استغفار
کند و ثواب آنرا بوالدین خود دهد و هدیه کند حق ایشان را بجا آورده باشد بیست و یکم
مرویست که هر که وقت خوابیدن وضو کند چنانست که تا وقت بیدار شدن
در عبادت باشد پس اگر در اثنای شب برخیزد و ذکر خدا کند خطاهایش همه بریزد و
و اگر آخر شب برخیزد و دو رکعت نماز کند پس ثنای خدا کند و صلوات بر پیغمبر و آلش
بفرستد هیچ چیز از خدا سوال نکند مگر آنکه عطا فرماید همان را بعینه یا بهتر از آن

در بهشت عوض دهد دوم هر کس دو رکعت نماز بگذارد در هر وقت باشد در هر رکعت
شصت مرتبه قل هو الله بخواند میان او و خدای تعالی هیچ گناه نماند مگر آنکه آمرزیده شود
و در روایتی دیگر قل هو الله در هر رکعت یکمرتبه وارد شده و بعضی دیگر نمازهای مخصوص
هر یک در جای خود انشاء الله تعالی گفته خواهد شد فصل یازدهم در فضایل قرآن
و آداب تلاوت آن مرویست از اهل بیت طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین که
چون روز قیامت خلایق همه صف صف ایستاده باشند قرآن به بهترین صورتی
بمحشر آید و چون بر صف مسلمین گذرد و او را ببینند گویند این مرد را بصورت و صفت
نمیشناسیم و میدانیم که از جمله مسلمین است اما عبادت و طاعتش بیشتر بوده که این نور
و جمال او را عطا شده و چون از آن گذشته بر صف شهدا گذرد گویند این مرد را
نمیشناسیم که از جمله شهداست اما صبحتش عظیم بوده که این نور و بها و جمال کرامت
یافته و همچنین بر صف انبیا و رسل گذرد و مثل این گفتگو کنند پس همه صفوف مجتمع شوند
بخدمت حضرت پیغمبر صلعم آمده گویند که این کیست که ما نمیدانیم آنحضرت فرماید

که این حجت خداست بر بندگانش پس سلام دهد و از آنجا گذشته بر صف
ملایکه بصورت ملکی مقرب گذرد و ملایکه نیز چنین گفتگو نمایند پس از آنجا به پیش عرش رسیده
بسجده در آید پس خدای تعالی فرماید که ای حجت من وای کلام ناطق من سر بردار
و هرچه خواهی سوال کن و هر کرا خواهی شفاعت کن که هرچه سوال کنی باجابت
مقرونست پس سر برداشته گوید خدایا بندگان تو مرا بعضی محافظت نموده اند
تعهد طاعت خود و حرمت من داشته و حق من رعایت کردند و بعضی حرمت من
نداشتند و حق مرا ضایع کردند پس خدای تعالی فرماید بعزت جلال خودم که
هر کس که تو از او راضی باشی جزای رضای تو باو رسانم و او را از تو راضی گردانم و
هر کس تو از او راضی نباشی انتقام تو از و بکشم پس بصورت جوانی که اهل محشر
نشناسند پیش شیعیان آید و گوید منم آنکه شما بتعلل تلاوت من شبها بجای
خواب بیداری کشیده اید و روزها بعوض آب شربت تشنگی چشیده اید و در دنیا
تعب من کشیده اید و از دشمنان من چیزها دیده اید پس از ان خدای تعالی

برد

برد و گوید خدایا اینان بندگان تواند و تو ایشانرا بهتر شناسی و دانی که در
محافظت و رعایت من چها کشیده اند پس فرماید تا ایشانرا به بهشت برده
حلهای بهشت در ایشان پوشند و تاجهای کرامت بر سر ایشان نهند پس بقرآن
نمایند و گویند این اکرام با ولیای تو کردیم راضی گشتی گوید خدایا مرا با ایشان
بیش از این توقع احسانست خدای تعالی فرماید بعزت جلال خودم که احسان
با ایشان کنم و ترا از خود راضی گردانم پس کتاب ابدیت را از دست راستشان
مملو امان و رضوان و دست چپشان مملو رحمت و خلود در جنان گردانند و والدین ایشانرا
بازای تعلیم قرآن که بفرزندان خود کرده اند حلها از بهشت پوشانند و هم ایشان
علیهم السلام فرمودند که هر کس در نماز نشسته قرآن بخواند بعدد هر حرف پنجاه
حسنه برایش نوشته شود و پنجاه سیئه اش محو گردد و پنجاه درجه بلند شود
و اگر ایستاده بخواند بعدد هر حرف صد حسنه نوشته شود و صد سیئه محو گردد
و صد درجه بلند گردانند و اگر در غیر نماز بخواند بهر حرف ده حسنه نوشته شود

و ده سیئه محو کنند و ده درجه بلند کنند و اگر خود تلاوت نکند و گوش بتلاوت
دیگری دارد به هر حرفی یک حسنه عطا فرماید و یک سیئه محو گرداند و یک درجه
بلند گرداند و چون قرآن را ختم کند او را دعای مستجاب بود و اگر ختم در روز واقع
شود تا شب و اگر شب واقع شود تا روز ملائکه بر او صلوات میفرستند و از حضرت
امام همام علیه السلام پرسیدند که این فضایل برای کیست که قرآن داند فرمود
خدای تعالی کریم است هر کس آنچه میداند هر گاه ختم کند چنانست که ختم قرآن
کرده باشد و این فضایل با ایشان عطا فرماید و هر کس در مکه معظمه از جمعه تا جمعه
یا کمتر یا بیشتر ختم قرآن کند و ختم در روز جمعه واقع شود از جمله اول دنیا تا جمعه
آخر آن ثواب حسنات برای او نویسند و همچنین اگر در روز دیگر باشد از مثل آن
تا مثل آن و هم از ایشان علیهم السلام مرویست که هر کس در شبی ده آیه بخواند او را از جمله
غافلین ننویسند و اگر پنجاه آیه بخواند از جمله ذاکرین نوشته شود و اگر صد آیه
بخواند از جمله قانتین و اگر دویست آیه بخواند از خاشعین و قرآن در روز

قیامت با او مخاصمت کند و اگر سیصد آیه بخواند از فایزین و اگر پانصد بخواند از
عابدین و اگر هزار آیه بخواند یک قنطار ثواب برایش نویسند و قنطاری پانزده
هزار مثقالست و یک مثقال بیست و چهار قیراط و کوچکترین قیراط مثل کوه احد است و بزرگترش
از زمین تا آسمان و کسی که قرآن بمشقت یاد گیرد ثوابش مضاعف باشد و در خانه
که قرآن خوانند و ذکر خدا کنند ملائکه حاضر شوند و شیاطین دور شوند و برکت زیاده
شود آن خانه برای اهل آسمان نورانی باشد مثل ستاره برای اهل زمین و خانه که قرآن
نخوانند و ذکر خدا نکنند ملائکه بیرون روند و شیاطین حاضر شوند و برکت کم شود
و سه چیز از اهل خود بخدا شکایت کنند مسجد که در آن نماز نگذارند و عالمی که قدرش
ندانند و قرآن در خانه که تلاوت نکنند تا غبار گیرد این بود بعضی از فضایل جمله قرآن
و هر یک از سوره و آیات نیز فضایل بی نهایت وارد شده که حوصله این رساله
اگرچه وسعت حکایت همه آن ندارد اما چون از همه آن نیز محروم نتوان بود بروایت
بعضی مشرف گردانیم و گوییم که هر مؤمن که بسم الله الرحمن الرحیم گوید بعدد

بر حرف و حرف از آن عطا فرماید که هر حسنه بهتر باشد از تمام دنیا و نعمتهای آن و خدای
تعالی کارهای بسیار نیکو تمام گرداند و اگر گوش کند که دیگری بخواند ثواب خواننده
داشته باشد سوره مبارکه الحمد هر کس از روی اقرار و اعتراف بخواند خدای تعالی
نعمتهای آخرت برای او اضافه نعمتهای دنیا کند و بلاهای آخرت را با اضافه دنیا رفع
کند و رحمت وافر و عطیه کامل احسان فرماید و روز قیامت حسابش را آسان کند و
حسناتش را قبول فرماید و سیئاتش را محو کند و ثوابی کرامت فرماید که همه مخالفین
بران حسرت برند و در شدائد کارها معین و دستگیرش باشد و براه راست و طریقه
اهل بیت هدایتش کند و چنان است که دو ثلث قرآن خوانده و بهر مؤمن و مؤمنه
صدقه داده باشد **سوره بقره و آل عمران** مثل آن هر کس بخواند روز قیامت مثل
دو پاره ابر از حرارت آفتاب بر سرش سایه کند **در فضیلت سورهای قرآن مجید
و خواندن آن و سوره یس** هر کس بخواند گناهانش آمرزیده شود و حسنات که
دوازده ختم قرآن کرده باشد و اگر کسی روز بخواند تا شب محفوظ و مرزوق باشد

واگر

واگر شب پیش از آنکه بخوابند بخوانند هزار ملک بر او موکل شوند که از شیاطین و آفات
محافظتش کنند و اگر در آن شب بمیرد سی هزار ملک در غسلش حاضر شوند و برای او
استغفار کنند و تا قبرش مشایعت نمایند و بعد از آن در قبرش ساکن شوند و عبادت
خدا کنند و ثوابش برای او نویسند و تا چشم کار کند قبرش را وسیع گردانند و از
فشار قبر ایمن شود تا روز قیامت نوری از قبرش تا اطراف آسمان درخشان باشد
و چون از قبر بیرون آید ملایکه با او مشایعت نمایند و مژده خیر و رحمت دهند تا از میزان
و صراط بگذرد و پیش خدای تعالی در مقامی باز دارند که هیچکس نزدیکتر از او بخدا
نباشد مگر ملایکه مقربین و انبیاء مرسلین و ائمه طاهرین علیهم السلم و با ایشان باشد و از
هر خوف و حزن ایمن باشد پس خدای تعالی فرماید ای بنده من هر چه خواهی سؤال کن
تا عطا نماییم و هر که را خواهی شفاعت کن تا اجابت فرماییم و از مدت موقف ایمن
باشد و هیچ خطیه ملاقات نبیند تا آنکه همه کس گویند سبحان الله این بنده خدا هیچ
خطای نداشته پس از جمله رفقای حضرت محمد صلعم باشد و در روایت دیگر آمده که

هر کس در مدت عمر خود یکبار این سوره را بخواند بعدد خلقی که در دنیا و آخرت
برایش روزی هزار هزار حسنه نویسند و دو هزار هزار سیئه محو کنند و از جنون
و جذام و آفات و آلام ایمن گردد و سکرات موت بر او آسان شود و خدای تعالی
خود متوجه قبض روحش شود و وسعت معیشتش دهد و روز قیامت خوشحال باشد
و آنقدر ثواب باو دهند که راضی گردد و پس بجمیع ملائکه آسمان و زمین گوید برای
این بنده من استغفار کنید که من از او راضی شدم سوره ص و هر کس بخواند خدای
تعالی بوزن هر کوهی که مسخر حضرت داود کرده بود حسنات عطا فرماید و هر کس
شب جمعه بخواند آنقدر خیر دنیا و آخرت باو دهد که هیچکس را نداده باشد مگر نبی مرسل
و ملک مقرب را و هر کرا خواهد از اهل بیتش حتی خادمش اگر چه از عیال و اهل شفاعت
او نباشد به بهشت برد سوره واقعه سوره حضرت امیر المؤمنین صلوات الله
علیه است هر کس هر شب جمعه بخواند از رفقای آنحضرت باشد و از آفات
و مکاره دنیا ایمن گردد و هر کس هر شب بخواند پیش از آنکه بخوابد رویش در روز

قیامت

قیامت مثل بدر تمام باشد سوره صف هر کس بخواند حضرت عیسی علیه السلام او را دعا
کند و برایش استغفار نماید تا در دنیا باشد و روز قیامت رفیق آنحضرت
باشد و هر کس این سوره در فرایض و نوافل مداومت کند در صف ملائکه و انبیاء مرسلین باشد
سوره مبارکه هل اتی هر کس بخواند جزایش بهشت و حور بهشت باشد و اگر در نماز
صبح روز دوشنبه بخواند از شر و آزار روز ایمن باشد و اگر صبح پنجشنبه بخواند در خدمت پیغمبر
باشد و هشتصد بکر و چهار هزار ثیبه از حور العین باو عطا فرمایند سوره مبارکه جمعه هر کس بخواند
بعدد هر کس که بنماز جمعه آمده در دنیا از اهل اسلام و هر که نیامده باو حسنه عطا فرماید سوره
منافقین هر کس بخواند از نفاق بری شود سوره سبح اسم هر کس بخواند بعدد هر حرف
که بر حضرت ابراهیم و حضرت موسی و حضرت خاتم النبیین علیهم السلام نازل گشته ده حسنه
عطا فرمایند و هر کس در فرایض و نافله بخواند روز قیامت گویند از هر در که خواهی داخل
بهشت شو و حضرت امام جعفر صادق فرموده اند که بر هر شیعه ما واجب و لازم است
که شب جمعه نماز بسوره جمعه و سبح اسم و ظهر جمعه بسوره جمعه و سوره منافقین کنند

وهر کس چنین کند چنان است که عمل حضرت رسول الله ص کرده باشد و جزاش بهشت بود
سوره الحاقه برای معاوضه حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه و معاویه لعنه الله نازل
گشته هر کس در فرایض و نوافل بسیار بخواند ایمان او مسلوب نشود سوره تبارک
هر کس بخواند از عذاب قبر ایمن باشد و اگر در نماز خفتن بخواند در امان خدا باشد و روز
قیامت تا آنکه داخل بهشت شود سوره والفجر سوره حضرت امام حسن علیه السلام است
هر کس در فرایض و نوافل بخواند با آنحضرت در یک درجه باشد در بهشت و هر کس در روز جمعه
بخواند گناهانش آمرزیده شود سوره انا انزلنا سوره اهل بیت طاهرین علیهم السلام است
و هر کس بخواند چنان است که ماه رمضان را روزه داشته و لیلة القدر را احیا داشته
باشد و هر کس یکمرتبه آهسته بخواند چنان است که در راه خدا در خون خود غلطیده
باشد و اگر یکمرتبه بلند بخواند چنان است که در راه خدا شمشیر از غلاف کشیده باشد
و اگر ده مرتبه بخواند هزار گناهش آمرزیده گردد و اگر در نماز فریضه بخواند منادی
ندا کند که اعمال را از سر گیر که گناهانت همه آمرزیده گشت و فضایل این سوره زیاده

از آنست

از آنست که در حوصله این رساله گنجد و بعضی از آنجمله نیز در مباحث سابقه گذشت و
بعضی نیز ان شاء الله در جای خود گفته خواهد شد سوره والتین والزیتون هر کس بخواند
خدای تعالی در دنیا عافیت و یقین و در آخرت یابد و بعدد هر کس این سوره را
خوانده ثواب یکروزه باو عطا فرماید و هر کس در فرایض و نوافل بخواند هر جا از
بهشت که بخواهد باو عطا نماید سوره والعادیات سوره حضرت امیر المؤمنین
صلوات الله علیه است هر کس بخواند و بر آن مداومت نماید از رفقای آنحضرت علیه السلام
و در پناه او باشد سوره الهیکم التکاثر هر کس بخواند چنان است که هزار آیه از قرآن
خوانده باشد و خدای تعالی از نعمتهای که در دنیا باو داده او را محاسبه نفرماید و اگر
در فریضه بخواند اجر چهل صف ملائکه که باو اقتدا کنند و اجر صد شهید داشته باشد و اگر در
نافله بخواند اجر پنجاه شهید داشته باشد سوره قل یا ایها الکافرون هر کس بخواند
چنان است که ربع قرآن را خوانده باشد و شیاطین از و دور شوند و از شرک بری
گردد و از فزع اکبر ایمن گردد و هر کس سوره جحد و توحید در فریضه از فرایض

بخواند گناهان او و والدین او و اولادش همه آمرزیده گردد و اگر شقی باشد از دیوان
اشقیا محو شود و در دیوان سعدا ثبت گردد و در زمرهٔ ایشان محشور شود سورهٔ توحید
هر کس یک مرتبه بخواند چنان است که ثلث قرآن را خوانده باشد و بعدد هر مومنی ده حسنه
عطا کند و چون سه مرتبه بخواند ختم قرآن کرده باشد و هر کس یک مرتبه بخواند خدای تعالی
برکت و رحمت زیاده کند و اگر دو مرتبه بخواند بر او و بر اهل بیتش و اگر سه مرتبه بخواند
بر ایشان و بر همسایگانش و اگر دوازده مرتبه بخواند دوازده قصر در بهشت باو عطا فرماید
و چون حضرت پیغمبر صلعم بر سعد بن معاذ نماز گذارد دید که هفتاد هزار ملک که حضرت
جبرئیل از آنجمله بود بر او نماز گذاردند از حضرت جبرئیل پرسیدند که سعد بچه چیز
مستحق این کرامت شده گفت باینکه در جمیع احوال نشستن و برخاستن و آمدن و رفتن
پیاده و سواره همیشه قل هو الله احد میخواند سورهٔ اذا جاء هر کس بخواند چنان است که با حضرت
پیغمبر صلعم در فتح مکه حاضر باشد و اگر در فریضه و نافله بخواند بر همه دشمنان نصرت یابد و نور
از قبر بر آید و از دوزخ ایمن گردد و در دنیا آنقدر اسباب خیر بر او مفتوح شود

که هرگز بخاطرش نگذشته باشد و آرزویش نکشته باشد و چون روز قیامت محشور
شود در هیچ خیر نگذرد مگر که او را از آن بهره دهند تا داخل بهشت شود سورهٔ معوذتین
هر کس بخواند چنان است که جمیع کتابهای که بر انبیا علیهم السلام نازل گشته خوانده باشد
آیة الکرسی هر کس یک مرتبه در دنیا بخواند خدای تعالی هزار مکروه در دنیا که سهل ترین
فقر باشد و هزار مکروه در آخرت که سهل ترین آن عذاب قبر باشد از او دفع کند این
بود جملی از فضایل بعضی سوره و آیات قرآن عظیم و بسیاری نیز در مباحث سابقه
گذشته و بعضی نیز در مباحث مناسب انشاء الله تعالی ذکر خواهد شد اما فضایل همه در
حوصلهٔ این رساله نگنجد اما آداب تلاوت قرآن مجید و بعضی دیگر از آداب و احکام
متعلق بآن آنکه چون کسی آیه یا سوره از قرآن بیاموزد و یاد گیرد باید مداومت بآن
کند تا فراموش نشود که اگر فراموش شود آن سوره یا آیه خود را در بهشت بصورت جمیل
و درجهٔ رفیع باو نماید و بر او سلام کند پس او گوید چه خوب نعمتی تو چیستی و از کیستی
کاش از آن من می بودی گوید که فلان سوره یا آیة الکرسی ام یا فلان آیه ام

اگر فراموشش نکردی باین درجات برسانیدم و مخفی نماناد که ظاهر این حدیث
اعم است از یاد گرفتن حکمش و بخاطر نگاه داشتن لفظش و دانستن و هر معنی حق و
بصحت و درجاتش و رفعتش عظمت مختلف و هر کدام در درجاتش رفیع تر خبر نشان
عظیمتر و هم از ایشان علیهم السلام منقولست که مومن را سزاوارست که هر روز خصوصا
صبح بعد از فراق تعقیب صد آیه از قرآن تلاوت کند اقلا پنجاه آیه و افضل اعمال
آنست که کسی همه قرآن را ختم کند و باز از سر گیرد و مستحب است که ختم قرآن کمتر
از یکماه نباشد تا به تدبر و تفکر تواند خواند اما در ماه رمضان هر سه شب و روز و در هر روز
یا هر چه مقدور شود رخصت شده و فضایل تلاوت قرآن بحزن و حسن صوت در باب
اول گذشت و قرآن از استعجال بی تأنی نباید خواندن و مقصود نباید آخر
سوره و حضور باشد بلکه بترتیل و تأنی و تفکر باید تلاوت نمود و نیز مرویست که
آیات قرآن خزاین جواهر معرفت و حکمتست هر خزینه را که گشاید از جواهر
آن غافل مباشید و نیز مرویست که بسا کسی که قرآن خواند و قرآن از وی بیزار
کنـ

کند بلکه با دل آگاه از روی خضوع و خشوع تلاوت باید نمود و چون بآیه رحمت و مغفرت
و ذکر نعیم و جنت برسی اندیشه کنی و از آن استعاذه نمایی و از مناهی و معاصی توبه
و استغفار کنی و چون بمواعظ و نصایح مرور کنی و موعظت و نصیحت گیری و چون
بحکایات و قصص گذری از آن عبرت گیری و برین قیاس بهر آیه که رسی مناسب
آن حالت عمل نمایی و اگر مقدور باشد الفاظ قرآن را فصیح و سلیس اداکنی مرویست
که قرآن را چنان بخوانید که عرب میخواند و اگر مقدور نباشد آنچه تواند ترک
نکند مرویست که عجمان قرآن را عجمی خوانند ملائکه آنرا عربی بالا برند و از جمله
آداب آنکه با طهارت و مکان خلوت و اطمینان خاطر و روی بقبله بدو زانو نشسته
تلاوت کنند و در اثنای تلاوت با کسی گفتگو نکند و افضل انست که از روی مصحف تلاوت
کند که عذاب والدین تخفیف یابد اگرچه کافر باشند و نظر بر خط قرآن عبادتست
و اگر در جایی تلاوت کند باید ساکت شوند و گوش دارند و چون قرآن را از برای
تلاوت برگیرد بگوید اللّٰهُمَّ اِنِّی اَشْهَدُ اَنَّ هٰذَا کِتَابُکَ الْمُنْزَلُ

من عندك على رسولك محمد بن عبد الله كلامك الناطق على
لسان نبيك جعلته هاديا منك الى خلقك وحبلا متصلا فيما
بينك وبين عبادك اللهم اني نشرت عهدك وكتابك اللهم
فاجعل نظري فيه عبادة وقرائتي فيه ذكرا وفكري فيه
اعتبارا واجعلني ممن يتعظ ببيان مواعظك فيه ويجتنب
معاصيك ولا تطبع عند قرائتي على قلبي ولا على سمعي ولا تجعل
على بصري غشاوة ولا تجعل قرائتي قراءة لا تدبر فيها بل
اجعلني اتدبر اياته واحكامه اخذا بشرايع دينك ولا تجعل
نظري فيه غفلة ولا قرائتي هذرا انك انت الرؤف الرحيم
وچون خواهد شروع در تلاوت کند از وساوس شیطانی و غفلت قلب و قساوت
آن پناه بخدای تعالی برد و گوید اعوذ بالله السمیع العلیم من الشیطان
الرجیم و چون بآیه سجده رسد یا از دیگری بشنود سجده کند و در سجده بگوید

لا اله الا الله حقا حقا لا اله الا الله ايمانا وتصديقا لا اله
الا الله عبودية ورقا سجدت لك يا رب تعبدا ورقا
لا مستنكفا ولا مستكبرا بل انا عبد ذليل خائف مستجير
و بعد از فراغ از تلاوت قرآن بگوید اللهم اني قد قرأت ما قضيته
من كتابك الذي انزلته على نبيك الصادق صلى الله عليه
واله فلك الحمد ربنا اللهم اجعلني ممن يحل حلاله و
يحرم حرامه ويؤمن بمحكمه ومتشابهه واجعله انسا
في قبري وانسا في حشري ممن ترقيه بكل اية درجة
في اعلا عليين امين يا رب العالمين و چون ختم کند این دعا را [illegible] کامل
بخواند اللهم انك اعنتني على ختم كتابك تا آخر دعا **باب چهارم** در فضایل
ذکر و دعا و احکام متعلق بآن و این مجموع در ده فصل انشاء الله تعالی بیان شود **فصل اول**
در فضایل ذکر مرویست از ائمه طاهرین علیهم السلام که هر کس ذکر خدای تعالی

بسیار کند از نفاق و از آتش دوزخ امین گردد و حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
فرمود که دلهای خود را رعایت کنید و بذکر خدا زنده دارید و بترسید از آنکه ای عاقل نقض
عهد ایمان در دل شما راه یابد که چون دل از یاد خدا غافل شود نه مؤمن باشد و نه کافر مثل
جامه کهنه استخوان پوسیده پس بصورت خدا را یاد کنید و از نقض عهد بترسید که چون
دل را چنین حالت رو دهد پس اگر خدای تعالی به آن بنده اراده خیر داشته باشد ایمان
در دلش اندازد و اگر نه کفر و خدای تعالی فرموده ای نبی آدم تو در دل خود مرا یاد
کن تا من در دل خود ترا یاد کنم و تو در مجالس خود مرا یاد کن تا من در مجالس ملائکه
ترا یاد کنم و خانه که در آن ذکر خدای و تلاوت قرآن کنند برکتش بسیار و ملائکه
نزدیک و دور شوند و آن خانه برای اهل آسمان نورانی باشد چنانکه ستاره برای وشیاطین
اهل زمین و شیطان بهر دلی که چون ذکر خدا کند از او دور شود و چون ترک ذکر
کند گمراهش کند و خدای تعالی فرموده ال بسیار کنان از افراموش کند و ترک
ذکر من قساوت دل آورد و هر کس خدا را در دل یاد کند ثواب او را غیر از خدا

کی

کسی نداند و هر کس در میان غافلان و مشغولان دنیا ذکر خدا کند خدای تعالی هزار
حسنه برایش نویسد و در روز قیامت خدای تعالی بیامرزد و آمرزشی که بخاطر هیچ کس
نگذرد و حیانت کرد و بر لعزگه که همه گرسنه باشند ثابت قدم ایستاده با اعدای
خدا مقاومت و مقابله کند و بهشت او را واجب شود و مؤمن بهر بلیه که مبتلا شود و کسی
که مشغول ذکر خدا باشد بصاحب ضرر مبتلا نشود و هیچ جمعی در مجلسی مشغول ذکر من نشوند
مگر آنکه جمعی ملائکه با ایشان نشسته شریک شوند و بگریه ایشان گریه کنند و دعای ایشان را
آمین گویند و منادی از آسمان ندا کند که سیئات شما همه آمرزیده شد و حسنات
بدل گشت و اگر کسی در میان ایشان باشد و ذکر خدا نکند او نیز بسبب مجالست
با ایشان آمرزیده شود و حضرت موسی علیه السلام سوال نمود و گفت خدایا آیا
نزدیکی تا مناجات کنم و یا دوری تا آواز رسانم فرمود من هم نشینم با کسی که
ذکر من کند و هم آنحضرت مناجات نمود و گفت روزی که هیچ کس را پناهی نباشد
در پناه رحمت تو که باشند فرمود آنانکه ذکر من کنند و من ذکر ایشان کنم و را

من باهم محبت کنند و من با ایشان محبت کنم که اگر خواهم بر اهل زمین عذاب فرستم
و چون ایشان را یاد آورم عذاب بر گیرم و نیز مناجات نموده گفت خدایا مرا
در بعضی احوال شرم آید که ذکر تو کنم فرمود که در هیچ حال بی ذکر من مباش که ذکر من
در همه حال خوب است و باید دانست که ذکر بر سه قسمست ذکر با دل بآن معنی که خدا را بیاد
داشتن و قول با خدا داشتن است و با زبان مثل تهلیل و تسبیح و تلاوت قرآن و ذکر
مسائل دین و ایمان و امر بمعروف و نهی منکر و غیر آن هر چه خدا را بیاد آرد و با اعضا
و ارکان مثل عبادات و طاعات و ترک مناهی و سیئات و افضل همه ذکر با دلست و بعضی
نیت شعبه ایست از آن و ذکر با دل بمنزله روح است و ذکر با زبان و ارکان بمنزله
بدن که چون قول و فعل بی نیت ضد و یاد او باشد مثل صورتی باشد بیجان و از این جهت است
که اعمال ریا و اغراض دنیا و همچنین عبادات مخالفین و غافلین مثل مستان و اطفال
مقبول نباشد و خدای تعالی فرموده من هر کلام حکمت را قبول نکنم بلکه نظر بر دلش
کنم اگر برای من و بیاد من کرده اجر دهم و اگر نه بآن وا گذارم که برای او کرده و حسرت

پیغمبر فرموده نیت مومن بهتر است از عملش که عمل بی نیت قبول نیست و با نیت اگر
عمل بعمل در نباشد همان اجر یابد چنانکه مرویست که وقتی در مدینه قحط شد کسی روزی
در صحرا بتل خاکی گذشت گفت کاشکی این همه گندم بودی تا بمردم دادمی این خبر بحضرت
پیغمبر رسید فرمود که همان ثواب یابد و وجوه دیگر نیز برای بهتر بودن نیت روایت شده
که این مقام ذکر آنها نیست و نیز در باب تقوی گذشت که هر قدر از نماز که با آگاهی
دل باشد بالا برند و هر چه بی آن باشد بر هم پیچند و بر روی صاحبش زنند و نیز در مبحث
ورع و تقوی گذشت که ذکر خدا همین سبحان الله و الحمد لله نیست بلکه اصل ذکر
آنست که در همه افعال و اعمال هر چه رو دهد خدا را یاد کنی اگر رضای خدا باشد
ارتکاب کنی و اگر نه اجتناب نمایی و مثال این اخبار و احادیث بسیار است و
بعضی از آن گذشته و بعضی از آن ان شاء الله تعالی در مباحث خود بیاید و افضل
همه اذکار آنست که ذکر دل و زبان و ارکان همه با هم جمع شوند بحیثیتی که در افعال
و اقوال رضای خدای تعالی منظور باشد و رضای او شود و این جمله که گفته شد بحمد الله بسیار

واضح است و توقفی که عنایا زا در نظر باشد یا آنکه کسی قمار بازد و معاصی کند و باین
مغرور باشد که هر روز هفتاد هزار تهلیل میگوییم و دیگران نیز فریفته آن شوند در نهایت
سخاوت قریب است چنانکه از این احادیث و سایر احادیث دیگر که در مجامع و غیرا بیان
مذکور شد در غایت وضوح است والحمد لله فصل دویم در فضایل بعضی اذکار مخصوصه و مرویست
از اهل بیت طاهرین علیه السلام که جماعت فقرا بخدمت حضرت پیغمبر صلعم رفته معروض
داشتند که اغنیا چیز دارند و بنده کان آزاد کنند و صدقات دهند و جهاد کنند و ما
ازین جمله محرومیم فرمود کسی که صد مرتبه الله اکبر گوید افضلست از آنکه صد بنده آزاد
کند و اگر صد مرتبه سبحان الله بگوید افضل است از آنکه صد شتر در مکه معظمه قربان
کند و اگر صد مرتبه الحمد لله بگوید افضلست از آنکه صد اسب با زین و لجام و مردان
بران سوار بجهاد فرستد و اگر صد مرتبه الحمد لله لا اله الا الله بگوید عمل او افضلست
در آن روز از جمیع ناس مگر کسی که بیشتر گوید و هم از آنحضرت صلعم مرویست که فرموده اند
که تسبیحات اربع بگوید بعوض هر یک درختی در بهشت برایش نشانده شود کسی گفت

یا رسول الله

یا رسول الله درخت در بهشت بسیار داریم فرمود بلی اما آتش مفرستید که همه را بسوزد
و هر کس پی آنکه از چیزی تعجب کند سبحان الله بگوید مرغی از آن مخلوق شود تا روز
قیامت تسبیح گوید و ثواب آن همه از آن باشد و همچنین اگر لا اله الا الله یا الحمد لله
یا الله اکبر بگوید و هر کس لا اله الا الله باخلاص بگوید بهشت او را واجب شود و اخلاص آنست
که او را باز دارد از معاصی و گفتن سبحان الله نصف میزان را پر کند و الحمد لله تمام
میزان را پر کند و لا اله الا الله ما بین زمین و آسمان را و هر کس لا اله الا الله بگوید درختی در بهشت
برایش بنشانند در زمینی سفید تر از برف و شیرین تر از شهد و خوشبوی تر از مشک که بار آن
شبیه پستان دختران بکر باشد و در هر یک از آن هفتاد حله از حلهای بهشت و هر کس بگوید
الحمد لله کما هو اهله کاتبان آسمان دست از نوشتن باز دارند و گویند خدایا
ما نمیدانیم ثواب او چه قدر بنویسیم خدای فرماید شما گفته او را بنویسید من دانم
چه قدر ثواب دهم و هر کس بگوید سبحان الله و بحمده سبحان الله العظیم و بحمده
سه هزار حسنه نویسند و سه هزار سیئه محو کنند و سه هزار درجه بلند کنند و طایری

در بهشت خلق کند که خدا را تسبیح کند و ثواب آن از برای او باشد و هر کس هر روز ده مرتبه بگوید
اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له الها واحدا
احدا صمدا لم یتخذ صاحبة ولا ولدا چهل و پنج هزار حسنه نوشته
شود و چهل و پنج هزار سیئه محو گردد و چهل و پنج هزار درجه بلند شود و در آن
روز حرز او باشد از شیطان و سلطان و هیچ گناه کبیره در آن گیرش نشود و چنان است که
در آن روز دوازده مرتبه ختم قرآن کرده باشد و خانه در بهشت برای او بنا کنند
و هر کس هر روز بگوید لا اله الا الله حقا حقا لا اله الا الله عبودیة
و رقا لا اله الا الله ایمانا و تصدیقا خدای تعالی از روی متوجه او
شود و هرگز روی از او بنگرداند داخل بهشت شود و هر کس بگوید لا حول ولا
قوة الا بالله خدای تعالی فرماید ای ملائکه بنده کار خود را بمن واگذاشت
و اعتراف بعجز و ناتوانی خود نمود حاجتش را بدهید و هر کس صد مرتبه بگوید بسم الله
الرحمن الرحیم ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم نود و نه نوع

بلا از او دفع شود که سهل ترین آن مردن با جنون باشد و هر کس بگوید اشهد ان
لا اله الا الله و اشهد ان محمدا رسول الله و علیا ولی الله دو هزار
هزار حسنه ثبت شود

فصل سیم

در فضایل ذکر اهل بیت رسول و صلوات بر ایشان
و بعضی امور مناسب آن صلوات الله علیهم اجمعین مرویست از ایشان صلی الله علیهم
که هیچ کس نیست که در مجلسی بنشیند و ذکر خدای تعالی و ذکر ما نکرده باشند و صلوات
بر پیغمبر نفرستاده باشند برخیزند مگر آنکه آن مجلس روز قیامت بر ایشان حسرت
باشد و نیز فرموده اند که ذکر ما ذکر خداست و ذکر اعدای ما ذکر شیطان که دشمن
خداست و چون دو مومن با هم ملاقات نمایند و ذکر خدا و ذکر فضایل ما کنند
هر گوشتی که در روی ابلیس است بگدازد تا آنکه روحش از شدت الم بناله آید و ملائکه
و خزان جنان از او مطلع شوند و همه ملائکه مقربین او را لعنت کنند و حضرت امام
رضا علیه الصلوة والسلام فرموده که هر که در مجلسی بنشیند که فضایل ما در آن مذکور شود دل او
و حق ما در آن مجلس زنده باشد دلش نمیرد در روز قیامت که دلها همه مرده باشند

وحضرت پیغمبر صلعم فرمود هرکس فضیلتی از فضایل آنحضرت علی ابن ابی طالب کند و
اقرار بآن داشته باشد گناه گذشته و آینده اش آمرزیده شود و اگرچه مثل گناه
جن و انس باشد و هرکس فضیلتی از فضایل او را بنویسد تا اثری از آن ظاهر باشد ملائکه
برای او استغفار کنند و هرکس فضیلتی از فضایل او را بشنود گناهانی که بگوش کرده
آمرزیده شود و هرکس نگاه بر نوشته فضیلت او کند گناهانی که بچشم کرده آمرزیده
شود و بعد از آن فرمودند نظر بر علی ابن ابی طالب عبادتست و ذکر او عبادتست
و ایمان هیچ بنده مقبول نشود مگر بولایت او و برائت از اعدای او و حضرت امام
حسن علیه الصلوات والسلام فرمود که هرکس در دل ما محبت دارد با دست و با زبان
نصرت ما کند با ما در غرفه با ما باشد و هرکس در دل محبت ما دارد و بزبان نصرت
نکند یکدرجه از آن پستر باشد و هرکس محبت دارد و با دست و زبان نصرت نکند
در بهشت باشد و حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که هرکس بزبان اعانت
ما کند خدای تعالی روز قیامت زبانش بحجت ما گویا کند و هم از ایشان علیهم السلام

مرویست که هرکس یکمرتبه صلوات بر حضرت پیغمبر صلعم فرستد خدای تعالی
با هزار صف ملائکه هر یک هزار صلوات برو فرستند بعد از آن هیچ مخلوقی نماند
مگر که برو صلوات فرستد پس هر که باین نعمت رغبت نکند جاهل و مغرور باشد و خدا
و رسول و اهل بیتش صلی الله علیهم از وی بیزار باشند و هیچ چیز در میزان قیامت سنگین تر از صلوات
نیست بر آن حضرت نبود و چون اعمال مومنان را در میزان کنند اگر حسنات سبک باشد
و سیئات زیادتی کند آنحضرت صلعم صلواتی که برو فرستاده باشند بر حسنات اندازد
تا بر سیئات زیادتی کند پس بهشتش برد و صلوات بر آنحضرت صلعم گناهانش را بیشتر محو کند که آب
آتش را و اگر هرکس قادر بر کفاره گناهان خود نباشد صلوات بر آنحضرت و آلش صلعم فرستد که صلوات
بر ایشان گناه را می ریزد و صلوات بر ایشان برابر است با تهلیل و تسبیح و تکبیر و هرکس اسم
مبارک آنحضرت را بشنود و صلوات نفرستد راه بهشت برو خطا شود و هرکس دعا کند
محجوب ماند و بالا نرود تا صلوات نفرستد و آنحضرت صلعم فرموده اند که وقت دعا مرا
مثل کوزه مسافر مگردانید که چون همه اسباب را بار کند بعد از آن کوزه را در عقب بار آویزد

که هر کاو تشنه شود بر دارد مگر مراد در اول و میان و آخر دعا یاد کنید و نیز فرموده اند
که هر کس بر من صلوات بیشتر فرستد روز قیامت بمن نزدیکتر باشد و هر کس از
خدای تعالی حاجتی بطلبد اگر بعوض آن صلوات فرستد حاجتش اجابت شود و ثواب آن
صلوات نیز داشته باشد کسی بحضرت امام جعفر صادق گفت چون از خانهٔ کعبه بیرون
می آمدم دعای بخاطرم نرسید غیر صلوات پیغمبر فرمود که هیچکس بخوبی تو بیرون نیامده
و هر کس درود صلوات بر آنحضرت و آلش را باو تبریک کند درهای آسمان گشوده شود و گناهانش
مثل برگ از درخت بریزد و ملائکه هفتاد صلوات بر و فرستند و خدای تعالی فرماید
اگر شما هفتاد صلوات بر بندهٔ من فرستادید من هفتصد صلوات بر و فرستم و اگر
بر آلش صلوات نفرستد بوی بهشت نشنود و حال آنکه بوی بهشت را از پانصد ساله راه
توان شنید و میان او و آسمان هفتاد حجاب نصب شود و خدای تعالی فرماید ای ملائکه
دعای این بنده را بالا میارید تا بر عترت پیغمبر من صلوات نفرستد و مرویست
که هر کس بگوید صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَعَلَی اَهلِ بَیتِهِ هزار حسنه نوشته شود

و هفتاد

و فضایل دیگر برای صلوات و بعضی صلوات مخصوصه در مباحث تعقیب اعمال جمعه و غیر آن
گذشت

فصل چهارم

در فضایل دعا و بعضی امور متعلق بآن مرویست از اهل بیت
طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین که دعا افضل عبادتست و خدای تعالی هیچ چیز را
ازان دوستتر ندارد که بنده را از و سؤال حاجت کند و هیچ چیز بدتر ازان نیست که کسی استکبار
کند و ترک سؤال نماید و در قرآن مجید فرموده که اگر نه این بود که شما دعا میکنید و خدا
هیچ اعتبار نمیگیرد و دعا صلاح مؤمنان و عمود دین است و نور سموات و زمین است
و قضای مبرم بدعا رد میشود و تاثیر دعا در قضای حاجت بیشتر است از تاثیر سنان
در گوشت از حضرت امام جعفر صادق پرسیدند که دو کس با هم شروع در نماز کردند
و با هم فارغ شدند یکی دعا بیشتر کرد و دیگری قرائت بیشتر کدام افضل است پس
آنحضرت فرمود آنکه دعا بیشتر کرده افضل است و هر بلیه که بر کسی نازل شود و خدای تعالی
در دلش اندازد که دعا کند آن بلیه زود زایل گردد و اگر در دعا تأخیر شود
بلیه بطول کشد و چون بنده دست بدعا بر دارد خدای تعالی را شرم آید که از او خالی

رد کند او و دعای خود که پنهانی کند هفتاد مثل است که علانیه کند

فصل پنجم

در اسباب اجابت دعا و بعضی احکام متعلق بآن اسباب اجابت دعا که مرویست از
اهل بیت طاهرین علیهم السلام مرویست که دعا را قسمت اول حالات و صفات داعی
مرویست که جمعی بخدمت یکی از حضرات ائمه طاهرین علیهم السلام رفته عرض نمودند
که یا ابن رسول الله خدای تعالی امر فرموده دعا کنید که من اجابت کنم و ما دعا میکنیم
و اجابت نمیشود فرمودند که دلهای شما بسبب ده چیز مرده است دعوای خداشناسی
میکنید و اطاعت خدا نمیکنید و دعوای محبت رسول میکنید و با اولاد او عداوت
میکنید و قرآن میخوانید و بحکم آن عمل نمیکنید و دعوای خوف دوزخ میکنید و خود را
در آن می افکنید و مشغول عیوب دیگران میشوید و از عیوب خود چشم می پوشید و
دعوای بغض دنیا میکنید و دست از آن نمی کشید و اقرار بموت میکنید و تهیهٔ آن سفر
نمیکنید و اموات خود را دفن میکنید و از آن عبرت نمیگیرید از اینهاست که دعای شما
مستجاب نمیشود و در روایت دیگر خدای تعالی فرموده که کسب خود را حلال کنید تا دعای

شما

شما مستجاب شود که چون کسی یک لقمه حرام خورد چهل روز دعایش مستجاب
نشود و خدای تعالی فرموده که دعای هیچکس از من محجوب نماند مگر کسی که لقمه حرام
خورد و اجابت نکنم دعای کسی را که مظلمه یکی از بندگان من پیش او باشد تا او را
نکند داخل خانهٔ من نشود مادامی که در نماز باشد او را لعنت کنم و کسی از بنی اسرائیل
سال دعا میکرد و مستجاب نشد آخر مناجات کرد و گفت خداوندا آیا من از تو دورم که
من نمیرسد یا نزدیکم اجابت نمیکنی خدای تعالی کسی با او فرستاد با او گفت زبان
فحاش و دل آلوده گشته و متن مغشوش دعا کی مستجاب میشود و نیز مرویست
که با تقوی و نیکی آن قدر دعا کافی است که نمک در طعام و بعضی اوقات مخصوصه
که دعا را در آن غنیمت باید دانست و فرصت باید شمرد و از آنجمله وقت زوال در
هر روز خصوصا روز جمعه تا وقتی که امام از منبر فرود آید و ساعت آخر روز جمعه
و تمام شب جمعه و از نصف هر شب تا ثلث آخر شب و در این ساعتها هیچ مومن
دعا نکند مگر آنکه البته مستجاب شود و از سحر تا طلوع آفتاب در این ساعت دریای

آسمان گشوده شود و ارزاق مردم قسمت میشود و حاجتهای عظیم مستجابست و میان
اذان و اقامت بعد از فریضه خصوصًا بعد از نماز صبح و ظهر و مغرب و در قنوت
نماز وتر و بعد از تلاوت قرآن مجید و وقت وزیدن باد و نزول باران و غیر آن
از اوقات که بعضی از آن تقریبات گذشته و بعضی نیز در مقام خود انشاء الله تعالی
یاد یابیم امور چند که در حال اشتغال بدعا که بعد از فراغ رعایت باید نمود
از آنجمله وضو یا غسل و درشستن جامههای پاک پوشیدن و بوی خوش بکار بردن
و صدقه دادن هر قدر که مقدور شود و مکان متبرک مثل مسجد یا غیر آن اختیار کردن
و دست بجانب آسمان برداشتن که خدای تعالی کریم است شرم دارد که دست
مؤمن را خالی باز گرداند و حاجت را بخصوص نام بردن که خدای تعالی را خوش آید
اگر چه حاجت همه کس را داند و در دعا اجتماع نمودن که هرگز چهل مؤمن در دعا
اجتماع نکنند مگر آنکه البته مستجاب شود و اگر چهل کس نباشد چهار کس ده مرتبه دعا کنند
و اگر چهار کس نباشد یک کس چهل مرتبه دعا کند و در روایت دیگر آمده که هرگز چهار

مؤمن

مؤمن در دعا اجتماع نکنند مگر آنکه با جابت مقرون گردد و کسی که آمین گوید در
دعا شریک باشد و از جمله اسباب آنکه ابتدا بمدح و ثنای خدای تعالی کند کسی بحضرت
امام جعفر صادق معروض داشت که خدای تعالی فرموده که دعا کنید که من اجابت کنم
ما دعا میکنیم مستجاب نمیشود فرمود که گمان داری که خدای تعالی خلاف وعده کرده گفت
نه فرمود پس چرا مستجاب نمیشود گفت نمیدانم فرمود که کسی اطاعت امر خدا کند و از نواهی
که می باید دعا کند البته مستجاب شود و گفت در پیش کلام است فرمود که اول حمد خدای تعالی
و ذکر نعمتهای او کند و خدا را بر آن شکر کند پس صلوات بر پیغمبر و آلش فرستد و گناهان
خود را مذکور سازد و اقرار بآن و استغفار از آن کند بعد از آن حاجت خواهد
مستجاب شود و سید اسباب توسل جستن است بحضرت پیغمبر و آلش اجمعین مرویست
که کسی هفتاد خریف در دوزخ بماند و بعد از آن مناجات نموده گوید خدایا بحق محمد
و آلش که بر من رحم کن خدای تعالی جبرئیل را فرماید که او را از آتش بیرون آرد فرماید
که بعزت جلال خودم که اگر بحق ایشان سؤال میکردی بسیار در آتش نمیماندی اما

سن بر خود واجب گردانیده‌ام که هر کس بحق ایشان سوال کند اجابت فرمایم و این
مضمون در احادیث بسیار آمده و مرویست که هر دعا از آسمان محجوبست تا صلوات
بر آنحضرت و آلش اجمعین فرستند و نیز مرویست که صلوات بر آنحضرت و آلش سلام
علیهم رد نشود پس چون در اول و آخر دعا بنده صلوات فرستد خدا اکرم آنست
که اول و آخر را قبول فرماید و میانه را رد کند و از آنجمله آنست که دعا را عام کند و دیگران را
در آنچه بطلبد شریک کند بلکه ایشان را مقدم دارد که برای ایشان و برای خود نیز هر دو
مستجاب شود و بعضی علما در این معنی نکته گفته‌اند که ذکرش مناسب مقام است آنکه خدای تعالی
بندگان خود را نهی فرموده که چون جنسی را با هم یک صفقه بیع کنند و بعضی را نگاه دارند
و بعضی را رد کنند و دعای همه مومنان غایبانه البته مستجابست چنانکه بیاید پس چون کسی
خود را با دیگری در دعا جمع کند لایق بجلال آنجناب نبود که چیزی که بندگان خود را
منع فرموده خود آن را بکند و از جمله اسباب آنکه در وقت دعا دل خبردار و رقیق
و محزون باشد که دعای دل غافل و سخت فرخناک مستجاب نشود و خدای تعالی دل

محزون را

محزون را دوست میدارد چشم گریان را و اگر گریه نیاید سعی کند و خود را بگریه دارد
و چون اندک آید دعا را غنیمت باید دانست اگرچه بقدر سر مگسی باشد که خدای تعالی
چشم گریان را دوست میدارد و بر گریه یک کس بر امتی رحم فرماید و از جمله اسباب
آنکه از روی ادب و انصاف سوال کند مثلا رتبه انبیا و ائمه علیهم السلام سوال نکند و چیزی که
از حوصله و مرتبه او بیرون است طمع نکند که مستحق حرمان شود و از جمله اسباب آنکه
اطمینان و حسن ظن باجابت داشته باشد که خدای تعالی پیش ظن بنده مومن است هر چه
گمان داشته باشد چنان کند و مرویست که چون دعا کنی حاجت را بر در خانه ان
و از جمله اسباب آنکه پیش از وقت در حال عافیت و رفاهیت همیشه دعا کرده باشد تا چون
در بلیه و شدت دعا کند مستجاب شود و از آسمان محجوب نماند و اگر نه ملایکه بر اجابت
دعوات معطل کنند گویند این چه آواز است که نمیشناسیم و این کیست و پیش از این کجا بود
که بدرگاه الهی رجوع نمی‌نمود و از جمله اسباب آنکه در آخر دعا گوید ما شاء الله
لا حول و لا قوة الا بالله که خدای تعالی فرماید ای ملائکه این بنده مرا در یابید

واجابت کند و حاجتش را بر آید که کارها خود را بمن و بخواهش من تسلیم نمود و اعراض
نمود که هیچکس غیر از من اجابت نتواند نمود و چون از دعا فارغ شود هر دو دست بر
سر و روی کشد و در روایت دیگر بر رو و سینه بمالد که دست به دعا برداشته از
رحمت خالی نباشد و از جملهٔ اسباب آنکه در دعا الحاح کند که خدا را خوش آید البته
اجابت فرماید و نیز مرویست که بسا باشد که بنده دعا کند و خدای تعالی از و اعراض
فرماید باز دعا کند و اعراض فرماید پس در مرتبهٔ چهارم و بر روایت دیگر در مرتبهٔ سیم
فرماید ای ملائکه بندهٔ من مکرر دعا کرد و اعراض نمودم همان دعا میکند میداند که
غیر از من کسی نیامرزد گواه باشید که او را آمرزیدم و اگر اجابت تأخیر شود مأیوس
و نومید نباشد که خدای تعالی فرموده از رحمت من نومید نباشد مگر کفار و گمراهان
و باشد و بسا باشد که بنده دعا کند خدای تعالی برای آنکه دعا و مناجات او را
دوست دارد در اجابت تأخیر فرماید تا بیشتر دعا و تضرع کند و دعای مؤمن البته
اجابت شود و اگر در همانچه که مطلب باشد همان را عطا کند و اگر بلیه مقدر باشد

که رفع

که رفع آن ضرور تر بود و خود از آن خبر ندارد و آنرا دفع فرماید و اگر هیچکدام
نباشد در بهشت اضعاف و مضاعف عوض دهد و در روایت دیگر آمده که اگر
کسی در آنچه خواسته مصلحت نباشد کفارهٔ گناهانش شود و اگر دعا زود مستجاب شود
مشعوف و مغرور نباید گشت که شاید استدراج باشد چنانکه در باب اول گذشت و بسا
باشد که بنده دعا کند و خدای تعالی برای آنکه آواز او را دوست دارد دیر اجابت فرماید تا
الحاح او را بشنود بلکه اگر زود کند شکر و حمد و اگر دیر شود صبر و توکل باید کرد و در همه حال
تضرع و انابت و تملق و طاعت باید نمود **فصل ششم** در ذکر جمعی که دعاشان
مستجاب شود و جمعی که مستجاب نشود مرویست از اهل بیت طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین
که چند کسند که دعای ایشان مستجاب شود و از خدای تعالی محجوب نماند و درهای آسمان
برای ایشان گشوده شود تا بعرش رسد اهل حج و عمره و جهاد پس تفقد احوال عیال ایشان
باشید و سعی در حوایج ایشان نمائید و مریض پس او را مرنجانید و امام عادل و ولد صالح
برای والدین و والدین برای ولد صالح و صایم تا وقت افطار کند و مؤمن که برای مؤمنی

غایبانه دعا کند و مرویست که هیچ دعائی بسرعت اجابت این دعا نیست و دعای مظلوم
بر ظالم که خدای تعالی فرماید که دعاش را بالا بیارید تا اجابت فرمایم و گوید انتقام تو بکشم
اگر چه بعد از مدتی باشد و دعای والدین بر ولد که برنده تر است از شمشیر و چند کسند که دعای
ایشان مستجاب نشود کسی که دست از کسب و سعی کشیده در خانه نشیند و دعا کند خدای تعالی
فرماید من راه سعی تحصیل برای تو گشوده ام راهی بر کن و سعی کن تا حاجت تو بر آورم و کسی که خدای
مال داده بود در باطل صرف نموده چون دعا کند فرماید روزیت دادم و ضایع کردی
و کسی که زن او بد باشد یا همسایه را نفرین کند فرماید راه خلاصی نموده ام زن را طلاق گوی
و خانه را بفروش و از جوار همسایه نقل کن و کسی که چیزی بستاند و بی نیکسی قرض دهد فرماید
بایست بی شاهد و بی تمیز کیری تا مالت باطل نشود و کسی که از زیر دیوار شکسته بشتابد
نرود یا در مهلکه احتیاط نکند فرماید که گفته بوده ام که خود را در مهلکه میفکن تا هلاک نگردی

فصل هفتم در فضایل دعای مومنان مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که
چون کسی مومن را غایبانه دعا کند و ذکر خیر نماید ملائکه گویند چه خوب برادری

برادر

برادر خود را غایبانه مدح و دعا میکنی خدای تعالی او را بر آن عطا کند و دو مثل آن
ترا مدح فرماید و اگر دعای بد و ذکر شر کند گویند چه برادر بدی تو بر برادر خود رحم کن و ترک
این گفتگو کن و نیز مرویست که دعای مومن برای برادر خود مقبول است و چون برای مومن غایبانه
دعا کند از آسمان اول ملکی ندا کند که صد هزار مثل آن ترا باشد و از آسمان دوم ندا کند
که ترا دویست هزار مثل این بود و همچنین تا آسمان هفتم صد هزار هزار رسیده اند بعد از آن
خدای تعالی فرماید منم غنی که هرگز فانی نشوم ترا هزار هزار مثل او عطا فرمایم هر مومن
که برای مومنین و مومنات و مسلمین و مسلمات احیا و اموات ایشان را دعا کند خدای تعالی
فرماید که بعدد هر مومن و مومنه از اول آدم تا آخر دنیا حسنه برایش ثبت کنند و بعدد
هر کس مثل آنچه دعا کرده باشد بآن عطا فرماید و اگر روز قیامت او را بدوزخ
کشند میکشیده باشند تا بدوزخ رسند مومنین و مومنات اجتماع نموده گویند خدایا
این کس در دنیا ما را دعا کرده امروز ما را شفیع او گردان خدای تعالی شفاعت
ایشان را قبول فرموده ایشان را نجات و هر کس هر روز بیست و پنج مرتبه گوید

اللهم اغفر للمؤمنين والمؤمنات والمسلمين والمسلمات بعد و هر مؤمنی
گذشته و آینده تا روز قیامت برایش حسنه ثبت کند و سیئه محو کند و درجه
بلند گرداند فصل هشتم در ذکر بعضی ادعیه و توسل حاجات مرویست که کسی بجناب
حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه شکایت نمود که اجابت دعایم دیر میشود فرمود
که چرا دعای سریع الاجابه نمیخوانی گفت نمیدانم فرمود که اینست اللهم انی
اسئلك باسمك العظيم الاعظم الاجل الاكرم المخزون المكنون
النور الحق البرهان المبين الذي هو نور مع نور ونور من نور
ونور في نور ونور على نور ونور فوق كل نور ونور على
كل نور ونور تضيء به كل ظلمة وتكسر به كل شدة وكل
شيطان مريد وكل جبار عنيد ولا تقر به ارض ولا تقوم
به سماء ويأمن به كل خائف ويبطل به سحر كل ساحر
وبغي كل باغ وحسد كل حاسد وتتصدع لعظمته

البر

البر والبحر ويستقل به الفلك حين يتكلم به الملك فلا يكون
للموج عليه سبيل وهو اسمك الاعظم الاعظم الاجل الاجل
النور الاكبر الذي به سميت نفسك واستويت به على عرشك
واتوجه اليك بمحمد واهل بيته واسئلك بك وبهم ان تصلي
على محمد وال محمد و حاجتی که داری طلب نمای و مرویست از حضرت
امام جعفر صادق علیه الصلوة والسلام که چون کسی را حاجتی روی دهد پناه بحضرت
پیغمبر برده غسل کند و دو رکعت نماز گذارد مثل نماز فریضه افتتاح کند و تشهد خواند
و بعد از سلام ثواب آن را بروح مقدس آنحضرت هدیه نموده گوید اللهم انت السلام
ومنك السلام واليك يرجع السلام اللهم صل على محمد
وال محمد وبلغ روح محمد مني السلام وارواح الائمة الصادقين
سلامي واردد علي منهم السلام والسلام عليهم ورحمة الله و
بركاته اللهم ان هاتين الركعتين هدية مني الى رسول الله

صلی الله علیه واله فاشفع علیهما ما املک و رجوت فیک و فی
رسولک یا ولی المؤمنین بعد از ان سجده کند و چهل مرتبه بگوید یا حی یا قیوم
لا تموت یا حی لا اله الا انت یا ذا الجلال و الاکرام یا ارحم
الراحمین و بعد از ان روی راست را بگذارد و همین را چهل مرتبه بگوید بعد از ان
روی چپ را بگذارد و چهل مرتبه بگوید و بعد از ان سر بردارد و دستها برداشته
چهل مرتبه بگوید بعد از ان دستها را تا پیش گردن بیاورد و دو انگشت سبابه را بسوی بحری
اشاره کند و روی تضرع نگاه کند و چهل مرتبه بگوید و بعد از ان محاسن بدست
چپ گرفته گریه کنان و اگر گریه نیاید خود را بگریان ساخته بگوید یا محمد
یا رسول الله اشکو الی الله و الیک حاجتی و الی اهل بیتک الراشدین
حاجتی و بکم اتوجه الی الله فی حاجتی بعد از ان سجده کند
و بگوید یا الله یا الله یا الله تا نفس منقطع شود و بعد از ان بگوید صل علی محمد
و ال محمد و اقض حاجتی و حاجت بخواهد من ضامنم که هنوز از جای خود

برنخواسته

برنخواسته باشد که حاجتش بر آورده شود و هم از آنحضرت علیه السلام مرویست که فرمود
که شما را چون مرضی عارض شود بطبیب رجوع مکنید و با تکلفات منمائید و چون
حاجتی باشد بخانه سلاطین مروید و بملازمان ایشان رشوه مدهید پس هر گاه
مرض یا حاجتی شما را سانح شود پنهانی بخدای برده طهارت بسازید و چیزی تصدق
کنید هر چه مقدور شود پس بمسجد رفته دو رکعت نماز بگذارید و بعد از ان حمد و ثنای
خدای تعالی گوئید و صلوات بر پیغمبر و اهل بیتش فرستید و حاجت خود در راه طلب
کنید البته مستجاب شود و این مبنی است که بر خدای تعالی واجب است اجابت آن
و هم از آنحضرت مرویست که هر کس را حاجتی و شدتی باشد غسل کند و دو رکعت نماز
گذارد پس دست راست بزیر روی راست گذارد و بگوید یا معز کل ذلیل
و یا مذل کل عزیز و حقک لقد شق علی کذا و حاجت
خود را مذکور سازد مستجاب شود و از حضرت صاحب الزمان صلوات الله علیه مرویست
که هر کس را حاجتی باشد شب جمعه بعد از نصف شب غسل کند و بمصلای خود رفته دو رکعت

نماز بگذارد و در هر رکعت الحمد یکبار بخواند و چون بایاک نعبد وایاک نستعین
رسد این آیه را صد بار تکرار کند و در مرتبه آخر سوره را تمام کند و بعد از آن قل هو الله
بخواند و تسبیح رکوع و سجود را هفت هفت بگوید و چون سلام دهد بگوید اللهم
ان اطعتك فالمحمدة لك وان عصيتك فالحجة لك منك
الروح ومنك الفرج وسبحان من انعم وشكر سبحان
من قدر وغفر اللهم ان كنت عصيتك فقد اطعتك في
احب الاشياء اليك وهو الايمان بك لم اتخذ لك ولدا و
لم ادع لك شريكا منا منك به علي لا منا مني به عليك و
قد عصيتك يا الهي على غير وجه المكابرة والخروج
عن عبوديتك ولا الجحود لربوبيتك ولكن اطعت
هواي وازلني الشيطان فلك الحجة علي والبيان فان
تعذبني فبذنوبي غير ظالم لي وان تغفر لي وترحمني فانك

جواد

جواد كريم يا كريم يا كريم تا نفس بریده شود یا آمنا من
كل شيء وكل شيء خائف منك حذر اسئلك بامنك
من كل شيء وخوف كل شيء منك ان تصلي على محمد
وآل محمد وان تعطيني امانا لنفسي واهلي وولدي وسائر ما
انعمت به علي حتى لا اخاف ولا احذر من شيء ابدا انك
على كل شيء قدير وحسبنا الله ونعم الوكيل يا كافي
ابراهيم نمرود يا كافي موسى فرعون اسئلك ان تصلي على
محمد وآل محمد وان تكفيني شر فلان ابن فلان و کسی که از و
خوف داشته باشد نام ببرد و بعد از آن سجده کند و از روی تضرع حاجت طلبد
که هیچ مؤمن و مؤمنه باین طریق با اخلاص دعا و عمل نکند مگر آنکه درهای آسمان برای اجابتش
گشوده شود و همان وقت مستجاب شود هر حاجتی که باشد و بعد از آن فرمود این از
فضل خداست بر ما و بر شیعیان ما و هر کس در یک مجلس هزار مرتبه بگوید ما شاء الله

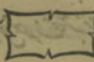
توفیق حج یابد و مروت که ابو القعقام مردی بود طالع هرگز بکاری نمیرفت که از ان
خیری ببیند بخدمت حضرت امام موسی کاظم علیه الصلوات والسلام شکایت نمود فرمود
که بعد از نماز صبح ده مرتبه بگوی سُبحانَ اللهِ العَظیمِ وَبِحَمدِهِ أستَغفِرُ اللهَ وَ
أسئَلُهُ مِن فَضلِهِ گوید اندک زمانی پیش نگذشت که از جای که هیچ گمان نداشتم
خدای تعالی مرا غنی گردانید یکی از جمله اصحاب حضرت پیغمبر ص مدتی بخدمت آنحضرت
نرفت بعد از آنکه رفت پرسید که چه مانع بود که پیش ما نمی آیی گفت بیماری و پریشانی
داشتم فرمود که این کلمات بگوی که بیمری و زایل شود لا حَولَ وَلا قُوَّةَ إلّا
بِاللهِ تَوَکَّلتُ عَلَی الحَیِّ الَّذی لا یَمُوتُ وَالحَمدُ لِلّهِ الَّذی لَم یَتَّخِذ
وَلَداً وَلَم یَکُن لَهُ شَریکٌ فِی المُلکِ وَلَم یَکُن لَهُ وَلِیٌّ مِنَ
الذُّلِّ وَکَبِّرهُ تَکبیراً و کسی از امام جعفر صادق ع دعای خواست
برای وسعت رزق فرمود بگو اَللّهُمَّ ارزُقنی مِن فَضلِکَ الواسِعِ الحَلالِ
الطَّیِّبِ رِزقاً واسِعاً حَلالاً طَیِّباً بَلاغاً لِلدُّنیا وَالآخِرَةِ صَبّاً صَبّاً

هنیئا

هَنیئاً مِن خَلقِکَ مَریئاً مِن غَیرِ کَدٍّ وَلا مَنٍّ مِن أحَدٍ مِن خَلقِکَ
إلّا سَعَةً مِن فَضلِکَ الواسِعِ فَإنَّکَ قُلتَ وَاسئَلُوا اللهَ مِن فَضلِهِ
فَمِن فَضلِکَ أسئَلُ وَمِن عَطِیَّتِکَ أسئَلُ وَمِن یَدِکَ المَلأی أسئَلُ
راوی گوید برای این مطلب هیچ چیز مثل این دعا ندیدم و حضرت پیغمبر بحضرت امیر المؤمنین
صلوات الله علیه گفت برای ادای دین بگوی اَللّهُمَّ أغنِنی بِحَلالِکَ عَن
حَرامِکَ وَبِفَضلِکَ عَمَّن سِواکَ که اگر مثل صبیر دین داشته باشی ادا شود
و صبیر کوهیست در یمن که در ان بلاد عظیم تر از ان کوهی نیست و هم از آنحضرت منقول است
که کسی فرمود که دو رکعت نماز بگذار و بعد از ان آیة الملک بخوان و بعد از ان بگوی
یا رَحمنَ الدُّنیا وَالآخِرَةِ وَرَحیمَهُما تُعطی مِنهُما ما تَشاءُ وَتَمنَعُ
مِنهُما ما تَشاءُ اقضِ عَنّی دَینی که اگر مثل روی زمین طلا دین داشته باشی ادا شود
و کسی بحضرت امام جعفر صادق ع شکایت کرد که دین چند بر مردم دارم و وصول
نمیشود فرمود بگوی اَللّهُمَّ هَب لی لَحظَةً مِن لَحَظاتِکَ تَیَسَّرُ عَلَی

غرماً ای بها القضاء وتیسر لی بها منهم الاقتضاء انک علی کل شیء
قدیر و هم از آنحضرت مرویست که هر کس در ماه شوال هر روز چهار صد مرتبه بگوید
استغفر الله الذی لا اله الا هو الرحمن الرحیم الحی القیوم بدیع
السموات والارض ذو الجلال والاکرام لجمیع ظلمی وجرمی
واسرافی علی نفسی واتوب الیه خدای تعالی او را بسیار یا علم بسیار و عطا
فرموده اند
فرماید و هم از آنحضرت مرویست که هر پیغمبری را یک دعای مستجاب عطا
و پیغمبر ما را دو دعای مستجاب عطا فرموده یکی برای شداید امور و آن اینست
یا دائماً لم یزل یا الهی واله آبائی یا حی یا قیوم صل علی محمد و آل
محمد وافعل بی کذا و دویم برای حوائج و قضای دین و آن اینست یا من
یکفی من کل شیء ولا یکفی منه شیء یا الله یا رب صل علی محمد و آله
واقض عنی الدین وافعل بی کذا و هم از آنحضرت مرویست که هر کس را
معیشت تنگ شود یا حاجتی از حوائج دنیا و آخرت باشد این رقعه را بر کاغذ سفید

بنویسد

بنویسد چنانکه اسمها همه در یک سطر باشد و بر دو صفحه این شکل خطی کشد در وقت
طلوع  آفتاب در آب جاری اندازد بسم الله الرحمن الرحیم الملک
الحق الجلیل المبین من العبد الذلیل الی المولی الجلیل سلام علی
محمد وعلی وفاطمة والحسن والحسین وعلی ومحمد وجعفر
وموسی وعلی ومحمد وعلی والحسن ومحمد القائم سیدنا و
مولانا صلوات الله علیهم رب انی مسنی الضر والخوف فاکشف
ضری وامن خوفی بحق محمد وآل محمد واسئلک بکل نبی و
وصی وصدیق وشهید ان تصلی علی محمد وآل محمد یا ارحم
الراحمین اشفعوا لی یا سادتی بالشان الذی لکم عند الله فان
لکم عند الله لشانا من الشان فقد مسنی الضر یا سادتی والله
ارحم الراحمین فافعل بی یا رب کذا و کذا و نیز مرویست
که چون کسی را حاجتی باشد بحضرت صاحب الزمان صلوات الله علیه نامه بنویسد

عریضه ای نوشته بر قبر یکی از ائمه طاهرین صلوات الله علیهم بگذارد و یا بپیچد و سرش را مختوم
ساخته در گل پاک گرفته در نهر یا چاهی عمیق یا آب بسیاری اندازد که بعرض حضرت صاحب الزمان
صلوات الله علیه برسد و آنحضرت خود متوجه قضای حاجت میشود بسم الله الرحمن الرحیم
كَتَبْتُ يَا مَوْلَايَ صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْكَ مُسْتَغِيثًا وَشَكَوْتُ مَا نَزَلَ بِي مُسْتَجِيرًا
بِاللهِ عَزَّ وَجَلَّ ثُمَّ بِكَ مِنْ أَمْرٍ قَدْ دَهَمَنِي وَأَشْغَلَ قَلْبِي وَأَطَالَ فِكْرِي
وَسَلَبَنِي بَعْضَ لُبِّي وَغَيَّرَ خَطِيرَ نِعْمَةِ اللهِ عِنْدِي أَسْلَمَنِي عِنْدَ تَخَيُّلِ
وُرُودِهِ الْخَلِيلُ وَتَبَرَّأَ مِنِّي عِنْدَ تَرَائِي إِقْبَالِهِ إِلَيَّ الْحَمِيمُ وَعَجَزَتْ
عَنْ دِفَاعِهِ عَنِّي حِيلَتِي وَخَانَنِي فِي تَحَمُّلِهِ صَبْرِي وَقُوَّتِي فَلَجَأْتُ
فِيهِ إِلَيْكَ وَتَوَكَّلْتُ فِي الْمَسْأَلَةِ لِلَّهِ جَلَّ ثَنَاؤُهُ عَلَيْهِ وَعَلَيْكَ فِي
دِفَاعِهِ عَنِّي عِلْمًا بِمَكَانِكَ مِنَ اللهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَلِيِّ التَّدْبِيرِ
وَمَالِكِ الْأُمُورِ وَاثِقًا بِكَ فِي الشَّفَاعَةِ فِي الْمُسَارَعَةِ إِلَيْهِ جَلَّ ثَنَاؤُهُ
فِي أَمْرِي مُتَيَقِّنًا لِإِجَابَتِهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى إِيَّاكَ بِإِعْطَائِي سُؤْلِي

وَأَنْتَ يَا مَوْلَايَ جَدِيرٌ بِتَحْقِيقِ ظَنِّي وَتَصْدِيقِ أَمَلِي فِيكَ فِي أَمْرِ
كَذَا وَكَذَا و بجای حاجت بنویسد فِيمَا لَا طَاقَةَ لَهُ و[illegible]
بِحَمْلِهِ وَلَا صَبْرَ لِي عَلَيْهِ وَإِنْ كُنْتُ مُسْتَحِقًّا لَهُ وَلِأَضْعَافِهِ بِقَبِيحِ
أَفْعَالِي وَتَفْرِيطِي فِي الْوَاجِبَاتِ الَّتِي لِلَّهِ تَعَالَى فَأَغِثْنِي يَا مَوْلَايَ صَلَوَاتُ
اللهِ عَلَيْكَ عِنْدَ اللَّهَفِ وَقَدِّمِ الْمَسْأَلَةَ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي أَمْرِي
قَبْلَ حُلُولِ التَّلَفِ وَشَمَاتَةِ الْأَعْدَاءِ فَبِكَ بُسِطَتِ النِّعْمَةُ عَلَيَّ وَ
اسْأَلِ اللهَ جَلَّ جَلَالُهُ لِي نَصْرًا عَزِيزًا وَفَتْحًا قَرِيبًا فِيهِ بُلُوغُ الْآمَالِ
وَخَيْرُ الْمَبَادِي وَخَوَاتِيمُ الْأَعْمَالِ وَالْأَمْنُ مِنَ الْمَخَاوِفِ كُلِّهَا فِي
كُلِّ حَالٍ إِنَّهُ جَلَّ ثَنَاؤُهُ لِمَا يَشَاءُ فَعَّالٌ وَهُوَ حَسْبِي وَنِعْمَ
الْوَكِيلُ فِي الْمَبْدَءِ وَالْمَآلِ و در وقت انداختن آن عریضه یکی از نایبان
آنحضرت صلوات الله علیه که در زمان غیبت صغری بوده اند که عثمان بن سعید
عمری یا پسرش محمد بن عثمان یا حسین بن روح یا علی بن محمد باشند متوسل شود

بگوید یا فلان بن فلان سلامٌ علیک اشهد انک وفاتک فی
سبیل الله وانک حیٌّ عند الله مرزوقٌ وقد خاطبتک فی
حیاتک التی لک عند الله عز وجل وهذه رقعتی وحاجتی
الی مولانا علیه السلام فسلمها الیه فانت الثقة الامین
و بعد از آن عریضه را بیفکند که انشاء الله بر آورده شود و هم از آنحضرت صلی الله
علیه مرویست که چون خواهی بر آید مطلبی و حاجتی که بسی نامه یا رقعه بنویسی اول
با قلم بی مداد در سر نامه بنویس بسم الله الرحمن الرحیم ان الله وعد
الصابرین المخرج مما یکرهون والرزق من حیث لا یحتسبون
جعلنا الله وایاکم من الذین لا خوف علیهم ولا هم یحزنون
راوی گوید بعد از آنکه این حدیث شنیدم هرگز برای هیچ مطلبی ننوشتم
مگر آنکه با جابت مقرون گشت

فصل نهم

در تعویذ و حرز از مخاوف
و مهالک و از جمله وسایل بسیار مرویست از اهل بیت طاهرین صلوات الله علیهم

درین باب چند حرز که انشاء الله تعالی ذکر کنیم خوف از سلاطین کسی
بحضرت امام جعفر صادق علیه السلام معروض داشت که مرا طلبیده و من اندیشه دارم فرمود
چون از خانه بیرون میروی قل هو الله احد پیش رو و جانب راست و پس سر و جانب
چپ و بالای سر و زیر پا بخوان که در امان خدا باشی و توانی از سلطان و شیطان
و نیز مرویست که چون با سلاطین ملاقات کنید مقابل سر آنها آهسته بگوئید خیرک
بین عینیک وشرک تحت قدمیک وبالله استعین علیک اللهم
اکفنیه بما شئت فانه لا قوة الا بک و چون از غضب آنها ترسید بگوئید
اطفأت غضبک بلا اله الا هو حسبی الله لا اله الا هو علیه
توکلت وهو رب العرش العظیم و چون نظر برآن افکند مرتبه
قل هو الله احد بخوانید و با دست چپ انگشت بشمرید و تا وقتی که از آنجا بیرون آید
مکرر بخوانده باشد و نیز مرویست که کسی را سلطان بسیار طلبید حضرت امام جعفر صادق
قدری تربت مقدس امام حسین فرستاد و فرمود با او برسانید که امان است از هر خوف

و نیز مرویست که آنحضرت علیه السلام در خانهٔ سلطان میگذشت دید که سگی عوعو
میکرده بیرون آمد فرمود که اگر انگشتر عقیق با خود داشتی این جانور ترا ایمن می بود و خوف
از اعدا حضرت امام زین العابدین علیه السلام فرموده که اگر تمام جن و انس بر من جمع شوند
این کلمات را بگویم هیچ باک نداشته باشم بِسْمِ اللهِ وَ بِاللهِ وَ مِنَ اللهِ وَ اِلَی اللهِ وَ
فِی سَبِیلِ اللهِ وَ عَلَی مِلَّةِ رَسُولِ اللهِ اَللّٰهُمَّ اِلَیْکَ اَسْلَمْتُ نَفْسِی وَ اِلَیْکَ
وَجَّهْتُ وَجْهِی وَ اِلَیْکَ اَلْجَأْتُ ظَهْرِی وَ اِلَیْکَ فَوَّضْتُ اَمْرِی اَللّٰهُمَّ
احْفَظْنِی بِحِفْظِ الْاِیمَانِ مِنْ بَیْنِ یَدَیَّ وَ مِنْ خَلْفِی وَ عَنْ یَمِینِی
وَ عَنْ شِمَالِی وَ مِنْ فَوْقِی وَ مِنْ تَحْتِی وَ مَا قِبَلِی وَ ادْفَعْ عَنِّی بِحَوْلِکَ
وَ قُوَّتِکَ شَیْءٍ مَا قَضَیْتَ فَاِنَّهُ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ اِلَّا بِکَ و نیز حضرت
امام موسی علیه السلام فرموده که جدم حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه چون اینجا دعا میخواند
بر هیچ لشکری حمله میکرد و لشکر آنها منهزم میساخت و این دعا کفایت بلاها است اَللّٰهُمَّ
بِکَ اُسَاوِرُ وَ بِکَ اُحَاوِلُ وَ بِکَ اُجَاوِرُ وَ بِکَ اُصُولُ وَ بِکَ

انتصر و

اَنْتَصِرُ وَ بِکَ اَمُوتُ وَ بِکَ اَحْیَی اَسْلَمْتُ نَفْسِی اِلَیْکَ وَ فَوَّضْتُ اَمْرِی
اِلَیْکَ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیمِ اَللّٰهُمَّ اِنَّکَ خَلَقْتَنِی
وَ رَزَقْتَنِی وَ سَتَرْتَنِی وَ بَیْنَ الْعِبَادِ بِلُطْفِکَ خَوَّلْتَنِی اَغْنَیْتَنِی اِذَا
هَوَیْتُ رَدَدْتَنِی وَ اِذَا عَثَرْتُ قَوَّمْتَنِی اَقَلْتَنِی وَ اِذَا مَرِضْتُ شَفَیْتَنِی
وَ اِذَا دَعَوْتُ اَجَبْتَنِی یَا سَیِّدِی اِرْضَ عَنِّی فَقَدْ اَرْضَیْتَنِی وَ صَلَّی اللهُ
عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِینَ **خوف از کلاب و سباع** در دست راست باشد بگوید
وَ قُلْ لِلَّذِینَ آمَنُوا یَغْفِرُوا لِلَّذِینَ لَا یَرْجُونَ اَیَّامَ اللهِ لِیَجْزِیَ قَوْمًا
بِمَا کَانُوا یَکْسِبُونَ وَ اِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ جَعَلْنَا بَیْنَکَ وَ بَیْنَ
الَّذِینَ لَا یُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ حِجَابًا مَسْتُورًا وَ جَعَلْنَا عَلَی قُلُوبِهِمْ
اَکِنَّةً اَنْ یَفْقَهُوهُ وَ فِی آذَانِهِمْ وَقْرًا وَ اِنْ یَرَوْا کُلَّ آیَةٍ
لَا یُؤْمِنُونَ بِهَا حَتَّی اِذَا جَاؤُکَ یُجَادِلُونَکَ یَقُولُ الَّذِینَ کَفَرُوا
اِنْ هٰذَا اِلَّا اَسَاطِیرُ الْاَوَّلِینَ **سبع** از حضرت امام جعفر صادق مرویست

که چون بسبع ملاقات کنی در رویش آیة الکرسی بخوان و خطاب با او نموده بگوی
عزمت لک بعزیمة الله و عزیمة محمد صلی الله علیه و آله و
عزیمة سلیمان بن داود و عزیمة امیر المؤمنین علی بن ابی طالب
و الائمة من بعده ان شاء الله تعالی رو گردانیده برود و راوی گوید چون بیرون
آمدم سبعی رو بمن کرد این عزیمت بر او خواندم بعد از آن گفتم الا تنحیت عن
طریقنا [illegible] دیدم که سر بزیر انداخت و دم میان پا گرفته رو گردانید و ضرر نرسانید
در باب عقرب و سایر گزندگان حضرت امام جعفر صادق ع فرمود که
هر کس وقت شام بگوید اعوذ بکلمات الله التامات التی لا یجاوزهن
بر و لا فاجر من شر ما ذرأ و من شر ما برأ و من شر کل دابة
هو آخذ بناصیتها ان ربی علی صراط مستقیم من ضامنم که عقرب
و گزنده او را نگزد تا صبح و نیز مروی است که دو دو جواب [illegible] نموده ام و گزندگان دفع
کند دفع کیک در وقت خوابیدن بخوان ایها الاسود الوثاب الذی

لا یبالی

لا یبالی غلقا و لا بابا عزمت علیک بام الکتاب ان لا تؤذینی و اصحابی
الی ان تذهب اللیل و یؤوب اللیل الصبح بما آب در باب دزد در وقت
خوابیدن برفعها و صلعها بخواند قل ادعوا الله او ادعوا الرحمن تا آخر سوره
بنی اسرائیل و اذکار دیگر برای این مطلب در فصل آداب خواب ان شاء الله تعالی بیاید افتادن
سقف خانه حضرت امام رضا ع فرمود که در وقت خوابیدن این آیه بخوانید تا از فرود
آمدن سقف خانه ایمن باشید ان الله یمسک السموات و الارض ان
تزولا و لئن زالتا ان امسکهما من احد من بعده انه کان
حلیما غفورا وحشت و دهشت حضرت امام جعفر صادق ع فرمود که هر کس بگوید
بسم الله و بالله توکلت علی الله انه من یتوکل علی الله فهو
حسبه ان الله بالغ امره قد جعل الله لکل شیء قدرا اللهم
اجعلنی فی کنفک و فی جوارک و اجعلنی فی امانک و فی منعک
از هر وحشتی در شب و روز ایمن باشد و فرمود حکایت کنند که مردی [illegible]

یکشب ترک کرده عوضش شده هلاک گشت و مرویست که هر کس بسم الله الرحمن الرحیم
بر در بیرون خانهٔ خود نویسد از هلاک شدن ایمن باشد اگر چه کافر باشد و مرویست
که فرعون بر در خانهٔ خود نوشته بود چون حضرت موسی برای هلاکش استعجال
می نموده خدای تعالی فرموده تو بکوشش نظر مکنی و من آنچه بر در خانه اش نوشته
شده جمیع مکروها از حضرت امام رضا علیه السلام مرویست که هر کس در ایام طفولیت
هر شب ده مرتبه قل اعوذ برب الفلق و ده مرتبه قل اعوذ برب الناس و صد مرتبه قل هو الله
و اگر نتواند پنجاه مرتبه بخواند یا دیگری برای او بخواند از جمیع امراض صبیان و آسیب اجنه
و عطاش که علتیست که چون عارض شود صاحبش هر چند آب خورد سیر نشود و از فساد
معده و غلبهٔ خون محفوظ گردد و مادام که باین مداومت کند تا آنکه از دنیا برود
و حوادث از حضرت امام جعفر صادق ع مرویست که فرمود که چون جیش حضرت
پیغمبر ص منهزم گشت خدای تعالی این کلمات را فرستاد که در سنان نیزهٔ خود جا دهد
بعد از آن هرگز جیش آنحضرت را هزیمت و نداد و من دوست میدارم که مؤمن این را

درقائم

در قائمهٔ شمشیر یا بر نگین انگشتر یا در عمامهٔ خود داشته باشد تا از حوادث لیل و نهار ایمن باشد
بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ یَا مَنْ هُوَ هُوَ یَا مَنْ لَیْسَ هُوَ اِلَّا هُوَ یَا حَیُّ یَا قَیُّومُ یاهو
یَا حَیُّ لَا یَمُوتُ یَا حَیُّ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ
وَ کُنْ لِفُلَانِ بْنِ فُلَانٍ دِرْعًا حَصِینًا مَنِیعًا یَا رَبَّ الْعَالَمِینَ
وَ صَلَّی اللّٰهُ عَلٰی مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِیِّینَ وَ اٰلِهِ الطَّاهِرِینَ و ادعیه و اذکار
فصل دهم باید انشاء الله تعالی عادات آداب در باب اوجاع و امراض برای
در بعضی ادعیهٔ متبرکه که در کتابها ثبت است از حضرت پیغمبر ص که هر کس این دعا را بخواند اگر ملائکه
هفت آسمان و زمین جمع شوند تا روز قیامت ثواب آنرا نتوانند نوشت
و گناهانش آمرزیده گردد و دلش از ایمان پر شود و خدای تعالی فرماید ای ملائکه
گواه باشید که او را و والدین او را و برادران و خواهران و اهل بیت و اولاد
و همسایگان او را از آتش دوزخ آزاد گردانیدم و او را شفیع هزار کس گردانیدم که همه
مستوجب دوزخ باشند و هر یک از فقرات این دعا را فضلی عظیم روایت شده

و ذکر آن درین مختصر نمیگنجد دعا اینست یا من اظهر الجمیل وستر القبیح
یا من لم یؤاخذ بالجریرة ولم یهتک الستر یا عظیم العفو یا حسن
التجاوز یا واسع المغفرة یا باسط الیدین بالرحمة یا صاحب کل
نجوی یا منتهی کل شکوی یا کریم الصفح یا عظیم المن یا مبتدئ النعم
قبل استحقاقها یا ربنا و یا سیدنا و یا مولانا و یا غایة رغبتنا
اسئلک یا الله یا الله ان لا تشوه خلقی بالنار و هم از حضرت پیغمبر
مرویست که فرمود که شبی بمعراج رفتم بر حجاب قدرت این دعا نوشته دیدم هر کس
بخواند درهای آسمان برایش گشوده شود و گناهان او و والدین او و همسایگان او آمرزیده
شود و خانه در بهشت از در و یاقوت بنا کنند و خیر دنیا و آخرت برایش جمع
فرمایند و اگر بمشک و گلاب و زعفران بنویسند و بمریض دهند شفا یابد و اگر بر طفل
بندند از مار و عقرب و مکاره محفوظ باشد و اگر کسی نوشته با خود دارد از جادو
ایمن باشد و اگر برای مطلبی بخواند آسان شود و اگر جن و انس و ملائکه و غیر از شان

جمع

جمع شوند از اول دنیا تا روز قیامت ثواب او را نتوانند نوشت اللهم انی
اسئلک یا من اقر له بالعبودیة کل معبود یا من یحمده کل
محمود یا من تفزع الیه کل محمود یا من یطلب عنده کل
مفقود یا من سائله غیر مردود یا من بابه عن سؤاله غیر
مسدود یا من هو غیر موصوف ولا محدود یا من عطاؤه
غیر ممنوع ولا مشکود یا من هو لمن دعاه لیس ببعید وهو نعم
المقصود یا من رجاه عباده بحبله مشدود یا من لیس بوالد
ولا مولود یا من شبهه ومثله غیر موجود یا من کرمه وفضله
غیر معدود یا من حوض بره للانام مورود یا من لا یوصف
بقیام ولا قعود یا من لا یجری علیه حرکة ولا خمود یا الله یا
یا رحمن یا رحیم یا ودود یا راحم الشیخ الکبیر یعقوب
یا غافر ذنب داود یا من لا یخلف الوعد ویعفو عن الموعود

یا من رزقه وستره للعاصین ممدود یا من هو ملجا کل
مقصی مطرود یا من دان له جمیع خلقه بالسجود یا من لیس
عن نیله وجوده احد مصدود یا من لا یحیف فی حلمه وحکمه
عن الظالم العنود ارحم عبیدا خاطئا لم یوف بالعهود انک
فعال لما ترید یا بار یا ودود وصل علی محمد خیر مبعوث دعا
خیر معبود وعلی آله الطیبین الطاهرین اهل الکرم والجود
وافعل بنا ما انت اهله یا ارحم الراحمین و هم از آنحضرت مرویست
که هر کس این دعا را بخواند اگر ملائکه هفت آسمان و زمین جمع شوند تا روز قیامت
ثواب آنرا از هزار جزو یکی نتوانند بیان نمود و از عبدالله بن سلام مرویست که
بعضی از فضایل این دعا در توریت مذکور است که هر کس خدای تعالی بفضل
و کرم خود این کلمات را در دلش جا دهد هر روز دو مرتبه با او بر ملائکه مباهات نماید
و نوری از زو تا عرش درخشان شود و از عذاب قبر و فتنه دجال و فزع اکبر در روز

قیامت

قیامت ایمن گردد و در روز قیامت که همه کس ترسان و محزون باشند او از خوف
و حزن ایمن باشد و چون محشور شود دلش ساکن و مطمئن باشد و هر مطلبی که بآن دعا سوال
کند خدای تعالی باو عطا فرماید و فضایل و ثواب بسیار است از این ساله خوف طول ذکر آن
نمود یا الله یا الله یا الله انت الموهوب مثل جمیع خلقک یا نور
النور انت الذی احتجبت دون خلقک فلا یدرک نورک نور
یا الله یا الله یا الله انت الرفیع الذی ارتفعت فوق عرشک من
فوق سمائک فلا یصف عظمتک احد من خلقک یا نور النور
قد استنار بنورک اهل سمائک واستضاء بضوئک اهل ارضک
یا الله یا الله یا الله انت الذی لا اله غیرک تعالیت عن ان یکون
لک شریک وتعظمت عن ان یکون لک ولد وتکرمت
یکون لک شبیه وتجبرت عن ان یکون لک ضد
الله المحمود بکل لسان وانت المعبود فی کل مکان

المذكور في كل اوان و زمان يا نور النور كل نور خامد لنورك
يا مالك كل مليك يفنى غيرك يا دائم كل حي يموت غيرك
يا الله يا الله يا الله الرحمن الرحيم ارحمني رحمة تطفي بها غضبك
وتكف بها عذابك وترزقني بها سعادة من عندك الى و
تحلني بها دارك التي تسكنها خيرتك من خلقك يا ارحم الراحمين
يا من اظهر الجميل وستر القبيح يا من لم يؤاخذ بالجريرة ولم
يهتك الستر يا عظيم العفو يا حسن التجاوز يا واسع المغفرة
يا باسط اليدين بالرحمة يا صاحب كل نجوى ويا منتهى كل
شكوى يا مفرج كل كربة يا مقيل العثرات يا كريم الصفح
[يا عظي]م المن يا مبتدئا بالنعم قبل استحقاقها يا رباه يا سيداه
[يا مولا]ه يا غاية رغبتاه واسألك بحق محمد وعلي وفاطمة
[والح]سن والحسين وعلي ومحمد وجعفر وموسى وعلي ومحمد

وعلي والحسن والحجة القائم المهدي ان تصلي على محمد
وآل محمد واسألك يا الله يا الله يا الله الا تشوه خلقي في النار
وان تغفر لي ولوالدي برحمتك يا ارحم الراحمين وان تعيشني
حيوة الدنيا والآخرة انك على كل شيء قدير وصلى الله على محمد
وآل محمد. هم از آنحضرت مرویست که هر کس این دعا را بهر طلب حاجت بخواند ان شاء الله تعالی
هیچ گناه نماند و اگر آورده شود و اگر در شب جمعه بخواند آمرزیده شود میان او و خدا
هیچ گناه نماند مگر آمرزیده گردد و اگر پیش سلطان یا جابری رود و پیش از آنکه داخل شود
بخواند خدای تعالی سلطان را با او مشفق و مهربان گرداند ان شاء الله تعالی اللهم
انی اسألك یا من احتجب بشعاع نوره عن نواظر خلقه یا
من تسربل بالجلال والعظمة واشتهر بالتجبر في قدسه یا من
تعالی بالجلال والكبرياء في تفرد مجده یا من انقادت له
الامور بازمتها طوعا لامره یا من قامت السموات والارضون

محجبات لدعوته يا من زين السماء بالنجوم الطالعة وجعلها
هادية لخلقه يا من انار القمر المنير في سواد الليل المظلم بلطفه
يا من انار الشمس المنيرة وجعلها معاشا لخلقه وجعلها
مفرقة بين الليل والنهار بعظمته يا من استوجب الشكر بنشر سحائب
نعمه اسئلك بمعاقد العز من عرشك ومنتهى الرحمة من كتابك
وبكل اسم هو لك سميت به نفسك او استاثرت به في
علم الغيب عندك وبكل اسم هو لك انزلته في كتابك او
اثبته في قلوب الصافين الحافين حول عرشك فتراجعت
القلوب الى الصدور عن البيان باخلاص الوحدانية وتحقيق
الفردانية مقرة بالعبودية وانك انت الله انت الله انت
الله الذي لا اله الا انت واسئلك باسمائك التي تجليت بها
للكليم على الجبل العظيم فلما بدا شعاع نور الحجب من بهاء

العظمة

العظمة خرت الجبال متدكدكة لعظمتك وجلالك
وهيبتك وخوفا من سطوتك راهبة فلا اله الا انت
فلا اله الا انت فلا اله الا انت واسئلك بالاسم الذي فتقت
به رتق عظيم جفون عيون الناظرين الذي به تدبر حكمتك
وشواهد حجج انبيائك يعرفونك بفطن القلوب وانت في غوامض
مسترات سريرات الغيوب اسئلك بعزة ذلك الاسم ان تصلي على
محمد وال محمد وان تصرف عني واهل حزانتي وجميع المؤمنين والمؤمنات
جميع الآفات والعاهات والاعراض والامراض والخطايا
والذنوب والشك والشرك والكفر والنفاق والشقاق والضلالة
والجهل والمقت والغضب والعسر والضيق وفساد الضمير و
حلول النقمة وشماتة الاعداء وغلبة الرجال انك سميع الدعاء
لطيف لما تشاء و هم از حضرت پیغمبر علیه السلام مرویست که هر کس بدعای ام حسین ع دعا کند

بآنحضرت محشور شود و آنحضرت شفیعش باشد و خدای تعالی او را فرج دهد و دینش را
ادا کند و کارش آسان گرداند و براه راستش هدایت فرماید و بر اعدا نصرتش دهد و چنگ
سرکشش کند و با ایمان شرح صدورش نماید و در وقت بیرون رفتن روح شهادت
لا اله الا الله تلقینش کند و اینه دعا بعد از نماز باید خواند و هرکس بدعای علی ابن الحسین
علیهما السلم دعا کند بآنحضرت محشور شود و همچنین هرکس بدعای هر یک از ائمه
طاهرین تا حضرت صاحب الزمان صلوات الله علیهم اجمعین دعا کند بآنحضرت محشور
شود و این ده دعاست منسوب باین ده امام بترتیب اول اللهم
انی اسئلک بکلماتک و معاقد عزک و سکان سمواتک و
ارضک و انبیائک و رسلک ان تستجیب لی فقد رهقنی من
امری عسر فاسئلک ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تجعل
لی من امری یسرا دوم یا دائم یا دیموم یا حی یا قیوم یا کاشف من غمی
الغم یا فارج الهم یا باعث الرسل یا صادق الوعد صل علی

محمد و آل محمد و افعل بی ما انت اهله سیم اللهم ان کان لی
عندک رضوان وود فاغفر لی و لمن اتبعنی من اخوانی و
شیعتی و طیب ما فی صلبی برحمتک یا ارحم الراحمین و صلی الله
علی محمد و آل محمد چهارم یا دیان غیر متوان یا ارحم الراحمین
اجعل لشیعتی من النار وقاء و لهم عندک رضی و اغفر ذنوبهم
و یسر امورهم و اقض دیونهم و استر عوراتهم و هب لهم الکبائر
التی بینک و بینهم یا من لا یخاف الضیم و لا تاخذه سنة و لا
نوم اجعل لشیعتی من کل غم فرجا و مخرجا پنجم یا خالق
الخلق و یا باسط الرزق و فالق الحب و باری النسم و محیی الموتی
و ممیت الاحیاء و دائم الثبات و مخرج النبات افعل بی ما انت
اهله و لا تفعل بی ما انا اهله فانک اهل التقوی و اهل
المغفرة ششم اللهم اعطنی الهدی و ثبتنی علیه اسا

امن من لا خوف علیه ولا حزن ولا جزع انک اهل التقوی
واهل المغفرة هفتم اللهم یا من لا شبیه له ولا مثال انت الله
لا اله الا انت لا خالق الا انت تفنی المخلوقین وتبقی انت حلمت
عمن عصاک وفی المغفرة رضاک هشتم یا نور یا برهان یا مبین
یا متین یا رب اکفنی شر الشرور وآفات الدهور واسئلک النجاة
یوم ینفخ فی الصور نهم یا عزیز العز فی عزه ما اعز عزیز
العز فی عزه یا عزیز اعزنی بعزک وایدنی بنصرک واطرد عنی
همزات الشیاطین وادفع عنی بدفعک وامنع عنی بمنعک
واجعلنی من خیار خلقک یا واحد یا احد یا فرد یا صمد
یا من لم یلد ولم یولد ولم یکن له کفوا احد دهم یا نور
النور یا مدبر الامور یا باعث من فی القبور صل علی محمد
وآل محمد واجعل لی ولشیعتی من الضیق فرجا ومن الهم

قبر آنحضرت کند از چنان است که در عرصه کربلا در خدمت آنحضرت شهید شده باشد
و در خون خود غلطیده باشد و هر کس روز عاشورا زیارت قبر آنحضرت کند چنان است که خدا را
در عرش زیارت کند و بهشت او را واجب شود و حضرت امام محمد باقر علیه السلم فرمود
هر کس روز عاشورا گریان زیارت قبر آنحضرت کند ثواب دو هزار حج و دو هزار عمره
و دو هزار غزوه که در خدمت حضرت پیغمبر و اولاد و ائمه طاهرین صلوات الله علیهم
کرده باشد برایش ثبت شود و اگر از آن مکان دور باشد و نتواند بانجا حاضر شدن
چون روز بلند شود پیش از زوال بصحرا بیرون رود و یا بر بامی بلند برآید و بر آنحضرت
سلام کند و گریه و نوحه کند و دو رکعت نماز گذارد و بر قاتلانش بسیار لعنت کند
و اهل خانه خود را بگریه دارد و در خانه خود مصیبت برپا می دارد و یکدیگر را تعزیه گویند و گویند
اعظم الله اجورنا بمصابنا بالحسین علیه السلام وجعلنا و
ایاکم من الطالبین بثاره مع ولیه الامام المهدی من
آل محمد من ضامنم که چون چنین کند همه آن ثوابها و ثواب بسیار برای نبی و رسول

و وحی و صدیق و شهدا از روز اول که دنیا تا روز قیامت برای ایشان نوشته شود

راوی پرسید که فدای تو شوم طریقه تعلیم کن مرا که در این روز از دور یا از نزدیک

زیارت کنم فرمود باین طریق زیارت کن اول تکبیر بگوی بعد از آن چنین سلام کن

که مذکور شود و بعد از آن دو رکعت نماز کند که خدای تعالی صد هزار هزار درجه

نویسد و چنان باشد که در خدمت آنحضرت شهید گشته باشی با شهدا در درجات ایشان

شریک باشی چنانچه که هیچ از ایشان ممتاز نباشی و ثواب زیارت هر نبی و رسولی

ملکی و هر کسی که زیارت او کرده از روزی که شهید شده برای تو نوشته شود و اگر روز

چنین زیارت کنی همین ثواب داشته باشی السلام علیک یا ابا عبد الله السلام

عليك يا ابن رسول الله السلام عليك يا ابن امير المؤمنين وابن

سيد الوصيين السلام عليك يا ابن فاطمة الزهراء سيدة

نساء العالمين السلام عليك يا ثار الله وابن ثاره والوتر الموتور

السلام عليك وعلى الارواح التي حلت بفنائك وأناخت برحلك

وولي لمن والاكم وعدو لمن عاداكم فاسأل الله الذي

اكرمني بمعرفتكم ومعرفة اوليائكم ورزقني البراءة من

اعدائكم ان يجعلني معكم في الدنيا والآخرة وان

يثبت لي عندكم قدم صدق في الدنيا والآخرة واسأله

ان يبلغني المقام المحمود الذي لكم عند الله وان يرزقني طلب ثاري

مع امام هدى ظاهر ناطق منكم واسأل الله بحقكم وبالشأن

الذي لكم عنده ان يعطيني بمصابي بكم افضل ما

يعطي مصابا بمصيبته مصيبة ما اعظمها واعظم رزيتها

في الاسلام وفي جميع السموات والارض اللهم اجعلني في

مقامي هذا ممن تناله منك صلوات ورحمة ومغفرة اللهم

اجعل محياي محيا محمد وآل محمد ومماتي ممات محمد و

آل محمد اللهم ان هذا يوم تبركت به بنو امية وابن

آكلة الاكباد اللعين ابن اللعين على لسانك ولسان نبيك في كل
موطن وموقف وقف فيه نبيك اللهم العن ابا سفيان ومعاوية
ويزيد بن معاوية وآل مروان عليهم منك اللعنة ابد الآبدين
وهذا يوم فرحت به آل زياد وآل مروان بقتلهم الحسين عليه
السلام اللهم فضاعف عليهم اللعن منك والعذاب اللهم اني
اتقرب اليك في هذا اليوم وفي موقفي هذا وايام حيوتي بالبراءة
منهم واللعنة عليهم وبالموالات لنبيك وآل نبيك عليه وعليهم السلام
وبعد از ان صد مرتبه بگويد اللهم العن اول ظالم ظلم حق
محمد وآل محمد وآخر تابع له على ذلك اللهم العن العصابة التي
جاهدت الحسين وشايعت وبايعت على قتله اللهم العنهم جميعا
بعد از ان صد مرتبه بگوئی السلام عليك يا ابا عبد الله و
على الارواح التي حلت بفنائك وانا خت برحلك عليك مني سلام

الله

الله ابدا ما بقيت وبقي الليل والنهار ولا جعله الله آخر العهد مني
لزيارتك السلام على الحسين وعلى علي بن الحسين وعلى اولاد
الحسين وعلى اصحاب الحسين بعد از ان بگوئی اللهم خص
انت اول ظالم باللعن مني وابدا به اولا ثم الثاني والثالث
والرابع اللهم العن يزيد خامسا والعن عبيد الله بن زياد و
ابن مرجانة وعمر بن سعد وشمرا وآل ابي سفيان وآل زياد وآل
مروان الى يوم القيمة بعد از ان سجده كن وبگوئی اللهم لك الحمد
حمد الشاكرين لك على مصابهم الحمد لله على عظيم رزيتي اللهم ا
رزقني شفاعة الحسين يوم الورود وثبت لي قدم صدق عندك مع
الحسين واصحاب الحسين الذين بذلوا مهجهم دون الحسين فصل چهارم در
اعمال ماه صفر بدانکه از اعاظم علما در کتب خود نقل کرده اند که هر کس هر روز ازین ماه ده مرتبه
این دعا را بخواند از بلاها که درین ماه نازل شود ایمن باشد اللهم یا شدید

القوی یا شدید المحال یا عزیز یا عزیز یا عزیز ذلت لعزتک
جمیع خلقک فاکفنی شر خلقک یا محسن یا مجمل یا منعم یا مفضل یا لا اله
الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین فاستجبنا له ونجیناه
من الغم وکذلک ننجی المؤمنین وصلی الله علی محمد واله
الطیبین و مستحبست در [illegible] که [illegible] عاشورا [illegible] حضرت امام حسین علیه السلم
[illegible] ... حضرت امام حسین [illegible] و تعزیت
حسن و تعزیت حسین و چهل بار بسم الله الرحمن الرحیم پس چون خوانده باشد وقت [illegible] روز بگوید
السلام علی ولی الله وحبیبه السلام علی خلیل الله ونجیبه السلام
علی نجی الله وابن صفیه السلام علی الحسین المظلوم المعصوم
الشهید السلام علی اسیر الکربات وقتیل العبرات اللهم انی
اشهد انه ولیک وابن ولیک وصفیک وابن صفیک الفائز
بکرامتک واکرمته بالشهادة وح[illegible] ادة و

اجتبو

بهر دو بعضی و خوشی کهنه شود و قوت مباشرت بدهد و کفش سفید هنوز کهنه نشده باشد
که خدای تعالی بی گمان مالی با و عطا فرماید و کفش سیاه لباس جبارانست و چشم را ضعیف
کند و موروث غم باشد و مباشرت ضرر کند و آن لباس اهل نار است نشاید که مؤمنان بپوشند
تا با آن نماز کنند و مرویست که پاک نیست دستی که در آن انگشتر آهن باشد و حضرت امام جعفر
صادق ع فرمود که عقیق سرخ و زرد و سفید سه کوه است در بهشت عقیق سرخ بر [illegible]
بر خانهٔ حضرت پیغمبر ص و سفید بر خانهٔ حضرت امیرالمؤمنین ع و زرد بر خانهٔ فاطمهٔ زهرا علیها السلام
و خدا را تسبیح و تقدیس و تمجید میکنند و برای دوستان اهل بیت علیهم السلم استغفار میکنند
و هر کس از شیعیان که یکی از آنها انگشتر کند بغیر خیر و خوبی و وسعت روزی و سلامتی از جمیع
انواع بلاها نبیند و امانست از سلطان و از جمیع مکاید و مخاوف و دفع پریشانی کند و
نفاق را زایل گرداند و هیچ دستی [illegible] نشود و دوستترین خدا از دستی که با انگشتر
عقیق بر دارند و حاجتها بحاجت مقرون باشد و خدای تعالی نظر بر زمین افکند و
از نور جمال خویش عقیق آفرید پس فرمود که قسم بذات خود دهم که عذاب نکنم دستی را که با ولایت

علی که انگشتر عقیق داشته باشد و در روایت دیگر آمده که چون خدای تعالی کوهها آفرید
ولایت اهل بیت علیهم السلام را بر ایشان عرض فرمود اول عقیق و یاقوت قبول کردند پس
ایشان را فضل و ثواب عطا فرمود و در روایت دیگر آمده که عقیق سرخ اول کوهیست که اقرار
بوحدانیت خدا و نبوت حضرت محمد مصطفی ص و وصیت حضرت امیر المومنین و اولاد طاهرین
صلوات الله علیهم اجمعین و بهشت برای شیعیان و جهنم برای اعدای ایشان نموده و دو رکعت
نماز با عقیق برابرست با هزار رکعت و کسی که محمد نبی الله و علی ولی الله بر عقیق نقش
کرده انگشتر کند از دنیا نرود مگر بر فطرت ایمان و جمعی را در سفر حرامی زده بودند بخدمت
حضرت پیغمبر رفته شکایت کردند فرمودند بایست انگشتر عقیق با خود دارید که امانست
از جمیع مکاره و حدیث دیگر نزدیک باین در فصل حرز و تعویذ گذشت و یکی از غلامان
حضرت امام علی النقی ع گوید رفتم بخدمت آنحضرت که برای زیارت حضرت امام رضا ع
مرخص شوم فرمود که انگشتر عقیق زرد با خود بردار که بر یک رویش ما شاء الله
لا قوة الا بالله استغفر الله و بر روی دیگر محمد و علی نقش باشد که امانست

از دزد

از راه زدن و بجهت حفظ دین بهتر بود و برای سلامتی بهترست و انگشتر دیگر فیروزه
بردار و بر یک رویش الملک لله و بر روی دیگر الملک لله الواحد القهار
نقش باشد که امانست از سباع و ظفرست بر دشمنها و چون از ایشان بودم دزدی شیری
سر راه را گرفته قافله را منع کرد نزدیک رفته خاتم را باو نمودم و گفتم که مولای من میگوید که از راه
بکنار رو پس برگشت و انگشتر را چنانکه فرموده بود برداشتم و حکایت چنانکه فرموده بودند
و چون از زیارت مراجعت نموده بخدمت آنحضرت رفته حکایت واقعه عرض نمودم فرمود
یک حکایت دیگر مانده که نگفتم گفتم شاید من فراموش کرده باشم فرمود بلی که شبی در پیش قبر مقدس
آنحضرت خوابیده بودی که جماعتی از جن بزیارت آمده بودند چون انگشتر را در دست
در دست تو دیدند بیرون کردند و بشستند و آبش را ببیماری که داشتند دادند شفا یافت و انگشتر
در دست راست تو بود ایشان در دست چپ تو کردند و چون بیدار شدی تعجب بسیار
کردی و سببش را ندانستی و در پیش سر خود پاره یاقوت یافتی و الحال با خود داری هدیه ایشانست
که برای تو آورده اند آنرا ببازار ببر بهشتاد دینار طلا میفروشی پس آنرا ببازار بردم بهمان

قیمت فرو ختم و از امام جعفر صادق ع مرویست که فرمودند که دوست دارم که شیعه
ما پنج انگشتر داشته باشد یا قوت برای زینت و دفع فقر و عقیق که اخلاص در آن با خدا و با ما
پیر است و فیروزه که بوی سازد اخوش آید و محتاج نشوند دستی که فیروزه در آن باشد
و چشم در آن قوت دهد و خدای تعالی شرم دارد که نومید کند دستی را که فیروزه در
باشد بد عا و حدید چینی در دست همیشه نکنید مگر با خود دارید که سرکشان جن
و انس را دور کند و چون بظالمان و اشرار ملاقات کنند در دست کنید که شر ایشان را
دفع کند و در نجف اشرف هر کس آن را انگشتر کند که هر نظر بر آن کند حجی باشد که ثواب
مثل ثواب پیامبر باشد و اگر به سبب حمت خدا بر شیعیان نبود که بخواهد اغنیا
و فقرا همه را مقدور باشد قیمت آن را خیال بگیرد که هیچ زیان وفا کنند و مرویست که
یمانی که فارسیان سلیمانی گویند تسبیح و استغفار کند و ثواب آن برای صاحبش باشد و دو رکعت
نماز با آن برابر است با هفتاد نماز از آن او آب پوشیدن جامه مرویست از اهل بیت
طاهرین علیهم السلم که در جامه پوشیدن و کندن و هر کاری بسم الله بگوید تا شیطان

نزدیک

نزدیک نشود و هر کس جامه نو بپوشد وضو کند و دو رکعت نماز گذارد و در هر رکعت الحمد
و آیت الکرسی و قل هو الله احد و انا انزلناه بخواند و بگوید اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی کَسَانِی مَا اُوَارِی
بِهِ عَوْرَتِی وَ اَتَجَمَّلُ بِهِ فِی النَّاسِ و حول قوة بسیار گوید در آن جامه معصیت نکند و بعدد
هر رشته از آن فرشته برای او دعا و استغفار کند و از خدای تعالی طلب رحمت نماید
و اگر بگوید اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی کَسَانِی مِنَ اللِّبَاسِ مَا اَتَجَمَّلُ بِهِ فِی النَّاسِ اَللّٰهُمَّ
اجْعَلْهُ ثَوْبَ بَرَکَةٍ اَسْعٰی فِیهِ لِمَرْضَاتِکَ وَ اَعْمُرُ بِهِ مَسَاجِدَکَ گناهانش
آمرزیده شود و در آن جامه مکروهی نبیند و اگر کوزه نو آب کند و سی و دو نوبت در روایت
دیگر سی و پنج نوبت انا انزلناه بر آن خواند و بر آن جامه بپاشد تا رشته از آن باقی بود
در وسعت و رفاهیت باشد و چون از جامه پوشیدن فارغ شود بگوید اَللّٰهُمَّ بِکَ
اسْتَتَرْتُ وَ اِلَیْکَ تَوَجَّهْتُ وَ بِکَ اعْتَصَمْتُ وَ عَلَیْکَ تَوَکَّلْتُ اَنْتَ
ثِقَتِی وَ اَنْتَ رَجَائِی اَللّٰهُمَّ اکْفِنِی مَا اَهَمَّنِی وَ مَا لَا اَهْتَمُّ وَ مَا لَمْ اَهْتَمَّ
بِهِ وَ مَا اَنْتَ اَعْلَمُ بِهِ مِنِّی عَزَّ جَارُکَ وَ جَلَّ ثَنَاؤُکَ وَ لَا اِلٰهَ غَیْرُکَ اَللّٰهُمَّ

زَوِّدْنِی التَّقْوی وَاغْفِرْ لی ذَنْبی وَوَجِّهْنی لِلْخَیْرِ حَیْثُما تَوَجَّهْتُ و چون
عمامه بر سر نهد با انگشتر در دست کند بگوید اَللّهُمَّ سَوِّمْنی آخر چنانچه در فصل آداب
حمام گذشت و عمامه ایستاده ببندد و مرویست که هر کس عمامه بندد و تحت الحنک
نبندد و اگر المی بهم رسد که دوا نداشته باشد ملامت نکند مگر خود را و حضرت امام جعفر صادق
فرموده که عجب دارم اگر کسی که تحت الحنک بسته بحاجتی رود و چون حاجتش بر نیاید و در
زمانه که بسبب تقیه از ابنای دنیا تحت الحنک متروک گشته مثل اگر رسن بسته اگر در
اول عمامه بستن تحت الحنک ببندد و چنانکه بعضی میکنند تا بسنت عمل آید احسن
باشد و چون کفش پوشد ابتدا بپای راست کند و بگوید بِسْمِ اللهِ اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی
مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَوَطِّئْ قَدَمَیَّ فِی الدُّنْیا وَالْآخِرَةِ وَثَبِّتْهُما عَلَی الصِّراطِ یَوْمَ
تَزِلُّ فیهِ الْأَقْدامُ و چون بیرون کند ابتدا بپای چپ کند و بگوید بِسْمِ اللهِ اَلْحَمْدُ لِلّهِ
اَلَّذی رَزَقَنی ما أُوَقّی بِهِ قَدَمَیَّ مِنَ الْأَذی اَللّهُمَّ ثَبِّتْهُما عَلی صِراطِکَ
وَلا تُزِلَّهُما عَنْ صِراطِکَ السَّوِیِّ و بپای کفش را نزد و که اگر چنین باشد تری

از اجنه و شیاطین عارض شود و زود مفارقت کند و چون جامه از بدن بیرون کند
ته کند تا از کثافت و اکلی محفوظ ماند و شیطان نپوشد و چون عمامه از سر برگیرد طاق
بالاتر از سر و ابتدا در میان گذارد تا شیطان بر سر نهد **فصل دوم** در قدر طعام
خوردن مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلم که منافق با هفت روده طعام خورد و مؤمن
با یک روده و بسیار خوردن دل را سخت و ظلمانی و بی رحم و از خدای تعالی دور و غافل
گرداند و در دین بی پروا کند و شهوت برانگیزد و نفس را سرکش و عقل را تیره و شیطان را
اعانت و دین را فاسد کند و موجب همه امراض باشد و هر کس در دنیا سیر تر باشد در روز
قیامت گرسنه تر باشد و بر سر سیری چیزی خوردن موجب برص شود و دشمن ترین
حالات در نزد خدا آنست که شکم پر باشد و دوست ترین آنکه خفیف و سبک بود
لقمه بضرورت خوردن افضلست از مرتبه عبادت کردن و هر کس خود را از اشباع
دهن از کلام و شکم از طعام منع کند تا ضرور نشود و گرسنگی دام مؤمن و غذای
روح و قوت دل و صحت بدنست و در جمیع آنها بعکس سیریست و مرویست که یحیی

از انبیا بپرسید که هیچ صفتی در من می‌بینی که ترا خوش آید شیطان گفت بلی اینکه چون
شب افطار کنی چیزی بیشتر تناول نمائی و بدین سبب بعضی عبادات و طاعات در شب از تو فوت
شود فرمود که من عهد کردم با خدا که هرگز طعام سیر نخورم و این با وجود آنست که در روایت
که طعام آنحضرت علف و گیاهی بود که حیوانات میخورده اند و ماکول خود را از ایشان امتیاز
نمیکرده اند و حضرت پیغمبر فرمود بعد از من جمعی آیند که در نعمت متولد شوند و در نعمت تربیت
یابند و همت ایشان غیر الوان اطعمه و اشربه نبود و چون در مجلسی سخن گویند از هر طرف تحسین شنوند
ایشان بدترین امت منند و حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه و آله فرمود که هر کس همتش آن باشد
که داخل شکمش شود قیمتش همان است که بیرون میرود و نیز مرویست که ثلث شکم را از طعام
بگذارید و ثلث از برای آب و ثلث دیگر برای نفس و خود را فربه مکنید چنانکه خوک را برای ذبح
فربه کنند و فضائل تقلیل طعام و رذائل کثرت آن عقلا و شرعا زیاده از آنست که درین
مختصر گنجد فصل سیم در اوقات طعام خوردن و آداب متعلق بآن مرویست از اهل بیت
طاهرین علیهم السلام که بهترین اوقات برای اکل دو وقت یکی صبح و مرویست که هر کس عمر خود را

دراز خواهد چاشت را زود بخورد و شام بعد از نماز خفتن که وقت عشاء انبیاست علیهم السلام
مرویست که خفتن را باید چیزی تناول نمود خصوصا پیرانرا و ترک نباید کرد و اصل خرابی
بدن و فساد صحت و موجب ضعف مزاج و قوت است و در روایت است که رگی در بدن است که عرق عشا گویند
اگر کسی شب چیزی نخورد آن رگ تا صباح نفرین کند و گوید خدا ترا گرسنه کند چنانکه مرا
گرسنه و تشنه گذاشتی و درین صورت دیگر چیزی باید خورد که موجب جوع و امراض و فساد بدن
باشد و در روایات بسیار در مذمت تنها خوردن آمده که شیطان شریک طعام او
شود و علامت اثر بخل باشد و گاه باشد که بلی و مرویست که موجب بهم رسیدن بخل و شر شود و دستهای
بسیار در طعام موجب زیادتی برکت است و جمعی در خدمت حضرت پیغمبر شکایت
کردند که طعام میخوریم و سیر نمیشویم فرمود شاید که تنها طعام میخورید باهم جمع شوید و باهم
بخورید و بسم الله بگویید تا برکت زیاد شود و در اوانی طلا و نقره اکل و شرب حرام است که هر کس
چنین کند آتش جهنم در شکمش جوشان زند و شستن دست پیش از طعام و بعد از آن پریشانی
دفع کند و روزی بیفزاید و عمر دراز کند و چشم را جلا دهد و اهل مجلس همه در یک لگن دست

شوند تا پیر شوند و همه فارغ نشوند لکن برخیزند که طفلشان نیکو شود و جمعیتشان
بهم شد تمام کرده بود و در دست شستن پیش از طعام ابتدا بصاحب طعام کند و بعد از آن
از جانب راست شوند به ترتیب و بعد از طعام ابتدا بجانب چپ کنند و بآن ختم نمایند
باشند بجانب راست و در خانه کنند هر کس باشد چون پیش از طعام دست شویند خشک نکنند
که تا رطوبت در دست باشد برکت بیفزاید و چون خوان حاضر شود بگوید بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهَا نِعْمَةً مَشْکُوْرَةً تَصِلُ بِهَا نِعَمَ الْجَنَّةِ و چهار هزار ملک
در وقت طعام خوردن حاضر شوند پس اگر در وقت شروع بخوردن نموده بسم الله گویند
ملائکه گویند خدای تعالی برکت شما زیاده کند و شیطان بخود در گوید بیرون روید
که شما را درین طعام نصیبی نیست و اگر بسم الله نگویند گوید بیایید که شما را نصیبی است پس آیند و
شریک شوند و اگر بعد از آن بسم الله بگویند شیطان آنچه خورده باشد قی کند یعنی
اثرش ناکثیر زایل شود و هر کس طعام حلال خورد و در اول بسم الله و در آخر الحمد لله گوید
روز قیامت او را از آن طعام سؤال نکنند و هر کس نگوید بسم الله و باشد و الحمد لله رب
العالمین

العالمین هنوز لقمه بدهنش نرسیده باشد که گناهانش آمرزیده شود و اگر چند نوع طعام
باشد و در هر یک بسم الله گوید و اگر فراموش کند که در هر یک بگوید در اول بگوید
بسم الله علی اوله و آخره و حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه فرموده که بسم الله بگویید
و هر چه خواهید بخورید من ضامنم که ضرر نکند معونی گفت من بسم الله گفتم و طعام خوردم
متضرر شدم فرمود چند نوع طعام خوردی و در بعضی بسم الله نگفتی گفت بلی فرمود
آن ضرر کرد دیگری نیز گفت من بسم الله گفتم ضرر یافتم فرمود در اثنای طعام حرف
زدی و بعد از آن بسم الله نگفتی گفت بلی فرمود آن تتمه ضرر کرد و مرویست که هر کس
که عیال خود را جمع کند و در اول طعام بسم الله و در آخر الحمد لله گوید گناهانش آمرزیده
شود و اگر با مجذوم یا صاحب بلیه طعام خورد بگوید بِسْمِ اللهِ ثِقَةً بِاللهِ وَتَوَکُّلًا
عَلَیْهِ و مرویست که حضرت امیر المؤمنین بحضرت امام حسین صلوات الله علیهما فرمود که هیچ
لقمه گرم یا سرد و هیچ شربت آب نخوری مگر که پیش از آن بگویی اَللّٰهُمَّ اِنِّی
اَسْئَلُکَ فِی اَکْلِی وَشُرْبِی السَّلَامَةَ مِنْ وَعْکِهِ وَالْقُوَّةَ بِهِ عَلٰی

طاعتك وذكرك وشكرك فيما ابقيته من بدني وان تشجعني بقوتها على عبادتك وان تلهمني حسن التجوز عن معصيتك که چون این گوئی از مضرت آن ایمن باشی و مرویست که در طعام دوازده خصلت است که بر هر مسلمین لازم است دانستن آن چهار خصلت فرضست دانستن اینکه آن نعمت از خدای تعالی است و راضی بودن بآن و بسم الله گفتن و شکر کردن و چهار خصلت سنت است دست شستن پیش از طعام و بر جانب چپ نشستن و بسه انگشت خوردن و انگشتان را لیسیدن و چهار خصلت ادب است از پیش خود خوردن لقمه را کوچک کردن و بسیار خائیدن و نگاه بر روی مردم نکردن و مرویست که بر طعام از روی ادب و تواضع باید نشست چنانکه بندگان نشینند نباید مربع و یکپا بر بالای پای دیگر و تکیه کرده چنانکه متکبران نشینند نباید نشست تا دست بر زمین گذاشتن بر وجهی که تکبر و تکبر نباشد قصور ندارد و از بعضی ائمه طاهرین علیهم السلم مرویست که چنین میکرده اند و بیک انگشت نباید خورد که شیوه متکبران است تا با همه انگشتان قصور ندارد

و بهر

مرویست که حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه چنان میکرده و با دست چپ نباید خوردن مگر آنکه ضرورتی باشد و از بالای طعام نباید خورد که برکت طعام از بالا آید بلکه از اطراف باید خورد و مستحب است افتتاح و اختتام بنمک کردن که هفتاد و دو بلا دفع شود که از آنجمله جنون و جذام و برص باشد و اگر بر لقمه اول نمک بپاشند نقطه های سفید و سیاه که در روز اول شود در رو که مردم میدانند که در نمک چه قدر منفعت است محتاج تریاق فاروق نشوند و در روایات دیگر آمده که افتتاح و اختتام بسرکه مثل نمک است و در روایت دیگر آمده که ما اهل بیت افتتاح بنمک و اختتام بسرکه نمائیم و مرویست که سرکه عقل را زیاده کند و دل را زنده گرداند و گوشت دندان محکم کند و صفرا را بشکند و نان با سرکه خوردن کرم معده بکشد و شهوت را قطع کند و مرویست که سرکه در خانه مثل مرد صالح است که دعای برکت و وسعت بر اهل آنخانه کند و مستحب است که سبزی در سفره باشد که زینت سفره است و مرویست که روزی در سفره حضرت امام موسی سبزی نبود میل بطعام نفرمودند تا آنکه سبزی آوردند و فرمود که در سفره که سبزی نباشد من طعام نخورم و در اثنای طعام حمد و ذکر خدا بسیار کنید و بازی و لغو و بی ادبی نکنید

که هرچه کند طعام روز قیامت شهادت دهد و طعام بسیار گرم نباشد که بی برکت باشد
و شیطان شریک باشد و بر طعام نفخ نکند که برکتش برود و نیز از جهة آداب بر طعام و آب
بر روی مصحف و بر موضع سجود دیف نباید کرد و استخوان از گوشت بسیار خالی نباید کرد
که نصیب اجنه است و مرویست که هر کس خمیر کند بهتر از آن خبری از خانه اش کم شود و چون
جمعی در سفره باشند اگر کسی زودتر سیر شود دست نکشد مبادا که رفقا خجل شوند و گرسنه
مانند و هر کس قاب بلیسد چنان است که مثل آن را تصدق کند و هر کس انگشتان ابلیسد خدای تعالی
فرماید بارک الله فیک و خوردن ریزهای نان و طعام از خوان ریخته باشد امانست از جنون
و جذام و برص و بحق و صفراء و دوای هر علت و مهر حور العین است و اولاد بسیار و دفع فقر
کند از و و از ولد و ولد ولدش تا هفت پشت اما اگر در صحرا و بیرون خانه باشد ریزهای خوان را
نباید برداشت هر چند بسیار باشد که نصیب طیور و حیوانات است و هر کس پاره نان از
سر راه بردارد و بخورد صد حسنه باشد و اگر از میان نجاست بردارد و بشوید و در کناری
بگذارد هفتاد حسنه بود و اگر بخورد بهشت او را واجب باشد و هر کس پاره نان یا خرمای

بلکه

بلکه غیر آن از نعمتها از هر چه باشد افتاده ببیند بخورد و هنوز از شکمش بیرون نرفته باشد
که گناهانش آمرزیده گردد و بهشت او را واجب شود و چون از طعام خوردن فارغ شود
بگوید اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی اَطْعَمَنَا فِی جَائِعِینَ وَسَقَانَا فِی ظَمْآنِینَ وَکَسَانَا
فِی عَارِینَ وَهَدَانَا فِی ضَالِّینَ وَحَمَلَنَا فِی رَاجِلِینَ وَآوَانَا فِی ضَاحِینَ
وَاَخْدَمَنَا فِی عَانِینَ وَفَضَّلَنَا عَلٰی کَثِیرٍ مِنَ الْعَالَمِینَ و هر کس بعد از طعام
خوردن بگوید اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی اَطْعَمَنِی فِیهِ وَرَزَقَنِیهِ مِنْ غَیْرِ حَوْلٍ
مِنِّی وَلَا قُوَّةٍ کفارهٔ شصت ساله گناهان او باشد و حضرت پیغمبر هر گاه شیر تناول
فرمودی گفتی اَللّٰهُمَّ بَارِکْ لَنَا فِیهِ وَزِدْنَا مِنْهُ و چون ماهی تناول فرمودی
گفتی اَللّٰهُمَّ بَارِکْ لَنَا فِیهِ وَاَبْدِلْنَا خَیْرًا مِنْهُ و چون خوان بردارند بگوید
اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهَا نِعْمَةً مَشْکُورَةً و صاحب
طعام را دعا کند و بگوید اَللّٰهُمَّ بَارِکْ لَهُمْ فِیمَا رَزَقْتَهُمْ وَاغْفِرْ لَهُمْ
وَارْحَمْهُمْ اَللّٰهُمَّ اَطْعِمْ مَنْ اَطْعَمَنِی وَاسْقِ مَنْ سَقَانِی و بعد از طعام

دست را از چربی پاک شوید که اگر چربی در دست بماند و بخوابد از نکیر و جنبه ایمن نبود
و چون بعد از طعام دست بشوید دست تر بر ابرو بمالد و بگوید الحمد لله
المحسن المجمل المنعم المفضل از درد چشم ایمن گردد و اگر دست تر بر روی بمالد کلف را
زایل گرداند و سبب زیادتی رزق باشد و چون دست بر رو بمالد و بگوید الحمد لله
الذی هدانا و اطعمنا و سقانا و کل بلاءٍ صالحٍ اولانا و اگر میوه
نو برسد ببوسد و بر چشم گذارد و بگوید اللهم کما اریتنا اولها فی عافیة
فارنا آخرها فی عافیة و نیز بگوید اللهم بارک لنا فی عمرنا و بارک لنا
فی هدیتنا و بارک لنا فی صاعنا و بارک لنا فی مدنا و چون تناول کند بگوید
اللهم کما اطعمتنی اولها فاطعمنی آخرها و بارک لی فیها و مستحب است که
آن را بکوچکترین اطفال دهد و مرویست که میوه را بشوید که هر میوه زهری بر رو دارد و بعد از
طعام خلال کردن سنت است و دهن را خوشبو و دندان را محکم کند و سبب بادی روزی
باشد و ملائکه را از هیچ چیز آن قدر بد نیاید که از طعام که در بن دندان مانده و بدبوی شده

باشد

باشد و حضرت پیغمبر فرموده که خدای تعالی رحمت کند بر هر کس که در وضو و طعام خلال
کند از دست من ملکی از آسمان ندا کند و گوید اللهم بارک فی المتخللین و
المتخللین خلالین آنانند که سرکه در خانه دارند و متخللین آنانند که خلال کنند و هر چه
با خلال از دندان بیرون آید باید انداخت و اگر بزبان جدا شود فرو برند و با چوب
ریحان و انار خلال نکنند که عرق جذام را بحرکت آورد و کسی که بنی خلال کند منفعت رو
دعایش مستجاب شود **فصل چهارم** در فضایل بعضی از انواع ماکولات مرویست از اهل
طاهرین که کدو و تسبیح ما از حلاوت مخلوق شده ایم از آن است که حلاوت دوست
داریم و نیز مرویست که مؤمن لذت و شیرینی را دوست دارد و مرویست که **شکر**
تمامش دوا است و هیچ مضرت در وی نیست و عسل دوای هر علت است و هیچ ضرر نکند اما قدر
استعمال آن در احادیث یک انگشت وارد گشته و ماهی کم تر بود و اشتهای آن وارد شده که
هر قدر و هر وقت و در هر حال که خواهند خورند و توقع شفا داشته باشند و نیز مرویست
عسلی که سبز باشد و بوش عطر آورد و یا طعمش در سنایع شده و گزنده باشد زهر قاتل است

وغیر آن نفع دو دوست و مرویست که ما اهل بیت خرما دوست داریم و شیعیان ما
از طینت ما مخلوق گشته اند خرما دوست دارند و اعدای ما از طینت آتش مخلوق شده اند مسکرات
دوست دارند و نیز مرویست که اکرام کنید عمه خود نخله را که از بقیه طینت آدم مخلوق گشته و هر
کس هر روز هفت دانه عجوه که نوعیست از خرما ناشتا بخورد در آن روز از سحر و زهر و شیطان
ایمن باشد و اگر وقت خوابیدن بخورد کرم معده را بکشد و مرویست که اکرام کنید نان را
که خدای تعالی برکات سموات برای او نازل گردانید و برکات ارض را بیرون آورده و از عرش
تا ارض در آن عمل نموده و از جمله اکرامش آنست که با کارد نبرند و زیر پا نگذارند و چون
بر سفره حاضر شود انتظار چیز دیگر نکشند و زیر صحن نگذارند و مرویست که دانیال علیه السلام
کشتیبانی داد که او را در کشتی نشاند بازار آمد و نان دراخت و گفت انبرا الحکیم این در پیش ما
در زیر پا افتاده است دانیال دست بر آسمان کرد گفت خدایا دیدی که با نان چه کرد و چه گفت
پس خدای تعالی امر فرمود که باران از آسمان نبارید و گیاه از زمین نروید آنگاه قحط شایع گشت
تا حدی که روزی زنی با زن دیگر گفت بیا تا امروز فرزند ترا با هم بخوریم و فردا فرزند مرا

با هم بخوریم آن زن طفل اول را با هم خوردند و روز دیگر مادر طفل دیگر نخورد و آن فرزند را
خود قایل نشد و نخورد انجه دانیال بردند گفت کار شما بآنجا رسیده که این عمل کردید و بخدا
کودکان بیگناه و کنابنگان و چهارپایان بر ایشان رحم کن پس باران آمد و قحط زایل
گشت و از ایشان علیهم السلم مرویست که فضل نان بر سایر چیزها مثل فضل ما است بر سایر مردم
و دوای هر علت است و صاحب سیل را هیچ چیز نافع تر از نان و برنج نیست و روایات
بسیار آمده که ما اهل بیت گوشت بار نشا و اکیم و بسیار دوست داریم و دوست
دارد هر کسی که گوشت دوست دارد و سید طعامها گوشت است در دنیا و آخرت
و هر که چهل روز گوشت نخورد بد خلق شود و بس در گوشش اذان باید گفت و مستحب است که
هر سه روز گوشت خوردن ترک نکنند و هر ... ترک نباید خورد و بهترین گوشتها گوشت
گوسفند است و مرویست که اگر بهتر از این میبود خدای تعالی آن را فدای اسمعیل گردانیدی
و گوشت کباب دفع تب کند و بهترین اعضای حیوانی اعالی بدن است و بدترین
اعضای که بموضع بول نزدیک است و سید طعام گوشت و برنج است و برنج

بواسیر را قطع کند و مرض النقرس را نافع بود وهریسه هریسه مائده ایست که بر حضرت
پیغمبر نازل گشت و چهل مرد را قوت عبادت افزاید و عدس دل را رقیق کند و اشک
روان کند و باقلا دماغ و ساقین را قوت دهد و خون صالح از آن تولد کند و سیر
گردکان هر یک تنها ضرر کند و با هم نافع باشند و در روایت دیگر آمده که پنیر در روز ضرر
کند و شب نافع باشد و با هر دو نافع بود و از حضرت امام جعفر صادق ع مرویست که فرمود
که چه خوب لقمه ایست پنیر و مغز جوز خوش طعم و خوشبو کند و طعام هضم نماید و اشتها
آورد و هر کس اول ماه پنیر بخورد امید هست که در آن ماه حاجاتش روا شود و ضرر او
آتش حکمت و تیزی نیش رخت و یک لقمه از آن هفتاد هزار حسنه ثبت شود و هفتاد
هزار سیئه محو گردد و ناشتا نباید خورد و انگور را زرقی از
میوه‌های بهشت است و انگور سیاه غم از دل زایل کند و هر کس هر روز ناشتا بیست و یک
مویز سرخ بخورد از جمیع امراض ایمن شود مگر مرض الموت و مرویست که خدای تعالی صد و
بیست نوع میوه بشما داده است و سید همه انار است و فرزند را نیکو کند و اگر گرسنه

بخورد سیر شود و اگر بر سر طعام بخورد هضم کند و در هر انار دانه از بهشت هست از آنجهت
انار را تنها باید خورد و تمام دانه‌اش را تا دانه بهشت فوت نشود و هر کس یک انار تمام بخورد که
خدای تعالی چهل روز شیطان را از او دور کند و اگر دو انار بخورد صد روز و اگر سه انار
بخورد یکسال و هر کس یکسال شیطان از و دور شود گناه نکند و هر کس گناه نکند به بهشت
رود و در روایت دیگر آمده که هر کس یک دانه انار بخورد دلش را نورانی گرداند و چهل روز شیطان
وسوسه او نکند و هیچ دانه اناری داخل شکم مؤمن نشود مگر که دوای چهل کوفت باشد
و سیب سحر و زهر و سایر عوارض و بلغم و وبا و رعاف و تب را دفع کند و حضرت امام
جعفر صادق ع فرمود که اگر اهل بیت بیماران خود را سیب و آب سرد دهد او ایکنیم شتا نزد
بیماران خود را سیب بدهید که هیچ چیز نافعتر از آن نیست و حکما گویند اهل بیت من همه بیمار
بودند از بسیار سیب و آدم همه صحت یافتند و خوردن سیب ناشتا معده را قوت
دهد و زهر جانور را هیچ چیز نافعتر از آرد سیب نیست که پا تا شامند و آن تا میدان
از سیب رعاف نیز و با تشنه دهد و به معده را قوت دهد و رنگ رو را صاف کند

وبی دل را دلیر گرداند و فرزند را جمیل کند خصوصاً اگر ناشتا بخورند غم ببرد و همچنانکه
انگشت عرق پیشانی را پاک کند و دل حزین را جلا دهد و عقل بیفزاید و محبت در دلها دهد
و هر کس یک به بخورد خدای تعالی بر زبانش حکمت جاری گرداند و اگر سه روز ناشتا
بخورد ذهن صفا یابد و دل از علم و عقل مملو گردد و از کید ابلیس و جنود وی ایمن گردد
و امرود دل را قوت دهد و معده را دباغت کند و دردهای اندرون را تسکین دهد و بر سر طعام
نافع است و دیگری ببرد و انجیر شیرین‌ترین میوه‌های بهشت است و بواسیر و نقرس قطع کند
و بوی دهن ببرد و استخوان محکم گرداند و هر علتی را نافع باشد و محتاج هیچ دوا نباشد
و کدو دماغ را قوت دهد و عقل را زیاده کند و حضرت پیغمبر چون در خانه‌اش طعام
پختندی فرمودی تا کدو در آن بسیار کنند و چغندر برگ آن با فردوس روییده
و برگ آن عرق جذام را قطع کند و در بادام هیچ چیز نفع از آن نبود و بیمار را نافع باشد
و موجب خواب است و راحت ایشان بود و هیچ الم در آن نبود و از تلخ آن احتراز باید نمود
که هیچ سود نکند و گندنا امانت است از قولنج و بواسیر و در مباشرت معین باشد و باد بجای

امانت

امانت از برص و آلام را نافع بود و المی از آن نباشد و در سرما و گرما پیر و جوان را موافق
بود و پیاز بلغم را ببرد و خون را صاف کند و دهن را خوشبو گرداند و عقل بیفزاید و اعصاب
محکم سازد و مجامعت را اعانت کند و گوشت دندان را محکم کند و روایت کرده چون داخل
با شهری شوید از پیاز آن بخورید که تغییر آب و هوا را نافع است و گندنا سید سبزیهاست
و هر روز هفت قطره از نفت بر وی ریزد و بواسیر قطع کند و دهن را خوشبو کند و باد را
بشکند و امانت از جذام کسی را که بآن مداومت باشد و چون سه روز بخورد زیر را
نافع باشد و کاسنی نیز سید سبزیهاست هر روز دو قطره از نفت بر آن چکیدن
از افشاندن و شستن و سبزی حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم است و اولاد ذکور
بسیار کند و مرویست که فضل آن بر سایر سبزیها مثل فضل ماست بر سایر ناس و دوای
هزار علت است و هر کس وقت خوابیدن هفت برگ از آن بخورد آن شب از قولنج ایمن باشد
و اگر روز جمعه پیش از نماز هفت برگ بخورد از اهل بهشت گردد و مسموع گشته که اگر
تخم کاسنی بکارند و بعد از آن دو مرتبه دستشان کند لطیف و تر شود

و باد روج که بفارسی بادرنجبویه گویند سبزی حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام است و
اهل بهشت تزیین خوان بآن نمایند و امانست از جذام و از بهر علتی و حضرت امام موسی
فرمودند دوست دارم که پیش از طعام ازان بخورم که سده بگشاید و اشتها آورد و سل
ببرد و چون پیش از طعام بخورم بعد ازان هرچه بخورم پروا ندارم و اگر بعد از طعام بخورم
هضم طعام کند و دفع ثقل نماید و بوی دهن خوش کند و برگ ترب طعام را هضم کند
و بادها دفع نماید و بول براند و بیخش بلغم قطع کند و کسی که در شب جرجیر بخورد که بفارسی
تره تیزک گویند از جذام و برص ایمن نباشد و قاووت بوحی الهی ساخته شد گوشت
برویاند و استخوان سخت کند و برص ببرد و بلغم و صفرا قطع کند و هفتاد نوع بلا دفع
نماید و اگر بعد از طعام بخورند معین هضم باشد و در روایتی آمده که مردان قاووت با شکر
نخورند که ایشانرا اصفر باشد و اگر هفت مرتبه با آب بشویند و بعد ازان بقدح دیگر ریزند
تب ببرد و تقویت ساق و قدم کند و کسی بمرض برسام مبتلا گشت حضرت امام جعفر صادق
فرمود قاووت جو بپاشانند و مرتبه شیر بیاشامید که شفا یافت و قاووت

عدس تشنگی نشاند و معده را قوت دهد و هیجان خون را ساکن گرداند و حرارت اندرون
نشاند و معده را قوت دهد و هیجان خون را ساکن گرداند و حرارت اندرون نشاند
و دو و هفتاد علت بود و مرویست که زنی را حیض غلبه کرده بود تا آنکه مشرف بر موت
شده بود حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود تا قاووت عدس آشامید صحت یافت و کسی
که تخم مرغ بسیار خورد اولادش بسیار شود و ماهی بسیار خوردن بدن را لاغر کند
و اگر کسی شب ماهی بخورد و بر سر آن چند دانه خرما یا عسل نخورد بیم فالج بود و چربی
گوشت در هر لقمه که داخل بدن شود آنقدر گوشت بیرون کند و روغن دوست و قیر و زیست
که چون کسی به پنجاه سال رسد شب نخوابد تا روغن بخورد که موافق مزاج ایشان است
فصل پنجم در فضایل آب و آنچه متعلق است بآن از آداب مرویست از اهل بیت
طاهرین که رسید اثر جنت آبست و هرکس از آب لذت شود خدای تعالی او را
از اثر بهشت لذت گرداند و گویا معنی لذت شدن از آب آنست که قدر این
نعمت و تفضل الهی را در عطای او بداند و یکی از اطبا امام موسی کاظم علیه السلام را

از آب خوردن منع کرد آن حضرت فرمود چرا منع میکنی آب طعام را هضم کند و صفرا
تسکین دهد و اطفای حرارت کند و غضب نشاند و عقل بیفزاید اما افراط نباید خورد و ناشتا
نباید خورد و مگر در تابستان گرما زده باشد که مضرت است و بسیار امراض از آن متولد شود
سؤر مؤمن خواه در آب و خواه غیر آن شفای هفتاد مرض است و هر کس سؤر مؤمن را به
تبرک بیاشامد خدای تعالی فرشته خلق کند که برای ایشان استغفار کند تا روز
قیامت و آب زمزم دوای هر مرض است و حضرت امام جعفر صادق ع احوال بیمار
پرسید که چون است کسی گفت در اموات گذاشتیم فرمود اگر من بجای شما میبودم
آب میزاب یعنی ناودان کعبه معظمه باو میدادم راوی گوید آب میزاب بوی دادیم
همان روز شفا یافت و آب باران بدن را از آلام پاک کند و تب و وسوسه شیطان
دفع کرده و ایمان در دل ثابت گرداند و آب فرات و ناودان آن بهشت بر رو
میریزد و دو فرشته هر شب از آسمان آید و مثقال از مشک بهشت در آن ریزد و در روی
زمین نهری مبارکتر از آن نیست و آب جوشیده بهر علتی نافع است و هیچ چیز

ضرر نکند و اگر آب را بجوشانند که هفت جوش بزنند پس ظرفی دیگر کنند
و بنوشند تب ببرد و ساق و قدم را قوت دهد و آبهای گرم که کان کبریت
آن گنده و آبهای تلخ بد طعم مداوا نباید کرد که در طوفان اجابت نوح علیه السلام نکردند
پس آنها را لعن فرمود و امیر دارو زنی بهم و استوجه حنین آبی بود بحضرت امام حسن و امام
حسین علیهما السلام ملاقات نمود فرمودند همان نیست که خبر را اگر خدای تعالی لعن کرده
باشد شفا در آن گذاشته باشد زیرا که چند چشمه اجابت حضرت نوح نکردند و ملعون
گشتند و تلخ و شور شدند و بروایت دیگر فرموده اند آبی که بهر و در میان انکار ولایت
کرده اند و آبها نکنید زیرا که خدای تعالی ولایت را بر آبها عرض نمود هر کدام قبول نمود
شیرین و طیب شدند و آنها انکار کردند تلخ و شور گشتند تا آب آشامیدن آب اکثر روز
ایستاده آشامیدن افضل است که برای تحلیل دادن و قوت و هضم بهتر است و در شب
کره است ایستاده نوشیدن ضررست و عروق خدام را تحرک آورد و آشامیدن آب باید چون
نکمه آن باشد که غیر آن با عقب وجع بیمرز باشد و بنفس آشامیدن و ادر روایت

که اگر کسی که آب خورد مملوک تو باشد به نفس بیاشامد و اگر آزاد باشد یک نفس و در وقت
آشامیدن بسم الله بگوید تا شیطان شریک نشود و اگر چنین بگوید افضل است الحمد لله
منزل الماء من السماء مصرف الامر کیف یشاء بسم الله خیر الاسماء
و اگر در شب نوشد آب را حرکت دهد و سه مرتبه بگوید علیک السلام من ماء زمزم
و ماء الفرات تا ضرر آن رفع شود و هر کس به نفس بیاشامد و در هر نفس بسم الله بگوید
و بعد از نوشیدن در هر دو الحمد لله بگوید تا آن آب در شکمش باشد برای او تسبیح گوید و بهشت
او را واجب شود و از پیش دسته و جانب شکسته کوزه آب نیاشامد که بهره و مقام
شیطان است و بعد از آب خوردن بگوید الحمد لله الذی سقانی ماء
عذبا و لم یجعله ملحا اجاجا بذنوبی الحمد لله الذی سقانی فاروانی
و اعطانی فارضانی و عافانی و کفانی اللهم اجعلنی ممن تسقیه
فی المعاد حوض محمد صلی الله علیه و آله و تسعده بمرافقته برحمتک
یا ارحم الراحمین و مرویست از حضرت امام جعفر صادق ع که هر گاه آب آشامید

چشم

چشم مبارکش پر آب گشت و گفت لعن الله قاتل الحسین پس فرمودند که هر کس بعد از
آب خوردن حضرت امام حسین و اهل بیتش را علیهم السلم یاد کند و بر قاتلش لعن کند خدای تعالی
برای او صد هزار حسنه نویسد و صد هزار سیئه محو کند و صد هزار درجه بلند گرداند و چنان
باشد که صد هزار بنده آزاد کرده باشد و چون روز قیامت محشور شود جگرش خنک باشد
و از تشنگی و حرارت در آن تشنه نباشد و مستحب است سر کوزه را پوشیدن که شیطان کوزه
پوشیده را نگشاید **فصل ششم** در فضایل ضیافت کردن و احکام متعلق بآن مرویست
از اهل بیت طاهرین علیهم السلم که چون مهمان داخل خانه شود رزقش با او از آسمان آید و چون
طعام خورد گناهان اهل آن خانه آمرزیده شود و حضرت امام جعفر صادق ع از یکی از اصحاب
پرسید که شیعیان را هیچ دعوت میکنی گفت هیچ وقت طعام نخورم مگر دو و سه نفر و بیشتر
با ایشان باشم فرمود فضل ایشان بر تو بیشتر است از فضل تو بر ایشان گفت من ایشان را طعام
میدهم و بخانه خود می آورم و فضل ایشان بیشتر است فرمود بلی چون داخل خانه تو شوند
با مغفرت تو و عیال تو داخل شوند و چون بیرون روند گناهان شما را بیرون برند و هم

از ایشان علیهم السلام مرویست که هرکه مؤمنی را سیر کند هیچکس جز او نداند نه ملک مقرب
و نه پیغمبر مرسل بجز خدای تعالی و مغفرت گناهانش لازم گردد و او را بهشت واجب شود
و از نعمتهای بهشت عوض یابد و بهتر است از آنکه یک افق از مردم آزاد کند پرسیدند
که افق چه قدر است فرمود که صد هزار یا بیشتر و هرکس دهن مؤمنی را لقمه شیرین کند تلخی
روز قیامت نه بیند و فضایل اطعام مؤمن بتفصیل در باب دیگر انشاالله تعالی بیاید و هرکس
مؤمن تشنه را آب دهد حق تعالی او را از رحیق مختوم سیراب گرداند و اگر در جایی آب
دهد که آب باشد چنان است که یک بنده آزاد کرده باشد و بهر یک شربت آب هفتاد
هزار حسنه عطا فرماید و اگر در جایی که آب نباشد آب دهد چنانست که ده بنده از
اولاد اسمعیل آزاد کرده باشد و نفسی را زنده گردانده و هرکس یک نفس زنده گرداند چنانست
که تمام ناس را زنده کرده باشد و هرکس جگر تشنه را از انسان یا حیوان آب دهد در سایه
عرش خدا باشد در روزی که هیچکس را پناه نباشد و هم از ایشان علیهم السلام مرویست
که هرکس ایمان بخدا و روز قیامت دارد مهمان را اکرام نماید و چون کسی بخانه کسی وارد

شود باید طعام بر او عرض کند اگر میل نکند آب عرض کند اگر رغبت نماید آب وضو معروض
دارد و نباید گذاشت که مهمان متوجه خدمتی و کاری شود و مرویست که حضرت امام رضا را
مهمانی وارد شد در شب خواست که فتیله چراغ را درستی زند حضرت او را منع فرمودند
و خود متوجه آن گشت و فرمود که ما اهل بیت مهمان را بخدمت نگذاریم و مرویست که
چون مهمان داخل شود در آوردن رخوت و اسباب او را مدد کنید و چون بیرون رود
نکنید و از جمله اکرام مهمان آنست که خلال برایش مهیا کنید و با او در طعام خوردن
رفاقت باید نمود تا او دست نکشد دست نباید کشید و اگر مهمان خود وارد شود
برایش تکلف نباید کرد بلکه هرچه در خانه باشد اکتفا باید نمود و اگر دعوت کرده باشند
تکلف که مقدور باشد باید کرد و مرویست که معلوم نیست که کدام عجیبتر باشد مهمانی
که میزبان را بتکلف وادارد یا میزبانی که برای مهمان تکلف کند و نیز مرویست که هلاک
شود میزبانی که آنچه در خانه دارد برای مهمان حقیر شمارد و مهمان آنچه برایش آورند حقیر
شمارد و در روایات بسیار آمده که محبت دوستان را با هم ازین توان دانست

که طعام یکدیگر را از روی رغبت و انبساط و یگانگی خورند نه از روی کراهت و تکلف و از آنجمله
یکی از اصحاب حضرت امام جعفر صادق ع گوید روزی بخدمت آنحضرت رفتم فرمود طعام آوردند
قدری خوردم و دست کشیدم فرمود بخور گفتم خوردم الحمد لله فرمود که دیگر بخور میدانی
که محبت دوستان باین معلوم میشود که طعام یکدیگر را از روی انبساط و رغبت خورند پس با انگشت
مبارک طعام جمع نمود و من میخوردم و امثال این روایات بسیار آمده و چون مومن کسی را
دعوت کند اجابت باید نمود که احادیث بسیار آمده که اجابت دعوت مومن از جمله حقوق
واجبست که مومنان از یکدیگر یافته است و حضرت پیغمبر ص فرمود وصیت میکنم حاضر و غائب
امت خود را که اجابت دعوت مسلم کنند اگرچه پنج میل باید رفت که اجابت مسلم از جمله حقوق
دین است اما در مجالسی که معصیت کنند و طعامهای حرام و شبهه و همچنین طعامی که اغنیا در آن
باشند و فقرا نباشند اجابت نباید کرد که در این نیز اخبار بسیار آمده و نهی بلیغ
شده و امثال این مجالس موجب معصیت و دوری از خدا و قساوت قلب و محبت دنیا باشد
و اگر کسی ناطلبیده چون بشنود که در جایی طعامی هست برود و هرچه از آن بخورد چنان است

که پاره

که پاره آتش بخورد و چون کسی را بطعامی دعوت کنند و دیگری را بی دعوت با خود ببرد حرام
باشد و هرچه خورد حرام باشد مگر جمعی که محبت و اختلاط و ربط در میانشان بیگانگی رسیده
باشد و یگانگی در میانشان مرتفع باشد و گمان غالب و عذری از جانب صاحب طعام
نباشد و در این صورت نیز اراده کنند ابنای زمان در خانه یکدیگر طعام خورند و یکدیگر را برند

فصل هفتم در آداب مسکن و احکام متعلق بآن مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام
که در شهر و مکانی که عبادت خدا چنانکه باید میسر نباشد توطن و اقامت نباید نمود
بلکه سفر نیز بچنین موضعی نباید کرد و خدای تعالی در قرآن مجید فرماید در روز قیامت
بایشان گویند که چرا در عبادت تقصیر کردید گویند در مکانی که ما بودیم میسر نبود پس
بر سبیل عتاب و توبیخ فرماید مگر زمین خدا فراخ نبود که نتوانستید نقل کنید پس مأوای ایشان
جهنم باشد مگر جمعی که ضعیف و عاجز باشند و قادر بر نقل و تحویل نباشند که ایشان معذور
باشند و باین سبب که مردم کوهستان و قریه و صحرانشینان و همچنین مردمی که در بلاد
مخالفین توطن کنند و اولاد ایشان و همچنین جمعی که در کوهها نشینند و با علما و اهل دین

تردد نکنند از آثار و مراسم دین و آداب و معالم ایمان ایشان بی خبر باشند و جهل حب
دنیا و اخلاق و صفات سباع و حیوانات در ایشان غالب باشد و باین سبب است که
این همه تاکید و امر در زیارت و الفت و مخالطت مؤمنان وارد شده و چنانکه شمه از ان در باب
اول گذشت و نیز از یکی از ائمه طاهرین ع پرسیدند که بعضی مردم خلوت اختیار کنند و ترک
تردد در میان مردم کنند فرمودند پس دین خود را چون بدست می آورند و نیز اخبار بسیار
آمده که چون کسی تنها باشد شیطان برو دست یابد و شیطان با تنهایان باشد و هم از ایشان علیهم
مرویست که از جمله سعادت مرد فضای خانه است و خوبی همسایه و شآمت خانه تنگی فضاست
و بدی همسایه و فرموده اند اول همسایه اختیار کنید و بعد از ان خانه و بنائی که زیاده بر کفاف
باشد روز قیامت بر صاحبش وبال بود و هر کس زیاده بر کفاف بنائی کند برای مباهات
و تفاخر بر همسایگان و مؤمنان روز قیامت آن خانه تا زمین هفتم آتش کند و شعله و طوق در
گردنش گردانند پس در قعر دوزخ افکند مگر آنکه توبه کند و هر کس که توانگر مال هدیه ای از
حرام کسب کند حق تعالی آب و گل را برو مسلط گرداند تا بناها زیاده گذارد دیس میرد

ویرو

و بر و وبال باشد و فرشته موکلست که هر کس را تعالی سقف خانه را زیاده از هشت ذرع
گرداند با و گوید که ای فاسق بکجا میروی و هر چه زیاده از هشت ذرع باشد شیاطین و جن
مسکن کنند و اگر خانه زیاده ساخته شده باشد و بر زیادتی آیة الکرسی بنویسند تا دفع جن
و شیاطین کند و در خانه که سگ یا صورت انسان یا حیوانی یا ظرفی در و بول کنند باشد
ملائکه داخل نشوند اما اگر صورت در فروش و چیزها باشد که پا بر آن گذارند باکی نبود و استعمال
چرب خانه عنکبوت در خانه نگذارد که بهر دو ماوای شیطان باشد و مرویست که خانه را
جاروب کنید تا شبیه بیهودان نشوی و جاروب کردن خانه دفع فقر کند و خاک
روبه را در خانه و نزدیک خانه نباید گذاشت که شیاطین جمعیت کنند و حضرت امام جعفر
صادق ع فرموده که خروس سفید دوست من و دوست هر مؤمن است و خروس سفید
افرق یعنی آنکه تاج شن دو پاره باشد خانه صاحب خود را از آفات حراست کند و بکمال
افشاندن کبوتر خال را بهتر است از صفت خروس سفید افرق و خانه که کبوتر در ان
باشد از فرود آمدن ایمن باشد و جن دفع شوند و اهل آنخانه را از ایشان آفتی نرسد

و مرویست که کبوتر پربا در خانه نگاه دارید که قاتلان امام حسین را لعن بکنید و در شان
ذکر و تسبیح خدا بیشتر از همه چیز کنند و دوست دار اهل بیت علیهم السلم صاحب کرامتند
گویند و ورشان کبوتر صحرائیست و صاحب بشارات گویند بفارسی مرغ آلهی گویند و فاخته
در خانه نباید داشت که صاحب خانه را نفرین کند و چون کسی خواهد که خانه نو بنا کند
مستحب است که گوسفندی ذبح کند و طعام خیر صرف مساکین کند و بگوید اَللّهُمَّ ادْحَرْ
عَنّی وَعَنْ اَهْلی وَوُلْدی مَرَدَةَ الْجِنِّ وَالشَّیاطینِ وَبارِكْ لی فیهِ
بِنْوِلی که آنچه سوال کرده خدای تعالی عطا فرماید فصل هشتم در وظایف شب
و آداب خواب و بیداری مرویست از ائمه طاهرین علیهم السلم که هنوز آفتاب غروب
نکرده باشد چراغ روشن کنید که دفع فقر کند و وقت خوابیدن خموش کنید و چون
وقت سحر شود روشن کنید و بعد از طلوع آفتاب بردارید و بی چراغ داخل خانه تاریک
نباید شد و در مهتاب چراغ نباید افروخت و چون چراغ حاضر شود بگوید اَللّهُمَّ
اِجْعَلْ لَنا نُوراً نَمْشی بِهِ فِی النّاسِ وَلا تُحْرِمْنا نُورَكَ یَوْمَ نَلْقاكَ اَللّهُمَّ

اجعل

اِجْعَلْ لَنا نُوراً اِنَّكَ نُورٌ لا اِلهَ اِلّا اِلهَ اِلّا اَنْتَ و چون خموش کند بگوید
اَللّهُمَّ اَخْرِجْنا مِنَ الظُّلُماتِ اِلَی النُّورِ و مرویست که حضرت پیغمبر در تابستان
روز پنجشنبه از خانه بیرون میرفت و چون هوا سرد میشد روز جمعه بدرون می آمد و در روایت
دیگر بود و در شب جمعه وارد شده و هر کس بر بامی بخوابد که چهار طرفش محجر نباشد اگر عارضه
روی دهد غیر خود را ملامت نکند و محجر کمتر از سه وجب نباشد و چون کسی در خانه بخوابد
باید درها را بپوشد یا پرده بیاویزد تا شیطان داخل نشود و تنها در جائی نخوابد که اکثر جرأت
شیطان و قوتیست که آدمی تنها باشد و مرویست که اگر کسی با دست چرب تنها بخوابد
یا ایستاده در آب بول کند یا ایستاده در شب آب بپاشد پس عارضه از جن رو دهد
و مفارقت نکند و اگر کسی در تنها خوابیدن مضطر شود تا تواند ذکر خدا بسیار کند و وقت
خود را از تشویش خلا فارغ سازد که سبب صحت و راحت بدنست و سوکن با وضو بخوابد
جنابت که تا وقت بیدار شدن نماز گذارده باشد و اگر در میان جا بخاطر رسد که وضو
ندارد بغباری که در رختها باشد تیمم کند مجزی بود و خوابیدن چهار قسم است خواب

انبیا بر قفا و خواب مومنان بر جانب راست و خواب کفار بر جانب چپ و خواب
شیاطین بر جانب رو و اگر کسی بر رو خوابیده باشد باید بیدارش کرد و خوابیدن میان نماز شام
و خفتن موجب حرمان رزقست و بعد از نماز خفتن تا شب نشستن اولی نکرده‌اند و نوم اول است
موجب حرمان سحرخیزیست و گفته‌اند که سگ اول شب بیدار باشد تا سحر و چون سحر شود
بخوابد و حیوانات دیگر همه اول شب خواب کنند و سحر بیدار شوند حتی آنکه تجربه شده
که اطفال در طفولیت بر خلقت خود باقیند اول شب بخوابند و سحر بیدار شوند و چون
بعادت و رسوم اهل دنیا و باطلان بر آیند بصفت سگ در آیند پس مومنان باید اول
شب بخوابند و بنصف شب یا اندکی پیشتر یا دیرتر بیدار شوند و در روایات بسیار آمده که
خدای تعالی اول شب برای استراحت آفریده و آخر شب برای ذکر و عبادت و از
طلوع صبح تا طلوع آفتاب ملائکه ارزاق بنی آدم را قسمت کنند هر کس آن وقت در خواب باشد
از نصیب آن روز خود محروم باشد و من و سلوی بر بنی اسرائیل در این ساعت بر ایشان نازل
میشد و هر کس در خواب میبود از آن روزی محتاج میبود و خواب این ساعت خواب

شومی

شومی و خواب بر شومیت و رنگ را زرد گرداند و خواب اول روز سبب بی نظامی
و بی برکتی کارها باشد و بعد از عصر موجب حماقت باشد و خواب قیلوله که پیش از ظهر است
مبارکست و اعانت شب خیزی کند و شیطان از این خواب بی نصیب باشد و سبب زوال
نسیان و قوت حافظه باشد و بسیار خوابیدن شب سبب فقر باشد در روز قیامت و بسیار
خوابیدن دین و دنیا را از دست بیرون برد و خدای تعالی دشمن دارد کسی را که بی آنکه
بیداری کشیده باشد بخوابد و هر کس وقت خوابیدن دست راست در زیر روی راست
گذارد و بگوید بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ وَضَعْتُ جَنْبِي لِلّٰهِ عَلَى مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ وَدِينِ مُحَمَّدٍ
وَوِلَايَةِ مَنِ افْتَرَضَ اللّٰهُ طَاعَتَهُ مَا شَاءَ اللّٰهُ كَانَ وَمَا لَمْ يَشَأْ لَمْ
يَكُنْ از دزد و غرق و آمدن خانه محفوظ گردد و ملائکه برایش استغفار کنند و اگر بگوید
بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ صد هزار حسنه برایش بنویسند و
صد هزار سیئه محو کنند و صد هزار درجه بلند گردانند و حضرت امام جعفر صادق و امام محمد باقر
علیهما السلام فرمود که چون کسی خواهد بخوابد بگوید بِسْمِ اللّٰهِ اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْلَمْتُ

نفسی الیک و وجهت وجهی الیک و فوضت امری الیک والجات ظهری
الیک و توکلت علیک رهبة منک و رغبة الیک لا ملجا و لا منجا و لا
مفر منک الا الیک امنت بکتابک الذی انزلت و برسولک الذی ارسلت
تسبیح فاطمه زهرا علیها السلم گوید از جمله جمعی باشد که خدای تعالی مدح فرموده با آنکه ذکر بسیار
کنند و هم از ایشان علیهم السلم مرویست که در وقت خوابیدن این تعویذ را ترک نباید کرد
اعیذ نفسی و ذریتی و اهل بیتی و مالی بکلمات الله التامات من
کل شیطان و هامة و من کل عین لامة و هر کس سه مرتبه وقت
خواب گوید یفعل الله ما یشاء بقدرته و یحکم ما یرید بعزته
چنانست که هزار رکعت نماز گذارده باشد و اگر سه مرتبه گوید الحمد لله الذی علا
فقهر و الحمد لله الذی بطن فخبر و الحمد لله الذی ملک فقدر
و الحمد لله الذی یحیی الموتی و یمیت الاحیاء و هو علی کل شیء قدیر
از گناهان پاک شود مثل روزی که از مادر متولد شده باشد و آیة الکرسی بخواند از فالج

ایمن گردد و تا وقت بیدار شدن او و چهل همسایه اش محفوظ باشند و مرویست که دو کس
بسفر میرفتند بخدمت حضرت پیغمبر آمده تعلیمی خواستند فرمود وقت خوابیدن تسبیح
فاطمه زهرا علیها السلم بخوانید و بعد از ان بخوانید آیة الکرسی پس چون از شهر بیرون
رفتند جمعی دزدان تعاقب ایشان بیرون آمدند و چون در منزلی فرود آمدند دزدان
غلامی را بجاسوسی فرستادند تا خبری از ایشان بیاورد غلام مراجعت کرده گفت هیچکس
ندیدم و دیواری دیدم هر چند بر دور گشتم راه درون شدن نیافتم گفتند ترسیده
و دروغ میگویی خود در خواسته رفتند شنیده موافق دیده یافتند چون صبح شد دزدان
پیش ایشان آمده قصه شب نقل کردند و احوال استفسار نمودند ایشان حکایت خود
بیان کردند و گفتند برکت تعلیم آنحضرت از شر شما ایمن گشتیم دزدان نیز قطع امید نموده
راه خود رفتند و اگر در وقت خواب آخر سوره کهف بخواند تا مسجد الحرام نوری تابان
شود که در میان آن نور ملائکه باشند و از برای او استغفار کنند و اگر قل یا ایها الکافرون
و قل هو الله بخواند از شرک بری شود و حضرت پیغمبر بحضرت فاطمه علیها السلم فرمود وقت

خوابیدن تا چهار کار نکنی نخوابی ختم قرآن کنی و مرا و جمیع انبیا را شفیع خود کردانی و همه
مؤمنان را از خود راضی سازی و حج و عمره کذاری کفت اینهمه را در یک ساعت چون کنم فرمود که سه مرتبه
قل هو الله بخوان که ختم قرآن کرده باشی و صلوات بر من و انبیا بفرست همه شفیع تو باشیم
در روز قیامت و برای مؤمنان استغفار کن تا همه از تو راضی شوند و سبحان الله والحمد لله
ولا اله الا الله والله اکبر بکوی که حج و عمره کذارده باشی و اگر قل هو الله و معوذتین هر یک ده مرتبه
بخواند ختم قرآن کرده باشد و بعدد هر آیه از فرقان ثواب پیغمبری یابد و از کناه پاک شود
مثل روزی که متولد شده و اگر در آن شب بمیرد شهید باشد و اگر یازده مرتبه انا انزلناه
بخواند نوری خلق شود از زمین تا عرش که عرض مثل وسعت زمین و آسمان باشد و در هر جزو
آن هزار ملک باشد و هر یک هزار زبان باشد و بهر زبانی هزار لغت برای او استغفار کنند
تا نصف شب و بعد از آن آن نور را در سینه او کذارند تا روز قیامت و اگر آیه شهد الله
بخواند هفتاد هزار ملک خلق شود تا روز قیامت برای او استغفار کنند و اگر الهیکم التکاثر
بخواند از عذاب قبر ایمن شود و اگر سه مرتبه استغفر الله الذی لا اله الا هو

الحی

الحی القیوم واتوب الیه کناهانش آمرزیده شود و اگر چه مثل ایام دنیا یا کف دریا
یا ریگ صحرای عالج باشد و اگر بخوابی عارض شود و خواب نبرد بکوید سبحان
الذی ذی الشان دائم السلطان عظیم البرهان کل یوم هو
فی شان یا مشبع البطون الجائعة کاسی الجنوب العاریة یا
مسکن العروق الضاربة یا منور العیون الساهرة سکن عروق
الضاربة واذن لعینی نوما عاجلا و اگر خواهد آیت الکرسی بخواند و بکوید
واذ یغشیکم النعاس امنة منه وجعلنا نومکم سباتا و اگر در
خواب بترسد وقت خوابیدن ده مرتبه بکوید اعوذ بکلمات الله من غضبه
ومن عقابه ومن شر عباده ومن همزات الشیاطین وان یحضرون
و اگر خواهد معوذتین و آیت الکرسی بخواند و بکوید واذ یغشیکم تا آخر و اگر از جن
بیم کند بکوید ان ربکم الله الذی خلق السموات والارض
فی ستة ایام ثم استوی علی العرش یغشی اللیل والنهار یطلبه

حیثاً والشمس والقمر والنجوم مسخرات بامره الا له الخلق
والامر تبارک الله رب العالمین واگر از احتلام ترسد و اندیشه کند بگوید
اللهم انی اعوذ بک من الاحتلام ومن سوء الاحلام ومن
ان یتلاعب بی الشیطان فی الیقظة والمنام و در روایات بسیار آمده
و بسیاری مردم تجربه نموده اند که اگر آخر آیه کهف بخوانند بیدار شود و نیز از پیغمبر روایت
که هر کس وقت خواب بگوید اللهم لا تؤمنی مکرک ولا تنسنی ذکرک ولا
تجعلنی من الغافلین اقوم ساعة کذا و هر ساعتی که خواهد بگوید باز
خدای تعالی ملکی موکل کرداند که در آن ساعت بیدارش کرداند و مشایخ رحمهم الله در برکت
خود ذکر کرده اند که اگر کسی را حاجتی باشد یا امر مشکلی سانح شود با طهارت در فراش
ولحاف پاک بخوابد و زنی با او نباشد و در وقت خواب والشمس واللیل هر یک را هفت
مرتبه بخواند و بعد از آن بگوید اللهم اجعل لی من امری هذا فرجا
و مخرجا در شب اول یا سیم یا پنجم یا هفتم کسی را در خواب ببیند که بدو و از آن

برایش

برایش نماید راوی گوید که مرا قصد اعمی عظیم بود که از علاج آن عاجز گشته بودم این
عمل نمودم در شب اول دیدم که دو کس پیش من نشستند یکی از ایشان دست بر سر من مالید
و بموضعی از ایشان دارد که حجامت کن آنموضع را حجامت کردم شفا یافتم و به بسیاری مردم
نیز گفتم همه منتفع شدند و ایضا مشایخ رحمهم الله نقل کرده اند که اگر کسی خواهد که یکی
از انبیا یا از ائمه علیهم السلم یا سایر مردم را در خواب ببیند والشمس واللیل و قدر و جحد
و اخلاص و معوذتین بخواند و بعد از آن صد مرتبه توحید بخواند و صد مرتبه صلوات
بر پیغمبر و آلش فرستد و با وضو بر جانب راست بخوابد که هر کس را خواهد انشاالله تعالی
در خواب ببیند و سوال جوابی که خواهد میان ایشان مذکور شود و در روایات دیگر آمده
که این طریقه را هفت شب باید عمل نمود و بعد از آنکه ببیند دعا خوانده باشد اللهم
انت الحی الذی لا یوصف والایمان یعرف منه منک بدئت الاشیاء
والیک تعود فما اقبل منها کنت ملجأه ومنجاه وما ادبر منها لم
یکن له ملجا ولا منجا منک الا الیک فاسئلک بلا اله

انت واسئلك بسم الله الرحمن الرحيم وبحق محمد سيد النبيين و
بحق علي خير الوصيين وبحق فاطمة سيدة نساء العالمين و
بحق الحسن والحسين الذين جعلتهما سيدي شباب اهل الجنة
اجمعين ان تصلي على محمد وال محمد وان تريني فلانا و از صادق روایت
کرده اند که اگر خواهد کسی را در خواب ببیند همین دعا را تنها بخواند و در آخرش بگوید آن
تريني منيتي في الحال التي هو فيها و هر مرتبه که در اثنای خواب از پهلو به پهلوی دیگر
گردد بگوید لا اله الا الله الحي القيوم وهو على كل شيء قدير سبحان
الله رب النبيين والمرسلين وسبحان الله رب السموات وما فيهن
ورب العرش العظيم وسلام على المرسلين والحمد لله رب العالمين
حضرت امام محمد باقر سوال نمودند که آنکه خدای تعالی انبیا را مدح فرموده که اندک
میخوابند که ایشان کیستند فرمود جمعی اند که تمام شب نمیخوابند اما هر مرتبه که حرکت
کنند بگویند الحمد لله و لا اله الا الله والله اکبر و چون کسی خواب بد بیند بگوید انما

النجوی

النجوی من الشیطان لیحزن الذین آمنوا ولیس بضارهم شیئا الا
باذن الله عذت بما عاذت به ملائکة الله المقربون وانبیاؤه
المرسلون وعباده الصالحون من شر ما رایت ومن شر
الشیطان الرجیم و از پهلوی که خوابیده به پهلوی دیگر نقل کند و خواب انکسی
ببیند از شر آن انشاء الله تعالی ایمن گردد و هم از ایشان علیهم السلام منقولست که خواب
خوش از جانب خدای تعالی است پس چون خواب خوش ببیند کسی که دوست دارد
نقل کند و خواب سه است یک خبر و انبساط و خوشوقتی و بروایت دیگر از جمیع خبر و خواب
مومن بر بالای سرش مضطرب می گردد تا آنکه تعبیر کنند به هر نحوی تعبیر کنند چنان شود
پس خواب را به مومن عاقل مهربان باید گفت تا تعبیر خوب کند و نیز مرویست که خواب دو وقت
راست باشد اگر با طهارت و ذکر خدای تعالی خوابیده باشد یکی خواب وقت قیلوله که شیطان را
در آن وقت نصیبی نبود دوم بعد از نصف شب که وقت نزول ملائکه است و خواب اول شب
اعتبار ندارد که وقت جولان شیاطین است و مناسب انتقام است دیگر آنکه در کیفیت امر روا

بلکه از بسیار احادیث ائمه طاهرین دلالت بر این معنی متین مبین و محقق است که روح
مؤمن از طینت ملائکه آفریده شده و جوهرش از جنس جوهر ملکوت سموات مخلوق گشته و
بسبب ضرورت معاش و تحصیل زاد معاد الفت و آشنایی با بدن و قوی و اعضای بدن
گرفته و شغل تدبیر نظام مملکت بدن و همچنین اشتغال با احوال حیات دنیا از دیدن و شنیدن
و خوردن و سایر ادراکات حواس و قوی با نوع توجه و التفات بعالم خود نشده و بسبب
غربت درین عالم دنیوی دائم کثیر المراجعت بملکوت سما و ملاء اعلی که وطن اصلی اوست
گشته و هرگاه که اندک فرصتی بسبب تخفیف این علایق و موانع حاصل شود رجوع بعالم خود
نموده با ابنای جنس خویش از ملائکه و اهل ملاء اعلی الفت گیرد و موانست نماید و از نفحات
علوم و معارف نامتناهی که افضل جود و رحمت الهی بر اهل العالم در هر باب بحسب تجرد تقدر
استعداد خود استفاضه نماید و بهره‌مند گردد و این حالت یعنی رجوع بعالم اعلا و استفاضه
از فیض اهل ملکوت سما اولیا و اصفیای خدا را که از شدت متابعت دین قویم و کمال اتباع
احکام شرع مستقیم و زهد در دنیا و ترک پیروی هوس و هوا و رفض علایق لذات و شهوات

وعوائق

وعوائق تحصیل فضول و تجملات بدن و اعضای خود را از ثقل فضلات مأکل و مشارب
پاکیزه ساخته و آئینه دلشان از زنگ کدورت فکرهای باطل و خیالهای فاسد حوائج و مآرب
پرداخته و جوهر روحشان از تیرگی و ظلمت اشتغال باین دنیای دنی جلا یافته و پرتو نور
العالم که تمام نور و ضیاست بر صفحه قابلیتش تافته و کمال تسلط بر نفس خود و قوای آن
بهم رسانیده اند این حالت همیشه متحقق و باشد خواه در خواب و خواه در بیداری و خواب و بیداری
ایشان یکسان باشد چنانچه حضرت پیغمبر فرموده تنام عینی و لا ینام قلبی یعنی
اگرچه چشمم گاهی سر به خواب میکشد اما دلم همیشه بنور خدا بیدار است و از اینجهت است که
انبیا علیهم السلم رقبا خوانند زیرا که همیشه منتظر نزول وحی باشند چنانکه در احادیث آمده
اما سایر مؤمنان از آنکه مأکل و مشارب که بدن از ثقل فضلات مأکل و مشارب و بخارات
خفیف و غذا و دل از زنگ و ظلمت خیالهای باطل دنیا خالی و روح از شدت شغل تدبیر بدن
و قوی فارغ گشته و آئینه خاطرشان بنور یاد خدا جلا و صفا یافته چون بخواب روند
و حواس ایشان از مشاغل محسوسات فراغ حاصل شود و دلشان از تشویش و ارادت عالم

ظاهر خلاصی یافته بمجال خود پرواز نموده متوجه عالم باطن که ملکوت عالم اعلاست شود
و روحشان از ارباب آن عالم که موکلان تدبیر حال حادثات و مدبران نظام احوال کاینات اند
ارتباط و اختلاط رو نهد و از نتیجات علوم و معارف ایشان که همه صدق و حق است از
خزاین علم الهی بر ایشان احسان شده آن روح بحسب مناسبت حال او فایض کرده و او را
در آن عالم بچشم و گوش و قوای روحانی مشاهده آن علم و معرفت یا خبری که متعلق باحوال او
یا غیر او باشد نماید و چون نور روح را از مصاحبت بدن و قوای بدن خلاصی تمام
حاصل نگشته عکس آثار حواس و قوای بدنی هنوز در جوهر روح راسخ و ثابت مشاهدات
روحانی را هر یک بصورتی و کیفیتی که مناسب او باشد در نظرش جلوه کند و آن مشاهده روحانی را
چنان پندارد که بحواس ظاهری بدنی واقع شده و این حالت یعنی مشاهدات روحانی
و ارتباط با ملائکه اهل سماوات علی و استفاضه از ایشان بعضی از نفوس را نیز گاه باشد که از شدت
زهد و تقوی و ورع و طاعت خدای تعالی و تسلط عظیم بر ضبط حواس و قوی حاصل شده باشد و در
بیداری نیز احیانا اتفاق افتد اما اگر در اول روح در رنگ تشویشات خیالهای باطل

و فکرهای

و فکرهای فاسد فرو رفته و بظلمت سهوها و آرزوهای رذایل بجا مانده ظلمانی گشته و
نمد و رت فضلات و بخارات ماکل و مشارب سیاه و تیره شده باشد هر چند بخواب هم رود
که فرصت و قابلیت آن ندارد که راهی بعالم نور و صفا نموده با اهل ملا اعلی تواند یافت و همچنین
اگر بدن بسبب ثقل و زیادتی غذا محتاج زیادتی تدبیر و اصلاح باشد روح را که مدبر بدنست
مهلت آن نمیشود که بعالم دیگر تواند پرداخت اما اگر بعضی اخلاط مثل خون و صفرا و غیر آن
بخارات غذا در بدن غالب گشته و هیجان نموده باشد چون بخواب رود آن خلط و بخار
بصورتی که مناسب آن باشد در نظر روح جلوه کند و چنان پندارد که چیزی دیده یا شنیده
مثلا خون و صفرا بصورت آتش و شفقهای الوان و سودا و بخارات بصورت ابرها و غبارهای
سیاه و ظلمانی جلوه کند و همچنین اگر در بیداری فکری و خیالی غالب گشته و تسلط یافته
باشد چون بخواب رود همان خیالها در نظرش متمثل گردد و این قسم خواب که بسبب غلبه
اخلاط و بخارات و خیالات فاسد باشد اضغاث احلام گویند که مثل نشست خار و خسک و امور
درهم رفته بی اصل خبیث است و اعتباری و تعبیری ندارد و قسم اول که از عالم ملائکه فایض

میشود درست و حق باشد و محتاج بتعبیر بود و نیز باید دانست که چون حادثات عالم دنیا
دو قسم است یکی آنکه در قضای الهی وقوعش حتم و جزم شده باشد که خلاف آن واقع
نتواند شد و این قسم بصورتی که احتمال غیر آن نداشته باشد متمثل گردد دوم آنکه بسبب مصلحتی
وقوع و عدم وقوعش هیچکدام هنوز حتم نشده بلکه مردد است و هر دو احتمال در وی رود
و این قسم بصورتی که مثل خودش مردد و محتمل باشد متمثل گردد و توجه نفوس انسانی را
در حدوث حوادث گاهی مدخلیتی باشد پس از این جهت باید معبر عاقل باشد و مهربان باشد تا صورت
مردد را تعبیری که خیر و مناسب باشد کند چون الجمله دانسته شد رجوع بذکر آداب آن
نموده گوییم چون از خواب بیدار شود بگوید الحمد لله الذی احیانی بعد ما اماتنی
والیه النشور الحمد لله الذی رد علی روحی لاحمده واعبده
و سجده کند که حضرت پیغمبر هرگز از خواب بیدار نشده مگر آنکه سجده شکر کرده و چون بعد از
سجده نشیند بگوید حسبی الرب من العباد حسبی الذی هو حسبی منذ
کنت حسبی الله ونعم الوکیل و حضرت امام جعفر صادق هر بار که از خواب بیدار

میشد

میشد با آواز بلند چنانکه همه اهل آن خانه میشنیدند میگفت اللهم اعنی علی هول
المطلع ووسع علی المضجع وارزقنی خیر ما قبل الموت وارزقنی
خیر ما بعد الموت و چون نظر بطرف آسمان کند بگوید اللهم انه لا
یواری عنک لیل ساج ولا سماء ذات ابراج ولا ارض ذات مهاد
ولا ظلمات بعضها فوق بعض ولا بحر لجی تدلج بین یدی المدلج
من خلقک تعلم خائنة الاعین وما تخفی الصدور غارت
النجوم ونامت العیون وانت الحی القیوم لا تاخذک سنة ولا
نوم سبحان رب العالمین واله المرسلین والحمد لله رب
العالمین ان فی خلق السموات والارض واختلاف اللیل و
النهار تا لا تخلف المیعاد از سوره آل عمران و چون از تهیه نماز فارغ شود
پس بمصلای خود آمده رو بقبله نشسته این دعا بخواند که حضرت امام زین العابدین ع
نصف شب که مردم در خواب می بودند این دعا میخواندند الهی غارت نجوم

سمواتك ونامت عيون انامك وهدأت اصوات عبادك وانعامك
وغلقت الملوك عليها ابوابها وطاف عليها حراسها واحتجبوا عمن
يسألهم حاجة او ينتجع منهم فائدة وانت الهي حي قيوم لا تأخذك
سنة ولا يشغلك شيء عن شيء ابواب سمواتك لمن دعاك مفتحات
وخزائنك غير مغلقات لسائليها وابواب رحمتك غير محجوبات
وفوائدك لمن سألكها غير محظورات بل هي مبذولات وانت الهي
الكريم الذي لا ترد سائلا من المؤمنين سألك ولا تحتجب
عن احد منهم اراداك وعزتك وجلالك لا تختزل حوائجهم دونك
ولا يقضيها احد غيرك الهي وقد ترى الي ووقوفي وذل مقامي
بين يديك وتعلم سريرتي وتطلع على ما في قلبي وما يصلح به امر
اخرتي ودنياي الهي ان ذكرت الموت وهول المطلع والوقوف
بين يديك فغصتني مطعمي ومشربي واغصني بريقي واقلقني عن

وسادی

١

وسادي ومنعني رقادي كيف ينام من يخاف بيات ملك الموت في
طوارق الليل وطوارق النهار بل كيف ينام العاقل وملك الموت
لا ينام لا بالليل ولا بالنهار ويطلب قبض روحه بالبيات او في
اناء الساعات بعد از ان سجده بکرده و روی مبارک بر خاک نهاد و گفت
اسئلك الروح والراحة عند الموت والعفو عني حين القاك
وبعد از ان مشغول نماز و عبادت شد و هر کس صبح پیش از انکه کسی او را ببیند انگشتر عقیق در دست
کند و نقش انگشتر را بکف دست گرداند پس انا انزلناه بخواند و بگوید امنت بالله وحده لا شريك
له امنت بسر ال محمد وعلانيتهم خدای تعالی از روز تا شام او را در حرز و حفظ
خویش دارد **فصل نهم** در اداب بیرون رفتن از خانه و راه رفتن و سوار شدن و فضایل
و اداب و حقوق ایشان مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلم که چون کسی خواهد از خانه بیرون
بیرون رود و بر در خانه بایستد و بگوید الله اكبر الله اكبر الله اكبر
بالله خرجت وبالله دخلت وعلى الله توكلت ولا حول ولا قوة

الا بالله العلی العظیم وصلی الله علی محمد وآله اللهم افتح لی فی وجهی
هذا بخیر واختم لی بخیر وقنی شر کل دابة انت اخذ بناصیتها ان
ربی علی صراط مستقیم در ضمان خدا باشد تا آنگه مراجعت کند و هر کس از خانه بیرون آید
شیاطین بر سر راهش آیند پس اگر بیرون رفتن گوید بسم الله آمنت بالله توکلت
علی الله ما شاء الله لا حول ولا قوة الا بالله ملائکه شیاطین را بزنند و دور
کنند و گویند شما را بر وی دستی نیست که نام خدا برده و باو ایمان آورده و باو توکل کرده
و خود و کارهای خود را بحول و قوه او سپرده پس شیاطین دور شوند و با یکدیگر گویند ما
با او چه توانیم کرد و خود و کارهای خود بحول و قوه او سپرده پس شیاطین دور شوند و با یکدیگر
گویند ما با او چه توانیم کرد که خدا کفایت و هدایتش نموده و محافظتش فرموده و اگر در وقت
بیرون رفتن گوید اعوذ بما عاذت به ملائکة الله من شر هذا
الیوم الجدید الذی اذا غابت شمسه لم تعد من شر نفسی ومن شر
غیری ومن شر الشیاطین ومن شر من نصب العداوة لاولیاء

الله

الله ومن شر الجن والانس وشر السباع والهوام ومن شر رکوب
المحارم کلها اجیر نفسی بالله من کل شر حق تعالی گناهش را بیامرزد و توبه اش را
قبول فرماید و کفایت مهماتش کند و از جمیع شرور و مکاره در دنیا در پناه خود نگاه دارد
و مرویست که اگر خطری بر قدر بیفتی تو نیستی باق این بود که در وقت بیرون رفتن از خانه
در حضر و سفر سوره انا انزلناه بخواند که زود مراجعت نماید و اگر برای حاجتی و مطلبی بیرون
رود صبح شنبه و پنجشنبه بعد از طلوع آفتاب بیرون آید که در روایات متعدده آمده که این دو
صبح برای حوایج مبارکست و روز سه شنبه نیز در روایات بسیار آمده که روز قضای حوایج
و آسانی کارهاست و خدای تعالی در این روز آهن را برای حضرت داود نرم کرد که
زرهها ساخت و در وقت بیرون رفتن پنج آیه از آخر آل عمران ان فی خلق السموات
والارض تا انک لا تخلف المیعاد و آیة الکرسی و انا انزلناه و الحمد بخواند که
حوایج دنیا و آخرت در این آیات است و در راه رفتن زنان از کنارهای راه بروند و میان
جاده راه را برای مردان گذارند و مردان از میان زنان نگذرند و بر سر هر پل شیطانی

ایستاده باشد پس چون بر پشت نشیند بگویند بسم الله اللهم ادحر عنی الشیطان
الرجیم تا شیطان دور شود و اما فضایل و حقوق دواب و آداب سواری ترا روایت
از اهل بیت طاهرین است که هر که اسب نگاه دارد که در پیش خداست و منافع و نور پیش او شماوت عشر
رزق با کسی است که مرکب داشته باشد و هر کس مرکبی نگاه دارد که قضای حوایج خود
بآن کند و دفع دشمنی نماید بهره و زنگ سینه او محو شود و پشتش حسنه ثبت گردد
و اگر اسب نجیب نگاهدارد که با آن جهاد کند و دفع اعدای دین نماید بهره و زنگ سینه محو
شود و یازده حسنه ثبت گردد و اگر اسب غیر نجیب نگاهدارد بهره و زنگ سینه محو گردد
و هفت حسنه ثبت گردد و حضرت امام علی النقی ع از کسی پرسید که بر چه مرکب سوار میشوی
گفت الاغی بسیزده دینار خریده ام فرمود که این از جمله اسرافیست که الاغی باین قیمت
بگیری چرا اسب نگرفتی گفت مؤنت اسب بیشتر است فرمود کسی که مؤنت الاغ را دهد
مؤنت اسب میتواند داد نمیدانی که کسی منسوب بما باشد و اسبی نگاهدارد و منتظر فرج
باشد و اعدای ما را مغلوب سازد خدای تعالی روزیش را افزون سازد و سینه اش را بایمان صفا

دهد

صفا دهد و روزیش را برآورد و همین خوبش باشد و خیر از پیشانی اسب بافته است
تا روز قیامت و هر کس در راه خدا اسب را نفقه دهد چنانست که دست بصدقه گشوده
باشد و هرگز باز نگیرد و مرویست که حضرت امیر المؤمنین ع این چهار اسب بهدیه بحضرت
پیغمبر ص آورده بود پرسید که اوصاف اینها را بیان نمای گفت یکی اشقر یعنی کهر روشن است
و دست و پا سفید فرمود آنرا برای من نگاهدار گفت و یکی دیگر کمیت یعنی کهر سیاه با
دست و پا سفید فرمود آنها را برای پسرانم یعنی امام حسن و امام حسین علیهما السلام گفت یکی دیگر
ادهم یعنی کبود و نیلی نشان است فرمود که آنرا بفروش و نفقه عیال خود کن بعد از آن فرمود
که میمنت اسب در آنست که نشان غیر رنگ خود داشته باشد و نیز مرویست که اسب اشقر که
در پیشانی او سفیدی باشد اگر سفید کشیده باشد بهتر است و در دست و پایش نیز سفیدی باشد
نگاهدارد تا آن اسب در ملک او و خانه او باشد فقر و ظلم در آن خانه راه نیابد و نیز مرویست
که دواب از صاحبش حق خدمت بگیرد و پیش چوب نزنند و داغ نکنند که روی دارا هم
و ثنای و تسبیح خدا میکنند و زیاده از قدر طاقت بار ننهند و بار نکنند و پیش او مجلس نکنند و صحبت

ندارد و بار و اربکاه ندارد و در سفر هر جا که آب باشد آب بر عوض کند و چون در منزل
فرود آید اول تیمار آب و علوفه او کند و بار بر گردنش نگذارد و هر دو بار را از یکطرف نیاویزد و تمیز
بر یکطرف نکند و بر پشتش خواب نکند و چون رم کند نزند که جن در نظر ایشان آید در گوش
نظر انسان نیاید که گریخته و سرکشی کنند و بگوید بسم الله و دشنام ندهد که او گوید میان
من و تو هر کدام معصیت بیشتر کرده چنین باشد و لعنتش نکند که خدای تعالی دور لعنت کند و
هر کس که او بگیرد و دعا کند که خدایا مرا صاحب شفقت و مهربان عطا فرمای که مرا بسیر و بیراه برد
و زیاده بر طاقتم بار نکند و هر گاه که در هر منزل سبب حیات سلطان باشد و چون سوار خواهد که لجامش
کند بسم الله بگوید و اگر در لجام کردن و سوار شدن بغیر آن سرسختی و چالاکی کند این آیه را
در گوشش بخواند افغیر دین الله یبغون وله اسلم من فی السموات
والارض طوعا وکرها والیه ترجعون و نیز بگوید اللهم سخرها
و بارک لنا فیها بحق محمد و آله دو سه بار بخوانند و هر کس در وقت سوار شدن
بسم الله بگوید فرشته با او رفیق شود که محافظتش کند تا آنکه فرود آید و اگر بسم الله

نگوید شیطان با او رفیق شود و گوید خوانندگی و غنا کن اگر گوید نمی‌دانم گوید آرزوهای باطل کن یعنی
در آرزوهای باطل باشد تا وقتی که فرود آید و اگر سوار شدن گوید بسم الله لا حول و لا قوة
الا بالله الحمد لله الذی هدانا لهذا وما کنا لنهتدی لولا ان هدانا الله
سبحان الذی سخر لنا هذا وما کنا له مقرنین و در هر گامش محفوظ باشد
تا آنکه فرود آید و اگر آنها را از لشکر بخواهد که بر مرکب نشیند تا از آنها ایمن باشد و سلامت کسانش
آنگاه که فرود آید و سوار و پیاده آنکه بدو راه بدهد که از خصال خوب است و زنان بر زین سوار
نشوند که از بهر این ایشان ملعون‌اند و هیچ زنا کند و اگر جاده و لشکر زند گم کرد بگوید یا عباد
الله احبسوا اگر انشاء الله تعالی باشد **فصل دهم** در فضایل و آداب تکسب و معاملات
مروی است از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که عبادت هفتاد جزو است افضل اجزایش طلب
حلال است و هر کس طلب حلال کند تا از مردم مستغنی باشد و رعایت احوال عیال و همسایگان
کند روز قیامت رویش چون ماه شب چهارده باشد و هر کس از ممر حلال کسب کند و تحصیل
معیشت برای عیال خود نماید اجرش عظیم‌تر است از کسی که در راه خدا جهاد کند و از جمله

سعادات مرویست که قیم عیال خود باشند و خدای تعالی بحضرت داود علیه السلم فرمود
تو خوب بنده اگر کسب کنی و از بیت المال معاش نکنی گفت خدایا کسبی نمیدانم پس خدای تعالی
آهن را نرم کرد تا زره میساخت و میفروخت تا آنکه مستغنی گشت و خدای تعالی دشمن دارد
آدم بیخواب بی کار را و نیز مرویست که خدای تعالی روزی هر کس را از حلال قسمت کرده
و تقدیر فرموده و از حرام پیش هر کس میرسد و از حرام اجتناب نماید خدای تعالی رزق
او را از حلال برساند تا آنچه از برای او تقدیر فرموده تمام نکند از دنیا نرود و اگر هتک
حرمت الهی نماید و مرتکب حرام شود و هر قدر که از حرام تحصیل کند آن قدر از حلال کم کنند و
روز قیامت مطالبه و مواخذه نمایند و امثال این اخبار در فضایل کسب حلال و حذر از حرام
زیاده از آن هست که درین مختصر گنجد و نیز مرویست که نه جزو رزق در تجارتست و یک جزو
در سایر کارها و تجارت عقل زیاد کند و ترک آن از دو ثلث عقل کم کند و زراعت کردن کیمیای
اکبرست و روز قیامت اهل زراعت از دیگرین مردم نزدیکترند بخدای تعالی و مقام ایشان بهترین
مقامهاست و بهترین کارها زراعتست که انسان و حیوان ازو منتفع شوند و نیکان و بدان

بهره برند اگر نیکان بخورند برای زارع استغفار کنند و اگر بدان بخورند هر چه خورند ایشان را
لعنت کنند و زارعان اهل توکلند که تخم افشانند و توکل بر خدا کنند و منتظر فضل و رحمت او باشند
اما آداب مکاسب و معاملات مرویست که چون کسی خواهد تجارت کند اول مسایل و آداب آنرا
بیاموزد و حلال و حرام شناسد که ربا بمعاملات خفی ترست از نقش پای مور بر سنگ خاره
و یک درهم ربا عظیم ترست از هفتاد زنا که همه با خویشان محرم باشند و با نوکیسه معامله نباید
کرد که دست تا مرفق در دهن اژدری بهترست از آنکه با نوکیسه معامله کنی و اول روز برای
معاملات و حاجات مبارکست خصوصا روز شنبه و پنجشنبه که حضرت پیغمبر ص دعا کرده است
و گفت خدایا صبح این دو روز را بر امت من مبارک گردان و پیش از طلوع آفتاب مشغول
کارهای دنیا نباید شد که آن ساعت عبادتست و ذکرست و جنود شیطان در اطراف برای
اضلال انسان متفرق شده چون کسی داخل بازار شود بگوید لا اله الا الله وحده لا شریک
له له الملك وله الحمد يحيي ويميت وهو حي لا يموت بيده الخير
وهو على كل شيء قدير هزار هزار حسنه ثبت کنند و هزار هزار سیئه محو فرمایند

ده هزار هزار درجه بلند گرداند و اگر گوید اشهد ان لا اله الا الله تا آخر خاتمه
در فضل دخول مسجد گذشت برابر با یک حج و یک عمره و چون داخل دکان خود شود گوید
اللهم انی اسئلک من خیرها و خیر اهلها و اعوذ بک من شرها
و شر اهلها خدای تعالی فرشته موکل گرداند که در آن روز او را از شر بازار و اهل بازار
محافظت نماید و چون بنشیند گوید اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک
له و اشهد ان محمدا عبده و رسوله اللهم انی اسئلک من فضلک
حلالا طیبا و اعوذ بک من ان اظلم او اظلم و اعوذ بک من صفقة
خاسرة و یمین کاذبة فرشته که بر او موکلست گوید مژده باد ترا که امروز در بین
بازار هیچکس معامله اش بهتر از تو نباشد که حسنات رو بتو آورد و سیئات محو گردد و نصیب تو
حلال و مبارک بتو رسد و هر کس در بازار ذکر خدا کند و در معاملات خود خدا را فراموش
نکند و از حکم او تجاوز ننماید بعدد هر انسان و حیوانی که در آن بازار باشد گناهان او
آمرزیده شود و چون متاعی یا چیزی دیگر بخرد سه مرتبه تکبیر گوید و بعد از آن سه مرتبه گوید

اللهم

اللهم انی اشتریته التمس فیه من فضلک فصل علی محمد و آله فاجعل
لی فیه فضلا و سه مرتبه گوید اللهم انی اشتریته التمس فیه من رزقک
فاجعل لی فیه رزقا و بتابع این کلمه بگوید برکة لنا ان شاء الله تعالی
روزی منتفع شود و اگر بنده بخرد بگوید اللهم بارک لی فیه و اجعله طویل
العمر کثیر الرزق و اگر اراده خریدن دارد که بخرد سه مرتبه گوید اللهم
ان کانت عظیمة البرکة فاضلة المنفعة میمونة الناصیة
فیسر لی شراءها و ان کان غیر ذلک فاصرفنی عنها الی الذی هو
خیر لی منها فانک تعلم و تقدر و لا اقدر و انت علام الغیوب
و چون بخرد در جانب چپ و بایستد و پیشانیش را دست بگیرد و الحمد و قل هو الله
و معوذتین و لو انزلنا هذا القرآن تا آخر سوره حشر و قل ادعوا الله او ادعوا الرحمن تا آخر
سوره بنی اسرائیل و آیة الکرسی بر سرش بخواند ان شاء الله تعالی از آفات ایمن گردد
و چون کسی خواهد زراعت کند اول یک مشت از آن تخم در دست گیرد و رو بقبله ایستاده

سر بر سر کوید أأنتم تزرعونه أم نحن الزارعون و بعد از آن سر بر سر کوید
بل الله الزارع و بعد از آن کوید اللهم اجعله حبا متراکبا وارزقنا
فيه السلامة و بعد از آن بفشاند و هر کس زراعت کند یا درخت نشاند بر هر دار
یا بر نهالی کوید سبحان الله الباعث الوارث هیچ یک از آن خطا نکند و از
حضرت پیغمبر صلعم مرویست که فرمود که عیسی بشهری کذشت اهل آن شهر شکایت نمودند
که میوه ها ما را همیشه کرم میزند کفت علاجش آنست که شما چون درخت می نشانید اول
بیخ درخت خاک می ریزید و بعد از آن آب میدهید چنین مکنید بلکه اول آب بریزید
و بعد از آن خاک چنان کردند از آن علت نجات یافتند و اکر در مزرعه یا بوستانی
بیم آفت کرم باشد این فقره را بر چهار پاره کاغذ بنویسند و در میان چهار نی کنند
و در چهار جانب مزرعه یا بوستان جا دهند از مضرت جانوران ایمن شود ان شاء الله تعالی
أيها الدواب والهوام والحيوانات اخرجوا من هذه الأرض
والزرع الى الخراب كما خرج ابن متى من بطن الحوت وان لم

بخرجوا

في ديني واليقين في قلبي والاخلاص في عملي والسلامة في
نفسي والسعة في رزقي والشكر لك أبدا ما أبقيتني و مستحب است
نظر در آینه کردن که اکر کثافتی در روی باشد دفع کند تا در نظر مؤمنان مکروه
ننماید و چون آینه بدست کیرد بسم الله بکوید و بدست چپ کیرد و چون نظر
در آینه کند دست راست بر سر و روی کشد و کوید الحمد لله الذي خلقني
فأحسن خلقي وصورني فأحسن صورتي الحمد لله الذي زان
مني ما شان من غيري وأكرمني بالإسلام و اکر خواهد بکوید اللهم
كما حسنت خلقي فحسن خلقي ورزقي و چون آینه از دست
بنهد کوید اللهم لا تغير ما بنا من نعمك واجعلنا لا
نعمك من الشاكرين **فصل ششم** در بیان قضای حاجت و آداب آن
چون تقاضای بول و غائط شود و نشاید آنرا نکاه داشتن از اهل بیت طاهرین
علیهم السلام مرویست که اکر کسی حبس بول یا غائط کند که اکر نکند چنان باشد

که در وی پیراهن داشته نمازش مقبول نباشد و چون اراده آن کند جای اختیار
نماید که کسی او را نبیند و بول بر زمین سخت نکند و در سایه‌ها و جاهایی که مردم
بنشینند و قافله فرود آید ننشیند و بول نکند که ملعون باشند و در کنار نهرها
و راهها که مردم تردد می‌نمایند بول نکنند و بر در مسجدها و خانه‌ها بول نکنند
و در پای درخت محلی که میوه داشته باشد بول نکنند که ملائکه در آنجا باشند
و در قبرستان و در آب خواه ایستاده و خواه روان بیم دیوانگی بود و در آب
ملائکه ساکن باشند و در آب ایستاده بول کردن فراموشی آورد و چون
جای مناسب اختیار نمود و خواهد بول کند و پای چپ پیش گذارد و بگوید
بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ اَعُوذُ بِاللّٰهِ مِنَ الرِّجْسِ النَّجِسِ الْخَبِيثِ الْمُخْبِثِ
الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ و چون عورت را برهنه کند بسم الله بگوید تا شیطان
نگاه نکند و رو و پشت به قبله و باد و آفتاب و ماه بحیثیتی که بر عورت او تابد
ننشیند و اگر سهو رو به قبله نشسته باشد و در اثنا خبردار شود روی تعظیم

قبله

قبله روی بگرداند و منع از جایی برخواسته باشد که گناهان آمرزیده
گردد و ایستاده بول کردن بیم دیوانگی باشد و چون بنشیند بگوید اَللّٰهُمَّ
كَمَا اَطْعَمْتَنِيهِ طَيِّبًا فِي عَافِيَةٍ فَاَخْرِجْهُ مِنِّي خَبِيثًا فِي
عَافِيَةٍ و بر هر کس یکی موکل است و در روایت دیگر دو ملک وارد شده که گردن
او را کج سازند تا نگاه به غایط کند و بگویند ای آدمی این رزق است که به هزار مشقت
تحصیل کرده ملاحظه کن تا از کجا بهم رسانیدی و آخرش چه می‌شود پس چون نگاه
بر آن بگوید اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِي الْحَلَالَ الطَّيِّبَ وَجَنِّبْنِي الْحَرَامَ و چون کند
برخیزد دست راست بر شکم مالد و بگوید اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي اَمَاطَ عَنِّي
الْاَذَى وَهَنَّاَنِي طَعَامِي وَشَرَابِي وَعَافَانِي مِنَ الْبَلْوَى و در خلا
بسیار توقف نماید که مورث بواسیر باشد و در روایت دیگر جراحت
بجای بواسیر وارد شده و سر برهنه نباشد و انگشتری یا درهمی که در آن نام
خدای تعالی نقش کرده باشند در کیسه یا بغل پنهان کنند و دراهمی که در خلا باشد

بی ضرورت با کسی سخن نگوید و هر کس که در خلا سخن کند حاجتش بر نیاید و در آن
حال قرآن نباید خواند بغیر از آیت الکرسی و آیة الحمد لله رب العالمین
و اگر کسی آواز اذان بشنود حکایت آن تواند نمود و ذکر خدا کند و خلال کرده باشد
مسواک نکند که مورث بوی دهن باشد و چون نظر بر آب کند گوید الحمد
لله الذی جعل الماء طهورا و لم یجعله نجسا و چون خواهد
استنجا کند اول استبرا نماید بطریقی که از پس مقعد تا پیش عضو و از آنجا
تا سر عضو سه مرتبه دست بکشد و سر آن را سه مرتبه بفشرد تا قطرات بول هر چه مانده باشد
بیرون آید که چون استبرا کند و بعد از آن اگر رطوبتی بیرون آید هر چند بسیار
باشد بول نباشد و نباید شست و اعاده وضو نباید کردن و در وقت استنجا
گوید اللهم حصن فرجی و اعفه واستر عورتی و حرمنی
علی النار و استنجا بدست راست نکند و دست راست بر عورت نزند
و در دست چپ انگشتری باشد که نام خدا بر نقشش باشد بیرون کند و چون

خواهد

خواهد که از بیت الخلا بیرون آید پای چپ پیش کند اول و گوید بسم الله والحمد لله
الذی عافانی من الخبیث المخبث و اماط عنی الاذی

فصل ششم

در فضایل مسواک کردن و آداب آن از ائمه طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین
مرویست که در مسواک کردن دوازده خصلت است و سنت انبیاست علیهم السلام
اول دهن را پاک کند و چشم جلا دهد و خدای را راضی گرداند و دندان را سفید گرداند
و بیخ دندان محکم سازد و گوشت او را قوت دهد و اشتهای طعام آورد و بلغم دفع
کند و قوت حافظه بیفزاید و حسنات مضاعف گرداند و ملائکه را خوش آید و
مستحب است هر وقت وضوی و نماز مسواک کردن لااقل اگر بانگشت باشد
که دو رکعت نماز با مسواک افضل است از هفتاد رکعت بی آن و مسواک از پیش از وضو
باید کرد و اگر بعد از آن کند بعد از آن سه مرتبه دهن را بشوید و حضرت پیغمبر
هر شب سه مرتبه مسواک میفرمودند وقت خوابیدن و از خواب بیدار شدن
برای عبادت و وقت نماز صبح و فرموده که اگر بدانید چه قدر منفعت در مسواک

هست در وقت خوابیدن نیز از خود جدا مکنید و مسواک بعرض دندان
استعمال نمایید و در حمام و بیت الخلا مسواک کردن مورث بوی دهن
باشد فصل نهم در فضایل وضو و غسل و آداب آن از اهل بیت طاهرین صلوات الله
علیهم اجمعین مرویست که استعمال طهور بسیار کنید که عمر را دراز کند و اگر توانید
روز و شب همیشه با طهارت باشید که اگر کسی با طهارت بمیرد و شهید باشد و چون
خواهد وضو کند بسم الله گوید که تمام بدن طاهر شود و همچنانکه گویا غسل کرده
و آن وضو کفارهٔ گناهان وی باشد تا وضوی دیگر و اگر بسم الله نگوید همان
اعضای که آب رسیده پاک شود و چون دست به آب گذارد و بسم الله
گوید گناهان که با دست کرده فرو ریزد و شیطان دور شود و چون مضمضه نماید
خدای تعالی دل و زبان او را بحکمت منور گرداند و چون استنشاق نماید بوی آتش
دوزخ نشنود و چون روی بشوید گناهان که با چشم و دهن کرده همه
بریزد و غلتهای آتشین بر و حرام شود و چون مسح سر کند خدای تعالی او را

از گناه

از گناه پاک کند و چون مسح پاها کند گناهان پای همه بریزد و از صراط گذرد
و در روز که قدمهای ایشان بلغزد و چون برای نماز صبح وضو کند کفارهٔ گناهان
باشد که در آن شب کرده غیر از کبایر و چون برای نماز شام وضو کند کفارهٔ
گناهان آن روز باشد سوای کبایر و اگر وضو داشته باشد و بی آنکه حدثی
روی دهد وضو کند خدای تعالی توبهٔ او را تجدید کند بی استغفار و وضو
بر سر وضو نور است بر سر وضو ده حسنه دارد و هرگاه خواهد که وضو کند و نظر
به آب کند بگوید الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی جَعَلَ الْمَاءَ طَهُورًا وَلَمْ یَجْعَلْهُ
نَجِسًا و چون دست بر آب گذارد بگوید بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ اللّٰهُمَّ
اجْعَلْنِی مِنَ التَّوَّابِینَ وَاجْعَلْنِی مِنَ الْمُتَطَهِّرِینَ و اگر در مثل طشت
یا کاسه وضو کند مستحب است که آب را در دست راست گذارد و اول دستها را
تا بند دست بشوید و اگر بعد از خواب یا بول باشد یکمرتبه و اگر بعد از غایط
دو مرتبه و بعد از جنابت سه مرتبه و چون مضمضه کند بگوید اللّٰهُمَّ

لَقِّنِّي حُجَّتِي يَوْمَ اَلْقاكَ وَاَطْلِقْ لِسانِي بِذِكْرِكَ وَشُكْرِكَ و چون

استنشاق کند بگوید اَللّٰهُمَّ لاتُحَرِّمْنِي طَيِّباتِ الْجِنانِ وَاجْعَلْنِي

مِمَّنْ يَشُمُّ رِيحَها وَرَوْحَها وَطِيبَها و چون روی بشوید بگوید اَللّٰهُمَّ

بَيِّضْ وَجْهِي يَوْمَ تَسْوَدُّ فِيهِ الْوُجُوهُ وَلاتُسَوِّدْ وَجْهِي يَوْمَ تَبْيَضُّ

فِيهِ الْوُجُوهُ و در شستن روی چشمها را بباید که آب وضو بچشم رسد تا آتش دوزخ

نه بیند و چون دست راست بشوید بگوید اَللّٰهُمَّ لاتُعْطِنِي كِتابِي بِشِمالِي

وَلامِنْ وَراءِ ظَهْرِي وَلاتَجْعَلْها مَغْلُولَةً اِلَى عُنُقِي وَاَعُوذُ

بِكَ مِنْ مُقَطَّعاتِ النِّيرانِ و مردان آب را بر پشت دست بریزند و زنان

بر روی دست و چون مسح سر کند بگوید اَللّٰهُمَّ غَشِّنِي بِرَحْمَتِكَ وَبَرَكاتِكَ

وَعَفْوِكَ و چون مسح پا کند بگوید اَللّٰهُمَّ ثَبِّتْ قَدَمَيَّ عَلَى الصِّراطِ

يَوْمَ تَزِلُّ فِيهِ الْاَقْدامُ وَاجْعَلْ سَعْيِي فِيما يُرْضِيكَ عَنِّي يا ذَا

الْجَلالِ وَالْاِكْرامِ و چون بطریق وضو کند واین دعا بخواند از هر قطره

اَللّٰهُمَّ اَعْطِنِي كِتابِي بِيَمِينِي وَالْخُلْدَ فِي الْجِنانِ بِيَسارِي وَحاسِبْنِي حِساباً يَسِيراً و چون دست چپ بشوید

که آب و آب دهن بهیچکدام ندیده باشد گرهی بران زند پس بر جانب راست چهار گره

و بر جانب چپ سه گره زند و در وقت گره زدن ریسمان را پیش دهن برده و بر هر گره الحمد

معوذتین و قل هو الله احد و آیت الکرسی بخواند و بر بازوی راست بندد و آیت الکرسی

بخواند و با آن جماع نکند وجع در عضو که باشد بگوید بسم الله و دست بر آن عضو نهد

و بعد از آن هفت مرتبه بگوید اَعُوذُ بِعِزَّةِ اللهِ وَاَعُوذُ بِقُدْرَةِ اللهِ وَاَعُوذُ

بِجَلالِ اللهِ وَاَعُوذُ بِعَظَمَةِ اللهِ وَاَعُوذُ بِجَمْعِ اللهِ وَاَعُوذُ بِرَسُولِ

اللهِ وَاَعُوذُ بِاَسْماءِ اللهِ مِنْ شَرِّ ما اَحْذَرُ وَمِنْ شَرِّ ما اَخافُ عَلَى

نَفْسِي درد سر و درد گوش دست بران نهاده و هفت مرتبه بگوید اَعُوذُ بِاللهِ

الَّذِي سَكَنَ لَهُ ما فِي السَّمواتِ وَما فِي الْاَرْضِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

درد شقیقه دست بر موضع درد نهاده سه مرتبه بگوید یا ظاهِراً مَوْجُوداً وَ

باطِناً غَيْرَ مَفْقُودٍ اُرْدُدْ عَلى عَبْدِكَ الضَّعِيفِ اَيادِيكَ الْجَمِيلَةَ

وَاَذْهِبْ عَنْهُ ما بِهِ مِنْ اَذًى اِنَّكَ رَحِيمٌ قَدِيرٌ درد چشم باعتقاد شفا

آیت الکرسی بخواند شفا یابد ایضا آیهٔ نور با آیهٔ وان یکاد در ابریق حضرت امام حسین ع
و آب زمزم بر جامی نویسد و جام را بشوید و در شیشه کند و با میلی در چشم کشد و ایضا از بعضی
صلحا منقول است که در خواب کسی را گفت که بگوی اعیذ نور بصری بنور الله الذی
لا یطفی و دست بر چشم مال و آیت الکرسی بخوان چنین کرد شفا یافت و مکرر تجربه نیز
کرده اند سنگینی گوش دست بر گوش گذارد و بگوید ولو انزلنا هذا القرآن تا آخر
سوره حشر بخواند درد دندان انگشت شهادت بر آن گذارد و بگوید بسم الله و بالله
اسئلک بعزتک و جلالک و قدرتک علی کل شیء ان مریم لم
تلد غیر عیسی روحک و کلمتک ان تکشف ما یلقی فلان بن فلان
من الضر کله خون از بینی و از هر عضوی که آید بگوید بسم الله الرحمن الرحیم
ما قطعتم من لینة او ترکتموها قائمة علی اصولها فباذن الله و لیخزی
الفاسقین بخواند و بر آن موضع بدمد درد دهن دست بر آن نهاده و بگوید
بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله الذی لا یضر مع اسمه داء اعوذ بکلمات

الله

الله التی لا یضر معها شیء قدوس اسئلک یا رب باسمک الطاهر
المقدس المبارک الذی من سألک به اعطیته و من دعاک به
اجبته اسئلک یا الله یا الله یا الله ان تصلی علی محمد النبی و اهل
بیته و ان تعافینی مما اجد فی فمی و فی سمعی و فی راسی و فی بصری
و فی بطنی و فی ظهری و فی یدی و فی رجلی و فی جوارحی کلها
از سیاتت بند عاجبان معلوم شود که از برای درد هر عضوی که باشد این بخواند
درد دل و سینه این آیات بر آب بخواند و بیاشامد لئن انجیتنا من هذه
لنکونن من الشاکرین سیهزم الجمع و یولون الدبر بل الساعة
موعدهم والساعة ادهی و امر ان الله یمسک السموات و الارض
ان تزولا و لئن زالتا ان امسکهما من احد من بعده انه کان
حلیما غفورا درد شکم تقدری آب بیاشامد و بعد از آن بگوید یا الله
یا الله یا الله یا رحمن یا رحیم یا رب الارباب یا اله

الالهة يا ملك الملوك يا سيد السادات اشفني بشفائك من
كل داء وسقم فاني عبدك وابن عبدك اتقلب في
قبضتك ایضا درد بهی گاه دست بر آن بمالد و سه مرتبه بگوید اعوذ
بعزة الله وقدرته على ما يشاء من شر ما اجد ایضا دست بمالد و سه مرتبه
بگوید بسم الله وبالله محمد رسول الله ولا حول ولا قوة الا بالله
العلي العظيم اللهم امح عني ما اجد في خاصرتي ایضا درد
پشت دست بر آن گذارد و بگوید وما كان لنفس ان تموت الا باذن
الله كتابا موجلا ومن يرد ثواب الدنيا نؤته منها وسنجزي
الشاكرين و هفت مرتبه انا انزلناه بخواند ایضا درد ناف دست بر آن گذارد
و سه مرتبه بگوید وانه كتاب عزيز لا ياتيه الباطل من بين يديه ولا
من خلفه تنزيل من حكيم حميد ایضا درد ران در آب گرم نشیند
و دست بر آن موضع او گذاشته بگوید اولم یر الذين كفروا ان السموات

والارض كانتا رتقا ففتقناهما وجعلنا من الماء كل شيء
حي افلا يؤمنون ایضا درد فرج دست چپ بر آن گذارد و سه مرتبه بگوید
بسم الله وبالله بلى من اسلم وجهه لله وهو محسن فله اجره عند
ربه ولا خوف عليهم ولا هم يحزنون اللهم اني اسلمت وجهي اليك
وفوضت امري اليك ولا ملجا ولا منجى الا اليك ایضا درد شانه
وقت خوابیدن سه مرتبه بگوید و چون بیدار گردد دیگر مرتبه بگوید الم تعلم ان الله له
ملك السموات والارض وما لكم من دون الله من ولي ولا
نصير جهة نفخ شکم بسم الله الذي اتخذ ابراهيم خليلا وكلم
موسى تكليما وبعث محمدا بالحق نبيا بعد از آن سه مرتبه بگوید یا ریح
اخرجي باذن الله ایضا زحیر بعد از نماز شب بگوید اللهم ما كان
من خير فيك لا حمد لي فيه وما كان من سوء فقد حذرتنيه
لا عذر لي فيه وامن مما لا عذر لي فيه ایضا جهة بواسیر بگوید

یا جواد یا ماجد یا رحیم یا قریب یا مجیب یا باری یا راحم صل علی
محمد و آله و اردد علی نعمتک و اکفنی امر وجعی طریقه دیگر سوره مبارکه یس
با عسل نوشته و شسته بیاشامد ایضاً سنگ مثانه و فالج در سجود نماز شب بگوید
اللهم انی ادعوک دعاء الذلیل الفقیر العلیل ادعوک دعاء من
اشتدت فاقته و قلت حیلته و ضعف عمله و الح علیه البلاء
ایضاً جهة فالج و قولنج و بادهای مفاصل الحمد و قل هو الله و معوذتین
بر آن بخواند و بعد از آن بر پشت خوان شانه بر لوحی بنویسد که اعوذ بوجه الله العظیم
و بعزته التی لا ترام و قدرته التی لا یمتنع منها شیء من شر هذا
الوجع و من شر ما اجد منه و با آب باران بشوید و ناشتا بیاشامد و بخواند
ایضاً سپرز سه مرتبه سوره اذا جاء نصر الله و سه مرتبه این آیه را بخواند ان الذین
قالوا ربنا الله ثم استقاموا تتنزل علیهم الملائکة الا
تخافوا و لا تحزنوا و ابشروا بالجنة التی کنتم توعدون

رکو

رکعت و ستهای صاحب سپرز بخواند و بر او دمد طریقه دیگر روز
چهارشنبه آخر ماه پیش از طلوع آفتاب بنویسد و بر بازوی چپ بندد و بعد از نه روز خاک
و در آب روان اندازد و اگر نشود چهارشنبه دیگر چنین کند ان شاء الله تعالی شفا یابد الم الم
المص الر الر المر الر الر الر حم حم حم حم عسق حم حم حم کهیعص
طه طسم طس طسم الم الم الم الم یس ص ق ن ان الله یمسک السموات
والارض ان تزولا و لئن زالتا ان امسکهما من احد من بعده
انه کان حلیما غفورا او
الکتاب فتری المجرمین مما فیه
ایتها الطحال ارجع الی الموضع
بحرمة آل محمد صلی الله علیهم

ح ا ح لح	ماومده وم	مح م ر
ح ا ح لح	ماومده وم	ر ح
٤ ا وطال	م م دو	ع مد ر
٤ ا وطال	م م دو	الطلح

ایضاً جهة پیچ شکم سه مرتبه بخواند یرید الله بکم الیسر و
یرید بکم العسر او لم یر الذین کفروا ان السموات و الارض

رتقا ففتقناهما وجعلنا من الماء كل شيء حي افلا يؤمنون
و آب را بیاشامد و دست بر شکم مالد ... آب بخواند بسم الله المتعلمون
الذين لا يعلمون قاعدون فوق عليين ياكلون نورا طريا
يسلون صاحبهم من النور العلوي كذالك يشفي فلان بن فلانه
ایضا حبس بیاشامد و بمالد بر شکم تا سود چون ... بریزد آب را غمی و ... ازان بر
بول بهر دو بار ... و بر ساق چپ نویسد ففتحنا ابواب السماء بماء
منهمر تا لمن کفر **دشواری بول** بگوید ربنا الله الذي في السماء تقدس
اللهم اسمك في السماء والارض اللهم كما رحمتك في
السماء اجعل رحمتك في الارض اغفر لنا حوبنا وخطايانا انت
رب الطيبين انزل رحمة من رحمتك وشفاء من شفائك
الى هذا الوجع فليبرء **ایضا جهة درد زانو** بعد از نماز بگوید
یا ... ودمن اعطى ويا خير من سئل ويا ارحم من استرحم ارحم

ضعفی

ضعفي وقلة حيلتي واعفني من وجعي **ایضا جهة درد ساق** بهفت
مرتبه بر آن بخواند اتل ما اوحي اليك من كتاب ربك لا مبدل لكلماته
ولن تجد من دونه ملتحدا **ایضا جهة درد سر پا** بر آن بخواند انا فتحنا لک
عزیزا حکیما **درد پی وکف پا** دست بر آن نهد و چندانکه احساس الم کند بگوید بسم الله
وبالله وما قدروا الله حق قدره والارض جميعا قبضته يوم
القيمة والسموات مطويات بيمينه سبحانه وتعالى عما يشركون
ایضا ورم در هر جای بدن که باشد چون ... فرض وضو کند و پس از نماز و بعد از نماز
بر آن بخواند لو انزلنا هذا القرآن تا آخر سوره حشر **عرق النسا** دست بر آن
نهد و بگوید بسم الله وبالله اعوذ باسم الله الكبير واعوذ
باسم الله العظيم من شر كل عرق نعار ومن شر حر النار
سل بر مریض بخواند یا الله یا رب الارباب یا سید السادات ویا اله
الالهة ويا ملك الملوك ويا جبار السموات والارض اشفني و

عافنی من داء هذا فانی عبدک انقلب فی قبضتک وناصیتی
بیدک **ایضاً جهة خنازیر** بعد از هر نماز فریضه در سجده بگوید که یا رؤوف
یا رحیم یا ربی یا سیدی صل علی محمد وآل محمد وعافنی من علتی
وازجهت برص دو رکعت نماز بگذارد و بعد از آن بگوید یا الله یا رحمن یا رحیم
یا سامع الاصوات یا معطی الخیرات اعطنی خیر الدنیا والاخرة
وقنی شر الدنیا والاخرة واذهب عنی ما اجد فقد غاظنی واحزننی
طریقه دیگر سوره یس با عسل بر جامی نوشته و بشسته بیاشامد **وایضاً دمل و جراحت**
چون بجای خوب رود بگوید اعوذ بوجه الله العظیم وکلماته التامات
التی لا یجاوزهن بر ولا فاجر من شر کل ذی شر **جوشش**
سه بار بران بگذارد و بر دور آن بگرداند و هفت مرتبه بگوید لا اله الا الله
الحلیم الکریم و در مرتبه آخر انگشت ابهام بران عقده **وایضاً کشودن بول**
یکپاره نمک بر دست بران بمالد و هر مرتبه بران بخواند لو انزلنا هذا القرآن تا آخر سوره

خشر و نمک در تنوری بیندازد و بسرعت بر گردد و طریقه دیگر چون ماه در تحت الشعاع
باشد هفت دانه جو بر دارد و بر هر دانه هفت مرتبه بخواند اذا وقعت الواقعة
تا هباء منبثا و این آیه ویسئلونک عن الجبال فقل ینسفها ربی
نسفا فیذرها قاعا صفصفا لا تری فیها عوجا ولا امتا بعد از آن
یک یک از آن جو ... بالدیس در پارچه نوی بسته و در سنگ بسته
و در چاه کهنه اندازد راوی گوید چنین کردم و هفتم ناشسته همه ثآلیل کف دست شسته
بود **جهة صرع** الحمد و معوذتین بر قدحی آب بخوانند و بر سر و روی مصروع پاشند
طریقه بر مصروع بخوانند عزمت علیک یا ریح بالعزیمة التی عزم بها علی
ابن ابی طالب رسول الله صلی الله علیه وآله علی جن وادی الصفرا
فاجابوا واطاعوا لما اجبت واطعت وخرجت عن فلان بن فلان
عرق بدنی که بفارسی رشته گویند پشم تر ابی آنکه متوارض کنند بر بند مکیان
بکشند و ریسمانی تا پیده هفت گره بر آن بزنند و بر هر گره سه مرتبه بخوانند و بعد از آن

سه مرتبه بر سید علاج الرحمن خوانند بسم الله الاحد المحصی العدد القریب لما
بعد الظاهر عن الولد العالی عن ان یولد المنجز لما وعد العزیز
بلا عدد القوی بلا مدد لم یلد ولم یولد ولم یکن له کفوا
احد یا خالق الخلیقة یا عالم السر والخفیة یا من السموات بقدرته
مرخاة یا من الارض بعزته مدحوة یا من الجبال بارادته مرساة
یا من نجی بصاحب الغرق من کل آفة وبلیة صل علی محمد
وآل خیر خلقک واشف اللهم فلان بن فلانه بشفائک وداوه
بدوائک وعافه من بلائک انک قادر علی ما تشاء وانت ارحم
الراحمین وصلی الله علی محمد النبی وآله الطاهرین دیگر چون شروع بخاریدن
کند و موی بر او نیامده باشد بر آن نویسد ویسئلونک عن الجبال تا ولا
امتا چنانکه قبل ازین گذشت وصبر آن هم بالد **ایضا علیه بواد زخوان** وبعضی ازان
بر جامی نوی نویسند بسم الله الرحمن الرحیم واین آیه را لقد تکرر نویسند که جام پر شود

ان الله

ان الله یمسک السموات والارض ان تزولا ولئن زالتا ان امسکهما
من احد من بعده انه کان حلیما غفورا پس آب سرد بشویند
ونگاه دارد وبعد ازان برابر خنونی بهمان آب نویسد همین آیه را والحمد و تبر
قل هو الله ومعوذتین وآیة الکرسی ولو انزلنا هذا القرآن تا آخر سوره وقل ادعوا الله
او ادعوا الرحمن تا آخر سوره بعد ازان نویسد بسم الله الرحمن الرحیم ان الله
یمسک السموات والارض آخر آیه بنویسد یا من هو کذا ولا کذا
غیره امسک عن فلان بن فلانه ما یجد من غلبة البول اگر
مرد باشد این تعویذ را بر پشت ناف بر ذکرش بندد واگر زن باشد بر زانوش بندد
پس قدری زعفران و دو برابر آن سعد هر یک جدا جدا بکوبد وسعد را در حریر صاف کند
وهر دو را با هم با عسل بی موم معجون ساخته گلولها بسازد ودر وقت خوابیدن یک
گلوله ازان معجون وقدری زان بنوشد ودرین ایام آب کمتر خورد وچون علت
زایل شود تعویذ را بگشاید که حبس البول شود **ایضا جهت بله** این شکل را

ونالوم	سے سے
بادس	السوالسو
ہس	اربوس

منویسد و ورا باز و پیش بند د اگر بیرون نیامده باشد نیاید
و اگر بیرون آمده باشد زیاده از آن نیاید ایضاً باز
امراض در زیر آسمان که سقف نباشد دستها را بر داشته بگوید اَللّٰهُمَّ
اِنَّكَ عَيَّرْتَ اَقْوَامًا فِي كِتَابِكَ فَقُلْتَ قُلِ ادْعُوا الَّذِيْنَ زَعَمْتُمْ
مِنْ دُوْنِهٖ فَلَا يَمْلِكُوْنَ كَشْفَ الضُّرِّ عَنْكُمْ وَلَا تَحْوِيْلًا فَيَا مَنْ
لَا يَمْلِكُ كَشْفَ ضُرِّيْ وَلَا تَحْوِيْلَهٗ عَنِّيْ اَحَدٌ غَيْرُهٗ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ
وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاكْشِفْ ضُرِّيْ وَحَوِّلْهُ اِلٰى مَنْ يَدْعُوْا مَعَكَ اِلٰهًا اٰخَرَ
فَاِنِّيْ اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ غَيْرُكَ ایضاً گزیدن جانور هفت مرتبه
الحمد بخوانند و حضرت پیغمبر را در نماز عقرب گزید چون از نماز فارغ شد عقرب را لعن کرد و گرمود
در نماز و غیر نماز کسی را نگذارد پس نمک بر آن مالید و قل یا ایها الکافرون و معوذتین بر آن خواند
ایضاً سوخته تیر گویان خموش کند و بر آن عضو بگوید اَذْهِبِ الْبَاسَ رَبَّ
النَّاسِ اِشْفِ اَنْتَ الشَّافِيْ لَا شَافِيَ اِلَّا اَنْتَ ایضاً جهت نسیان

بخوانند

بخوانند عادت نماید و بروایت دیگر آمده که باعسل سفید پاک بر قدحی پاک
بنویسد و با آب باران پیش از آنکه بر زمین رسد بشوید و سه روز ناشتا بیاشامد خدا تعالی
حفظ قران و علم عطا فرماید اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ وَلَمْ يُسْئَلْ اِلٰى الْعِبَادِ مِثْلُكَ
فَاَنْتَ مَسْئُوْلٌ لَمْ يُسْئَلْ مِثْلُكَ اَسْئَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ وَرَسُوْلِكَ وَ
اِبْرَاهِيْمَ خَلِيْلِكَ وَصَفِيِّكَ وَمُوْسٰى كَلِيْمِكَ وَنَجِيِّكَ وَعِيْسٰى كَلِمَتِكَ
وَرُوْحِكَ وَاَسْئَلُكَ بِصُحُفِ اِبْرَاهِيْمَ وَتَوْرَاةِ مُوْسٰى وَزَبُوْرِ دَاؤدَ
وَاِنْجِيْلِ عِيْسٰى وَقُرْاٰنِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهٖ وَبِكُلِّ وَحْيٍ وَ
قَضَاءٍ اَمْضَيْتَهٗ وَحَقٍّ قَضَيْتَهٗ وَغَنِيٍّ اَغْنَيْتَهٗ وَضَالٍّ هَدَيْتَهٗ وَسَائِلٍ
اَعْطَيْتَهٗ وَاَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِيْ وَضَعْتَهٗ عَلَى اللَّيْلِ فَاَظْلَمَ وَبِاسْمِكَ
الَّذِيْ وَضَعْتَهٗ عَلَى النَّهَارِ فَاسْتَنَارَ وَبِاسْمِكَ الَّذِيْ وَضَعْتَهٗ
عَلَى الْاَرْضِ فَاسْتَقَرَّتْ وَدَعَمْتَ بِهِ السَّمٰوَاتِ فَاسْتَقَلَّتْ وَوَضَعْتَهٗ
عَلَى الْجِبَالِ فَرَسَتْ وَبِاسْمِكَ الَّذِيْ بَثَّ بِهِ الْاَرْزَاقَ وَاَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ

کلیمک

الذی یحیی به الموتی واسئلک باسمک الذی دعاک به عبادک
الذین استجبت لهم وانبیاؤک فغفرت لهم ورحمتهم واسئلک
بکل اسم انزلته فی کتبک وباسمک الذی استقر به عرشک
وباسمک الواحد الاحد الفرد الوتر المتعال الذی یملأ الارکان
کلها الطاهر الطهر المبارک المقدس الحی القیوم نور السموات
والارض الرحمن الرحیم الکبیر المتعال وکتابک المنزل بالحق وکلماتک
التامات ونورک التام وبعظمتک وارکانک واسئلک
بمعاقد العز من عرشک ومنتهی الرحمة من کتابک وان تصلی علی
محمد وآل محمد ان ترزقنی حفظ القرآن واصناف العلم
وان تثبتها فی قلبی وسمعی وبصری وان تخالط بها لحمی ودمی وعظامی
ومخی وتستعمل بها لیلی ونهاری برحمتک وقدرتک فانه
لا حول ولا قوة الا بک یا حی یا قیوم ایضا طریقه دیگر بجهت

قوت حافظه و زوال نسیان در نماز صبح بخوانند ربنا لا تؤاخذنا تا آخر سوره
بقره مواظبت نمایند و بعد از آن بگویند اللهم لا تنسنی ما اقرأنی یومی هذا
فانک قلت سنقرئک فلا تنسی طریقه دیگر بعد از هر نماز بگوید سبحان
من لا یعتدی علی اهل مملکته سبحان من لا یأخذ اهل
الارض بالوان العذاب سبحان الرؤف الرحیم اللهم اجعل لی
فی قلبی نورا وبصرا وفهما وعلما انک علی کل شیء قدیر
طریقه دیگر هر روز بعد از نماز صبح پیش از آنکه حرف زند بگوید یا حی یا قیوم فلا
یفوت شیئا علمه ولا یؤوده نوع دوم از قسم اول از ادویه که عمده تاثیر آن
از جهت مزاج و طبیعت اگر چه در بعضی از آن اثر مزاج نیز مدخلیتی داشته باشد و از آن جمله
چند دوا ذکر کنیم اول تربت مقدس حضرت امام حسین علیه السلام مرویست از اهل بیت
طاهرین علیهم السلام که این تربت مقدس دوای اکبر است و هیچ مرضی نکند دیگر آنکه
او را دفع کند و دوای هر علت و حرز از هر خوفست کسی از امام جعفر صادق ع

پرسید که بعضی مردم از این تربت منتفع میشوند و بعضی منتفع نمیشوند فرمود والله که
هیچکس باعتقاد آنکه خدای تعالی باین تربت او را شفا میدهد تناول نکند مگر که البته شفا
یابد و دیگری بخدمت آنحضرت صلوات الله عرض کرد که از شما شنیدم که تربت
مبارک بهیچ علتی نمیسازد مگر که آن را هضم و تحلیل کند فرمود که بلی چنین است یکی گفت
من تناول کردم و منتفع نگشتم فرمود که این تربت دعائی دارد که اگر او را نخوانند
تواند بود که اثر نکند چون خواهی تربت مقدس را برداری بگو اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ
بِحَقِّ الْمَلَكِ الَّذی قَبَضَها وَ اَسْئَلُكَ بِحَقِّ النَّبِیِّ الَّذی خَزَنَها وَ اَسْئَلُكَ
بِحَقِّ الْوَصِیِّ الَّذی حَلَّ فیها اَنْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اَنْ تَجْعَلَ
شِفاءً مِنْ كُلِّ داءٍ وَ اَماناً مِنْ كُلِّ خَوْفٍ وَ حِفْظاً مِنْ كُلِّ
سُوءٍ پس در پارچه بند و سه بار انا انزلناه بخواند و چون خواهی تناول نمایی اول کن
و بر هر دو چشم بگذار و بیش از قدر نخودی تناول مکنی که هر کس بیش از آن بخورد
چنانست که از گوشت و خون ما خورده است و در روایت دیگر آمده که اگر کسی بقصد و بخورد

چنانست

چنانست که از گوشت و خون ما خورده باشد و ایضا دیگری روایت کند که من بحضرت
امام محمد باقر علیه السلام شکایت کردم از دو علت که هر یک علتی دیگری بود و هر
معالجه میکردم بدیگری ضرر میرسید فرمود چرا از تربت امام حسین نمیخوری گفتم بسیار خوردم
و نفع نیافتم چون این سخن گفتم اثر غضب بر آن حضرت مشاهده کردم گفتم اَعُوذُ بِاللّٰهِ مِنْ
غَضَبِكَ یَا ابْنَ رَسُولِ اللّٰهِ پس آنحضرت برخواست و بخانه رفت و بقدر نخودی از تربت
مقدس آورده بمن داد و فرمود بخور چون خوردم شفا یافتم فرمود این همانست که گفتی بسیار
خوردم و شفا نیافتم پس من گفتم یا مولای من بخدا قسم که دروغ نگفتم لیکن بگو شما او را
علمی هست اگر بمن احسان فرمائی دوست دارم از هر چه آفتاب بر او تابد فرمود چون خواهی تربت
مقدس را برداری باید که در آخر شب غسل کنی و جامه پاک پوشیده بوی خوش بکار بری پس
بمشهد مقدس آنحضرت روی و در بالا سر مبارک آنحضرت چهار رکعت نماز بگذاری و در رکعت
اول بعد از حمد یازده انا انزلناه و در دوم یازده قل یا ایها الکافرون و این قنوت بخواند
لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ حَقّاً حَقّاً لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ عُبُودِیَّةً وَ رِقّاً لَا اِلٰهَ اِ

الله وحده وحده انجز وعده ونصر عبده وهزم الاحزاب
وحده سبحان الله رب السموات السبع ورب الارضين السبع
وما فيهن وسبحان الله رب العرش العظيم وصلى الله على محمد وآله
تسليما وسلام على المرسلين والحمد لله رب العالمين پس دو رکعت نماز
تمام کن وسلام ده و دو رکعت دیگر بگذار و در اول بعد از حمد یازده بار قل هو الله احد و در
دویم یازده مرتبه اذا جاء نصر الله و همان قنوت را بخوان و چون سلام دهی سجده کن
و هزار مرتبه بگوی شکرا لله پس سر بردار و دستها را بر تربت مقدس گذاشته بگوی یا
مولای یا ابن رسول الله انی اخذت من تربتک باذنک اللهم اجعلها
شفاء من کل داء وعزا من کل ذل وامانا من کل خوف وغنى
من کل فقر لی ولجمیع اخوانی المؤمنین پس سه مرتبه هر مرتبه بانگشت از این
تربت بردارد و در خرقه پاک بند و با رشته کن و سر آنرا با خاتمی که نگین او عقیق باشد و
کلمات بر او نقش شده ما شاء الله لا قوة الا بالله استغفر الله مهر کن و چون

خدا

خدای تعالی باید که نیت تو صادق باشد مجموع آن تربت که برداشته هفت مثقال باشد
نه زیاده و نه کم و چون چنین بردارد شفای همه امراض باشد و در روایت دیگر آمده که اگر این
کلمات با تربت بر کاغذ چینی نویسد و با گلاب یا غیر آن شسته بیاشامد باذن الله تعالی شفا
یابد اگر چه شروط عمل نیامده باشد بسم الله الرحمن الرحيم بسم الله الشافی بسم الله الکافی
بسم الله المعافی بسم الله الذی لا یضر مع اسمه شیء فی الارض ولا
فی السماء وهو السمیع العلیم وننزل من القرآن ما هو شفاء ورحمة
للمؤمنین و در وقت خوردن تربت بگو بسم الله وبالله اللهم رب هذه
التربة المبارکة الطاهرة ورب النور الذی نزل فیه ورب الجسد
الذی سکن فیه ورب الملائکة الموکلین به اجعله لی
شفاء من داء کذا آنگاه نام مرض ببرد پس جرعه آب بر سر آن بیاشامد و بگوید اللهم
اجعله رزقا واسعا وعلما نافعا وشفاء من کل داء وسقم که حق تعالی
ببرکت آن تربت علت و الم و غم و هم را دفع نماید و در روایت دیگر آمده که اینجا دعا را

سه مرتبه بخوانند و بر تربت بدمند و در آب تر کنند بسم الله و بالله اللهم اجعل
رزقا واسعا و علما نافعا و شفاء من کل داء انک علی کل شیء
قدیر دویم همین تربت بعدد قدری زعفران و قدری عسل با آب باران معجون
ساخته و از برای نحو … نمایند سیم بعدد حب از ین تربت مبارک که هر حب بقدر عدسی
باشد هفت دانه سیاه دانه و هفت قطره عسل همه در آب یا در روغن کنند و الحمد و معوذتین
و قل هو الله و آیة الکرسی و اول سوره حدید تا ترجع الامور و لو انزلنا هذا القرآن تا آخر سوره
بر ان بخوانند و استعمال نمایند شفای چهارم آب نیسان مرویست از حضرت پیغمبر که بود
که شما را دوایی بیاموزم که با وجود آن محتاج باطبا نشوید پس حضرت امیر المومنین
صلوات الله علیه و جمعی دیگر از صحابه پرسیدند که کدام است فرمود که آب باران نیسان
بگیرید و بر ان بخوانند الحمد و آیة الکرسی و قل هو الله و هر یک از معوذتین و قل یا ایها الکافرون
هر یک هفتاد مرتبه و بروایت دیگر انا انزلناه و الله اکبر و لا اله الا الله و صلوات بر پیغمبر و آلش
صلی الله علیهم نیز هر یک هفتاد مرتبه و هفت روز پی در پی صبح و شام از آن آب بیاشامد تا که

بان

بان خدایی که مرا بحق نبوت فرستاده که جبرئیل علیه السلم گفت از جناب الهی که هر علت
و مرض که در جمیع رگها و استخوانهای او باشد بیرون رود و شفا یابد و اگر در لوح محفوظ نام
او علتی ثبت باشد محو شود و اگر فرزندش نشود دار شود و اگر چه عقیم باشد و اگر عنین باشد عافیت
یابد و اگر زن بقصد پسر بخورد پسر آورد و دوای جمیع امراض است در هر عضوی که باشد حتی کوری
و لالی و شلی و دیوانگی و امانست از همه مکاره و از نزول آب سیاه بچشم و از وسواس حزن و شیاطین
و دلش پر نور و روشن گردد و الهام الهی در دلش راه یابد و از حکمت زوال و بر زبانش
جاری گردد و هزار رحمت و هزار مغفرت بر او فرستد و غش و حسد و خیانت و غیبت و کبر
و بخل و حرص و غضب و عداوت و ظلم از دلش بر رود شفای پنجم آب باران از هر باران نیسانی
که باشد پیش از آنکه بزمین رسد بگیرند و الحمد و توحید و معوذتین هر یک را هفتاد مرتبه بر ان
بخوانند و یک قدح صبح و یکی شام بیاشامد و حضرت پیغمبر فرمودند دوای که مرا بنبوت اختصاص
فرموده که برای هر علت و الم که باشد آنرا از بدن و استخوان و عروق بیرون برد
و فضایل آب میزاب و فرات و مذمت آب تلخ و گرم قبل از این گذشت قسم دویم در

که آثار ایشان از جهة مزاج و طبیعت و بحسب اختلاف مزاجها و بلاد و فصول لا محاله مختلف شود
پس در استعمال آنها ملاحظه مناسبت باید نمود تا موذی نفع باشد و مضرت نشود و از آنجمله پنج چیز
ذکر کنیم اول سنا مرویست که اگر چیزی دفع مرگ تواند کرد سنا باشد و اگر مردم بدانند
که چه منفعت در وی هست یک مثقال آن را به دو مثقال طلا بخرند تا امانست از بهق و برص و جنون و جذام
و فالج و لقوه سنا و مویز سرخ بیدانه و هلیله زرد و هلیله سیاه و کابلی اجزای مساوی معجون
ساخته بمقدار سه درم تا شش درم و سه درم وقت خواب تناول کند دوم بزرقطونا اگر
صاحب تب بمقدار دو درم در شب اول تناول کند در آنکوفت از مرض سرسام
ایمن باشد سیم سیاه دانه مرویست که دوای هر علتست مگر مرگ را و وی پرسید که
چون استعمال کنیم فرمود در شب هر شب هفت دانه در پارچه بسته در آب بخیسان
و در روز اول در سوراخ دماغ یک قطره بچکان و در روز دویم در جانب راست دو قطره
و در جانب چپ یک قطره روز سیم در راست یک قطره و در چپ دو قطره چهارم اطریفل
مرویست از حضرت صادق که موسی بن عمران از رطوبات و بلغم بخدای تعالی شکایت

کرد

کرد فرمود اطریفل بلیله و آمله اجزای مساوی گرفته باروغن گاو چرب کن و با عسل معجون ساز
و استعمال نمای پس حضرت صادق فرمود که این همان معجونیست که شما اطریفل صغیر میگویید شفای
هر علتیست مگر موت پنجم کسی از تب ربع شکایت کرد حضرت امام جعفر صادق فرمود
قدری قند سلایه کرده در آب بریز و بر هم زن تا خوب شربت شود و صبح و شام بیاشام
ششم عسل مرویست که عسل دوای هر کوفتست و اگر کسی هر ماه یکمرتبه عسل بخورد از همه امراض ایمن
شود و هفتم کسی عطسه بسیار کند روغن مرزنجوش در دماغ بچکاند تخفیف یابد و مرویست
که عطسه و زکام را معالجه نکنید که امانیست از جذام و از بادی که در سر و رو باشد و نزول آب
و موی زاید در چشم و سده دماغ و نیز مرویست که هر کس را رگی از جذام در سر و رگی از
برص در بدن باشد چون رگ جذام بیجان آید خدای تعالی زکام را بر او مسلط گرداند تا ماده
جذام دفع شود و چون رگ برص بیجان کند دمل را بر آن گمارد تا ماده برص را دفع
کند و چون زکام و یا دمل بهم رسد خدای تعالی را حمد کنید هشتم صبر سقوطری و مرد و کافور
ریاحی مساوی بهم گرفته از حریر بیخته مثل سرمه در چشم کشند رمد و درد چشم و ضعف باصره را نافع

باشد و در روایت دیگر همین مضمون مذکور است با کافور و فرموده اگر ماهی یکمرتبه در چشم
کشند همه امراض را از سر دفع نماید نهم مرویست از حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله
علیه از زعفران و سعد از هر یک قدری با عسل معجون ساخته هر روز دو مثقال تناول کند قوت
حافظه هم آن باشد که ساخته شود دهم حجامت و فصد مرویست که چون آثار زیادتی خون
از بدن بیرون کنید که گاه باشد که غافل طغیان کند موجب هلاک شود و نیز مرویست
که مردم هیچ چیز ندادند بهتر از حجامت خون با یک انگشت عسل و حضرت صادق ع فرموده
که حجامت دوای هر مرض است مگر موت پس از برای خود واجب کرده و باینجا که ابهام
رسید فرمود که آنموضع حجامت کن و چون حجامت کنند باید که چیزی خورده باشند
که خون در موضع حجامت جمع شود و کوفت و الم از بدن بیرون رود و اگر چیزی نخورده
حجامت کند خون برود و کوفت بماند و بعد از حجامت قند بخورند که خون تازه از آن
متولد شود و حجامت روز شنبه و یکشنبه و شب یکشنبه و عصر روز دوشنبه نافع تر باشد
و مرویست که در روز یکشنبه شفای هر علت است و پنجشنبه بعد از زوال حجامت کنند که خون

در موضع

در موضع حجامت جمع شود و چون زوال شود مستغرق گردد و روز پنجشنبه آخر ماه کوفت
از بیخ برکند و مرویست که روز شنبه اگر حجامت کنند خون بایستد تا آنکه بمیرد یا آنچه
خدا نخواهد شود و روز چهارشنبه حجامت موجب برص باشد و در روایت دیگر آمده که برای
کسیست که با دردسر و ایام حیض برا او حامله شده باشد و روز جمعه وقت زوال اگر حجامت کند
و بعلتی مبتلا شود غیر خود کسی را ملامت نکند و مرویست که حضرت پیغمبر فرمود که از اول ماه
تا نصف ماه از حجامت احتراز کنید که هر روز هر وقت علتی و مرضی باشد و از روز شانزدهم تا آخر
ماه حجامت کنید که هر روز شفا و منفعتی باشد مگر چهارشنبه و شنبه که موجب برص است و در
روایت دیگر آمده که اگر حجامت در روز سه شنبه هفدهم یا نوزدهم یا بیست و یکم ماه اتفاق افتد
دوای امراض باشد تا یکسال و نیز مرویست آیت الکرسی بخوانید و هر روز که خواهید حجامت
کنید که ضرر نکند و مرویست که چون طفل چهار ماهه شود هر ماه یکمرتبه حجامت کنید که از برای
صحتش بهتر است و فصد نیز در اکثر احکام مثل حجامت است و چون حجامت کنند و خون از رو
آید هنوز فارغ نشده باشد بگوید بسم الله الرحمن الرحیم اعوذ بالله الکریم

فی حجامتی هذه من العین فی الدم ومن کل سوء این بود اندکی
از ادویهٔ طبیعیه که در احادیث مذکور است و بسیار در احادیث مذکور است و بسیاری
اغذیه و ادویه نیز در فصل فضایل ماکولات گذشت و از حضرت امام جعفر صادق ع مرویست
که فرمود که هیچ دوایی نیست که هیچ مرضی نباشد و هیچ دوایی در بدن انفع از این نیست که دست
از خوردن باز داری مگر بقدر ضرورت و هم از آنحضرت ع مرویست که بدن تا بمرضی محتاج نباشد استعمال
دوا مکنید **فصل دوازدهم** در تجربیات عادات که مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام
که ابتدای کارها به بسم الله کنند و گویند تا از برکت شیطان لعین ایمن شوید و چون روز قیامت نامهٔ قبایح و
فضایح اعمال بنده را بدست او دهند بحسب عادتی که در دنیا داشته بسم الله الرحمن الرحیم بگوید
و نامه را که فرو نگاه کند همه سفید بیند و هیچ نوشته در آن نیابد از آن حالت سوال کند ملائکه گویند
این مملو بود از سیئات و معاصی تو اما برکت این کلمهٔ مبارکه همه عفو و محو گشته و نیز مرویست
که چون روز قیامت شود بنده را امر به دوزخ شود بسم الله گوید و قدم در آن نهد
آتش فی الفور بالمره از او دور شود و در کارهای عظیم و غیره ابتدا بصدقه و دعا و استعاذه

و استعاذه

و استعاذه کند که اگر ضرری در آن باشد دفع گردد و شروع در کارها اول روز بهتر است که آغاز
سعادت در او وارد شده که اول روز مبارکست و مرویست از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه
که در هر ماهی دو روز نحس است که اگر کاری در آن روز شروع شود به تمام نرسد و اگر طفلی
متولد شود نماند و اگر کسی بجنگ رود ظفر نیابد و اگر درخت نشاند نمو نکند باین تفصیل محرم
یازدهم و چهاردهم صفر اول و بیستم ربیع الاول دهم و پنجم ربیع الثانی اول و یازدهم
جمادی الاول دهم و یازدهم جمادی الثانی اول و یازدهم رجب یازدهم و سیزدهم شعبان
چهارم دهم و بیستم شوال ششم و هشتم ذو القعده هشتم و بیستم ذو الحجه هشتم و بیستم
و از حضرت امام جعفر صادق ع منقول است که در هر ماه یک روز نحس است که هر کس از آنها اجتناب
کند ایمن باشد و هر کس در آنها کاری کند خالی از مکروهی نباشد باین تفصیل محرم بیست و دوم
صفر دهم ربیع الاول دهم و پنجم ربیع الثانی و جمادی الاول بیست و ششم جمادی الثانی و رجب
دوازدهم شعبان بیست و ششم رمضان بیست و چهارم شوال دوم ذو القعده بیست و ششم
ذو الحجه هشتم و ایضا از حضرت امام جعفر صادق ع مرویست که در هر ماه هفت روز نحس است

چنانکه مشهور است تا این حساب ماه قدیم است که ظاهرا اول سالش روز نوروز است و هر ماه را
سی روز شمرد تا آخر سال و احادیث بسیار نیز در نحوست روز عاشورا و دوشنبه و چهارشنبه
آمده چنانکه بعد ازین ان شاء الله تعالی مذکور شود و روایت دیگر آمده که با روزها دشمنی نکنید
تا آنها با شما دشمنی نکنند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله مرویست که هر کس در روز
یکشنبه جامه ببرد مبارک نبود و در آن جامه غمگین شود و روز دوشنبه مبارک شود
و روز سه شنبه دزدیده شود یا بسوزد یا در آب ضایع گردد و روز چهارشنبه در آن جامه
روزی بد و مکروهی ببیند و بخوشحالی گذراند و روز پنجشنبه در آن جامه علمی او را روزی
شود و در چشم مردم مکرم باشد و روز جمعه عمر و دولتش زیاده شود و روز شنبه در آن جامه
بیمار باشد مگر آنکه بکسی دهد اما چنانکه از بسیار احادیث معلوم است اینست که در هر کار
چون توکل بر خدا کند و توسل بدعا و صدقه شوند از همه ضررها ایمن گردند و مناسب
این مقام است تحقیق علم نجوم و آنچنانست که احادیث بسیار که ذکر آنها درین رساله
نگنجد و براهین عقلیه نیز صریحست درینکه خدای تعالی بمقتضای حکمت کامله و مصلحت شامله

درکارخانه

در کارخانه صنعت خود هر کاری را بکار فرمای مرجوع ساخته و برای نظام امری
تعیین فرموده و از آنجمله حوادث جزئیات عالم کون و فساد را از خیرات و شرور
بملائکه آسمانها که آفتاب و ماه و کواکب و نجوم همه جنود و اعوان و خدام ایشانند مرجوع
گردانیده و بسیاری از نظم و نسق و نظام نشاء دنیا مقرر نموده و هیچ چیزی از جزئیات
درین عالم حادث نشود مگر بتأثیر و امر ایشان باذن الله العزیز الحکیم اما بچند سبب اهل بیت
نبوت و حکمت ایشانرا از تعلیم و پیروی آن منع فرموده اند **اول** آنکه چنانکه منجمان
نیز معترفند این احکام تأثیرات کواکب و حرکات افلاک خصوص نسب و اوضاع
آنها با هم معارضه کنند و با یکدیگر متفاوت کنند چه بسیار باشد که نظری و وضعی خاص
مقتضی اثری باشد و نظری و وضعی دیگر مقتضای خلاف آن باشد و با او مقاومت
کند بلکه بر او زیادتی نماید و همه ملائکه و کواکب را حصر و عدد و خصوص تأثیرات و احکام
ایشانرا از انسان غیر اهل بیت دیگری ندانند و اطلاع بر حقایق همه آنها غیر ایشان کسی نتوانند
و آنچه از آنجمله در نجوم مضبوطست عددی محصورست و آن نیز در عقد رصد و استخراج

زیج و صنعت اسطرلاب و کتاب تقویم از سهو و غلط مصون نیست لیکن با وجود اینهمه
قصور بیرون آن سوای حیرت و تضیع عمر حاصلی ندهد و مؤید اینست آنکه کسی از حضرت امام
پرسید که عمل نجوم میکنیم و مردم منع میکنند اگر ضرر بدین من دارد ترک کنم فرمود که
ضرر بدین ندارد و اما علمیست که بسیارش ندانند و کمش نفع ندارد و بعد از آن کوکبی
سکینه نام را سؤال نمود و از بعض احوال آن استفسار فرمود گفت نام این کوکب را هرگز
نشنیده ام و در کتابها ندیده ام فرمود و بعد که اگر این حساب را ندانی توانی دانست
که فی در میان فی زاویست کدام است و در هر طرفش چند عددی است تا آنکه یکسانی از علم
تو بیرون نرود و انضمام ولیست که آنحضرت دیگری فرمود که شما بطالع قمر حساب میکنید
چه قدر حساب ازین استنباط توان نمود و امثال این اخبار بسیار است دوم آنکه
تأثیرات حرکات افلاک و کواکب بحسب اختلاف طالع مولود و ناس مختلف شود زیرا
که نظر خاص بطالع خاص اثری کند و با طالع دیگر تأثیری دیگر کند و گر نه لازم آید
که چون چند کس در یکساعت کاری کنند برای همه یک اثر داشته باشد و حال آنکه تجربه

خلاف

خلاف اینست و مؤید اینست آنکه حضرت امام ع یکی که از نجوم سؤال کرده بود فرمود
چه میگویی چون دو لشکر با هم ملاقات کنند و هر کدام منجمی دارند که برای ایشان اختیار وقت
ساعت سعد میکنند و چون محاربه میکنند یکی منصور و دیگری مقهور گردد پس نحوست در آن وقت
کجا بود و بعد از آن فرمود این حساب را کسی داند که موالید خلق را داند سیم و این اهم از آن
دو است آنکه مقصود اصلی از دین مبین اینست که روی دل خلق را از هر چه غیر خداست
منحرف باز گردانند و توکل و اعتماد در جمیع احوال بر خدا داشته باشد و چون آدمی در مجاری
احوال از سعد و نحس ساعات خبر نداشته باشد ناچار دست از همه اسباب گسسته دست
برحمت خدا زند و از همه چیز نومید گشته اعتماد بریده توکل بر او کند و دم بدم ملتجی
مترصد فضل و منتظر رحمت او باشد و از مجلس غیر او امید و توقعی نداشته باشد و
با وجود آنکه غرض اصلیست توسل بصدقات و ادعیه و اذکار و معترف بقصور و ذنوب
و استغفار شود و بفضایل و ثواب آنها فایز گردد پس اگر آن ساعتی واقع سعد
باشد و شری در آن امر که مقصود اوست مقدر نباشد با وجود اینهمه فضایل کارش

نیز نسبت بامان ملکه بسبب آن توسلات بامان‌تر و سعادتش بیشتر باشد و اگر آن ساعت
در واقع نحوستی داشته باشد پس آن نحوست اگر از امور محتومه لازمه نباشد بصدقات
و توسلات مرتفع گردد و با آن فضایل و حصول مطالب نیز فایز شود و اگر از امور محتوم
باشد و البته اثر کند بفضایل توسلات فایز گردد و ترتبی که از نحوست ساعات عارض می‌شد
موجب بازدید حسنات و محو سیئات و رفع درجات گردد چنانکه مروی است که خاری بپای مؤمنی
نرود مگر آنکه برای او حسنه ثبت شود یا سیئه محو گردد و امثال این روایات بسیار است
بخلاف آنکه بعضی ناقصان اگر اطلاع بر سعد و نحس ساعات داشته باشند اعتماد بر آن
کرده تصدق آنکه اعتماد کند توکل و التجا بجناب الهی نقصان یابد و قصور پذیرد و گاه باشد
که بسبب اعتماد بر سعادت ساعت از فضایل صدقه و دعا و سایر وسایل بالکلیه یا از بعضی آنها
محروم گردد و اگر نحوست در ساعت بیند از همه آن فضایل محروم گشته از مطلب و از
کرامات اخروی بتقدیر تاثیر نحوست بی نصیب ماند و چون انجمله دانسته شد که نحوست
بعض ایام و ساعات که در احادیث وارد شده که بعضی از آنها در این مقام مذکور شد و بعضی

بر آن

دیگر

دیگر در باب نکاح و باب سفر انشاء الله تعالی مذکور شود دوم قسمی که تاثیرش
نه از جهت طبیعت و خاصیت آن وقت است بلکه بسبب قابلیتی که در آن وقت هست مثل روز عاشورا
در روز دوشنبه با کمال تعظیم آن روز و عمل آن روز است مثل روز جمعه و این قسم نحوست
نظر بتربت مقدس است در شفا چنانکه گذشت و قسم دوم آنکه نحوستش از جهت طبیعت
و خاصیت است مثل غیر آن و تاثیر این قسم مثل تاثیر ادویه طبیعیه است و مخفی نماند که این
وجوه برای نهی عمل نجوم مذکور شد و در ساعات نیز جاریست چه تواند بود که روز چهارشنبه
خدم
مثلا بحسب طبیعت خود نحس باشد اما اگر با سعادت دعا و صدقه یا با سعادت فلان روز
فلان ماه یا با سعادت طالع مولودی جمع شود مساوی شوند بلکه گاه باشد که سعادت
این غالب شود و باین سبب است که ائمه طاهرین علیهم السلام از این اوقات نحوست تسلم همه
نهی نموده و اهتمام در اجتناب از آنها نفرموده‌اند بلکه همه را امر بدعا و صدقه و توسل الله
و توکل بر خدا فرموده‌اند و فرموده‌اند که با روزها عداوت مکنید تا روزها با شما عداوت
نکنند و امثال اینها که اگر نحوستی باشد ببرکت این وسایل رفع گردد و اگر سعادتش

زیاد شود و خرج لازم نیاید کار درست شود اگر گوید لا حول و لا قوة الا بالله العلی
العظیم که حمله عرش چون از برداشتن عرش عاجز بودند چون این کلمه گفتند برداشتن آسان
گشت چون کاری گوید میکنیم باید بگوید بتوفیق و مشیت الهی ساخته شد ان شاء الله تعالی
گوید مرویست که از حضرت پیغمبر مسئله پرسیدند فردا جواب بگویم و ان شاء الله تعالی
نگفت چهل روز وحی از آنحضرت محبوس شد تا آنکه تکذیب آنحضرت کردند و غبار ملال از آنحضرت
بر خاطر مبارکش نشست پس از روی تادیب و تعلیم این آیه نازل گشت وَلَا تَقُولَنَّ لِشَيْءٍ
إِنِّي فَاعِلٌ ذَٰلِكَ غَدًا إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ و حضرت سلیمان علیه السلام گفت بنود
زن مباشرت کنم و نود دلیر متولد شود که در راه خدا جهاد کنند و ان شاء الله نگفت هیچکدام
حامله نشدند مگر یکی که نصف طفلی آورد و مرویست که اگر میگفت ان شاء الله همه جوانان
میشدند که جهاد کنند و در حکایت بقره بنی اسرائیل که در آخر گفتند انا ان شاء الله لمهتدون
و مرویست که اگر نمی گفتند تا ابد قضیه ایشان معلوم نمیشد و حضرت امام جعفر صادق
باصحاب فرمود کتابتی از برای چیزی مطلبی بکسی نوشته چون بعرض آنحضرت رسید فرمود

ان شاء الله

ان شاء الله ننوشته اید چون توقع ساخته شدن کار دارید پس فرمود در هر مطلبی ان شاء الله
بنویسید **ایضاً استخاره** چون کسی در کار ها تردد داشته باشد استخاره کند و در استخاره
طرق متعدده وارد شده و از آنجمله چند طریقه ذکر کنیم اول استخاره بتسبیح تمجید ده مرتبه
تکبیر و ده مرتبه انا انزلناه بخواند و سه مرتبه بگوید اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْتَخیرُکَ لِعِلْمِکَ
بِعاقِبَةِ الْاُمورِ وَاَسْتَشیرُکَ لِحُسْنِ ظَنّی بِکَ فِی الْمَأمولِ وَالْمَحْذورِ
اَللّٰهُمَّ اِنْ کانَ الْاَمْرُ الْفُلانی مِمّا قَدْ نیطَتْ بِالْبَرَکَةِ اَعْجازُهُ
وَبَوادیهِ وَحُفَّتْ بِالْکَرامَةِ اَیّامُهُ وَلَیالیهِ فَخِرْ لی فیهِ خیرَةً تَرُدُّ
شُموسَهُ ذَلولاً وَتَقْعَضُ اَیّامَهُ سُروراً اَللّٰهُمَّ اِمّا اَمْرٌ فَأْتَمِرُ وَاِمّا
نَهْیٌ فَانْتَهی اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْتَخیرُکَ بِرَحْمَتِکَ خیرَةً فی عافِیَةٍ و حاجت را
در دل بگذراند پس کفی از تسبیح بگیرد و بشمرد اگر زوج باشد بکند و اگر فرد باشد ترک نماید
و اگر بعکس این بر قصد کند تواند دوم استخاره بقرآن مجید الحمد لله و آیة الکرسی و عنده
مفاتح الغیب تا آخر آیه بخواند و ده مرتبه صلوات بفرستد پس بگوید اَللّٰهُمَّ اِنّی

توکلت علیک و تفألت بکتابک فارنی ما هو المکنون فی سرک
المخزون فی غیبک اللهم ارنی الحق حقا حتی اتبعه وارنی الباطل
باطلا حتی اجتنبه برحمتک یا ارحم الراحمین بعد از آن مصحف کشاید
و از صفحه راست جلالات شمرد و بعد جلالات از جانب چپ ورق شمرد و پس آن
عدد از صفحه چپ سطر شمرد و بعد از سطر آخر مضمون آیه هر چه باشد عمل نماید سیوم
استخاره ذات الرقاع بر شش پاره کاغذ بنویسد بسم الله الرحمن الرحیم خیرة
من الله العزیز الحکیم لفلان بن فلانه بعد از آن بر سه کاغذ افعل و بر سه کاغذ
لا تفعل بنویسد و کاغذها را در زیر سجاده گذارد و دو رکعت نماز کند بعد از آن سجده
کند و در سجده صد مرتبه بگوید استخیر الله برحمته خیرة فی عافیة
پس بنشیند و بگوید اللهم خر لی واختر لی فی جمیع اموری فی یسر منک
وعافیة پس کاغذها را برهم زند و یکیک تا سه کاغذ بیرون آورد پس اگر هر سه افعل یا
لا تفعل باشد بمقتضای آن عمل کند و اگر مختلف باشد تا پنج کاغذ بیرون آورد و بیند

افعل

افعل یا لا تفعل هر کدام بیشتر باشد چنان کند چهارم آنکه دعا کند و از خدای تعالی در آن
کار طلب خیر نماید پس توکل نموده شروع در آن کار نماید که اگر آن کار سهل باشد مثل شستن
خریدن و فروختن و مثال آن یک مرتبه کافی باشد و اگر کاری عظیم باشد صد مرتبه
بهر عبارت که خواهد و اگر یکی از دو عبارت که در استخاره ذات الرقاع گذشت بگوید
مستحسن باشد و مرویست که هر کس باین دعا هفتاد مرتبه دعا کند البته آنچه خیر است خدای تعالی
از برای او اختیار فرماید یا ابصر الناظرین و یا اسمع السامعین و
یا اسرع الحاسبین و یا ارحم الراحمین و یا احکم الحاکمین
صل علی محمد و اهل بیته وخر لی فی کذا و حضرت امام جعفر صادق ع
فرمود که هر کس از خدای تعالی یک مرتبه طلب خیر کند و استخاره نماید و بآنچه خدای از برای
او اختیار کند راضی باشد البته آنچه خیر است خدای تعالی برای او اختیار فرماید و هم
آنحضرت علیه السلام فرمود چون استخاره کنید بعافیت و سلامت طلب کنید چه بسا باشد
که خیر کسی در قطع ید یا موت اولاد یا بلیه دیگر باشد پنجم مشورت با عقلا مرویست

که با عقلا در کارها مشورت کنید و آنچه اختیار کنند خلاف آن کنید که موجب نجات باشد
و مرویست که هیچ جمعی مشورت نکنند که کسی که محمد یا احمد یا حامد یا محمود نام داشته باشد در میان ایشان
حاضر شود مگر آن خیر برای ایشان حاصل شود و ایضاً چشم زخم مرویست که ایمن بیابش از اثر
چشم زخم خود و بر دیگری که اثر چشم حقست اگر چیزی بر قدر الهی پیش دستی تواند کرد چشم زدن است
و چون از کسی چیزی بیند که بنظر خوش آید او را بسیار کبار و کنید و در روایت دیگر آمده که بگویند
ما شاء الله لا قوة الا بالله تا ضرر چشم زخم ایمن شوید و در روایت دیگر آمده که چون از چشم
زخم بترسید و آن کلام بخوانید با سه مرتبه بگوئید ما شاء الله لا قوة الا بالله از ضرر
آن ایمن شوید و نیز مرویست که چون جامه نوی بپوشید که شما را از آن خوش آید وقت برون
رفتن از خانه معوذتین بخوانید که از چشم زخم ایمن شوید و حضرت امام رضا علیه السلام
کسی فرمود که غالیه برای وی ساخت چون بنظر مبارکش رسید از آن خوشش آمد الحمد و قل اعوذ
معوذتین و آیت الکرسی بر وی بخواند و بر غلاف شیشه گذارد که از چشم زخم محفوظ باشد
چون خبری خوش بشنوید بگوئید الحمد لله و بر روایت دیگر آمده شکر چون

نعمتی

نعمتی از احیانی یا دفع مکروهی از خدای تعالی برسد بگوئید الحمد لله شکر آن گذارده باشد و اگر مرتبه
دوم بگوید ثواب آن تجدید شود و چون مرتبه سیم بگوید گناهان او آمرزیده گردد و اگر سجده
شکر کند ده حسنه نوشته شود و ده خطیئه عظیم محو گردد و ده درجه در بهشت بلند شود
و مرویست که چون نعمتی که تیسر شده یاد آید اگر در جائی باشد که کسی نبیند سجده کند و اگر در
پیش مردم باشد بهتر آنست که بهانه ای پشت خم کند و قصد سجده و تواضع خدای تعالی کند
و اگر سوار باشد فرود آید و سجده کند و اگر اندیشه شهرت و ریا کند بر قربوس زین
گذارد و اگر نتواند بر کف دست گذارد و حمد خدا کند و اگر مکروهی و خلاف خواهش سانح شود
بگوید الحمد لله علی کل حال و نگوید که کاش نبود و همچنین اگر کسی انعام و احسان
و مهربانی واقع شود شکر و دعا و مدح او باید کرد و حق او باید دانست و مرویست که هر کس شکر
مردم بیشتر کند شکر خدا بیشتر کرده و کسی که شکر مردم نکند شکر خدا نکرده و نعمت هر چند بی
کم باشد خواه از جانب خدا و خواه از جانب مردم شکر آن بجای بیارید که موجب زیاد
شود و اگر حقیر شمارد و شکر نگذارد موجب حرمان زیاد شود و سبب سخط و غضب گردد

وچون مبتلا ببلیّه بیند سرّ به آهسته چنانکه او نشنود بگوید الحمد لله الذی
عافانی مما ابتلاه به ولو شاء لفعل هرگز آن مبتلا نشود و اگر خواهد چنین بگوید
الحمد لله الذی عافانی مما ابتلاک به وفضّلنی علیک وعلی کثیر ممن
خلق چون یهودی یا مخالفی در دین بیند بگوید الحمد لله الذی
فضّلنی علیک بالاسلام دینا وبالقرآن کتابا وبمحمد نبیا وبعلی اماما
وبالمؤمنین اخوانا وبالکعبة قبلة خدای تعالی هرگز او را با ایشان بهم در
دوزخ جمع نکند فال بد چون چیزی بیند که بفال خوب نباشد توکل بر خدا کند و گر از تشویش
آن خالی باشد و حوالت بکسر گوید از ضرر او ایمن شود و مرویست که فال بد چنان شود که کسی
با خود گیرد اگر سخت گیرد سخت شود و اگر سهل گیرد سهل شود و اگر هیچ نگیرد هیچ نشود و دوای
آن توکل است غضب چون غضب بر کسی مستولی شود بر زمین بنشیند و برخیزد تا
رفع شود و از شیطان استعاذه کند و صلوات بفرستد و بگوید ویذهب غیظ قلوبهم
اللهم اغفر لی ذنبی واذهب غیظ قلبی واجرنی من الشیطان الرجیم

ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم و اگر خواهد اینها بخواند اللهم
اذهب عنی غیظ قلبی واغفر لی ذنبی واجرنی من مضلات الفتن اسئلک
رضاک واعوذ بک من سخطک اسئلک جنتک واعوذ بک من نارک
واسئلک الخیر کله واعوذ بک من الشر کله اللهم ثبتنی علی الهدی
والثواب واجعلنی راضیا مرضیا غیر ضال ولا مضل چون صدای خروس
بشنوید بگوید سبوح قدوس رب الملائکة والروح سبقت
رحمتک غضبک یا لا اله الا انت وحدک لا شریک لک عملت سوء
وظلمت نفسی فاغفر لی وارحمنی انه لا یغفر الذنوب الا انت وچون صدای
اولاغ و سگ بشنوید از شیطان استعاذه کند وچون خنده و قهقهه
کند بگوید اللهم لا تمقتنی وچون عطسه کند دست بر دماغ گیرد و بگوید
الحمد لله رب العالمین الحمد لله حمدا کثیرا کما هو اهله و
صلی الله علی محمد النبی وآله وسلم جاری کو جگر از تلخ و بزرگتر از نکس از دماغ

چشش بیرون آمده تا زیر عرش پرواز کند و تا روز قیامت برای ایشان استغفار کند و در
روایت دیگر آمده که چون کسی عطسه کند بگوید الحمد لله ملکین که بر دو کتف او موکلند گویند رب
العالمین کثیرا لا شریک له و اگر این را هم بگوید گویند صلی الله علی محمد
و اگر این را هم بگوید گویند و علی آل محمد و اگر این را هم بگوید گویند رحمک الله
و اگر بگوید الحمد لله رب العالمین علی کل حال از درد دندان و درد
گوش ایمن باشد و کسی در خدمت امام محمد باقر عطسه کرد و الحمد لله گفت و صلوات نفرستاد
و آنحضرت او را دعا نکرد و فرمود که حق ما را ضایع کرد چون این را شنید صلوات فرستاد
بعد از آن دعا فرمود و چون عطسه دیگری را بشنوید حمد خدا کند و صلوات فرستد از درد چشم
و دندان ایمن شود و او را دعا کند و بگوید یرحمک الله تا سه مرتبه چنین گوید و اگر از
قلت
سه مرتبه بیشتر بگوید شفاک الله که بیشتر از سه مرتبه علتی است و اگر طفلی عطسه کند بگوید زرعک
الله و اگر مریض باشد گوید شفاک الله مرویست که مؤمن را حقوق چندیست که اگر
الجمله
و آن را تقصیر کند روز قیامت طلب حق خود کند و خدای تعالی برای او حکم فرماید و از

دعای

دعای عطسه است و جواب دعای عطسه بگوید و یهدیکم الله و یصلح بالکم
نسیان چون چیزی فراموش کند و یاد نیاید دست بر پیشانی گذارد و بگوید اللهم
انی اسئلک یا مذکر الخیر و فاعله و الآمر به ان تصلی علی محمد
و آل محمد و ان تذکرنی ما انسانیه الشیطان چون دزد و رهزنه
گرفتار شود بسم الله الرحمن الرحیم لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم
اللهم ایاک نعبد و ایاک نستعین خدای تعالی بلا را از او دفع کند غم
کن
و فکر و خوف و غیر آن از حضرت صادق مرویست که فرمود عجب دارم از چهار
کیل
که پناه بچهار چیز نبرند کسی که از چیزی ترسد چرا پناه باین آیه نبرد حسبنا الله و نعم الو
که خدای تعالی بعد از آن وعده سلامت و سرور و نعمت فرموده و کسی که غمگین باشد
چرا پناه باین آیه نبرد لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین
که خدای تعالی بعد از آن وعده نجات از غم فرموده و کسی که از مکر و غدر ترسد
چرا پناه باین آیه نبرد و افوض امری الی الله که بعد از آن وعده ایمنی و سلامت

از غم فرموده و کسی که مال خواهد چرا نباید این آیه بر وما شاء الله لا قوة الا بالله
که بعد از آن وعده مال و فرزند فرموده و در روایتی دیگر آمده که برای زوال غم سر سوی
آسمان کند و سه مرتبه بگوید بسم الله الرحمن الرحیم که خدای تعالی کربت و غمش را فرج دهد
و نیز مرویست که هر کس را غم آید عاجز خواند خدای تعالی غمش را بفرح بدل گرداند اللهم
انی عبدک وابن عبدک وابن امتک ناصیتی بیدک ماض فی
حکمک عدل فی قضاؤک اسئلک بکل اسم هو لک سمیت
به نفسک او انزلته فی کتابک او علمته احدا من خلقک او استأثرت
به فی علم الغیب عندک ان تجعل القرآن ربیع قلبی و نور بصری و
شفاء صدری و جلاء حزنی و ذهاب غمی و همی و اگر خواهد گوید
یا من یکفی من کل شیء و لا یکفی منه شیء اکفنی ما اهمنی و حضرت
امام جعفر صادق ع مجوسی را هدایت نمود عالم فرموده اند که زمانی که مدتی تشنه بود که نجات
یافت و اگر خواهد این ابیات که منسوبست بحضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه تکرار کند که

در

در شبها تجربه شده و کم لله من لطف خفی یدق خفاه عن فهم
ذکی و کم یسر اتی من بعد عسر و فرج کربة القلب
الشجی و کم امر تساء به صباحا و تأتیک المسرة فی العشی
اذا ضاقت بک الاحوال یوما فثق بالواحد الفرد العلی توسل
بالنبی فکل خطب یهون اذا توسل بالنبی و لا تجزع اذا ما ناب
خطب فکم لله من لطف خفی ایضا جهة تشویش خاطر
مکرر بگوید توکلت علی الحی الذی لا یموت و الحمد لله الذی
لم یتخذ ولدا و لم یکن له شریک فی الملک و لم یکن له
ولی من الذل و کبره تکبیرا حضرت پیغمبر کسی صاحب عیال و قرض را
که از تشویش احوال و پریشانی شکایت کرده بود دو بر وی تعلیم فرموده اند که زمانی
پیش نیامده که حالش برفاهیت و جمعیت خاطر مبدل گشت جهت زیادتی نان فرموده
گوید یا استغفار مداومت نماید چون نماز حاجت در کاری باید گوید عیسی

ربنا ان یبدلنا خیرا منها انا الی ربنا راغبون مروی است که اصحاب
نسیان از تلف شدن چیزی گفته چون از کسی چیزی گم شود و این دعا بخواند حق تعالی عوض دهد
چون گوش صدا کند بگوید اللهم صل علی محمد وال محمد
ذکر الله من ذکرنی بخیر مدح چون بشنود که او را مدح کنند آهسته
بگوید انا اعلم بنفسی من غیری وربی اعلم منی بنفسی اللهم لا
تؤاخذنی بما یقولون واجعلنی افضل مما یظنون واغفر لی ما لا
یعلمون چون عمر او بچهل سال برسد بگوید رب اوزعنی ان اشکر
نعمتک التی انعمت علی وعلی والدی وان اعمل صالحا ترضیه
واصلح لی فی ذریتی انی تبت الیک وانی من المسلمین حق تعالی
فرماید که در زمره اهل بهشت حسناتش را قبول نمایم و از سیئاتش تجاوز فرمایم و این
وعده صادق است که با ایشان کنیم ایضا جهة گم شده چون چیزی گم
شود دو رکعت نماز گذارد و بعد از آن دستها را بردارد و بگوید یا عالم الغیوب

والسرائر

والسرائر یا مطاع یا عزیز یا عظیم یا الله یا الله یا الله یا هازم
الاحزاب لمحمد یا کائد فرعون بموسی یا منجی عیسی من ایدی
الظلمة یا مخلص قوم نوح من الغرق یا راحم عبرة یعقوب یا
کاشف ضر ایوب یا منجی ذی النون من الظلمات الثلث یا فاعل
کل خیر یا هادی الی کل خیر یا دال علی کل خیر یا خالق
الخیر و یا اهل کل خیر انت الله فرغت الیک مما قد علمته
وانت علام الغیوب اسئلک ان تصلی علی محمد وال محمد وان
ترد علی ضالتی و اگر خواهد بگوید یا من لا یخفی علیه مکتوم ولا یبید
عنه معلوم ولا یغالبه منیع ولا یطاوله رفیع اردد ضالتی
علی ما فی قبضتک انک اهل الخیرات آیه وعنده مفاتح الغیب خواند و
بعد از آن بگوید اللهم انک تهدی من الضلالة وتنجی من العمی
وترد الضالة صل علی محمد واله وردد ضالتی وصل علی محمد

واله وسلم و سوره عبس و والعادیات بخواند امانت چون چیزی بامانت در جای
گذارد ده بار انا انزلناه بخواند بران محفوظ ماند ان شاء الله چون باد شدید وزد بگوید
اللهم انی اسئلک خیرها وخیر ما جاءت الریاح وخیر ما فیها واعوذ
بک من شرها وشر ما فیها اللهم اجعلها علینا رحمة وعلی الکافرین
عذابا وصلی الله علی محمد واله و تکبیر بسیار باواز بلند بگوید ان شاء الله تعالی تسکین
یابد جهة بادهای ظلمانی معوذتین بخواند جهة رعد و صاعقه چون
بشنود بگوید سبحان من یسبح الرعد بحمده والملائکة من خیفته ونیز
اللهم لا تقتلنا بغضبک ولا تهلکنا بعذابک وعافنا قبل
ذلک جهة باران بگوید صیبا هنیئا جهة دخول خانه
چون از بیرون خانه داخل شود بگوید رب ادخلنی مدخل صدق واخرجنی
مخرج صدق واجعل لی من لدنک سلطانا نصیرا و چون داخل
نشیمن خانه شود بگوید بسم الله وبالله اشهد ان لا اله الا الله وحده

لاشریک

لاشریک له واشهد ان محمدا عبده ورسوله صلی الله علیه واله
پس اگر در خانه کسی باشد بر و سلام کند و اگر کسی نباشد بگوید السلام علی محمد
بن عبد الله خاتم النبیین السلام علی الائمة الهادین السلام
علینا وعلی عباد الله الصالحین تعظیم نام خدا اگر کاغذی که
نام از نامهای خدا بران نوشته باشد در سر راهی و جای بیحرمتی افتاده باشد
خدای تعالی هفتاد هزار فرشته بران موکل کرداند که بالهای خود آنرا محافظت کنند
تا آنکه یکی از دوستان خدا آنرا بردارد و خدای تعالی نام او را در علیین ثبت فرماید
و عذاب و را بردارد و از والدینش تخفیف دهد اگرچه کافر باشند باب ششم
در حقوق اموال و رعایت احوال عیال و این مجموع ان شاء الله در ده فصل بیان شود
فصل اول در جود و بخل خدای تعالی در قرآن مجید فرموده بعضی که از زکات
بخل نمیرزد ایشان رستگار و اهل نجاتند و نیز فرموده کسی که مال را در راه خدا صرف کند
مثل دانه ایست که هفت خوشه رسته باشد و در هر خوشه صد دانه باشد و خدای تعالی

برای هر که خواهد تضاعف میکرداند و از اهل بیت علیهم السلام مرویست که سخی در آسمان
و زمین محبوبست و از طینت پاک و آب چشمهٔ کوثر مخلوقست و بخیل در آسمان و زمین مبغوض و از
طینت شوره و آب چشمهٔ زخار مخلوقست و سخی در پناه رحمت خدا باشد تا آنکه داخل بهشت
شود و کسی را که خدای تعالی امید خیر باو ندارد به بخل مبتلا کرداند و سخی نزدیکست بخدا و نزدیکست
ببهشت و سخاوت درختیست در بهشت هر کس شاخی از آن در آویزد داخل بهشت شود
و از آتش دوزخ دور کرداند و بخل درختیست در دوزخ و هر کس شاخی در آویزد داخل دوزخ
کند و هر کس سخاوت پیشه کرد ایمانش بهتر و روز قیامت سخی را بیاورند و کویند اگر حجتی و حرفی
داری بکوی کوید خدایا مرا آفریدی و هدایت نمودی و وسعت نعمت عطا فرمودی
من نیز نعمت ترا بعباد تو منتشر ساختم بامید آنکه امروز بر من نشر رحمت فرمائی
پس خدای تعالی فرماید بنده من راست میکوید او را داخل بهشت کنید و چون سخی معروف در
کناه پس خدا دستگیر او است از پیر عابد بخیل و بهترین مردم سخیان اند و بدترین ایشان
بخلا و از جمله خلوص ایمان برادران وسعی در حوایج ایشان است و برادران مومن حب

محبت

محبت رحمن و حسرت شیطان و دوری از نیران و دخول جنان است و سخی متقی آنست که تصدیق
باین کند که خدای تعالی بدل میدهد هر آنچه ببخشد عوض میدهد هیچ خیری نکند مکر آنکه خدا
میسر کرداند و هر کس بخلاف این باشد هیچ شری را اراده نکند مکر آنکه میسرش شود و روز
قیامت در دوزخ مقام کند و هر کس در صرف مال برضای خدا بخل کند مبتلا شود بصرف
اضعاف آن در معصیت خدا و از حضرت امام جعفر صادق ع از تفسیر آیه کذلک یریهم
الله اعمالهم حسرات سوال کردند فرمودند که کسی که مال خود را در طاعت خدا صرف
نکند و بگذارد تا بعد از او دیگران صرف کنند پس اگر در طاعت صرف کنند حسرت برد
که ثواب مال خود را در میزان ایشان و خود را محروم بیند و اگر در معصیت صرف کنند حسرت
برد که خود را از ثواب باز داشته و اعانت معصیت دیگری کرده و از حضرت امیر المومنین
صلوات الله علیه شنیدند که مرد میکوید بخیل معذور است از ظالم فرمود دروغ میکوید ظالم
کاه باشد که توبه و استغفار کند و رد مظالم نماید و نجات یابد و بخیل منع کنندهٔ زکوة
فصل دوم
و صدقه و صلهٔ رحم و ضیافت و سایر حقوق کند و حرام است که بخیل داخل بهشت شود

اراده صح

در فضیلت زکوة و عقوبت منع آن مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که هر کس زکوة
مال خود را از روی طوع و رغبت بدهد خدای تعالی در بهشت بعدد هر دانه یک قصر از طلا و یکی
نقره و یک از لؤلؤ و یکی از زبرجد و یکی از مروارید و یکی از گوهر و یکی از نور رب العالمین عطا فرماید العزة
و هر کس زکوة ندهد مگر آنکه مالش زیاده شود و مرویست که هیچ یک از طیور صید نشود مگر آنکه
در ذکر و تسبیح خود تقصیر کرده باشد و هیچ مالی تلف نشود مگر آنکه در زکوتش تقصیر رفته باشد
و ملعونست مالی که زکوة آنرا ندهند و خدای تعالی فرض زکوة را قرین فرض نماز گردانیده
پس هر کس زکوة ندهد نمازش مقبول نشود و هر کس یک قیراط که در مکه معظمه ربع سدس دینار است
از زکوة منع کند نه مؤمن باشد و نه مسلم و چون بمیرد یهودی باشد یا نصرانی روز قیامت
اژدهائی از آتش طوق گردنش شود و عذابش کند تا وقتی که از عذاب فارغ شود و هر کس
زکوة طلا یا نقره را منع کند خدای تعالی او را در روز قیامت در بیابانی محبوس سازد
و ماری عظیم که از بسیاری زهر موی سرش ریخته باشد برو مسلط گرداند و هر چند خواهد
که بگریزد و نجات یابد ناچار دست خود را بدو دهد تا بدندان پاره پاره کند پس بر گردنش

بپیچده

بپیچد و عذابش کند و هر کس زکوة گاو و گوسفند و غیر آن از حیوانات را منع کند در بیابان
محبوس کرده و هر حیوان صاحب شاخ او را پامال کند و هر حیوان که دندان دارد بدندان
پاره پاره اش کند و هر کس زکوة غله و خرما و مثل آنرا منع کند زمین ملکش تا هفت طبقه زمین
طوق گردنش شود و مرویست که روز قیامت جمعی از گور بیرون آیند دستهای ایشان بر گردن
بسته و ملائکه چند بر ایشان موکل باشند و ایشانرا سرزنش کنند و گویند اینها آنهااند که حق خدا را
از مال خود نداده اند و بچیزی قلیل از خیری کثیر محروم گشتند و چون مردم منع زکوة اموال
خود کنند زمین هم باذن خدا برکات خیرات خود منع کند موجب قحط و تنگی شود
و ادای زکوة و سایر فرایض و واجبات علانیه باید و صدقات و سایر مستحبات پنهانی افضل است
و ثواب مستحبات پنهانی هفتاد برابر علانیه است

فصل سیوم

در صله اهل بیت طاهرین
و ذریت طیبین و اتباع ایشان از حضرت امیر المؤمنین سلام الله علیهم اجمعین مرویست
از حضرت پیغمبر ص فرمود که هر که یکی از اهل بیت من احسان کند من در روز قیامت او را
مکافات کنم و فرمود که در روز قیامت چهار کس را شفاعت کنم اگرچه با گناه تمام

اهل دنیا بیایند کسی که نصرت فرزند من کرده باشد و کسی که مال خود را در وقت تنگی بذل
ایشان نموده باشد و کسی که با دل و زبان با ایشان محبت داشته باشد و کسی که در حوایج
ایشان سعی کرده باشد حضرت صادق ع فرمود در روز قیامت منادی ندا کند که ای خلایق
خاموش باشید که حضرت پیغمبر ص با شما گفتگو میکند پس آنحضرت برخواسته گوید ای معشر
الخلایق هر کس از ایشان بر من نعمتی و منتی و احسانی باشد برخیزید تا آنرا تلافی کنم همه گویند پدر
و مادر ما فدای تو باد که را حد آنکه نعمت و منت و احسان بر تو داشته باشد بلکه نعمت و منت
و احسان و نعمت همه خدا و رسول خدا است بر جمیع خلایق پس آنحضرت گوید بلی هر کس یکی
از اهل بیت مرا پناه داده یا با ایشان نیکی کرده یا برهنه ایشانرا پوشانیده یا گرسنه
ایشانرا سیر کرده باشد بیاید تا مکافات آن کنم پس جمعی که این کارها کرده باشند
برخیزند پس از جناب الهی ندا آید که ای حبیب من مکافات ایشانرا بتو مرجوع داشتم
در هر جایی بهشت که خواهی ایشانرا جای ده پس ایشانرا در وسیله که درجه ایست مخصوص
آنحضرت است و اهل بیتش جا دهد تا در خدمت ایشان باشند و در میان ایشان حجابی

مانعی

و مانعی نباشد و هم آنحضرت صلوات الله علیه فرمود که هر کس قادر بر صله ما نباشد باید صله صلحای
شیعه ما بجا آورد تا ثواب صله ما داشته باشد **فصل چهاردهم** در فضایل معروف
و احسان و مروت از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که بهشت را دریست که آنرا معروف
نامیست و از آن در داخل نشوند مگر اهل معروف در دنیا و اول کسی که داخل بهشت
و وارد حوض کوثر شود معروف و اهل معروف اند و بهترین خیرات که موجب زیادتی عمر و بقای
نعمت است یکی طول رکوع و سجود است و دوم طول جلوس بر سفره سیم اصطناع معروف
و احسان و صاحب معروف از مهالک و ورطها محفوظ باشد و چون اهل بهشت
داخل بهشت شوند خدای تعالی بادی خوشبوی را امر فرماید که باهل معروف ملاحق شود
که هر یک از ایشان بجمعی از اهل بهشت میوزد از بوی ایشان شناسند که صاحب معروفند و هر کس
که مومنی احسان و معروفی کند خدای تعالی روز قیامت با آن مومن احسان نماید و فرماید که هر کس
با تو معروفی بجا آورده اگر در دوزخ باشد بیرون آر پس برود و بیرون آورد و بدترین
بندگان کسیست که معروف را دوست دارد و هیچ خیر بهتر از معروف نیست

مگر توانش و مروتست که هر کس باشد که اصطناع معروف کند که اگر او اهل او نباشد
شما اهل آن باشید و اگر کسی در جانب راست شما را دشنام دهد و بجانب چپ آمده
عذر خواهی کند قبول نموده و در برابر احسان اگر بهمان قدر احسان کنی تلافی کرده
باشی و زیادتی که کنی شکر آن بجا آورده باشی و چون شکر بجا آری کریم باشی
و هر کس بداند که چون بکسی نیکی و احسان کند در واقع با خود کرده توقع مدح و شکر
و زیادتی محبت از وی نداشته باشد و چه جای توقع که باحسان حفظ عوض خود
و تحصیل ثواب و فضایل برای خود نموده و کسی که اعانت و سعی برای خیری کند مثل فاعل
آن خیر است و مروتست که برای یکدیگر هدیه بفرستید که سبب محبت و اصلاح رنجش
و عداوت شود و کاری که ضررش بکسی بیشتر از نفعش بدیگری باشد نباید کرد
و چون بکسی احسان کند اگر تواند تلافی کند و اگر نه مدح و شکر کند و اگر نه کفران
کرده باشد و حضرت صادق ع فرمود خدای تعالی لعن کرده قاطعین سبیل معروف را
پرسیدند که کیست فرمود کسی که با و معروفی کند و کفران کند که سبب این شود

که دیگر

که دیگر معروف نکند و باید دانست که هر احسان و نیکوئی از مال و غیر مال داخل
معروف است **فصل پنجم** در فضایل صدقه مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام
که خدای تعالی فرماید که من بر هر چیزی کسی مقرر فرموده ام بغیر صدقه که آنرا خود بگیرم تا ثواب
دهم حتی آنکه اگر کسی خرمائی صدقه دهد او را برای او تربیت کنم و زیاده گردانم تا در قیامت
مثل کوه احد یا بزرگتر باشد و هفتاد نوع از بلاهای دنیا دفع کند بغیر ثوابی که در آخرت مهیاست
و صدقه از چنگ هفتصد شیطان بیرون آید که همه مانع باشند و هیچ چیز بر شیطان گرانتر از
صدقه و هر کس اول روز صدقه دهد نحوست و شر آن روز از او دفع شود و اگر اول شب
صدقه دهد نحوست و شر آن شب از او دفع گردد و آورده اند که روزی یهودی بحضرت
پیغمبر ص گذشت حضرت فرمود ماری سیاهی بر قفای این یهودی زند و او را بکشد
پس یهودی گذشت و پشته هیمه جمع کرده بر دوش بسته مراجعت کرد حضرت فرمود
که هیمه را بر زمین گذاشت ماری سیاهی بر چوبی پیچیده بود حضرت پرسید ای یهودی امروز
چه کرده گفت دو نان داشتم یکی را خوردم و یکی را تصدق کردم پس حضرت فرمود

برکت این تصدق شر این مار از و دفع شده و حضرت امام جعفر صادق ع فرمود
میان من و منجمی قسمت زمینی بود او منجوست و من در ساعت نحس و خود ش در ساعت سعد
بیرون رویم چون قسیم و تقسیم کردیم قسمت خوب بمن افتاد منجم دست بر دست زده
از روی حیرت و حسرت گفت هرگز چنین چیزی ندیده بودم من گفتم بلی من وقت
بیرون آمدن تصدق کردم و آن بهتر از نجوم تو بود و هم از ایشان علیهم السلم مرویست
که در زمان بنی اسرائیل چند سال قحطی عظیم شد روزی زنی لقمه نانی داشت در دهن گذاشت
که بخورد سایلی سوال کرد آن زن لقمه را از دهن بیرون آورده بسایل داد اتفاقا آن زن را
طفلی صغیر بود در صحرا گرگ ورا ربود طفل فریاد کرد مادرش خبر یافته در پی آن گرگ
دوان گشت جبرئیل آمد و طفل را از دهن گرگ گرفته باو داد و گفت این لقمه عوض لقمه ایست
و هم از ایشان علیهم السلم مرویست که مردی از بنی اسرائیل پسری داشت یکی از اولیاء الله
باو خبر داد که پسرت در شب عروسی وفات خواهد کرد چون شب عروسی رسید آن
پسر پیری عاجز را دید برو رحم کرده طعامش را داد و پیر گفت مرا زنده کردی خدا ترا زنده

دارد

دارد و پس کسی در خواب آن مرد گفت که خدای تعالی بسبب آن تصدق مرگ را از تو
دفع فرمود و نیز مرویست که هیچکس در دنیا صدقه را خوب نکند مگر که خدای تعالی بعد از آن
کفالت اولاد او را خوب کند و مرویست که هرچه مقدور شود تصدق کند اگرچه نصف خرمائی
باشد و از دادن کم شرم نکند که هیچ کمتر از کم است و چون بنده آنچه مقدور اوست باشد جود
کند خدای تعالی او را بزرگ گرداند و اگر هیچ نباشد کلمه ملایم و زبان خوش جواب
گوید و آنانکه هیچ نیکی نکرده باشند در روز قیامت خدای تعالی فرماید شما را انعام و احسان
نمودم مال و فرزند شما دادم چشم و گوش عطا کردم گویند بلی پس گوید چه شنیده
بودید که برای امروز چه ذخیره باید کرد پس هرچند باطراف خود نظر کنند چیزی نیابند
که آتش را از ایشان دفع کند و زمین قیامت تمام آتش است مگر سایه مومن که صدقه آتش را
از او سایه کند و آتش را منع کند و کسی که صدقه را برای محتاج ببرد مثل ثواب کسی دارد که آن
صدقه را داده است و مرویست که انقدر صدقه بدهید که گویند اسراف کرده اما اسراف
نکرده باشید و نیز مرویست که تا توانید صدقه بدهید و از پریشانی نترسید که هرگز کسی از

صدقه دادن پریشان نشود و صدقه مال را زیاد کند و دین را ادا نماید و کسی بحضرت
امام موسی شکایت کرد که پریشانی بمن بجائی رسیده که فلانی دو جامه از بدن خود بیرون
کرده بمن داده فرمود روزه بگیر و تصدق کن گفت از آنچه مردم بمن میدهند بدهم فرمود
هر چه میسر شود بده اگر چه خود بدان حاجت داشته باشی و هر احسان و مهربانی که بکسی کنند
صدقه باشد حتی آنکه با کری سخن گوئی حرف با او بشنوانی و سخن گوئی چنانکه او را از نجات
و افضل صدقه آنست که پنهانی بوده باشد که پنهان آتش غضب خدا را فرو نشاند و صدقه شب
شعله غضب الهی را ساکن کند و گناه عظیم را محو گرداند و حساب قیامت را آسان کند و صدقه
روز مال و عمر زیاد کند و خطاهای عظیم را بگدازد چنانکه آب نمک را روزی حضرت عیسی ع
بکنار دریا گذشت قرص نانی در آب انداخت حواریین گفتند یا روح الله این نان قوت
تو بود فرمود حیوانات آب بخورند ثواب عظیمست پیش خدای تعالی و افضل صدقات
آنست که در وقت تنگی و پریشانی باشد و دیگری را بر خود اختیار کند و اگر عیال بود
بعد از آن خویشان بعد از آن همسایگان که محتاج باشند صدقه بدیگری نشاید داد

و هرچند

و هر چند کسی نزدیکتر و خویش تر صدقه برو افضل باشد و مرویست که افضل صدقات آنست که
بخویشی دهند که عداوت ایشان در دل داشته باشد و صدقه یکی بده عوض یابد و صله دوستان
یکی به بیست و صله خویشان یکی به بیست و چهار و در صدقه سنت باید که دست سایل را
نباید رنجانید که ثواب آن باطل شود و کلمه خوش جواب گوید بهتر از آنست که صدقه دهند
و رنجانند و افضل آنست که آنچه میسر شود بدهد و ملامت و عذرخواهی از ان ضم
کند که این صدقه دیگریست افضل از صدقه اول و چه جای آنست و رنجانیدن باشد
و باید که چیزی که از مال دنیا دهند منافع بسیار و عافیت از بلاها و ثواب
عظیم در بهشت برای خود کسب کنند و حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه فرمود که
که حق فقرا و مساکین بشناسید که اگر ایشان نمیبودند صدقه بکه میدادید و فضایل و
ثواب صدقه چون می یافتید و رفع بلاها چون میکردید و چون چیزی برای خدا او را
صدقه کند آن را دیگر داخل مال و صرف خود نباید کرد بلکه اگر آن سایل رفته باشد
یا قبول نکند بدیگری باید داد و مرویست که کسی که آنچه که از برای صدقه جدا کرده بمال

خود بر گرداند شک نیست که فی کنند و او را نخورد **فصل ششم** در مذمت سؤال
و رد سائل مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلم که سائل را رد مکنید اگرچه بر اسب سوار باشد
که اگر نه آن میبود که سائلان دروغ گویند نجات نمی یافت کسی که ایشان را رد کند و اگر
چیزی مقدور نشود بملایمت عذر می باید خواست که بسا باشد که ملائکه برای امتحان بصورت
ایشان سؤال کنند و هرچه پیش از سؤال بدهید احسان است و ما بعد از آنکه با دل طپان و اعضای
لرزان و تشویش میان یاس و امید آب روی خود بریزد و سؤال کند و هرچه دهید عوض
آب روی و تشویش او باشد و احتیاج امانتیست از خدا در پیش بندگان هر کس آن را
پنهان دارد ثواب آن یابد که عبادت کرده باشد و اگر افشای آن کند هر کس آن شنود
لازم است بر او که اعانت نماید و اگر مردم بدانند که عطا چه قدر خوبست هرگز رد سؤال
نکنند و اگر بدانند که سؤال چه قدر بدست هرگز سؤال نکنند و نیز مرویست که از سؤال اجتناب
کنید که مذلتست در دنیا و فقریست عجیل و طول حسابیست در قیامت و هر کس بی احتیاج
سؤال کند خدای تعالی او را محتاج گرداند تا مضطر بسؤال شود و هر کس قوت روزه داشته

باشد

باشد و سؤال کند روز قیامت گوشت روی او نباشد و جمعی از حضرت پیغمبر
التماس کردند که برای ایشان ضامن بهشت شود فرمود ضامن شدم بشرط آنکه شما از کسی
سؤال نکنید ایشان ترک سؤال کردند تا حدی که در اثنای طعام اگر آب بیکی نزدیکتر میبود نمی
طلبیدند و خود برمی خواستند و اگر در سواری تازیانه از دستشان می افتاد فرود می آمدند
که خود بردارند و سؤال نمیکردند **فصل هفتم** در رعایت حال و عیال مرویست از اهل بیت
طاهرین علیهم السلم که چون خدای تعالی کسی را نعمت دهد واجبست بر او که بر عیال خود
توسعه کند و عیال مرد اسیران او اند پس اگر صاحب نعمت بر اسیران خود توسعه نکند
نزدیک باشد که نعمتش زایل شود و چون نعمتی زایل شود زود دیر عود نکند و ملعونست
کسی که عیال خود را بر دیگری بار کند و ملعونست کسی که عیال را مضطر گذارد تا محتاج بدیگری
شوند و همین گناه بس است مرد را که عیال خود را محتاج گذارد و مؤمن باید که چنانکه
خدای تعالی با او معامله میکند او نیز با عیال خود معامله کند و هرگاه خدای تعالی او را وسعت
دهد او نیز عیال را وسعت دهد و هرگاه تنگ گیرد او نیز چنین کند و بهترین صدقه ها احسان

آنست که بعد از قدر کفاف عیال باشد و هر کس خلقش با اهل خود نیکو باشد رزقش زیاد شود
حضرت امام زین العابدین ع فرمود که وقتی که عیال من رغبت بگوشت کنند بازار
روم و برای ایشان گوشت بخرم دوستر دارم که بنده آزاد کنم و کسی دو دینار
طلا بخدمت حضرت پیغمبر ص آورد و گفت میخواهم باین مرکبی بخرم که بران سوار شوند
و در راه خدای تعالی جهاد کنند فرمود والدین داری صرف ایشان کن که افضل است
چنان کرد و باز دو دینار دیگر آورد و فرمود زن داری صرف او کن که افضل است
چنان کرد و دو دینار دیگر آورد فرمود خادم داری صرف او کن که افضل است
چنان کرد و دو دینار دیگر آورد و گفت باین مرکبی بخرم فرمود بخر اما بدانکه این افضل
از آنها نیست و مرویست که مؤمن بخواهش اهل خود چیزی بخورد و منافق بخواهش خود

فصل هشتم در احسان و جود مؤمن بالطعام و جامه مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلم
که هر کس مؤمنی احسان کند چنانست که بحضرت پیغمبر ص کرده باشد و هر کس مؤمنی طعام
دهد چنانست که ده بنده از اولاد اسمعیل آزاد کرده و ده حج گذارده و اگر یک مؤمن

غنی را طعام دهد چنانست که یک کس از اولاد اسمعیل را از ذبح نجات دهد و اگر مؤمن
فقیر را طعام دهد چنانست که صد کس از اولاد اسمعیل را طعام دهد و هر کس یک لقمه بمؤمنی
دهد خدای تعالی از میوهای بهشت او را عوض دهد بهتر از آنست که یک بنده آزاد کند
و اگر سه مؤمن را طعام دهد خدای تعالی او را در ملکوت سموات از بهشت فردوس و
طوبی و جنت عدن طعام دهد و از درختی که خدای تعالی در بهشت عدن خدای تعالی بدست
خود نشانده و حضرت امام محمد باقر علیه السلم فرموده که یک حج گذارم دوستر دارم
از آنکه هفتاد بنده آزاد کنم و اهل یک خانه از مسلمین را عیال خود کنم که گرسنه ایشان را
سیر گردانم و برهنه ایشان را بپوشانم و ایشان را از حاجت مردم برهانم دوستر دارم
از آنکه هفتاد حج گذارم و هر کس مؤمنی را در معیشت اعانت کند یا برهنه ایشان را بپوشاند
خدای تعالی هفت هزار ملک بر او موکل گرداند که تا وقت صور برای گناهان او استغفار
کنند و در روایت دیگر هفتاد هزار ملک آمده و هر کس مؤمنی را جامه بپوشاند خدای تعالی
او را از جامهای بهشت بپوشاند و سکرات موت بر او آسان گرداند و قبرش را وسیع

گردانند و چون از قبر بیرون آید ملائکه استقبالش کنند و بشارتش دهند و از جامهای
خاص بهشت در وی پوشند و تا از آن جامه رشته باقی باشد ملائکه بر وی صلوات
فرستند و در ضمان خدا بوده باشد و نیز مرویست که هر کس مؤمنی برهنه را جامه
بپوشاند خدای تعالی او را از استبرق بهشت بپوشاند و اگر مؤمن غنی را بپوشاند در
رحمت خدا باشد تا از آن جامه رشته مانده باشد و نیز مرویست که احسان تمام
نگردد مگر به سه خصلت یکی آنکه او را سهل و حقیر انگاری تا در نظر آنکس عظیم شود دوم
آنکه پنهان داری تا بر وی گوارا باشد سیم آنکه در ادای آن تعجیل کنی تا تمام شود و چون
این خصلتها مراعات شود احسان در پیش خدا عظیم گردد **فصل نهم** در فضیلت قرض
دادن و احکام متعلق مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلم که ثواب صدقه یکی به ده باشد
و ثواب قرض دادن یکی به هجده باشد و هر کس مؤمنی قرض دهد تا وقتی که قدرت
بر ادای آن یابد با ملائکه در نماز باشد و برای او صدقه حساب شود و نیز مرویست
که هر کس مؤمنی قرض دهد بهر یکدرهم مثل کوه احد و طور سینا و رضوی که کوهیست

در دیده حسنات عطا فرماید و اگر مطالبه مدارا و ملایمت کند بی حساب و عذاب چون برق
خاطف از صراط بگذرد و نیز مرویست که هر کس مؤمنی قرض دهد و در مطالبه مدارا کند خدای تعالی
بهر یکدرهم هزار قنطار از بهشت او عطا فرماید و چون برق از صراط بگذرد و هر کس مؤمنی
قرض دهد و قضای حاجتش کند و او را مسرور گرداند حضرت پیغمبر را مسرور گردانیده باشد
و جنون و جذام و برص از او دفع شود و اگر قدرت داشته باشد و ندهد بوی بهشت بر او
حرام شود و نیز مرویست که قرض دادن خمیر و نان و آتش و امثال آن از جمله مکارم اخلاقست
و جلب رزق کند و مضایقه در آن موجب فقر باشد و هر کس قرضداری پریشانی را مهلت
دهد یا چیزی از حق خود باو بخشد در سایه رحمت خدا باشد روزی که هیچکس را سایه و پناهی
نباشد و از حرارت و خشم جهنم ایمن باشد و چنانست که هر روز مثل آن تصدق
کند و اگر میتی را حلال کند هر درهمی را ده درهم ثواب دریابد **فصل دهم** در بیان سایر
وجوه خیر و بر از آنجمله حق معلوم است و حق معلوم آنست که کسی از مال خود قدر معین
تصدق و بسع خود مقرر گرداند که هر روز یا هر هفته یا هر ماه یا هر سال و مجملا مدتی معین

مغفرت او ست که این خدای تعالی در قرآن مجید فرموده که روز قیامت دوزخ فریاد
کند و بجانب خود طلبد کسی را که از رحمت دور گردانیده و مالها را بر سر هم جمع نموده و
ذخیره کرده مگر جمعی طایفه را الّا آنکه در مال خود حقی معلوم مقرر کرده باشند و از جمله وجوه
خیر بنای مسجد است و مرویست از حضرت پیغمبر که هر کس در دنیا مسجدی بنا کند خدای تعالی
بقدر هر وجب از آن یا هر گز از آن خدای تعالی بنا کند در بهشت شهری که چهل هزار سال
راه باشد از طلا و نقره و در و یاقوت و زمرد و زبرجد و در هر شهری هزار هزار قصر
و در هر قصری چهل هزار هزار سرا و در هر سرائی چهل هزار هزار خانه و در هر خانه چهل هزار
هزار سریر و بر هر سریری حوری و در هر خانه چهل هزار هزار غلام و چهل هزار هزار کنیزک
همه در اول جوانی و کمال خوبی و هزار هزار خوان و چهل هزار هزار کاسه و در هر کاسه چهل هزار
هزار نوع از اطعمه و نعیم بهشت باشد و احادیث متعدد آمده که گاهی مردم در اطراف
جاده سنگ چین میکردند برای مسجد از ائمه طاهرین علیهم السلام می پرسیدند که این نیز
از آنجمله است میفرمودند بلی و از آنجمله بنای منازلست در راهها و مرویست از حضرت

که هرکس

که هر کس در راهها بنای منزلی بسازد که قافله و مترددین فرود آیند و چون روز قیامت
مبعوث شود بر مرکبی از در سوار باشد و نورش تمام اهل محشر را نمایان باشد و از ایشان
فضیلت و مکانش بر جمیع آیند و اهل محشر گویند کی آیا کدام فرشته باشد که مثل او در میان
فرشتگان ندیده و چهل هزار کس را شفاعت نماید و داخل بهشت شوند و از آنجمله عتق رقبه است
مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که هر کس بنده مؤمنی را آزاد کند خدای تعالی خانه
در بهشت برای او بنا کند و بهر عضوی از عضوی او از آتش دوزخ آزاد شود حتی
فرج بفرج و کافر و مشرک را نشاید آزاد کردن و اگر طفل یا پیر یا عاجزی را آزاد کنند باید
که نفقه ایشان را بدهند تا وقتی که خود ایشان قدرت بر تحصیل معاش بهم رسانند و اگر در حال
نزع باشد آزاد کردنش شرع ندانند **باب هفتم** در فضایل روزه و احکام متعلق بآن
و در فصل و در باب اعتکاف و متعلقات آن و آداب آن و ثواب این مجموع انشاءالله در ده فصل
بیان شود **فصل اوّل** در فضایل مطلق روزه مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام
که هر چیزی را زکوتیست و زکوة بدن روزه است و روزه سپریست از آتش جهنم

روزه دار را عبادت است اگرچه بر جای خواب باشد مادام که غیبت مسلمی نکند و خدای
فرموده روزه مخصوص منست یعنی پنهان ترین عبادتهاست و از برای وی من ثواب
پس خواهم داد بیشتر ... و بوی دهن روزه دار در پیش من بهتر است از بوی مشک و
یکروز روزه که خالص از برای خدا باشد برابرست با یکسال روزه و هر کس روزه خود را
پنهان دارد خدای تعالی فرماید ملائکه را بنده من از آتش پناه جوید پناهش دهید و ملائکه را
فرماید که از برای روزه داران دعا کنند و دعای ایشان البته اجابت فرماید و هر کس
یکروز روزه گیرد در شدت گرما و تشنه شود خدای تعالی هزار ملک موکل گرداند که
با او ملاطفت و مهربانی کنند و بشارت دهند تا وقتی که افطار کند و فرماید خوش آمد
مرا از بوی دهن تو ای ملائکه گواه باشید که گناهانش آمرزیدم و حضرت پیغمبر ص
فرمود میخواهید شما را چیزی تعلیم کنم که شیطان از شما دور گردد مثل دوری مشرق از مغرب
گفتند بلی یا رسول الله فرمود روزه روی شیطان را سیاه کند و صدقه پشتش را بشکند و
دوستی برای خدا و معاونت بر کار خیر بیخش را از جای بکند و استغفار رگ جانش را

قطع

هفتاد هزار شمع از نور بر صراط گذرانند اگر در وقتی که تنها بود و ملائکه بر تسبیح و طاعت
ستایش کنند و اگر سه روز روزه گیرد در جنة الخلد از حریر و در و یاقوت برایش
فراهم نماید و اگر نوزده روز روزه گیرد در جنت عدن برای او قصری بنا کنند از لؤلؤ
برابر قصر آدم و ابراهیم علیهما السلام که بر هم سلام کنند و با هم صحبت دارند و هر که بیست روز
روزه گیرد قبولش کرده باشد همانند روزه ... و اگر بیست روزه گیرد و خیانت کرده باشد هزار
سال عبادت کرده باشد و اگر بیست و یک روزه گیرد بعدد قبیله ربیعه و مضر گناهکار را
شفیع باشد و اگر بیست و دو روز بگیرد منادی از آسمان ندا کند که ای ولی خدا مژده باد
ترا کرامتی عظیم از خدا او رفاقت نبیین و صدیقین و شهدا و صالحین و اگر بیست و
سه روز روزه بگیرد از آسمان ندا کنند که خوشت باد ای بنده که مشقتی کشیدی و در دار السلام
همسایه و همنشین ابراهیم علیه السلام گشتی و اگر بیست و چهار روز روزه بگیرد وقت
رحلت ملک الموت بصورت جوانی صاحب جمال آید و در یک دست حریر سبز ... معطر
و در دست دیگر قدحی طلا مملو شراب جنت از آن شراب با و دهد که سکرات موت

برای او آسان گردد و باران حریر قبض و حشر کند و ملائکه هفت آسمان هوای او را اشتیاق
کنند و تیر آب در قبر نخواهد و تیر آب بیرون آید تا او را در حوض کوثر شود و اگر بیست و
پنج روز روزه گیرد چون از قبر بیرون آید هفتاد هزار ملک استقبال کنند با علمهای در
و یاقوت و جامها و رختهای بهشت در و پوشند و گویند ای ولی خدا استقبال
به بهشت حضرت او اول جماعتی باشد که با مقربین داخل بهشت شود و اگر بیست و شش روز
روزه گیرد در سایه عرش برایش صد قصر از در و یاقوت بنا کنند و بر سر هر قصر خیمه
از حریر بهشت باشد و در آنجا بفراغت استراحت کند و مردم هنوز مشغول حساب
باشند و اگر بیست و هفت روز روزه گیرد قبرش را بقدر چهار صد ساله راه وسیع کنند
و از مشک و عنبر پر کنند و اگر بیست و هشت روز روزه بگیرد میان او و دوزخ هفتاد
خندق فاصله کنند که عرض هر یک پانصد ساله راه باشد و اگر بیست و نه روز روزه بگیرد
همه گناهانش آمرزیده شود هر چند عظیم باشد و اگر سی روز روزه بگیرد خدای تعالی
از او راضی شود و هر کس خدا از او راضی شود هرگز عذابش نکنند و در بهشت چهل هزار

هزار قصر عطا فرماید و در هر قصر چهل هزار هزار خانه و در هر خانه چهل هزار هزار خوان
و در هر خوانی چهل هزار هزار کاسه و در هر کاسه چهل هزار هزار نوع نعمت و در هر خانه چهل
هزار هزار سریر که طول هر سریری دو هزار ذراع باشد و بر هر سریری حوری نشسته و هر یکی را
سیصد هزار گیسو و منجه و هزار هزار کنیزک در خدمت ایستاده باشند

فصل سوم

در فضایل روزه ماه شعبان مرویست که پیغمبر فرمود شعبان ماه منست و هر کس یک روز
ازین ماه روزه گیرد من شفیع او باشم و اگر دو روز روزه گیرد گناهان گذشته اش
آمرزیده شود و اگر سه روز روزه گیرد ملکی ندا کند که اعمال از سر گیر که گناهانت آمرزیده
شد و جمعی از آنحضرت از فضل روزه ماه رجب سوال کردند فرمود چرا از شعبان
نمی پرسید که افضل است از رجب و هم از آنحضرت مرویست که هر کس یک روز ازین ماه
روزه گیرد گناهانش آمرزیده شود و نیز مرویست که روزه شعبان ذخیره روز
قیامت است و هر کس درین ماه روزه بسیار گیرد خدای تعالی معیشتش را اصلاح نماید
و شر اعدایش را کفایت فرماید و کمترین ثواب کسی که یک روز ازین ماه روزه گیرد آنست

که بهشت او را واجب شود و نیز مرویست که هر کس روز اول این ماه روزه بگیرد بهشت
او را واجب شود و خدای تعالی برای او هفتاد حسنه بنویسد و هر حسنه برابر یکساله عبادت
باشد و اگر دو روز روزه بگیرد گناه عظیمی که موجب هلاکش باشد محو شود و تا در دنیا باشد
بر شیطان پیروز و خدای تعالی بر او برحمت نظر کند و در بهشت هرگز از و نظر بر ندارد و اگر سه روز
روزه بگیرد در بهشت بهر روز خدای تعالی او را در عرش زیارت کند و هفتاد درجه از در
و یاقوت برایش بلند گردانند و اگر چهار روز روزه بگیرد خدای تعالی محبت او را در دل
مردم جای دهد و اگر شش روز روزه بگیرد از هفتاد نوع بلا ایمن گردد و اگر هفت روز
روزه بگیرد از ابلیس و جنودش ایمن گردد و اگر هشت روز روزه بگیرد از دنیا نرود و تا از
حوضهای قدس آب ننوشد و اگر نه روز روزه بگیرد منکر و نکیر را در وقت سوال او مهربان
گردانند و اگر ده روز روزه بگیرد قبرش را هفتاد ذراع در هفتاد ذراع وسیع کنند
و اگر یازده روز روزه بگیرد یازده ستون نور در قبرش نصب کنند و اگر دوازده روز
روزه بگیرد هر روز در قبرش هفتاد هزار ملک زیارتش کنند و اگر سیزده روز روزه

بگیرد

بگیرد ملائکه هفت آسمان برای او استغفار کنند و اگر چهارده روز روزه بگیرد همه چیز حتی
ماهیان دریا برای او استغفار کنند و اگر پانزده روز روزه بگیرد خدای تعالی فرماید بعزت
خود قسم که ترا باتش عذاب نکنم و اگر شانزده روز روزه بگیرد هفتاد دریای آتش از و
خموش گردد و اگر هفده روز روزه بگیرد همه درهای دوزخ بروی بسته شود و اگر
هیجده روز روزه بگیرد هفتاد هزار قصر از در و یاقوت در بهشت باو دهند و اگر
نوزده روز روزه بگیرد همه درهای بهشت بروی گشوده شود و اگر بیست روز روزه بگیرد
هفتاد هزار حور العین برایش تزویج نمایند و اگر بیست و یک روز روزه بگیرد ملائکه با او
مهربانی و ملاطفت نمایند و اگر بیست و دو روز روزه بگیرد هفتاد حله از سندس و استبرق
در او پوشانند و اگر بیست و سه روز روزه بگیرد هفتاد حله از سندس و استبرق در او
پوشند و چون از قبر بیرون آید بر مرکبی از نور سوار شده به بهشت رود و اگر بیست و
چهار روز روزه بگیرد شفیع هفتاد هزار کس از اهل توحید باشد و اگر بیست و پنج روز
روزه بگیرد از نفاق بری شود و اگر بیست و شش روز روزه بگیرد از صراط چون برق

بگذرد و اگر بیست و هفت روز روزه بگیرد از آتش دوزخ نجات یابد و اگر بیست و هشت
روز روزه بگیرد روی وی نورانی و درخشان باشد و اگر بیست و نه روز روزه بگیرد در رضوان
اکبر الهی فایز شود و اگر سی روز تمام روزه بگیرد خدای تعالی فرماید که اگر گناه تو بعدد
ستارگان آسمان و قطرات باران و برگ درختان و خاک زمین و ریگ بیابان
باشد که همه را آمرزیدم و نیز مرویست که هر که ماه شعبان را بماه رمضان متصل کند کفارهٔ
گناهان گذشته و آینده اش شود و نیز مرویست که هر که سه روز آخر انماه را روزه
گیرد و بماه مبارک رمضان متصل کند چنانست که دو ماه متوالی روزه گرفته باشد و کفارهٔ
گناهانش بوده باشد **فصل چهاردهم** در فضایل ماه مبارک رمضان مرویست از
پیغمبر که فرموده که اگر شما فضایل انماه را بدانید خدای تعالی را شکر بسیار کنید که
این تفضل بشما فرموده و هر کس انماه را روزه گیرد در روز اول گناهانش آمرزیده شود
و هزار هزار درجه بر آتش بند کنند و نجاه شهر در بهشت بر ایشان باز کنند روز دوم
بهر گامی که بر دارد عبادت یکساله و روزهٔ یکساله نویسند روز سیوم بعدد هر مویی

که در بدن

که در بدن باشد قبهٔ در فردوس باو عطا فرماید از در سفید که در بالای ان دوازده
و در از زرین و از زبرجد انرا بود باشد و در هر خانهٔ هزار سریر و بر هر سریر حوری نشسته
نشسته و هر روز هزار ملک هر یک با تحفه و هدیه پیش آیند و روز چهاردهم در جنت
الخلد هزار قصر عطا فرماید و در هر قصری هفتاد هزار خانه و در هر خانه هفتاد هزار سریر
و بر هر سریری حوری نشسته در خدمت هر یک هزار کنیزک که مقنعهٔ هر یک از ایشان
بهتر است از تمام دنیا و ما فیها و روز پنجم در جنة الماوی هزار هزار شهر و در هر شهری
هفتاد هزار خانه و در هر خانه هفتاد هزار خوان و در هر خوان هفتاد هزار کاسه و در
هر کاسه شصت نوع طعام که هیچکدام بدیگری شبیه نبود و روز ششم در جنة السلام
صد هزار شهر و در هر شهر صد هزار سرا و در هر سرا صد هزار خانه و در هر خانه صد هزار
سریر که طول هر سریر هزار ذراع باشد و بر هر سریری [illegible] از هر یک گیسی هزار
گیسوا و پنجه ها در و یاقوت بافته و گیسو هر یک [illegible] روز هفتم
ثواب چهل هزار شهید و چهل هزار صدیق باو عطا [illegible] ثواب عمل

شصت هزار عابد و شصت هزار زاهد و روز نهم ثواب هزار عالم و هزار معتکف و هزار
هزار مرابط فی سبیل الله بود و روز دهم چنان باشد که خدای تعالی هزار حاجت او برآورده باشد
و آفتاب و ماه و ستارگان و همه مخلوقات حتی طیور و سباع و سنگ و کلوخ و ماهیان
دریا و برگ درختان برایش استغفار کنند و روز یازدهم ثواب چهار صد حج و چهار
صد عمره که هر حجی با پیغمبری و هر عمره با صدیقی یا شهیدی کرده باشد و روز دوازدهم
سیئاتش مبدل بحسنات گردد و حسناتش مضاعف گردد و دیگر هر حسنه برابر هزار حسنه
باشد و روز سیزدهم مثل عبادت اهل مکه و مدینه و بعدد هر سنگ و کلوخی که در میان
[illegible] است استغفاری عطا فرماید و روز چهاردهم چنان است که با آدم و نوح و ابراهیم و موسی
و داود و سلیمان ملاقات کرده و صحبت داشته باشد و چنان است که با هر پیغمبری دو رکعت
مثل عبادت [illegible] و روز پانزدهم جمیع حوایج دنیا و آخرت و مثل ثواب
ایوب [illegible] دعایش مستجاب باشد و حمله عرش برایش استغفار
کنند و در روز [illegible] چهل نور عطا فرماید در هر جانبش ده نور باشد و روز شانزدهم

چون

چون از قبر بیرون آید هفتاد حله از بهشت در او بپوشانند و بر مرکب بهشت سوار گردد
و از تشنگی و گرسنگی بی نیاز گردد و از حرارت آفتاب قیامت ایمن گردد و روز هفدهم همه گناهان
او و گناهان پدر و مادرش آمرزیده شود و از [illegible] و روز قیامت ایمن گردد و روز هیجدهم
خدای تعالی فرماید که جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و حمله عرش و کروبیان برایش استغفار
کنند تا سال دیگر و روز قیامت ثواب انبیا با او عطا فرمایند و روز نوزدهم جمیع
ملائکه آسمان و زمین از خدای تعالی اذن خواسته هر روز بزیارت قبرش آیند و تا یک
با هدیه و تحفه از بهشت و روز بیستم هفتاد هزار ملک بر او موکل شوند که از شیاطین
محافظتش نمایند و بعدد هر روز که روزه گرفته ثواب صد ساله روزه دنیا عطا فرمایند
و میان او و دوزخ خندقی فاصله کنند و ثواب هر کس که تورات و انجیل و زبور و فرقان
خوانده و بعدد هر پری از بال جبرئیل عبادت یکساله و ثواب تسبیح حمله عرش و کرسی
عطا فرمایند و بعدد هر آیه از قرآن حوری برایش تزویج کنند و روز بیست و یکم خدای تعالی
قبرش را هزار فرسخ وسیع گرداند و وحشت و ظلمت قبر از او برگیرند و قبرش را

مثل قبور شهدا کرده اند و روی ایشان مثل روی یوسف می کنند و در بهشت دویم
ملک الموت وی وقت قبض روحش چنان آید که پیش انبیا میرود و سوال نکیر و منکر و هموم
دنیا و عذاب آخرت از و برخیزد و در روز بهشت سیوم با نبیین و صدیقین و شهدا
و صالحین از صراط بگذرد و چنان است که هر مقیم و اسیر و برهنه را پوشانیده باشد و روز
بهشت چهارم از دنیا برود تا جای خود را در بهشت ببیند و ثواب هزار مریض دار
غریب که بطاعت خدا از وطن رفته بخشند یا او و چنان باشد که هزار بنده از اولاد
اسمعیل آزاد کرده باشد و بر سر هر قبه خیمه از نور و فرمایند ای بنده من در پناه عرش
در بین تعبها بیاسای از نعمت بهشت تنعم نمای و از هر بیم و اندوه در امان باش و هزار
تاج نور بر سرش نهند و بر مرکبی از نور سوار شود که زمامش از نور باشد و بر زمامش هزار
حلقه طلا و بر هر حلقه ملکی موکل در دست هر یک عمودی از نور داخل بهشت کردند و خلق
اولین و آخرین از حال او در تعجب باشند و در روز بهشت ششم حق تعالی بر و نظر
رحمت کند و همه گناهانش بیامرزد دیگر خون و مال مردم و در روز بهشت هفتم چنان است

که هر مومن

که هر مومن و مومنه را نصرت کرده و دعا و هزار برهنه را پوشانیده باشد و هزار مرابط
فی سبیل الله را خدمت کرده و جمیع کتب الهی را خوانده باشد و در بهشت هشتم خدا
در جنة الخلد صد هزار شهر و در هر شهری صد هزار حجره و در جنة المأوی صد هزار
تو از نقره و در جنة النعیم صد هزار خانه از عنبر بهشت و در جنة الفردوس صد هزار
شهر و در هر شهری صد هزار حجره و در جنة الجلال صد هزار شهر از مشک و در درون
هر شهر از مشک هزار هزار خانه و در هر خانه هزار هزار سریر از در و یاقوت و بر هر سریری
حوری نشسته با وعطا فرماید و در روز بهشت نهم هزار هزار منزل و در هر منزل قبه
و در هر قبه سریری از کافور و بر هر سریر هزار فرش از سندس سبز و بر هر سریر حوری
نشسته و هفتاد هزار حله پوشیده و هفتاد هزار گیسو مکلل به در و یاقوت و مرجان با وعطا
فرماید و چون سی روز تمام شود بعد هر روزی که روزه گرفته ثواب هزار شهید
و هزار صدیق و عبادت پنجاه ساله با وعطا فرماید و هر روزی که روزه داشته باشد
برابر روزه هزار روز باشد و بعد هر درخت و گیاه که از آب و دیل رسته درجات

او را بند کرد و اند و از عذاب ایمن باشد و از صراط چون برق بگذرد و بهشت را
در بهشت و بیان نام کنار و در قیامت گشوده نشود و آن روز گشایند و رضوان و
خازن بهشت گویند ای روزه داران ماه رمضان از امت حضرت محمد مصطفی صلعم
از این در داخل بهشت شوید پس پیغمبر فرمود کسی که در این ماه آمرزیده نشود دیگر کدام
ماه خواهد شد و تفضیل سایر روزها مستحب است هر یک در جای خود انشاء الله بیاید
فصل پنجم در آداب صایم مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلم که روزه
گرفتن همین از خوردن و آشامیدن نیست بلکه چون روزه گیری باید که چشم و گوش
و موی و پوست و همه جوارح و اعضا از قبیح در روزه باشد و روز صیام
مثل سایر ایام نباشد و با مردم مجادله و منازعه مکن و دروغ مگوی و دشنام
مده و قسم مخور و مردم را حسد و خادم مرنجان و آنکه دختر پیغمبر زنی دید روزه
دار را که خادم را دشنام داد آنحضرت آن زن را طلب کرد و طعام طلبیده فرمود بخور زن گفت من روزه
دارم حضرت فرمود چه روزه داری که دشنام بنده روا داری از طعام و شراب باشد چه کسی روا دارد

دشنام دهد او بگوید من روزه دارم و مثل تو دشنام نمیدهم حق تعالی فرماید بنده من
بروزه پناه میبرد او را از آتش پناه دادم و نیز مرویست که در روزه و در شبها و روز جمعه و
در شب مطلقا و در شبها و روز ماه مبارک رمضان و کسی که محرم باشد در حرم مکه معظمه شعر خواندن
نشاید اگر چه در مدایح اهل بیت علیهم السلم باشد و مراد از این شعر آنست که مشتمل بر کذب
و هجو و طعن باشد بر خیالات و اغراقات و دعواهای باطل و غیر آن واقع و مثال این باشد
چنانکه در میان شعرا شایع است اگر چه موضوعش حق باشد مثل مدح اهل بیت علیهم السلم
و اگر چه شان ایشان رفیع تر از آن باشد اما اگر معانی حق و واقعی باشد و موضوعش نیز حق باشد
مثل مناجات و موعظه و مدح اهل بیت علیهم السلم قصوری ندارد چنانکه از تتبع کلام عرب و اخبار
و آثار اهل بیت علیهم السلم ظاهر و مبین است و روزه دار را افضل است اینکه مضمضه
و استنشاق نکند مگر برای نماز فریضه و با چوب تر مسواک نکند اما اگر چوب خشک
باشد به آب تر کند و حرکت دهد تا آبش همه بریزد و قصوری ندارد و بوی مشک
داشته باشد طعمش در گلو محسوس شود و در چشم کشد و جامه تر نپوشد مگر بعد از فرود

اما در آب نشستن قصور ندارد و مکروه است بوی مشک و نرگس و ریحان و هر گیاه خوشبو بوید و این
جمله بر صایم مکروه است اما سایر عطرها و گلها و بخور قصور ندارد بلکه تعطیر و بخور بر صایم مستحب است
و مرویست که روزه دار در اول روز تعطیر کند عقلش زایل نشود فصل ششم در فضایل
سحور مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلم که در ماه مبارک رمضان افضل آنست که ترک
سحور خوردن نکنند و در غیر آن اگر خواهد سحور کند و اگر نخواهد نکند و هر کس هیچ تسحور
کند اگر افطار بآب تنها کند که قوت بر صوم دهد باید و خدا تعالی بر سحور کنندگان صلوات
و رحمت فرستد و هر کس در وقت سحور و افطار انا انزلناه بخواند چنانست که در راه خدا در
خون غلطیده باشد فصل هفتم در افطار مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلم که حضرت
پیغمبر افطار بحلوا میفرمودند و اگر حلوا نمیبود بقند یا خرما و اگر هیچکدام نمیبود باب نیمگرم
معده و جگر را پاک کند و بوی دهن خوش کند و دندان محکم گرداند و چشم را قوت و جلا دهد
و گناهان از دل بشوید و رگهای جنبنده را تسکین دهد و صفرا را بشکند و بلغم قطع کند و حرارت
معده و صداع زایل گرداند و فضل آنست که اگر کسی انتظار نکشند افطار بعد از نماز شام

کند

کند که روزه بنماز ضایع نشود و دعا در وقت افطار مستجاب باشد و فضل قرائت انا انزلناه
در وقت افطار در فصل سابق مذکور شد و اگر وقت افطار بگوید یا عظیم یا عظیم یا عظیم
انت الله لا اله الا انت اغفر لی الذنب العظیم انه لا یغفر الذنب العظیم
الا انت یا عظیم از گناه پاک گردد مثل روزی که از مادر متولد شده و از حضرت صادق روایتست که در وقت
افطار بگوید بسم الله اللهم لک صمنا و علی رزقک افطرنا فتقبل منا
انک انت السمیع العلیم فصل هشتم در تفطیر صایم مرویست از اهل بیت طاهرین
علیهم السلم که هر کس صایمی را افطار فرماید مثل ثواب او داشته باشد و هر عبادت و حسنه
که بقوت آن طعام کند در ثواب شریک گردد و افطار فرمودن صایم افضل است از
روزه که خود بگیرد و اگر در ماه رمضان افطار فرماید چنانست که بنده آزاد کند و کفاره
گناهان گذشته اش و آینده اش شود و حضرت امام محمد باقر به یکی از اصحاب فرمود
میتوانی که در ماه مبارک رمضان هر شب بنده از اولاد اسمعیل آزاد کنی گفت نمیتوانم تا آن
قدر دو هزار کند پس یک یک کم میفرمود و میگفت نمیتوانم تا یک بنده رسید و گفت

نتوانم پس فرمود که توانی هر شب یک مسلم را افطار فرمائی گفت بلی ده مؤمن را نیز فرمود
که مقصود من همین بود که افطار فرمودن مؤمنی مثل آزاد کردن بنده ایست از اولاد اسمعیل ع

فصل نهم در فضل افطار کردن برای برادر مؤمن مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام
که در خانه برادر مؤمن افطار کردن نه تا ده مرتبه افضلست از روزه که گرفته و چون
کسی روزه غیر واجب داشته باشد و برادر مؤمنی وارد شود و تکلیف افطارش کند افطار کند
و او را مسرور سازد و اگر چه بعد از عصر باشد برابر است با ده روز روزه و اگر اظهار نکرده
و منت بر او نگذارد و افطار کند مثل یکساله روزه باشد و این حدیث وسایر احادیث
بسیار است که در سرور مؤمن وارد شده و میتوان دانست که بهر وجه که افطار کردن
سبب سرور مؤمن یا رفع کدورت او باشد باید کرد اگر چه در خانه او نباشد

فصل دهم در اعتکاف مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلم که افضل اوقات برای
اعتکاف ماه مبارک رمضان است حتی اینکه مرویست که اعتکاف نباشد مگر در آخر عشر
رمضان و ده روز اعتکاف در ماه رمضان برابرست با دو حج و عمره و اعتکاف کمتر از سه روز

نباشد

نباشد و بیشتر هر قدر که خواهد تواند و اصل اعتکاف مستحب است اما چون دو روز بگذرد
روز سیم واجب شود و همچنین هر روز سیم واجب شود مثل ششم و نهم و دوازدهم
یعنی در روز اول و دویم باختیار تواند فسخ اعتکاف نمودن و بیرون رفتن و در روز سیم
بغیر ضرورت نتواند بیرون رفت و شرطست در اعتکاف روزه داشتن پس کسی که روزه
نتواند داشت یا در وقتی که روزه نتواند داشت اعتکاف او درست نباشد و هر روزه که باشد
مجزی بود خواه واجب خواه غیر آن و نیز شرطست که در مسجدی باشد که امام عادل در آن نماز
کرده باشد و افضل مساجد برای اعتکاف مسجد الحرام و مسجد رسول ص و مسجد کوفه و در
ایام اعتکاف بغیر ضرورت بیرون نباید رفت و جایز است بیرون رفتن برای نماز جمعه
یا حضور جنازه یا عیادت مریضی و تحمل حقی از حقوق کاردین و کار ضروری و چون
برای حاجتی بیرون رود در جائی ننشیند تا آنکه بمسجد عود کند و نماز در غیر آن
مسجد نگذارد مگر نماز جمعه یا در مکه معظمه که در هر موضع از مکه که نماز گذارد صحیح باشد
و حرام است در ایام اعتکاف مباشرت کردن خواه روز و خواه شب و در این ایام

از بوی خوش و ریاحین و مجادله با مردم و بیع و شرا احتراز باید نمود و مستحبست که وقت
رفتن به اعتکاف با خدا شرط کند که اگر امری سانح شود بیرون تواند رفت و اگر چنین
شرط کرده باشد هر وقت امری عارض شود بیرون تواند رفت و حرجی برو نباشد خواه
پیش از دو روز و سیم و خواه بعد از آن **باب هشتم** در اعمال شهور و اعوام و لیالی
و ایام و مقصود ازین باب دوازده فصل انشاء الله بیان شود **فصل الاول** در اعمال
روز نوروز و فضایل آن در کتب اهل بیت طاهرین علیهم السلام که عهد و خلافت
و ولایت حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه در غدیر خم درین روز بوده و درین روز
حضرت صاحب الزمان صلوات الله علیه ظهور خواهد فرمود و برکات درین روز بسیار
واقع شده و مستحبست درین روز روزه داشتن و غسل کردن و جامهای پاکیزه پوشیدن
و تعطر نمودن و خواندن هر یک ازین کلمات و آیت الکرسی و این دعا بعد از اتمام
سال خواندن اللّهمّ هذه سنة جدیدة و انت ملک قدیم اسئلک
خیرها و خیر ما فیها و اعوذ بک من شرها و شر ما فیها و استکفیک

مؤنتها

مؤنتها و شغلها یا ذا الجلال و الاکرام و جمعی درین روز بعد از
نماز عصر چهار رکعت نماز گذارد و در رکعت اول بعد از الحمد ده نوبت انا انزلنا و در دوم ده
قل یا ایها الکافرون و در سیم ده قل هو الله و در چهارم ده معوذتین بخوانند و بعد از فراغ
سجده کنند و در سجده این دعا بخوانند پنجاه ساله گناهانش آمرزیده گردد و اللّهمّ
صلّ علی محمّد و آل محمّد الاوصیاء المرضیین و علی جمیع انبیائک
و رسلک بافضل صلواتک و بارک علیهم بافضل برکاتک و
صلّ علی ارواحهم و اجسادهم اللّهمّ بارک علی محمّد و آل محمّد و بارک
لنا فی یومنا هذا الذی فضّلته و کرّمته و شرّفته و عظّمت قدره
اللّهمّ بارک لی فیما انعمت علیّ حتی لا اشکر احدا غیرک و
وسّع علیّ فی رزقی یا ذا الجلال و الاکرام اللّهمّ ما غاب عنّی
من شیء فلا تغیّبنّ عنّی عونک و حفظک و ما فقدت من شیء
فلا تفقدنی عونک علیه لا اکلّف ما لا احتاج الیه یا ذا

الجلال و الاکرام و نوشتن بجهت سلام شکسته از زعفران و گلاب آشامیدن
آن امانست از نور روز دیگر از علل و امراض چنانکه مشهور است در مجموعه نیز بنظر رسیده
و مروی از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه چنانکه مشهور است در مجموعه نیز بنظر رسیده
و مروی از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام خواندن یا محوّل الحول و الاحوال
حوّل حالنا الی احسن الحال بعد دعای اول سال مشهور است ما حدیث بنظر رسیده

فصل دوم در اعمال هر ماه که اختصاص بماهی ندارد و مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام

که حضرت پیغمبر چون ماه نو دیدی میگفت ایها الخلق المطیع الدائب السریع
المتصرف فی ملکوت الجبروت بالتقدیر ربی و ربک الله اللهم
اهله علینا بالامن و الایمان و الاسلام و السلامة و الاحسان
و کما بلغتنا اوله فبلغنا آخره و اجعله شهرا مبارکا
تمحو فیه السیئات و تثبت لنا فیه الحسنات و ترفع لنا فیه الدرجات
یا عظیم الخیرات و اگر خواهد دعای صحیفه کامله اگر تمام و کمال بخواند هر کس

در

در وقت دیدن ماه هفت مرتبه الحمد بخوانند در آن ماه از چشم درد ایمن باشد و هر کس
اول ماه پنیر بخورد دوا است که در آن ماه دعا و حاجتش روا شود و اول هر ماه دو رکعت
نماز بگذارد در رکعت اول بعد از الحمد سی مرتبه قل هو الله و در دوم بعد از الحمد سی بار انا انزلناه
بخواند و آنچه میسر شود تصدق کند سلامتی آن ماه را از خدای تعالی بخرد و هر کس در
هر ماه حضرت امام حسین را زیارت کند ثواب صد هزار شهید از شهدای بدر یابد و
در هر ماه سه روز روزه داشتن پنجشنبه اول ماه و چهارشنبه میان ماه و پنجشنبه آخر ماه
که برابر است با صوم دهر و وسوسهٔ خاطر را دفع کند و از ائمهٔ طاهرین علیهم السلام آمده
از سبب این روزه سؤال نمودند فرمودند پنجشنبه برای آنکه اعمال بنور پنجشنبه بر حضرت حق تعالی
عرض میشود خواستم در روزه عرض شود و چهارشنبه میان ماه روز عذاب است
و آنکه آتش در چهارشنبه آفریده شده و خدای تعالی جمیع امم سابقه را در چهارشنبه
میان ماه بعذاب کرده و روزه امانست از عذاب و اگر در اول ماه دو پنجشنبه
باشد اول افضل است و اگر در آخر دو پنجشنبه باشد آخر افضل

یا مشقتی روزه گرفتن دشوار باشد قضا کند باید بدهد که تخمینا هفتاد دینار است یا گندم
یا غیر آن از طعامها که تخمینا بوزن تبریز چهار کیل اندکی بیشتر تصدق کند و در روایات بسیار
آمده که تصدق افضلست و در یکی ازین روایات آمده که این قدر تصدق در نظر راوی
کم نمود امام علیه السلم فرمود منع طعام دادن افضلست از یکماه روزه گرفتن و در روایتست
که هر کس در یکی از ماههای حرام که رجب و ذی القعده و ذو الحجه و محرم است پنجشنبه و جمعه و شنبه
روزه گیرد عبادت نهصد ساله برای وی نوشته شود فصل سیم در اعمال ماه محرم الحرام این ماه اول
سنه هجریست روایتست از اهل بیت طاهرین علیهم السلم که هر کس هر سال روز اول این ماه
دو رکعت نماز گذارد و بعد از سلام سه مرتبه بگوید اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ اَنْتَ الْاَبَدِیُّ الْقَدِیْمُ
الْعَفُوُّ الْغَفُوْرُ الرَّحِیْمُ وَهٰذِهِ سَنَةٌ جَدِیْدَةٌ فَاَسْئَلُكَ الْعِصْمَةَ فِیْهَا
مِنَ الشَّیْطَانِ الرَّجِیْمِ وَالْعَوْنَ عَلٰی هٰذِهِ النَّفْسِ الْاَمَّارَةِ بِالسُّوْءِ وَ
الْاِشْتِغَالَ بِمَا یُقَرِّبُنِیْ اِلَیْكَ یَا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ وَالْفَضْلِ
...امِ یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِیْنَ خدای تعالی دو ملک بر وی موکل کرداند که از تعرض

و توسعه در نفقه و پوشیدن جامهای نو و شکر و عبادت کردن تا روزه درین روز زیادت
شد بعد از آن ماه مولود حضرت پیغمبرست و روزه این روز برابرست با یکساله روزه و
مستحبست درین روز تصدق کردن و زیارت مشاهد مقدسه نمودن فصل ششم
در اعمال ماه رجب المرجب روایتست از اهل بیت طاهرین علیهم السلم که ماه رجب ماهیست
عظیم الشان رفیع المنزله و منسوبست بحضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه خدای تعالی درین ماه
حسنات مضاعف کند و سیئات محو کند و مستحبست احیا داشتن شب اول این ماه و مرویست
که هر کس یک شب درین ماه احیا دارد آتش دوزخ بر وی حرام کردد و شفاعتش از برای هزار
کس از گناهکاران مقبول باشد و مرویست که حضرت پیغمبر صلعم بمقبره گذشت لحظه توقف
فرمود پس از آنجا گذشت از سبب توقف سؤال نمودند فرمود اهل این مقبره معذب بودند
بر ایشان ترحم کردم و از خدای تعالی خواستم که عذاب از ایشان تخفیف فرمود
که اگر ایشان یکروز از ماه رجب روزه میداشتند و یکشب بعبادت بر میخواستند از
این عذاب ایمن میبودند و هر مؤمن و مؤمنه که یکروز ازین ماه روزه گیرد و یکشب

بعبادت برخیزد خدای تعالی ثواب یکساله روزه و عبادت و هزار حج و هزار عمره و هزار جهاد
و هزار عتق رقبه از اولاد اسمعیل و هزار دینار طلا تصدق عطا فرماید و چنانست که اسیران
است مرا بنجر دو آزاد کند و هزار گرسنه را سیر کند و از عذاب قبر و هول منکر و نکیر ایمن
گردد و کسی تعجب نمود گفت این همه ثواب برای کسیست که یک روز روزه گیرد و یک شب بعبادت
برخیزد در این ماه فرمود بلی برای کسیست که انکار قدرت خدا نکند برین که این قدر عبادت را
این همه ثواب تواند داد و فرمود اگر کسی قادر بر خواستن شب نباشد بعد از نماز عشا
و قبل از نماز وتیره دو رکعت نماز گذارد و هر سوره که خواهد بخواند از خدای تعالی امیدوارم
که این همه ثواب باو عطا فرماید و نیز مرویست که هر کس در این ماه تصدق کند برای خدای
واحد ثواب خدای تعالی در بهشت آنقدر ثواب عطا فرماید که هیچ گوش نشنیده و هیچ چشمی
ندیده و هیچ گوشی نشنیده و بخاطر هیچ کس نرسیده باشد و مستحبست در اول شب این ماه
این دعا را خواندن بعد از نماز عشا بگوید اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ بِاَنَّكَ مَلِكٌ
وَاَنَّكَ عَلیٰ کُلِّ شَیْءٍ مُقْتَدِرٌ وَاَنَّكَ ما تَشاءُ مِنْ اَمْرٍ یَکُنْ

اللهم

اَللّٰهُمَّ اِنّی اَتَوَجَّهُ اِلَیْكَ بِاَنَّكَ مَلِكٌ وَاَنَّكَ عَلیٰ کُلِّ شَیْءٍ مُقْتَدِرٌ
بِنَبِیِّكَ مُحَمَّدٍ نَبِیِّ الرَّحْمَةِ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ یا مُحَمَّدُ یا رَسُولَ اللّٰهِ اِنّی
اَتَوَجَّهُ بِكَ اِلَی اللّٰهِ رَبِّكَ وَرَبّی لِیُنْجِحَ طَلِبَتی اَللّٰهُمَّ بِنَبِیِّكَ مُحَمَّدٍ وَالْاَئِمَّةِ
مِنْ اَهْلِ بَیْتِهِ اَنْجِحْ طَلِبَتی بعد از آن حاجتی که خواهد بخواهد و هر کس در اول این ماه
زیارت حضرت امام حسین علیه السلام کند گناهانش آمرزیده شود البته و نیز مرویست که
هر کس در اول این ماه و میان و آخر این ماه غسل کند از گناه پاک شود مثل روزی که از مادر متولد
شود و سلمان فارسی رحمة الله روایت کند از پیغمبر که فرمود که هر کس در این ماه سی رکعت نماز
گذارد و در هر رکعت بعد از الحمد سه مرتبه قل هو الله و سه مرتبه قل یا ایها الکافرون بخواند
و هر رکعتی در اول و بعد از فراغ دست برداشته گوید لا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ
لا شَریكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ یُحْیی وَیُمیتُ وَهُوَ حَیٌّ لا یَمُوتُ بِیَدِهِ
الْخَیْرُ وَهُوَ عَلیٰ کُلِّ شَیْءٍ قَدیرٌ اَللّٰهُمَّ لا مانِعَ لِما اَعْطَیْتَ وَلا
مُعْطِیَ لِما مَنَعْتَ وَلا یَنْفَعُ ذَا الْجَدِّ مِنْكَ الْجَدُّ و دست بر رو بمالد

و ده رکعت در میان شام و بعد از فراغ دستها برداشته گوید لا اله الا الله
وحده لا شریک له له الملک وله الحمد یحیی و یمیت وهو حی لا یموت
بیده الخیر وهو علی کل شیء قدیر الها واحدا احدا صمدا
لم یتخذ صاحبة ولا ولدا و دستها بر روی مالد و ده رکعت در آخر ماه و
بعد از فراغ دستها برداشته گوید لا اله الا الله وحده لا شریک له له
الملک وله الحمد یحیی و یمیت وهو حی لا یموت بیده الخیر وهو
علی کل شیء قدیر وصلی الله علی محمد وآله الطاهرین ولا حول
ولا قوة الا بالله العلی العظیم و دستها بر روی مالد و حاجتی که خواهد طلبد
مستجاب شود و خدای تعالی میان او و دوزخ هفت خندق فاصله کند که عرض هر خندق
مثل بین آسمان و زمین باشد و به هر رکعت هزار هزار رکعت برای او نویسند و برات
و سلامت از صراط کند و چنان باشد که تمام این ماه روزه داشته باشد و اعمال
دیگر از جمله نماز کند که آن نوشته شود و هر روز ثواب شهیدی از شهدای بدر

نویسند و هر که روزی که در این ماه روزه دارد عبادت یک ساله نویسند و هزار درجه بلند
گردانند و هم از آن حضرت مرویست که ثواب روزه هر روز از این ماه را بیان فرمود چنانکه
در باب تفصیل گذشت بعد از آن سؤال کردند که اگر کسی نتواند روزه گرفتن چکند
تا این ثواب دریابد فرمود هر روز در این ماه گرده نان تصدق کند بحق آن قسم که همه این ثواب
بیابد و بیشتر از آن و اگر همه خلق آسمان و زمین جمع شوند عشر ثواب آن نتوانند
نوشت پرسیدند که اگر قادر بر این تصدق نباشد چه کند فرمود که هر روز صد بار
بگوید سبحان الاله الجلیل سبحان من لا ینبغی التسبیح الا له سبحان
الاعز الاکرم سبحان من تعطف بالمجد وتکرم به
سبحان من لبس العز وهو له اهل و نیز مرویست که خدای تعالی فرموده
که هر کس در ماه رجب هزار مرتبه گوید استغفر الله ذا الجلال والاکرام
من جمیع الذنوب والآثام اگر او را نیامرزم پس من خدای او نباشم
و سه مرتبه چنین فرموده و مستحب است هر روز در این ماه خواندن این دعا اللهم انی

اسئلك صبر الشاكرين لك وعمل الخائفين منك ويقين الخائفين
منك ويقين العابدين لك اللهم انت العلي العظيم وانا
عبدك البائس الفقير انت الولي الحميد وانا عبد الذليل اللهم
صل على محمد وآل محمد وامنن بغناك على فقري وبحلمك
على جهلي وبقوتك على ضعفي يا قوي يا عزيز اللهم صل على
محمد وآله الاوصياء المرضيين فاكفني ما اهمني من امر الدنيا
والاخرة يا ارحم الراحمين ونیز مرویست که هر روز ازینماه بخوانند
که منقولست از حضرت صاحب الزمان صلوات الله علیه اللهم انی اسئلك
بمعاني جميع ما يدعوك به ولاة امرك المأمونون على سرك
المستبشرون بامرك الواصفون لقدرتك المعلنون لعظمتك
اسئلك بما نطق فيهم من مشيتك فجعلتهم معادن لكلماتك
واركانا لتوحيدك وآياتك ومقاماتك التي لا تعطيل لها

في كل مكان يعرفك بها من عرفك لا فرق بينك و
بينها الا انهم عبادك وخلقك فتقها ورتقها بيدك بدؤها
منك وعودها اليك اعضاد واشهاد ومناة واذواد وحفظة
ورواد فبهم ملأت سماءك وارضك حتى ظهر ان لا اله الا انت
فبذلك اسئلك وبمواقع العز من رحمتك وبمقاماتك وعلاماتك
ان تصلي على محمد وآله وان تزيدني ايمانا وتثبيتا يا باطنا في ظهوره
وظاهرا في بطونه ومكنونه يا مفرقا بين النور والديجور يا موصوفا
بغير كنه ومعروفا بغير شبه حاد كل محدود وشاهد
كل مشهود وموجد كل موجود ومحصي كل معدود
وفاقد كل مفقود ليس دونك من معبود اهل الكبرياء
والجود يا من لا يكيف بكيف ولا يؤين بأين يا محتجبا
عن كل عين يا ديموم يا قيوم وعالم كل معلوم صل على

محمد وآله وعلى عبادك المنتجبين وبشرك المحتجبين وملائكتك
المقربين والبهم الصافين الحافين وبارك لنا في شهرنا هذا
المرجب المكرم وما بعده من الاشهر الحرم واسبغ علينا فيه
النعم واجزل لنا القسم وابرر لنا فيه القسم باسمك الاعظم
الاعظم الاجل الاكرم الذي وضعته على النهار فاضاء و
على الليل فاظلم واغفر لنا ما تعلم منا وما لا نعلم واعصمنا من
الذنوب خير العصم واكفنا كوافي قدرك وامنن علينا بحسن
نظرك ولا تكلنا الى غيرك ولا تمنعنا من خيرك وبارك
لنا فيما كتبته لنا من اعمارنا واصلح لنا خبيئة اسرارنا واعطنا
منك الامان واستعملنا بحسن الايمان وبلغنا شهر الصيام
وما بعده من الايام والاعوام يا ذا الجلال والاكرام
و ایضا هر روز این دعا بخواند اللهم اني اسئلك بالمولودين في رجب

محمد

محمد بن علي الثاني وابنه علي بن محمد المنتجب واتقرب بهما اليك
خير القرب يا من اليه المعروف طلب وفيما لديه رغب اسئلك سؤال
مقترف مذنب قد اوبقته ذنوبه واوثقته عيوبه فطال على
الخطايا دؤوبه ومن الرزايا خطوبه يسئلك التوبة وحسن
الاوبة والنزوع عن الحوبة ومن النار فكاك رقبته والعفو
عما في ربقته فانت يا مولاي اعظم امله وثقته اللهم و
اسئلك بمسائلك الشريفة ووسائلك المنيفة ان تتغمدني في
هذا الشهر برحمة منك واسعة ونعمة وازعة ونفس بما رزقتها
قانعة الى نزول الحافرة ومحل الآخرة وما هي اليه صائرة
و هر کس در ماه رجب و شعبان و رمضان هر روز و هر شب الحمد و آیة الکرسی و قل
[illegible] و سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اكبر
ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم سه مرتبه [illegible]

صل علی محمد و آل محمد و علی کل ملک و نبی و سه مرتبه بگوید
اللهم اغفر للمؤمنین والمؤمنات واستغفر الله چهار صد مرتبه
و در روایتی دیگر تا از نماز ده و سه مرتبه اللهم اغفر لی و لوالدی
وارحمهما کما ربیانی صغیرا از آنجا که گناهانش آمرزیده شود اگرچه
بعدد ستاره های آسمان و قطرات باران و برگ درختان و ریگ بیابان و کف دریا و بعدد
هر حرفی از آن دعا در شفاعت دوستان و آشنایان کند و هر کس در نیمه این عمل بجا آورد
اگرچه در مدت عمر گنهکار باشد و بعدد حرفهای آن دعا او را حسنه عطا فرمایند که
حسنه‌ای بزرگتر از کوه احد باشد و هر مقصد و حاجت که برآورده شود و در وقت قبض روح
و مقصد و در قبر و مقصد در وقتی که از قبر بیرون آید و مقصد در وقتی که نامهای اعمال
در اطراف متفرق باشد و مقصد در وقت میزان و مقصد در وقت صراط عمل رغایب
هر کس در شب جمعه اول ماه رجب روزه بگیرد و در شب جمعه اول که از آن شب رغایب گویند میان
نماز شام و خفتن دوازده رکعت نماز بگذارد و در هر رکعت بعد از الحمد سه مرتبه انا انزلناه

و دوازده

و دوازده مرتبه قل هو الله احد بخواند و در هر دو رکعت یک سلام دهد چون از مجموع نماز
فارغ شود هفتاد مرتبه صلوات بفرستد بعد از آن سجده کند و هفتاد مرتبه بگوید
سبوح قدوس رب الملائکة والروح بعد از آن سر بردارد و هفتاد
مرتبه بگوید رب اغفر وارحم وتجاوز عما تعلم انک انت العلی الاعظم
بعد از آن هفتاد مرتبه دیگر سجده کند و همان که در سجده اول گفته بود هفتاد مرتبه بگوید و حاجتی که
داشته باشد در سجود بخواهد که مستجاب شود و گناهانش آمرزیده شود اگرچه مثل کف دریا و وزن
کوهها و برگ درختان و ریگ بیابان باشد و شفیع هفتصد کس از اهل بیت خود باشد که
همه مستوجب آتش دوزخ باشند **عمل ایام بیض** هر کس ایام بیض از ماه رجب روزه بگیرد
و شبهای آن بعبادت برخیزد و شب پانزدهم صد رکعت نماز بگذارد و در هر رکعت ده مرتبه
قل هو الله احد بخواند و چون فارغ شود هفتاد مرتبه استغفار کند تا اهل آسمان و زمین
و شیاطین و خبوثش از وی دفع شود و اگر در آن ماه بمیرد شهید باشد و هزار حاجتش
برآورده شود پانصد در دنیا و پانصد در آخرت و نیز مرویست که هر کس در این شب

و دو ده رکعت نماز گذارد و در هر رکعت بعد از الحمد سی مرتبه قل هو الله بخواند و بعد از
فراغ صد مرتبه استغفار و تحمید و تکبیر کند و اگر با این عبارت گوید مجزی بود استغفر
الله ذا المجد و الکبریاء تا آن شب از نامهٔ او هر خطیه بشویند و بعدد
هر قطرهٔ باران که در آن سال از آسمان آید حسنه نویسند و بعدد هر رکوع و سجود که
کرده درجهٔ بهشت قصری از زبرجد سبز و بعدد هر حرف از قرآن که خوانده باشد شهری
از یاقوت سرخ عطا فرمایند و تاج کرامت بر سرش نهند و مستحب است در روز پانزدهم
این ماه زیارت حضرت امام حسین علیه السلم عمل استفتاح و کیفیت این عمل در کتب ادعیه
با کیفیات مختلفه مذکورست و سند هیچکدام از آنها در احادیث معلوم نیست و احتمال دارد
که مشایخ رحمهم الله اعمال دیگر را که هر کدام علیحده برای روز پانزدهم روایت شده باشد
با عمل استفتاح مخلوط ذکر کرده باشند و سبب اختلاف و تشویش گشته باشند اما
کیفیت آن بنحوی که در حدیث وارد شده آنست که فاطمه نام زنی بود از ذریت امام
حسین علیه السلم و حضرت امام جعفر صادق ع او را تربیت داده بود و پسر او را منصور خلیفه

عباسی

عباسی تربیتی محبوس کرده بود و اراده قتل او داشت روزی فاطمه بخدمت حضرت
امام جعفر صادق ع آمد غمگین و محزون رفت آنحضرت فرموده که ماه رجب نزدیک است
ایام بیض آنماه را روزه بگیر و روز پانزدهم اول ظهر چهار رکعت نماز بگذار و در رکعت
اول بعد از الحمد الم نشرح و در دویم قل یا ایها الکافرون و در سیم انا انزلناه و در چهارم
اذا زلزلت بخوان و بعد از نماز ظهر چهار رکعت دیگر بگذار و در اول بعد از الحمد قل هو الله
و در دویم قل اعوذ برب الفلق و در سیم قل اعوذ برب الناس و در چهارم انا اعطیناک
الکوثر بخوان و بعد از آن ذکر تسبیح میکرده باش تا وقت عصر داخل شود پس نماز عصر را
در اول وقت بگذار و چون سلام دهی تسبیحات اربع و الحمد و آیت الکرسی و قل هو الله
و صلوات بر پیغمبر و آلش هر یک صد مرتبه بعد از آن سورهٔ انعام و بنی اسرائیل و کهف
و لقمن و یس و صافات و حم سجده و حم عسق و دخان و انا فتحنا و اذا وقعه و سورهٔ
الملک و ن و القلم و اذا السماء انشقت تا آخر قرآن بخوان و اگر از خواندن قرآن
عاجز باشی بجای آن الحمد صد مرتبه و آیت الکرسی   مرتبه و قل هو الله هزار مرتبه بخوان

و بعد از آن رو بقبله کرده اند دعا بخوان که اسم اعظم درین دعاست و فرمود بیدار
دعای استفتاح باین سبب باشد که هر گاه خوانده شود درهای آسمان گشوده شود
و همان ساعت حاجتی که باین بخواهند مستجاب شود و فاطمه گوید چون این عمل بجای آوردم
و خوابیدم جمیع ملائکه و انبیا که درین دعا مذکور شده بر ایشان صلوات فرستادم
در خواب دیدم که میگویند ای ام داود بشارت باد ترا که ما همه برای تو دعا کردیم و حاجت
مستجاب شد پس بیدار شدم اندک وقتی پیش نگذشت که داود آمد و گفت در بند
و زندان بودم که در نصف رجب بخواب دیدم ترا که جماعت بسیار در اطراف
تو ایستاده اند یکی از ایشان با من گفت ای داود بدعای مادرت حق تعالی ترا
نجات داد و بر خیز بیدار شدم رسول منصور ایستاده بود و مرا از حبس بیرون آورد
و پنجهزار درهم بمن داد و روانه خدمت شدم و عافیت صدق الله العظیم
الذی لا اله الا هو الحی القیوم ذو الجلال والاکرام الرحمن
الرحیم الحلیم الکریم الذی لیس کمثله شیء وهو

السمیع

السمیع البصیر اللطیف الخبیر شهد الله انه لا اله الا هو و
الملائکة واولوا العلم قائما بالقسط لا اله الا هو العزیز
الحکیم وبلغت رسله الکرام وانا علی ذلک من الشاهدین اللهم
لک الحمد ولک المجد ولک العز ولک القهر ولک النعمة ولک العظمة
ولک الرهبة ولک الرحمة ولک المهابة ولک السلطان ولک
البهاء ولک الامتنان ولک التسبیح ولک التقدیس ولک التهلیل
ولک التکبیر ولک ما یری ولک ما لا یری ولک ما فوق
السموات العلی ولک ما تحت الثری ولک الارضون السفلی ولک
الآخرة والاولی ولک ما ترضی به من الثناء والحمد والشکر
والنعماء اللهم صل علی جبرئیل امینک علی وحیک والقوی علی
امرک والمطاع فی سمواتک ومحال کراماتک والمتحمل لکلماتک
الناصر لانبیائک المدمر لاعدائک اللهم صل علی میکائیل ملک

رحمتك والمخلوق الرأفة والمستغفر المعين لأهل طاعتك اللهم
صل على اسرافيل حامل عرشك وصاحب الصور المنتظر لامرك
الوجل المشفق من خيفتك اللهم صل على حملة العرش الطاهرين
وعلى السفرة الكرام البررة الطيبين وعلى ملائكتك الكرام
الكاتبين وعلى ملائكة الجنان وخزنة النيران
وملك الموت والأعوان ياذا الجلال والاكرام اللهم صل
على ابينا ادم بديع فطرتك الذى كرمته بسجود ملائكتك
وابحته جنتك اللهم صل على امنا حواء المطهرة من الرجس
المصفات من الدنس المفضلة من الانس المترددة بين محال
القدس اللهم صل على هابيل وشيث وادريس ونوح وهود
وصالح وابراهيم واسماعيل واسحق ويعقوب ويوسف و
الاسباط ولوط وشعيب وايوب وموسى وهرون ويوشع و

ميشا

ميشا والخضر وذى القرنين ويونس والياس واليسع وذى الكفل
وطالوت وداود وسليمان وذكريا وشعيا ويحيى وتورخ
ومتى وارميا وحيقوق ودانيال وعزير وعيسى وشمعون و
جرجيس والحواريين والاتباع وخالد وحنظلة اللهم صل على
محمد وال محمد وارحم محمدا وال محمد وبارك على محمد وال محمد
كما صليت وباركت ورحمت وترحمت على ابراهيم
وال ابراهيم انك حميد مجيد اللهم صل على الاوصياء و
الأنبياء و
السعداء والشهداء والائمة الهدى اللهم صل على الابدال
والاوتاد والسياح والعباد والمخلصين والزهاد واهل
الجد والاجتهاد واخصص محمدا واهل بيته بافضل صلواتك
واجزل كراماتك وبلغ روحه وجسده منى تحية وسلاما
وزده فضلا وشرفا وكرما حتى تبلغه اعلى درجات

أهل الشرف من النبيين والمرسلين والأفاضل المقربين وصل
على من سميت ومن لم أسم من ملائكتك وأنبيائك و
رسلك وأهل طاعتك وأوصل صلواتي إليهم وإلى أرواحهم و
اجعلهم إخواني فيك وأعواني على دعائك اللهم إني أستشفع
بك إليك وبكرمك إلى كرمك وبجودك إلى جودك وبرحمتك
إلى رحمتك وبأهل طاعتك إليك وأسألك اللهم بكل
ما سألك به أحد منهم من مسألة شريفة غير مردودة وبما دعوك
به من دعوة مجابة غير مخيبة يا الله يا رحمن يا رحيم يا حليم
يا كريم يا عظيم يا جليل يا منيل يا جميل يا كفيل يا وكيل
يا مقيل يا مجير يا خبير يا منير يا مبين يا منيع يا مديل
يا محيل يا كبير يا قدير يا بصير يا شكور يا بر يا طهر
يا طاهر يا قاهر يا باطن يا ساتر يا محيط يا مقتدر يا حفيظ

يا متجبر

يا متجبر يا قريب يا ودود يا حميد يا مجيد يا مبدئ يا معيد يا
شهيد يا محسن يا مجمل يا منعم يا مفضل يا قابض يا باسط يا هادي
يا مرسل يا مرشد يا مسدد يا معطي يا مانع يا دافع يا رافع يا باقي
يا واقي يا خلاق يا وهاب يا تواب يا فتاح يا نفاح يا مرتاح يا من
بيده كل مفتاح يا نفاع يا رؤوف يا عطوف يا كافي يا شافي
يا معافي يا مكافي يا وفي يا مهيمن يا عزيز يا جبار يا متكبر
يا سلام يا مؤمن يا واحد يا أحد يا صمد يا نور يا مدبر يا فرد
يا وتر يا قدوس يا ناصر يا مؤنس يا باعث يا وارث يا عالم يا حاكم
يا بادي يا متعالي يا مصور يا مسلم يا متحبب يا قائم يا دائم يا عليم
يا حكيم يا جواد يا بارئ يا بار يا سار يا عدل يا فاصل
يا ديان يا حنان يا منان يا سميع يا خفير يا معين يا
يا مبشر يا ناشر يا غافر يا قديم يا كريم يا مسهل يا ميسر

يا مميت يا محيي يا نافع يا رازق يا مقتدر يا مسبب يا مغيث يا
مغني يا مقني يا خالق يا واحد يا راصد يا حاضر يا جابر يا حافظ
يا شديد يا غياث يا عائد يا قابض يا من علا فاستعلى فكان
بالمنظر الأعلى يا من قرب فدنا وبعد فنأى وعلم السر وأخفى
يا من إليه التدبير وله المقادير يا من العسير عليه يسير يا من سهل
هو على ما يشاء قدير يا مرسل الرياح يا فالق الإصباح يا باعث
الأرواح يا ذا الجود والسماح يا راد ما قد فات يا ناشر الأموات
يا جامع الشتات يا رازق من يشاء وفاعل ما يشاء كيف يشاء
يا ذا الجلال والإكرام يا حي يا قيوم يا حي حين لا حي يا حي
يا محيي الموتى يا حي لا إله إلا أنت بديع السموات والأرض
يا إلهي صل على محمد وآل محمد وارحم محمداً وآل محمد وبارك
على محمد وآل محمد كما صليت وباركت ورحمت و

ترحمت

ترحمت على إبراهيم وآل إبراهيم إنك حميد مجيد وارحم ذلي
وفاقتي وفقري في انفرادي ووحدتي وخضوعي بين يديك و
اعتمادي عليك وتضرعي إليك أدعوك دعاء الخاضع الذليل
الخاشع الخائف المشفق البائس المهين الحقير الجائع الفقير
العائذ المستجير المقر بذنبه المستغفر منه المستكين لربه دعاء
من أسلمته ثقته ورفضته أحبته وعظمت فجيعته دعاء
حرق حزين ضعيف مهين بائس مستكين بك مستجير اللهم
وأسألك بأنك مليك وأنك على ما تشاء من أمر يكون وأنك مليك
على ما تشاء قدير وأسألك بحرمة هذا الشهر الحرام والبيت
الحرام والبلد الحرام والركن والمقام والمشعر الحرام والمشاعر
العظام وبحق نبيك عليه وآله السلام يا من وهب لآدم
شيث ولإبراهيم إسماعيل وإسحق ويا من رد يوسف على

يعقوب ويا من كشف بعد البلاء ضرّ ايوب يا رادّ موسى
على امّه ويا زائد الخضر في علمه ويا من وهب لداود سليمان
ولزكريّا يحيى ولمريم عيسى يا حافظ بنت شعيب ويا كافل
ولد موسى اسئلك ان تصلّي على محمّد وآل محمّد وان تغفر لي
ذنوبي كلّها وتجيرني من عذابك وتوجب لي رضوانك
وامانك واحسانك وغفرانك وجنانك واسئلك ان تفكّ
عنّي كلّ حلقة بيني وبين من يؤذيني وتفتح لي كلّ باب وتلين
لي كلّ صعب وتسهّل لي كلّ عسير وتخرس عنّي
كلّ ناطق وتكفّ عنّي كلّ باغ وتكبت لي كلّ
عدوّ وحاسد وتمنع منّي كلّ ظالم وتكفيني كلّ
عائق يحول بيني وبين حاجتي ويحاول ان يفرّق بيني وبين
طاعتك ويثبّطني عن عبادتك يا من الجم الجنّ المتمرّدين

وقهر

وقهر عتاة الشياطين واذلّ رقاب المتجبّرين وردّ كيد المتسلّطين
عن المستضعفين اسئلك بقدرتك على ما تشاء وتسهيلك لما
تشاء كيف تشاء ان تجعل قضاء حاجتي فيما تشاء بعد از آن سجده کند و
هر دو جانب روی بر خاک نهد و بگوید اللهمّ لك سجدت وبك آمنت
فارحم ذلّي وفقري وفاقتي واجتهادي وتضرّعي ومسكنتي اليك يا ربّ
و جهد کند تا اشک از چشمش بیاید اگر چه بقدر سر سوزنی باشد که علامت اجابت است و تعجیل
شصت ماه روزه داشتن کفاره و روایت است که گناهست **عمل شبانه روز مبعث** روایت است
که بیست و هفتم رجب بود که حضرت پیغمبر را بنبوت مبعوث شده بهتر است از
هر چه آفتاب بر او تابیده باشد و نیز روایت است که در ماه رجب شبی هست که اگر کسی در آن شب
خواب بر خود حرام کند و مشغول عبادت باشد خدای تعالی جسد اورا بر آتش حرام گرداند
و هفتاد هزار ملک با او مصافحه نمایند و برای او استغفار کنند تا آن شب از سال دیگر و آن شب بیست و هفتم است
و درین شب صلوات بسیار بر آنحضرت فرستادن و هر کس از شیعیان که درین شب عملی

وفقری

سهل

الثلثاء

تشتری

ولدی

کند اجر شصت سال عبادت یابد کسی از حضرت امام محمد التقی ع پرسید که در این شب چه
عمل کنیم فرمود چون بعد از نماز خفتن بخوابید و برخیزید از نصف شب بر وقت بیدار
شوید دوازده رکعت نماز بگذارید و بعد از هر دو رکعت نشسته الحمد و معوذتین و قل هو الله
احد و قل یا ایها الکافرون و انا انزلناه و آیت الکرسی هر یک هفت مرتبه بخوانید و بعد از این
بگوئید الحمد لله الذی لم یتخذ صاحبة و لا ولدا و لم یکن له
شریک فی الملک و لم یکن له ولی من الذل و کبره تکبیرا
اللهم انی اسئلک بمعاقد عزک علی ارکان عرشک و منتهی
الرحمة من کتابک و باسمک الاعظم الاعظم الاعظم
و ذکرک الاعلی الاعلی الاعلی و بکلماتک التامات کلها
ان تصلی علی محمد و اله و ان تفعل بی ما انت اهله و بعد از آن هر چه
خواهید دعا کنید و مستحب است خواندن این دعا در این شب اللهم انی اسئلک بالتجلی
الاعظم فی هذه اللیلة من الشهر المکرم ان تصلی علی محمد

و اله

و اله و ان تغفر لنا ما انت به منا اعلم یا من یعلم و لا یعلم اللهم
بارک لنا فی لیلتنا هذه التی بشرف الرسالة فضلتها و بکرامتک
اجللتها و بالمحل الشریف احللتها اللهم فانا نسئلک بالمبعث الشریف
و السید اللطیف و العنصر العفیف ان تصلی علی محمد و اله و ان
تجعل لنا اعمالنا فی هذه اللیلة و فی سائر اللیالی مقبولة و ذنوبنا
مغفورة و حسناتنا مشکورة و سیئاتنا مستورة و قلوبنا
بحسن القول مسرورة و ارزاقنا من لدنک بالیسر مدرورة اللهم
انک تری و لا تری و انت بالمنظر الاعلی و ان الیک الرجعی
و المنتهی و ان لک الممات و المحیی و ان لک الآخرة و الاولی اللهم
انا نعوذ بک ان نذل و نخزی و ان نأتی ما عنه تنهی اللهم من
انا نسئلک الجنة من رحمتک و نستعیذ بک من النار فاعذنا
منها بقدرتک و نسئلک من الحور العین فارزقنا بعزتک و

اجعل اوسع ارزاقنا عند كبر سننا واحسن اعمالنا عند اقتراب
آجالنا واطل في طاعتك وما يقرب لديك عندك ويزلف لديك
اعمارنا واحسن في جميع احوالنا وامورنا معرفتنا ولا تكلنا الى
الى احد من خلقك فيمن علينا وتفضل علينا في جميع حوائجنا
للدنيا والآخرة وابدأ بآبائنا وابنائنا وجميع اخواننا المؤمنين
في جميع ما سألناك لانفسنا يا ارحم الراحمين اللهم انا نسئلك
باسمك العظيم وملكك القديم ان تصلي على محمد وآل محمد
وان تغفر لنا الذنب العظيم انه لا يغفر الذنب العظيم الا
العظيم اللهم وهذا رجب المرجب المكرم الذي اكرمتنا
به اول اشهر الحرم واكرمتنا به من بين الامم فلك الحمد
يا ذا الجود والكرم فاسئلك به وباسمك الاعظم الاعظم
الاكرم الذي خلقته فاستقر في ظلك فلا يخرج منك الى

غيرك ان تصلي على محمد واهل بيته الطاهرين وان تجعلنا
من العاملين فيه بطاعتك والآملين فيه لشفاعتك اللهم
اهدنا الى سواء السبيل واجعل مقيلنا عندك خير مقيل في ظل
ظليل وملك جزيل فانك حسبنا ونعم الوكيل اللهم اقلبنا مفلحين
منجحين غير مغضوب علينا ولا ضالين برحمتك يا ارحم الراحمين
اللهم اني اسئلك بعزائم مغفرتك وبواجب رحمتك السلامة من
كل اثم والغنيمة من كل بر والفوز بالجنة والنجاة من
النار اللهم دعاك الداعون ودعوتك وسألك السائلون و
سألتك وطلب اليك الطالبون وطلبت اليك اللهم انت الثقة
والرجاء واليك منتهى الرغبة والدعاء اللهم فصل على محمد
وآله واجعل اليقين في قلبي والنور في بصري والنصيحة في
صدري وذكرك بالليل والنهار على لساني ورزقا واسعا غير

ممنونٍ ولا محظورٍ فارزقنی وبارک لی فیما رزقتنی واجعل غنای
فی نفسی ورغبتی فیما عندک برحمتک یا ارحم الراحمین بعد از ان
سجده کند وبگوید الحمد لله الذی هدانا بالمعرفة وخصّنا بولایته
ووفّقنا لطاعته وصد مرتبه بگوید شکراً شکراً بعد از ان سر بردارد
وبگوید اللهم انی قصدتک بحاجتی واعتمدت علیک بمسئلتی
وتوجّهت الیک بائمّتی وسادتی اللهم انفعنا بحبّهم واوردنا
مواردهم وارزقنا مرافقتهم وادخلنا الجنة فی زمرتهم یا ارحم
الراحمین ومستحبست غسل کردن درین شب ودرین روز وروزه این روز
برابرست با شصت ماه وروایت دیگر شصت سال آمده ومستحبست درین روز دو
رکعت نماز گذاردن بعد الحمد هر سوره که خواهد بخواند وبعد از هر دو رکعت این دعا بخواند
الحمد لله الذی لم یتخذ صاحبة ولا ولدا ولم یکن له شریک
فی الملک ولم یکن له ولیّ من الذلّ وکبّره تکبیرا

یا عدتی

یا عدتی فی مدتی ویا صاحبی فی شدتی یا ولیی فی نعمتی یا غیاثی
فی رغبتی یا نجاحی فی حاجتی یا حافظی فی غیبتی یا کالئی فی وحدتی
یا انسی فی وحشتی انت الساتر عورتی فلک الحمد وانت المقیل
عثرتی فلک الحمد وانت المنعش صرعتی فلک الحمد صل علی محمد
وآل محمد واستر عورتی وآمن روعتی واقلنی عثرتی واصفح عن
جرمی وتجاوز عن سیئاتی فی اصحاب الجنة وعد الصدق
الذی کانوا یوعدون وچون از مجموع نماز ودعا فارغ شود الحمد وقل هو الله احد
ومعوذتین وقل یا ایها الکافرون وانا انزلناه وآیة الکرسی هر یک را هفت مرتبه
بگوید لا اله الا الله والله اکبر وسبحان الله والحمد لله ولا
حول ولا قوة الا بالله وهفت مرتبه بگوید الله الله ربی لا اشرک
به شیئا وهر چه خواهد دعا کند ومستحبست درین روز خواندن این دعا یا من
امر بالعفو والتجاوز وضمن علی نفسه العفو والتجاوز یا من

عني وتجاوز اعف عني وتجاوز يا كريم اللهم وقد
اكدى الطلب واعيت الحيلة والمذهب ودرست الآمال
وانقطع الرجاء الا منك وحدك لا شريك لك اللهم اني
اجد سبل المطالب اليك مشرعة ومناهل الرجاء لديك
مترعة وابواب الدعاء لمن دعاك مفتحة والاستعانة لمن
استعان بك مباحة واعلم لداعيك بموضع اجابة وللصارخ
اليك بمرصد اغاثة وان في اللهف الى جودك والضمان
بعدتك عوضا عن منع الباخلين ومندوحة عما في
ايدي المستأثرين وانك عن خلقك الا ان تحجبهم الاعمال
دونك وقد علمت ان افضل زاد الراحل اليك عزم
ارادة يختارك بها وقد ناجاك بعزم الارادة قلبي
فاسئلك بكل دعوة دعاك بها راج بلغته امله او

صارخ

صارخ اليك اغثت صرخته او ملهوف مكروب فرجت عن قلبه او
مذنب خاطئ غفرت له او معافى اتممت نعمتك عليه او فقير اهديت
غناك اليه ولتلك الدعوة عليك حق وعندك منزلة الا صليت
على محمد وال محمد وقضيت حوائجي حوائج الدنيا والآخرة اللهم
وهذا رجب المرجب المكرم الذي اكرمتنا به اول اشهر الحرم و
اكرمتنا به من بين الامم فلك الحمد يا ذا الجود والكرم فاسئلك
به وباسمك الاعظم الاعظم الاعظم الاجل الاكرم
الذي خلقته فاستقر في ظلك فلا يخرج منك الى غيرك ان تصلي
على محمد واهل بيته الطاهرين وان تجعلنا من العاملين فيه
بطاعتك والاملين فيه لشفاعتك اللهم واهدنا الى سواء
السبيل واجعل مقيلنا عندك خير مقيل في ظل ظليل وملك
جزيل فانك حسبنا ونعم الوكيل والسلام على عباده

المصطفین وصلوات الله علیهم اجمعین اللهم بارک لنا فی یومنا هذا
الذی فضلته وبکرامتک جللته وبالمنزل الکریم
انزلته وصل علی من فیه الی عبادک ارسلته وبالمحل الرفیع احللته
اللهم صل علیه وآله صلوة دائمة تکون لک شکرا
ولنا ذخرا واجعل لنا من امرنا یسرا واختم لنا بالسعادة الی
منتهی آجالنا وقد قبلت الیسیر من اعمالنا وبلغنا برحمتک
افضل آمالنا انک علی کل شیء قدیر وصلی الله علی سیدنا محمد
وآله الطاهرین وسلم **فصل هفتم** در اعمال شهر شعبان المعظم مرویست
از اهل بیت طاهرین علیهم السلم که اینماه منسوبست بحضرت رسالت پناه محمدی صلی الله علیه وآله
وسلم و در اینماه اعمال عباد را بالا برند و حسنات ایشان را مضاعف شود و سیئات
محو کرده و گناهان آمرزیده شود و ارزاق در اینماه قسمت شود و زیاده شود
چنانکه در ماه رمضان بهشت را زینت کنند و خدای تعالی از عرش نظر بعابدان

و روزه

و روزه گیران اینماه نماید و باقیان با حملهٔ عرش مباهات کند و فضایل روزهٔ اینماه
مفصل در باب نو گذشت و هر کس در اینماه صدقه بدهد خدای تعالی ویرا تربیت فرماید
و زیاد کند تا روز قیامت مثل کوه احد باشد و در روایت دیگر آمده است که هر کس در اینماه
صدقه بدهد اگر چه نصف خرمائی باشد جسدش بر آتش حرام کرد و هر روز در اینماه هفتاد
مرتبه استغفار کند گناهانش آمرزیده شود اگر چه بعدد ستارگان آسمان باشد و در
زمرهٔ حضرت پیغمبر و آلش محشور شود و هر کس در اینماه هفتاد مرتبه هر روز بگوید استغفر
الله واسئله التوبة خدای تعالی برات از نار و جواز از صراط و دخول دار القرار
عطا فرماید و هر کس هر روز در اینماه هفتاد مرتبه بگوید استغفر الله الذی لا اله
الا هو الرحمن الرحیم الحی القیوم واتوب الیه خدای تعالی نام او را در
افق مبین ثبت نماید پرسیدند که افق مبین کدامست حضرت امام علیه السلم فرمود
صحرائیست در پیش عرش که در آن نهرها جاریست از بهشت و مستحبست در هر روز از اینماه
وقت ظهر و در شب نصف اینماه نیز خواندن این صلوة اللهم صل علی محمد و آل

وآلِ مُحَمَّدٍ شَجَرَةِ النُّبُوَّةِ وَمَوْضِعِ الرِّسالَةِ وَمُخْتَلَفِ المَلائِكَةِ
وَمَعْدِنِ العِلْمِ وَأَهْلِ بَيْتِ الوَحْيِ اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
الفُلْكِ الجارِيَةِ فِي اللُّجَجِ الغامِرَةِ يَأْمَنُ مَنْ رَكِبَها وَيَغْرَقُ مَنْ
تَرَكَها المُتَقَدِّمُ لَهُمْ مارِقٌ وَالمُتَأَخِّرُ عَنْهُمْ زاهِقٌ وَاللّازِمُ
لَهُمْ لاحِقٌ اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الكَهْفِ الحَصِينِ
وَغِياثِ المُضْطَرِّ المُسْتَكِينِ وَمَلْجَاءِ الهارِبِينَ وَعِصْمَةِ المُعْتَصِمِينَ
اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلَواةً كَثِيرَةً تَكُونُ لَهُمْ
رِضًا وَلِحَقِّهِمْ أَداءً وَقَضاءً بِحَوْلٍ مِنْكَ وَقُوَّةٍ يا رَبَّ العالَمِينَ
اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الطَّيِّبِينَ الأَبْرارِ الأَخْيارِ الَّذِينَ
أَوْجَبْتَ حُقُوقَهُمْ وَمَوَدَّتَهُمْ وَفَرَضْتَ طاعَتَهُمْ وَوِلايَتَهُمْ
اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاعْمُرْ قَلْبِي بِطاعَتِكَ وَلا تُخْزِنِي
بِمَعْصِيَتِكَ وَارْزُقْنِي مُواساةَ مَنْ قَتَّرْتَ عَلَيْهِ مِنْ رِزْقِكَ بِما

وسّعت

وَسَّعْتَ عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ وَنَشَرْتَ عَلَيَّ مِنْ عَدْلِكَ وَأَحْيَيْتَنِي
تَحْتَ ظِلِّكَ وَهٰذا شَهْرُ نَبِيِّكَ سَيِّدِ رُسُلِكَ شَعْبانُ الَّذِي
حَفَفْتَهُ مِنْكَ بِالرَّحْمَةِ وَالرِّضْوانِ الَّذِي كانَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى
اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَدْأَبُ فِي صِيامِهِ وَقِيامِهِ فِي لَيالِيهِ وَأَيّامِهِ بُخُوعًا
لَكَ فِي إِكْرامِهِ وَإِعْظامِهِ إِلى مَحَلِّ حِمامِهِ اللّٰهُمَّ فَأَعِنّا عَلَى
الاسْتِنانِ بِسُنَّتِهِ فِيهِ وَنَيْلِ الشَّفاعَةِ لَدَيْهِ اللّٰهُمَّ وَاجْعَلْهُ لِي
شَفِيعًا مُشَفَّعًا وَطَرِيقًا إِلَيْكَ مَهْيَعًا وَاجْعَلْنِي لَهُ مُتَّبِعًا حَتّى أَلْقاكَ
يَوْمَ القِيامَةِ عَنِّي راضِيًا وَعَنْ ذُنُوبِي غاضِيًا قَدْ أَوْجَبْتَ لِي مِنْكَ مُغضيًا
الرَّحْمَةَ وَالرِّضْوانَ وَأَنْزَلْتَنِي دارَ القَرارِ وَمَحَلَّ الأَخْيارِ و روز سیّم
حضرت امام حسین علیه السلام متولد شده و مستحب است در این روز داشتن و خواندن
این دعا اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ بِحَقِّ المَوْلُودِ فِي هٰذا اليَوْمِ المَوْعُودِ بِشَهادَتِهِ
قَبْلَ اسْتِهْلالِهِ وَوِلادَتِهِ بَكَتْهُ السَّماءُ وَمَنْ فِيها وَالأَرْضُ

وسن عليها ولمّا يطأها لاتيتها قبل العبرة وسيّد الاسرة
الممدود بالنصرة يوم الكرّة المعوّض من قتله ان الائمّة من
نسله والاوصياء من عترته والشفاء في تربته والفوز معه في
اوبته بعد قائمهم وغيبته حتّى يدركوا الاوتار ويثاروا الثار
ويرضوا الجبّار ويكونوا خير انصار صلّى الله عليهم مع ا
ختلاف الليل والنهار اللهمّ فبحقّهم اليك اتوسّل واسئل
سؤال مقترف معترف مسيء الى نفسه ممّا فرّط في يومه وامسه
يسئلك العصمة الى محلّ رمسه اللهمّ فصلّ على محمّد وعترته
واحشرنا في زمرته وبوّئنا معه دار الكرامة ومحلّ الاقامة
اللهمّ وكما اكرمتنا بمعرفته فاكرمنا بزلفته وارزقنا
مرافقته وسابقته واجعلنا ممّن يسلّم لامره ويكثر الصلوة
عليه عند ذكره وعلى جميع اوصيائه واهل اصفيائه

الممدودين

الممدودين منك بالعدد الاثني عشر النجوم الزهر والحجج على
جميع البشر اللهمّ وهب لنا في هذا اليوم خير موهبة وانجح
لنا فيه كلّ طلبة كما وهبت الحسين لمحمّد جدّه وعاذ
فطرس بمهده فنحن عائذون بقبره من بعده نشهد تربته
وننتظر اوبته امين ربّ العالمين **عمل ايام وليالي بيض** روايت
كه هر كس ايام بيض ماه شعبان را روزه گيرد خداى تعالى براى او هزار حسنه نويسد و هزار
سيئه از او محو گرداند و هزار درجه بلند گرداند و هر كس شب نصف شعبان و شب عيد
فطر احيا دارد دلش نميرد در روزى كه همه دلها مرده باشد و شب نصف شعبان بعد از
شب قدر بهترين شبهاست و درين شب گناهان كبيره آمرزيده گردد و حوايج بر آورده
شود و دعاها مستجاب شود و هر كس در اين شب زيارت حضرت امام حسين عليه السلام كند گناهان گذشته و آينده اش
آمرزيده شود و بر مرد و زن لازمست كه هر كس نصف شعبان و شب فطر و شب عرفه در كربلا زيارت آنحضرت كند
خداى تعالى براى او ثواب هزار حج و هزار عمره نويسد و هزار حاجتش برآورده در دنيا و آخرت و هر كس درين شب

سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر تا
چهار صد مرتبه بگوید گناهان گذشته اش همه آمرزیده شود و حوایج دنیا و آخرتش
بر آورده شود و خواه آنچه سوال کند و خواه آنچه نکند و حضرت امام محمد باقر فرمود
هر کس درین شب بعد از نماز خفتن دو رکعت نماز گذارد در رکعت اول بعد از الحمد قل
یا ایها الکافرون و در دویم قل هو الله احد بخواند و بعد از سلام سی و سه مرتبه
بگوید
سبحان الله و سی و سه مرتبه الحمد لله سی و چهار مرتبه الله اکبر بگوید و بعد از ان
يا من اليه ملجأ العباد في المهمات واليه يفزع الخلق في
الملمات يا عالم الجهر والخفيات يا من لا تخفى عليه خواطر
من
الاوهام وتصرف الخطرات يا رب الخلائق والبريات يا
من بيده ملكوت الارضين والسموات انت الله لا اله الا انت
امت اليك بلا اله الا انت فيا لا اله الا انت اجعلني في هذه
الليلة ممن نظرت اليه فرحمته وسمعت دعاءه فاجبته

وعلمت

مرتبه یا الله و ده مرتبه لا حول ولا قوة الا بالله بعد از ان صلوات بفرستد و هر حاجت
که خواهد سوال کند و امید که اگر بعدد قطرهای باران حاجت بخواهد که حق تعالی بکرم خود
همه اعطا فرماید و هر کس درین شب ده رکعت نماز گذارد و در هر رکعت بعد از الحمد ده مرتبه
قل هو الله احد بخواند و چون فارغ شود و سجده کند و در سجده بگوید اللهم لك سجد
سوادي وخيالي وبياضي يا عظيم كل عظيم اغفر لي ذنبي
دو هزار
العظيم فانه لا يغفره غيرك هفتاد و دو هزار سیئات او محو شود و هفتاد
حسنه نوشته شود و از والدینش هفتاد هزار سیئه محو شود و درین شب حضرت
صاحب الزمان صلوات الله علیه متولد شده و شیخ عالم مرویست از آنحضرت درین شب
بخواند اللهم صل على محمد سيد المرسلين وخاتم النبيين وحجة
رب العالمين المنتجب في الميثاق المصطفى في الظلال المطهر من
كل آفة البريء من كل عيب المؤمل للنجاة المرتجى للشفاعة
المفوض اليه دين الله اللهم شرف بنيانه وعظم برهانه وافلج

حجته وارفع درجته واضئ نوره وبيض وجهه واعطه الفضل
والفضيلة والوسيلة والدرجة الرفيعة وابعثه مقاما محمودا
يغبطه به الاولون والاخرون وصل على امير المؤمنين ووارث
المرسلين وقائد الغر المحجلين وسيد الوصيين وحجة رب العالمين
وصل على الحسين بن علي امام المؤمنين ووارث المرسلين و
حجة رب العالمين وصل على الحسين بن علي امام المؤمنين و
وارث المرسلين وحجة رب العالمين وصل على علي بن الحسين
امام و وارث المرسلين وحجة رب العالمين وصل على محمد
بن علي امام المؤمنين ووارث المرسلين وحجة رب العالمين
وصل على جعفر بن محمد امام المؤمنين ووارث المرسلين وحجة
رب العالمين وصل على موسى بن جعفر امام المؤمنين ووارث
المرسلين وحجة رب العالمين وصل على علي بن موسى امام

المؤمنين ووارث المرسلين وحجة رب العالمين وصل على محمد
بن علي امام المؤمنين ووارث المرسلين وحجة رب العالمين
وصل على علي بن محمد امام المؤمنين ووارث المرسلين وحجة رب
العالمين وصل على الحسن بن علي امام المؤمنين ووارث المرسلين
وحجة رب العالمين وصل على الخلف الهادي المهدي امام المؤمنين
ووارث المرسلين وحجة رب العالمين اللهم صل على محمد واهل
بيته الائمة الهادين العلماء الصادقين الابرار المتقين دعائم
دينك واركان توحيدك وحججك على خلقك وخلفائك في
ارضك الذين اخترتهم لنفسك واصطفيتهم على عبادك و
ارتضيتهم لدينك وخصصتهم بمعرفتك وجللتهم بكرامتك
وغشيتهم برحمتك وربيتهم بنعمتك وغذيتهم بحكمتك والبستهم
نورك ورفعتهم في ملكوتك وحففتهم بملائكتك وشرفتهم

بنبيك صلواتك عليه وآله اللهم صل عليه وعليهم صلواتا
كثيرة دائمة طيبة لا يحيط بها الا انت ولا يسعها الا علمك
ولا يحصيها احد غيرك اللهم صل على وليك المحيي سنتك القائم
بامرك الداعي اليك الدليل عليك حجتك على خلقك وخليفتك
في ارضك وشاهدك على عبادك اللهم اعز نصره ومد في
عمره وزين الارض بطول بقائه اللهم اكفه بغي الحاسدين
واعذه من شر الكائدين وازجر عنه ارادة الظالمين وخلصه
من ايدي الجبارين اللهم اعطه في نفسه وذريته وشيعته
ورعيته وخاصته وعامته وعدوه وجميع اهل الدنيا ما تقر
به عينه وتسر به نفسه وبلغه افضل ما امله في الدنيا والآخرة
انك على كل شيء قدير اللهم جدد به ما امتحى من دينك
واحي به ما بدل من كتابك واظهر به ما غير من حكمك حتى

يعود دينك به وعلى يديه غضا جديدا خالصا لا شك فيه
ولا شبهة معه ولا باطل عنده ولا بدعة لديه اللهم نور
بنوره كل ظلمة وهد بركنه كل بدعة واهدم بعزته
كل ضلالة واقصم به كل جبار واخمد بسيفه كل
نار واهلك بعدله كل جور واجر حكمه على كل
حكم واذل بسلطانه كل سلطان اللهم اذل كل
من ناواه واهلك كل من عاداه وامكر بمن كاده
واستاصل من جحد حقه واستهان بامره وسعى في اطفاء
نوره واراد اخماد ذكره اللهم صل على محمد المصطفى
وعلي المرتضى وفاطمة الزهراء والحسن الرضا والحسين
المصطفى وجميع الاوصياء مصابيح الدجا واعلام الهدى
ومنار التقى والعروة الوثقى والحبل المتين والصراط المستقيم

وصل علی ولیك وولاة عهده والائمة من ولده ومد
فی اعمارهم وزد فی اجالهم وبلغهم اقصی امالهم دینا
ودنیا واخرة انك علی كل شیء قدیر و ایضا مستحب است
درین شب خواندن این دعا اللهم بحق لیلتنا ومولودها وحجتك
وموعودها التی قرنت الی فضلها فضلا فتمت كلمتك
صدقا وعدلا لا مبدل لكلماتك ولا معقب لایاتك نورك
المتالق وضیاؤك المشرق والعلم النور فی طخیاء الدیجور
الغائب المستور جل مولده وكرم محتده والملائكة شهده
والله ناصره ومؤیده اذا آن میعاده والملائكة امداده سیف
الله الذی لا ینبو ونوره الذی لا یخبو وذو الحلم الذی لا یصبو مدار
الدهر ونوامیس العصر وولاة الامر والمنزل علیهم ما یتنزل فی لیلة
القدر واصحاب الحشر والنشر تراجمة وحیه وولاة امره ونهیه

اللهم فصل علی خاتمهم وقائمهم المستور عن عوالمهم وادرك بنا
ایامه وظهوره وقیامه واجعلنا من انصاره واقرن ثارنا
بثاره واكتبنا فی اعوانه وخلصائه واحینا فی دولته ناعمین وبصحبته
غانمین وبحقه قائمین ومن السوء سالمین برحمتك یا ارحم
الراحمین والحمد لله رب العالمین وصلی الله علی محمد خاتم النبیین
والمرسلین وعلی اهل بیته الصادقین وعترته الناطقین والعن
جمیع الظالمین واحكم بیننا وبینهم یا احكم الحاكمین
و در روز نصف این ماه ارواح انبیا علیهم السلام اذن خواستند از برای زیارت قبر حضرت
امام حسین ع آمدند و هر کس درین روز زیارت قبر آنحضرت کند صد و بیست و چهار هزار پیغمبر با او
مصافحه کنند و یکسال گناه او آمرزیده شود و اگر سال دوم نیز زیارت کند گناهان دو ساله آمرزیده
شود و در روایت دیگر آمده که هر کس درین روز سه سال پی در پی زیارت آنحضرت کند
گناهانش آمرزیده شود البته و در شب آخر شعبان و شب اول ماه مبارک رمضان این دعا خوانند

اللهم ان هذا الشهر المبارك الذى انزل فيه القرآن وجعل هدى
للناس وبينات من الهدى والفرقان قد حضر فسلمنا فيه وسلمه لنا
وتسلمه منا فى يسر منك وعافية يا من اخذ القليل وشكر الكثير
اقبل منى اليسير اللهم انى اسئلك ان تجعل لى الى كل خير
سبيلا ومن كل ما لا تحب مانعا يا ارحم الراحمين يا من عفى
عنى وعن ما خلوة به من السيئات يا من لم يواخذنى بارتكاب
المعاصى عفوك عفوك يا كريم الهى وعظتنى فلم اتعظ
وزجرتنى عن محارمك فلم انزجر فما عذرى فاعف عنى يا كريم
عفوك عفوك عفوك اللهم انى اسئلك الراحة عند الموت
والعفو عند الحساب عظم الذنب من عبدك فليحسن التجاوز
من عندك يا اهل التقوى ويا اهل المغفرة عفوك عفوك عفوك
اللهم انى عبدك وابن عبدك وابن امتك ضعيف فقير الى

رحمتك وانت منزل الغنى والبركة على العباد قاهر مقتدر احصيت
اعمالهم وقسمت ارزاقهم وجعلتهم مختلفة السنتهم والوانهم خلقا
من بعد خلق لا يعلم العباد علمك ولا يقدر العباد قدرك وكلنا
فقير الى رحمتك فلا تصرف عنى بوجهك واجعلنى من صالحى خلقك
فى العمل والامل والقضاء والقدر اللهم ابقنى خير البقاء وافننى
خير الفناء على موالات اوليائك ومعادات اعدائك والرغبة
اليك والرهبة منك والخشوع والوفاء والتسليم لك والتصديق
بكتابك واتباع سنة رسولك اللهم ما كان فى قلبى من
شك او ريبة او جحود او قنوط او فرح او بذخ او بطر او خيلاء
او رياء او سمعة او شقاق او نفاق او كفر او فسوق او عصيان
او عظمة او شىء لا تحب فاسئلك يا رب ان تبدلنى مكانه ايمانا
بوعدك ووفاء بعهدك ورضا بقضائك وزهدا فى الدنيا

ورغبة فيما عندك واثرة وطمانينة وتوبة نصوحا اسئلك ذلك
يا رب العالمين الهى انت حليك تعصى ومن كرمك وجودك تطاع
فكانك لم تعص وانا ومن لم يعصك سكان ارضك فكن
علينا بالفضل جوادا وبالخير عوادا يا ارحم الراحمين وصلى الله
على محمد واله صلواة دائمة لا تحصى ولا تعد ولا يقدر قدرها
غيرك يا ارحم الراحمين **فصل هشتم** در اعمال ماه مبارک رمضان مرویست از
اهل بيت طاهرين عليهم السلم كه اين ماه سيد ماههاست و اول اين رحمت و ميانش مغفرت و
آخرش اجابت دعوت و آزادی از آتش دوزخ و حضرت رسالت پناه محمد صلی الله علیه و آله
وسلم در فضایل اینماه خطبه ادا فرمود مجمل مضمونش اینست که اینماه افضل ماههاست و یک نماز
تطوع درین ماه مثل نماز هفتاد شب است در دیگر ماهها و اجر تطوع و تصدق و سایر اعمال
خیر درینماه مثل اجر فریضه ایست در غیر اینماه و فریضه درینماه مثل هفتاد فریضه ایست در غیر آن
و درینماه اجل حاج و اعمار و ارزاق مردم نوشته میشود و ارزاق مهمانان درینماه

زیاده

من لا يجد لذنبه غافرا غيرك ولا لهمه مفرجا سواك يا الله
يا رحمن يا كريم لا تحرق وجهي بالنار بعد سجودي لك و
تعفيري بغير من مني عليك بل لك الحمد والمن والتفضل
على ارحم انى رب اى رب **تا نفس تنگ شود** ضعفي وقلة حيلتي
ورقة جلدي وتبدد اوصالي وتناثر لحمي وجسمي وجسدي
ووحدتي ووحشتي في قبري وجزعي من صغير البلاء واسئلك
يا رب قرة العين والاغتباط يوم الحسرة والندامة بيض
وجهي يا رب يوم تسود فيه الوجوه ا[illegible] فزع الاكبر
اسئلك البشرى يوم تقلب فيه القلوب والابصار والبشرى
عند فراق الدنيا الحمد لله الذي ارجوه عونا لي في حياتي و
اعده ذخرا ليوم فاقتي الحمد لله الذي ادعوه ولا ادعو غيره
يجيب دعائي الحمد لله الذي ارجوه ولا ارجو غيره ولو رجوت

صح ولو دعوت غيره

غيره لا خلف رجائي الحمد لله المحسن المنعم المجمل المفضل ذي الجلال
والاكرام ولي كل نعمة وصاحب كل حسنة ومنتهى كل
رغبة وقاضي كل حاجة اللهم صل على محمد واله وارزقنا
اليقين وحسن الظن بك واثبت رجاك في قلبي واقطع رجائي
عمن سواك حتى لا ارجو غيرك ولا اثق الا بك يا لطيفا لما تشاء
الطف لي في جميع احوالي بما تحب وترضى يا رب اني ضعيف على
النار فلا تعذبني بالنار يا رب ارحم دعائي وتضرعي وخوفي
وذلي ومسكنتي وتعويذي وتلويذي يا رب اني ضعيف عن طلب
الدنيا وانت واسع كريم اسئلك يا رب بقوتك على ذلك و
قدرتك عليه وغناك عنه وحاجتي اليه ان ترزقني في عامي
هذا وشهري هذا ويومي هذا وساعتي هذه رزقا واسعا
تغنيني به عن تكلف ما في ايدي الناس من رزقك الحلال

الطيب

الطيب اي رب منك اطلب واليك ارغب واياك ارجو وانت اهل
ذلك لا ارجو غيرك ولا اثق الا بك يا ارحم الراحمين يا رب
اني ظلمت نفسي فاغفر لي وارحمني وعافني يا سامع كل صوت ويا جامع
كل فوت ويا بارئ النفوس بعد الموت يا من لا تغشاه الظلمات
ولا تشتبه عليه الاصوات ولا يشغله شيء عن شيء اعط محمدا
افضل ما سئلك وافضل ما سئلت له وافضل ما انت مسئول له الى
يوم القيمة وهب لي العافية حتى تهنئني المعيشة واختم لي بخير
حتى لا تضرني الذنوب اللهم رضني بما قسمت لي حتى لا اسئل
احدا شيئا اللهم صل على محمد وال محمد وافتح لي خزائن
رحمتك وارحمني رحمة لا تعذبني بعدها ابدا في الدنيا والاخرة
وارزقني من فضلك الواسع رزقا حلالا طيبا لا تغفرني الى
احد بعده سواك تزيدني بذلك شكرا واليك فاقة

تفقرني

وفقراً وبك عمن سواك غنى وتعففاً يا محسن يا مجمل يا منعم
يا مفضل يا مليك يا مقتدر صل على محمد وال محمد واكفني
المهم كله واقض لي بالحسنى وبارك لي في جميع اموري و
اقض لي جميع حوائجي اللهم يسر لي ما اخاف تعسيره فان تيسير
ما اخاف تعسيره عليك سهل يسير وسهل لي ما اخاف حزونته
ونفس عني ما اخاف ضيقه وكف عني ما اخاف غمه واصرف
عني ما اخاف بليته يا ارحم الراحمين اللهم املاء قلبي حباً
لك وخشية منك وتصديقاً بكتابك وايماناً بك وفرقاً
منك وشوقاً اليك يا ذا الجلال والاكرام اللهم ان لك علي
حقوقاً فتصدق بها علي وللناس قبلي تبعات فتحملها عني
وقد اوجبت لكل ضيف قرى وانا ضيفك فاجعل قراي
الليلة الجنة يا وهاب الجنة يا وهاب المغفرة ولا حول ولا

قوة

قوة الا بك ايضا روز اول ماه آيد عانجوانذا ازجميع شرور و فتنها و آفتهاء
دنيا در حفظ و امان خداى تعالى باشد تا سال ديگر اللهم انى اسئلك باسمك
الذي دان له كل شيء وبرحمتك التي وسعت كل شيء و
بعظمتك التي تواضع لها كل شيء وبقوتك التي خضع لها
كل شيء وبعزتك التي قهرت كل شيء وبجبروتك التي
غلبت كل شيء وبعلمك الذي احاط بكل شيء يا نور
يا قدوس يا اول قبل كل شيء ويا باقي بعد كل شيء يا الله
يا رحمن صل على محمد وال محمد واغفر لي الذنوب التي تغير
النعم واغفر لي الذنوب التي تنزل النقم واغفر لي الذنوب التي
تقطع الرجاء واغفر لي الذنوب التي تديل الاعداء واغفر لي ال
ذنوب التي ترد الدعاء واغفر لي الذنوب التي يستحق بها نزول
البلاء واغفر لي الذنوب التي تحبس غيث السماء واغفر لي

الذنوب التي تكشف الغطاء واغفر لي الذنوب التي تعجل
الفناء واغفر لي الذنوب التي تورث الندم واغفر لي الذنوب
التي تهتك العصم واغفر لي الذنوب التي ترفع القسم والبسني
درعك الحصينة التي لا ترام وعافني من شر ما احاذر بالليل و
النهار في مستقبل سنتي هذه اللهم رب السموات السبع وما
فيهن وما بينهن ورب العرش العظيم ورب السبع المثاني و
القرآن العظيم ورب اسرافيل وميكائيل وجبرئيل ورب محمد
صلى الله عليه وآله سيد المرسلين وخاتم النبيين اسئلك
بك وبما سميت به نفسك يا عظيم انت الذي تمن بالعظيم و
تدفع كل محذور وتعطي كل جزيل وتضاعف من
الحسنات بالقليل والكثير وتفعل ما تشاء يا قدير يا الله يا رحمن
يا رحيم صل على محمد واهل بيته والبسني في مستقبل سنتي

هذه

هذه سترك ونضر وجهي بنورك واحبني بمحبتك وبلغني
رضوانك وشريف كراماتك وجسيم عطيتك واعطني من خير
ما عندك ومن خير ما انت معطيه احدا من خلقك والبسني مع
ذلك عافيتك يا موضع كل شكوى ويا شاهد كل
نجوى ويا عالم كل خفية ويا دافع ما تشاء من بلية يا كريم
العفو حسن التجاوز توفني على ملة ابراهيم وفطرته وعلى دين محمد وسنته
وعلى خير الوفاة فتوفني موالياً لاوليائك معادياً لاعدائك اللهم
وجنبني في هذه السنة كل عمل او قول او فعل يباعدني منك
واجلبني الى كل عمل او فعل او قول يقربني منك في هذه السنة يا ارحم
الراحمين وامنعني من كل عمل او قول او فعل يكون مني اخاف
ضرر عاقبته واخاف مقتك اياي عليه حذاراً ان تصرف وجهك
الكريم عني فاستوجب به نقصاً من حظ لي عندك يا رؤوف

يا رحيم اللهم اجعلني في مستقبل سنتي هذه في حفظك وفي جوارك
وفي كنفك وجللني ستر عافيتك وهب لي كرامتك عز جارك وجل
ثناؤك ولا اله غيرك اللهم اجعلني تابعا لصالح من مضى من اوليا
والحقني بهم واجعلني مسلما لمن قال بالصدق عليك منهم واعوذ
بك اللهم ان تحيط بي خطيئتي وظلمي واسرافي على نفسي واتباعي لهوا
واشتغالي بشهواتي فيحول ذلك بيني وبين رحمتك ورضوانك فا
منسيا عندك متعرضا لسخطك ونقمتك اللهم وفقني لكل
عمل صالح ترضى به عني وقربني اليك زلفى اللهم كما كفيت
نبيك محمدا صلواتك عليه واله هول عدوه وفرجت همه وكشفت
غمه وصدقته وعدك وانجزت له عهدك اللهم فبذلك
فاكفني هول هذه السنة وافاتها واسقامها وفتنتها وشرورها
واحزانها وضيق المعاش فيها وبلغني برحمتك كمال العافية

تمام

اللهم اطلب بذحلهم ووترهم ودمائهم وكف عنهم واشد باسا
واشد تنكيلا و ايضا نيز روز اول عيد عا در ماه مبارك رمضان ميخوانند اين اللهم
هذا شهر رمضان الذي انزلت فيه القران هدى للناس وبينات
من الهدى والفرقان وهذا شهر الصيام وهذا شهر القيام و
هذا شهر الانابة وهذا شهر التوبة وهذا شهر المغفرة والرحمة
وهذا شهر العتق من النار والفوز بالجنة وهذا شهر فيه ليلة
القدر التي هي خير من الف شهر اللهم فصل على محمد وال محمد وا
على صيامه وقيامه وسلمه لي وسلمني فيه واعني عليه بافضل عونك
ووفقني فيه لطاعتك وطاعة رسولك واوليائك صلى الله عليهم
وفرغني فيه لعبادتك ودعائك وتلاوة كتابك واعظم لي فيه البر
واحسن لي فيه العافية واصح فيه بدني واوسع فيه رزقي واكفني
فيه ما اهمني واستجب فيه دعائي وبلغني فيه رجائي اللهم صل على

محمد وآل محمد واذهب عني فيه النعاس والكسل والسامة والفترة
والقسوة والغفلة والغرة وجنبني فيه العلل والاسقام والهموم
والاحزان والاعراض والامراض والخطايا والذنوب واصرف
عني فيه السوء والفحشاء والجهد والبلاء والتعب والعناء
انك سميع الدعاء اللهم صل على محمد وآل محمد واعذني
فيه من الشيطان الرجيم وهمزه ولمزه ونفثه ونفخه ووسو(سته)
وكيده ومكره وتثبيطه وبطشه وحبائله وخدعه
وامانيه وغروره وفتنته وشركه واحزابه واتباعه و
اوليائه واشياعه وشركائه وجميع مكائده اللهم
صل على محمد وآل محمد وارزقنا قيامه وصيامه وبلوغ
الامل فيه وفي قيامه واستكمال ما يرضيك عني صبرا و
احتسابا وايمانا ويقينا ثم تقبل ذلك مني بالاضعاف الكثيرة

والاجر

والاجر العظيم يا رب العالمين اللهم صل على محمد وآل محمد
وارزقني فيه الحج والعمرة والاجتهاد والقوة والنشاط و
الانابة والتوبة والقربة والخير المقبول والرهبة والرغبة (والتوفيق)
والتضرع والخشوع والرقة والنية الصادقة وصدق
اللسان والوجل منك والرجاء لك والتوكل عليك والثقة
بك والورع عن محارمك مع صالح القول ومقبول السعي
ومرفوع العمل ومستجاب الدعوة ولا تحل بيني وبين شيء من
ذلك بعرض ولا مرض ولا هم ولا غم ولا سقم ولا غفلة ولا
نسيان بل بالتعاهد والتحفظ لك وفيك والرعاية لحقك
وحق اوليائك والوفاء بعهدك ووعدك برحمتك يا ار(حم)
الراحمين اللهم صل على محمد وآل محمد واقسم لي فيه
افضل ما تقسمه لعبادك الصالحين واعطني فيه افضل

ما تعطي اولياءك المقربين من الرحمة والمغفرة والتحنن والاجابة
والعفو والمغفرة الدائمة والعافية والمعافاة والعتق من
النار والفوز بالجنة وخير الدنيا والآخرة اللهم صل على محمد
وآل محمد واجعل دعائي فيه اليك واصلا ورحمتك وخيرك
الي فيه نازلا وعملي فيه مقبولا وسعيي فيه مشكورا وذنبي فيه
مغفورا حتى يكون نصيبي فيه الاكبر وحظي منه الاوفر
اللهم صل على محمد وآل محمد ووفقني فيه لليلة القدر على
افضل حال تحب ان يكون عليها من اولياءك وارضاها
لك ثم اجعلها لي خيرا من الف شهر وارزقني فيها افضل ما رزقت
احدا ممن بلغته اياها واكرمته بها واجعلني فيها من
عتقائك من جهنم وطلقائك من النار وسعداء خلقك
بمغفرتك ورضوانك يا ارحم الراحمين اللهم صل على محمد

وآل

وآل محمد وارزقنا في شهرنا هذا الجد والاجتهاد والقوة
والنشاط وما تحب وترضى اللهم رب الفجر وليال عشر و
الشفع والوتر ورب شهر رمضان وما انزلت فيه من القرآن
ورب جبرئيل وميكائيل واسرافيل وعزرائيل وجميع
الملائكة المقربين ورب ابراهيم واسمعيل واسحق و
يعقوب ورب موسى وعيسى ورب جميع النبيين والمرسلين و
رب محمد خاتم النبيين صلواتك عليهم اجمعين واسئلك بحقك
عليهم وبحقهم عليك وبحقك العظيم لما صليت عليه وآله وعليهم
اجمعين ونظرت الي نظرة رحيمة ترضى بها عني رضى لا تسخط
علي بعده ابدا واعطيتني جميع سؤلي ورغبتي وامنيتي وارادتي
وصرفت عني جميع ما اكره واحذره واخاف على نفسي وما لا اخاف
وعن اهلي ومالي واخواني وذريتي اللهم اليك فررنا من ذنوبنا فاونا

تائبين وتب علينا مستغفرين واغفر لنا متعوذين واعذنا
واجرنا مستسلمين ولا تخذلنا راهبين وآمنا راغبين وشفعنا
سائلين واعطنا انك سميع الدعاء قريب مجيب اللهم انك
انت ربي وانا عبدك واحق من سال العبد ربه ولم يسل العباد
مثلك كرما وجودا يا موضع شكوى السائلين ويا منتهى حاجة
الراغبين ويا غياث المستغيثين ويا مجيب دعوة المضطرين و
يا ملجا الهاربين ويا صريخ المستصرخين ويا رب المستضعفين
ويا كاشف كرب المكروبين ويا فارج هم المهمومين
ويا كاشف الكرب العظيم يا الله يا رحمن يا رحيم يا ارحم
الراحمين صل على محمد وال محمد واغفر لي ذنوبي وعيوبي و
اسائتي وظلمي وجرمي واسرافي على نفسي وارزقني من فضلك و
رحمتك فانه لا يملكها احد غيرك واعف عني واغفر لي

كل ما سلف من ذنوبي واعصمني فيما بقي من عمري واستر علي و
على والدي وولدي وقراباتي واهل حزانتي ومن كان مني
بسبيل من المؤمنين والمؤمنات في الدنيا والآخرة فان ذلك
كله بيدك وانت واسع المغفرة فلا تخيبني يا سيدي ولا
ترد دعائي ولا يدي الى نحري حتى تفعل ذلك بي وتستجيب لي
جميع ما سألتك وتزيدني من فضلك فانك على كل شيء قدير
ونحن اليك راغبون اللهم لك الاسماء الحسنى والامثال العليا
والكبرياء والآلاء اسألك باسمك بسم الله الرحمن الرحيم ان
كنت قضيت في هذه الليلة تنزل الملائكة والروح فيها
ان تصلي على محمد وال محمد وان تجعل اسمي في هذه الليلة
في السعداء وروحي مع الشهداء واحساني في عليين واسائتي
مغفورة وان تهب لي يقينا تباشر به قلبي وايمانا لا يشوبه شك

ورضنی بما قسمت لی واتنی فی الدنیا حسنة وقنی برحمتک عذاب النار
وان لم تکن قضیت فی هذه اللیلة تنزل الملائکة والروح
فیها فاخرنی الی ذلک وارزقنی فیها ذکرک وشکرک و
طاعتک وحسن عبادتک وصل علی محمد وال محمد بافضل صلواتک
یا ارحم الراحمین یا احد یا صمد یا رب محمد وال محمد اغضب
الیوم لمحمد ولابرار عترته واقتل اعدائهم بددا واحصهم عددا
ولا تدع علی ظهر الارض منهم احدا ولا تغفر لهم ابدا یا حسن
الصحبة یا خلیفة النبیین انت ارحم الراحمین البدیء البدیع
الذی لیس کمثله شیء والدائم غیر الغافل والحی الذی لا یموت
انت کل یوم فی شان انت خلیفة محمد وناصر محمد ومفضل
محمد اسئلک ان تنصر وصی محمد وخلیفة محمد والقائم بالقسط
من اوصیاء محمد صلواتک علیه وعلیهم اجمعین اعطف علیهم

نصرک

نصرک یا لا اله الا انت بحق لا اله الا انت صل علی محمد وال محمد
واجعلنی معهم فی الدنیا والاخرة واجعل عاقبة الی غفرانک و امری
رحمتک یا ارحم الراحمین وکذلک سمیت نفسک یا سیدی
باللطف بلی انک لطیف فصل علی محمد وال محمد والطف لما باللطیف
تشاء اللهم صل علی محمد وال محمد وارزقنی الحج والعمرة
فی عامنا هذا وتطول علی بجمیع حوائجی للدنیا والاخرة بعد ان
سه مرتبه بگوید استغفر الله ربی واتوب الیه ان ربی قریب مجیب استغفر
الله ربی واتوب الیه ان ربی رحیم ودود استغفر الله ربی و
اتوب الیه انه کان غفارا اللهم اغفر لی انک ارحم الراحمین
رب انی عملت سوء وظلمت نفسی فاغفر لی ذنوبی انه لا یغفر
الذنوب الا انت استغفر الله الذی لا اله الا هو الحی القیوم
الحلیم العظیم الکریم الغفار للذنب العظیم واتوب الیه

أستغفر الله إنّ الله كان غفوراً رحيماً بعد از ان بگوید اللهمّ
إنّی أسئلك أن تصلّی علی محمّد وآل محمّد وأن تجعل فیما تقضی
وتقدّس من الأمر العظیم المحتوم فی لیلة القدر من القضاء الّذی
لا یردّ ولا یبدّل أن تکتبنی من حجّاج بیتك الحرام المبرور
حجّهم المشکور سعیهم المغفور ذنوبهم المکفّر عنهم سیّئاتهم
وأن تجعل فیما تقضی وتقدّر أن تطیل عمری وتوسّع رزقی
وتؤدّی عنّی أمانتی ودینی آمین ربّ العالمین اللهمّ اجعل
لی من أمری فرجاً ومخرجاً وارزقنی من حیث أحتسب ومن حیث لا
أحتسب واحرسنی من حیث أحترس ومن حیث لا أحترس و
صلّ علی محمّد وآل محمّد وسلّم تسلیماً کثیراً و ایضا هر روز در این ماه اید عا بخواند
خدای تعالی چهل ساله گناهش را بیامرزد اللهمّ ربّ شهر رمضان الّذی
أنزلت فیه القرآن وافترضت علی عبادك فیه الصیام صلّ علی

محمد

محمّد وآل محمّد وارزقنی حجّ بیتك الحرام فی هذا العام وفی کلّ
عام واغفر لی الذنوب العظام فإنّه لا یغفرها غیرك یا ذا الجلال
والإکرام و هر کس در این ماه بعد از نمازهای فریضه این دعا بخواند گناهانش تا روز
قیامت آمرزیده شود اللهمّ أدخل علی أهل القبور السرور اللهمّ
أغن کلّ فقیر اللهمّ أشبع کلّ جائع اللهمّ اکس کلّ
عریان اللهمّ اقض کلّ دین اللهمّ فرّج عن کلّ مکروب
اللهمّ ردّ کلّ غریب اللهمّ فكّ کلّ أسیر اللهمّ أصلح کلّ
فاسد من أمور المسلمین اللهمّ اشف کلّ مریض اللهمّ سدّ فقرنا
بغناك اللهمّ غیّر سوء حالنا بحسن حالك اللهمّ اقض عنّا الدَّین
وأغننا من الفقر إنّك علی کلّ شیء قدیر و ورد هر شبانه روز بکوشش
در اعمال ماه رجب گذشت و مستحبّ است غسل کردن در شب پانزدهم و نوزدهم و بیست و
یکم و بیست و سیم و در شب بیست و سیم دو مرتبه یکی اول شب و یکی آخر شب عمل شب قدر

عمل خیر درین شب برابرست با عمل هزار ماه که شب قدر در آن نباشد و روز قدر نیز در فضل
و شرف مثل شب قدرست و احکام و حوادث هر سال از خیر و شر و طاعت و معصیت همه در شب قدر
تقدیر میشود و اخبار آن همه بر امام زمان ع نازل میشود و در شب قدر از اول شب تا طلوع
صبح ملائکه و روح بر امام ع نازل میشود و اخبار و احکام تمام سال را از جناب الهی بامام علیه السلام
می آرند و هرچه درین شب تقدیر شود محتوم باشد و خلاف آن واقع نشود و آنچه از
احادیث مفهوم میشود اینست که مجموع احکام و تقدیرات شب قدر تمام میشود
شب نوزدهم و بیست و یکم و بیست و سیم ابتدای آن در شب نوزدهم میشود و تمامش در
شب بیست و سیم و مستحب است احیا داشتن شب بیست و یکم و بیست و سیم که تعیین و ختم احکام
درین دو شب میشود و زیارت حضرت امام حسین علیه السلام در شب قدر موجب مغفرت گناهانست
و مستحب است که در شب بیست و سیم نشسته و ایستاده و در سجود و در همه احوال مکرر در
مدت عمر همیشه مکرر بگوید اللهم یا ذا المجد الشامخ والسلطان الباذخ
صل علی محمد وآل محمد وکن لولیک محمد بن الحسن فی هذه

الساعة

الساعة وفی کل ساعة ولیا وحافظا وقائدا وناصرا ودلیلا
وعینا حتی تسکنه ارضک طوعا وتمتعه فیها طویلا
و حضرت امام جعفر صادق ع فرموده هر کس در شب بیست و سیم این ماه سوره عنکبوت و روم
بخواند والله که از اهل بهشت باشد و استثنا نمیکنیم و نمی ترسم که درین قسم گناه
داشته باشم و نیز فرموده هر کس درین شب هزار مرتبه انا انزلناه بخواند اعتقاد و یقینش
بولایت ما شدیدتر شود و اگر بخواند خیری در خواب ببیند که سبب ایمن شود و نیز مرویست
که هر کس در شب آخر انا انزلناه خصوصا در شب نوزدهم قرآن را بگشاید و بگوید اللهم انی
اسئلک بکتابک المنزل وما فیه وفیه اسمک الاعظم الا
الاکبر واسمائک الحسنی وما یخاف ویرجی ان تجعلنی من عتقائک
وطلقائک من النار پس هر حاجت که خواهد بخواهد البته مستجاب شود **ادعیه**
لیالی عشر آخر مرویست که حضرت صادق ع در هر شب دهه آخر ماه مبارک رمضان
بعد از فرایض و نوافل میگفت اللهم ادعنا حق ما مضی من شهر رمضان

واغفر لنا تقصيرنا فيه وتسلمه منا مقبولا ولا تواخذنا باسرافنا
على انفسنا واجعلنا من المرحومين ولا تجعلنا من المحرومين
وفرموده هر کس این دعا بخواند هر گناهی که در آنچه از ماه گذشته کرده آمرزیده
شود و در بقیه ماه از گناه محفوظ گردد و ایضا در این ده شب این دعا بخواند شب
اول یا مولج اللیل فی النهار ومولج النهار فی اللیل ومخرج الحی
من المیت ومخرج المیت من الحی ورازق من یشاء بغیر حساب
یا الله یا رحمن یا الله یا رحیم یا الله یا الله یا الله لک الاسماء
الحسنی والامثال العلیا والکبریاء والآلاء اسئلک ان تصلی
علی محمد وال محمد وان تجعل اسمی فی هذه اللیلة فی السعداء
وروحی مع الشهداء واحسانی فی علیین واسائتی مغفورة وان
تهب لی یقینا تباشر به قلبی وایمانا یذهب الشک عنی وترضینی بما
قسمت لی واتنا فی الدنیا حسنة وفی الآخرة حسنة وقنا عذاب

النار

النار الحريق وارزقني فيها ذكرك وشكرك والرغبة اليك
والانابة والتوبة والتوفيق لما وفقت له محمدا وآل محمد صلواتك
عليهم شب دوم يا سالخ النهار من الليل فاذا نحن مظلمون
ومجري الشمس لمستقرها بتقديرك يا عزيز يا عليم ومقدر القمر
منازل حتى عاد كالعرجون القديم يا نور كل نور ومنتهى
كل رغبة وولي كل نعمة يا الله يا رحمن يا الله يا قدوس
يا احد يا واحد يا فرد يا الله يا الله يا الله لك الاسماء الحسنى
تا آخر دعا شب سوم يا رب ليلة القدر وجاعلها خيرا من
الف شهر ورب الليل والنهار والجبال والبحار والظلم والانوار
والارض والسماء يا بارئ يا مصور يا حنان يا منان يا الله يا رحمن
يا الله يا قيوم يا الله يا بديع يا الله يا الله يا الله تا آخر شب چهارم
يا فالق الاصباح وجاعل الليل سكنا والشمس والقمر حسبانا

يا عزيز يا عليم يا ذا المن والطول والقوة والحول والفضل و
الانعام يا ذا الجلال والاكرام يا الله يا رحمن يا الله يا فرد
يا وتر يا الله يا ظاهر يا باطن يا حي لا اله الا انت يا الله يا الله
يا الله لك الاسماء الحسنى الى آخر شب پنجم يا جاعل الليل لباسا
والنهار معاشا والارض مهادا والجبال اوتادا يا الله يا قاهر
يا الله يا جبار يا الله يا سميع يا الله يا قريب يا الله يا مجيب يا الله يا الله
يا الله لك الاسماء الحسنى الى آخر شب ششم يا جاعل الليل والنهار
آيتين يا من محى آية الليل وجعل آية النهار مبصرة لتبتغوا فضلا منه
ورضوانا يا مفصل كل شيء تفصيلا يا الله يا ماجد يا الله يا وهاب
يا الله يا جواد يا الله يا الله يا الله الى آخر شب هفتم يا ماد الظل ولو
ولو شئت لجعلته ساكنا وجعلت الشمس عليه دليلا ثم قبضته
اليك قبضا يسيرا يا ذا الجود والطول والكبرياء والآلاء لا اله

الا

الا انت عالم الغيب والشهادة الرحمن الرحيم لا اله الا انت يا قدوس
يا سلام يا مؤمن يا مهيمن يا عزيز يا جبار يا متكبر يا الله
يا خالق يا بارئ يا مصور يا الله يا الله يا الله الى آخر شب هشتم
يا خازن الليل في الهواء وخازن النور في السماء ومانع السماء
ان تقع على الارض الا باذنه وحابسهما ان تزولا يا عليم يا عفو
يا دائم يا الله يا وارث يا باعث من في القبور يا الله يا الله يا الله الى آخر
شب نهم يا مكور الليل على النهار ومكور النهار على الليل
يا عليم يا حكيم يا الله يا رب الارباب وسيد السادات لا اله الا
انت يا من هو اقرب الي من حبل الوريد يا الله يا الله يا الله الى آخر
شب دهم الحمد لله الذي لا شريك له الحمد لله كما ينبغي لكرم
وجهه وعز جلاله وكما هو اهله يا قدوس يا نور القدس
يا سبوح يا منتهى التسبيح يا رحمن يا فاعل الرحمة يا الله يا عليم

یا کبیر یا الله یا لطیف یا جلیل یا الله یا سمیع یا بصیر یا الله
یا الله یا الله تا آخر و ایضا مرویست که هر کس در این ماه دوازده رکعت نماز کند
و در هر رکعت بعد از الحمد بیست و پنج مرتبه قل هو الله بخواند و چون از تمام دوازده
رکعت فارغ شود هفتاد مرتبه بگوید سُبحانَ اللهِ وَالحَمدُ لِلّهِ وَلا اِلهَ اِلّا اللهُ
وَاللهُ اَکبَرُ وَلا حَولَ وَلا قُوَّةَ اِلّا بِاللهِ العَلِیِّ العَظیمِ وهفتاد مرتبه
اَستَغفِرُ اللهَ الَّذی لا اِلهَ اِلّا هُوَ الرَّحمنُ الرَّحیمُ الحَیُّ القَیُّومُ وَاَتوبُ
اِلَیهِ بگوید چشمهای حکمت از دلش بر زبانش گشوده شود و زبانش بحکمت گویا گردد
و از آفات دنیا و آخرت ایمن گشته چون از دنیا بیرون رود و بسلامت داخل بهشت
شود و هنوز سر از سجدهٔ آخر نماز بر نداشته باشد که گناهانش آمرزیده شود و ثواب
معتصد قایم اللیل صایم النهار و معتصد نذر عمره عطا شود و اگر در آن سال بمیرد شهید باشد
و در وداع ماه مبارک دعای صحیفهٔ کامله بخواند فصل نهم در اعمال شبانه
روز عید فطر مرویست از اهل بیت علیهم السلام که شب عید فطر در فضل و شرف

کمتر

کمتر از شب قدر نیست هر کس در این شب زیارت حضرت امام حسین علیه السلام کند گناهان
گذشته و آینده اش آمرزیده شود و فضل احیا داشتن در اعمال ماه شعبان گذشت
و مستحب است غسل کردن در اول و آخر این شب و بعد از نماز شام و نافله اش سجده
کند و بگوید یا ذَا الجَلالِ وَالاِکرامِ یا ذَا الطَّولِ یا مُصطَفِیاً
مُحَمَّداً وَناصِرَهُ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاغفِر لی کُلَّ ذَنبٍ اَذنَبتُهُ
وَنَسیتُهُ اَنا وَهُوَ عِندَکَ فی کِتابٍ مُبینٍ بعد از آن صد مرتبه بگوید
اَتوبُ اِلَی اللهِ پس حاجتی که خواهد بخواهد ان شاء الله تعالی مستجاب شود و هم در این
شب ده مرتبه بگوید یا دائِمَ الفَضلِ الخ چنانکه در اعمال شب جمعه گذشت و بعد از
چهار نماز گفتن این تکبیر مستحب است مغرب و عشا و صبح و نماز عید و بعضی از علما واجب
دانسته اند اَللهُ اَکبَرُ اَللهُ اَکبَرُ لا اِلهَ اِلّا اللهُ وَاللهُ اَکبَرُ
وَلِلّهِ الحَمدُ عَلی ما هَدانا وَلَهُ الشُّکرُ عَلی ما اَولینا و هر کس در این شب
ده رکعت نماز گذارد و در هر رکعت بعد الحمد ده مرتبه قل هو الله بخواند و در رکوع و سجود

بگوید سُبْحَانَ اللّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ اَکْبَرُ و بعد از
فراغ از نماز هزار مرتبه بگوید اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ بعد از آن سجده کند و بگوید یا حَیُّ
یا قَیُّومُ یا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِکْرَامِ یا رَحْمٰنَ الدُّنْیَا وَالْاٰخِرَةِ
وَرَحِیمَهُمَا یا اَکْرَمَ الْاَکْرَمِینَ یا اَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ یا اِلٰهَ
الْاَوَّلِینَ وَالْاٰخِرِینَ اِغْفِرْ لِی ذُنُوبِی وَتَقَبَّلْ صَوْمِی وَصَلَاتِی وَ
قِیَامِی هنوز سر از سجده برنداشته باشد که گناهانش آمرزیده شود و اعمال ماه مبارک
از وی و از جمیع اهل بلده او و از جمیع اهل توحید از مشرق تا مغرب مقبول شود و دعاشان
مستجاب گردد و گناهانش آمرزیده شود و خدای تعالی از گناهانش تجاوز فرماید اگرچه
هفتاد گناه کرده باشد که هر یک عظیم‌تر از ذنوب جمیع عباد باشد و نیز مرویست
که هر کس درین شب شش رکعت نماز گذارد و در هر رکعت بعد الحمد پنج مرتبه قل هو الله بخواند
شفیع همه اهل بیت خود گردد اگرچه همه مستوجب دوزخ باشند و در روز عید زیارت
حضرت امام حسین علیه السلم ش صد حج و صد عمره و صد جهاد است با پیغمبر مرسل یا امام معصوم

دکرست

و سنت است درین روز غسل کردن و وقت غسل از طلوع صبح است تا وقت نماز عید و نماز
عید اگر بجماعت منعقد نباشد مستحب است تنها گذاردن و آداب و کیفیت این
چنان است که چون تهیه نماز کند و متوجه مصلا شود بگوید اَللّٰهُمَّ مَنْ تَهَیَّأَ تا آخر
دعا چنانکه در آداب جمعه گذشت و چون شروع در نماز کند بعد الحمد سبح اسم
بخواند بعد از آن شش تکبیر گوید بعد از هر تکبیر بگوید این قنوط را اَللّٰهُمَّ اَنْتَ اَهْلُ
الْکِبْرِیَاءِ وَالْعَظَمَةِ وَاَهْلُ الْجُودِ وَالْجَبَرُوتِ وَاَهْلُ الْعَفْوِ
وَالرَّحْمَةِ وَاَهْلُ التَّقْوٰی وَالْمَغْفِرَةِ اَسْئَلُكَ بِحَقِّ هٰذَا الْیَوْمِ الَّذِی
جَعَلْتَهُ لِلْمُسْلِمِینَ عِیدًا وَلِمُحَمَّدٍ صَلَوَاتُكَ عَلَیْهِ وَاٰلِهِ ذُخْرًا
وَمَزِیدًا اَنْ تُصَلِّیَ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تُدْخِلَنِی فِی کُلِّ
خَیْرٍ اَدْخَلْتَ فِیهِ مُحَمَّدًا وَاٰلَ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تُخْرِجَنِی مِنْ کُلِّ سُوءٍ اَخْرَجْتَ
مِنْهُ مُحَمَّدًا وَاٰلَ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُكَ عَلَیْهِ وَعَلَیْهِمْ اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُكَ
خَیْرَ مَا سَئَلَكَ عِبَادُكَ الصَّالِحُونَ وَاَعُوذُ بِكَ مِمَّا اسْتَعَاذَ مِنْهُ

عِبادُكَ الصّالِحُونَ بعد از آن تکبیر هفتم بگوید و رکوع و سجود کند و در رکعت
دوم الحمد و الشمس بخواند بعد از آن چهار تکبیر بگوید بعد از هر تکبیر همان قنوت بخواند
بعد از آن تکبیر پنجم بگوید و رکوع و سجود کرده تشهد و سلام بگوید و بعد از نماز
مستحب است خواندن این دعا اَللّهُمَّ اِنّی اَتَوَجَّهُ اِلَیْكَ بِمُحَمَّدٍ اَمامی وَ عَلِیٍّ
مِنْ خَلْفی وَ اَئِمَّتی عَنْ یَمینی وَ شِمالی اَسْتَتِرُ بِهِمْ مِنْ عَذابِكَ وَ
سَخَطِكَ وَ اَتَقَرَّبُ بِهِمْ اِلَیْكَ زُلْفی لا اَجِدُ اَحَداً اَقْرَبَ اِلَیْكَ
مِنْهُمْ فَهُمْ اَئِمَّتی فَآمِنْ بِهِمْ خَوْفی مِنْ عَذابِكَ وَ سَخَطِكَ وَ اَدْخِلْنی
بِرَحْمَتِكَ الْجَنَّةَ فی عِبادِكَ الصّالِحینَ اَصْبَحْتُ بِاللّهِ مُؤْمِناً
مُوقِناً مُخْلِصاً عَلی دینِ نَبِیِّكَ مُحَمَّدٍ وَ سُنَّتِهِ وَ عَلی دینِ عَلِیٍّ وَ
سُنَّتِهِ وَ عَلی دینِ الْاَوْصِیاءِ وَ سُنَّتِهِمْ آمَنْتُ بِسِرِّهِمْ وَ عَلانِیَتِهِمْ
وَ اَرْغَبُ اِلَی اللّهِ تَعالی فیما رَغِبُوا فیهِ وَ اَعُوذُ بِاللّهِ مِنْ شَرِّ
ما اسْتَعاذُوا مِنْهُ وَ لا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ وَ لا مَنَعَةَ اِلّا بِاللّهِ الْعَلِیِّ

الْعَظیمِ

الْعَظیمِ تَوَكَّلْتُ عَلَی اللّهِ حَسْبِیَ اللّهُ وَ مَنْ یَتَوَكَّلْ فَهُوَ حَسْبُهُ اَللّهُمَّ
اِنّی اُریدُكَ فَاَرِدْنی وَ اَطْلُبُ ما عِنْدَكَ فَیَسِّرْهُ لی اَللّهُمَّ اِنَّكَ قُلْتَ
فی مُحْكَمِ كِتابِكَ الْمُنْزَلِ وَ قَوْلُكَ الْحَقُّ وَ وَعْدُكَ الصِّدْقُ وَ شَهْرُ
رَمَضانَ الَّذی اُنْزِلَ فیهِ الْقُرْآنُ هُدیً لِلنّاسِ وَ بَیِّناتٍ مِنَ الْهُدی
وَ الْفُرْقانِ فَعَظَّمْتَ شَهْرَ رَمَضانَ بِما اَنْزَلْتَ فیهِ مِنَ الْقُرْآنِ الْعَظیمِ
وَ خَصَصْتَهُ بِاَنْ جَعَلْتَ فیهِ لَیْلَةَ الْقَدْرِ اَللّهُمَّ وَ قَدِ انْقَضَتْ
اَیّامُهُ وَ لَیالیهِ وَ قَدْ صِرْتُ مِنْهُ اِلی ما اَنْتَ اَعْلَمُ بِهِ مِنّی فَاَسْئَلُكَ یا
اِلهی بِما سَئَلَكَ بِهِ مَلائِكَتُكَ الْمُقَرَّبُونَ وَ اَنْبِیاؤُكَ الْمُرْسَلُونَ
وَ عِبادُكَ الصّالِحُونَ اَنْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اَنْ
تَقَبَّلَ مِنّی كُلَّ ما تَقَرَّبْتُ بِهِ اِلَیْكَ فیهِ وَ تَتَفَضَّلَ عَلَیَّ بِهِ بِتَضْعیفِ
عَمَلی وَ قَبُولِ تَضَرُّعی وَ تَقَرُّبی وَ قُرْباتی وَ اسْتِجابَةِ دُعائی وَ هَبْ لی مِنْ
لَدُنْكَ رَحْمَةً وَ اَعْتِقْ رَقَبَتی مِنَ النّارِ وَ آمِنّی یَوْمَ الْخَوْفِ مِنْ كُلِّ

فزع ومن كل هول اعددته ليوم القيمة اعوذ بحرمة وجهك
الكريم وبحرمة نبيك وبحرمة الاوصياء ان يتصرم هذا
اليوم ولك قبلي تبعة تريد ان تواخذني بها او خطيئة تريد
ان تقتصها مني لم تغفرها الى اسئلك بحرمة وجهك الكريم
يا لا اله الا انت بلا اله الا انت ان ترضى عني وان كنت قد رضيت
عني فزد فيما بقي من عمري رضا وان كنت لم ترض عني فمن الان
فارض عني يا سيدي ومولاي الساعة الساعة الساعة و
اجعلني في هذه الساعة وفي هذا اليوم وفي هذا المجلس من
عتقائك من النار عتقا لا رق بعده اللهم اني اسئلك
بحرمة وجهك الكريم ان تجعل يومي هذا خير يوم
عبدتك فيه منذ اسكنتني الارض اعظمه اجرا واعمه نعمة
وعافية واوسعه رزقا وابتله عتقا من النار واوجبه

مغفرة

مغفرة واكمله رضوانا واقربه الى ما تحب وترضى اللهم
لا تجعله اخر عهد شهر رمضان صمته لك وارزقني العود
فيه ثم العود فيه حتى ترضى وترضي كل من له قبلي تبعة
ولا تخرجني من الدنيا الا وانت عني راض اللهم اجعلني
من حجاج بيتك الحرام في هذا العام المبرور حجهم المشكور
سعيهم المغفور ذنبهم المستجاب دعاؤهم المحفوظين في انفسهم
واديانهم وذراريهم واموالهم وجميع ما انعمت به عليهم
اللهم اقلبني من مجلسي هذا وفي يومي هذا وفي ساعتي
هذه مفلحا منجحا مستجابا دعائي مرحوما صوتي مغفورا ذنبي
اللهم واجعل فيما شئت واردت وقضيت وحتمت وانفذت
ان تطيل عمري وان تقوي ضعفي وتجبر فاقتي وان تعز ذلي
وتؤنس وحشتي وان تكثر قلتي وان تدر رزقي في عافية

ويسّر وخفّض عيشي وتكفيني كلّ ما اهمّني من امر آخرتي ولا
تكلني الى نفسي فاعجز عنها ولا الى الناس فيرفضوني وعافني
في بدني واهلي وولدي واهل مودّتي وجيراني واخواني وذرّيتي
وان تمنّ عليّ بالامن ابدا ما ابقيتني اللهم اني توجّهت اليك بمحمد
وآل محمد صلوات الله عليهم وقدّمتهم اليك امامي وامام حاجتي و
طلبتي وتضرّعي ومسئلتي فاجعلني بهم عندك وجيها في الدنيا
والآخرة ومن المقرّبين فانّك مننت عليّ بمعرفتهم فاختم لي بها
السعادة انّك على كلّ شيء قدير فانّك وليّي ومولاي وسيّدي
وربّي والهي وثقتي ورجائي ومعدن مسئلتي وموضع شكوي و
منتهى رغبتي ولا تخيّبنّ عليك دعائي يا سيّدي ومولاي ولا
تبطلنّ لديك طمعي ورجائي فقد توجّهت اليك بمحمد وآل
محمد صلوات الله عليهم وقدّمتهم اليك امامي وامام حاجتي وطلبتي

وتضرّعي

وتضرّعي ومسئلتي واجعلني بهم عندك وجيها في الدنيا والآخرة
ومن المقرّبين فانّك مننت عليّ بمعرفتهم فاختم لي بها السعادة
انّك على كلّ شيء قدير اللهم لا تبطل عملي وطمعي ورجائي يا الهي
ومسئلتي واختم لي بالسعادة والسلامة والاسلام والامن والايمان
والمغفرة والرضوان والشهادة والحفظ يا منزولا به كلّ حاجة
يا الله يا الله يا الله انت وليّ كلّ حاجة فتولّ عاقبتها ولا
تسلّط علينا احدا من خلقك بشيء لا طاقة لنا به من امر الدنيا و
فرّغنا لامر الآخرة يا ذا الجلال والاكرام صلّ على محمد وآل محمد
وبارك على محمد وآل محمد وسلّم على محمد وآل محمد وتحنّن على
محمد وآل محمد كافضل ما صلّيت وباركت وترحّمت و
سلّمت وتحنّنت ومننت على ابراهيم وآل ابراهيم انّك حميد مجيد
و ايضا اگر خواهد دعاء صحيفه كامله بخواند يا من يرحم من لا يرحمه العباد تا آخر

فصل دهم در اعمال شهر ذی قعدة الحرام مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که
زمین در زیر کعبهٔ معظمه جمع بود خدای تعالی در روز بیست و پنجم این ماه زمین را گسترانیده
گردانید تا خلق در آن تعیش کنند روزهٔ این روز کفارهٔ هفتاد ساله است و مثل روزهٔ شصت
ماهه است و در روایتی مثل روزهٔ هفتاد سال آمده بود و در روایتی دیگر آمده که قیام این
شب و صیام این روز مثل شصت صد ساله عبادتست که همه روزهایش روزه دارد و همهٔ
شبهایش نماز کند و اجر طاعت و عبادت در این شب اجر عابدیست که یک لحظه
معصیت نکرده باشد و مجلس ذاکر در این شب دعائی نکند مگر که مستجاب گردد و بوی ابرار
رحمت بر عابدین و ذاکرین این شب نازل شود و در این شب مستحب است
دو رکعت نماز در هر رکعت بعد از حمد پنج مرتبه والشمس بخواند و چون سلام دهد
حول و لا قوة بگوید پس بگوید یا مُقیل العثرات اَقِلنی عثرتی یا مجیب الدعوات
اَجِب دعوتی یا سامع الاصوات اِسمَع صوتی وارحمنی و تجاوز
عن سیئاتی یا ذا الجلال والاکرام یا ارحم الراحمین و ایضاً مستحبست

در این

در این روز خوانند این دعا اللهم داحی الکعبة و فالق الحبة و صارف
اللزبة و کاشف کل کربة اسئلک فی هذا الیوم
من ایامک التی اعظمت حقها و اقدمت سبقها و جعلتها عند
المؤمنین ودیعة و الیک ذریعة و برحمتک الوسیعة ان تصلی
علی محمد عبدک المنتجب فی المیثاق الغریب یوم التلاق فاتق کل
رتق الی کل حق و علی اهل بیته الاطهار الهداة المنار دعائم
الجبار و ولاة الجنة والنار و اعطنا فی یومنا هذا من عطائک
المخزون غیر مقطوع و لا ممنون تجمع لنا به التوبة و حسن الاوبة
یا خیر مدعو و اکرم مرجو یا کفی یا وفی یا من لطفه خفی الطف لی
بلطفک و اسعدنی بعفوک و ایدنی بنصرک و لا تنسنی کریم ذکرک
بولاة امرک و حفظة سرک احفظنی من شوائب الدهر الی یوم
الحشر والنشر و اشهدنی اولیائک عند خروج نفسی و حلول رمسی

وانقطاع املی وانقضاء اجلی اللهم واذکرنی علی طول البلی اذا
حللت بین اطباق الثری ونسینی الناسون من الوری واحللنی دار
المقامة وبوانی منزل الکرامة واجعلنی من مرافقی اولیائک
واهل اجتبائک واصفیائک وبارک لی فی لقائک وارزقنی حسن
العمل قبل حلول الاجل بریئا من الزلل وسوء الخطل اللهم واوردنی
حوض نبیک محمد واهل بیته صلواتک علیهم واسقنی منه مشربا
رویا سائغا هنیئا لا اظما بعده ولا احلا ورده ولا عنه
اذاد واجعله لی خیر زاد واوفی میعاد یوم یقوم الاشهاد اللهم
والعن جبابرة الاولین والاخرین الجاحدین بحقوق اولیائک
المستاثرین اللهم واقصم دعائمهم واهلک اشیاعهم وعاملهم
وعجل مهالکهم واسلبهم ممالکهم وضیق علیهم مسالکهم و
العن مساهمهم ومشارکهم اللهم وعجل فرج اولیائک و

اردد علیهم مظالمهم واظهر بالحق قائمهم واجعله لدینک
منتصرا وبامرک فی اعدائک مؤتمرا اللهم احففه بملائکة
النصر وبما القیت الیه من الامر فی لیلة القدر منتقما لک حتی
ترضی ویعود دینک به وعلی یدیه جدیدا غضا ویمحض الحق
محضا ویرفض الباطل رفضا اللهم صل علیه وعلی جمیع
ابائه واجعلنا من صحبه واسرته وابعثنا فی کرته حتی
نکون فی زمانه من اعوانه اللهم ادرک بنا قیامه واشهدنا
ایامه وصل علیه وعلیه السلام واردد الینا سلامه والسلام
علیه ورحمة الله وبرکاته **فصل یازدهم** در اعمال شهر ذی حجة الحرام
مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که روز اول این ماه حضرت ابراهیم علیه السلام
تولد نموده و درین روز تزویج حضرت فاطمه علیها السلام بوده و مستحبست
درین روز حضرت فاطمه علیها السلم وآن نماز را درینمقام چنین روایت کرده اند

که چهار رکعت نماز گزارد هر رکعت بعد الحمد پنجاه مرتبه قل هو الله احد بخواند و بعد از نماز
تسبیح آنحضرت بگوید این است سبحان ذی العز الشامخ المنیف سبحان
ذی الجلال الباذخ العظیم سبحان ذی الملک الفاخر القدیم
سبحان من لبس البهجة والجمال سبحان من تردی بالنور
والوقار سبحان من یری اثر النمل فی الصفا سبحان من
یری وقع الطیر فی الهواء سبحان من هو هکذا لا هکذا غیره
و روزه این روز کفارات شصت سال و مثل روزه [illegible] است و روزه هشتم روز
ترویه است که گویند کفاره یک سال و نهم که روز عرفه است کفاره دو سال و روزه تمام این
ده روز برابر با صوم دهر است و هر روز از اول ماه تا شب عید بعد از نماز صبح و پیش از نماز
شام بخواند اللهم هذه الایام التی فضلتها علی الایام وشرفتها
قد بلغتنیها بمنک ورحمتک فانزل علینا فیها من برکاتک واوسع
علینا فیها من نعمائک اللهم انی اسئلک ان تصلی علی محمد وآل

محمد وان تهدینا فیها لسبیل الهدی والعفاف والغنی والعمل فیها
بما تحب وترضی اللهم انی اسئلک یا موضع کل شکوی و
یا سامع کل نجوی ویا شاهد کل ملاء ویا عالم کل خفیة
ان تصلی علی محمد وآل محمد وان تکشف عنا فیها البلاء و
تستجیب لنا فیها الدعاء وتقوینا فیها وتعیننا وتوفقنا فیها لما تحب
ربنا وترضی وعلی ما افترضت علینا من طاعتک وطاعة رسولک
واهل ولایتک اللهم انی اسئلک یا ارحم الراحمین ان تصلی
علی محمد وآل محمد وان تهب لنا فیها الرضا انک سمیع الدعاء
فلا تحرمنا خیر ما تنزل فیها من السماء وطهرنا من الذنوب یا علام
الغیوب واوجب لنا فیها دار الخلود اللهم صل علی محمد وآل
محمد ولا تترک لنا فیها ذنبا الا غفرته ولا هما الا فرجته ولا دینا
الا قضیته ولا غائبا الا ادیته ولا حاجة من حوائج الدنیا والآخرة

الا قضیتها و سهلتها و یسرتها انک علی کل شیء قدیر اللهم
یا عالم الخفیات یا راحم العبرات یا مقیل العثرات یا مجیب الدعوات
یا رب الارضین و السموات یا من لا تشتبه علیه الاصوات صل
علی محمد و آل محمد و اجعلنا فیها من عتقائک و طلقائک من
النار الفائزین بجنتک الناجین برحمتک یا ارحم الراحمین
و صلی الله علی سیدنا محمد و آله و هر کس درین ده روز هر روز ده مرتبه
این تهلیل بگوید لا اله الا الله عدد اللیالی و الدهور لا اله الا
الله عدد امواج البحور لا اله الا الله و رحمته خیر مما
یجمعون لا اله الا الله عدد الشوک و الشجر لا اله الا الله عدد
الشعر و الوبر لا اله الا الله عدد الحجر و المدر لا اله الا الله
عدد لمح العیون لا اله الا الله فی اللیل اذا عسعس و الصبح اذا
تنفس لا اله الا الله عدد الریاح فی البراری و الصخور لا اله

الا الله من الیوم الی یوم ینفخ فی الصور خدای تعالی در بهشت بعدد
هر تهلیل درجه از در و یاقوت باو کرامت فرماید که ما بین هر دو درجه صد ساله راه باشد
به دویدن مرغ و در هر درجه مدینه و در هر مدینه قصری از کبار گوهر که منفصل از آن
نباشد و در هر مدینه منازل و خانها و غرفها و تختها و حور العین و مسندها و فرش
و بساط و زینتها و زیورها و طعامها و خدام و انهار و اشجار که وصف آن از
ادراک عاجز باشند و چون از قبر بیرون آید مویش از نور درخشان باشد و هفتاد هزار
ملک استقبالش نموده رفاقتش کنند و چون به بهشت رسند او پیش و پیش و ملائکه از
عقب داخل شوند و مرفه باشند تا بشهری رسند که پیرامونش از یاقوت سرخ و در و
از زبرجد سبز باشد و در آن شهر از اصناف خلایق که در بهشت اند بوده باشند و با او
گویند ای ولی خدا این شهر از آن تست و ما رفیقانیم که در وقتی که آن تهلیل میخواندی
با تو بودیم و نظره بر آن فضل زین ثواب که خدای تعالی برای تو در دار السلام
در جوار خود مهیا فرموده و هر کس شب عرفه زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام

کند از همه شهر و آن عمل این کرده و فضایل دیگر در عمل شعبان گذشت و هر کس روز
عرفه زیارت آنحضرت کند خدای تعالی برایش هزار هزار حج که با حضرت قایم علیه السلام
و هزار هزار عمره که با حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله کرده باشد نویسند و عتق هزار
هزار رقبه و هزار هزار اسب که در راه خدا بجهاد فرستد ثبت کند و در میان ملایکه او را
صدیق و در زمین ولی نام کند و در روایتی دیگر مثل هزار جهاد است که با پیغمبر مرسل و یا امام
معصوم کند و خدای تعالی پیش از آنکه متوجه اهل عرفات شود اول متوجه زوار آنحضرت
شود و حوایج ایشانرا بر آورد و گناهان ایشان بیامرزد و سوال ایشان اجابت فرماید
و بعد از آن متوجه اهل عرفات شده ایشانرا احسان و اکرام فرماید و هر کس شب عید اضحی
زیارت آنحضرت کند گناهان گذشته و آینده اش آمرزیده شود و نیز در روایت که
زیارت آنحضرت در غیر عید مثل صد حج و صد عمره و صد جهادست که
با پیغمبری مرسل یا امامی معصوم کند در روز عید مثل صد حج و صد عمره و صد غزوه
و در روز عرفه مثل هزار حج و هزار عمره و هزار غزوه راوی گوید من گفتم اگر

کی

کسی حج کند چون باشد حضرت امام آشفته و غضبناک نگاه کرد و فرمود هر مومن
که با آب فرات غسل کند و زیارت آنحضرت کند بهر گامی یک حج و یک عمره با تمام
مناسک برایش نویسند و روز عرفه دعای صحیفه کامله بخواند و در شب عید بگوید
اَللّٰهُمَّ مَنْ تَهَیَّأَ تا آخر چنانکه در روز جمعه گذشت و مستحبست احیا داشتن
این شب که درهای آسمان گشوده باشد و نماز عید و تعقیب آن مثل نماز عید فطرست
و اگر کسی در منا باشد بعد از پانزده نماز و در غیر منا بعد از ده نماز که اولش نماز ظهر
روز عیدست این تکبیر بگوید و بعضی از مشایخ رحمهم الله واجب دانسته اند اَللّٰهُ اَکْبَرُ
اَللّٰهُ اَکْبَرُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ اَکْبَرُ وَ
لِلّٰهِ الْحَمْدُ اَللّٰهُ اَکْبَرُ عَلٰی مَا هَدٰانَا وَاللّٰهُ اَکْبَرُ عَلٰی مَا رَزَقَنَا
مِنْ بَهِیمَةِ الْاَنْعَامِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ عَلٰی مَا اَوْلَانَا عمل روز عید غدیر
فضل و شرف این عید زیاده از آنست که بیان توان نمود و ما اندکی از آن شمه
بدین مجموعه بیان و مزین گردانیم و گوییم از حضرت امام رضا علیه السلام که در روز

قیامت چهار روز را مانند عروس زینت کرده پیش خدا برند عید فطر و اضحی
و روز جمعه و عید غدیر و عید غدیر در ان میان باشند ماهتاب در میان ستارگان
واین روزیست که پیغمبر صلی الله علیه و آله امیر المؤمنین علی علیه السلام را در ان غدیر
خم بامامت و خلافت تعیین نموده و خدای تعالی باین فضیلت نعمت خود را
بر بندگان تمام و دین خود را برای ایشان کامل گردانیده و درین روز خدای
تعالی جبرئیل علیه السلام را فرماید تا کرسی در برابر بیت المعمور نصب کرده بر آن آید
و ملائکه آسمان در اطراف جمع گشته حمد و ثنای خدا گویند و صلوات بر پیغمبر و اهل بیتش
علیهم السلام فرستند و برای شیعیان و دوستان ایشان استغفار کنند و کرام الکاتبین را
فرماید که سه روز قلم از ایشان بر دارند و خطیه بر ایشان ننویسند و گناهان ایشان را
بیامرزد و کربتها تفریج نماید و دعاها اجابت فرماید و اعمال قبول کند و هر کس
این روز را عید کند و بر خود و بر عیال خود و بر دوستان و شیعیان توسعه
نعمت نماید خدای تعالی مالش را زیاده گرداند و از آتش دوزخ آزادش کند و هر که

درین

درین روز در روی مؤمنی تبسم کند خدای تعالی روز قیامت بر و برحمت نظر
کند و هزار حاجتش برآورد و قصری از در در بهشت برایش بنا فرماید و هر کس درین
روز زینت کند خدای تعالی هر خطیه صغیره و کبیره ازو واقع شده باشد بیامرزد و دو
از ملائکه را بفرستد تا آن روز از امسال دیگر برایش حسنات نویسند و درجات بلند
گردانند و اگر بمیرد شهید و اگر بماند سعید باشد و اگر مؤمنی را طعام دهد چنانست که
جمیع انبیا و صدیقین را طعام داده باشد و اگر زیارت مؤمنی کند خدای تعالی قبرش را
وسیع گرداند و هفتاد نور بقبرش فرستد و هر روز هفتاد هزار ملک بفرستد که او را
دلداری کنند و مژده بهشت دهند و روایت دیگر آمده که درین روز یکدیگر را
زیارت کنند و سلام و مصافحه ملاقات نمایند و یکدیگر را باین عید تهنیت و مبارکباد
کنند و بگویند الحمد لله الذی اکرمنا بهذا الیوم و جعلنا
من الموفین بعهده الینا و میثاقه الذی واثقنا به من ولایة
ولاة امره والقوام بقسطه ولم یجعلنا من الجاحدین و

الْمُكَذِّبِينَ بِيَوْمِ الدِّينِ و تاکید کرد که لطف و تفضلی کنید و تاکید کرد
احسان و اکرام و صله و بر بجای آورید و مؤمنان را جامهای نیکو و بوهای
خوش و طعامهای لذیذ بنوازید و مسرور گردانید و برای عیال بقدر استطاعت
تهیه اسباب عید و سرور کنید و با ضعفا و فقرا بقدر وسع احسان و اعانت
نمایید و تاکید بهم احسان درین روز مثل هزار هزار درهم است و روزه این روز برابر است
با روزه تمام عمر دنیا و اگر کسی از ابتداء دنیا تا انقضای آن عمر کند و همیشه روزه گیرد و شبها
عبادت کند برابر روزه نیروز نشود و در روایت دیگر شده که روزه نیروز ده هزار سال
برابر است با صد حج و صد عمره و کسی که درین روز اعانتی مؤمنی کند یا قرض بمؤمنی دهد ثواب
روزه نیروز و عبادت آن شب یابد و کسی که نیروز روزه داری را برای شب افطار فرماید
ضیافت کرده قیام مردم را افطار فرموده باشد که هر یک قیام هزار کس است و چنان است
که باین عدد پیغمبران و صدیقین و شهدا را در پریشانی و قحطی طعام و آب داده باشد پس چون
باشد کسی که جماعت مؤمنان را تکفل احوال شود و بایشان احسان نماید و یکی از جمله آنجا برش

اینست

اینست که از کفر و فقر ایمن گردد و مستحب است درین روز غسل کردن و ذکر و دعا و استغفار
و صلوات بسیار فرستادن و از اعداء اهل بیت و ظالمین ایشان تبرا نمودن و بر ایشان لعن کردن
و حضرت امام رضا علیه السلام فرمود درین روز هر جا که باشی بزیارت حضرت امیر المؤمنین
صلوات الله علیه حاضر شو که خدای تعالی از هر مؤمن و مؤمنه و مسلم و مسلمه گناه شصت ساله بیامرزد و
ضعف آنکه در ماه رمضان و لیلة القدر و لیلة الفطر از آتش آزاد کرده درین روز آزاد کند
و هر کس درین روز هر وقت که خواهد و افضل آنست که نیم ساعت پیشتر از ظهر باشد دو رکعت
نماز گذارد و در هر رکعت بعد از الحمد قل هو الله و آیت الکرسی تا خالدون و انا انزلناه هر یک را
ده مرتبه بخواند برابر است با صد هزار حج و صد هزار عمره و هیچ حاجت از حوایج دنیا و آخرت
سؤال کند مگر که بر آورده شود هر چه باشد و این نماز مستحب است بجماعت گذاردن
و بعد از نماز خطبه مشتمل بذکر فضایل این روز خواند چنانکه از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله
علیه مرویست که چنین کرد و بعد از این نماز مستحب است درین روز خواندن این دعا
رَبَّنَا اِنَّنَا سَمِعْنَا مُنَادِیًا یُنَادِیْ لِلْاِیْمَانِ اَنْ اٰمِنُوْا بِرَبِّکُمْ فَاٰمَنَّا

ربنا فاغفر لنا ذنوبنا وكفر عنا سيئاتنا وتوفنا مع الابرار ربنا و
اتنا ما وعدتنا على رسلك ولا تخزنا يوم القيمة انك لا تخلف ا
لميعاد اللهم اني اشهدك وكفى بك شهيدا واشهد ملائكتك
وانبيائك وحملة عرشك وسكان سمواتك وارضك بانك
انت الله لا اله الا انت المعبود فلا نعبد سواك فتعاليت عما يقول
الظالمون علوا كبيرا واشهد ان محمدا عبدك ورسولك و
اشهد ان امير المؤمنين عبدك ومولانا ربنا سمعنا واجبنا
وصدقنا المنادي رسولك صلواتك عليه واله اذ نادى بندا
عنك بالذي امرته ان يبلغ ما انزلت اليه من ولاية ولي امرك و
حذرته وانذرته ان لم يبلغ ما امرته ان تسخط عليه ولما بلغ
رسالاتك عصمته من الناس فنادى مبلغا عنك الا من كنت
مولاه فعلي مولاه ومن كنت وليه فعلي وليه ومن كنت نبيه فعلي

اميره

اميره ربنا قد اجبنا داعيك النذير محمدا عبدك ورسولك الى
الهادي المهدي عبدك الذي انعمت عليه وجعلته مثلا لبني
اسرائيل علي امير المؤمنين ومولاهم ووليهم ربنا امنا واتبعنا
مولانا وولينا وهادينا وداعينا وداعي الانام وصراطك المستقيم
وحجتك البيضاء وسبيلك الداعي اليك على بصيرة هو ومن اتبعه
وسبحان الله عما يشركون واشهد انه الامام الهادي الرشيد
الامين امير المؤمنين الذي ذكرته في كتابك فانك قلت وقولك
الحق وانه في ام الكتاب لدينا لعلي حكيم اللهم فانا
نشهد بانه عبدك والهادي من بعد نبيك النذير المنذر و
صراطك المستقيم وامير المؤمنين وقائد الغر المحجلين وحجتك
البالغة ولسانك المعبر عنك في خلقك وانه القائم بالقسط
في بريتك وديان دينك وخازن علمك وامينك المامون

المأخوذ ميثاقه وميثاق رسولك من جميع خلقك وبريتك شاهدا
بالاخلاص لك والوحدانية بانك انت الله لا اله الا انت
وان محمدا عبدك ورسولك وان عليا امير المؤمنين جعلته
وليك والاقرار بولايته تمام وحدانيتك وكمال دينك
تمام نعمتك على جميع خلقك وبريتك فقلت وقولك الحق
اليوم اكملت لكم دينكم واتممت عليكم نعمتي
ورضيت لكم الاسلام دينا فلك الحمد بموالاته واتمام
نعمتك علينا بالذي جددت من عهدك وميثاقك وذكرتنا
ذلك وجعلتنا من اهل الاخلاص والتصديق بميثاقك ومن
اهل الوفاء بذلك ولم تجعلنا من اتباع المغيرين والمبدلين
والمحرفين والمبتكين اذان الانعام والمغيرين خلق الله
ومن الذين استحوذ عليهم الشيطان فانساهم ذكر الله

وصدهم

وصدهم عن السبيل والصراط المستقيم اللهم العن الجاحدين
والناكثين والمغيرين والمكذبين بيوم الدين من الاولين
والاخرين اللهم فلك الحمد على انعامك علينا بالهدى الذي
هديتنا به الى ولاة امرك من بعد نبيك الائمة الهداة الراشدين
واعلام الهدى ومنار القلوب والتقوى والعروة الوثقى و
كمال دينك وتمام نعمتك ومن بهم وبموالاتهم رضيت لنا
الاسلام دينا ربنا فلك الحمد امنا وصدقنا بمنك علينا
بالرسول النذير المنذر والينا وليهم وعادينا عدوهم وبرئنا
من الجاحدين والمكذبين بيوم الدين اللهم فكما
ياس كان ذلك من شانك ويا صادق الوعد لا يخلف الميعاد
يا من هو كل يوم في شان اذ اتممت نعمتك علينا بموالاة
اوليائك المسئول عنهم عبادك فانك قلت ثم لتسئلن يومئذ

عن النعيم وقلت وقولك الحق وقفوهم انهم مسؤلون ومننت
علينا بشهادة الاخلاص لك وبولاية اوليائك الهداة بعد
النذير المنذر السراج المنير واكملت لنا بهم الدين و
اتممت علينا النعمة وجددت علينا عهدك وذكرتنا
ميثاقك الماخوذ منا فى ابتداء خلقك ايانا وجعلتنا من
اهل الاجابة ولم تنسنا ذكرك فانك قلت واذ اخذ ربك
من بنى ادم من ظهورهم ذريتهم واشهدهم على انفسهم
الست بربكم قالوا بلى شهدنا بمنك ولطفك فانك انت الله
لا اله الا انت ربنا ومحمد عبدك ورسولك نبينا وعلى امير
المؤمنين عبدك الذى نعمت به علينا وجعلته اية لنبيك
واليتك الكبرى والنبأ العظيم الذى هم فيه مختلفون
وعنه مسئولون اللهم فكما كان من شانك ان انعمت

علينا

علينا بالهداية الى معرفتهم فليكن من شانك ان تصلى على
محمد وال محمد وان تبارك لنا فى يومنا هذا الذى اكرمتنا
به وذكرتنا فيه عهدك وميثاقك واكملت ديننا و
اتممت علينا نعمتك وجعلتنا بمنك من اهل الاجابة لك
والبراءة من اعدائك واعداء اوليائك المكذبين بيوم
الدين فاسئلك يا رب تمام ما انعمت وان تجعلنا من الموقنين
ولا تلحقنا بالمكذبين واجعل لنا قدم صدق مع المتقين
واجعلنا مع المتقين اماما يوم تدعوا كل اناس بامامهم
واحشرنا فى زمرة اهل بيت نبيك الائمة الصادقين و
اجعلنا من البراء من الذين هم دعاة الى النار ويوم القيمة
هم من المقبوحين واحينا على ذلك ما احييتنا واجعل لنا
مع الرسول سبيلا واجعل لنا قدم صدق فى الهجرة اليهم

واجعل محيانا خير المحيا ومماتنا خير الممات ومنقلبنا خير المنقلب
على موالاة اوليائك ومعاداة اعدائك حتى توفانا وانت عنا
راض قد اوجبت لنا برحمتك والمثوى من جوارك في دار المقامة (جنتك)
من فضلك لا يمسنا فيها لغوب ربنا اغفر لنا ذنوبنا وكفر عنا (نصب ولا يمسنا فيها)
سيئاتنا وتوفنا مع الابرار ربنا واتنا ما وعدتنا على رسلك ولا
تخزنا يوم القيمة انك لا تخلف الميعاد اللهم واحشرنا مع
الائمة الهداة من ال رسولك نؤمن بسرهم وعلانيتهم وشاهدهم
وغايبهم اللهم انى اسئلك بالحق الذى جعلته عندهم وبالذى
فضلتهم به على العالمين جميعا ان تبارك لنا في يومنا هذا الذى
اكرمتنا فيه بالموافاة بعهدك الذى عهدته الينا والميثاق
الذى واثقتنا به من موالاة اوليائك والبراءة من اعدائك ان
تتم علينا نعمتك ولا تجعله مستودعا واجعله مستقرا ولا تسلبنا

ابدا

ابدا ولا تجعله مستعارا وارزقنا مرافقة وليك الهادي المهدي
الى الهدى وتحت لوائه وفي زمرته شهداء صادقين على بصيرة
من دينك انك على كل شيء قدير و بعد از ان سجده کند و صد مرتبه
بگوید شکرا لله **بیست و چهارم** ایما حضرت امیر المؤمنین صلوات الله
علیه در رکوع تصدق خاتم فرمود و آیه تصدق که نص است در امامت و خلافت
آنحضرت و اولاد طاهرینش علیهم السلام نازل گشت و گذاردن نماز روز عید غدیر در
روز همین فضل و ثواب دارد و **بیست و پنجم** ایما که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
با مشرکان مباهله فرمود و آیه مباهله که نص است در فضل اهل بیت علیهم السلام نازل گشته و روایت
دیگر آمده که روز مباهله همین روز بیست و چهارم است و مشایخ رحمهم الله این روایت را
ظاهرتر دانسته اند و بالجمله فضل روز مباهله بسیار است و مستحبست درین روز
که خواهد نماز گذارد و بروایتی دیگر دوازده رکعت نماز گذارد و بعد از هر دو رکعت
هفتاد مرتبه استغفار کند و چون از نماز فارغ شود ایستاده نظر بر موضع سجود افکنده

[illegible] الحمد لله رب العالمين الحمد لله فاطر السموات و
الارض الحمد لله الذي له ما في السموات وما في الارض الحمد لله
الذي خلق السموات والارض وجعل الظلمات والنور ثم
الذين كفروا بربهم يعدلون الحمد لله الذي عرفني ما كنت به
جاهلا ولولا تعريفه اياي لكنت هالكا اذ قال وقوله
الحق قل لا اسئلكم عليه اجرا الا المودة في القربى فبين لي
القرابة فقال سبحانه انما يريد الله ليذهب عنكم الرجس
اهل البيت ويطهركم تطهيرا فبين لي اهل البيت بعد
القرابة ثم قال تعالى مبينا عن الصادقين الذين امرنا بالكون
معهم والرد اليهم بقوله سبحانه يا ايها الذين امنوا اتقوا الله
وكونوا مع الصادقين فاوضح عنهم وابان عن صفتهم بقوله
جل ثناؤه قل تعالوا ندع ابناءنا وابناءكم ونساءنا ونساءكم

وانفسنا

وانفسنا وانفسكم ثم نبتهل فنجعل لعنة الله على الكاذبين
فلك الشكر يا رب ولك المن حيث هديتني وارشدتني حتى
لم يخف علي الاهل والبيت والقرابة فعرفتني نساءهم واولادهم
ورجالهم اللهم اني اتقرب اليك بذلك المقام الذي لا يكون
اعظم منه فضلا للمؤمنين ولا اكثر رحمة لهم بتعريفك
اياهم شانه وابانتك فضل اهله الذين بهم ادحضت باطل
اعدائك وثبت بهم قواعد دينك ولولا هذا المقام المحمود
الذي انقذتنا به ودللتنا على اتباع المحقين من اهل بيت نبيك
الصادقين عنك الذين عصمتهم من لغو المقال ومدانس
الافعال الخصم اهل الاسلام وظهرت كلمة اهل الالحاد
وفعل اولي العناد فلك الحمد ولك المن ولك الشكر على
نعمائك واياديك اللهم فصل على محمد وال محمد الذين

افترضت علينا طاعتهم وعقدت في رقابنا ولايتهم واكرمتنا
بمعرفتهم وشرفتنا باتباع آثارهم وثبتنا بالقول الثابت الذي
عرفوناه فاعنا على الاخذ بما بصروناه واجز محمدا عنا
افضل الجزاء بما نصح لخلقك وبذل وسعه في ابلاغ رسالتك
واخطر بنفسه في اقامة دينك وعلى اخيه ووصيه والهادي
الى دينه والمقيم سنته علي امير المؤمنين وصل على الائمة من
ابنائه الصادقين الذين وصلت طاعتهم بطاعتك و
ادخلنا بشفاعتهم دار كرامتك يا ارحم الراحمين اللهم
هؤلاء اصحاب الكساء والعباء يوم المباهلة اجعلهم
شفعاءنا اسئلك بحق ذلك المقام المحمود واليوم المشهود
ان تغفر لي وتتوب علي انك انت التواب الرحيم اللهم اني
اشهد ان ارواحهم وطينتهم واحدة وهي الشجرة التي

طاب

طاب اصلها واغصانها واوراقها اللهم ارحمنا بهم
واجرنا من مواقف الخزي في الدنيا والآخرة بولايتهم واوردنا
موارد الامن من اهوال يوم القيمة بحبهم واقرارنا بفضلهم
واتباعنا آثارهم واهتدائنا بهداهم واعتقادنا ما عرفوناه
من توحيدك ووقفونا عليه من تعظيم شانك وتقديس
اسمائك وشكر آلائك ونفي الصفات ان تحلك و
العلم ان يحيط بك والوهم ان يقع عليك فانك اقمتهم
حججا على خلقك ودلائل على توحيدك وهداة تنبه على
امرك وتهدي الى دينك وتوضح ما اشكل على عبادك
وبابا للمعجزات التي يعجز عنها غيرك وبها تبين حجتك و
تدعوا الى تعظيم السفير بينك وبين خلقك فانت المتفضل
عليهم حيث قربتهم من ملكوتك واختصصتهم بسرك

واصطفيتهم لوحيك وافردتهم قوامضنا وبلك رحمة لخلقك
ولطفا بعبادك وحنانا على بريتك وعلما بما تنطوي عليه ضمائر
امنائك وما يكون من شأن صفوتك وطهرتهم في منشائهم
ومبتدئهم وحرستهم من نفث نافث اليهم واريتهم برهانا
على من عرض بسوء لهم فاستجابوا لامرك وشغلوا انفسهم بطاعتك
وملئوا اجزاءهم من ذكرك وعمروا قلوبهم بتعظيم امرك وجزءوا
اوقاتهم فيما يرضيك واخلوا دخائلهم من معاريض الخطرات
الشاغلة عنك فجعلت قلوبهم مكامن لارادتك وعقولهم
مناصب لامرك ونهيك والسنتهم تراجمة لسنتك ثم اكرمتهم
بنورك حتى فضلتهم من بين اهل زمانهم والاقربين اليهم
فخصصتهم بوحيك وانزلت اليهم كتابك وامرتنا بالتمسك
بهم والرد اليهم والاستنباط منهم اللهم انا قد تمسكنا بكتابك

وبعترة

وبعترة نبيك الذين اقمتهم لنا دليلا وعلما وامرتنا باتباعهم
اللهم فانا قد تمسكنا بهم فارزقنا شفاعتهم حين يقول
الخائبون فما لنا من شافعين ولا صديق حميم فاجعلنا من
الصادقين المصدقين لهم المنتظرين لايامهم الناظرين
الى شفاعتهم ولا تضلنا بعد اذ هديتنا وهب لنا من لدنك
رحمة انك انت الوهاب آمين رب العالمين اللهم صل على محمد
وعلى اخيه وصنوه امير المؤمنين وقبلة العارفين وعلم المهتدين
وثاني الخمسة الميامين الذين فخر بهم الروح الامين وباهل الله
بهم المباهلين فقال وهو اصدق القائلين فمن حاجك فيه
من بعد ما جاءك من العلم فقل تعالوا ندع ابناءنا وابناءكم
ونساءنا ونساءكم وانفسنا وانفسكم ثم نبتهل فنجعل لعنة
الله على الظالمين ذلك الامام المخصوص بمواخاته يوم الاخاء

والموثر بالقوت الضر الطوی ومن شکر الله سعیه فی هل اتی
ومن شهد بفضله حساده واقر بمناقبه جاحدوه مولی الانام
ومکسر الاصنام ومن لم تاخذه فی الله لومة لائم صلی الله
علیه ما طلعت شمس النهار واورقت الاشجار وعلی النجوم
المشرقات من عترته والحجج الواضحات من ذریته و در آخر ماه
هر کس دو رکعت نماز گذارد و در رکعت اول بعد از الحمد ده مرتبه قل هو الله و در دوم
بعد از الحمد ده مرتبه آیت الکرسی بخواند و بعد از ان سلام دهد بگوید اللهم ما
عملت فی هذه السنة من عمل نهیتنی عنه ولم ترضه و
نسیته ولم تنسه ودعوتنی الی التوبة منه بعد جرائتی علیک
اللهم انی استغفرک منه فاغفر لی اللهم وما عملت من عمل
یقربنی الیک فاقبله منی ولا تقطع رجائی منک یا کریم
خدای تعالی گناهان آن سال او را بیامرزد پس شیطان فریاد کند که ای وای چه تعبی من

سال بعبث کشیدیم **فصل دوازدهم** در ذکر حدیثی در فضایل اعمال اللیالی والایام
والشهور واعوام بر سبیل اجمال مرویست از حضرت امام همام حسن بن علی العسکری
علیهما السلم که حضرت پیغمبر فرمود که چون روز قیامت خدای تعالی بندگان را همگی
محشور سازد و در یک زمین جمع گرداند بقاع واماکن و روزها و شبها و ساعتها
و شبهای جمعه و ماهها و سالها همه را محشور گرداند و از ایشان بر اعمال عباد شهادت
طلب فرماید پس بر هر کس بطاعت و عمل صالح شهادت دهد بسعادت ابد فایز
گردد و در زمره سعدا منسلک شود و بر هر کس بمعصیت و عمل شر شهادت دهد بشقاوت
ابد معذب شود و پس تهیه روز قیامت کنید و ترک معاصی نمائید که در ان روز متوقعی
امید خلاص و بطاعت خدا چشم داشت نجات باشد و هر کس حرمت ماه رجب و شعبان
بشناسد و این دو ماه را بطاعت و عبادت بماه رمضان متصل گرداند این سه ماه شاهدان
او باشند و روز قیامت منادی ندا کند و گوید ای رجب و شعبان و رمضان چونست
بود مصاحبت این بنده خدا با شما و چون کرد طاعت خدا را در شما پس ایشان گویند

خدایا این بندهٔ تو چون با ما بود جهد در طاعت تو میکرد و سعی در تحصیل رضای تو نمود
و بعبادت و طاعت تو و در رحمت تو بیحت پس از ملائکه برین بنده گواهی کنند شهادت
طلبد ایشان گویند خدایا رجب و شعبان و رمضان رفت گفتند ما این بنده را ندیدیم
مگر در طاعت و عبادت و تحصیل رضای تو و احسان کردن با بندگان تو ایشان همه آرزوی
فرح و ابتهاج با از روی رحمت و امید عفو و مغفرت تو میکرد و از آنچه تو او را منع
فرموده بودی احتراز مینمود و بهر چه موجب رحمت و سبب مغفرت تو بود دریافت
و بنا در تو میکرد و باطن و فرج و سمع و بصر و سایر جوارح روزه میداشت و روزها را
به تشنگی روزه میگذرانید و شبها را بطاعت و عبادت بروز می آورد و نفقه و اکرام
و صدقه و احسان بفقرا و مساکین بسیار میکرد و صحبت این سه ماه را خوب میداشت
و وداع ایشان را خوب کرد و بعد از ان نیز طاعت و عبادت باقی بود و نگه
حرمت امر و نهی تو مینمود پس خدای تعالی آن بنده را امر بجنت فرماید و ملائکه
با تحفها و عطایا و کرامات استقبالش کنند و بر تختی از نور نشانند و مرکبی براق

برایش

برایش مهیا گردانند و بنعمتهای باقی و منازل دائمی برند که هرگز از آنجا بیرون نیاید
و جوانان او را هرگز پیری نبود و سرور ایشان را غم در عقب نباشد و خوشی ایشان از کهنگی
ایمن باشد از کدورت حساب مصون و از مشقت و عذاب مأمون و در منازل شریف
و درجات رفیع مکرم و منیع باشد و هم از آنحضرت ص فرمود چون روز اول شعبان
شود شیطان لشکر خود را در اطراف زمین متفرق سازد و گوید سعی کنید و بندگان
خدا را بگیرید و از راه خدا گمراه گردانید و خدای تعالی ملائکه را در اطراف زمین منتشر سازد
و فرماید که بندگان مرا مدد کنید و هدایت نمائید مگر کسی که با و سرکشی کند و طغیان
ورزد که او داخل جنود ابلیس شود و روز اول شعبان فرماید درخت طوبی را که
شاخهایش بدنیا آویخته شود و درخت زقوم را که شاخهایش بدنیا آویخته شود
بعد از ان ملکی از جانب خدا ندا کند و گوید ای بندگان خدا این شاخهای طوبی است
محکم بگیرید و خود را بآنها در آویزید تا شما را بهشت برند و این شاخهای زقوم است
از آنها بگریزید تا شما را بجهنم نبرند بعد از ان فرمود بخدائی که مرا بنبوت اختیار

کرده که هر کس عملی از اعمال خیر کند شاخی از شاخهای زقوم چسپیده بعد از ان
فرمود هر کس امروز روزه گیرد شاخی از شاخهای طوبی چسپیده و هر کس نماز
تطوعی کند شاخی چسپیده و هر کس صدقه دهد شاخی چسپیده و هر کس مظلمه از کسی
عفو کند شاخی چسپیده و هر کس میان زن و شوهر یا والد و ولد یا خویش و خویش
یا همسایه و همسایه یا بیگانه و بیگانه اصلاح بخشد و کدورت نشاند شاخی چسپیده و هر کس
قرضدار پریشانی را مهلت دهد یا چیزی از حق خود باو بخشد شاخی چسپیده و هر کس ادای
دین کهنه صاحبش از مال او کند یا کسی گشایش کند شاخی چسپیده و هر کس تکفل احوال یتیمی شود
شاخی چسپیده و هر کس سفیهی و جاهلی را از غیبت و عرض مؤمنی منع کند شاخی چسپیده و هر کس
عیادت بیمار کند شاخی چسپیده و هر کس ذکر و شکر نعمتهای او کند شاخی چسپیده و هر کس
تشییع جنازه کند شاخی چسپیده و هر کس صاحب مصیبتی را تعزیه کند شاخی چسپیده
و هر کس بر والدین یا یکی از ایشان بجای آورد شاخی چسپیده اگر ایشان یا یکی از ایشان
از او آزرده باشد عذرخواهی کند و رضای ایشان تحصیل نماید و همچنین هر کس هر کاری

از کارها

از کارهای خیر کند شاخی چسپیده باشد از شاخهای طوبی و هر کس عملی از اعمال شر کند شاخی
از شاخهای زقوم چسپیده باشد و هر کس در نماز فریضه تقصیر کند و حق آن را ضایع گرداند
شاخی از آن چسپیده و هر کس فقیری پیش او آید و خبر از حالش داشته باشد و قادر
بر حاجت او باشد و او را واگذارد تا مشقت کشد و مضطر شود شاخی چسپیده و هر کس
ازو عذر تقصیری و بدی خواهد و قبول نکند بلکه برنجاند شاخی چسپیده و هر کس
میان زن و شوهر یا والد و ولد و خویش و همسایه یا دو دوستها و بیگانه فساد
کند شاخی چسپیده و هر کس بر قرضدار پریشانی که حالش را داند تنگ کند شاخی
چسپیده و هر کس قرض داشته باشد و از صاحب حق چیزی کم کند و حقش را
ببرد شاخی چسپیده و هر کس غیبت مؤمنی کند و هتک عرض مؤمنی نماید شاخی
چسپیده و هر کس غنای حرامی کند شاخی چسپیده و هر کس قبایح افعال خود را
و انواع مظلمه خود را نقل کند و بآن تفاخر کند شاخی چسپیده و هر کس از روی
تکبر بعیادت مریضی نرود شاخی چسپیده و هر کس از باب استخفاف ترک تشییع

جنازه یا ترک تعزیهٔ صاحب مصیبتی کند شاخی چسپیده و هر کس عقوق والدین کند
یا یکی از ایشان از و آزرده باشند و تحصیل رضا و عذر خواهی ایشان نکند و حال آنکه قادر
باشد شاخی چسپیده و همچنین هر کس مرتکب فعلی از افعال شر شود بشاخی از زقوم
چسپیده باشند و او را میکشیده باشند تا بجهنم بعد از ان مدتی نگاه باسمان
میکرد و اظهار سرور و شگفتگی میفرمود و بعد از ان نگاه بر زمین کرد و اظهار آزردگی
و دلگیری مینمود و بعد از ان متوجه اصحاب گشته فرمود بخدایی که مرا بحق بنبوت
اختیار کرده که دیدم درخت طوبی را که جمعی که بشاخهای او آویخته اند همه را به بهشت
میبرد بعضی بیک شاخ آویخته و بعضی بدو شاخ و بعضی بچند شاخ و هر کس بحسب کارهای
که کرده بود دیدم زید بن حارثه را که پسر خواندهٔ آنحضرت بود بهمه شاخهای
طوبی چسپیده بود و او از همه کس بالاتر بود از انجهة خندان شدم و چون نگاه
کردم بر زمین دیدم زقوم را که جمعی بشاخهای او چسپیده بودند همه را فرو
برد بجهنم بعضی را دیدم بیک شاخ چسپیده و بعضی بدو شاخ و بعضی بچند شاخ

هر کس

درخت

هر کس بحسب قبایحی که کرده بودند و بعضی از ضعفا را دیدم که بهمه شاخهای زقوم
چسپیده بود و او را فرو میبرد تا اسفل درکات جهنم از ان جهة دلگیر شدم بعد از ان
باز نگاه باسمان کرد و خندان شد و نگاه کرد بر زمین و دلگیر شد بعد از ان
باز نگاه کرد و خندان شد پس فرمود آنچه من دیدم اگر شما میدیدید روزها را
بجگر تشنه و گرسنه بروزه میگذرانیدید و شبها را بتعب و مشقت و عبادت
بروز می آوردید و مالهای خود را بصدقه تمام میکردید و جانهای خود را در جهاد
می باختید گفتند پدر و مادر و اهل و فرزندان ما فدای تو باد چه دیدی فرمود چون
شاخهای طوبی به بهشت رجوع کردند منادی از جانب خدا ندا کرد که ای ملائکه
ببینید هر کس بهر شاخی از طوبی آویخته آنقدر که سایهٔ آن شاخ می افتد از هر جانب
خانها و قصرها و نعمتهای بهشت باو دهید پس بعضی از ایشان را از هر جانبی هزار ساله
راه عطا کنند و بعضی را دو برابر آن و بعضی سه برابر آن و بعضی چهار برابر آن و
همچنین هر کس را بقدر عملش و چون شاخهای زقوم بجهنم فرو رفتند منادی

از جانب خدا اند اگر درگذارای خزان جهنم بچنید هر کس امروز شاخی از زقوم چسبید
و بقدر حرارت و ظلمت آن شاخ از همه جانب برود از آتش خانها و منازل ایشان بیندازند بارها و
و عقربها و زنجیرها و غلها و داغها بر ایشان مهیا کرده‌اند پس برای بعضی یکساله راه و برای
بعضی دو ساله راه و صد ساله و بیشتر و کمتر و هر کس بقدر عملش عذاب میکنند و بعد از آن
باطراف زمین نگاه میکرد و گاهی میخندید و گاهی دلگیر میگردید پس فرمود خوشا آنانکه
اطاعت خدا میکنند و شاخهای طوبی و زقوم آنچه اند که خدای تعالی چون با ایشان اکرام
و شفقت میفرماید شیاطین متوجه ایشان شده اند که ایشان را گمراه کنند و خدای تعالی
ملائکه را فرموده که با شیاطین محاربه و مقاتله میکنند و شیاطین را میکشند و دور میسازند
و آنانکه معصیت میکنند و شیاطین ایشان را گمراه کرده بجهنم میفرستند بعد از آن فرمود
پس تعظیم امروز کنید و قدرش را بدانید و حرمتش بشناسید که بسیار مردم را
که امروز سعید شوند و بسیار مردم که امروز شقی گردند باب نهم در تزویج
و احکام متعلق بآن و مقصود از این باب ان شاء الله در ده فصل بیان میشود فصل اول

در فضا

در فضایل تزویج و کراهت عزوبت مرویست از اهل بیت طاهرین صلوات الله علیهم
اجمعین که چون کسی تزویج کند نصف دینش محفوظ گردد پس در نصف دیگر احتیاط
و ملاحظه خود نماید و دو رکعت نماز صاحب اهل و عیال افضل است از هفتاد رکعت عزب
و هیچ بنایی در اسلام پیش خدا دوستتر از نکاح نیست و هیچ خرابی دشمنتر از فرقت
و طلاق نه و خدای تعالی از غایت دشمنی با طلاق ذکر آن در قرآن بسیار فرموده
و اکثر خیر در زنان است و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرموده چه مانع است از اینکه
مؤمن تزویج کند شاید از او اولادی بهم رسند که بذکر و عبادت خدا زمین را سنگین کنند
و نیز فرموده تزویج کنید و تحصیل اولاد نمائید که روز قیامت من به بسیاری شما بر سایر
امم مفاخرت و مباهات کنم حتی طفلی که از شما ساقط شود و سقط شما غضبناک و خشم
آلود بر در بهشت ایستاده باو گویند داخل شو او گوید داخل نشوم تا اول والدین من
داخل شوند پس خدای تعالی ملکی را فرماید که والدینش را آورده داخل بهشت گرداند و اولاد
در زیر عرش در مکانی از مشک و عنبر و زعفران برای آبای خود استغفار کنند و نیز فرموده

رذل ترین اموات آنانند که در عزبی بمیرند و حضرت امام جعفر صادق ع فرموده
دوست ندارم که تمام دنیا و ما فیها از من باشد و یک شب عزوبت بخوابم و بعد از آن
فرموده دو رکعت نماز متزوج بهتر است از آنکه عزب شبها نماز گذارد و روزها روزه
گیرد و هر کس خواهد که پاک و پاکیزه پیش خدا رود باید زوجه برود و کسی که از ترس
پریشانی تزویج نکند بخدا گمان بد داشته باشد و فرموده که اگر پریشان باشید نکاح
کنید تا شما را غنی کرده انم و هر کس از اقربای خود برای رضای خدا وصله رحم تزویج
نماید خدای تعالی تاج ملک و پادشاهی بر سرش نهد و نیز دیده ام که خدای تعالی خواهد
خیر دنیا و آخرت برایش جمع کرداند طاعت کند با دلی خاشع و زبان ذاکر و جسدی
بر بلا صابر و زوجه مومنه که هر گاه نظر بر او کند مسرور شود و چون خدمتی فرماید
اطاعت شوهر کند و چون از او غایب شود خود را و مال او را محافظت کند و عطا
فرماید و نیز مرویست که بهترین شفاعتها آنست که میان دو کس سعی کنی تا تزویج
بهم رسد که هر کس این سعی کند بهر گامی که بردارد و بهر کلمه که گوید خدای تعالی برایش

عبادت

عبادت یکساله نویسد که شبها در نماز و روزها در روزه باشد و هزار حور عطا
فرماید هر کدام در قصری از در و یاقوت و هر کس عزبی را تزویج کند از جماعتی باشد
که خدای تعالی روز قیامت نظر رحمت بر ایشان دارد و از جمله سعادت مرد است
که دخترش در خانه شوهر حائض شود و هر کس در مفارقت میان زن و شوهر سعی کند
بغضب خدا و لعنت خدا گرفتار گردد و هر کس در اصلاح میان سعی کند اجر هزار شهید
یابد و هر گامی که بر دارد و کلمه گوید ثواب یکساله عبادت در یابد با روزه روزها
و نماز شبها **فصل دوم** در فضایل متعه و شرایط مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام
که هر کس متعه کند برای رضای خدا و مخالفت منکرین بهر کلمه که با او تکلم کند و هر
که دست بجانب او برد برایش حسنه نویسند و چون نزدیکی کند هر گناهی که کرده
آمرزیده شود و چون غسل کند بعدد هر مویی که در بدنش آب رسیده باشد
گناهان از وی ریزد و جبرئیل بحضرت پیغمبر ص گفت که خدای تعالی میفرماید
که هر کس از امت تو متعه کند گناهانش را آمرزم و کسی از حضرت امام جعفر صادق ع

از متعه سوال کرد فرمود که دوست ندارم که کسی از دنیا برود و سنتی از سنن رسول الله
مانده باشد که بجا نیاورده باشد و دیگری بحضرت گفت که قسم خورده ام که متعه نکنم
فرمود که عهد کرده که بطاعت خدا نکنی والله که اگر اطاعت نکنی معصیت کرده باشی
و مردی بخدمت امام محمد باقر معروض داشت که دختر عم من مال بسیار دارد
و بمن پیغام کرده که میدانی که بسیار مردم مرا خواستگاری کردند راضی نشدم و
رغبتی بمردان ندارم اما چون شنیده ام که خدای تعالی فرموده و رسول او متعه را حلال کرده است
و آنرا حرام کرده میخواهم که اطاعت ایشان و مخالفت این لئیم کنم و مرا متعه کن حضرت
فرمود برو و متعه کن که خدا بر هر دو صلوات و رحمت فرستد و نیز مرویست که از
کنیزان طلب اولاد کنید که در رحم ایشان خیر و برکت است و نیز مرویست که چون کسی کنیزی
بخرد باید که چهل روز نگذشته با او مباشرت کند باید بکری حلال کند که اگر نکند پس اگر زنا
کند گناهش بر او باشد و نیز بچند روایت آمده که متعه حلال است بر کسی که خدا او را از زوجه
مستغنی نکرده باشد یا آنکه بسفری رفته و از زوجه خود دور شده باشد و یکی از ائمه

طاهرین

طاهرین علیهم السلم بموالی خود نوشت که الحاح در متعه مکنید و از زنان خود دوری منمائید
که ایشان آزرده نشوند و حضرت امام جعفر صادق علیه السلم با اصحاب خود فرموده که شما را
که خدای تعالی از زن مستغنی کرده از متعه کردن شرم نمی آید و عار ندارید از آنکه در جاهای
نامناسب ببینید و ننگ در کردن شما باشد **فصل ششم** در اختیار زوجه و صفات
زنان مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلم که زنان را قیمت نباشد که زن خوب
بهترست از طلا و نقره و زن بد خاک از و بهترست و هم از ایشان علیهم السلم فرمودند
که زنان نجیب مناسب اختیار کنید که فرزند بخالو شبیه میشود و کسی که زن از برای مال
و جمال خواهد از آن محروم شود و اگر از برای دین و ایمان اختیار کند از مال و جمال بهره مند
گردد و حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه فرمود زن گندم گون سیاه چشم بزرگ
سرین میانه بالا اختیار کنی و اگر از و راضی نباشی مهرش بر من باشد که ایشان نجیب
باشند و بهترین زنان آنست که عفیفه و ولود باشند و در میان قوم خود عزیز
و در پیش شوهر مطیع بود و اگر شوهرش از و آزرده باشد خواب نکند تا او را

راضی کند و برای شوهر خود زینت کند و از نامحرم پوشیده باشد و چون با او
خلوت کند مطیع باشد و شب سرکش نباشد و بدترین زنان آنست که در وی
صفات خلاف این باشد کسی در خدمت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم گفت هر گاه بخانه
میروم زوجه‌ام استقبال میکند و چون بیرون می‌آیم مشایعت میکند و اگر مرا دلگیر میبیند
دلداری میکند و تسلی میدهد آنحضرت فرمود خدا را در زمین جمعی باشند که کارهای
او را انتظام دهد و این زن از جملهٔ ایشانست و او را نصف اجر شهیدی باشد
و برکت زن آنست که خفیف المؤنه باشد و ولادتش آسان و مهرش سبک باشد و شوم است
زن در آنکه مؤنتش بسیار و ولادتش دشوار و مهرش سنگین باشد **فصل چهارم**
در اوقات تزویج و آداب آن مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلم که سنت است
که تزویج در شب باشد که شب برای لذت و استراحت آفریده شده و اگر تزویج در
تحت الشعاع واقع شود طفل از ساقط گشتن ایمن نباشد و اگر قمر در عقرب باشد از آن
تزویج خیر نبیند و اگر در وقت گرمای روز باشد زود بمفارقت انجامد بلکه باید

که در طرفین

که در طرفین روز باشد که هوا ملایم باشد و چون اراده تزویج کند اول دو رکعت نماز گذارد و
و حمد خدا کند و بعد از آن بگوید اللهم انی ارید ان اتزوج اللهم فقدر لی
من النساء احسنهن خلقا و خلقا و اعفهن فرجا و احفظهن لی فی
نفسها و مالی و اوسعهن رزقا و اعظمهن برکة و اقض لی
منها ولدا طیبا تجعله لی خلفا فی حیاتی و بعد موتی و مستحب است کردن
تزویج بخطبه مشتمل بر حمد و صلوات و موعظه و ترغیب نکاح و این خطبه رضویه علیه السلم
افضل خطبهاست الحمد لله الذی حمد فی الکتاب نفسه و افتتح
بالحمد کتابه و جعل الحمد اول محل نعمته و آخر دعوی اهل جنته
و اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له شهادة اخلصها
له و ادخرها عنده و صلی الله علی محمد خاتم النبوة و خیر البریة
و علی آله آل الرحمة و شجرة النعمة و معدن الرسالة و مختلف الملائکة
و الحمد لله الذی کان فی کتابه الناطق و نبائه الصادق

لك من احق الاسباب بالصلة واولى الامور بالرغبة فيه والتقدم سببا
او انجب نسبا واكرم اعقب عقبى فقال جل وعز وهو الذي خلق من
الماء بشرا فجعله نسبا وصهرا وكان ربك قديرا وقال وانكحوا
الايامى منكم والصالحين من عبادكم وامائكم ان
يكونوا فقراء يغنهم الله من فضله والله واسع عليم ولو لم يكن
في المصاهرة والمناكحة اية محكمة ولا سنة متبعة ولا اثر
مستفيض لكان فيما جعل الله من بر القريب وتقريب البعيد وتاليف
القلوب وتشبيك الحقوق وتكثير العدد وتوفير الولد لنوائب الدهر
وحوادث الامور ما يرغب العاقل اللبيب ويسارع اليه الموفق المصيب
ويحرص الاديب الاريب فاولى الناس به من اتبع امره وانفذ
حكمه وامضى قضاءه ورجى جزاءه وفلان بن فلان من قد عرفتم
حاله وجلاله دعاه رضى نفسه واتاكم ايثارا لكم واختيارا

...ن نسئل الله ان
...م لنا ولكم
...اوفق الامور
...م امين

الخطبة

لخطبة فلانة بنت فلان كريمتكم وبذل لها من الصداق كذا
وكذا فشفعوه بالاجابة واجيبوه بالرغبة واستخيروا الله في
امركم يعزم لكم رشدكم ان شاء الله نسئل الله ان يلحم
ما بينكم بالبر والتقوى ويؤلفه بالمحبة والهوى ويختمه بالموافقة
والرضا انه سميع الدعاء لطيف لما يشاء **فصل پنجم** در آداب زفاف
مسنون [?] ولیت را اهل بیت طاهرین علیهم السلم کرد در شب زفاف پیش از انکه داماد و عروس
پیش هم ایند داماد دو رکعت نماز کذارد و بعد از ان حمد خدا کند و صلوات بفرستد
و بگوید اللهم ارزقنی الفها و ودها و رضاها بی واجمع بیننا باحسن
اجتماع وایسر ائتلاف فانک تحب الحلال وتکره الحرام
و جمعی که حاضر باشند امین بگویند و عروس نیز چنین کند اما اول دعا چنین بگوید
اللهم ارزقنی الفه و وده و رضاه بی تا اخر و چون پیش هم ایند دو
[illegible] دست بر پیشانی کذاشته بگوید اللهم علی کتابک تزوجتها وفی

اَمانَتِكَ اَخَذْتُها وَبِكَلِماتِكَ اسْتَحْلَلْتُها فَاِنْ قَضَيْتَ لي في رَحِمِها
شَيْئاً فَاجْعَلْهُ مُسْلِماً سَوِيّاً وَلا تَجْعَلْهُ شِرْكَ الشَّيْطانِ و اگر خواهد
بگوید اَللّٰهُمَّ بِاَمانَتِكَ اَخَذْتُها وَبِكَلِماتِكَ اسْتَحْلَلْتُها فَاِنْ
قَضَيْتَ لي مِنْها وَلَداً فَاجْعَلْهُ مُبارَكاً تَقِيّاً مِنْ شيعَةِ آلِ مُحَمَّدٍ
وَلا تَجْعَلْ لِلشَّيْطانِ فيهِ شِرْكاً وَلا نَصيباً و پای عروس را بشوید و آن
آب را در خانه تا آخر خانه بپاشد هفتاد قسم بلا از آن خانه بیرون رود و هفتاد قسم
برکت داخل شود و هفتاد رحمت بر سر عروس فرود آید که برکتش بهر گوشه خانه رسد و عروس
از جنون و جذام و برص ایمن گردد تا در آن خانه باشد و در هفته اول عروس از خوردن
شیر و سرکه و گشنیز و سیب ترش احتراز کند که رحم را سرد و عقیم گرداند که اگر سرکه خورده باشد
چون حایض شود دیگر از حیض پاک نشود و گشنیز ولادت دشوار کند و سیب ترش
حیض قطع کند فصل ششم در ثواب مباشرت و آداب و اوقات آن مرویست
از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که روزی زینب عطاره بخدمت حضرت رسول رفته

از زوج

از زوج خود شکایت کرد فرمود اگر فضایل مباشرت بدانی تقصیر نخواهی کرد گفت کدامست
آن فضایل فرمود هرگاه متوجه تو شود چنانست که در راه خدا شمشیر کشیده باشد و چون
مجامعت کند گناهان او بریزد مثل برگ از درخت و چون غسل کند از گناه پاک شود
و از آنحضرت صلعم مرویست که بابوذر رحمه الله فرمود که با اهل خود مقاربت کن تا ثواب
یابی ابوذر گفت با اهل خود صحبت دارم و ثواب نیز داشته باشم فرمود بلی همچنانکه حرام
گناه دارد حلال نیز ثواب دارد و نیز مرویست که هر کس زنان و کنیزان زیاده از آنکه با ایشان
تواند مجامعت کردن جمع کند و ایشان زنا کنند گناه ایشان در گردن آنکس باشد و اما
در آداب مباشرت مرویست که در وقت مجامعت اگر بسم الله نگوید شیطان در جماع او
شریک باشد و نطفه که بسته شود شیطان در آن شریک باشد و شرکت شیطان موجب کفر
و نفاق و عداوت اهل بیت علیهم السلام و لا اقل سبب فسوق و معاصی در فرزند باشد
و اگر بسم الله بگوید از شر و شرکت شیطان ایمن گردد و اگر باین عبارت که مرویست از امام
جعفر صادق ع بگوید افضل است که بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحيمِ اَلَّذي لا اِلٰهَ

إلا هو بديع السموات والأرض اللهم إن قضيت مني في هذه
الليلة خليفة فلا تجعل للشيطان فيه شركا ولا نصيبا ولا
حظا واجعله مؤمنا مخلصا مصفّى من الشيطان ورجزه جلّ
ثناؤك و نیز مرویست که اگر گوید بسم الله وبالله اللهم جنبني الشيطان
وجنّب الشيطان ما رزقتني اگر فرزند می‌شود هرگز آزاری از شیطان و
نرسد و اگر خواهد در وقت مجامعت گوید اللهم ارزقني ولدا واجعله تقيا
زكيا ليس في خلقه زيادة ولا نقصان واجعل عاقبته إلى
خير و در اثنای مجامعت حرف زدن موجب لالی و گنگی آن فرزند باشد
و نگاه کردن بفرج زن موجب کوری فرزند باشد و اگر مرد زودتر فارغ شود
باید صبر کند تا زن نیز حاجت خود برآرد که گاه باشد زن پیش از مرد برخیزد و مجامعتی
سیاه غلام باور خورد با او در آویزد و هر کدام خرقه جدائی بردارند و هر دو
یک خرقه استعمال کنند که اگر با هر دو زن بر سر هم افتد موجب عداوت میان شود

و دران خانه

و دران خانه کسی که ایشان را بیند یا صدای ایشان را بشنود خواه طفل و خواه غیر آن نباشد
که سبب زنا در فرزند شود و نیز مرویست که اگر محتلم شده باشد تا غسل نکند
جماع نکند که سبب جنون در فرزند باشد اما اگر بعد از مجامعت مرتبه دیگر خواهد وضو
کافی بود و در وقت حیض جماع کردن موجب جذام یا برص باشد در فرزند و در
روایات بسیار آمده که هر کس بغض و عداوت اهل بیت ع دارد و دیگر کسی که ولد الزنا
یا شرک شیطان باشد یا در ایام حیض نطفه ایشان بسته شده باشد و حضرت امام جعفر صادق
فرمود که اگر نعمت محبت ما را در دل خود یابید در خود را بسیار دعا کنید که باید
شما خیانت نکرده و مرویست که هر چیز بسیار بدن را ضرر کند که گاه باشد که موجب
هلاک گردد و دو شکم پر بحمام رفتن و شکم پر جماع کردن با زنان پیر جماع کردن
و نیز مرویست که ایستاده جماع کردن سبب بول فراش باشد در فرزند و بر بام
خانه مجامعت نکند که فرزند کور دل و بخیل شود و منافق و صاحب بدعت شود
و در آفتاب جماع نکند که فرزند در تمام عمر در پریشان باشد و در زیر درخت میوه دار

جماع نکند که فرزند جلاد و خون‌ریز شود و اگر زن حامله باشد بی وضو با او مجامعت نکند
که فرزند کوردل و بخیل شود و اگر از زن غیر شهوت بحرکت آید با آن شهوت با زن خود
مجامعت کند که فرزند مخنث یا دیوانه شود و اگر در کشتی نشسته باشد مجامعت نکند
و اگر جنب باشد با زن در میان جامه خواب قرآن نخواند که بیم آن بود که آتشی از آسمان
آید و هر دو را بسوزد و اگر زن جنب باشد از جای خود برخیزد تا آنجا سرد شود
و دیگری در آنجا نشیند اما اوقات مجامعت چند وقت مستحب است مجامعت کردن
شب جمعه بعد از نماز خفتن که فرزند از جمله اعاظم و اکابر دین شود و روز جمعه بعد از
عصر که فرزند از جمله مشاهیر علما شود و شب دوشنبه که فرزند حافظ قرآن و راضی
بقسمت خود باشد و شب سه‌شنبه که فرزند مومن و رحیم دل و سخی باشد و زبانش از
غیبت و بهتان پاک شود و شب پنجشنبه که فرزند از جمله علما یا اکابر شود و روز پنجشنبه
وقت ظهر فرزند کار بسیار مردم باشد و دین و دنیایش بسلامت بود و شیطان
نزدیکش نشود تا آنکه پیر شود و شب اول ماه مبارک رمضان نیز مستحبست مجامعت

کردن

کردن و در چند وقت مکروه است میان اذان و اقامت که فرزند بخون‌ریزی حریص
شود و میان طلوع صبح و طلوع آفتاب و از غروب آفتاب تا ذهاب شفق مغرب
و در وقت طلوع و غروب آفتاب که آفتاب زرد باشد و روزی که آفتاب گرفته شد
و شبی که ماه گرفته باشد و شبی که باد گرفته باشد و شب و روزی که زلزله شود یا بادهای
سرخ و زرد و سیاه وزد که در این اوقات فرزندان چنین باشند و در اول و میان
و آخر ماه که زن را فرزند آید بیم جنون و جذام باشد و در تحت الشعاع ماه که فرزند ساقط
شود و بعد از ظهر که فرزند احول باشد و در شب عید قربان که فرزندش شش انگشت
یا چهار انگشت باشد و در نصف ماه شعبان که فرزند شوم و معیوب باشد و روز آخر
شعبان که فرزند خون‌ریز و معین ظالمین باشد و اول شب که فرزند ساحر شود
و دنیا را بر آخرت اختیار کند و در شب و روز پیش از آنکه بسفر بیرون رود فرزند
معین ظالمان شود و شبی که فردایش بسفر می‌رود که فرزند مالش را در باطل و حرام
صرف کند فصل چهل و پنجم در طلب فرزند مروی است از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که چون

کسی را فرزند نشود هر صبح و شام نود و نه مرتبه بگوید سبحان الله و بعد از آن ده مرتبه
بگوید استغفر الله و بعد از آن سه مرتبه سبحان الله بگوید و بعد از آن یکمرتبه استغفر الله
راوی گوید مرا فرزند نمیشد باین طریقه عمل نمودم اولاد من بسیار شدند و بسیار مردم را
تعلیم کردم همه را فرزندان بسیار شد طریقه دیگر سجده کند و در سجده بگوید رب
هب لی من لدنک ذریة طیبة انک سمیع الدعاء رب لا تذرنی
فردا و انت خیر الوارثین راوی گوید چنین کردم و پسرم را روزی شد طریقه
دیگر انگشتر فیروزه نقش کند رب لا تذرنی فردا و انت خیر الوارثین
راوی گوید چنین کردم یکسال نگذشت که مرا پسری عطا شد و اگر خواهد فرزند پسر
شود پیش از آنکه حمل چهار ماه تمام شود دزن روی بقبله نماید و آیت الکرسی بخواند
و دست بر پهلویش گذاشته بگوید خدایا این طفل را محمد نام کردم خدای تعالی آنرا
پسر گرداند پس چون متولد شود اگر بعهد خود وفا کند و محمد نام کند خدای تعالی اورا
مبارک گرداند و اگر نام دیگر کند خدای تعالی اگر خواهد او را بگیرد و اگر نمیرد

طریقه دیگر در روایت که هر کس عزم کند که فرزند را محمد علی نام کند البته پسر شود طریقه
دیگر در وقت مجامعت که مهیای این کار شده باشد دست راست بر جانب پهلوی راست
ناف زن گذاشته هفت مرتبه انا انزلناه بخواند و بعد از آن صحبت دارد و چون
حمل ظاهر شود دستها هر مرتبه که در میان جا حرکت کند دست بر جانب ناف زن گذاشته
هفت مرتبه انا انزلناه بخواند بعد از آن راوی گوید که من چنین کردم موجب پسر زاییدن بکار
آمد و بسیار مردم کردند و همه را اولاد ذکور بسیار شد و درین مجموعه اذکار
دیگر و ادعیه دیگر مناسب این مقام تقریبات گذشته **فصل پنجم** در فضایل حمل
و ولادت و احکام متعلق بآن مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که چون زن
حامله شود ثواب کسی است که روزه گیرد و نفس و مال خود در راه خدای تعالی جهاد کند و چون
وضع حمل کند ثوابش را از بسیاری نتوان دانست و چون شیر دهد هر یکمرتبه که میدن
پستان چنان است که بنده از اولاد اسمعیل آزاد کند و چون طفل را از شیر بگیرد
فرشته ندا کند که اعمال از سر گیر که گناهت همه آمرزیده شد و اگر در عوض نمید

بمیرد شهید باشد و نیز مرویست که اگر زن در نفاس بمیرد و در حشر او را در قبر نگذارند
ملکه پیش خدا برند و آنجا باشد تا روز قیامت و در روز قیامت دیوان حسابش را
نگشایند و مرویست که زن حامله بسیار بخورد که فرزندش جمیل شود و اگر در ایام
حمل کندر بخورد فرزند قوی دل و عاقل شود و اگر پسر شود شجاع باشد و اگر دختر
باشد بزرگ سرین و در نظر شوهرش عزیز و صاحب منزلت گردد و چون وضع
حمل کند اول هفت عدد خرما بخورد که فرزند حلیم و عاقل شود و در روایتی دیگر عدد
آمده و در وقت ولادت تا زنان را از خانه بیرون کنند که اول مرتبه نظر زن بر عورت
طفل نیفتد و اگر وضع حمل دشوار باشد بر کوزه آب سه مرتبه بخواند بِسْمِ اللّٰهِ
الَّذِی لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْحَلِیمُ الْکَرِیمُ سُبْحَانَ اللّٰهِ رَبِّ السَّمٰوَاتِ
وَرَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِیمِ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ کَاَنَّهُمْ یَوْمَ
یَرَوْنَهَا لَمْ یَلْبَثُوا اِلَّا عَشِیَّةً اَوْ ضُحٰیهَا کَاَنَّهُمْ یَوْمَ یَرَوْنَ مَا
یُوعَدُونَ لَمْ یَلْبَثُوا اِلَّا سَاعَةً مِنْ نَهَارٍ وقدری از آن آب بیاشامد

وقدری

وقدری در میان هر دو پستان و میان کتفش بپاشند باذن الله تعالی باسانی
وضع حمل کند طریقه دیگر بنویسند و بر کمر آن زن بندند و چون وضع حمل کند زود
بگشایند بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ اِنَّ مَعَ الْعُسْرِ یُسْرًا یُرِیدُ اللّٰهُ بِکُمُ الْیُسْرَ
وَلَا یُرِیدُ بِکُمُ الْعُسْرَ وَیُهَیِّئْ لَکُمْ مِنْ اَمْرِکُمْ مِرْفَقًا وَهَیِّئْ
لَنَا مِنْ اَمْرِنَا رَشَدًا وَعَلَی اللّٰهِ قَصْدُ السَّبِیلِ یَسَّرَهُ اَوَلَمْ یَرَ الَّذِینَ کَفَرُوا
اَنَّ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضَ کَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ
کُلَّ شَیْءٍ حَیًّا اَفَلَا یُؤْمِنُونَ وَآیَةٌ لَهُمُ اللَّیْلُ نَسْلَخُ النَّهَارَ فَاِذَا هُمْ
مُظْلِمُونَ وَنُفِخَ فِی الصُّورِ فَاِذَا هُمْ مِنَ الْاَجْدَاثِ اِلٰی رَبِّهِمْ یَنْسِلُونَ
کَاَنَّهُمْ یَوْمَ یَرَوْنَ مَا یُوعَدُونَ لَمْ یَلْبَثُوا اِلَّا سَاعَةً مِنْ نَهَارٍ
طریقه انا انزلناه را بنویسند و بشویند و زن بیاشامد و از آن آب بفرج او نیز
بپاشند طریقه دیگر بر پشت او انا انزلناه بخوانند زود وضع حمل شود طریقه دیگر
بر پشت پیمانه که غله با آن کیل می کنند این صورت را بنویسند و زن بر سر آن

بشویند
...	...	...
...	...	...

فصل ششم در آداب تولد و نام کردن و عقیقه
و ختنه کردن و در روایت از اهل بیت طاهرین علیهم السلم که چون طفل متولد شود پیش از آنکه کامش را
بردارند بقدر عدسی چاوشیر به آب مخلوط کنند و دو قطره در دماغ راستش و یک قطره در
دماغ چپش بچکانند و در گوش راستش اذان و در گوش چپش اقامت گویند
از ترسیدن و از شر ام الصبیان ایمن شود و نیز در روایت است که اذان و اقامت گفتن
امان است از جنون و جن و شیطان و کام طفل را از تربت امام حسین ع و آب فرات
و اگر نیابند به آب باران بردارند و در روایت است که هر کس را به آب فرات کام بردارند
دوست اهل بیت علیهم السلم باشد و حضرت امیر المومنین علی ع فرمود که اگر کوفیان کام
اطفال خود را به آب فرات بردارند هر آینه شیعه ما می بودند و نیز در روایت است که کام
طفل را با خرما بردارید که حضرت پیغمبر ص کام امام حسن و امام حسین علیهما السلم با خرما
برداشت و نیز در روایت است که طفلی متولد شده باشد که نام کسی نگذارید که اگر بی نام ساقط
شود روز قیامت از پدر گله کند که چرا مرا نام نکردی و مستحب است که چون طفل متولد

شود

شود تا هفت روز نامش محمد و اگر دختر باشد فاطمه گویند بعد از آن اگر خواهند نام دیگر
گذارند و اول چیزی که فرزند از پدر میراث گیرد آنست که نام خوب گذارد که روز قیامت
هر کس را بنام خود و پدر آواز کنند و در روایت است که راست ترین نامها آنست که بندگی در او باشد
مثل عبد الرحمن و عبد الله و امثال آنها و افضل اسمها اسماء انبیا و ائمه علیهم السلم است
و در هر خانه که نام محمد یا یکی از انبیا باشد خدای تعالی هر صبح و شام ملکی بفرستد
تا اهل آنخانه را مبارکباد گویند و برای ایشان دعای خیر و برکت کنند و حضرت
امام محمد باقر علیه السلم از طفلی پرسید که چه نام داری گفت محمد گفت کنیت چیست
گفت علی فرمود از شیطان در پناه عظیم رفته چون شیطان بشنود که کسی یا محمد و یا علی آواز
کنند بگدازد مثل قلعی در آتش و اگر بشنود که بنام کسی از اعدای ما آواز کنند بر خود
ببالد و مسرور شود و نیز در روایت است که فقر داخل خانه نشود که در آن خانه نام محمد یا احمد
یا علی یا حسن یا حسین یا جعفر یا طالب یا عبد الله یا فاطمه باشد و نیز در روایت است که
حضرت پیغمبر ص فرمود کسی که چهار پسر باشد و نام مرا نگذارد بر من جفا کرده باشد

مردی از آنحضرت پرسید که پسری شده چه نام کنیم فرمود حمزه که دوست‌ترین
نامها است پیش من و در روایتی است که چون طفل را محمد یا فاطمه نام کنید رعایت آداب
و اکرام او بجا می‌آورید و فرزند را دشنام مدهید و مزنید و در روایات آمده
که اگر غنی و صاحب مکنت باشد روز هفتم طفل را عقیقه کند و اگر فقیر باشد هر وقت که مقدورش
شود خواه پسر باشد خواه دختر که فرزند در گرو عقیقه است چون عقیقه کند از گرو
بیرون آید و اگر کسی را عقیقه نکرده باشند او خود را عقیقه کند هر وقت که باشد تا آخر
عمر و افضل آنست که عقیقه پسر نر باشد و عقیقه دختر ماده و از عیوب سلامت باشد
و اگر مقدور نشود هرچه مقدور شود مجزی باشد هرچند فربه‌تر باشد افضل است
و در وقت ذبح گوید بسم الله وبالله والحمد لله والله اکبر ایمانا
بالله وثناء على رسول الله صلى الله عليه وآله والعصمة لامره
والشكر لرزقه والمعرفة بفضله علينا اهل البيت اللهم
لحمها بلحمه ودمها بدمه وعظمها بعظمه وشعرها بشعره

وجلدها

وجلدها بجلده اللهم اجعلها وقاء لفلان بن فلان و اگر پسر
بعد از این بگوید اللهم انك وهبت لنا ذكرا وانت اعلم بما وهبت
ومنك ما اعطيت وكل ما صنعنا فتقبله منا على سنتك و
سنة نبيك ورسولك صلى الله عليه وآله واخسأ عنا الشيطان
الرجيم لك سفكت الدماء لا شريك لك والحمد لله رب العالمين
و اگر خواهد چنین بگوید بسم الله وبالله اللهم عقيقة عن فلان لحمها
بلحمه ودمها بدمه وعظمها بعظمه اللهم اجعلها وقاء
لآل محمد صلواتك عليهم و ربع عقیقه را بقابله دهند و اگر قابله نباشد ربع
از مادر بهر کس که خواهد بدهد و اگر قابله یا در مرد یا یکی از عیال او باشد او را از عقیقه
حصه نبود و باقی گوشت عقیقه را بپزند و بجمعی از مؤمنان که لااقل ده کس باشند
صرف کنند و هرچند بیشتر باشد افضل است و افضل آنست که والدین مولود و هیچ یک
از عیال ایشان از آن گوشت نخورند و اگر استخوانهای او را نشکنند افضل است و هم در این

روز نام گذارند و سرش را بتراشند و بوزن موی سرش طلا یا نقره تصدق کنند و فضل
آنست که عقیقه و نام گذاشتن و سر تراشیدن هر سه در یک وقت باشد و هم در روز
هفتم ختنه کنند که گوشت بدنش زودتر نمو کند و زمین از بول کسی که ختنه نشده باشد
چهل روز نجس شود و بخدا شکایت نماید و در وقت ختنه کردن بگوید اَللّٰهُمَّ هٰذِهِ
سُنَّتُكَ وَسُنَّةُ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَاتِّبَاعٌ مِنَّا
لَكَ وَلِنَبِيِّكَ بِمَشِيَّتِكَ وَاِرَادَتِكَ وَقَضَائِكَ لِاَمْرٍ اَرَدْتَهُ وَقَضَاءٍ
حَتَمْتَهُ وَاَمْرٍ اَنْفَذْتَهُ فَاَذَقْتَهُ حَرَّ الْحَدِيدِ فِي خِتَانِهِ وَحِجَامَتِهِ
لِاَمْرٍ اَنْتَ اَعْرَفُ بِهِ مِنَّا اَللّٰهُمَّ طَهِّرْهُ مِنَ الذُّنُوبِ وَزِدْ فِي عُمْرِهِ
وَادْفَعِ الْآفَاتِ عَنْ بَدَنِهِ وَالْاَوْجَاعَ عَنْ جِسْمِهِ وَزِدْهُ مِنَ ا
الْغِنَى وَادْفَعْ عَنْهُ الْفَقْرَ فَاِنَّكَ تَعْلَمُ وَلَا نَعْلَمُ و اگر در آن وقت
نگفته باشد پیش از آنکه محتلم شود هر وقت که باشد بگوید و بخواند خدای تعالی او را از
تیزی آهن بقتل و غیر آن محفوظ دارد و مستحب است گوش راست مولود را سوراخ

کردن

کردن و فضل آنست که مادر خود شیر بدهد و شیر مادر بسیار برکت است و مرویست که شیر زن
باید صاحب دین و پاکیزه و متقیه باشد و احمق و دنی و فاسق نباشد که شیر در طفل اثر
کند و مرویست که کمتر از بیست و یکماه شیر دادن ظلمست بر طفل و نهایت حد شیر دو سال
تمام است و بیشتر از این نشاید مگر بضرورت **فصل نهم** در فضایل اولاد و تربیت
ایشان مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که چون خدای تعالی برای بنده خود
خیر خواهد او را از دنیا نبرد تا خلف صالحی عطا کند و فرزند خوب ریحانیست از
بهشت و گریه اطفال مؤمنان تا هفت سال تهلیل است و بعد از آن تا حد بلوغ استغفار است
برای والدین و بعد از آن هر حسنه که کند والدین در ثواب آن شریک باشند و اگر گناه
کنند ضرر با ایشان نرسد و کوفت اطفال کفارت گناهان والدین است و اگر فرزند
بمیرد والدین را از آن ثواب و درجات باشد حتی آن فرزندی که سقط شود بر در بهشت
ایستاده باشد و داخل نشود تا دست والدین خود را گرفته داخل بهشت شود و اگر بماند
برای ایشان دعا و استغفار کند و هر حسنه که کند سبب مغفرت و درجات برای

ایشان باشد و مرویست که حضرت عیسی علیه السلم بر قبری گذشت که صاحب معذب
بود و بعد از ان سال دیگر بران قبر گذشت عذاب از ایشان برخواسته بود مناجات
کرد و از سبب آن سؤال نمود وحی آمد که این شخص را فرزندی صالح است که یتیمی را
پناه داد و غمخواری کرد عذاب از و برداشتیم و مرویست که پسر نعمت است و دختر
حسنه از نعمت سؤال کنند و بر حسنه ثواب دهند و حضرت پیغمبر صلعم فرمود که کسی که
سه دختر یا سه خواهر عیالش باشند بهشت وراو واجب شود کسی پرسید که اگر دو تا باشد
چنین است فرمود بلی اگر دو تا هم باشند گفت اگر یکی هم باشد فرمود اگر یکی هم باشد
و نیز مرویست که هر کس دو دختر یا دو خواهر یا دو عمه یا دو خاله عیالش باشند او را
از دوزخ نگاه دارند و هر کس بفرزند خود احسان و مهربانی کند چنانست که
بوالدین خود کرده باشد و حضرت پیغمبر صلعم فرمود که اطفال را دوست دارید و بر
ایشان رحم کنید و چون با ایشان وعده کنید وفا کنید و هر کس بفرزند خود بسیار
محبت داشته باشد خدای تعالی بر او رحمت کند و اگر فرزند را ببوسد برایش

حسن

حسنه نویسند و اگر مسرورش کند روز قیامت مسرورش کنند و هر کس از بازار
چیزی گرفته برای اطفال و عیال خود بیاورد چنانست که برای جمعی محتاج را
صدقه برده باشد و فضل آنست که اول چیزی بدختران و زنان دهند و هر کس دختری را مسرور
کند چنانست که بنده از اولاد اسمعیل آزاد کند و اگر پسری را مسرور کند چنانست که از ترس
خدا گریسته باشد و هر کس از ترس خدا بگرید از اهل بهشت باشد و هر کس زنی را که با او قرابتی و خویشی
داشته باشد مسرور کند خدای تعالی روز قیامت او را مسرور کند و چون والدین فرزند را
تعلیم قرآن کنند در بهشت ایشان را دو حله بپوشانند که پرتو نور آن روی اهل بهشت را روشن کند
و مرویست که مردی روزی بخدمت حضرت پیغمبر صلعم آمد گفت من هرگز فرزند خود را نبوسیده ام
بعد از ان که او رفت حضرت فرمود که این مرد از اهل دوزخ است و مرویست که طفل را
لا اله الا الله یاد کند و آیت آخر سورهٔ بنی اسرائیل قل الحمد لله الذی لم یتخذ ولدا تا آخر تعلیمش کنند
تا زبانش فصیح شود و نیز مرویست که چون پسر را سه سال تمام شود امر کنید تا هفت مرتبه لا اله الا
الله بگوید و چون سه سال و هفت ماه و بیست روز تمام شود بگویید که هفت مرتبه بگوید محمد

رسول الله و چون چهار سال تمام شود هفت مرتبه بگوید صلی الله علیه و آله و چون پنج سال
تمام شود دست راست و چپ او بپرسید و چون بگوید رویش بقبله کنید و بگویید
که سجده کند و چون شش سال تمام شود رکوع و سجود یادش دهید و چون هفت سال
تمام شود بگویید که دست و روی بشوید و نماز کند و چون نه سال تمام شود وضوی نماز
یادش دهید و هرگاه که در نماز تقصیر و کاهلی کند بزنید و چون وضو و نماز یاد گیرد
گناهان والدینش آمرزیده شود و نیز مرویست که طفل را بگذارید تا هفت سال بازی کند
و هفت سال دیگر قرآن و کتاب و خط یادش دهید و هفت سال دیگر ملازم خود گردانید
که آداب اخلاق یاد گیرد و شرایع دین از حلال و حرام تعلیمش کنید و بعد از آن اگر آثار صلاح
و رغبت بدین و ایمان در او یابید در صدد تربیت او باشید و اگر نه دست از وی بردارید

فصل یازدهم در حقوق زوجین بر یکدیگر مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که
حق زوج بر زوجه این است که خدمت و اطاعتش کند و خلاف رضایش نکند و از خانه
او بی اذن او تصدق نکند و بکسی چیزی ندهد و اگر دهد گناهش از زن و ثوابش از شوهرش

باشد

باشد و ضبط خانه و حفظ مال او کند و اگر زن در خانه شوهر از برای خیر و مصلحتی خانه چیزی را
از جایی بجایی دیگر گذارد خدای تعالی بر او نظر رحمت کند و هر کس را خدا بر او نظر رحمت
کند هرگز عذابش نکند و از جمله حقوق آنکه خود را از زینت خالی ندارد و بهر چه معتاد
شود و دست از حنا نگذارد و اگر چه همین بمالیدن حنا در دست باشد و بی اذن شوهر
از خانه بیرون نرود و اگر رود ملائکه زمین و آسمان و ملائکه رحمت و غضب بر او لعنت
کنند تا وقتی که مراجعت کند زنی بخدمت حضرت پیغمبر صلعم فرستاد که شوهرم بسفر رفته
و مرا گفته که از خانه بیرون نروم تا او بیاید و پدرم بیمار شده اگر رخصت فرمایی پدر را
عیادت کنم حضرت فرمود در خانه بنشین و اطاعت شوهر کن مرتبه دیگر فرستاد و همین
جواب فرمود تا آنکه پدرش فوت شد فرستاد و اذن خواست که بنماز او حاضر شود
فرمود بنشین و اطاعت شوهر کن تا آنکه پدرش را دفن کردند آنحضرت پیش او فرستاد
که خدای تعالی ترا و پدرت را آمرزید بسبب آنکه اطاعت شوهر کردی و از جمله حقوق آنکه
بی اذن او روزه غیر واجب نگیرد و نذر نکند و قسم نخورد و بکسی چیزی ندهد و تصدق

کند و بنده آزاد نکند اگرچه از مال خود کش باشد و از جملهٔ حقوق آنکه خود را آلوده
ندارد اگرچه بر مرکب شتر باشد و حضرت پیغمبر صلعم زنی فرمود که گویا از جملهٔ شوفاتی
گفت شوفات چه کسانند گفت زنانی که چون شوهرشان ایشان را بخلوت طلبد بهانه
و مدافعه کنند تا شوهر را خواب ببرد پس ملائکه بر این زن لعنت کنند تا وقتی که شوهرش
بیدار شوند و از جملهٔ حقوق آنکه اگر شوهر از وی آزرده باشد خواب نکند تا عذر خواهی
کند و او را راضی گرداند اگرچه شوهر بر وی ظلم کرده باشد و اگر پیش از آنکه او را راضی کند
بخواند هیچ طاعت او قبول نشود و دو زن که شوهر گوید که من هرگز از تو خرسند نبوده‌ام
اعمالش همه باطل شود و زنی که شوهر را برنجاند و آزرده کند هیچ حسنه او قبول
نشود و اگر صوم دهر گیرد و همیشه نماز گذارد و بنده‌ها آزاد و مالها در راه خدا صدقه
کند تا آنکه او را از خود راضی کند و اگر شوهر بر زن ظلم کند و او را برنجاند مثل آن گناه
و عذاب برای او ثابت شود و هر کس بر بدخوئی زن صبر کند بمرتبه که صبر کند مثل ثواب
ایوب پیغمبر برایش بنویسند و بر زن هر شبانه روز مثل ریگ صحرای عالج گناه نویسند

واگر زن

و اگر زن بر شوهر سازگاری نکند و او را تکلیف چند کند که معاش وی و مرد در بر مشقت
و تعب دارد هیچ حسنه او قبول نشود که او را آتش نگاه دارد و تا دامی که در این حال
باشد در غضب خدا باشد و جهاد زن آنست که شوهرداری خوب کند و بر آزار و مشقت
او صبر کند و حضرت پیغمبر صلعم فرمود ای زنان تصدق کنید اگرچه از زینت خود اگر
خرمایی باشد که اطاعت شوهران کنید و الا که اکثر شما همه در دوزخ خواهید دید چون زنان
این سخن را شنیدند جمله گریستند یکی از ایشان بر خواست و گفت یا رسول الله ما با کفار
در دوزخ باشیم و پلید که ما کافر نیستیم فرمود شما کفران حق شوهران کنید زنی
دیگر گفت یا رسول الله ما با این مشقت و رنج حمل و رضاع و با آنکه فرزندان مشقت
صالح از ما بوجود آیند بدوزخ رویم پس حضرت توقف نمود و فرمود شما با بچه
اگر شوهر از ایشان برنجانید و نماز گذارید یکی از شما بدوزخ نرود و الصادفی از
آنحضرت پرسیدند که حقی که بر مرد عظیم تر است چیست فرمود حق پدر و بر زن
حق شوهر و اگر غیر خدا را سجده کردن جایز بودی امر کردمی تا زنان شوهر را

سجده کنند پرسید که حق زن بر مرد چیست فرمود از صد یکی نیست و زنی در
خدمت آنحضرت معروض داشت که شوهرم با من بی التفات بود و من بخبری ساختم
که او را با خود مهربان کنم فرمود ملائکه سموات و ارض بر تو لعنت کردند پس آن زن
رفته روزها روزه بگرفت و شبها عبادت میکرد و پلاس پوشید و سر خود را
تراشید این خبر بآنحضرت رسید فرمود هیچ سود ندارد حق زوجه بر زوج آنست
که نفقه و کسوه اش دهد اگر قصور باشد معیشت بطریق توسعه کند و او را محتاج دیگری
نگذارد و خود در آبرو و بباید که سبب عیش باشد و چنانچه او آرایش زن را دوست
دارد زن نیز آرایش او را دوست دارد و جهل و تقصیرات او را عفو کند و اگر اندک
خطایی و تقصیری کند عتاب نکند و نرنجاند و نزند و ترش روی و عبوس نکند
و حضرت پیغمبر ص فرمود بهترین مردان کسیست که با زن خوش سلوک کند و بدترین
مردان کسی است که زن را برنجاند و بزند و از جمله حقوق آنکه حلال و حرام و آداب
و احکام دین تعلیمش کند و در عیدها تهیه اسباب عید و سرور بقدر مقدور برایش مهیا

نماید

نماید **فصل دوازدهم** در بعضی نوادر مناسب این باب مرویست از اهل بیت
طاهرین علیهم السلم که خدای تعالی غیرت برای مردان عطا فرموده و آنچه
که بر یک زن زیاده از یکمرد حرام شده و زنان را غیرت نباشد مگر غیرت ایشان
حسد است و حسد اصل کفر است و آنچه رسیده است که زنان مومنه برای متعه و زن دیگر
غیرت نکنند و زنان غیر مومنه غیرت کنند روزی مردی در خدمت امام علیه السلم آمد
زن خود را تعریف بسیار کرد فرمود هیچ امتحانش کرده گفت نه فرمود پس امتحان
کن آنمرد رفت و زن دیگر کرد زن اول همان بحال خود ثابت بود و طیش و ناخوشی
نکرد آنمرد بخدمت حضرت آمد و حکایت کرد فرمود حالا رسید نیکوئی و نیز
مرویست که در کارها نیز با زن مشورت نکنید و اگر کنید خلاف ایشان کنید که
برکت در مخالفت ایشان است و از بدان ایشان بگریزید و از نیکان بر حذر باشید
و در خیر اطاعتشان نکنید تا در شر طمع نکنند و ایشان را بهر حمام و عروسی و عزا
رخصت مدهید و مجملاً مگذارید که هر وقت بهر جا که خواهند روند که موجب فساد

عظیم باشد و مردی که زن خود را بهر جا که خواهد رخصت دهد سرا زیر در
دوزخش افکنند **باب دویم در آداب** سفر و احکام متعلق بآن مرویست از اهل
بیت طاهرین علیهم السلام و این مجموع در ده فصل انشاء الله بیان شود **فصل اول**
در بعضی مقدمات سفر مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که عاقل را نشاید سفر کردن مگر
بسه وجه یا تحصیل زاد آخرت یا مرمت معیشت یا لذتی که حرام نباشد و نیز مرویست که سفر
کنید تا صحت یابید و حج کنید تا غنی گردید و نیز مرویست که خدای تعالی چون رزق کسی را در جایی
تقدیر کرده باشد و حاجتی برای او در آنجا برانگیزد که بضرورت بآنجا حرکت کند و نیز مرویست
که هر کس برای تجارت سفر دریا کند دین خود را در معرض تلف در آورده در تحصیل معاش
حرص ورزیده باشد **فصل دویم** در اختیار ساعت برای سفر مرویست از اهل بیت طاهرین
علیهم السلام که سفر و سایر مطالب در صبح شنبه و پنجشنبه مبارک است و روز شنبه اگر سنگی از
جای خود حرکت کند خدای تعالی او را بجای خود برساند و روز پنجشنبه ولی خدای تعالی
و رسول او و اهل بیت او و ملائکه علیهم السلام آنرا دوست دارند و حضرت پیغمبر صلعم بیشتر غزوات

در روز

در روز پنجشنبه متوجه میشدند و طوفی افتد و روز شنبه خدای تعالی آهن را برای حضرت
داود ع نرم گردانید که زره ساخت و سفر درین روز باسانی گذرد و احادیث بسیار وارد
آمده که روز چهارشنبه روز نحس است و خدای تعالی اکثر امم سابقه را درین روز عذاب
کرده و ارکان آتش را درین روز آفریده شد اما حدیثی دیگر روایت شده که روز چهارشنبه
نجد اشکایت کرد که بندگان تو مرا نحس میدانند فرمود تو نحسی برکا قران و سعدی
برای مؤمنان و در روایتی دیگر آمده که کسی از حضرت امام موسی ع پرسید که مردم سفر در
چهارشنبه آخر را شوم میدانند فرمود که بمخالفت جمعی که فالهای بد می زنند و خرها را
شوم میدانند هر که در چهارشنبه آخر سفر کند از آفات و عاهات بسلامت و عافیت
بقضای حوایج مراجعت کند و نیز مرویست که هر کس روز جمعه پیش از نماز جمعه بسفر رود
ملکی ندا کند که خدا ترا باز نگرداند و از حضرت پیغمبر صلعم مرویست که فرمود در روز دوشنبه
برای دشمنان ما آفریده شد و لشکرکان قریش درین روز برسن در آمدند و من درین
روز از مکه هجرت کردم و درین روز رحلت خواهم نمود و علی درین روز کشته خواهد شد

و امام حسن علیه السلام درین روز مسموم شود و درین روز حرکت کند و نیز مرویست که جمعی
درین روز عزم سفر کردند رفتند که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام را وداع کنند
فرمود شما را از امروز چون آید خیر و برکت را دیدید کدام روز شآمت امروز باشد که
حضرت پیغمبر صلعم درین روز از میان ما رفته و درین روز وحی از ما قطع شده و بروایت
دیگر قضیهٔ کربلا درین روز واقع شده و در روایت دیگر اهل بیت را هیچ بدبختی روی نداده
مگر درین روز امروز مروید که فردا شنبه است بروید که آهن در شنبه در دست
حضرت داود ع نرم شد و سفر آسان کند روز و هم از آنحضرت علیه السلام مرویست که
فرمود در روز دوشنبه سفر مکنید و از پی کاری مروید و شرح نحوست روز عاشورا
در فصل اعمال محرم گذشت اما نحوست روز چهارشنبه چنانکه مشهورست و در بعضی از کتب علما
مسطورست اما حدیثی بنظر نرسیده و در روایت دیگر آمده که با روزها دشمنی مکنید
تا با شما دشمنی نکنند و در روایات بسیار نیز آمده که تصدق کنید و هر روز که خواهید
بسفر روید که بتصدق همه بلاها دفع شود و نیز مرویست که هر کس قمر در عقرب بسفر

رود و در آن سفر خیر نبیند و اگر در تحت الشعاع بسفر رود در سفر او صعب و دشوار
گذرد و تحقیق علم نجوم در فصل جزئیات عادات گذشت **فصل ششم** در تحصیل رفیق
و تهیهٔ اسباب و بعضی مناسبات این باب مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام
که اول تحصیل رفیق کنید بعد از آن عزم سفر نمائید و نیز مرویست که سه کس ملعون‌اند
کسی که طعام خود را تنها خورد و کسی که تنها خوابد و کسی که تنها بسفر رود و چون
شیطان ایشان را تنها یابد در سفر یا در حضر حریف ایشان میشود و مرویست که یک
کس یک شیطان است و دو کس دو شیطان است و سه کس مصاحب‌اند و چهار کس رفیق‌اند
و نیز مرویست که بهترین رفقا چهارست و نیز مرویست که هیچ جمعی زیاده از هفت
کس نباشند مگر آنکه قال و قیل و غوغا در میان ایشان بسیار باشد و اگر کسی مضطر بسفر
بتنهائی شود بگوید ماشاء الله لا حول و لا قوة الا بالله اللهم
آنس وحشتی و اعنی علی وحدتی و ادّ غیبتی و از جملهٔ اسباب سفر
انگشتر عقیق و تربت مقدس با خود داشتن و در میان رختها دشنه باشد تا از دزد

و آفات محفوظ باشد چنانکه در مباحث سابقه گذشت و سلاح و مسواک و آینه و شانه
و سرمه و مقراض با خود بردارد و نیز مرویست که از جمله شرف مرد آنست که زاد
سفر توشه و آذوقه خوب تهیه کند و حضرت امام زین العابدین علیه السلام هرگاه که بحج و عمره
میرفتند توشه حلویات و امثال آنها برمیداشتند و حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود
که از جمله وصیت لقمان با پسرش این بود که چون بسفر روی شمشیر و موزه و عمامه
و خیمه و خیک آب و سوزن و ریسمان و دوز و آنچه ترا و رفقای ترا در کار باشد بردار
و با رفقا در کارها موافقت کن مگر در معصیت و نیز مرویست که هر کس در سفر عصای
بادام تلخ با خود دارد دور زمین برای وی طی شود و اگر در وقت بیرون رفتن
عصای بادام بگیرد و این آیه از سوره قصص بخواند وَلَمَّا تَوَجَّهَ تِلْقَاءَ مَدْيَنَ
تا وَاللّٰهُ عَلَىٰ مَا نَقُولُ وَكِيلٌ از هر سبعی درنده و حیوانی گزنده و دزد
برنده ایمن تا آنکه بخانه اش مراجعت کند و هفتاد و هفت فرشته در وقت مراجعت
با او باشند و برایش استغفار کنند و عصای بادام در دست داشتن و شیطان را

دور کند

دور کند و هر کس اعانت مؤمنی مسافری در حاجتی از حوائج او کند خدای تعالی هفتاد و
سه کربت از آخرت از او بردارد و از غموم و هموم دنیا و آخرت نجاتش دهد و کربت
روز قیامت از او برگیرد و هر کس بحال خود و ورثه او باشد و کشف حسرت نماید کربت
کند در روایت دیگر آمده که خدای تعالی بیست و سه کربت از دنیا و هفتاد کربت
از آخرت از او برگیرد و مرویست که چون مؤمن سفر کند لازم است که دوستان را
خبر کند و چون مراجعت کند بدیدنش آیند **فصل چهارم** در افتتاح سفر بدعا و صدقه
مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که چون کسی عزم سفر کند بگوید اَللّٰهُمَّ خَلِّ
سَبِيلَنَا وَأَحْسِنْ مَسِيرَنَا وَأَعْظِمْ عَافِيَتَنَا و نیز مرویست که در سفر هیچ
جانشینی برای اهل خود مگذار بهتر از آنکه وقت بیرون رفتن دو رکعت نماز کند و
و بعد از آن بگوید اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْتَوْدِعُكَ الْيَوْمَ دِينِي وَنَفْسِي وَمَالِي وَ
أَهْلِي وَوُلْدِي وَجِيرَانِي وَأَهْلَ حُزَانَتِي الشَّاهِدَ مِنَّا وَالْغَائِبَ وَ
جَمِيعَ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنَا فِي كَنَفِكَ وَمَنْعِكَ وَ

عِیاذِکَ وَعِزِّکَ عَزَّ جارُکَ وَجَلَّ ثَناؤُکَ وَامْتَنَعَ عائِذُکَ وَلا اِلهَ
غَیْرُکَ وَتَوَکَّلْتُ عَلَی الْحَیِّ الَّذی لا یَمُوتُ وَالْحَمْدُ لِلّهِ الَّذی لَمْ
یَتَّخِذْ وَلَداً وَلَمْ یَکُنْ لَهُ شَریکٌ فِی الْمُلْکِ وَلَمْ یَکُنْ لَهُ وَلِیٌّ
مِنَ الذُّلِّ وَکَبِّرْهُ تَکْبیراً اَللّهُ اَکْبَرُ کَبیراً وَالْحَمْدُ
لِلّهِ کَثیراً وَسُبْحانَ اللّهِ بُکْرَةً وَاَصیلاً هر چه درین دعا
سؤال کرده خدای تعالی عطا فرماید و حضرت امام محمد باقر ع چون اراده سفر
نمودی عیال خود را در خانه جمع نمودی و همین دعا میخواندی و ادعیه بیرون آمدن
از خانه در فصل عبادات گذشت و چون خواهد که از خانه بیرون آید تحت الحنک
ببندد و حضرت امام علیه السلام فرمود من ضامنم که چون کسی وقت بیرون رفتن تحت الحنک
ببندد از دزد و سوختن و غرق شدن ایمن باشد و سلامت باز گردد و اگر تنها
باشد المی بلا انسی و کرو و اندیشه باشد غیر خود در املاک نکند و چون از خانه
بیرون آید در در خانه رو براهی که میرود بایستد و الحمد و آیت الکرسی و قل هو احد

معوذتین

و معوذتین هر یک برابر رو و بجانب راست و چپ بخواند و بعد از آن بگوید
اَللّهُمَّ احْفَظْنی وَاحْفَظْ ما مَعی وَبَلِّغْنی وَبَلِّغْ ما مَعی وَسَلِّمْنی وَ
سَلِّمْ ما مَعی بِبَلاغِکَ الْحَسَنِ و هر چه با وی بسلامت مراجعت کند
و اگر بگوید بِاللّهِ اَسْتَفْتِحُ وَبِاللّهِ اَسْتَنْجِحُ وَبِمُحَمَّدٍ صَلَّی اللّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ
اَتَوَجَّهُ اَللّهُمَّ سَهِّلْ لی کُلَّ حُزُونَةٍ وَذَلِّلْ لی کُلَّ صُعُوبَةٍ
وَاَعْطِنی مِنَ الْخَیْرِ کُلِّهِ اَکْثَرَ مِمّا اَرْجُوا وَاصْرِفْ عَنّی مِنَ
الشَّرِّ اَکْثَرَ مِمّا اَحْذَرُ فی عافِیَةٍ یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ و کسی بخدمت
امام علی النقی ع عرض نمود که از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام در باره چند روز
نحس روایت شده و بسیار باشد که روزی از ایام حاجتی یا سفری ضرور شود فرمود شیعیان ما
چون اعتماد و وثوق بر خدا کنند و از روی اخلاص و یقین متمسک بولایت ما شوند
اگر بدریاهای موج پر طوفان و صحراهای خون آشام در میان سباع و اعادی انس و جن
روند که خدای تعالی ایشان را محافظت فرماید و هیچ ضرر بایشان نرسد صبح و شام

دعوتی بگوید اصبحت اللهم معتصما تا آخر چنانکه در اوراد صبح و شام
گذشت از هر مخوف و محذوری در حصن حصین باشی و اگر در یکی از روزهای سفر
عزم سفر کنی وقتی که خواهی روانه شوی الحمد و قل هو الله و معوذتین و آیت الکرسی
و انا انزلناه و این پنج آیه از سوره آل عمران ان فی خلق السموات والارض
تا لا تخلف المیعاد و بعد بخواند اللهم بک یصول الصائل و بقدرتک
یطول الطائل ولا حول لکل ذی حول الا بک ولا قوة الا بک
بصفوتک من خلقک وخیرتک من بریتک محمد نبیک و
عترته وسلالته اللهم صل علیه وعلیهم واکفنی شر هذا
الیوم وضره وارزقنی خیره واقض لی فی متصرفاتی بحسن
العافیة وبلوغ المحبة والظفر بالامنیة وکفایة الطاغیة
المغویة وکل ذی قدرة لی علی اذیة حتی اکون فی جنة
وعصمة من کل بلاء ونقمة وابدلنی فیه من المخاوف
امنا

امنا ومن العوائق فیه یسرا حتی لا یصدنی صاد عن المراد ولا
یحل بی طارق من اذی العباد انک علی کل شیء قدیر والامور الیک
تصیر یا من لیس کمثله شیء وهو السمیع البصیر و ایضا وقت بیرون آمدن
هر چه میسر شود تصدق کند و بگوید اللهم انی اشتریت سلامتی فی سفری
هذا بهذا از آفات ایمن گردد و حضرت سجاد علیه السلم چون بسفر رفتندی
پای مبارک در رکاب میکردند تصدق میکرد و چون سلامت رجوع مینمود شکرانه
آن تصدق دیگر میفرمود و اگر کسی بسفر حج و عمره رود و چون از خانه بیرون آید بگوید
لا اله الا الله الحلیم الکریم لا اله الا الله العلی العظیم سبحان
الله رب السموات السبع ورب الارضین السبع وما فیهن وما بینهن
ورب العرش العظیم والحمد لله رب العالمین وصلی الله علی
محمد واله الطاهرین اللهم کن لی جارا من کل جبار عنید
ومن کل شیطان مرید بسم الله دخلت وبسم الله خرجت ا

اللهم انی اقدم بین یدی نسیانی وعجلتی بسم الله وما شاء الله لا
حول ولا قوة الا بالله فی سفری هذا ذکرته او نسیته اللهم
انت المستعان علی الامور کلها وانت الصاحب فی السفر
والخلیفة فی الاهل اللهم هون علینا سفرنا واطو لنا الارض
وسیرنا فیها بطاعتک وطاعة رسولک اللهم اصلح لنا
ظهرنا وبارک لنا فیما رزقتنا وقنا عذاب النار اللهم انی اعوذ
بک من وعثاء السفر وکابة المنقلب وسوء المنظر فی الاهل
والمال والولد اللهم انت عضدی وناصری اللهم اقطع
عنی بعده ومشقته واصحبنی فیه واخلفنی فی اهلی بخیر لا حول
ولا قوة الا بالله اللهم انی عبدک وهذا حملانک والوجه
وجهک والسفر الیک وقد اطلعت ما لم یطلع علیه احد
غیرک فاجعل سفری هذا کفارة لما قبله من الذنوب وکن

عونا

عونا لی علیه واکفنی وعثه ومشقته ولقنی من القول والعمل
رضاک فانما انا عبدک وبک ولک فصل پنجم در وداع ومفارقت
مروی است از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که چون جمعی مسافر را وداع کنند بگویند زودکم
الله التقوی ووجهکم الی کل خیر وقضی لکم کل
حاجة وسلم دینکم ودنیاکم وردکم سالمین
واگر خواهد بگوید احسن الله لک الصحابة واکمل لک المعونة
وسهل لک الحزونة وقرب لک البعید وکفاک المهم وحفظ
لک دینک وامانتک وخواتیم عملک ووجهک لکل خیر
علیک بتقوی الله استودع الله نفسک سر علی برکة الله
عز وجل وچون مسافر روانه شود از عقبش آیة الکرسی بخوانند واذان
واقامت بگویند وبعد از آن بگویند اللهم الطف به فی تیسیر کل
عسیر فان تیسیر العسیر علیک یسیر اسئلک الیسر والعافیة

بعضی گفته اند چون از سفر [illegible] ان الذی فرض علیک القرآن لرادک الی [illegible]

والمعافاة الدائمة فی الدنیا والآخرة و چون مسافر از یاران جدا شود گوید
اللهم اعنّی علی اهوال الدنیا والآخرة و مصیبات اللیالی والایام
واکفنی شرّ ما یعمل الظالمون فی الارض **فصل ششم** در آداب سوار شدن
و از معصومین مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که چون پا در رکاب کند این را گوید
بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله والله اکبر و سایر آداب سوار شدن در
فصل خود گذشت و چون سوار شود و در مرکب قرار گیرد گوید بسم الله
ولا قوة الا بالله الحمد لله الذی هدانا للاسلام و منّ علینا بمحمد
صلی الله علیه وآله سبحان الذی سخّر لنا هذا وما کنّا له مقرنین
وانّا الی ربنا لمنقلبون والحمد لله رب العالمین اللهم انت الحامل
علی الظهر والمستعان علی الامر اللهم بلّغنا بلاغا نبلغ به الی الخیر
بلاغا نبلغ به الی رحمتک ورضوانک ومغفرتک اللهم لا طیر الا
طیرک ولا خیر الا خیرک ولا حافظ غیرک و چون در کشتی نشیند گوید

خرجت

خرجت بحول الله وقوته بغیر حول منّی وقوة ولکن بحول الله
وقوته برئت الیک یا رب من الحول والقوة اللهم انی اسئلک
برکة فی سفری و برکة اهلی اللهم انی اسئلک من فضلک
الواسع رزقا حلالا طیبا تسوقه الیّ وانا خافض فی عافیة
بقوتک وقدرتک اللهم انی سرت فی سفری هذا بلا ثقة منی
بغیرک ولا رجاء لسواک فارزقنی فی ذلک شکرک وعافیتک
ووفقنی لطاعتک وعبادتک حتی ترضی وبعد الرضا و چون
از شهر جدا شود گوید اللهم انی استودعک الیوم دینی ونفسی ومالی
ودنیای وآخرتی وخاتمة عملی فاحفظنی من کل آفة وعاهة
واعصمنی من کل ذنب وخطاء یا سمیع یا قریب یا حفیظ یا مجیب
من کل زلل
اجب دعائی یا کریم یا کریم یا کریم و نیز گوید اللهم بک
انتشرت والیک توجهت وبک اعتصمت اللهم انت ثقتی

ورجائي اللهم اكفني ما اهمني وما اهم له وما انت به مني اللهم زودني
التقوى واغفر لي ارحمني ويزكو بسم الله مخرجي وباذنه خرجت
وقد علم قبل ان اخرج خروجي وقد احصى علمه ما في مخرجي ومرجعي
توكلت على الاله الاكبر توكل مفوض اليه امره مستعين
به على شؤونه مستزيد من فضله مبرئ نفسه من كل حول ومن
كل قوة الا خروج ضرير خرج بضره الى من يكشفه وخروج
فقير خرج بفقره الى من يسده وخروج عائل خرج بعيلته الى
من يغنيها وخروج من ربه اكبر ثقته واعظم رجائه و
افضل امنيته الله ثقتي في جميع اموري كلها به فيها جميعا
استعين ولا شيء الا ما شاء الله في علمه اسئله خير المخرج والمدخل
لا اله الا هو واليه المصير [illegible] اللهم خرجت في وجهي هذا
بلا ثقة مني بغيرك ولا رجاء اوى اليه الا اليك ولا قوة اتكل

عليها

عليها ولا حيلة الجاء اليها الا طلب رضاك وابتغاء رحمتك و
تعرضا لرزقك وسكونا الى حسن عائدتك وانت اعلم بما
سبق لي في علمك في وجهي هذا مما احب واكره اللهم
فاصرف عني مقادير كل بلاء ومقضي كل لأواء وابسط
علي كنفا من رحمتك ولطفا من عفوك وحرزا من حفظك
وسعة من رزقك وتماما من نعمتك وجماعا من معافاتك
ووفق لي فيه يا رب جميع قضائك على موافقة هواي وحقيقة
املي وادفع عني ما احذر وما لا احذر على نفسي وديني ومالي
مما انت اعلم به مني واجعل ذلك خيرا لآخرتي ودنياي مع
ما اسئلك ان تخلفني فيمن خلفت ورائي من ولدي واهلي و
مالي واخواني وجميع حزانتي بافضل ما خلفت به غائبا من
المؤمنين في تحصين كل عورة وحفظ كل مضيعة

وتمام كل نعمة ودفاع كل سيئة وكفاية كل محذور
وصرف كل مكروه وكمال ما تجمع لي به الرضا و
السرور في الدنيا والآخرة ثم ارزقني شكرك وذكرك و
طاعتك وعبادتك حتى ترضى وبعد الرضا اللهم اني استودعك
اليوم ديني ونفسي ومالي واهلي وولدي وذريتي وجميع اخواني
اللهم احفظ الشاهد منا والغائب عنا اللهم احفظنا واحفظ
ما معنا اللهم اجعلنا في جوارك ولا تسلبنا ولا تغير ما بنا من
نعمة وعافية وفضل و آمین بگوید اللهم اسعدنا بهذه
الحركة وامددنا باليمن والبركة وقنا سوء القدر و
اكفنا مهمات السفر وقرب لنا البعد والنوى وسهل لنا البر
والبحر ووفقنا لطي المراحل وانزلنا خير المنازل واحفظنا
واجمع بيننا وبينهم باحسن امالنا وآتنا سالمين غانمين

تائبین

تائبين برحمتك يا ارحم الراحمين و چون بر سر راه رسد هفت عدد سنگ
ریزه بر دارد و بر هر یک ده مرتبه بگوید قل من يكلؤكم بالليل
والنهار من الرحمن بل هم عن ذكر ربهم معرضون و قل هو الله بخواند
و با خود نگاه دارد و از آفات محفوظ گردد و اگر در راه چیزی بیند که بفال خوش نباشد
بگوید اعتصمت بك يا رب من شر ما اجد من نفسي فاعصمني من ذلك
و بهر بلندی که بر آید تکبیر گوید و چون زیر آید تسبیح گوید و چون بر سر بلندیها رسد بگوید
لا اله الا الله والله اكبر والحمد لله رب العالمين اللهم لك الشرف
على كل شرف هرچه در پشت سر باشد از صحرا و کوه وغیر آن تهلیل و هرچه در پیش رو
باشد تکبیر و تکبیر گویند و چون بصحرای خوفناک رسد بگوید یا ارض ربي وربك
الله اعوذ بالله من شرك وشر ما فيك ومن شر ما خلق فيك ومن
شر ما يجاوز عليك اعوذ بالله من شر كل اسد واسود وحية
وعقرب ومن ساكن البلد ومن شر والد وما ولد افغير دين الله

يبغون وله اسلم من في السموات والارض طوعا وكرها
واليه يرجعون الحمد لله بنعمته وحسن بلائه علينا اللهم
صاحبنا في السفر وافضل علينا فانه لا حول ولا قوة الا بالله
بعد از ان سوره الهیکم التکاثر بخواند از شر سباع وهوام وحیات وعقارب ایمن
باشد وایضا از حضرت صادق ع مرویست که اگر در صحرا از جن یا انس خوف داشته
باشد دست راست بر فرق سر بنهد و باواز بلند این آیه بخواند افغير دين
الله تا اليه يرجعون واگر از غول یا جن ترسد اذان بگوید یا باواز بلند آیت
الکرسی بخواند و بعضی علما در کتب خود ذکر کرده اند که اگر کسی در محلی خوفناک
باشد یا در حربی واقع شود چهار سنگ ریزه بردارد و یکی را بجانب راست و دوم را
بجانب چپ و سیم را از بالای سر از پشت سر و چهارم را به پیش رو اندازد و هر
بگوید وقوله الحق وله الملک بسلامت از ان ورطه نجات یابد و آن لشکر شکست
یابد ان شاء الله تعالی وایضا اگر در راهی خوف باشد پنج سنگ ریزه بردارد بسر طریق

اول را که بردارد بگوید یا الله دوم را یا جبرئیل سیم را یا موسی چهارم را یا محمد پنجم را
یا ابراهیم و با خود نگاه دارد ان شاء الله ایمن شود و حرز از سباع و کلاب در فصل
حرز و تعویذ گذشت و اگر راه گم کند بگوید یا صالح یا ابا صالح ارشدونا
الی الطريق يرحمكم الله و اگر در دریا باشد بگوید یا حمزه که مرویست که
صالح بر صحراها و حمزه بر دریاها موکل است و اگر خواهد بگوید بسم الله ذی الشان
عظيم البرهان شديد السلطان كل يوم هو في شان ما
شاء الله كان وما لم يشأ لم يكن لا حول ولا قوة الا
بالله و اگر کسی پیاده باشد انا انزلناه بخواند از ماندگی ایمن شود و مرویست که رفقای
خود بجمعیت برود که اگر کسی در سفر تنها رود از رفیق خود جدا شود که از نظر
غایب شود اگر کشتن او کرده باشد در خونش شریک باشد و احادیث بسیار
رسیده که حق تعالی اول شب برای استراحت آفریده تا خود و چهار پایان استراحت
کنند و آخر شب را ره روید که راه در آخر شب در طی شود و آداب و حقوق دواب

در فصل چهارم گذشت **فصل هفتم** در آداب متعلق بمنزل هر روایت از اهل بیت
طاهرین علیهم السلام که چون بمنزل نازل شود بگوید اللهم انی اسئلک خیرها
واعوذ بک من شرها اللهم حببنی الی اهلها وحبب صالحی اهلها
الی وچون بمنزل نزدیک شود بگوید اللهم رب السماء وما اظلت
ورب الارض وما اقلت ورب الریاح وما ذرت ورب الانهار
وما جرت عرفنا خیر هذه القریة وخیر اهلها واعذنا
من شرها وشر اهلها انک علی کل شیء قدیر اللهم یسر لی
ما کان فیها من خیر ووفق لی ما کان فیها من یسر واعنی
علی حاجتی یا قاضی الحاجات ویا مجیب الدعوات ادخلنی مدخل
صدق واخرجنی مخرج صدق واجعل لی من لدنک سلطانا
نصیرا وچون فرود آید بگوید رب انزلنی منزلا مبارکا وانت خیر
المنزلین وابدأ بما ابتدئت به الصالحین وهنالک السلامة

والعافیة فی کل وقت وحین اعوذ بکلمات الله التامات
من شر ما خلق وذرأ وبرأ خدای تعالی خیر آن منزل روزیش کند وشر آن
ازو دفع گرداند وچون مکانی اختیار کند پس از آنکه نشیند دو رکعت نماز گذارد و
بعد از آن بگوید رب انزلنی منزلا مبارکا وانت خیر المنزلین و
ایضا اللهم ارزقنا خیر هذه البقعة واعذنا من شرها اللهم
اطعمنا من جناها واعذنا من وباها وحببنا الی اهلها و
حبب صالحی اهلها الینا خیرات آن منزل روزی وی شود وشرش مدفوع شود و چون
خواهد بنشیند بگوید بسم الله الذی لا یضر مع اسمه شیء فی الارض ولا
فی السماء واگر در منزل خوف سباع باشد بگوید اشهد ان لا اله الا الله
وحده لا شریک له له الملک وله الحمد بیده الخیر وهو علی
کل شیء قدیر اللهم انی اعوذ بک من شر کل سبع وما در آن
منزل باشد از ایشان ایمن باشد واگر از دزد خوف داشته باشد بگوید یا ودود ودود

العرش

یا ودود یا ذا المجید یا فعالاً لما یرید اسئلک بعزتک التی لا ترام وملکک
الذی لا یضام وبنورک الذی ملأ ارکان عرشک ان تکفینی شر اللصوص
یا مغیث اغثنی یا مغیث اغثنی و بسیار ذکر آیات برای حرز از دزد در فصل تعوید و
فصل آداب گذشت و چون خواهد از منزل کوچ کند دو رکعت نماز بگذارد و آن منزل و
اهل آن منزل و ملائکه آنرا وداع کند و در هر موضع جمعی از ملائکه باشند و بگوید السلام
علی ملائکة الله الحافظین السلام علینا و علی عباد الله الصالحین
فصل هشتم در آداب سفر دریا مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که چون داخل
کشتی شود بگوید بسم الله الرحمن الرحیم وما قدروا الله حق قدره والارض
جمیعاً قبضته یوم القیمة والسموات مطویات بیمینه سبحانه
وتعالی عما یشرکون بسم الله مجریها و مرسیها ان ربی لغفور
رحیم که امانست از غرق شدن و اگر امواج متلاطم شود بگوید یا حی لا اله الا
انت سبحانک انی کنت من الظالمین و آیت الکرسی بخوان و در روایت

دیگر

دیگر آمده که بر دست چپ تکیه کن و با دست راست اشاره بسوی جهنم نموده بگوئی
قری بقرار الله جل و عز و اسکنی بسکینة الله جل و عز ولا قوة
الا بالله العلی العظیم راوی گوید که در دریا بودم هرگاه موج بلند شد چنین گفتم
ساکن گشت چنانکه گویا هرگز نبوده فصل نهم در مکارم اخلاق و آداب رفاقت در
سفر مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که از جمله وصایای لقمان با پسر این بود
که با دوامی که سوار باشی قرائت کتاب خدا کن و مادام که مشغول کاری باشی ذکر و
تسبیح کن و در وقتی که بیکار باشی دعا کن و چون با جمعی رفیق باشی در کارها با ایشان مشورت
کن و با ایشان انبساط و شکفتگی کن و در کارها با ایشان مدد کن و در رفاقت چنان کن
که ایشان از تو نجاتی نیابند و تو ایشان را ذلیل نگردانی و خود نیز ذلیل ایشان نشوی و حضرت امام
جعفر صادق ع فرمود که کرم و مروت بفسق و فجور نیست بلکه مروت مرد آنست که
خوان نعمتش در بیرون خانه اش باشد و مروت دو قسم است در حضر و آن تلاوت قرآن و زیارت
و ملازمت مساجد و سعی در حوائج مؤمنان و در سفر و آن خوبی و بسیاری توشه است

و بذل آن بر فقرا و کتمان احوال ایشان بعد از مفارقت و کثرت مزاح نحوی که معصیتی
در آن نشود و فرمود چون با جمعی رفیق باشی اگر توانی که همیشه دست احسان تو بر سر ایشان
باشد چنان کن که رزق بقدر مروت و مؤنت بقدر معونت و صبر بقدر بلا نازل میشود و
کسی از آنحضرت سؤال کرد که در سفر با جمعی رفیق میشوم و با ایشان توسعه و احسان بسیار
میکنیم فرمود با چنین مردم مخلوط و مصاحب مباش که اگر ایشان نیز مثل تو سلوک کنند
از عهده بیرون نیایند و اگر نه ذلیل شوند بلکه با امثال خود مخالطت کن و همدست باش
یعنی اوضاع و برانجام شما در میان هم باشید بلکه همچنانکه در خانهای خود در حضر میباشید
و آن قدر که مقدور باشد احسان و اکرام و اطعام کنند و نیز مرویست که با کسی که در وسعت
مال از شما زیاده باشد مخالطت و رفاقت مکنید که سبب مذلت شما شود و با کسی که قدر
شما را چنانکه شما قدر او را میدانید نداند رفاقت مکنید که سبب مذلت شما شود فصل دوم
در رجوع از سفر مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که هر روز در ایام سفر برای
حفظ و وصول با اهل این دعا بخوانند یا جامعًا بین اهل الجنة علی تألیف

من

مِنَ القُلُوبِ وَ شِدَّةِ التَّوَاصُلِ لَهُم فِي المَحَبَّةِ وَ يَا جَامِعًا بَيْنَ طَاعَتِهِ
وَ بَيْنَ خَلْقِهِ لَهَا يَا مُفَرِّجَ حُزْنِ كُلِّ مَحْزُونٍ وَ يَا مُسَهِّلَ كُلِّ
غُرْبَةٍ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اِرْحَمْنِي فِي غُرْبَتِي بِحُسْنِ الحِفْظِ وَ الكَلَاءَةِ
وَ المَعُونَةِ لِي وَ فَرِّجْ مَا بِي مِنَ الضِّيقِ وَ الحُزْنِ بِالجَمْعِ بَيْنِي وَ بَيْنَ اَحِبَّائِي
يَا مُؤَلِّفًا بَيْنَ الاَحِبَّةِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ لَا تَفْجَعْنِي
بِانْقِطَاعِ رُؤْيَتِهِمْ اَهْلِي بِانْقِطَاعِ رُؤْيَتِي بِكُلِّ مَسَائِلِكَ اَسْئَلُكَ
وَ اَدْعُوكَ فَاسْتَجِبْ لِي وَ ذَلِكَ دُعَائِي اِيَّاكَ فَارْحَمْنِي بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْ
الرَّاحِمِينَ و مرویست که سفر قطعه از عذاب است و چون در سفر قضای حاجت
خود کرد بزودی مراجعت کنید و اگر مسافر شب داخل خانه شود باید خبر کند و
داخل شود و چون داخل شود بگوید آيِبُونَ تَائِبُونَ عَابِدُونَ رَاكِعُونَ
سَاجِدُونَ لِرَبِّنَا حَامِدُونَ اَللّٰهُمَّ لَكَ الحَمْدُ عَلَى حِفْظِكَ اِيَّايَ
فِي سَفَرِي وَ حَضَرِي اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ اَوْبَتِي هَذِهِ مُبَارَكَةً مَيْمُونَةً مَقْرُونَةً

بتوبة نصوح توجب لی بها السعادة یا ارحم الراحمین و بسیار ذکر
مشغول کاری شود و دو رکعت نماز گذارد و بعد از نماز در سجده صد مرتبه گوید شکراً
لله و تصدق کند و در روایتست که حضرت رسالت نقل کرد که احوال سفر از خیر و شر
و مستحبست تحفه و هدیه برای دوستان فرستادن و اگر کسی از سفر حج آمده باشد
او را پیش از غبار راه معانقه کند چنانست که استلام حجر الاسود کند و تهنیت
حاج چنین کند تقبل الله منک و اخلف علیک نفقتک و غفر ذنبک
باب یازدهم در فضایل حج و عمره و زیارت و مقصود از این باب ... است و در ده فصل بیان
شود فصل اول در فضایل حج و عمره مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلم که
هر کس حج یا عمره گذارد از کبر بری شود و از گناهان پاک شود چنانکه از مادر متولد شده
و نیز مرویست که ثواب حج بهشتست و عمره کفارهٔ گناهست و چون کسی مشغول
بر تهیهٔ اسباب حج شود در برابر هر کاری از آن هر گامی که بر دارد و بگذارد ده حسنه نویسند
و ده سیئه محو کنند و ده درجه بلند گردانند تا وقتی که از تهیهٔ اسباب فارغ شود

وچون

و چون روانه شود هر گامی که مرکب بر دارد و بگذارد همان حسنات نویسند و سیئات
محو کنند و چون طواف خانه و سعی صفا و مروه کند از گناه پاک شود چنانکه از مادر متولد
شده باشد و رمی جمرات ذخیرهٔ روز قیامت باشد و چون حلق کند بهر مویی روز
قیامت نوری عطا فرمایند و در روایتی دیگر آمده که چون تلبیه گویند بهر تلبیه ده حسنه نویسند
و ده سیئه محو کنند و چون هفت مرتبه طواف کند خدای تعالی از برای ایشان ذخیره کند
و محترم دارد که بعد از آن عذابش کند و چون در مقام ابراهیم دو رکعت نماز
گذارد ده هزار حج برایش نویسند و چون سعی صفا و مروه کند چنانست که هفتاد بنده
مومن آزاد کند و چون وقوف عرفات بجا آورد گناهانش آمرزیده شود اگر چه
مثل ریگ عالج و قطرهٔ باران و ستارهٔ آسمان باشد و چون رمی جمرات کند بهر جمره
ده حسنه نویسند و چون قربان کند بهر قطرهٔ خون حسنه نویسند و چون
از جمیع مناسک فارغ شود از همه گناهان پاک گردد و چهار ماه بعد از آن گناه
برا او ننویسند مگر آنکه کبیره کند و حاج و معتمر در جوار خدا و مهمان او باشند اگر

بمیرند به بهشت روند و اگر بمانند از گناه پاک باشند و اگر دعا کنند اجابت کنند
و اگر سؤال کنند عطا فرمایند و اگر خموش باشند ابتدا نمایند و اگر شفاعت کنند قبول
کنند و یک درهم که صرف کنند هزار هزار درهم برابر عوض دهند و در روایتی دیگر آمده که اگر
در وقت رفتن بمیرند آمرزیده شوند و اگر احرام بسته بمیرند لبیک گویان محشور
شوند و اگر در مراجعت بمیرند از همه گناهان پاک شوند و هر کس در راه رفتن یا آمدن
بمیرد از فزع اکبر ایمن باشد و نیز مرویست که هر مومن نعاد تلبیه کند خدای تعالی هزار هزار
ملک را گواه گیرد برای نجات او از نفاق و از آتش و چون بحرم رسد فرود آمده
غسل کند و کفش را در دست گرفته از روی تضرع پای برهنه داخل حرم شود خدای تعالی
صد هزار حسنه برایش نویسند و صد هزار سیئه محو کند و صد هزار درجه بلند کند
و صد هزار حاجتش برآورد و چون بمکه داخل شود با خشوع و تسلیم گناهانش را بیامرزد
و چون داخل مسجد الحرام شود و نظرش بر کعبه افتد همه گناهانش را بیامرزد و کفارت
گناهانش نماید و چون سعی صفا و مروه کند ملائکه برایش شفاعت طلبند و خدای تعالی

قبول

قبول کند و نیز مرویست که اول حاج سه قسم اند اول آنکه گذشته و آینده اش آمرزیده
شود دویم آنکه گناه گذشته اش آمرزیده شود سیم آنکه اهل و مالش از حوادث
محفوظ گردد و این قسمیست که حجش مقبول نشود و هر کس بعرفات حاضر شود دعایش
البته مستجاب شود خواه مومن و خواه مخالف مومن را در دنیا و آخرت و مخالف را در دنیا
و نیز مرویست که چون مومن وقوف عرفات بجای آورد از هر ولایت که باشد که اهل
آن ولایت از مومنان همه آمرزیده شود کسی از حضرت امام جعفر صادق پرسید که چه
گناه باشد که عظیمتر است فرمود که کسی مناسک حج بجا آورد و بعد از آن چنان داند یا شک
داشته باشد که گناهش آمرزیده نشده و چون اهل حج بمنازل خود نزول کنند ملائکه تهنیت وی
نمایند که اگر بمانند بیند که بچه در گاه آمده باید یقین کند که هر چه درین راه صرف کرده است
عوض یابد با مغفرت همه گناهان و نیز مرویست که یک درهم در حج افضل است از دو هزار
هزار درهم در غیر آن از وجوه بر و کسی از حضرت پیغمبر صلعم پرسید که من مال بسیار دارم
عملی نفرمائیم که اجر حج یابم فرمود که اگر کوه ابوقبیس تمام طلا شود و همه را در راه خدا

صرف کنی اجر حج یابی و در روایت دیگر آمده که اگر کسی به نیت غیر خالص و نفقه غیر طیب حج
گذارد حق تعالی گناهانش را بیامرزد و خلق از او راضی گرداند و اگر به نیت خالص و نفقه
طیب حج گذارد او را در افق مبین در زمرهٔ انبیا و صدیقین و شهدا و صالحین جا دهند
و نیز مرویست که اهل قبول آن دو کس اند که عوض تمام دنیا و ما فیها ایشان را یک حج میبود
و نیز مرویست که هر کس چهار حج گذارد از فشار قبر ایمن شود و چون بمیرد و حجهایی
که کرده با بهترین صورتی داخل او شوند و تا روز قیامت نماز کنند و ثواب نماز ایشان هم
از او باشد و هر رکعت آن نماز برابر با هزار رکعت نماز آدمی و اگر پنج حج گذارد
خدای تعالی هرگز عذابش نکند و اگر ده حج گذارد بی حساب داخل بهشت شود و هر کس بیست حج
کند هر یک حجی شهری در بهشت برایش بنا کنند در هر شهر خانهها و غرفهها بسیار باشد
که در آنها حوران باشند در خدمت هر یک سیصد کنیزک که بحسن و جمال ایشان هیچ چشمی ندیده
باشد و هر کس که از حج مراجعت کند در خاطر داشته باشد که بار دیگر حج کند عمرش زیاد
شود و اگر در خاطرش باشد که دیگر نیاید اجلش نزدیک شود غذایش مهیا باشد و حضرت

امام

امام جعفر صادق ع از کسی پرسید که چرا امسال حج نمی آیی آن کس گفت شغل عیال باعث
فرمود که چون تو بمیری که متکفل ایشان باشد ترک کن و زیارت قناعت کنید و هر سال ایشان را
بحج برید و مرویست که هر کس مستطیع باشد و هر پنجسال یکمرتبه حج نکند محروم باشد و هر کس
بسبب حاجتی از حوایج دنیا ترک حج کند اهل مناسک از حج فارغ شوند و هنوز حاجت او
بر نیامده باشد و هیچکس از حج باز نماند مگر بسبب گناهی که کرده و هر کس حجة الاسلام
نکرده باشد بی ضرورتی عظیم یا مرضی یا منعی از سلاطین بمیرد یهودی یا نصرانی محشور بشود
و مرویست که اگر کسی در حج کسی مانع شود در دنیا از آفتی ایمن نبود و یا عقوبتی در آخرت
برایش مهیا شود و کسی بحضرت امام جعفر صادق ع گفت مردی با من مشورت حج نمود
من گفتم تو پریشانی و بر تو دشوار است و مانع او شدم فرمود منتظر یکسال بیماری باش
پس یکسال بیماری کشیدم اما آداب و ادعیه مناسک حج چون طول دارد و ذکر آن
عظیم
درین مختصر مناسب نبود و لهذا اجتناب نمودیم **فصل دویم** در زیارت حضرت
پیغمبر ص از آنحضرت مرویست که فرمود هر کس مرا زیارت کند روز قیامت در جوار

من باشد و شفاعت من او را واجب شود و هر که شفاعت من واجب شود
بهشت او را واجب شود و هر کس در مدینه بمیرد از حساب ایمن باشد و هر کس مرا بعد از
وفات زیارت کند چنانست که با من هجرت کرده باشد و اگر استطاعت آمدن نداشته
باشد از دور سلام بمن فرستد که بمن میرسد و هم از آنحضرت است با امام حسن فرمود
ای فرزند هر کس مرا یا ترا یا پدرت یا برادرت را زیارت کند بر من لازم باشد که روز
قیامت او را زیارت کنم و از گناه پاک گردانم و بهشت او را واجب شود و در روایت
دیگر فرمود او را از اهوال و شداید قیامت ایمن گردانم و در درجه او را رفیق خود گردانم
و نیز مرویست که هر کس آنحضرت را زیارت کند چنانست که خدا را در عرش زیارت
کرده باشد

فصل سیوم در زیارت سایر اهل بیت صلوات الله علیهم

و هم از ایشان علیهم السلم مرویست که هر امامی را در گردن اولیا و شفعای خود عهدیست و از جمله
تمام و وفا بآن عهد زیارت قبور ایشان است پس هر کس زیارت ایشان کند شفیع او باشند
و هر کس یکی از ایشان را زیارت کند چنانست که رسول صلعم را زیارت کرده باشد و نیز مرویست

که هر کس

که هر کس یکی از ایشان را زیارت کند و دو رکعت نماز در آن روضه گذارد یک حج مقبول
برای او بنویسند و اگر چهار رکعت نماز گذارد یک حج و یک عمره نوشته شود و حضرت
پیغمبر بحضرت امیر المومنین صلی الله علیهما و آلهما الطاهرین فرمود یا علی خدای تعالی
قبر تو و قبور اولاد ترا بقعهای بهشت گردانیده و دلهای اصفیای خود در ایشان
مایل کرده که در محبت ایشان تحمل مشقتها کنند و قبور شما را تعمیر نمایند و زیارت ایشان
کنند یا علی ایشان اهل شفاعت و اهل حوض منند و ایشان همسایگان منند در بهشت یا علی هر کس
تعمیر قبور شما کند چنانست که در بنای بیت المقدس اعانت سلیمان ع کرده باشد و هر کس
زیارت قبور شما کند برابر است با هفتاد حج بعد از حجة الاسلام و از گناه پاک شود
مثل آنکه از مادر متولد شده باشد و نعیم بهشت برای اولیا شما و محبان شما مهیا است
که هیچ چشمی ندیده و هیچ گوشی نشنیده و بهیچ خاطر نرسیده و از حضرت فاطمه علیها السلام
مرویست که فرمود که هر کس سه روز بر من و بر پدرم سلام کند در ایام حیات یا بعد از
وفات ما او را بهشت واجب شود

فصل چهارم در زیارت حضرت امیر المومنین

صلوات الله علیهم روایتست از اهل بیت طاهرین علیهم السلم که هر مؤمن که زیارت
آنحضرت کند خدای تعالی برای او اجر صد هزار شهید نویسد و گناه گذشته و آینده اش را
بیامرزد و در زمره آمنین محشور شود و حسابش آسان گردد و در وقت رفتن
ملائکه استقبالش کنند و در وقت مراجعت مشایعتش نمایند تا بخانه اش رسانند و اگر بیمار
شود عیادتش کنند و اگر بمیرد تشییع جنازه اش نمایند و برای او استغفار کنند کسی
بحضرت امام جعفر صادق ع گفت از کوفه بخدمت تو آمدیم و زیارت حضرت امیر المؤمنین
نکردیم فرمود بد کردی اگر نه از اولیای ما می بودی نگاه بر تو نمیکردم زیارت
نمیکنی کسی را که خدا و انبیا و ملائکه و مؤمنان زیارتش میکنند و ایضا روایتست که چون
کسی پیاده بخدمت آنحضرت رود بهر گامی یک حج و یک عمره برای او نویسند و اگر
پیاده مراجعت کند بهر گامی دو حج و یک عمره نویسند و در روایت دیگر آمده که هر کس
بزیارت آنحضرت رود بهر گامی که بر دارد حج و عمره مقبول برای او نویسند و خدای تعالی
بآتش نبرد قدمی را که در زیارت آنحضرت غبار گرفته خواه سواره و خواه پیاده باشد

فصل

فصل پنجم

در زیارت حضرت امام حسین ع مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام
که هر کس زیارت آنحضرت کند و او را امام مفترض الطاعه داند کمترین اجرش آنست
که گناه گذشته و آینده اش آمرزیده شود و زیارت آنحضرت فرضست بر هر مسلم و
حضرت صادق ع از کسی پرسید که چند حج کرده گفت نه فرمود که اگر بیست حج تمام
کنی مثل یک زیارت امام حسین است و در روایت دیگر آمده که زیارت آنحضرت با بیست
حج و عمره و بروایت دیگر برابرست با بیست و پنج حج و نیز مرویست که حضرت صادق ع فرمود
زیارت آنحضرت مثل حج و عمره است و اضعاف مضاعف آن راوی گوید پرسیدم
که مثل چند حج و عمره است فرمود که نمیتوان شمرد گفتم صد فرمود که میتوان شمرد گفتم هزار
فرمود بیشتر بعد از آن فرمود نعمتهای خدا را هر چند شماری تمام نشود و نیز مرویست که زیارت
آنحضرت برابرست با آنکه هزار بنده آزاد کنی و هزار اسب با زین و لجام در راه خدا
بجهاد فرستی و امانست از هدم و غرق و خوف و حرق و همه آفات و موجب
درازی عمر و زیادی رزقست و ایام زیارت آنحضرت داخل ایام عمر نیست و ترک

زیارت آنحضرت سبب نقصان عمر و رزق است و حضرت امام علیه السلام فرمود که اگر
بگویم کسی که ترک زیارت آنحضرت کند سی سال پیش از اجل خود بمیرد درست گفته باشم
و اگر کسی زیارت آنحضرت نکرده بمیرد ایمانش ناقص باشد و اگر به بهشت رود در مرتبه اش
از مؤمنان پست تر باشد و نیز مرویست که اگر کسی زیارت آنحضرت و در برای نام
و شهرت و غرض دنیا بود از گناه پاک شود مثل جامه شسته از کثافت و بهر گامی که بگذارد
یک حج و چون بردارد یک عمره نوشته شود و شفاعتش برای پنجاه کس از گناهکاران
مقبول است و هیچ چیز از آن روضه از خدا نخواهد مگر آنکه عطا فرماید و بهر درهمی که در آن
راه صرف کند ده هزار برابر در بهشت عوضش دهد و چهار هزار فرشته و بروایتی دیگر
هفتاد هزار فرشته با موهای ژولیده غبارآلود بر قبر آنحضرت موکلند و گریه میکنند
تا روز قیامت و چون کسی بزیارت او رود استقبالش کنند و اگر بیمار شود هر صبح و عصر
عیادتش نمایند و چون بمیرد برای او نماز گذارند تا روز قیامت برایش استغفار
کنند و نیز مرویست که هر کس بزیارت آنحضرت رود هزار ملک از راست و چپ با او

اند

رفاقت کنند و خدای تعالی هزار حج و هزار عمره برایش نویسند که با پیغمبر یا وصی
پیغمبر کرده باشد و ایضاً مرویست که چون کسی تهیه زیارت آنحضرت کند اهل آسمان
یکدیگر را مژده دهند و چون از خانه بیرون آید خواه سواره و خواه پیاده خدای تعالی
چهار هزار فرشته موکل گرداند که بر او صلوات فرستند تا بروضه مقدسه رسد و چون
بدر روضه رسد ایستاده بگوید اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا وارِثَ آدَمَ صَفِیِّ اللّٰهِ
تا آخر چنانکه در فصل آداب زیارت انشاء الله بیاید بعد از آن بجانب قبر مقدس
آنحضرت روانه شود و بهر گامی که بگذارد و بردارد ثواب آن دارد که در راه
خدا در خون خود غلطیده باشد و بعد از آن دست بر قبر مقدس گذاشته بگوید
اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا أبا عَبْدِ اللّٰهِ تا آخر چنانکه بیاید بعد از آن بکنار قبر
مشغول نماز گردد خدای تعالی و ملائکه بر او صلوات فرستند تا وقتی که فارغ شود
و هر رکعت نماز که در آن روضه گذارد ثواب هزار حج و هزار عمره و عتق هزار رقبه
و هزار ایستادن در معرکه جهاد با پیغمبری مرسل باو عطا فرماید و چون از آنجا برخیزد

ملکی ندا کند که ای بندهٔ مومن خوشا بحال تو اگر گناهان گذشته و آینده ات آمرزیده
شد و اگر در آن سال بمیرد خدای تعالی خود متوجه قبض روحش شود و چون روح از جسد جدا
شود ملائکه با او رفاقت کنند و بر او صلوات فرستند تا بخانهٔ خود رسد پس در
خانهٔ او مقام نموده تسبیح و تهلیل و تقدیس خدا میکرده باشند تا وقتی که اجلش
برسد و ثواب آن همه از او باشد و بعد از آن در تغسیل و تکفین و نماز بر او حاضر باشند
و بعد از آن در قبر او مقیم شوند و ذکر و تسبیح و تقدیس میکرده باشند تا روز
قیامت و ثوابش همه برای او نوشته شود و نیز روایتی دیگر آمده که نماز فریضه
در پیش قبر مقدس آنحضرت برابرست با حج و نافله برابرست با عمره این بود
فضایل زیارت مطلق آنحضرت و فضایل زیارت مخصوصه در اعمال مشهور گذشت

فصل ششم در زیارت حضرت امام رضا ع کسی از حضرت امام محمد التقی ع
پرسید زیارت حضرت امام حسین ع افضل است یا زیارت حضرت امام رضا
فرمود زیارت پدرم افضل است که حضرت امام حسین علیه السلام را همه کس زیارت

کند

کنند و زیارت پدرم مخصوص شیعیان و دوستان ماست و نیز مرویست که
هر کس زیارت آنحضرت کند و بامامت او معترف باشد گناهان گذشته و آینده اش
آمرزیده شود و اگرچه بعدد ستارهٔ آسمان و قطرهٔ باران و برگ درختان باشد و در روز
در برابر رسول منبری برای او نصب کنند تا وقتی که خدای از حساب خلق فارغ شود و آنحضرت
خود فرموده که هر کس مرا در غربت زیارت کند ثواب صد هزار حج و صد هزار شهید و صد هزار
صدیق و صد هزار جهاد در راه خدا باو عطا فرمایند و با ما محشور گردد و در درجات
رفیع بهشت رفیق ما باشد و من و پدران من شفیع او باشیم و هر کس ما شفیع او باشیم نجات
یابد اگرچه مثل گناه جن و انس داشته باشد و هم آنحضرت ع فرمود که هر کس مرا زیارت کند روز
قیامت سه وقت در سه جا نزد او آیم و از اهوال و شداید خلاصش گردانم وقتی که نامهای اعمال در چپ و راست
متفرق باشند و وقتی که اعمال خلق را بمیزان بسنجند و وقتی که قدمها بر صراط میلغزیده باشد
و نیز فرموده که زیارت من برابرست با هزار حج و هزار عمره راوی گوید از حضرت امام
محمد تقی ع از روی تعجب پرسیدم که چنین حدیثی از پدرت روایت کنند فرمود بلی

و شد که بهتر از هزار حج برابر است برای کسی که حق او را شناسد و بداند که امام مفترض الطاعة است
و نیز مرویست که هر کس زیارت آنحضرت کند و شب بران روضه بگذراند چنانست که خدا را در عرش
زیارت کند و نیز مرویست که زائران ائمه طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین در بهشت همنشین و هم
صحبت ایشان باشند و زائر حضرت امام رضا در درجه ایشان همه بلندتر باشد و هر کس داخل آن
روضه شود در روز قیامت از وی بگذرد و حضرت پیغمبر فرمود فرزندی از من در خراسان مدفون
شود و هیچ مؤمنی او را زیارت نکند مگر اینکه خدای تعالی بدنش را بر آتش حرام کند و بهشت را برای
او واجب گرداند و هیچ مکروهی زیارتش نکند مگر آنکه گرهش را فرج دهد و هیچ گناهکاری زیارتش
نکند مگر که گناهش را بیامرزد و حضرت امام جعفر صادق فرمود فرزندی از من در طوس کشته
شود و هر کس او را زیارت کند حق او در روز قیامت دستش را گرفته داخل بهشت کنیم اگر چه
اهل گناه کبایر بوده باشد و هر کس را حاجتی باشد زیارت آنحضرت کند و نزد سر مبارک آن حضرت دو رکعت
نماز گذارده در قنوت حاجت خود را طلب کند مستجاب شود اگر معصیت یا قطع رحم نباشد
فصل هفتم در آداب و کیفیت زیارت اهل بیت طاهرین صلوات الله علیهم مستحب است برای
زیارت

زیارت هر یک از ایشان علیهم السلام غسل کردن و در وقت غسل کردن بگوید اللهم
طهرنی وطهر قلبی واشرح صدری واجر علی محبتک وعلی لسانی
مدحتک والثناء علیک فانه لا قوة الا بک وقد علمت ان قوة
دینی التسلیم لامرک والاتباع لسنة نبیک والشهادة علی جمیع خلقک
اللهم اجعله لی طهورا وشفاء ونورا انک علی کل شیء قدیر
وصلی الله علی محمد وآله اجمعین و جامه‌های پاک پوشیدن و تعطر کردن
و با وقار و سکینه ذکر تسبیح و صلوات بر زبان متوجه گردیدن و در زیارت حضرت امام حسین
مستحب است تعطر نکردن و لکن با جامه کهنه شدن و لذتها و ترک نهایا خضاب نمودن
و بحالت مصیبت زدگان متوجه گشتن و چون بر در روضات مقدسات رسد و
اذن طلبد بگوید اللهم انی وقفت علی باب بیت من بیوت نبیک و
قد منعت الناس ان لا یدخلوه الا باذنک فقلت یا ایها الذین آمنوا
لا تدخلوا بیوت النبی الا ان یؤذن لکم اللهم وانی اعتقد
حرمة

حرمة نبيك في غيبته كما اعتقدها في حضرته واعلم ان
رسلك وخلفائك احياء عندك يرزقون فرحين بما آتيهم من
فضلك ويستبشرون بالذين لم يلحقوا بهم من خلفهم الا خوف عليهم
ولا هم يحزنون وانتم ترون مكاني وتسمعون كلامي و
تردون على سلامي وانك حجبت عن سمعي كلامهم وسلامهم
وفتحت سمعي بلذيذ مناجاتهم واني استاذنك واستاذن رسولك
وخلفائك المفروض على طاعتهم واستاذن الملائكة المتوكلين
بهذه البقعة السلام عليكم ايها الملائكة الموكلون
بهذا المشهد الشريف باذن الله واذن خلفائه ادخل هذا البيت
فكونوا ملائكة الله اعواني وكونوا انصاري حتى ادخل
وادعوا الله بفنون الدعوات واعترف لله بالعبودية وللنبي
والائمة بالطاعة و در وقت دخل شدن بگو بسم الله وبالله وعلى

ملة

ملة رسول الله صلى الله عليه واله اشهد ان لا اله الا الله وحده
لا شريك له واشهد ان محمدا عبده ورسوله وان عليا ولي الله
پس رو بضريح مقدس پشت بقبله ايستاده زيارت كند وبعد از ان نماز زيارت
بگذارد و در عقب آن بقدر که تواند از برای خود و والدين واقربا وساير مؤمنان
سعی نمايد و در كتب مزار چنين گفته اند كه نماز در بالای سر بايد گذارد اما در توقيعات
از حضرت صاحب الزمان صلوات الله عليه كسی پرسيد كه نماز در چه موضع بگذاريم فرمود
پيش روی قبر و بالای سر و پايين پا نشايد ايستاد كه پيش روی امام و پهلوی او نتوان ايستاد
بلكه در پس پشت قبر نماز بكنيد و ذكر زيارتنامه های ايشان عليهم السلام تفصيل از حوصله
اين رساله بيرون است و كتب مزار آن مشحون است ليكن بجهة آنكه اين رساله از فضايل ذكر آن
يكباره محروم نباشد بروايت مختصری از ان مشرف شود و زيارت حضرت پيغمبر كه
مرويست از حضرت امام رضا عليه السلام السلام عليك يا رسول الله السلام
عليك يا حبيب الله السلام عليك يا صفوة الله السلام عليك

يا امين الله السلام عليك يا حجة الله اشهد انك قد نصحت
لامتك وجاهدت في سبيل الله وعبدته مخلصا حتى اتاك
اليقين فجزاك الله افضل ما جزا نبيا عن امته اللهم صل على
محمد وال محمد افضل ما صليت على ابراهيم وال ابراهيم انك
حميد مجيد و مرویست از حضرت صادق علیه السلم كه بعد از ان كه سلام كردی
در بالای سر مبارك و دوش چپ بقبر مقدس داده و روی بقبله كند بگوی اشهد
ان لا اله الا الله وحده لا شريك له واشهد انك قد بلغت
رسالات ربك ونصحت لامتك وجاهدت في سبيل الله
وعبدت الله مخلصا حتى اتاك اليقين بالحكمة والموعظة الحسنة
وادیت الذی علیك من الحق ورؤفت بالمؤمنين وغلظت
على الكافرين فبلغ الله بك افضل شرف محل المكرمين
الحمد لله الذي استنقذنا بك من الشرك والضلالة اللهم

واجعل

واجعل صلواتك وصلوات ملائكتك المقربين وانبيائك
المرسلين وعبادك الصالحين واهل السموات والارضين و
من سبح لك يا رب العالمين من الاولين والاخرين على محمد
عبدك ورسولك ونبيك وامينك ونجيك وحبيبك وصفيك
وخاصتك وصفوتك وخيرتك من خلقك اللهم واعطه الدرجة
الرفيعة واته الوسيلة من الجنة وابعثه مقاما محمودا يغبطه به
الاولون والاخرون اللهم انك قلت ولو انهم اذ ظلموا انفسهم
جاؤك فاستغفروا الله واستغفر لهم الرسول لوجدوا الله توابا
رحيما الهي فقد اتيت نبيك مستغفرا تائبا من ذنوبي فصل على
محمد وال محمد واغفرها يا سيدي توجهت بك وبال بيتك الى الله
تعالى ربك وربي ليغفر لي ذنوبي و بعد از ان پا بقبر مقدس برده از روی
خضوع و اعتماد بران ولیست كرمی بان پشت بقبر داده و روی بقبله كند بگوید اللهم الیك

الحاجات امری وبقبر نبیک اسندت ظهری وقبلتک التی رضیتها لمحمد
صلی الله علیه واله استقبلت وجهی اللهم لا تبدل اسمی ولا تغیر
جسمی ولا تتبدل بی غیری اصبحت وامسیت لا املک لنفسی خیرا
ارجوا ولا اصرف عنها شرا احذر الا بک وحدک لا شریک لک
اللهم ردنی منک بخیر فانه لا راد لقضائک اللهم زینی بک بالتقوی
وجملنی بالعافیة واغمرنی بالنعم وارزقنی شکر العافیة انک
علی کل شیء قدیر وهر حاجت که داشته باشد درین موضع طلب کند که زاوا
رین اماکن باجابت این مکان است و در زیارت امیر المؤمنین صلوات الله علیه گوید السلام
علیک یا امین الله فی ارضه وحجته علی عباده السلام علیک
یا امیر المؤمنین اشهد انک جاهدت فی الله حق جهاده و
عملت بکتابه واتبعت سنن نبیه صلی الله علیه واله
حتی دعاک الله الی جواره وقبضک الیه باختیاره والزم

اعدائک

اعدائک الحجة مع ما لک من الحجج البالغة علی جمیع خلقه اللهم
فاجعل نفسی مطمئنة بقدرک راضیة بقضائک مولعة بذکرک
ودعائک محبة لصفوة اولیائک محبوبة فی ارضک وسمائک
صابرة علی نزول بلائک مشتاقة الی فرحة لقائک متزودة
التقوی لیوم جزائک مستنة بسنن اولیائک مفارقة لاخلاق
اعدائک مشغولة عن الدنیا بحمدک وثنائک بعد ازان رو بقبر مقدس
کند و گوید اللهم ان قلوب المخبتین الیک والهة وسبل الراغبین
الیک شارعة واعلام القاصدین الیک واضحة وافئدة العارفین
منک فارغة واصوات الداعین الیک صاعدة وابواب السماء
للاجابة لهم مفتحة ودعوة من ناجاک مستجابة وتوبة من انا
الیک مقبولة وعبرة من بکی من خوفک مرحومة والاغاثة
لمن استغاث بک موجودة والاعانة لمن استعان بک مبذولة

وعدائك لعبادك منجزة وزلل من استقال بك مقالة واعمال
العاملين لديك محفوظة وارزاقك الى الخلائق من لدنك نازلة
وعوائد المزيد اليهم واصلة وذنوب المستغفرين مغفورة وحوائج
عندك مقضية وجوائز السائلين عندك موفرة وعوائد المزيد
متواترة وموائد المستطعمين معدة ومناهل الظماء مترعة
اللهم فاستجب دعائي واقبل ثنائي واجمع بيني وبين اوليائي بحق
محمد وعلي وفاطمة والحسن والحسين انك ولي نعمائي ومنتهى
مناي وغاية رجائي في منقلبي ومثواي و حضرت امام محمد باقر علیه السلم فرمود
که هر کس از شیعیان ما که حضرت امیر المومنین یا یکی از ائمه علیهم السلم را بنظر ... زیارت
کند زیارتش را در حقه از نور کرده اند و خدای تعالی آنرا با خاتم محمد مختوم سازد
و بحضرت قایم علیه السلم سپارد و تا وقتی که با تحیت و کرامت و بشارت بصاحبش
رسانند و باید دانست که با نظر بعضی یکی از ائمه را علیهم السلم زیارت کند بجای لفظ

عبادك لك

خلقك

امیر المومنین نام آن امام را بگوید و در همین ضریح مقدس حضرت آدم و نوح علیهما السلم
نیز زیارت کنند و در زیارت حضرت آدم علیه السلم گوید السلام علیک یا صفی
الله السلام علیک یا حبیب الله السلام علیک یا نبی الله السلام
علیک یا امین الله السلام علیک یا خلیفة الله فی ارضه السلام
علیک یا ابا البشر آدم صلوات الله علیک وعلی روحک وعلی
بدنک وعلی الطاهرین من ولدک وذریتک صلوة لا یحصیها
الا هو ورحمة الله وبركاته و در زیارت نوح علیه السلم گوید
السلام علیک یا نبی الله السلام علیک یا ولی الله السلام علیک
یا امین الله فی ارضه صلوات الله وسلامه علیک وعلی روحک
وبدنک وعلی الطاهرین من ولدک ورحمة الله وبركاته
زیارت حضرت فاطمه علیها السلم گوید السلام علیک یا بنت رسول الله
السلام علیک یا بنت نبی الله السلام علیک یا بنت حبیب الله

السلام علیک یا بنت خلیل الله السلام علیک یا بنت امین الله
السلام علیک یا بنت خیر خلق الله السلام علیک ایتها
المظلومة المعصومة السلام علیک ایتها المحدثة العلیمة
ورحمة الله وبرکاته اشهد لله ورسوله وملائکته
انی راض عمن رضیت عنه ساخط علی من سخطت علیه
متبرئ ممن برئت منه موال لمن والیت معاد لمن عادیت مبغض
لمن ابغضت محب لمن احببت وکفی بالله شهیدا وحسیبا و
جازیا ومثیبا زیارت حضرت امام حسین علیه السلم بر در روضه مقدسه ایستاده
گوید السلام علیک یا وارث آدم صفوة الله السلام علیک
یا وارث نوح نبی الله السلام علیک یا وارث عیسی روح الله
السلام علیک یا وارث ابراهیم خلیل الله السلام علیک
یا وارث موسی نجی الله السلام علیک یا وارث محمد سید

رسل

رسل الله السلام علیک یا وارث علی امیر المؤمنین وخیر
الوصیین السلام علیک یا وارث اخیه الحسن الزکی الطاهر
الرضی المرضی السلام علیک ایها الوصی والبار التقی السلام علیک
وعلی الارواح التی حلت بفنائک وانا خت برحلک السلام علیک
وعلی الملائکة الحافین بک اشهد انک قد اقمت الصلوة
واتیت الزکوة وامرت بالمعروف ونهیت عن المنکر وعبدت
الله خالصا مخلصا حتی اتیک الیقین السلام علیک ورحمة الله
وبرکاته و بعد از ان بجانب ضریح مقدس آید و دست بر و گذاشته گوید
السلام علیک یا ابا عبد الله السلام علیک یا حجة الله ورحمة
الله وبرکاته و بعد از ان گوید لعن الله امة قتلتک ولعن الله امة
ظلمتک ولعن الله امة سمعت بذلک فرضیت به مولای یا ابا
عبد الله اشهد الله وملائکته وانبیائه ورسله انی بکم

مؤمن وبایابکم موقن بشرایع دینی وخواتیم عملی وصلوات
الله علیکم وعلی ارواحکم وعلی اجسادکم وعلی
شاهدکم وعلی غائبکم وظاهرکم وباطنکم
ورحمة الله وبرکاته بعد از آن در پیش پای مبارک آنحضرت علی اکبر زیارت
کند وبگوید السلام علیک یا ابن رسول الله السلام علیک یا ابن امیر
المؤمنین السلام علیک یا ابن الحسین الشهید السلام علیک ایها
الشهید المظلوم لعن الله امة قتلتک ولعن الله امة ظلمتک
ولعن الله امة سمعت بذالک فرضیت به بعد از آن شهدا را زیارت کند
وبگوید السلام علیکم یا اولیاء الله واحباءه السلام علیکم
یا اصفیاء الله واوداءه السلام علیکم یا انصار دین الله
وانصار نبیه وانصار امیر المؤمنین وانصار الحسن والحسین
طبتم وطابت الارض التی فیها دفنتم وفزتم فوزا عظیما فیا لیتنی

کنت معکم فافوز معکم وچون از نماز و دعا فارغ شود بزیارت عباس
رفته بگوید السلام علیک ایها العبد الصالح المطیع لله ولرسوله
ولامیر المؤمنین وللحسن والحسین وعلیک السلام ورحمة
الله وبرکاته وعلی روحک وبدنک اشهد واشهد الله
انک مضیت علی ما مضی علیه البدریون المجاهدون فی سبیل الله
والمناصحون له فی جهاد الاعداء المبالغون فی نصرة اولیاءه
الذابون عن احباءه فجزاک الله افضل الجزاء واوفی جزاء احد
وفی ببیعته واستجاب له دعوته وحشرک مع النبیین والصدیقین
والشهداء والصالحین وحسن اولئک رفیقا ومرویست که حضرت
امام جعفر صادق ع از کسی پرسید که هر روز زیارت حضرت امام حسین ع میکنی گفت
نه فرمود چه جفا میکنی با آنحضرت بعد از آن فرمود هر ماه میکنی گفت نه فرمود هر سال
میکنی گفت گاهی میشود دو باره فرمود چه جفا میکنی با آنحضرت چه شود اگر هر روز زیارت

زیارت آنحضرت کنید گفت خانها بسیار دور است بهر مشهد و زیارت فرمود بام
خانه برآی و بقبله بر جانب راست نگاه کن بعد از آن بجانب چپ نگاه کن و بعد از آن
سر بسوی آسمان کن و بعد از آن متوجه روضه مقدسه شده بگوی اَلسَّلامُ عَلَیْکَ
یا اَبا عَبْدِ اللّٰهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ وَ رَحْمَةُ اللّٰهِ وَ بَرَکاتُهُ پس حج و
عمره برای تو نوشته شود زیارت جامعه که در همه مشاهد مقدسه مجزی بود مروی
از حضرت امام رضا علیه السلام اَلسَّلامُ عَلیٰ اَوْلِیاءِ اللّٰهِ وَ اَصْفِیائِهِ اَلسَّلامُ
عَلیٰ اُمَناءِ اللّٰهِ وَ اَحِبّائِهِ اَلسَّلامُ عَلیٰ اَنْصارِ اللّٰهِ وَ خُلَفائِهِ اَلسَّلامُ
عَلیٰ مَحالِّ مَعْرِفَةِ اللّٰهِ اَلسَّلامُ عَلیٰ مَعادِنِ حِکْمَةِ اللّٰهِ اَلسَّلامُ عَلیٰ
مَساکِنِ ذِکْرِ اللّٰهِ اَلسَّلامُ عَلیٰ عِبادِ اللّٰهِ الْمُکْرَمِینَ الَّذِینَ
لا یَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَ هُمْ بِاَمْرِهِ یَعْمَلُونَ اَلسَّلامُ عَلیٰ مَظاهِرِ اَمْرِ اللّٰهِ
وَ نَهْیِهِ اَلسَّلامُ عَلَی الْاَدِلّاءِ عَلَی اللّٰهِ اَلسَّلامُ عَلَی الْمُسْتَقِرِّینَ فی
مَرْضاتِ اللّٰهِ اَلسَّلامُ عَلَی الْمُخْلِصِینَ فی طاعَةِ اللّٰهِ اَلسَّلامُ عَلیٰ

الَّذِینَ

اَلَّذِینَ مَنْ والاهُمْ فَقَدْ والَی اللّٰهَ وَ مَنْ عاداهُمْ فَقَدْ عادَ اللّٰهَ وَ
مَنْ عَرَفَهُمْ فَقَدْ عَرَفَ اللّٰهَ وَ مَنْ جَهِلَهُمْ فَقَدْ جَهِلَ اللّٰهَ وَ مَنِ
اعْتَصَمَ بِهِمْ فَقَدِ اعْتَصَمَ بِاللّٰهِ وَ مَنْ تَخَلّیٰ مِنَ اللّٰهِ اُشْهِدُ اللّٰهَ اَنّی
حَرْبٌ لِمَنْ حارَبَکُمْ وَ سِلْمٌ لِمَنْ سالَمَکُمْ مُؤْمِنٌ بِما آمَنْتُمْ
بِهِ کافِرٌ بِما کَفَرْتُمْ بِهِ مُحَقِّقٌ لِما حَقَّقْتُمْ مُبْطِلٌ لِمَنْ اَبْطَلْتُمْ مُؤْمِنٌ
بِسِرِّکُمْ وَ عَلانِیَتِکُمْ مُفَوِّضٌ فی ذٰلِکَ کُلِّهِ اِلَیْکُمْ
لَعَنَ اللّٰهُ عَدُوَّکُمْ مِنَ الْجِنِّ وَ الْاِنْسِ وَ ضاعَفَ عَلَیْهِمُ الْعَذابَ
الْاَلِیمَ وَ اَبْرَءُ اِلَی اللّٰهِ مِنْهُمْ وَ السَّلامُ عَلَیْکُمْ وَ رَحْمَةُ اللّٰهِ وَ
بَرَکاتُهُ و در وداع هر یک از ایشان علیهم السلام بگوید اَلسَّلامُ عَلَیْکَ
یا مَوْلایَ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا حُجَّةَ اللّٰهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا صِفْوَةَ
اللّٰهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا خالِصَةَ اللّٰهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا اَمِینَ اللّٰهِ
اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا وَلِیَّ اللّٰهِ سَلامَ مُوَدِّعٍ لا قالٍ وَ لا سَئِمٍ فَاِنْ اَ

فلا عن ملاله وان اقم فلا عن سوء ظن بما وعد الله الصابرین
لا جعله الله یا مولای اخر العهد منی لزیارتک ورزقنی العود
الی مشهدک والمقام فی حرمک وان یجعلنی معکم فی الدنیا و
الآخرة **فصل هشتم** در زیارت حج وشرایط حج وعمره ونیابت آن مرویست
از اهل بیت طاهرین علیهم السلم که اگر کسی از برای دیگری از روی تبرع حج کند ثواب
ده حج یابد واگر اجرت گیرد وحج کند نه حج از و باشد ویک حج از برای صاحب مال و
در روایت دیگر آمده که گناه او و والدین واولاد وبرادر وخواهر وعم وعمه وخال
وخاله اش همه آمرزیده شود ونیز مرویست که اگر هزار کس را در حج با خود شریک کنی
هر یک را ثواب حجی باشد بی آنکه از حج تو چیزی کم شود وترا ثواب این احسان علیحده باشد
وهمچنین است که اگر زیارت تبرع کند یا کسی را شریک گرداند وبعد از فراغ از حج
یا زیارت گوید اللهم اشرک فی حجتی ونسکی وصلواتی واگر زیارت باشد
گوید فی زیارتی ابی وامی وفلانا وفلانا وهر کرا خواهد نام برد و جمیع

اهل

وحیهم

اهل بلدی حرهم وعبدهم وابیضهم واسودهم ومیتهم واگر نیابت
حج یا طواف کند گوید اللهم تقبل حجتی یا طوافی وصلواتی عن فلان
وفلان وهر کرا خواهد واگر زیارت بنیابت کند بعد از فراغ از کارهای خود گوید
السلام علیک یا مولای من ابی وامی وهر کرا خواهد پس بهر یک از ایشان
اگر گوید که برای تو حج یا طواف ونماز وزیارت کردم راست گفته باشد **فصل نهم**
در فضایل اماکن مقدسه که در آن حدود واقع است مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلم
که هر کس نظر بر کعبه کند وحق او را بشناسد چنانکه حق کعبه است بشناسد گناهانش آمرزیده شود
وغمهای دنیا و آخرتش کفایت شود و مادامی که نظرش بر کعبه باشد برایش حسنه نویسند
وسیئه محو کنند وخدای تعالی را در حوالی کعبه صد وبیست رحمت است شصت از برای طواف
کنندگان وچهل از برای نمازگذارندگان وبیست از نگاه کنندگان وهر کس در یکی از حرمین
بمیرد از اهوال قیامت ایمن باشد واگر در میان حرمین بمیرد دیوان حساب برایش گشوده
نشود واگر در حرم کعبه بمیرد از فزع اکبر ایمن باشد ویک سبحان الله گفتن در مکه افضل است

از خراج تمام عالم که در راه خدا صرف کنند و هر کس در مکه ختم قرآن کند از دنیا نرود تا جای خود را در بهشت نه بیند و چیزی خوردن در مکه مثل روزه است در جای دیگر و یک روز روزه در آنجا مثل یکسال روزه است در جای دیگر و خواب کردن در آنجا مثل عبادت در جای دیگر و هر کس یکسال مجاور مکه باشد گناهان او و اهل بیت او و هر کس برای او استغفار کرده و قبیله اش و همسایگانش آمرزیده شود و هر کس در آنجا سجده کند چنانست که در راه خدا در خون خود غلطیده باشد و یک نماز در آنجا برابر است با صد هزار نماز و یک درهم صدقه برابر است با صد هزار درهم و هر کس یک نماز فریضه در آنجا بگذارد نمازهای گذشته و آینده اش تا وقت اجلش همه مقبول شود و هر چند بخانه کعبه نزدیکتر باشد افضل است و در مسجد منی مقصد نبی و بروایت دیگر با هزار نبی نماز گذارده و هر کس در آنجا صد رکعت نماز گذارد برابر است با هفتاد ساله عبادت و صد تسبیح در آنجا برابر است با عتق رقبه و صد تکبیر با احیای نسمه و صد تحمید با خراج عراقین که در راه خدا صدقه دهند و یک نماز در مسجد رسول صلعم در مدینه برابر است با ده هزار نماز و یک درهم

صدقه با ده هزار درهم و دو رکعت نماز در مسجد قبا برابر است با یک عمره و کوفه حرم امیرالمؤمنین است و قبور انبیا و مرسلین و اوصیا و مؤمنین در آنجا بسیار است و در مسجد اعظم کوفه هزار نبی و هزار وصی نماز گذارده اند و حضرت پیغمبر صلعم در شب معراج نماز در این مسجد گذارده و یک نماز فریضه در آنجا برابر است با هزار نماز و یک حج و نافله در آنجا برابر است با پانصد نماز و یک عمره و نشستن در آنجا بی ذکر و تلاوت عبادت است و در مسجد سهله هر نبی و وصی نماز کرده است و خانه ابراهیم ع و ادریس علیهما السلام در آن مسجد است و در آن مسجد سنگیست که طینت همه انبیا را از آنجا برداشته اند هر غمگین که در آن مسجد در میان شام و خفتن دو رکعت نماز گذارد و دعا کند خدای تعالی از آن غم نجاتش دهد

فصل دهم در فضایل زیارت ذریت طیبین و صلحای مؤمنین

مرویست از اهل بیت طاهرین ع که هر کس امامزاده عبدالعظیم را در ری زیارت کند چنانست که امام حسین علیه السلام را زیارت کرده باشد و هر کس فاطمه بنت امام موسی کاظم را در قم زیارت کند بهشت او را واجب شود و هم از ایشان علیهم السلام مرویست که هر کس قادر بر زیارت

این کتاب م

ما نباشد صلحای شیعه بعد از زیارت کند ثواب زیارت ما یابد و مخفی نماند که بسیار
احادیث که در فضل زیارت مؤمنان در باب اول گذشت اعم است از ایام حیوة
و بعد از وفات و آداب زیارت مؤمنان بعد ازین انشاء الله بیاید بعون الله تعالی
باب دوازدهم در احکام متعلق باموات و زیارت قبور مؤمنان بعد از وفات
و این مجموع انشاء الله در ده فصل بیان شود **فصل اول** در وصیت و صحیفهٔ شهادت
مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلم که وصیت حقیست لازم بر هر مسلم و هر کس هر چه
وصیت کند بنحوی که ظلم و جور و ضرر بورثه نرساند چنانست که در حیوة تصدق
کرده باشد و هر کس را مالی باشد و برای خویشان که میراث نمیبرند چیزی وصیت نکند اعمالش
بمعصیت ختم شود و حضرت امام جعفر صادق ع فرمود که حضرت پیغمبر ص فرمودند
که هر کس وقت وفات وصیت را خوب نکند مروت و عقلش ناقص باشد پرسیدند که وصیت
چون باید کرد فرمود چون حالت موت را مشاهده کند و مردم جمع شوند بگوید
اللهم فاطر السموات والارض عالم الغیب والشهادة هو الرحمن

الرحیم

الرحیم اللهم انی اعهد الیک فی دار الدنیا انی اشهد ان لا اله
الا انت وحدک لا شریک لک وان محمدا عبدک ورسولک
صلی الله علیه واله وان الجنة حق والنار حق وان البعث حق
والحساب حق والقدر حق والمیزان حق وان الدین کما
وصفت وان الاسلام کما شرعت وان القول کما حدثت
وان القرآن کما انزلت وانک انت الله الحق المبین جزی الله
محمدا عنا خیر الجزاء وحیی الله محمدا وآل محمد بالسلام
اللهم یا عدتی عند کربتی ویا صاحبی عند شدتی ویا ولیی
عند نعمتی الهی واله آبائی لا تکلنی الی نفسی طرفة عین ابدا
فانک ان تکلنی الی نفسی طرفة عین کنت اقرب من الشر و
ابعد من الخیر وانس فی القبر وحشتی واجعل لی عهدا یوم
القاک منشورا بعد از آن هر وصیت که خواهد کند و این صحیفهٔ شهادت شیخ طوسی

رحمه الله در کتاب مصباح ذکر نموده که اول کفن بگوید بسم الله الرحمن الرحیم
اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له واشهد ان محمدا
عبده ورسوله صلی الله علیه وآله وان الجنة حق وان النار
حق وان الساعة حق آتیة لا ریب فیها وان الله یبعث من فی
القبور وبعد از ان بنویسد بسم الله الرحمن الرحیم شهد الشهود المسمو[ن]
فی هذا الکتاب ان اخاهم فی الله فلان بن فلان اشهدهم
واستودعهم واقر عندهم انه یشهد ان لا اله الا الله وحده
لا شریک له وان محمدا عبده ورسوله صلعم وان علیا ولی الله
وامامه وان الائمة من ولده ائمته وان اولهم الحسن والحسین
وعلی بن الحسین ومحمد بن علی وجعفر بن محمد وموسی بن جعفر
وعلی بن موسی ومحمد بن علی وعلی بن محمد والحسن بن
علی والقائم الحجة علیهم السلام وان الجنة حق والنار حق

وان

وان الساعة آتیة لا ریب فیها وان الله یبعث من فی القبور وان
محمدا صلی الله علیه وآله رسوله جاء بالحق وان علیا ولی
الله والخلیفة من بعد رسول الله ومستخلفه فی امته مؤدیا
لامر ربه تبارک وتعالی وان فاطمة بنت رسول الله وابنیها ا[لحسن]
والحسین ابنا رسول الله وسبطاه اماما الهدی وقائد الرحمة
وان علیا ومحمدا وجعفرا وموسی وعلیا ومحمدا وعلیا و
الحسن والحجة علیهم السلام ائمة وقادة ودعاة الی الله جل
وعز وحجة علی عباده بعد از ان بگوید با جماعتی شهادت خود را بنویسند
بعد از ان شهود بگویند نستودعک الله والشهادة والاقرار والاخاء
مودوعة عند رسول الله صلی الله علیه وآله ونقرء علیک
السلام ورحمة الله وبرکاته وبعد از ان صحیفه را پیچد شهود
همه مهر خود و مهر میت ایشان بر آن گذارند با جریده در پهلوی میت گذارند

و صحیفه را بالکافور ننویسند و اگر با تربت مقدس نویسند چنانکه درین زمان متعارفست
تواند بود که افضل باشد **فصل دوم** در آداب حالت احتضار و فضایل بعضی دعوات
و احوالی که وقت وفات در ان اتفاق افتد مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلم که در حالت احتضار
میت را کلمات فرج و شهادتین و اقرار بائمه طاهرین علیهم السلم تلقین کنند و اگر بت
پرستی باین اقرار کند آتش در وی طمع نکند و از عصا کان نجات یابد و هر کس آخر
کلامش لا اله الا الله باشد از اهل بهشت باشد و نیز باید دعا را تلقین کنند و مکرر بگوید که گناهش
آمرزیده شود یَا مَنْ یَقْبَلُ الْیَسِیرَ وَیَعْفُو عَنِ الْکَثِیرِ اِقْبَلْ مِنِّی الْیَسِیرَ
وَاعْفُ عَنِّی الْکَثِیرَ اِنَّکَ اَنْتَ الْعَفُوُّ الْغَفُورُ و مرویست که اگر سوره
مبارکه یس را در پیش بیمار بخوانند بعدد هر حرف از آن ده ملک حاضر شوند که برایش
استغفار کنند و تشییع جنازه اش نمایند و بر او نماز گذارند و چون حالتش متغیر شود
پیش از آنکه قبض روحش شود روی قبله اش بخوابانند چنانکه کف پای او بجانب
قبله باشد که چون چنین کنند خدای تعالی برحمت متوجه او شود و ملائکه متوجه شود

تا آنکه

تا آنکه قبض روحش شود و اگر نزع روحش دشوار باشد بر جای نمازش که در آن نماز میکرد بخوابانند
زود خلاص شود و نیز مرویست که درین حال پیش محتضر سوره صافات بخوانند مگر آنکه زود
نجات یابد و در وقت احتضار جنب و حایض حاضر نباشد که ملائکه متاذی شوند و چون قبض
روحش شود دستهایش را دراز کنند و دهنش را ببندند و چشمش را بپوشند و در وقت چشم
پوشیدن بگویند اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِفُلَانٍ وَارْفَعْ دَرَجَتَهُ فِی الْمَهْدِیِّینَ وَاخْلُفْهُ
فِی عَقِبِهِ فِی الْغَابِرِینَ وَاغْفِرْ لَنَا وَلَهُ یَا رَبَّ الْعَالَمِینَ و بازماندگانش
میگویند اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِی وَلَهُ وَاَعْقِبْنِی مِنْهُ عُقْبَی حَسَنَةً و میت را تنها نگذارند
که شیطان در او تصرف کند و مرویست از امیر المؤمنین صلوات الله علیه که چون
مؤمن روز پنجشنبه بعد از ظهر تا روز جمعه وقت ظهر بمیرد از فشار قبر ایمن شود و شفاعتش
برای گناهکاران بعدد قبیله ربیعه و مضر مقبول شود و اگر روز شنبه بمیرد خدای تعالی او را
هرگز با یهود در آتش جمع نکند و اگر روز یکشنبه بمیرد خدای تعالی او را با نصاری در
آتش جمع نکند و اگر روز دوشنبه بمیرد او را با بنی امیه در آتش جمع نکند و اگر روز

در شب شنبه بمیرد با ما محشور شود و در رفیق اعلا با ما باشد و اگر روز چهارشنبه بمیرد از روز
قیامت ایمن باشد و بسعادت جوار الهی فایز گردد و در دار فضل خدا مقام کند که از زحمت و مشقت
و تعب ایمن باشد و بعد از آن فرمود که مؤمن در هر حال و در هر ساعتی که بمیرد صدیق و شهید باشد
و اگر مؤمن گناه تمام اهل زمین داشته باشد چون از دنیا برود همین مردن کفاره همه گناه
او باشد و نیز فرمود که از حبیب خدا رسول الله شنیدم که فرمود که هر کس لا اله الا الله باخلاص
بگوید از شرک بری باشد و هر کس از شرک بری باشد داخل بهشت شود و این جماعت شیعیان
و دوستان تو اند که روز قیامت لا اله الا الله محمد رسول الله علی بن ابی طالب حجة الله
گویان از قبر بیرون آیند پس خلعتها و تاجها و اکلیلها و اسبهای نجیب از بهشت آورند و هر یک
از ایشان از حله پوشند و تاج شاهی و اکلیل کرامت بر سر ایشان نهند و بر اسبها سوار شده داخل
بهشت بغیر حساب شوند و از فزع اکبر ایمن باشند و ملائکه فوج فوج آیند و ایشان را
بشارت دهند و ایضا حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه فرمود من برای شش کس
ضامن بهشت شوم کسی که صدقه برای درویشان برد و بمیرد و کسی که بعیادت مریض

یا بیماری

یا بیماری رود و بمیرد و کسی که در راه خدا جهاد کند و بمیرد و کسی که بنماز جمعه بیرون رود
و بمیرد و کسی که بحج بیرون رود و بمیرد و کسی که به تشییع جنازه رود و بمیرد و حضرت — بیرون رود
امام محمد باقر علیه السلام فرمود که کسی که عمرش بلا اله الا الله یا بسبب روزه یا بصدقه ختم
شود داخل بهشت شود و حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرموده که چون مؤمن
در غربت بمیرد که زنان و عیالش حاضر نباشند که بر او گریه کنند موضعی که در آنجا عبادت
کرده و درهای آسمان که اعمالش از آنجا بالا می‌رفته و فرشتگان که بر او موکل بودند بر او گریه
کنند آنحضرت فرمود که چون غریب بحال موت نزدیک شود و بچپ و راست نگاه کند — و بمیرد
و کسی را نبیند پس سر بالا کند خدای تعالی فرماید کرا میجوئی که برای تو بهتر از من باشد
بعزت جلال خود قسم که اگر از این عقده نجات دهم بطاعت خود فرستم و اگر قبض
روحت نمایم بکرامت خود برم **فصل سیوم** در تجهیز میت از اهل بیت طاهرین علیهم السلام
مروی است که اکرام میت اینست که زود دفنش کنند و انتظار طلوع و غروب آفتاب
نکشند و هر کس مؤمنی را غسل دهد و در آن وقت بگوید اللهم هذا بدن عبدک المؤمن

المؤمن وقد اخرجت روحه منه وفرقت بينهما عفوك
عفوك عفوك يسال گناهش غير كبائر آمرزيده شود واگر خواهد همين تنها
گويد عفوك عفوك عفوك خداى تعالى از و عفو فرمايد ونيز مرويست كه
هر كس مؤمنى را غسل دهد وعيبى كه از و بيند پنهان كند وبكسى نگويد از گناه پاك شود
چنانكه از مادر متولد شده وبهر موئى از و ثواب عتق رقبه يابد وصد درجه براين بلند
شود واگر عيوبش را پنهان ندارد اجرش باطل شود وعيوبش در دنيا و آخرت رسوا
شود وهر كس مؤمنى را كفن كند چنانست كه تا روز قيامت او را كسوه داده باشد و
هر كس قبرى براى مؤمن بكند چنانست كه تا روز قيامت او را خانه مناسبى داده باشد
وخداى تعالى جسدش را بر آتش حرام گرداند وخانه در بهشت با و عطا فرمايد وكفن
هر چند قيمتش بسيار باشد افضل است كه زينت ميت است واگر جامه باشد كه در ان
نماز گذارده يا عبادت كرده باشد افضل است واگر كسى در حيوة خود تهيه كفن براى
خود كند هر مرتبه كه نظرش بران افتد اجر يابد و دو جريده از چوب تر با ميت

گذارند

گذارند از نخل خرما باشد بهتر است واگر نه چوب انار واگر نه هر چوب كه باشد وتر است
كه تا رطوبت باقيست عذاب وحساب از ميت دفع شود ونيز مرويست كه عذاب وحساب
همه در يكساعت باشد كه ميت داخل قبر شود ومردمان متفرق شوند پس چون جريده
با ميت باشد از عذاب بالكليه ايمن باشد **فصل چهارم** در شنيدن خبر وفات وديدن
جنازه و تشييع و تربيع آن مرويست از اهل بيت عليهم السلم كه چون خبر وفات
كسى شنوند بگويند انا لله وانا اليه راجعون اللهم اكتبه فى
المحسنين واجعل كتبه فى عليين واخلف على عقبه فى
الغابرين اللهم لا تحرمنا اجره ولا تفتنا بعده واغفر لنا وله
وچون جنازه را ببينند بگويند الله اكبر هذا ما وعدنا الله ورسوله
اللهم زدنا ايمانا وتسليما الحمد لله الذى تعزز بالقدرة وقهر
العباد بالموت هيچ فرشته در آسمان نماند مگر از آواز او بگريد و اقتضا چون
جنازه ببيند بگويد الحمد لله الذى لم يجعلنى من السواد المخترم

و هر کس جنازه را از چهار جانب بگیرد چهل گناه کبیره از او آمرزیده شود و در روایت
دیگر آمده که هر کس یک پایهٔ جنازه را بگیرد بیست و پنج کبیره اش آمرزیده شود و اگر
هر چهار طرف را بگیرد از گناه پاک شود چنانکه از مادر متولد شده و در وقت گرفتن
گوید بِسْمِ اللّٰهِ وَ بِاللّٰهِ وَ صَلَّی اللّٰهُ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ
لِلْمُؤْمِنِینَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ و اول جانب چپ تابوت را بر دوش راست خود
بگیرد و همچنین به ترتیب از پشت تابوت برود تا جانب راست تابوت را
با دوش چپ خود بگیرد و چون میت داخل قبر شود ملکی ندا کند که اول تحفهٔ تو
بهشت است و اول تحفهٔ جمعی که با جنازهٔ تو آمده اند مغفرت گناهان ایشان و
هر کس تشییع جنازه کند چهار قیراط از ثواب برای او نویسند یکی برای رفاقت
و یکی برای نماز و یکی برای انتظار تا وقت فارغ شدن و یکی برای تعزیه و در روایت
دیگر آمده که هر کس تشییع جنازه کند و صبر کند تا او را دفن کنند و خاک بر او ریزند
و به هر گامی که آمده یک قیراط ثواب نویسند که هر قیراطش کوه احد باشد و هفتاد

ملک

ملک برا و موکل شوند که تشییعش کنند و برایش استغفار کنند تا روز قیامت **فصل**
پنجم در نماز میت مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلم که هر کس بر میتی نماز گذارد
جبرئیل ع با هفتاد هزار فرشته بر و نماز گذارند و گناه گذشته و آینده اش آمرزیده
شود و طریقهٔ آن چنانست که پنج تکبیر گوید و میان هر دو تکبیر شهادتین گوید و صلوات
فرستد و برای میت دعا کند و ظاهر انیست که خصوص عبارتی واجب نیست بلکه
بهر عبارتی که باشد مجزیست و فضل انیست که اگر میت مؤمن باشد میان هر دو تکبیر
چنین گوید اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِیکَ لَهُ وَ اَشْهَدُ
اَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ اِنَّا لِلّٰهِ وَ اِنَّا اِلَیْهِ رَاجِعُونَ اَلْحَمْدُ
لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ رَبِّ الْمَوْتِ وَ الْحَیٰوةِ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ اَهْلِ بَیْتِهِ
جَزَی اللّٰهُ مُحَمَّدًا عَنَّا خَیْرَ الْجَزَاءِ بِمَا صَنَعَ بِاُمَّتِهِ وَ بِمَا بَلَّغَ مِنْ
مِنْ رِسَالَاتِ رَبِّهِ اَللّٰهُمَّ عَبْدُکَ وَ ابْنُ عَبْدِکَ ابْنُ اَمَتِکَ نَاصِیَتُهُ
بِیَدِکَ اِنْجَلا عَنِ الدُّنْیَا وَ احْتَاجَ اِلَی رَحْمَتِکَ وَ اَنْتَ غَنِیٌّ عَنْ

عذابه اللهم انا لا نعلم منه الا خیرا و انت اعلم به منا اللهم ان
کان محسنا فزد فی احسانه و تقبل منه و ان کان مسیئا فاغفر
له ذنبه و ارحمه و تجاوز عنه برحمتک اللهم الحقه بنبیک و
ثبته بالقول الثابت فی الحیوة الدنیا و فی الاخرة اللهم اسلک بنا
و به سبیل الهدی و اهدنا و ایاه صراطک المستقیم عفوک عفوک
عفوک مرویست که چون چهل کس میت نماز کذارند و بکویند اللهم انا لا نعلم
منه الا خیرا خدای تعالی فرماید شهادت شما را قبول کردم و کناهان او را که من میدانم
و شما نمیدانید آمرزیدم و اکر میت مستضعف باشد بعد از شهادتین صلوات بفرستند و
برای مؤمنان دعا کنند بعد از ان بکویند که اللهم اغفر للذین تابوا و اتبعوا
سبیلک و قهم عذاب الجحیم و اکر مجهول باشد یعنی مذهبش معلوم نباشد بعد از
دعای مؤمنان بکوید اللهم ان هذه النفس انت احییتها و انت امتها
اللهم ولها ما تولت و احشرها مع من احبت و اکر طفل باشد بکوید اللهم

اجعله

اجعله لابویه و لنا سلفا و فرطا و اجرا و اکر طفل کمتر از شش سال نماز نباید کذارد
و چون شش ساله شود نماز مستحب و چون بالغ شود واجب شود و اکر مخالف مذهب
باشد بکوید اللهم العن عبدک الف لعنة مؤتلفة غیر مختلفة
اللهم اخز عبدک فی عبادک و بلادک و اصله حر نارک و اذقه
اشد عذابک فانه کان یوالی اعدائک و یعادی اولیائک و
یبغض اهل بیت نبیک و درین نماز اکتفا بچهار تکبیر باید نمود چنانکه حضرت پیغمبر در نماز
بر منافقین چنین میکرد **فصل ششم** در مکان قبر و آداب دفن کردن از اهل بیت طاهرین علیهم السلم
مرویست که اموات خود را از اماکن بد دور کنید و مکان شریف برای قبر اختیار نمایند
که همسایه خوب چنانکه در زندکی نفع میرساند بعد از ان نیز نفع میرساند و مرویست که
میت را کمتر به شتاب داخل قبر کنید بلکه دو سه ذراع دورتر از قبر ساعتی بکذارید که
تهیه سوال و جواب بکیرد و کسی که درون قبر میرود و بدید میت و نامحرم نباشد و سر و پا
برهنه کند و بندهای جامه بکشاید و میت اکر مرد باشد از جانب پا بقبر داخل سازد و سرش را

مقدم دارد واگر زن باشد از پهلوی قبر بعرض داخل کند کسی که داخل قبر میشود
وقت داخل شدن بگوید بسم الله وبالله وعلی ملة رسول الله صلی الله
علیه وآله وچون میت را بگیرد وبگوید بسم الله وبالله وعلی ملة رسول
الله صلی الله علیه وآله اللهم الی رحمتك لا الی عذابك اللهم
افسح له فی قبره ولقنه حجته وثبته بالقول الثابت وقنا وایاه
عذاب القبر پس استعاذه کند والحمد وقل هو الله ومعوذتین وآیة الکرسی بخواند
وچون میت را در قبر بگذارد بگوید بسم الله وبالله وفی سبیل الله وعلی ملة
رسول الله صلی الله علیه وآله اللهم یا رب عبدك وابن عبدك
نزل بك وانت خیر منزول به اللهم ان کان محسنا فزد فی
احسانه وان کان مسیئا فتجاوز عنه والحقه بنبیه محمد
صلواتك علیه وآله وصالح شیعته واهدنا وایاه الی الصراط
المستقیم اللهم عفوك عفوك اللهم اجعلها روضة من ریاض

الجنة ولا تجعلها حفرة من حفر النیران ومکرر برای میت استغفار کند
ومیت را بقبله بر پهلوی راست بخواباند وبند کفن را از سر وپا بگشاید وروی راستش را
برهنه کرده بر خاک گذارد وقدری تربت سید حسین با او بگذارد وبعد از آن دست چپ
بر بازوی میت گذاشته حرکت شدید بدهد وبگوید ای فلانی چون از تو سوال
کنند بگوی الله ربی ومحمد نبیی والاسلام دینی والقرآن کتابی و
الکعبة قبلتی وعلی امامی والحسن والحسین وعلی ومحمد وجعفر
وموسی وعلی ومحمد وعلی والحسن والحجة القائم ائمتی ویکمرتبه
دیگر اینها را اعاده کند وبعد از آن بگوید دانستی وبزبان روح خواهد گفت بلی
پس بگوید ثبتك الله بالقول الثابت هداك الله الی صراط مستقیم
عرف الله بینك وبین اولیائك فی مستقر من رحمته بعد از آن
بگوید اللهم جاف الارض عن جنبیه واصعد بروحه الیك و
لقنه منك برهانا اللهم عفوك عفوك ودر وقت خشت چیدن بگوید

اللهم صل وحدته وآنس وحشته واسکن الیه من رحمتک
رحمة تغنیه بها عن رحمة من سواک و چون خواهد بیرون آید بگوید
انا لله وانا الیه راجعون والحمد لله رب العالمین اللهم ارفع
درجته فی اعلا علیین واخلف علی عقبه فی الغابرین یا رب
العالمین و از طرف پایین قبر بیرون آید و چون خاک بر قبر ریزند هر کس قدری خاک
در دست گرفته بگوید ایمانا بک وتصدیقا ببعثک هذا ما وعدنا الله
ورسوله وصدق الله ورسوله اللهم زدنا ایمانا وتسلیما و بعد از آن
خاک را بریزد و بهتر در آنست که از آن جنس بر آن پیش نویسند و مستحب است سه مرتبه با پشت
دست خاک ریختن و خویشان خاک نریزند که موجب قساوت قلب شود و غیر آن
خاک که از قبر بیرون آمده داخل نکنند که موجب سنگینی نشود و قبر را بقدر چهار انگشت
از زمین بلند سازند و مربع کنند و آب بر روی قبر بریزند ابتدا از پیش سر از جانب
قبله کنند و از پیش دور بگردانند تا از زیر پا بماند و دور بگردد و بعد از آن بمیان

قبر

قبر ریزند که تا نمی از آن آب باقی باشد از عذاب قبر ایمن باشد و بعد از آن دست
بر قبر گذارند چنانکه انگشتان گشوده باشد و در خاک فرو برند و بگویند اللهم
آنس وحشته وارحم غربته وآمن روعته وصل وحدته
واسکن الیه من رحمتک رحمة یستغنی بها عن رحمة
من سواک واحشره مع من کان یتولاه و حضرت امام جعفر صادق ع
فرمود که چه شود اگر اهل میت ملاقات منکر و نکیر را از میت خود دفع کنند
کسی پرسید چون کنند فرمود بعد از آن که میت را دفن کنند که مردم همه متفرق
شوند کسی که اولی بمیت باشد در پیش سر میت به آواز بلند بگوید یا فلان بن
فلان هل انت علی العهد الذی فارقتنا علیه من شهادة ان لا اله
الا الله وحده لا شریک له وان محمدا عبده ورسوله سید
النبیین وان علیا امیر المؤمنین وسید الوصیین وان ما جاء
به محمد صلی الله علیه وآله حق وان الموت حق وان البعث

حَقٌّ وَأَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَأَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ
فِي الْقُبُورِ که چون اینرا بگوید منکر و نکیر گویند بیا برویم که تلقین کرده شد

فصل ششم

در ثواب و آداب مصیبت و غم روایتست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که چون کسی را
مصیبتی رسد باید که مصیبت حضرت رسول الله صلعم را یاد آورده که عظیم‌ترین
مصیبتهاست و صبر کند و استرجاع کند یعنی بگوید إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ
و حمد خدا کند و چون چنین کند رضا بقضای خدا داده باشد و ثوابش بر خدا باشد
و اگر صبر نکند قضا خود گذشته باشد و اجرش باطل شود و در پیش خدا مذموم باشد
و هر کس در بلا و مصیبت صبر کند خدای تعالی سیصد درجه برایش بلند گرداند که میان
هر دو درجه مثل مابین زمین و آسمان باشد و چون انا لله و انا الیه راجعون بگوید خدای تعالی
فرماید صلوات و رحمت براو فرستیم و از زمرهٔ هدایت یافتگان شمارم و گناهش را
بیامرزم غیر از کبایر و اگر این عبارت را نیز اضافه کند اللَّهُمَّ أْجُرْنِي فِي
عَلَى مُصِيبَتِي وَاخْلُفْ لِي خَيْرًا مِنْهَا خدای تعالی بهتر از آن عطا فرماید و هر مرتبه

که مصیبتی

که مصیبتی یاد آید اگر چه بعد از مدتی باشد بگوید إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ
وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ أْجُرْنِي عَلَى مُصِيبَتِي وَ
اخْلُفْ عَلَيَّ أَفْضَلَ مِنْهَا همان اجر اول مصیبت داشته باشد و از مرتبه
بیشتر از این گفته شد تا حال همه گناهانش آمرزیده شود و مرویست که چون فرزند
کسی بمیرد خدای تعالی از ملائکه پرسد که از بندهٔ من فرزند دلبندش را گرفتید گویند
بلی فرماید چه گفت گویند استرجاع و حمد کرد پس فرماید که در بهشت خانه برایش
بنا کنید و خانهٔ حمد نام کنید و نیز مرویست که یک فرزند کسی که پیشتر از و برود بهتر است
از برای او که هفتاد پسر از و بمانند و همه در راه خدا جهاد کنند و نیز مرویست که خدای تعالی
کریم‌تر از آنست که فرزند مؤمن را از و بگیرد و بعد از آن هرگز او را عذاب نکند و اطفال
که پیشتر روند والدین را از دوزخ دور کنند و مرویست که دست ایشان گرفته
داخل بهشت کنند کسی پرسید که اگر کسی را فرزند نباشد از این فضل محروم خواهد بود
فرمود برادران مؤمن همه بجای فرزند یکدیگرند و مرویست که اگر مردی در راه مصیبت

دست بر زانو زند یا کسی بهنگام نوحه ساز کند اجرش باطل باشد **فصل هشتم** در
ثواب و آداب تعزیه و اکرام یتیم مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلم که کسی را
تعزیه کردن و تسلی دادن موجب بهشت است و هر کس صاحب مصیبتی را تعزیه کند
اجرش مثل او باشد بی آنکه چیزی از و کم شود و هر کس زن مصیبت زده را تعزیه کند خدای تعالی
او را در سایهٔ عرش خود پناه دهد روزی که هیچکس را پناه نباشد و هر کس محزونی را
تسلی دهد روز قیامت حلّه او از بهشت پوشانند با زینت و بهجت تمام و مرویست
که مردی پسرش وفات کرده بود و جزع و بیتابی بسیار کرد حضرت صادق ع بتعزیه
او رفته فرمود که خود را بمصیبت رسول ص تسلی داده که اعظم مصایب است گفت
پسرم را لهو و لعب و معاصی بود جزع من از آن جهت است فرمود که پسرت سه چیز در
پیش دارد شهادت لا اله الا الله و رحمت بی نهایت خدا و شفاعت رسول ص یکی از این
ان شاء الله تعالی از و فوت نخواهد شد و مرویست که هر کس متکفل احوال یتیمی شود
آنقدر که آن یتیم مستغنی گردد بهشت او را واجب شود و هر کس از روی ترحم

دست

دست بر سر یتیمی مالد بعدد هر موئی از آن برایش حسنه نوشته شود روز قیامت
بعدد هر یک از آن موی نوری عطا فرماید و چون یتیم گریه کند عرش بر خود بلرزد
پس خدای تعالی فرماید که کیست که این بندهٔ من که در کوچکی پدر و مادرش را از و گرفتیم
بگریاند بعزت و جلال و ارتفاع مکانم که هر مؤمن که او را تسلی دهد بهشت برای او
واجب گردانم **فصل نهم** در هدیه برای میت و اعمالی که باو نفع رساند مرویست از
اهل بیت طاهرین علیهم السلم که هیچ شب بر میت سخت تر از شب اول نیست پس در این
شب اول بر میت تصدق و رحم کنید و اگر مقدور نشود دو رکعت نماز گذارید در رکعت
اول بعد از حمد آیت الکرسی یکمرتبه و در رکعت دویم بعد از حمد انا انزلناه ده مرتبه
بخوانند بعد از آن بگوید اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَابْعَثْ ثَوَابَهُمَا
اِلَی قَبْرِ فُلَانٍ که همان ساعت خدای تعالی هزار ملک بقبر او فرستد که با هر یک
حلّه از بهشت باشد و قبرش را وسیع گردانند تا روز قیامت و برای کسی که
این نماز گذارد چهل درجه بلند کند و بعدد هر چه آفتاب بر و تابیده باشد حسنات

عطا فرماید و هزار حاجتش برآورد و هر کس جهت میت تصدق کند خدای تعالی
فرماید که هزار ملک را و هر ملک طبقی از نور در دست بقبر او درآیند و بر و سلام کنند
و گویند این هدیهٔ فلانیست که برای تو فرستاده و آنکس را در بهشت هزار شهر
و هزار حوری و هزار حله عطا فرماید و هزار حاجتش برآورد و هر کس برای میت عمل
خیر مثل نماز و روزه و حج و طواف و زیارت و صدقه و دعا و عتق رقبه و تلاوت
قرآن و غیر آن هدیه کند هر وقت که باشد خدای تعالی اجر او را ده برابر یا بیشتر
مضاعف فرماید و میت را از آن نفع رساند و عذابش تخفیف اگرچه کافر باشد و اگر
میت در تنگنای عذاب باشد که خدای تعالی او را نجات دهد و با او گویند که این
نجات بسبب هدیهٔ فلانیست و میت از هدیه و دعا و استغفار که برایش کنند
خوشحال شود و چند کس را بلکه همهٔ مؤمنان را در یک نماز یا در حج یا غیر آن شریک ثواب
کرد و بهر کدام ثواب آن عمل علیحده برسد و میت خود بهر عمل خیری که در ایام حیوة
خود کرده باشد مثل تصنیفی یا کتاب مصحف یا کتابی یا درختی نشاند یا چاه آبی

بکند

بکند یا کسی را تعلیم خیری یا هدایت یا دلالت بخیری یا غیر آن از اعمال خیر کند تا اثری ازو
باقی باشد نفعش باو رسد و هر کس بتعلیم و دلالت او عمل کند مثل آن ثواب برای
او ثابت باشد بی آنکه از صاحب عمل خیری کم شود و نیز مرویست که از جملهٔ حقوق
مؤمن آنست که بعد از موت ذکرش بخیر کنند و عیوب و سیئاتش را پوشیده
دارند و نیز مرویست که اول صحیفهٔ مؤمن آنست که بعد از موت برایش گویند
اگر خیرست خیر و اگر شرست شر **فصل دهم** در زیارت قبور مرویست از
اهل بیت طاهرین علیهم السلم که بزیارت قبور بروید که یکساعت رقت قلب
و اشک چشم و یاد آخرت و چون کسی بزیارت قبور رود و اهل قبور خبردار
شوند و با او انس گیرند و شگفته و مسرور شوند چنانکه در زندگی بدیدنش روند و چون
از آنجا برود ایشان را وحشت رو دهد و مفارقت اثر کند و هر کس زیارت قبر
والدین یا یکی از ایشان کند در روز جمعه ثواب یک حج مقبول برایش نویسند و بعد از
زیارت دعای والدین حاجتی که داشته باشد بخواهد انشاالله مستجاب شود

وچون خواهد که بر اهل مقابر سلام کند بگوید اَلسَّلامُ اَهْلَ الدِّیارِ مِنَ
الْمُؤْمِنِینَ وَالْمُسْلِمِینَ رَحِمَ اللّٰهُ الْمُسْتَقْدِمِینَ وَالْمُسْتَأْخِرِینَ وَاِنَّا
اِنْشاءَ اللّٰهُ بِکُمْ لاحِقُونَ وچون زیارت را دعا کند بگوید اَللّٰهُمَّ جافِ
الْاَرْضَ عَنْ جُنُوبِهِمْ وَصاعِدْ اِلَیْکَ اَرْواحَهُمْ وَلَقِّهِمْ مِنْکَ رِضْواناً
وَاَسْکِنْ اِلَیْهِمْ مِنْ رَحْمَتِکَ ما تَصِلُ بِهِ وَحْدَتَهُمْ وَتُؤْنِسُ بِهِ
وَحْشَتَهُمْ اِنَّکَ عَلی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ واگر خواهد بگوید اَللّٰهُمَّ ارْحَمْ غُرْبَتَهُمْ
وَصِلْ وَحْدَتَهُمْ وَآنِسْ وَحْشَتَهُمْ وَآمِنْ رَوْعَتَهُمْ وَاَسْکِنْ اِلَیْهِمْ
مِنْ رَحْمَتِکَ ما یَسْتَغْنُونَ بِها عَنْ رَحْمَةِ مَنْ سِواکَ وَاَلْحِقْهُمْ
بِمَنْ کانُوا یَتَوَلَّوْنَهُ ونیز مرویست که هرکس بر اهل مقابر چنین سلام کند
که اَلسَّلامُ عَلی اَهْلِ لا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ مِنْ اَهْلِ لا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ یا اَهْلَ لا اِلٰهَ
اِلَّا اللّٰهُ کَیْفَ وَجَدْتُمْ قَوْلَ لا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ نَحْنُ نَقُولُ لا اِلٰهَ اِلَّا
اللّٰهُ یا لا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ مِنْ لا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ بِحَقِّ لا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ اِغْفِرْ لِی

لمن

لِمَنْ قالَ لا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاحْشُرْنا فی زُمْرَةِ مَنْ قالَ لا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ
مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللّٰهِ عَلِیًّا وَلِیُّ اللّٰهِ خدای تعالی او را ثواب پنجاه ساله
عبادت عطا فرماید و پنجاه ساله سیئات او و والدینش را عفو فرماید و هرکس داخل مقبره
شود و بگوید اَللّٰهُمَّ رَبَّ هٰذِهِ الْاَرْواحِ الْفانِیَةِ وَالْاَجْسادِ
الْبالِیَةِ وَالْعِظامِ النَّخِرَةِ الَّتی خَرَجَتْ مِنَ الدُّنْیا وَهِیَ بِکَ مُؤْمِنَةٌ
اَدْخِلْ عَلَیْهِمْ رَوْحاً مِنْکَ وَسَلاماً مِنِّی بعد هرکس از زمان آدم تا روز
قیامت براش حسنات نویسند و هرکس در مقبره مؤمنین یک آیه از قرآن بخواند
خدای تعالی ثواب هفتاد نبی باو عطا فرماید و هرکس برای اموات از خدا طلب رحمت
کند از آتش نجات یابد و خندان داخل بهشت شود و اگر در مقبره سوره یس بخواند
بعد اهل آن مقبره براش حسنات نویسند و عذاب از آن مقبره تخفیف دهند و اگر
آیة الکرسی بخواند و ثوابش را باهل قبور هدیه کند بعد هر حرف از آن ملکی برای او
تسبیح کند تا روز قیامت و اگر یازده مرتبه قل هو الله بخواند و ثوابش را باهل مقبره بد

کند بعد دادن ثواب و حساب باید و اگر دست بر قبر گذارد و هفت مرتبه انا انزلناه
بخواند از فزع اکبر قیامت ایمن باشد و او و صاحب قبر هر دو آمرزیده شوند و
خدای تعالی ملکی را فرستد که در پیش آن قبر عبادت کند و ثواب آن برای صاحب قبر
نوشته شود و چون از قبر بیرون آید هیچ خوف و هول نکند دیگر آنکه خدای تعالی آنرا
از وی دفع کرده باشد تا آنکه داخل بهشت شود و مرویست از حضرت پیغمبر صلعم فرمود که اگر
کسی بر سر اخگر آتش نشیند و جامه اش بسوزد تا آتش به بدنش برسد دوستتر دارم
که بر سر قبری نشیند اما بر سر قبور راه رفتن و پا گذاشتن قصوری ندارد و مرویست
که چون داخل مقبره شوید بر قبور پا مگذارید که اگر صاحب قبر مؤمن باشد راحت یابد
و اگر نه الم یابد اما ظاهر اینست که قبور اکابر و والدین و علما را رعایت ادب باید
نمود و مرویست که حرمت مؤمن بعد از مردن مثل حرمت اوست در زندگی

خاتمه در مواعظ

در مواعظ و نصایح و فواید متفرقه مرویست از حضرت امام جعفر صادق ع که فرمود
حضرت پیغمبر صلعم در شب معراج از جناب الهی سوال نمود که خدایا کدام عمل در پیش تو

افضل

افضل است فرمود یا احمد هیچ چیز پیش من افضلتر از توکل و رضا بقسمت من نیست یا احمد
واجبست محبت من جمعی را که در طاعت من باهم دوستی کنند و در معصیت من از هم
دوری نمایند و بر من توکل کنند و محبت من علت و غایت و نهایت ندارد برای
دوستان خود و هر علم عزت و قرب که در پیش خداوند کنم علمها را آن در پیش خلق
پست کردانم ایشانند جمعی که حاجات خود را بمخلوقین نبرند بطونشان از حلال حقیقت
و لذت و نعیمشان در دنیا ذکر و محبت و رضای منست یا احمد اگر خواهی که اورع ناس
باشی در دنیا زاهد و باخرت راغب باش گفت خدایا در دنیا چون زاهد و باخرت
چون راغب باشم فرمود خود را از طعام و شراب و لباس دنیا سبکبار دار و دل
بجمیع ذخیره دنیا مدار و از ذکر و یاد من غافل مباش گفت دوام ذکر ترا چون
تحصیل کنم فرمود که بخلوت از ناس و بغض ترش و شیرین دنیا و فراغ شکم و خانه
از مشاغل دنیا یا احمد بپرهیز از آنکه مانند اطفال هر سرخ و زرد و سبزی میل کنی و هر ترش
و شیرین که یابی فریفته شوی گفت خدایا بعملی دلالت فرمای که بتو نزدیک شوم

فرمود که بهشت انبیا را نبیند دارو ورود آن بجوع و تب است یا احمد بعزت جلال خودم
که مجلس ابرار من ضامن چهار چیز نشود مگر آنکه از اهل بهشتش گردانم زبانش را از بی
فایده گفتن و دلش را از خیالهای باطل بسته شود و بداند که من او را می بینم و بیدارم و روشنی
چشم بجوع باشد اگر لذت حلاوت گرسنگی و خاموشی و خلوت و نتیجه او را
دریابی بهیچ چیز بران اختیار نکنی گفت نتیجه اینها چیست فرمود حکمت و معرفت و حفظ
دل از خیالهای باطل و نزدیکی خدا و زهد در دنیا و حزن دایم و خفت مؤنت و کلام
حق یا احمد میدانی که چه وقت بنده بمن نزدیک شود گفت نه فرمود وقتی که گرسنه
یا در سجده باشد یا احمد عجب دارم از آن کسی که در نماز میداند که در پیش که ایستاده
و با که در مناجات است و با این حال خواب آلوده می باشد و کسی که قوت یک روزه دارد و
فکر فردا میکند و کسی میداند که من از و راضی ام و باز خنده میکند یا احمد در بهشت قصری
از لولو که هیچ فصلی ندارد و جمعی خواص بندگان من در آن باشند و هر روز هفتاد مرتبه
بر ایشان نظر کنم و تکلم نمایم و در هر نظر هفتاد برابر دنیا و پادشاهی وقت ایشان را

بخوانیم

بخوانیم وقتی که اهل جنت بطعام و شراب ملتذ و متنعم باشند ایشان محو لذت ذکر و
همزبانی من باشند گفت ایشان کیانند فرمود آنانند که زبان از فضول کلام و شکم از
فضول کلام و شکم طعام بسته اند یا احمد محبت با خدا محبت با فقرا است و نزدیکی با ایشان
گفت فقرا کیانند فرمود آنانی که از دنیا بقلیلی راضی باشند و بر نعمت شکور و در شدت
صبور باشند و با کسی شکایت نکنند و دروغ نگویند و بدنیا فرحناک نشوند و بفقدان
غمناک نشوند یا احمد دوستی من دوستی با فقرا است اگر خواهی بمن نزدیک شوی ایشان را
بخود نزدیک کن و اگر خواهی که از من دور باشی ایشان را از خود دور گردان لئلا ایشان
دوستان منند یا احمد خود را بلباسهای نازک و طعامهای لذیذ و بساطهای نرم میارای
که نفس ماوای هر شر و رفیق هر سوء است اگر تو اش بطاعت میخوانی ترا بمعصیت میخواند
و در طاعت مخالفت و در معصیت موافقت میکند اگر گرسنه شود شکوه کند و اگر
سیر شود سرکشی کند و اگر فقیر شود غمناک شود و اگر مستغنی شود متکبر شود و اگر
از حوادث ایمن گردد و از خدا غافل شود و نفس قرین شیطانست نفس مثال شتر

مرغ است بسیار بخورد و بار برنبندد و دنیا شل و فلی است که رنگش خوش آینده
و طعمش تلخ است و دفلی گیاهیست که بفارسی خر زهره گویند گلش گل سرخ شبیه است
و زهر قاتل است یا احمد دنیا و اهل دنیا را دشمن و آخرت را دوست دار گفت خدایا ایشان
کیانند فرمود اهل دنیا کسی که غضب و خوردن و خنده و خفتن ایشان بسیار باشد و
بقسمت خود راضی نباشد و چون با کسی بد کند عذرخواهی نکند و چون کسی از و عذر
خواهی طلبد قبول نکند و در طاعت کاهل و ناتوان باشد و در معصیت دلیر و توانا باشد املش طویل
اجلش قریب محاسبهٔ نفس خود نکند و نبیند که چه میکند قلیل العلم کثیر الکلام بر عاقبت خود
و از حال خود نیندیشد نه در نعمت شکور و نه در شدت صبور خود را ناکرده ستاینده
و کمالی که ندارند دعوی کنند و عیوب ناس گویند یا احمد عیب اهل دنیا بسیار است اهل جهل
و حماقت و صاحب تکبر و ضلالت در پیش مردم عقلا و در پیش عارفین جهلا یا احمد اهل آخرت
رو نیشان تنک و حیاشان بسیار حمق و تکبرشان قلیل و خیر و نفعشان کثیر مردم از ایشان در
راحت و ایشان از خود در تعب کلامشان سنجیده عقل و همیشه در محاسبهٔ نفس چشمشان

از خواب

در خواب و دلشان بیدار و چشمشان گریان دلشان در ذکر خدا و در کار وقتی که مردم را از
غافلان نویسند ایشان را از ذاکران نویسند در اول نعمت حمد شیوه و در آخر نعمت
شکر پیشه دعاشان در پیش خدا مرفوع و کلامشان محبوب و مسموع و ملائکه با ایشان خشنود و مایند
ذکر خدا از ایشان مقصود علما را بملایمت پیروی کنند و جهال را بمرحمت و هدایت راه نمایند
موت هر کس یکمرتبه باشد و ایشان از شدت مجاهده نفس و مخالفت هوس روزی هفتاد
مرتبه بمیرند از ضعف و ناتوانی بهر بادی بلرزند و در وقت عبادت چون ستون محکم
باشند و دلشان خالی از شغلی غیر خدا بعزت جلال خود دم که چون روحش از بدن
مفارقت کنند بزندگی و خوشی نده اش گردانم و ملک الموت را بر و مسلط نکنم ملکه خود
متولی قبض روحش شوم و درهای آسمان برای روحش بگشایم و حجابها را از پیش خود او
بردارم و بهشتها را امر فرمایم تا زینت کنند و حور العین را فرمایم تا مهیای تماشا
شوند و ملائکه را فرمایم تا بر ایشان صلوات فرستند و درختها را تا بار آیند و میوه‌ها
تا خود را بپا و بریزند و بادی از بادهای زیر عرش را بفرمایم که کوههای مشک و کافور را

و نهر شهار

بجای او بی آتش بخور کنند و در میان من و آن روح هیچ پرده و مانعی نباشد و از روی
لطف و ملاطفت و اکرام و رحمت و رضوان در پیش خود خوانم ای کاش تو بینی که
ملائکه چون او را دست بدست میگردانند یا احمد اهل آخرت را طعام گوارا نباشد
و تا خدای خود را شناخته اند از مصیبت محزون نشوند و تا سیئات خود را
دانسته اند و همیشه بر گناهان خود گریان باشند و از عبادت فرصت استراحت
نیابند و ایشان را در دنیا راحتی نبود و چون بمیرند براحت رسند مونس ایشان اشک
چشم ایشانست که در شبها بر رویشان روان شود و همنشین ملائکه باشند
و همزبانشان خدای تعالی ذکرشان دلشان در سینه از غایت حزن خوف و الم
مجروح همیشه مشتاق آخرت یا احمد میدانی که زاهدان در پیش من چه رتبه دارند
گفت نه فرمود که چون روز قیامت که خلایق همه گرفتار حساب باشند ایشان
از آن ایمن باشند و کمترین عطیه که با ایشان عطا کنم آنست که کلیدهای بهشت را
همه با ایشان دهم تا از هر در که خواهند درون روند و ایشان را در مقام خوشی

در پیش

در پیش خود بنشانم و انواع لذات از کلام خود با ایشان عطا کنم و چهار در بر
ایشان بگشایم یکی آنکه هدیه و کرامات و عطایا از پیش من بر ایشان داخل شود و دیگری
آنکه هر وقت خواهند بی مشقت و تعب تماشای من کنند و یکی آنکه تماشای محل لعینین
و ظالمین کنند که در جهنم که چون بانواع عذاب معذب اند و یکی آنکه حور العین
و خادم بر ایشان داخل شوند گفت خدایا این زاهدان کیانند فرمود آنانکه دل
نبسته اند بخانه که از خرابیش غمگین شوند و نه بفرزندی که از موتش محزون
گردند و نه بمالی که از رفتنش مهموم باشند و نه باکسی آشنا اند که یک لحظه ایشان را
مانع شود از خدا و نه زیاده قوتی دارند که از ایشان سوال کنند و نه بجامه فاخر
نازک مینازند یا احمد روی زاهدان زرد است از تعب عبادت شب و
روز و زبانشان کند است از تکرر ذکر خدا دلهای ایشان در سینه از کثرت مخافت
آرزو پاره پاره و بدنشان از کثرت مجاهده زار و نزار شده و در کمال سعی در عبادت اند
بی آرام و بیقرار لیکن نه از شوق جنت و نه از خوف نار بلکه چون خدا را شناخته

و اهل عبادت یافته اند بقرار عبادت گشته اند گفت خدایا آیا از امت من کسی این رتبه
عطا فرموده فرمود یا احمد این درجه اولیا و صدیقین است از امت تو و غیر است
از گفت خدایا زهاد کدام امت بیشتر است فرمود زهاد بنی اسرائیل در میان زهاد
امت تو مثل یک موی سیاه است در گاو سفید حضرت پیغمبر صلعم فرمود بعد از آن خدا را
حمد و شکر بسیار نمودم و ایشان را دعا کرده گفتم خدایا بر ایشان رحم کن و ایشان را دین
ایشان را که با ایشان آن راضی گشته حفظ کن و ایشان را ایمانی عطا ده که بعد از آن
شک نکنند و ورعی ده که بعد از آن بدنیا رغبت ننمایند و خوفی ده که بعد از آن
غافل نشوند و علمی ده که بعد از آن جهل نداشته باشند و عقلی ده که بعد از آن از
احمقی ایمن باشند و نزدیکی ده که بعد از آن دوری نبینند و خشوعی که
قساوت در عقبش نباشد و تذکری که نسیان در پی نداشته باشد و [illegible] ده
که بعد از آن خواری نبینند و صبری که بعد از آن جزع نکنند و حلمی که بعد از آن بی تاب
نشوند و [illegible] ایشان را مملو حیا گردان تا همیشه از تو حیا کنند و ایشان را از آفات دنیا

وآفات

وآفات نفوس خود و وسواس شیطان جدا گردان تا از فتنه آن ایمن باشند
بعد از آن فرمود یا احمد از ملازمت ورع غافل مباش که اول و میان و آخر دین
همه ورع است و ورع زینت مؤمن و عماد دین است و ورع مثل کشتی است
چنانکه از دریا بی کشتی نتوان گذشت همچنین زاهد بی ورع از دنیا نتواند نجات
یافت یا احمد بورع همه دریا با توفیق بنده گشوده است و بورع در پیش مردم
مکرم و در پیش خدا عزیز و مکرم گردد یا احمد خموشی پیشه کن که معمورترین دلها
دل صلحا و خاموشانست و خراب ترین دلها دل بیهوده گویانست یا احمد عبادت
ده جزو است نه جزو آن طلب حلال است اگر مطعم و مشرب خود را از حرام پاک
کنی در حفظ و پناه من باشی گفت خدایا اول عبادت چیست فرمود اول عبادت
روزه و خموشیست یا احمد میدانی نتیجه روزه چیست گفت نه فرمود کم خوری
و کم گوئی و نتیجه خموشی حکمت است و نتیجه حکمت معرفت و نتیجه معرفت یقین و چون
بنده صاحب یقین شود پروا از سختی و سستی دنیا نکند و چون چنین شود

از من و از ذکر و همه من راضی باشد و چون برضای من عمل کند صفت با وعطا و ما
شکری که مخلوط بجهل نباشد و ذکری که مخلوط بنسیان نبود و محبتی که بر من غیر مرا
اختیار نکند پس چون مرا دوست دارد من او را دوست دارم و خلق را دوست و گردانم
و چشم و دلش را بعظمت و جلال خود بگشایم پس علم خواص خلق خود را از و
پوشیده ندارم و در شب و روز نهان و همراز او باشم تا آنکه صحبت و مجالست
از غیر من قطع شود و کلام خود و کلام ملائکه خود را بشنوانم و سر خود را که
از خلق نهان داشته باشم باو شناسانم و لباس حیا در و پوشانم تا خلق
از و حیا کنند و گناهانش را بیامرزم و دلش را خزینه اسرار خود کنم و پرده
از احوال بهشت و دوزخ و احوال و رقیامت برای او بردارم تا همه را مشاهده
کند و قبرش را منور گردانم و شدت موت و ظلمت قبر و لحد و هول قیامت
نبیند و نصب میزان و نشر دیوان برایش نکنم بعد از آن کاهی می افتد و کاهی
بر میخیزد تا آنکه از صراط بگذرد و ملک این بنده خود را بالاتر از ملک همه ملوک

گردانم

گردانم و بهشت و نعیم بهشت برایش مهیا کنم و عقلش را مستغرق معرفت خود
گردانم و چون ملک الموت بر و نازل شود گوید خوشت باد که خدای عز و جل
مشتاق تست ای دوست خدا درهای آسمان که اعمال تو از آن بالا میرفت و محراب
و مصلای تو همه بر تو گریه میکنند و ملائکه بر بستر تو ایستاده باشند هر یک جامی
از آب کوثر و جامی از شراب بهشت در دست گرفته و چون روحش از بدن
بیرون آید از آن آب و شراب بوی دهند تا سکرات و تلخی موت از و زایل گردد
و مژده اش دهند پس از دست ملائکه پرواز کند و به پیش خدا رود دیگر از چشم
برهم زدن میان او و خدا هیچ حجاب و مانعی نباشد پس در جانب راست عرش نشیند
پس خدای تعالی از و سوال کند که دنیا را چون گذاشتی گوید بعزت جلال تو که
از بس که خوف از تو داشتم از دنیا خبر نداشتم پس خدای تعالی فرماید راست میگوئی
اگر چه بدنت در دنیا بود اما روحت همیشه با من بود و من از ظاهر و باطنت
خبردارم هر چه خواهی سوال کن تا عطا کنم و در جوار من ساکن باش و در جنت

نمی‌انجامد پس آن روح گوید که تو معرفت خود عطا فرمودی که بآن از همه چیز مستغنی
شدم بعزت و جلال تو که اگر مرا بند بند جدا میکردند یا بمقراض مرتبه می‌گشتند
و بسنجر بر میکشتند آنجا که رضای تو پیش من از همه چیز بهتر بود و من چون بخود بنگرم
باشم که هر چه دارم از تو دارم و اگر تو مرا اکرام نمیکردی ذلیل میبودم و اگر
تو مرا نصرت نمیدادی مغلوب میبودم و اگر تو تقویت نمینمودی ضعیف میبودم
و اگر تو مرا بذکر خود زنده نمیکردی میّت میبودم و اگر تو گناه مرا برحمت خود
نمی‌پوشیدی اوّل مرتبه که معصیت میکردم رسوا می‌گشتم چون رضای ترا نخواهم
که عقل مرا تمام کردی تا ترا شناختم و حق را از باطل دانستم و مرا از نهی و علم از
جهل و نور ظلمت تمیز کردم پس خدای تعالی فرماید بعزّت و جلال خودم که میان
من و تو هیچ حجاب نباشد تا هر وقت خواهی پیش من آیی و با دوستان خود چنین
کنم یا احمد میدانی که کدام زندگی گوارا تر و کدام حیوة باقی تر است گفت خدایا
نمیدانم فرمود زندگی گوارا آنست که صاحبش از ذکر من مانده نشود و نعمت

مرا فراموش نکند و از من غافل نگردد و حق مرا شناسد و شب و روز طالب رضای
من باشد و امّا حیوة باقی کسی دارد که طاعت من کند تا دنیا در نظرش ذلیل شود
و آخرت عظیم گردد و خواهش مرا با خواهش خود اختیار کند و پیروی رضای
من نماید و مرا چنانکه حق تعظیم منست تعظیم کند و بداند که من از و غافل نیستم
و شب و روز مرا در نظر داشته باشد تا از معصیت من گریزان باشد و دلش را
از صفات ذمیمه و خیالهای باطل پاک کند تا شیطان در دلش راه نیابد و شیطان را
دشمن دارد و اطاعتش نکند و چون باین طریقه عمل نماید دلش را از محبّت خود لبریز
گردانم تا هیچ چیز را بر من اختیار نکند و هر چه کند و گوید از برای من کند و چشم و گوش
و دلش را بگشایم تا بچشم دل جلال و عظمت مرا بیند و بگوش دل اسرار را از من بشنود
و دنیا را بر او تنگ گردانم و لذّت دنیا را از دلش بیرون کنم و از دنیا و ما فیها
او را بترسانم چنانکه شبان گله را از مهلکها و مواضع گرگ میترساند و چون چنین
شود از مردم گریزان گردد و از دنیای فانی که خانهٔ شیطانست [illegible] دل بوده رو

و مشتاق آخرت که خانهٔ رحمانست شود و بعظمت و هیبت او را زینت کنم این زینت
که زندگی گوارا و حیوة باقی یا احمد کسی که عقل ندارد غنی نیست و کسی که جهل ندارد
فقیر نیست یا احمد میدانی بچه چیز ترا افضل از سایر انبیا کردم گفت نمیدانم گفت بسبب یقین
و حسن خلق و سخاوت و رحم بر خلق و همچنین مؤمنانی که دنیا با ایشان محکم است
باین صفات ترتیب یافته اند یا احمد فعل و قول را برای من کن و بدنت را مشو ضایع
گردان تا هرگز از من غافل نشوی که هر کس از من غافل شود از و پروا نکنم هر جا که
هلاک شود یا احمد عقلت را پیش از آنکه از دست رود بکار فرمای که هر کس عقلش را بکار
فرماید خطا نکند و علمی که ترا اعطا کرده ام عمل نما تا علم اولین و آخرین برای تو
جمع شود و چون چنین کنی آنقدر معرفت در دلت اندازم که هیچ کس وصف
او نتواند و بهر راه خیر ترا هدایت کنم و قوت عبادت و هم عبادت در چشم تو
شیرین کنم تا هیچ چیز را از آن دوستتر نداری یا احمد اگر خواهی حلاوت دلت از من دریابی
گرسنگی را پیشهٔ خود ساز و خموشی اندیشهٔ زبان و خوف را ملازم دل گردان

اگر

اگر چنین کنی نجات یابی و اگر نه هلاک شوی یا احمد بعزت و جلال خودم که اوقات
عابدین و توبهٔ ایشان و تقرب ایشان بمن نیست مگر روزه و گرسنگی و خموشی و تنهائی
از اهل دنیا و اول معصیت سیری و بیفایده گوئی و اختلاط اهل دنیا یا احمد چون گرسنگی
و خموشی پیشه کند حکمت و را اعطا کنم اگرچه کافر باشد اما اگر کافر باشد آن حکمت
بر و حجت باشد و وبال شود و اگر مؤمن باشد نور و برهان و شفا و رحمت شود
پس آنچه نمیدانست بداند و آنچه نمیدید ببیند و آنچه اول بیند عیوب خود تن باشد
تا بآن مشغول شود و از عیوب مردم فارغ گردد و دور دقایق علم و حیلهای شیطان
و حیلهای نفس خود دشمن نا کنم تا نفس و شیطان را بر او راهی نباشد یا احمد هیچ عبادات
پیش من بهتر از گرسنگی و خموشی نیست پس کسی که روزه گیرد و زبان از بیهوده
نبندد مثل کسی است که نماز ایستد و قرائت نکند یا احمد میدانی که بنده چه وقت
عابد باشد گفت نمیدانم فرمود وقتی که هفت صفت در او باشد ورعی که او را
از حرام باز دارد و خموشی که او را از کلام بی فایده باز دارد و خوفی که روز

بنده ام

و گرسنگیش زیاد شود و حیائی که در خلوت از من حیا کند و کم خوری
که بقدر ضرورت خورد و دنیا را دشمن دارد که آنرا من دشمن دارم و خوبان را
دوست دارد که ایشان را من دوست دارم یا احمد هر که کسی گوید که من خدا را دوست
میدارم مرا دوست ندارد تا آنکه از دنیا بقوتی و جامهٔ سهلی راضی شود و عمر خود را
در عبادت من گذراند و خاموشی پیشه کند و توکل بر من کند و گریهٔ بسیار
و خندهٔ کم کند و مخالفت هوا و هوس کند و مسجد خانه اش و علم مصاحبش و زهد
همنشین اش و علما دوستانش و فقرا رفقایش باشند و طالب رضای من باشد
و از غضب من بگریزد و از اهل دنیا و اهل معاصی گریزان باشد و خود را مشغول
ذکر و تسبیح من دارد و در وعده صادق باشد و بعهد وفا کند و دلش از صفتها
و ارادتها و فکرهای باطل پاک باشد و نمازش را از شرک و ریا و قصور پاک
گرداند و در فرایض سعی تمام کند و رغبت ثواب و هراس از عذاب من باشد
و رفیق و همنشین دوستان من باشد یا احمد اگر بنده مثل تمام اهل آسمان و زمین

روزه

روزه گیرد و مثل ایشان نماز کند و مثل ملائکه یکباره دست از طعام بکشد و مثل ملائکه بی
لباسها در بهشت و حلل پوشد و با این همه در دلش بقدر ذرهٔ حب دنیا یا حب
یا نام یا آوازه یا زینت دنیا باشد در جوار من راه نیابد و محبت خود را از دلش بر دارم
و دلش را تاریک کنم تا مرا فراموش کند و حلاوت محبت خود را و نچشانم
و بر تو باد رحمت و سلام من و ایضا از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم
مرویست که خدای تعالی فرموده ای آدمی زاد تو انصاف نمی آری و شرم
نمیداری همیشه من با تو نعمت و رحمت و شفقت و دوستی و مهربانی میکنم و تو
با من بذنوب و معاصی مخالفت و دشمنی میکنی و همیشه خیر و رحمت من بر تو نازل
میشود و شر و مخالفت تو پیش من می آید هر شب و روز فرشتهٔ کریم از عمل
قبیح تو نزد من می آرد و اگر تو وصف خود را از کسی بشنوی و ندانی که ترا
میگوید هر آینه دشمن خود شوی و مرا در غضب یاد کن تا من ترا در وقت
غضب یاد کنم و هم از آنحضرت صلعم مرویست که منادی از پیش عرش ندا کند

[illegible] دم خدای تعالی شما را سلام میرساند و میگوید من شما را اشتیاق خود
میکنم و شما مشتاق من نمیشوید و شما را از خود می رسانم و نمیترسید و شما را
بخواب میروید و زنهار از غفلت میکنید زانید پس ای بنده راه دور و دراز را کسی
طی میکنید و هم از آنحضرت صلعم بحضرت امیرالمؤمنین ع فرمود یا علی ترا وصیتی
چند میکنیم یاد دار که آنرا محافظت کنی همیشه در خیر باشی یا علی بهترین جهاد
آنست که چون صبح برخیزی ظلم کسی در خاطر نداشته باشی و هر کس مردم
از زبانش بترسند از اهل دوزخ باشند و بدترین مردم کسی است
که از ترس شر زبانش اکرامش کنند یا علی بدترین مردم کسی است که آخرت را
بدنیا بفروشد و بدترین کسی که آخرت خود را بدنیای دیگری بفروشد
یا علی هر کس عذر قبول نکند خواه راست و خواه دروغ شفاعت من نرسد
یا علی بهشت حرام است بر هر فحاش و هرزه گوی که از هر بد که گویند او گوید
و پروا نکند یا علی مزاح بسیار مکن که قیمت برود و دروغ مگو که نور

برود و زنهار ملال و کاهلی بخود راه مده که چون ملال یابی صبر بر حق نکنی و چون کاهل
شوی ادای امر حق نکنی یا علی هر گناه را توبه است مگر سوء خلق را که صاحب خلق
بد از گناه که توبه بیرون آید و بگناه دیگر افتد بلکه توبه آن ترک آنست یا علی خدای
تعالی بهشت را از خشتی طلا و خشتی نقره آفریده و دیوارش را از یاقوت و
سقفش را از زبرجد و کنگرش را از زبرجد و ریگش را از لؤلؤ و خاکش را از زعفران
و مشک اذفر آفریده بعد از آن فرمود که تکلم کن گفت لا اله الا الله الحی القیوم
سعادت یافت هر کس داخل من شد فرمود بعزت جلال من که داخل تو نشود
شراب خوار و سخن چین و دیوث و اعوان ظلمه و مخنث و نباش و عشار و قاطع
رحم یا علی چند کس از این امت کافرند سخن چین و کسی که جستجوی اسرار مردم
کند و دیوث و کسی که زنی را بحرام یا زنی محرم یا حیوانی را نکاح کند و کسی که
در فتنه سعی کند و کسی که صلاح جنگ باهل حرب مسلمین فروشد و مانع زکوة و مستطیعی
که حج نکرده بمیرد یا علی سه چیز از مکارم اخلاق است در دنیا و آخرت عفو

کردن با کسی که بر تو ظلم کند و صله کردن با کسی که از تو قطع کند و حلم ورزیدن با
کسی که با تو ناخوشی کند یا علی نماز چند کس قبول نشود بنده که از صاحبش بگریزد
و زنی که شوهرش ازو رنجانده و دوری کند و مانع زکوة باشد یا علی هر کس هفت
صفت داشته باشد حقیقت ایمان بر ایش کامل بود و درهای بهشت بر ایش گشوده
شود کسی که وضو را پر آب سازد و نماز را در وقت با حقوق خود گذارد و زکوة
مال خود دهد و غضب خود را حفظ کند و زبان نگاه دارد و از گناهان استغفار
کند و خیرخواهی اهل بیت طاهرین کند یا علی مجالست سه طایفه دل را بمیراند اغنیا و
ارذال و زنان یا علی سه چیز از حقیقت ایمان است صدقه در وقت پریشانی و
انصاف بحق و بذل علم بمتعلم یا علی سه چیز است که هر کس نداشته باشد عملش تمام
نشود ورعی که از معاصی نگاهش دارد و خلقی که با مردم مدارا کند و حلمی که جهل جاهلان
بگذراند یا علی دو ساله راه برو برای بر والدین و یکساله راه برای صلهٔ رحم یک میل
بعیادت مریض و دو میل بتشییع جنازه و سه میل باجابت دعوت و چهار میل بزیارت

مؤمن و پنج میل بمدد درمانده و شش میل باعانت مظلوم و در استغفار تقصیر
مکن یا علی چون کسی بمیرد مردم گویند چه گذاشت و ملایکه گویند چه آورد یا علی
سه چیز مورث قساوت قلب است شنیدن غنا و صید کردن بلهو و بدر خانهٔ سلاطین
رفتن یا علی هر کس خلقش نیکوتر و حلمش زیاده‌تر و برش با قرابت بهتر و انصافش
بیشتر از همه کس بمن شبیه‌تر دهم از آنحضرت مرویست که با ابوذر رحمه الله فرمود
که یا اباذر وصیت مرا محافظت نما تا در دنیا و آخرت نجات یابی خدا را چنان
عبادت کن که گویا او را می‌بینی که گویا می‌بینی که اگر تو او را نمی‌بینی او ترا می‌بیند یا اباذر
اهل بیت من مثل کشتی نوح‌اند و هر کس پناه بایشان برد نجات یابد و هر کس از ایشان
باز ماند هلاک شود یا اباذر پنج چیز را پیش از پنج چیز غنیمت دان جوانی پیش از پیری
و صحت پیش از بیماری و غنا پیش از فقر و فرصت پیش از پرمشغولی و زندگی را پیش از
مرگ یا اباذر چون کار خیری بخاطرت رسد تأخیر مکن که نمیدانی که بعد از این
چه شود و اگر بعد از این بمانی کار دیگر توانی کرد و اگر نه از این کار محروم نباشی و لیا

کسی که [illegible] از آب برند و نفرد از رسانند یا اباذر خود را در دنیا غریب شمار یا مثل مسافر
انگار و از جمله مردگان پندار و چون صبح برخیزی در فکر شام مباش و چون شام
رسی خیال صبح مدار یا اباذر عمر را غنیمت شمار و در عمر بخیل تر از درم و دینار باش یا اباذر
حقوق خدا بیش از آنست که توان دانست و نعمتهای او بیش از آنست که توان شمرد
و غیر ازین چاره نیست که صبح و شام در توبه و استغفار باشی یا اباذر مومن از خطیه گریزان
تر باشد که صید از دام یا اباذر در کاری که نفعی ندارد مکن و حرفی که فایده ندارد مگوی
و زبان خود را بیش از آن حفظ کن که مال را حفظ میکنی یا اباذر جمعی در بهشت سیر کنند و جمعی را
در درجات بالاتر از خود ببینند گویند خدایا ما و ایشان در دنیا با هم بودیم چرا ایشان را
بر ما تفضیل فرمودی فرماید هیهات ایشان گرسنه و تشنه میبودند و شما سیر و سیراب
میبودید و ایشان عبادت میکردند و شما میخوابیدید و ایشان مشقت میکشیدند و شما
راحت میکردید یا اباذر چشم من بنماز روشن است چنانکه چشم گرسنه و تشنه
بطعام و آب گرسنه و تشنه از طعام و آب سیر گردند و من از نماز سیر نشوم یا اباذر

خوشا

خوشا حال جمعی که در روز قیامت علمهای تمامی افراشته داخل بهشت شوند ایشانند که بر کار
و غیر آن بمساجد سبقت کنند یا اباذر دنیا زندان مومنانست و بهشت کافرانست مومن
در دنیا نباشد مگر محزون و چون محزون نباشد از بلا هرگز فارغ نیست و چون از دنیا
برود در رحمت رسد یا اباذر هیچ عبادتی به از آن نیست که همیشه محزون باشی اگر توانی گریه
کن و اگر نتوانی دل را غمگین دار و خود را بگریه آر که دل سخت از خدا دورست یا اباذر که هر کس
حسنه کند و تکیه بر آن کرده از معصیت ایمن شود مستوجب غضب خدا شود یا اباذر دانا
کسیست که خود را بمشقت دارد و کار آخرت کند و نادان کسی که پیروی هوای نفس کند
و خود را بآرزوهای دنیا فریب دهد یا اباذر دنیا و هرچه در دنیاست همه ملعونست مگر آنچه
از برای خدا باشد یا اباذر خدای تعالی بهر کس اراده خیر دارد و او را در دین دانا و در دنیا
زاهد گرداند و بعیوب نفس خود بینا کند یا اباذر چون کسی را بینی که ترک دنیا کرده سخن او
بشنو که دلش از حکمت پر است یا اباذر من دعا کردم که خدای تعالی رزق من و دوستان
من قدر کفاف کند و اعدای ما اهل بیت را بسیار دهد یا اباذر از خدا بترس و بپرهیز مردم منما

که خدا حاضر ... می و دلت بی خبر باشد یا ابا ذر هرچه میکنی خواه خوردن و خواه خوابیدن
و پوشیدن برضای خدا کن تا از آن ثواب یابی یا ابا ذر اگر بهشت میخواهی آرزوی دنیا از دل
بیرون کن و همیشه منتظر مرگ باش و از خدا حیا کن گفتیم از خدا حیا میکنیم فرمود حیا این نیست و حیا آنست
که در مقابل مقابر مرگ را فراموش نکنی و در خوردن و پوشیدن از حلال و حرام بی پروا
نباشی هر کس کرامت آخرت را خواهد ترک زینت دنیا کند و چون چنین باشی از اهل
دوستان خدا باشی یا ابا ذر اگر یکی از زنان بهشت در شب تاریک بر زمین نگاه کند
از نور طلعت او تمام روی زمین روشن‌تر از ماه شود در شب بدر و تمام اهل زمین بوی عطر او
بشنوند و اگر جامهٔ از جامه‌های بهشت را در دنیا بگشایند هیچکس تاب دیدنش نیاورد و همه
بیهوش بیفتند یا ابا ذر هر جوانی که برای خدا ترک لذت و شهوت دنیا کند و جوانی او در
طاعت به پیری رساند اجر هفتاد صدیق داشته باشد یا ابا ذر کسی که چون اذان
نماز بشنود جانب مساجد را خوب عمارت کند ثوابش بهشت باشد گفت عمارت
مسجد کدام است فرمود آنکه در مسجد آواز بلند نکنی و مشغول لغو و باطل و بیع و شری نشوی

واگر

واگر چنین کنی در قیامت حسرت و ندامت بری یا ابا ذر تا در مسجد باشی ... ثواب
فرشته و بهر نفسی که کشی درجه بلند کند و ده حسنه نویسند و ده سیئه محو کنند یا ابا ذر
دزد کسی است که متقی نباشد یا در اکل و شرب و لباس تمیز حلال و حرام نکند و تا محاسبه
نفس خود نکند مثل کسی است که با کمال دقت محاسبهٔ شریک و تحویلدار کند یا ابا ذر خدای تعالی
فرموده بعزت جلال خودم که هیچ بنده رضای مرا بر رضای خود اختیار نکند مگر آنکه نفسش را
غنی گردانم و قصد و فکرش را صرف آخرت کنم و آسمان و زمین را ضامن رزقش گردانم
و من برای او برای تجارت هر تاجر باشم یا ابا ذر اگر آدمی از رزق خود بگریزد چنانکه
از مرگ میگریزد رزقش او را برسد چنانکه مرگ او را میرسد یا ابا ذر خدای تعالی نظر بمال و جمال
نکند بلکه نظر بدل و اعمال کند یا ابا ذر کسی که فرج و زبان را حفظ کند داخل بهشت شود گفت
مگر ما را بحرفی که گوییم مواخذه کنند فرمود یا ابا ذر مگر مردم را بسر زیر بدوزخ میندازد
مگر حاصل زبان ایشان یا ابا ذر کسی که خواهد مردم در پیش او بر سر پا ایستند جای خود را در
آتش مهیا داند یا ابا ذر کسی که بقدر ذرهٔ تکبر در دلش باشد بوی بهشت نشنود تا آنکه

[illegible] و کسی که قادر باشد تا برای تواضع خدا ترک زینت دنیا کند و خود را در پیش
خدا ذلیل و حقیر گرداند و مال خود را در غیر معصیت صرف کند و بر فقرا و مساکین رحم
نماید و با اهل علم و دانش مخالطت کند بهترین امت من باشد خوشا کسی که ظاهر و باطنش
خوب باشد و شر خود را از مردم باز دارد و بعلم خود عمل کند و هر چه زیاد از قوت عیال
باشد در طاعت صرف کند و حرف بیفایده نگوید و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله
و سلامه علیه مرویست که فرمود عجب از کسی که امید برحمت من دارند و بنده کان را از بهر خرند
تا آزاد کند چرا آزادان را باحسان نمیخرند که بنده کنند و عجب از کسی که امید رحمت از بالاتر
از خود دارد چون بپایین تر از خود رحم نکند و عجب از کسی که از ترس مرض از طعام
پرهیز کند چون از ترس عقاب از گناه پرهیز نکند و حضرت امام جعفر صادق ع بجمعی از شیعیان
میفرمود ای معاشر شیعه شما زینت ما باشید و ننگ ما مباشید و با مردم خوش سلوکی
کنید و زبان خود را نگاه دارید و از فضول کلام و قبایح فعال احتراز نمایید و هم از آنحضرت
بعبد الله بن جندب که از اصحاب آنحضرت بود فرمود ای عبد الله ابلیس دامهای خود را برای

اولیا

اولیا در این دار غرور گسترده و حال آنکه در نظر ایشان آخرت چنان جلوه کرده که هیچ چیز
بر آن اختیار نکنند و بعد از آن فرمود آه آه بر دلهائی که از نور الهی پر شده و دنیا در
نظر ایشان مثل مار ارقم یا عدوی اعجم آمده بخدا انس گرفته و از اهل دنیا وحشت کرده اند ایشان
اولیا هستند بحق و خدا با ایشان رفع هر آفت و بلا از اهل دنیا نماید ای ابن جندب بر
هر کس که معرفت ما را شناخته واجبست هر روز و هر شب محاسبه نفس خود کند و اگر حسنه کرده
باشد خدا را شکر کند و طلب زیادتی نماید و اگر سیئه کرده باشد استغفار کند و در صدد
تلافی باشد تا روز قیامت ذلیل نباشد خوشا بنده که چشم بر نعمت اهل دنیا و زینت ظاهر
ایشان نکند بر آن رشک نبرد و خوشا بنده که مشغول طلب آخرت باشد و آرزوهای
باطل دنیا از راه نبرد ای ابن جندب اگر شیعیان ما براه راست آیند و اطاعت ما کنند
ملائکه با ایشان مصافحه کنند و هیچ چیز از خدا طلب نکنند مگر عطا فرماید ای ابن جندب
برای گناهکاران شیعه بد مگویید و بخدا برای توفیق و توبه ایشان تضرع و استغاثه کنید
و هر کس تولا بما کند و از اعادی ما تبرا نماید و اگر خبری بداند بگوید و آنچه نداند بار و

مشکل باشد که از اهل جنت بوده باشد یا بن جندب تکیه بر عمل مکنید که هلاک شوید
و اعتماد بر رحمت نموده جرأت بر گناه مکنید که نجات نیابید گفتم پس که نجات یابد فرمود
کسی که دلش در میان خوف و رجا باشد و مضطرب در رجای ثواب و خوف عقاب مثل کبوتر در
چنگل باز و عقاب یا بن جندب هر کس خواهد که خدای تعالی با حور محشور کند و تاج نور
بر سرش نهد مؤمنان را مسرور نماید یا بن جندب شب خواب کم کن و روز حرف کم گوی
که هیچ عضوی شکرش کمتر از چشم و زبان نیست یا در سلیمان بن داود به سلیمان علیه السلام گفت
ای فرزند خواب کم کن که هر کس خواب بسیار کند محتاج شود در روزی که هر کس محتاج بعمل
خود باشد یا بن جندب شیطان را دامهاست که مردم را بآن فریب دهد و گمراه کند از آنها
پرهیز کنید و خود را در دام میارید گفت یا بن رسول الله کدام است فرمود یکی آنکه منع بر
و احسان بر مؤمنان کند و دیگر آنکه از صلوة و فرایض غافل گرداند هیچ عبادتی مثل نقل اقدام
با احسان و برادران و زیارت ایشان نیست وای بر جمعی که نمازها را فراموش کنند و در
شان او مساهله نمایند تا از اوقات خود بگذرد و حدود و ارکانش ضایع شود دل بر ما رست

واحکام

و احکام خدا استهزا میکنند و از مواعظ و نصایح آن پروا ندارند ایشانند که خدای تعالی
در قرآن فرموده که در آخرت ایشان را نصیبی نباشد و با ایشان سخن نگوییم و از سیئات پاک
نگردانیم و بعذاب الیم معذب گردانیم یا بن جندب هر کس با مؤمنی غش ورزد و تحقیرش
کند و با او عداوت نماید ماوای او جهنم باشد و هر کس بر مؤمنی حسد برد ایمان در دلش
چون نمک در آب بگدازد یا بن جندب هر کس برای حاجت مؤمنی سعی کند چنان است که
سعی میان مروه و صفا کرده باشد و هر کس قضای حاجت مؤمن کند چنانست که در بدر
و احد در خون غلطیده باشد و خدای تعالی هیچ امتی را عذاب نکرده مگر وقتی که بحقوق فقرا
استهانت کرده‌اند یا بن جندب بر شیعیان ما برسان و بگوی که خیالهای باطل مکنید و الله
که بولایت ما دست رس نباشد مگر بورع و عبادت و مواسات اخوان مؤمنان و شیعه
ما نیست کسی که بر مردم ظلم کند یا بن جندب شیعیان ما را بچه صفت توان شناخت سخا
و بذل با اخوان و فرایض و نوافل شبانه روز شیعیان ما مثل سگ زاری نکنند و مثل کلاغ
طامع نباشند و با اعدای ما تملق و از ایشان سوال نکنند اگر چه از گرسنگی بمیرند و محافظت

دقیقه گفته اند که هر کو مسکن نباشد کوشش نکرد از کجا جوییم فرمود در کنار راهها و گوشها

و چون داخل شهری شوی بی نام و نشان از مردم کناره کرده و مردم از تو کناره کرده

کم یابی او مؤمن باشد این حدیث هر گناه آمرزیده شود دیگر عقوق اهل ولایت دیگر

مقبول شود دیگر آنکه بر سبیل ریاست و سروری کند این حدیث اگر خواهی در فردوس

که همسایه ابراهیم خلیل باشی باید چیزهای دنیا را بر خود آسان کنی و همیشه مرگ در نظر آری

و آنقدر در دنیا بی اعتماد باشی و برای فردا ذخیره نکنی و بدانکه از مال دنیا آنچه فرستی از آن

تو باشد و هرچه گذاری بران حسرت بری این حدیث هر کس خود را از مال خود محروم کند

برای دیگران جمع کرده باشد و هر کس پیروی هوای نفس کند اطاعت دشمن خود کرده باشد

و هر کس اعتماد بر خدا کند دنیا و آخرتش سامان باشد در نعمت شکور و در مشقت صبور باش

تا نعمت موجب غفلت و بلیه موجب جزع نشود و آنقدر امید برحمت خدا داشته باش

اعتماد بر آن معصیت نکنی و آنقدر خوف از عقاب داری که از رحمت نومید نشوی درشت

و ناخوش مباش که مردم از تو دوری کنند و حقیر و دنی مباش که ذلیل و خفیف شوی

و پای

و با پیش از خود بدی و خصومت مکن و با کم از خود مسخره و استهزا مکن و در کارها با مردم

مسامحه مکن و مطیع سفها مباش و خود را در پیش هر کس خفیف مگردان و در کارها ملایمی کن

و خیر و شر کس تیز نمائی تا در آن درنمانی و پشیمان نشوی و طبیب نفس خود باش و خیر و شر

خود را بشناس و اگر بکسی احسان کنی مکرر ذکر مکن تا باطل مگردان بلکه بهتر از آن احسان

کن و عیوب خود را مخفی کن که اگر عالمی زینت تو باشد و اگر جاهلی دیده عیب تو باشد این حدیث

عیسی بن مریم با صحابه خود گفت که اگر شما ببینید که جامه بعضی از عورتش گشوده

آیا همه را میپوشانید یا گشوده میگذارید گفتند همه را میپوشانیم فرمود بلکه همه را گشاده باشد

و عیوب یکدیگر را می بینید و نمی پوشانید تا ترک شهوات نکنید آنچه میخواهید نیابید

و بیکباره نمائید آنچه میخواهید نرسید چشم از مردم و زینت اقبال [illegible]

حاصل این حدیث و حقیقتش مذمت است مر سالکان را از نظر بر عیوب مردم

بلکه مشغول عیوب خود باشید [illegible]

اکثر نماید این حدیث چون التصدق [illegible]

... بیند هر خوشی که گر بدست رسد و هیچ دست چپ را خبر نباشد یا ابن جندب
خیره شود همه در پیش تست تمام خیر در بهشت است و تمام شر در دوزخ که هر دو باقیست
یا ابن جندب خدای تعالی در بعضی وحیها فرموده که نماز کسی را قبول کنم که در پیش عظمت
من تواضع کند و خود را بجهت من از شهوات باز دارد و روز خود را بیاد من کند و نه
بر خلق من تکبر کند و گرسنه را سیر کند و برهنه را بپوشاند و بر مصیبت رسیدگان رحم کند
و غریب را منزل دهد و کسی که چنین باشد نورش مثل آفتاب تابان باشد و در ظلمت نورش دهم
و در جهالت علمش عطا کنم و را بملائکه خود بسپارم و بعزت خود محافظتش کنم و چون
مرا طلبد لبیک گویم و چون سوال کند عطا دهم و چنین بنده در میان مردم مثل فردوس است
که از آفات مصون و از تغیر محفوظ است یا ابن جندب در قیامت میان
... دیوار می نصب کنند مجوف از جواهر و زبرجد و در آن دیبا و سندس
حرارت ... بجوشش آید و دلها بر آید و
... کنند و در امن و امان باشند و هر چه ...

کنند

کنند برای ایشان مهیا باشد و اورا بعقوبت عظیم و عذاب الیم گرفتار ...
باو می حسرت گویند کجا اند آنانکه ما ایشان را امید داشتیم و اولیا بر ایشان ...
حال ایشان خنده کنند و هر کس یکی از اولیای ما را بکلمه
اعانت کند در آن روز بی حساب به بهشت رود

تمت الکتاب بعون الملک الوهاب فی اواخر
شهر رجب المرجب سنه عشر و مائه و الف
من الهجرة النبویة سنه ١١١٠
١٧٣٣
م م م م